

## راهنمای گردشگری عمومی



سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور  
اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای

### راهنمای راهنمای عمومی گردشگری



## راهنمای گردشگری عمومی

۵	توانایی اول.....
۵	کلیات و مفاهیم پایه صنعت گردشگری.....
۷	تاریخچه مسافرت و جهانگردی.....
۱۰	مروری اجمالی بر تاریخچه سفر و سیاحت در ایران.....
۱۵	انواع گردشگری:.....
۲۴	سازمان جهانی جهانگردی (WTO).....
۲۹	فهرست آثار میراث فرهنگی ایران ثبت شده در یونسکو.....
۳۱	محصولات صنعت گردشگری.....
۳۲	حمل و نقل.....
۳۵	خدمات اقامتی.....
۴۱	رستوران و خدمات پذیرایی.....
۴۲	جاذبه های گردشگری.....
۴۴	توانایی دوم.....
۴۴	بررسی ویژگی های جغرافیایی ایران.....
۴۵	تنوع آب و هوایی ایران.....
۴۶	ویژگی های فلات ایران.....
۴۸	جنگل های ایران.....
۵۰	مراتع ایران در کجا قرار دارند؟.....
۵۷	جزایر ایران.....
۵۹	توانایی سوم.....
۵۹	بررسی ویژگی های تاریخی ایران.....
۶۰	تقسیم بندی دوره های باستان شناسی:.....
۶۵	تمدن های رودخانه ای.....
۷۹	مهاجرت آریاییها به ایران.....
۸۰	چگونگی تاسیس مادو قدرت یافتن آن.....
۸۳	سلسله هخامنشیان(۵۵۹ ق.م- ۳۳۰ ق.م).....
۸۷	سلوکیان ۳۳۰-۲۵۰ ق. م.....
۸۹	پارت ها ( ۲۵۰ ق. م تا ۲۲۶ م ).....
۹۳	حکومت ساسانیان ( ۲۲۴ م – ۶۵۲ م ).....
۱۰۰	ورود اسلام به ایران.....
۱۰۱	توانایی چهارم.....
۱۰۱	بررسی ویژگی های فرهنگی و ارتباط آن با مردم شناسی.....
۱۲۳	توانایی پنجم.....
۱۲۳	بررسی روحیات ملل.....
۱۲۷	برخورد دو یا چند فرهنگ.....
۱۲۸	روحیات مردم آلمان.....

## راهنمای گردشگری عمومی

۱۲۹	روحیات مردم فرانسه
۱۲۹	ایتالیا
۱۳۰	هلند
۱۳۰	سوئیس
۱۳۱	دقت ژاپنی
۱۳۲	چین
۱۳۳	مالزی
۱۳۴	هند
۱۳۴	ترکیه
۱۳۵	اعراب
۱۳۶	توانایی ششم
۱۳۶	آشنایی با صنایع دستی ایران
۱۳۸	دستباف های سنتی
۱۴۰	قلمکار
۱۴۲	سفالگری
۱۴۴	مصنوعات چوبی
۱۴۷	حصیر بافی
۱۴۷	گره چینی
۱۴۸	گره سازی
۱۵۰	خاتم
۱۵۳	مصنوعات فلزی
۱۵۴	هنر قملزنی
۱۶۸	نگارگری
۱۷۱	رودوزیهای سنتی
۱۷۳	رنگرزی و چاپ سنتی
۱۷۵	شیشه گری
۱۷۷	سایر مصنوعات صنایع دستی
۱۷۹	توانایی هفتم
۱۷۹	بررسی معماری ایران از دیدگاه گردشگری
۱۸۰	معماری ماد :
۱۸۵	هنر در عصر هخامنشی :
۲۱۶	آثار سلوکیان
۲۱۶	هنر معماری اشکانیان
۲۲۴	فرهنگ و هنر ساسانیان
۲۳۹	تاریخ و معماری دوران اسلامی

## راهنمای گردشگری عمومی

۲۹۱	..... توانایی هشتم
۲۹۱	..... هنر سخنرانی و فن بیان
۳۰۱	..... توانایی نهم
۳۰۱	..... الگوهای رفتاری بین المللی
۳۰۸	..... توانایی دهم
۳۰۸	..... قوانین و مقررات گردشگری
۳۱۳	..... توانایی یازدهم
۳۱۳	..... بررسی مذاهب گوناگون
۳۶۰	..... توانایی دوازدهم
۳۶۰	..... سازماندهی ، برنامه ریزی و اجرای تورهای گردشگری
۳۶۱	..... تعریف تور
۳۶۱	..... اطلاعاتی که برای برنامه ریزی گشت ها مورد نیاز است :
۳۶۳	..... شرایط تنظیم کننده برنامه های جهانگردی
۳۶۳	..... مسائل مربوط به تنظیم برنامه های جهانگردی
۳۶۸	..... هزینه یابی و قیمت گذاری گشت ها
۳۶۸	..... هزینه وسیله نقلیه:
۳۶۸	..... هزینه هتل و اقامت:
۳۶۹	..... هزینه بازاریابی و تبلیغات:
۳۶۹	..... هزینه غذا و نوشیدنی:
۳۶۹	..... هزینه ورودیه ها و بازدیدها:
۳۷۰	..... مراحل اجرای گشت
۳۷۱	..... وظایف اصلی راهنمای تور
۳۷۴	..... منابع و مآخذ:

## کلیات و مفاهیم پایه صنعت گردشگری

### تعاریف و اصطلاحات گردشگری

لغت گردشگری (Tourism) از کلمه Tour به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین Turns به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد، و چرخش دارد که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه، و در نهایت به انگلیسی راه یافته است.

در فرهنگ و بستر، گردشگری: به سفری که در آنجا مسافرتی به مقصدی انجام می‌گیرد و سپس بازگشتی به محل سکونت را در بردارد، اطلاق می‌گردد.

در فرهنگ لغت لانگمن (LongMan.1988)، گردشگری به معنای مسافرت و تفریح برای سرگرمی، معنا شده؛ در فرهنگ لاروس (Larousse.1991) گردشگری به معنای مسافرت برای تفریح (لذت یا رضایت) آمده است؛ و در فرهنگ دهخدا گردشگری، سفر به اقطار عالم به منظور شناخت.

سازمان جهانی جهانگردی (که بسیاری از دولت‌ها در آن عضویت دارند) راهی را برای ارائه تعریفی عمومی از جهانگردی نشان داده شده است. در سال ۱۹۹۱، سازمان جهانی جهانگردی و دولت کانادا، کنفرانس بین‌المللی دربارهٔ مسافرت و آمارهای جهانگردی در اتاوا، کانادا تشکیل دادند که نظر و پیشنهادهایی مربوط به جهانگردی (تعریف و طبقه‌بندی آن) ارائه دادند. تعاریفی که در زیر صورت گرفته، مبتنی بر تعریف‌هایی هستند که سازمان جهانی جهانگردی از جهانگردی و جهانگرد ارائه نموده است. (شکل ۱-۱)

- **توریسم، جهانگردی، گردشگری:** "به عمل فردی که به مسافرت می‌رود و در آن مکان که خارج از محیط زندگی وی است، برای مدتی کمتر از یکسال، جهت تفریح، تجارت و دیگر هدف‌ها اقامت نماید، گفته می‌شود."

- **توریست، جهانگرد، گردشگر:** واژه گردشگر نیز مانند گردشگری تعاریف متعددی دارد؛ در واقع، هر تعریفی از گردشگری را که بپذیریم، واژه گردشگر را هم باید بر همان اساس تعریف کنیم. سازمان جهانی گردشگری در تعریفی کامل گردشگر را چنین توصیف کرده است:

"به کسیکه برای مدت زمانی، دست کم یک شب و کمتر از یکسال به کشوری غیر از وطن یا محل سکونت خود مسافرت می‌کند و هدف او کار کردن و کسب درآمد نیست، توریست گفته می‌شود."

این تعریف شامل کسانی می‌شود که برای تفریح، گذراندن تعطیلات، دیدار دوستان و بستگان، انجام دادن امور تجارت و حرفه‌ای، درمان و زیارت و یا تأمین هدف‌های دیگر به مسافرت می‌روند؛ توجه شود که بازدیدهای یک روزه که گاه آن را تفریح می‌نامند، در این تعریف نمی‌گنجد. همچنین تمام کسانی که صرفاً از مرز خارج می‌شوند - مثل خدمه و کارکنان شرکت‌های هوایی و کشتیرانی، مأموران نیروهای مسلح، صحرائشینان، کارگران

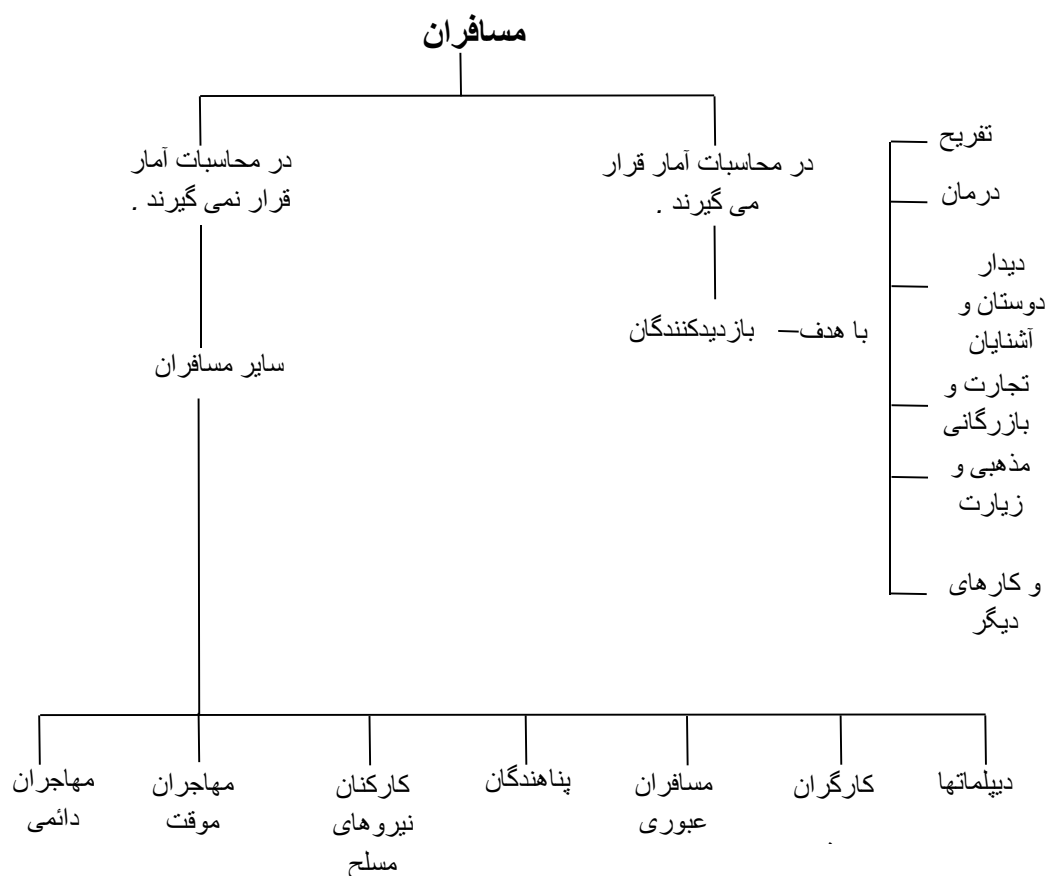
## راهنمای گردشگری عمومی

مرزی ، دانشجویانی که برای تحصیل به کشورهای دیگر می روند و سایر گروه هایی که هدف های دیگری دارند - گردشگر محسوب نمی شوند .

- بازدید کننده ( Visitor ) : گردشگری است که شب را در یک اقامتگاه عمومی یا خصوصی در محل مورد بازدید به سر نمی برد ( مسافرت یک روزه ) .

- بازدیدکننده یک شبهه : کسی که حداقل یک شب را در یک اقامتگاه عمومی یا خصوصی در محل مورد بازدید ، به سر برد .

- مسافر ( Traveler ) : کسی که بین دو یا چند مکان سفر کند.



**شکل 1-1 ، طبقه بندی مسافران در صنعت**

اگر معیار سنجش را کشور قرار دهیم ، می توان عبارت های جهانگردی " بومی " ( داخلی ) ، جهانگردی " درون مرزی " ( ملی ) و جهانگردی " برون مرزی " ( بین المللی ) را به روش های مختلفی بیان نمود و سه دسته بندی زیر را ارائه داد :

- گردشگری داخلی : به ساکنان منطقه ای خاص اطلاق می شود که فقط در منطقه مربوطه سفر می کنند .

- گردشگری ملی: به افرادی غیر از ساکنان منطقه ای خاص گفته می شود که فقط در بین مناطق درون کشور خود مسافرت می کنند .

- گردشگری بین المللی: به افراد ساکن یک منطقه که به کشوری غیر از کشور محل سکونت خود سفر می کنند .

### تاریخچه مسافرت و جهانگردی

از آنجا که واژه مسافرت و جهانگردی به قدمت تمدن است ، تاریخ نشان می دهد که مسافرت همیشه با تجربه های خوش آیندی همراه نبوده است . در این قسمت به طور خلاصه ، مروری بر تکامل تاریخچه جهانگردی از عهد باستان تا دنیای امروز انجام می شود و چالش های پیش روی جهانگردی در حالیکه دنیا پا به هزاره جدید می گذارد ، مورد بررسی قرار می گیرد .

#### - عهد باستان

مردم تمدن های ما قبل تاریخ با انگیزه بدست آوردن غذا ، دوری از خطر و نقل مکان به آب و هوای مساعد ، مسافرت می کردند . با افزایش مهارت و کسب فنون ، نیاز انسان به زندگی بدوی و خانه بدوشی کاهش یافت و دیگر با انگیزه تجارت و معامله کالا مسافرت می کرد . از آنجا که امپراتوری های عهد باستان در قاره آفریقا، آسیا و خاورمیانه ایجاد شدند ، زیر بنای اقتصادی به وجود آمد که باعث ایجاد جاده و راه های آبی و همچنین وسایل نقلیه ای برای سهولت راه شد . در دوره حکومت خانواده های سلطنتی در مصر ، مسافرت با قصد تجارت و تفریح انجام می گرفت که اینگونه مسافرت ها رونق زیادی یافت و در نتیجه در مسیرهای طولانی و شهرها برای پذیرایی از مسافرانی که بین قرارگاه های دولت مرکزی و مناطق خارج از قلمرو مسافرت می کردند ، مهمانخانه هایی ساخته شد . یونانیان باستان در دو مرحله باعث پیشبرد و توسعه مسافرت و جهانگردی شدند ؛ نخست با گسترش ضرب سکه که دیگر مسافران مجبور نبودند به خاطر معاوضه کالاهای مورد نظر ، آنها را با خود حمل کنند ؛ دوم ، با گسترش زبان یونانی در سراسر حوزه مدیترانه که باعث شد مسافران بتوانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند . از آنجایی که بیشتر شهرها و شهرک های یونان در کنار ساحل قرار داشتند ، اصولاً مسافرتها به وسیله خطوط دریایی انجام می شدند . یونانیان علاقه بسیاری به بازدید از شهرها به ویژه آتن داشتند ؛ در ضمن آنها از مسافرت برای تماشای جشن های مذهبی لذت می بردند و می کوشیدند مسابقات المپیک را که هر چهار سال یکبار برگزار می شد را ببینند . زمانیکه امپراتوری روم به قدرت رسید ، طبقه اشراف زاده حاکم ، سرگرم تفریح در دوره ای نسبتاً آرام بودند . آنها همانند یونانیان از مراسم مذهبی و ورزشی لذت می بردند . اشراف زادگان روم علاوه بر دیدن جاهای دیدنی ، از یونان نیز بازدید می کردند . فردی به نام پوسانیاس که اهل یونان بود و در سال ۱۷۰ میلادی کتاب ده جلدی به نام « راهنمای یونان » منتشر کرد تا مسافران را راهنمایی کند . این کتاب برای سیاحان رومی نوشته شد . برعکس اهالی روم به مصر مسافرت می کردند تا از « مجسمه ابوالهول » و « اهرام ثلاثه » دیدن کنند . آسمان مصر همیشه آفتابی بود و آب و هوای گرم و خشکی داشت ؛ از این رو رومی ها جذب این مکان شدند .

## راهنمای گردشگری عمومی

در تمدن های آسیایی هم تاریخ بلند بالایی از سیاحت ، تفریح و گردش وجود دارد ، که نمونه های شناخته شده آن وجود تفریحگاه هایی در مناطق خوش آب و هوای چین و ژاپن است .

### - قرون وسطی ( قرن پنجم تا چهاردهم میلادی )

تجارت و مسافرت در قرون وسطی رونق کمتری داشت ، به صورتی که جاده ها تقریباً از بین رفته و شرایط مسافرت بسیار مشکل و حتی خطرناک شد . طی این دوره ، دیدار از کلیساهای مسیحیان ، نخستین اولویت بود ؛ زیرا صومعه های زیادی در نقاط مختلف پراکنده بودند و راهبان و کشیشان مسیحی مردم را تشویق به زیارت این مکان ها می کردند . در سده چهارم ، مسافرت به قصد زیارت به صورت یک پدیده انبوه و سازمان یافته درآمد . مسیحیان به بیت المقدس و روم مسافرت می کردند و با وجود اینکه این مسافرت ها اساس و رنگ مذهبی داشتند ، مسافرت های تفریحی و اجتماعی هم به حساب می آمدند .

در نیمه دوم سده سیزدهم ، « مارکوپولو » مسیری از اروپا به آسیا تعیین کرد . او در چین پی به یک سیستم جاده ای بسیار عالی ، که برای اولین بار در زمان سلطنت خانواده چو ساخته شده بود ، برد ( ۱۲۲۲-۱۲۲۱ ق.م ) مارکوپولو کتاب خود را بر مبنای این سفر نوشت و این کتاب نخستین منبع اطلاعاتی غرب درباره زندگی شرق در آن دوران قرار گرفت .

نخستین مسافرت کاروانی مربوط به کاروانی است که از ونیز به بیت المقدس می رفت . پیش از شروع سفر ، از مسافران مبلغ مشخصی برای هزینه سفر مانند : رفت و برگشت ، غذا ، استراحتگاه ، حیوان برای حمل مسافر و بار ، و پولی که باید به عنوان رشوه پرداخت می شد ، گرفتند . نخستین نمونه غذاهای فوری امروزی را می توان در مسیر این مسافرت های پر جمعیت مشاهده کرد .

### - رنسانس ( سده چهارده تا هفده میلادی )

در این دوره بیشتر مسافرت ها با هدف کسب دانش و تجربه آموزی انجام می شد . در انگلستان ، ملکه الیزابت اول ، برای تربیت و پرورش نمایندگان خارجی ، مسافرت هایی را برای آنان فراهم می کرد و دانشگاه هایی مانند آکسفورد و کمبریج در انگلستان به همراه بورس تحصیلی برای دانشجویان ایجاد نمود ؛ علاوه بر این جواز مسافرت که دو تا سه سال اعتبار داشت صادر گردید و بدین وسیله محدودیت هایی بر مقدار پول ، تعداد اسب و خدمه ( معمولاً سه نفر ) مشخص شد . برای هر مسافر فقط هنگام خروج از کشور ، گذرنامه ای صادر می شد . مسافران پول نقد کمتری حمل می کردند و در ازای پول نقد زیاد ، از برگ اعتباری که امروزه به چک های مسافرتی معروف اند ، استفاده می نمودند .

کاروان های مسافرتی دوره الیزابت پس از چندی ، دارای ساختار و سازمان منظمی گردیدند و آن را « گراند تور » نامیدند . این کاروان ها کار خود را در نیمه سده هفده شروع کردند و تا نیمه سده نوزده پابرجا بودند . بیشتر اعضاء



## راهنمای گردشگری عمومی

این کاروان ها برای کسب دانش و تجربه های جدید به مسافرت می رفتند . گراند تور یک راهنمای سفر داشت که در سال ۱۷۷۸ میلادی توسط توماس نوگنت تهیه شد و پر فروشترین کتاب ، معرفی گردید .

### - انقلاب صنعتی ( ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ )

انقلاب صنعتی که از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ ادامه یافت ، پایه و اساس گردش های دسته جمعی را ، که امروز ما با آن آشنا هستیم ، به وجود آورد . در این دوره تغییرات اقتصادی و اجتماعی عمیقی به وجود آمد که از آن جمله مهاجرت کارگران کشاورز از مناطق روستایی و روی آوردن آنها به شهر نشینی بود . انقلاب صنعتی ، قدرت بخار را که در قطارها و کشتی ها مورد استفاده قرار می گرفت ، معرفی کرد . تغییرات اجتماعی ، موجب تغییر مشاغل و گسترش طبقه میانی اجتماع گردید و این طبقه توان بیشتری یافت تا بیشتر به مسافرت و تفریح برود ؛ در نتیجه افزایش تقاضا برای مسافرت ، باعث شد که مسافرت های تخصصی طبقه اشراف گراند تور ، شکل تازه ای به خود بگیرد و به مسافرت های تفریحی در سطح عمومی تبدیل شود .

در ابتدا مسافرت های تفریحی یک روزه بودند ؛ زیرا هم مردم دارای توان مالی زیاد نبودند و هم اینکه روزهای کاری هفته پنج روز نبود . در پایان سده نوزدهم ، کارگران تعطیلات سالانه داشتند . بوجود آمدن تقسیم کار بعد از انقلاب صنعتی ، موجب شد تا افراد برای اوقات فراغت خود برنامه ریزی نموده و به بهترین نحو از آن استفاده نمایند .

در قرن نوزدهم میلادی ، دو پیشرفت عمده تکنولوژیک بر گسترش صنعت گردشگری تأثیرات جدی گذاشت . تردیدی نیست که نخستین آنها معرفی صنعت حمل و نقل ریلی بود . دومین عنصر مهم در این زمینه نیز تولید کشتی بخار به حساب می آمد . چنین شد که گردشگری و فعالیت های مرتبط با آن به صورت یک فعالیت اقتصادی ، توجه مردمان را بیش از پیش به سوی خود جلب کرد تا آنها به عنوان یک کسب و کار به این فعالیت بنگرند .

شاید نخستین دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری در ۱۸۲۲ توسط « روبرت اسمارت (Robert Smart) » در بریستول انگلستان تأسیس گردید . آنچه این دفتر بر عهده گرفت ، مشتری یابی برای کشتی های تجاری بود که در کانال بریستول میان بنادر مختلف انگلستان و ایرلند سفر می کردند .

اولین قطار تفریحی نیز در ۱۸۴۱ توسط « توماس کوک ( Thomas Cook ) » میان لیستر و لاف برو در انگلستان به راه افتاد . شاید این اولین سفری باشد که برای برگزاری آن اطلاع رسانی عمومی انجام پذیرفت .

به احتمال قوی اولین تورهای تخصصی نیز از سوی « توماس بنت ( Thomas Bennett ) عضو سفارت انگلستان در اسلو نروژ و برای گرداندن انگلیسی های سرشناسی که به این شهر سفر می کردند ، ترتیب داده شده است . در قرن نوزدهم مسافرت توسط دلیجان نیز عمومیت یافت و قهوه خانه های بین راهی ، ما حصل این امر به حساب می آیند .

اتومبیل در آغاز قرن بیستم میلادی و با اختراع مدل T فورد توسط « هنری فورد » در سال ۱۹۰۸ بطور جدی به عرصه حمل و نقل وارد گردید . امروزه در اقتصادهای پیشرفته ، بیش از ۸۴ درصد سفرهای درون شهری و ۸۰ درصد کل سفرها ، توسط خودروها انجام می پذیرد .

## راهنمای گردشگری عمومی

کمتر از دو دهه بعد از نخستین پرواز هواپیما، صنعت گردشگری نیز شاهد حضور حمل و نقل هوایی گردید؛ این به سال ۱۹۱۸ باز می‌گردد که شرکت «لوفت هانزا» در آلمان نخستین پروازهای مسافربری زمانبندی شده را آغاز کرد و میان برلین و لایپزیک پرواز برقرار شد.

اولین پرواز ما بین دو سوی اقیانوس اطلس از سوی «چارلز لیدنبرگ» میان نیویورک و پاریس در سال ۱۹۲۷ اجرا گردید. در دهه ۱۹۵۰ میلادی اختراع موتور جت، تحولی جدی در صنعت حمل و نقل هوایی و در واقع در صنعت گردشگری به حساب می‌آید.

### مروری اجمالی بر تاریخچه سفر و سیاحت در ایران

مهمترین مسافرت دسته جمعی که به نوعی با تاریخ ایران پیوند خورده است را باید مهاجرت اقوام آریایی از روسیه به ایران دانست. مادها در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد در ایران سکنی گزیدند. آنها علاوه بر اسب از سایر حیوانات همچون شتر و گاو برای حمل و نقل استفاده می‌کرده و با کاربرد ارابه در حمل و نقل آشنا بوده‌اند. با به قدرت رسیدن کوروش کبیر و بنا نهادن امپراتوری هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م) به منظور تسهیل ارتباط بخش‌های گوناگون امپراتوری، به بهبود و توسعه راه‌ها اهتمام ورزیده شد. گزارش هرودوت در شرح لشکر کشی کوروش به لیدی، نشان می‌دهد که برای نخستین بار در تاریخ به فرمان کوروش بر روی رودخانه‌ها پل زده شد.

در دوره داریوش، راه شاهی به مسافتی در حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مورد بهره برداری قرار می‌گرفت که از تخت جمشید تا سارد امتداد داشته است. در این راه نیز کاروانسراها و ایستگاه‌های شاهی، به منظور رفاه مسافران تأمین شده بود. به منظور نگهداری راه‌ها و رسانیدن نامه‌ها، تشکیلات اداری وسیعی با عنوان «دیوان برید» تأسیس گردیده بود. راه شاهی در رونق بازرگانی و جابجایی سریع، در اقصی نقاط امپراتوری، مردمان را یاری می‌رسانید. چنانچه حمل و نقل کالا به کمک این مسیر در مدتی در حدود ۹۰ روز میسر بود. این جاده دارای ۱۱۱ ایستگاه و استراحتگاه بود.

نخستین مرادۀ سیاسی - تجاری مهم میان ایران و چین، به سفر نماینده خاقان چین به ایران در عهد اشک نهم (مهرداد دوم) ۸۶ تا ۱۲۴ ق.م باز میگردد. این مرادۀ را در واقع می‌توان مبنای شکل‌گیری راه ابریشم دانست. راه ابریشم از دروازه یشم در چین آغاز میگردد و ضمن تقسیم شدن به شاخه‌های فرعی، مسیر نهایی آن به افسوس در سواحل دریای مدیترانه، ترکیه و پالمیرا در سوریه ختم میگردد. مسیر اصلی این راه در ایران قدیم از شهرهایی همچون سمرقند، نیشابور، دامغان، سمنان، ری، قزوین، سراب، تبریز، مرنده و خوی می‌گذشته است. البته شاخه‌های فرعی آن در ایران از شهرهای متعدد دیگری، در فلات مرکزی کشور عبور می‌کرده است. باید گفت که جاده ابریشم بیش از بیست قرن پیش، شرق و غرب جهان مسکون را به هم پیوند زده بود.

شاید بتوان گفت که مارکوپولو، تاجر ونیزی، نخستین کسی بود که در قرن سیزدهم میلادی، مسیر جاده ابریشم را از ایتالیا تا چین پیمود.

## راهنمای گردشگری عمومی

در عهد ساسانیان ، راه ها به قرار پیشین بودند ؛ در ضمن آنکه ایشان نیز همانند اشکانیان برای تأمین هزینه نگهداری راه ها ، مالیات هایی از کالاهای بازرگانی اخذ می نمودند .

آغاز دوران اسلامی با رکود سفر و تجارت در ایران همراه بود ؛ لیکن با گذشت تقریباً دو قرن ، تجارت و سفر ، رونق پیشین خود را بازیافت . در زمان حکومت سلجوقیان و صدارت خواجه نظام الملک ، ایجاد راه های جدید و تأمین امنیت آن ها ، طرف توجه دولت قرار گرفت که رونق تجارت را به دنبال داشت . سیر و سیاحت در این دوران در ایران و سایر سرزمین های اسلامی بسیار آسان بود ؛ زیرا هرکس برای کمک به دیگری آماده بود و حس مهمان نوازی شرقی و توصیه های دینی به رعایت حرمت مسافران ، احداث ابنیه های عام المنفعه و برقراری موقوفات به منظور پذیرایی از گردشگران سفر را برای مردم تسهیل می نمود . چنانچه بر خانقاه شیخ ابوالحسن خرقانی ، این جمله معروف حک می شود که :

« هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید ، چه آنکس که به درگاه باریتعالی به جان ارزد ، البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد . »

پس از استیلای مغولان بر ایران و دوران ناامنی و غارت ، نخستین اقدامات به منظور ایمن کردن راهها به عمل آمد ، که از آن جمله می توان به احداث چاپارخانه هایی که در زبان مغولی به **یامخانه** معروف بود ، اشاره کرد . علیرغم آشفتگی های اوایل دوران صفوی ( قرن دهم هجری ) که به تجارت لطمه بسیار زد ، گاه و بیگاه مسافرانی با مقاصد تجاری - سیاسی از اروپا به ایران مسافرت می کردند ؛ اما در دوران شاه عباس اول ، امنیت عمومی و ثبات سیاسی ، مهمترین عامل توسعه اقتصادی کشور و رونق سفر به ایران به حساب می آمد . در این دوران ، شبکه راه های مهمی احداث گردید که هنوز نیز گاه به راه های شاه عباسی شهرت دارند . در این دوران بود که احداث راه هایی با جنبه گردشگری نیز مورد توجه قرار گرفت .

از آن جمله راه " فرح آباد " بود که به کمک آن ، امکان سفر به شمال کشور و بهره برداری از سواحل زیبای دریای مازندران برای طبقات مرفه فراهم گردید . همچنین تأسیساتی ایجاد شد که در حکم پلاژها و ویلاها و کاخ های امروزی هستند . افسانه ۹۹۹ کاروانسرای شاه عباسی نیز حکایت از اهتمام این پادشاه در گسترش امکانات رفاهی برای مسافران است ؛ اما جالب توجه است که اسباب سفر در عهد صفوی در ایران همچنان منحصر به چهارپایان بوده و از وسایل چرخدار استفاده نمی شده است . سلطه افغانه در ایران در پایان عصر صفوی ، دیگر بار به رکود سفر و تجارت منجر گردید ، تا اینکه نادرشاه افشار در قرن ۱۲ هجری ، با بیرون راندن افغانه ، دیگر بار کشور را آباد ساخت .

در دوران قاجاریه ، ایران به محلی برای آمد و شد نمایندگان سیاسی کشورهای غربی مبدل شد . تا عصر صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر ، تحولی جدی در گسترش امکانات سفر پدید نیامد ؛ لیکن امیر کبیر کوشید تا میراث هخامنشی را در تأسیس چاپارخانه و امنیت راهها باز زنده سازد و به امور آنها اهتمام ورزیده شد ؛ لیکن پس از وی دوباره اقدامات اصلاحی او به فراموشی سپرده شد .

## راهنمای گردشگری عمومی

نخستین کالسکه ها احتمالاً در دوران قاجاریه در کشور و در مسیرهایی نظیر تهران - تبریز به راه افتادند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۲۹۹ هجری ، مهندس فرانسوی به نام بوآتال ، امتیاز راه آهن حضرت عبدالعظیم را از ایران تحصیل نمود و با مشارکت بلژیکی ها ، ساختمان این خط آغاز گشت . این خط بطول ۸/۷ کیلومتر در سال ۱۳۰۱ بدست ناصرالدین شاه قاجار افتتاح گردید . مظفرالدین شاه در سفر نخست فرنگ خود به سال ۱۳۱۷ ه. ق در بروکسل یک دستگاه اتومبیل که با زغال سنگ کار می کرد، خریداری نمود. این نخستین خودرویی بود که به کشور وارد شد .

در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی ، برای اولین بار در وزارت داخله ( کشور) اداره ای به نام اداره جلب سیاحان خارجی و تبلیغات تأسیس گردید و انجام امور مربوط به جهانگردی کشور بر عهده آن اداره محول گردید .

از سال ۱۳۱۵ هجری شمسی ، مؤسسه مهمانخانه ها ، با بهره برداری از چند مهمانخانه دربند ، مهمانخانه گچسر ، مهمانخانه چالوس ، مهمانخانه قدیمی رامسر و غیره فعالیت هتلداری خود را آغاز نمود .

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی ، نخستین آژانس جهانگردی ایران در تهران تأسیس شد .

در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی ، اداره جلب سیاحان خارجی و تبلیغات ، جای خود را به شورای عالی جهانگردی داد ، که هفته ای یکبار در وزارت کشور تشکیل جلسه می داد .

در سال ۱۳۳۳ شمسی ، بار دیگر اهمیت جلب سیاحان و سیر و سیاحت با توجه به جنبه های اقتصادی و تحکیم مبانی حسن تفاهم میان افراد کشورهای مختلف ، مورد توجه واقع شد و اداره امور جهانگردی در وزارت کشور متمرکز گردید .

در سال ۱۳۴۰ شمسی ، شورای عالی جهانگردی مرکب از ۱۲ نفر از نمایندگان وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و ۳ نفر از اشخاص مطلع و بصیر در امر جهانگردی ، بموجب تصویب نامه هیئت وزیران وقت تشکیل شد که وظیفه آنها تعیین خط مشی و برنامه های اجرایی اداره امور جهانگردی کشور بود و اصولاً بر امور مربوط به جهانگردی کشور در سطح عالی نظارت داشت .

طی تصویب نامه ای که در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۴۲ شمسی ، به تصویب هیئت وزیران وقت رسید ، سازمانی به نام « سازمان جلب سیاحان » تأسیس گردید ؛ که هدف از تشکیل آن ، معرفی بیشتر کشور ایران و تشویق جهانگردان

---

1- میرزا محمد حسین حسینی فراهانی ، یکی از جهانگردان ایرانی است که در سال 1302 ق به قصد خانه خدا ، عازم مکه شد و به فرمان ناصرالدین شاه ، سفرنامه مفصلی نوشت . او در بخشی از سفرنامه خود به چند نوع وسیله نقلیه اشاره کرده است :

1- **تران تاس** : این وسیله چهار چرخه ای است شبیه دلجان ، که کروک دارد و فنر ندارد و فقط برای سه نفر جا دارد .

2- **تروکه** : کالسکه ای که فاقد کروک و فنر است و سه نفر به سختی در آن می نشینند .

3- **درشکه** : این وسیله کروک و فنر دارد و برای سه نفر جا دارد .

4- **کالسکه** : وسیله ای است دارای کروک و فنر و چهار نفر مسافر می تواند با آن سفر کند .

5- **دلجان** : چهار چرخه ای است فزدار و سر بسته ، شبیه به کالسکه که برای ده نفر جا دارد .

## راهنمای گردشگری عمومی

خارجی و ایرانگردان به بازدید از آثار باستانی - تاریخی و مناظر طبیعی ایران بود. بدین منظور که این امر موجب تحصیل خارجی بیشتر، توسعه و ترویج صنایع ملی و کمک به صاحبان حرفه های مختلف گردد.

در سوم تیرماه ۱۳۵۳ با توجه به گسترش، و نیز به منظور هماهنگ شدن سیاست جهانگردی و اطلاعاتی کشور در داخل و خارج از مرزهای ایران، بموجب قانون، سازمان جلب سیاحان و وزارت اطلاعات در یکدیگر ادغام شدند و وزارتخانه جدیدی به نام «وزارت اطلاعات و جهانگردی» به وجود آمد.

وزارت اطلاعات و جهانگردی در سال ۱۳۵۷ شمسی پس از پیروزی انقلاب، به وزارت ارشاد ملی و سپس به وزارت ارشاد اسلامی تغییر نام داد و حوزه معاونت جهانگردی این وزارتخانه، سرپرستی امور جهانگردی کشور را به عهده گرفت. با تشکیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت سیاحتی و زیارتی این وزارتخانه، دفتر ایرانگردی و جهانگردی را به منظور برنامه ریزی صنعت توریسم، آموزش دست اندرکاران صنعت جهانگردی، درجه بندی نظارت و نرخ تأسیسات، برقراری ارتباط بین المللی با نهادها و ارگان های جهانگردی تشکیل داد. این دفتر بعد از مدتی برابر مصوبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی به نام سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی تغییر نام داد، که عملاً از ادغام چهار شرکت دولتی به اسامی: شرکت سهامی تأسیسات جهانگردی، شرکت سهامی گشت های ایران، شرکت سهامی مراکز خانه های ایران و شرکت سهامی مراکز جهانگردی برای ورزش های زمستانی به وجود آمد و با خط مشی تازه و هدف های مشخص به منظور مدیریت و بهره برداری از ۱۴۴ واحد پذیرایی، مهمانسراها، هتل و تأسیسات توریستی سراسر کشور و ارائه خدمات جهانگردی شروع به کار کرد.

در سال ۱۳۶۵ وزارت فرهنگ و هنر با وزارت ارشاد اسلامی ادغام شد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس گردید.

در سال ۱۳۷۰ به منظور توسعه صنعت جهانگردی کشور، ضمن تجدید نظر در تشکیلات حوزه معاونت سیاحتی و زیارتی، امور ایرانگردی و جهانگردی، برعهده واحدهای تابعه آن: دفتر برنامه ریزی و امور فنی، اداره کل نظارت بر خدمات سیاحتی و زیارتی، مرکز تحقیقات و مطالعات ایرانگردی و جهانگردی و مرکز آموزش جهانگردی گذاشته شد.

در سال ۱۳۷۶ شمسی، حوزه معاونت امور سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی در یکدیگر ادغام شدند و سازمان ایرانگردی و جهانگردی کشور به عنوان یکی از سازمان های تابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متولی اداره امور گردشگری گردید. با جدا شدن سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادغام آن دو با یکدیگر در سال ۱۳۸۲ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تأسیس گردید که ریاست آن معاون رئیس جمهور محسوب می شود.

در سال ۱۳۸۴ سازمان صنایع دستی با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام شده و تشکیل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را دادند.

در سالهای اخیر گردشگری به عنوان صنعت بدون دود، منبع درآمد سرشار در تجارت جهانی و عنصر مهمی در بهبود و تنظیم موازنه بازرگانی و تراز پرداخت های بسیاری از کشورها شده است، این صنعت یک صنعت منحصر به

## راهنمای گردشگری عمومی

فرد اقتصادی تلقی شده و طرفداران بسیاری دارد. رشد قابل توجه و چشمگیر گردشگری در پنجاه سال اخیر نشان دهنده اهمیت فراوان اقتصادی و اجتماعی این پدیده است. گردشگری در تولید ناخالص ملی نقش مهمی ایفا می‌کند، «تراز پرداخت‌ها، که نشان دهنده معاملات بین‌المللی هر کشور است، را متوازن می‌سازد. لوئیس ترنر (Termer) گردشگری را امیدبخش‌ترین و پیچیده‌ترین صنعتی می‌داند که جهان سوم با آن روبرو است و معتقد است گردشگری بیشترین قابلیت را برای جانشینی دیگر صنایع درآمزا دارد.» (لی، ۱۳۷۸: ۱) توسعه گردشگری موجب رونق اقتصادی و کاهش فقر می‌شود همچنین تأثیر به‌سزایی در افزایش درآمد و کاهش بیکاری و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی دارد. علاوه بر آن گردشگری عاملی است برای گفتگوی بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و از نظر سیاسی نیز، روابط بین ملل و دول را متعادل‌تر و نزدیک‌تر می‌سازد. از لحاظ مذهبی نیز بسیاری از ادیان تأکید ویژه‌ای بر سیر و سفر در نقاط مختلف جهان به منظور کسب علم و دانش داشته‌اند.

گردشگری در سطوح بالای اقتصادی و اجتماعی باعث شکوفایی استعدادها و ارتقای آموزشی در همه زمینه‌ها می‌شود. کشورهایی که در صنعت گردشگری فعال می‌شوند میلیون‌ها گردشگر را جذب می‌نمایند، در کنار تولیدات انبوه صنعتی کم‌ارزش، در زمینه تولیدات هنری با کیفیت عالی به مقدار کم ولی با ارزش زیاد نیز موفق می‌گردند. از سوی دیگر به دلیل زیرساخت‌های تکنولوژیکی - فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده در قرن بیست و یکم پدیده گردشگری یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در رفتار و عمل انسان برای ارضای روح کنجکاو او خواهد بود. گردشگری به دلیل ماهیت و توانایی در جهت اقتصاد عصر پسا ساختاری، موجب تسریع در شکل‌گیری دهکده جهانی خواهد شد. گردشگری در روند رو به رشد خود حتی حکومت‌های غیردموکراتیک، سنتی و درونگرا را نیز مجبور خواهد کرد تسهیلاتی در کلیه زمینه‌ها برای توسعه آن ایجاد کنند.

کشور ایران که دارای توانایی‌های بالقوه عظیمی در زمینه‌های زیست محیطی، تاریخی، میراث فرهنگی و غیره است نمی‌تواند و نباید به دلیل مسائل سیاسی و نگرانی‌های فرهنگی - اجتماعی خود را از این جریان اقتصادی دور نگه دارد و از سوی دیگر بازار بین‌المللی گردشگری نیز نمی‌تواند از جاذبه‌های ایران برای گردشگری چشم‌پوشی کند. در این مبحث به تحلیل انواع گردشگری و وضعیت موجود ایران می‌پردازیم.

### انواع گردشگری:

گردشگری انواع مختلفی دارد و شناخت انواع گردشگری برای برنامه‌ریزی در عرصه گردشگری اهمیت اساسی دارد. چرا که تقاضاها و خدمات مورد نیاز گردشگران مختلف یکسان نیست؛ برای مثال گردشگرانی که به قصد دیدار اقوام و دوستان مسافرت می‌کنند معمولاً به هتل و حتی رستوران بیرون از منزل نیاز ندارند، اما از سایر امکانات و تسهیلات استفاده می‌کنند. در مقابل، برای گردشگرانی که به قصد تجارت سفر می‌کنند، ممکن است امکاناتی همچون هتل و تسهیلات اقامتی اهمیت زیادی داشته باشد و از طرفی علاقه‌ای به بازارهای محل نداشته باشند. همچنین احتمال دارد گردشگر روستایی (rural tourist) هیچ تمایلی به خدمات شهری نداشته باشد و تمام مدت سفر خود را در روستا اقامت نماید. بر این اساس تاکنون صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی با توجه به معیارهای مختلف، دسته‌بندی‌های متعددی از گردشگری، ارائه کرده‌اند برای مثال می‌توان به mass tourism و alternative tourism اشاره کرد. گردشگری انبوه عبارت است از گردشگری معمولی که در سطح گسترده در سراسر جهان وجود دارد. گردشگری جایگزین نوعی از گردشگری است که در واکنش به توسعه عنان گسیخته گردشگری انبوه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطرح شده و هدف آن به کارگیری شیوه‌های نوین در گردشگری به جای روش‌های مخرب گردشگری است. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۵) در یک تقسیم‌بندی دیگر، گردشگری به سه نوع فرهنگی، طبیعت‌گرای و ماجراجویانه تقسیم شده است که به طور مختصر از آن به عنوان گردشگری (ACE) Adventure Culture Ecotourism یاد می‌شود. (Fennel، ۲۰۰۳)

انواع دیگر گردشگری در حال افزایش است نظیر گردشگری فضایی، گردشگری الکترونیکی و اینترنتی که در سال‌های اخیر آغاز شده است. در گردشگری‌های امروزی (New Age tourism) مسافران قصد دارند از دنیای مادی فاصله گرفته و به مفهوم عمیق و معنوی‌تری از زندگی دست یابند. (چاک‌وای، ۱۳۸۵: ۱۶۰) با توجه به نوع نظام حکومتی، مقررات و اعتقادات جامعه ایران امکان انواع گردشگری که به قصد تفریح و سرگرمی رواج دارد فراهم نمی‌باشد و یا بسیار محدود است. لذا جذب گردشگرانی که با انگیزه‌های فرهنگی، آشنایی با آداب و رسوم جوامع روستایی و اقوام، بازدید از آثار تاریخی، طبیعت‌گردی و انجام فعالیت‌های ورزشی مثل کوهنوردی اقدام به سفر می‌کنند، میسر می‌باشد. بنابراین ایران برنامه‌های عمده خود را در این نوع گردشگران می‌تواند متمرکز کند. لازم به ذکر است در ایران انواعی از گردشگری رواج دارد که در دیگر کشورها چندان رایج نیست مثل گردشگری آثار جنگ، گردشگری زیارت اهل قبور که به منظور بازدید از قبور خویشتاوندان و کشته شدگان جنگ صورت می‌گیرد. در گردشگری آثار جنگ، ایرانیان از میدین جنگ، گورستان‌های جمعی، اماکن و اسارتگاه‌ها و آثار بازمانده از جنگ بازدید می‌کنند که به دلیل هشت سال جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰ بیشتر در مناطق غرب ایران آثار مخرب خود را بر جای گذاشت.

۱) گردشگری فرهنگی: طبق آمار سازمان جهانی گردشگری ۳۷ درصد گردشگری بین‌المللی با انگیزه فرهنگی انجام می‌شود و این تقاضا در حال افزایش است. رشد گردشگری فرهنگی و گردشگری میراث (heritage tourism) به

## راهنمای گردشگری عمومی

عنوان عناصر گردشگری نوین، توجه سیاستگزاران و محققان را در سراسر دنیا به خود جلب کرده است. «گردشگری فرهنگی عبارت است از مسافرت افراد از محل سکونت خود به مکان‌هایی که جاذبه‌های فرهنگی دارند. این جا به جایی به قصد کسب اطلاعات و تجارت برای ارضای نیازهای فرهنگی گردشگران انجام می‌شود.» (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۴)

از جمله ویژگی‌های گردشگران فرهنگی می‌توان به سطح بالای تحصیلات آنان، بالا بردن میانگین سنی آنان و شاغل بودن آنان اشاره کرد. «گردشگری فرهنگی مایل به آشنایی با فرهنگ مناطق مختلف، خواهان کاوش در چشم‌اندازهای فرهنگی جوامع انسانی و درک آنها است (tribe, ۱۹۹۷, ۷۳) در این نوع گردشگری به جذابیت‌های فرهنگی توجه می‌شود. از قبیل موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، ارکسترها، نمایشنامه‌ها، هنرهای دستی، معماری در ایران علاوه بر موارد فوق، آئین‌های سنتی نظیر تعزیه، مراسم چهارشنبه سوری، جشن‌های مذهبی زرتشتی و اسلامی، عزاداری‌ها مانند محرم و ... نیز از جذابیت‌های فرهنگی می‌تواند تعریف شود. در سال‌های اخیر از سوی مسئولان گردشگری ایران بارها در خصوص میزان اهمیت گردشگری فرهنگی و سهمی که ایران می‌تواند در این زمینه به دست آورد تأکید شده است و ایران در تلاش است در نبود امکانات و شرایط مناسب در دیگر انواع گردشگری، این نوع گردشگری را تبلیغ و رواج دهد.

**۲) گردشگری هنری:** «گردشگری هنری در پی شناخت هنرهای ملل دیگر و آگاهی از آنان است» (پاپلی، ۱۳۸۵، ۴۷) ایرانیان از هزاران سال پیش در زمینه انواع هنرها مانند: معرقکاری، کاشیکاری، قالیبافی، نمدمالی، نقاشی، خوشنویسی، مینیاتور و غیره دارای ابداعات و آثار با ارزشی بوده اند که خوشبختانه بسیاری از آنها باقی مانده اند و از جاذبه‌های ایران برای گردشگران هستند.

**۳) گردشگری تاریخی:** این گونه از گردشگری که گردشگری میراث نیز نامیده می‌شود و به بازدید از موزه‌ها، مکان‌ها و ابنیه تاریخی می‌پردازد، امروزه بخش عمده‌ای از گردشگری را به خود اختصاص داده است. ایران به دلیل دارا بودن هزاران ابنیه با ارزش تاریخی (یک میلیون و دویست) در این زمینه می‌تواند بسیار موفق باشد.

**۴) گردشگری تفریح و تفریح:** در صنعت گردشگری مسافرت برای تفریح در کانون توجه است. در کشورها یا مکان‌هایی که پذیرای گردشگرند، کسانی مسافر تفریحی محسوب می‌شوند که در مقصد به تفریح و تفریح می‌پردازند، از اماکن دیدنی بازدید می‌کنند، سوغات می‌خرند، عکس می‌گیرند و سرانجام اینکه برای دوره‌های کوتاه مدت در آن مکان‌ها اقامت می‌گزینند. در این نوع گردشگری، گردشگری ساحلی بسیار مورد توجه است و گردشگران معمولاً برای بهره‌برداری از چهار S (sun, sea, sex, sand) به سواحل نقاط مختلف سفر می‌کنند. در این نوع گردشگری کشورهایی همچون اسپانیا، ایتالیا، ترکیه، یونان، آمریکا توانسته‌اند بیشترین جاذبه‌ها را فراهم آورند. بیشتر تلاش بازاریابها و پژوهشگران صرف درک این گروه می‌شود و می‌کوشند تا چنین گردشگری را میان گروه‌هایی از افراد



که از نظر اجتماعی، ترکیب جمعیتی یا روان شناسی ویژگی‌های مشابه دارند، تقسیم کنند. با توجه به اینکه ایران کشور گرمی است و هزاران کیلومتر مرزآبی با دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب دارد در این زمینه کشوری با توانایی‌های بالقوه است، اما به دلایل قانونی، عرفی و مذهبی تمایلی به رواج این نوع گردشگری وجود ندارد. به ویژه مسئله SEX به عنوان یک تابو مطرح می‌باشد و به طرق مختلف مثل حجاب، جلوگیری از روابط دختر و پسر، ممنوعیت ایجاد اماکن رقص، کلپ‌های شبانه، کازینو، مشروبات الکلی، گردشگری تفریحی تحت فشار می‌باشد و به نظر نمی‌رسد تا سال‌های آینده تغییرات عمده‌ای در جهت آزادی اینگونه محدودیت‌ها رخ دهد.

**۵) گردشگری دریایی:** گردشگری که از ساحل دور می‌شود و به وسط دریا و اقیانوس منوط می‌شود، و از دهه ۱۹۸۰ در حال گسترش است. کشتیهای بزرگ اقیانوس پیما که گردشگران را پذیرا می‌شوند و انواع تفریحات سالم و ناسالم را برای آنها فراهم می‌کنند در حال گسترش اند. کشتی تایتانیک نمونه مشهور آن است، و کشتی بزرگ کوین که سالن کنفرانس آن ۱۰۸۰ نفر گنجایش دارد و آن قدر مهم است که به دست ملکه الیزابت، پادشاه انگلستان افتتاح شد.

سایر تفریحات دریایی، مثل غواصی، صید، شکار و مشارکت در پژوهشها (به عنوان گردشگر) در حال گسترش می‌باشد. ولی این شاخه از گردشگری دریایی نسبت به شاخه ساحل دریا درصد بسیار کوچکی از گردشگران را جذب می‌کند. (پاپلی یزدی، ۵۶، ۵۵، ۱۳۸۵)

**۶) گردشگری طبیعت گردی:** گردشگری طبیعت نوعی توریسم طبیعی و پایدار است که با مشارکت گردانندگان بومی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های بومی و طبیعی گردشگری میسر می‌شود. سازمان جهانی گردشگری؛ اکوتوریسم را اینگونه تعریف می‌کند: «نوعی از گردشگری که در آن مسافرت به مناطق طبیعی (که به نسبت بدون آسیب مانده) با اهداف مطالعاتی و بهره‌بصری از مناظر و رستنی‌های طبیعی و حیات وحش و با توجه به جنبه‌های فرهنگی هم در گذشته و هم در حال صورت می‌پذیرد.»

گستره فضایی این الگو، محیط طبیعی مثل ساحل، جنگل، کوه، کویر، غار و نظیر اینها است. این الگوی فضایی از گردشگری در برگیرنده گونه‌های متفاوتی از گردشگری شامل گردشگری زیست محیطی، گردشگری دریایی، گردشگری ورزشی، گردشگری صید و شکار، جمع‌آوری گیاهان و حیوانات و نظیر اینها است. طبق برآورد انجمن گردشگری زیست محیطی، گردشگری طبیعت یا طبیعت گردی ۲۰ درصد و گردشگری زیست محیطی ۷ درصد بازار مسافرت جهانی را در اختیار داشته است. درآمد این نوع گردشگری اغلب جهت حفاظت از محیط و یا امور تحقیقاتی هزینه می‌شود و تنها تعداد کمی از کشورها نظیر کنیا بخشی از درآمدهای به دست آمده را صرف امور دیگری می‌نمایند. «گردشگری زیست محیطی، سرمایه و پول فراوانی را از نواحی مرکز به پیرامون می‌برد و بدین ترتیب عدالت اقتصادی پدید می‌آورد.» هر گونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه اکوتوریسم باید واجد شرایطی باشد که در وهله اول موجب توسعه اقتصادی جوامع باشد و دیگر تضاد میان منابع مورد استفاده گردشگران و زندگی ساکنان

## راهنمای گردشگری عمومی

بومی را به حداقل برساند و چگونگی توسعه گردشگری در این بخش نباید تعارضی با ویژگی‌های اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی جوامع محلی داشته باشد.

**دولت برای رشد این بخش باید چندین اقدام اساسی انجام دهد که عبارتند از:**

الف) بکارگیری نیروهای محلی در این بخش،

ب) افزایش کیفیت طبیعت،

ج) پاکسازی دائمی محیط و دور نگهداشتن آن از آلودگی‌های صوتی، زباله و ازدحام بیش از حد،

د) فراهم نمودن تسهیلات برای تشکل‌های غیردولتی و انجمن‌های محلی برای مشارکت در طرح‌های اکوتوریسمی،

ایجاد مؤسسات و آزمایشگاه‌های ولو کوچک در جهت شناسایی و تقویت زیست بوم منطقه،

و) تأسیس یگان ویژه محافظت.

ایران در این زمینه نیز دارای قابلیت‌ها و جاذبه‌های فراوانی است همین بس که از سوی رئیس سازمان جهانی

گردشگری به عنوان یکی از پنج کشور دارای بیشترین تنوع زیتسی و جانوری در دنیا نام برده شده است.

**۸) گردشگری تجاری و بازرگانی:** در سفرهایی که با هدف بازرگانی و تجارت انجام می‌شود، مسافر در گردهمایی‌ها،

کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها، شوراها، برنامه‌های مذهبی، تبلیغی و کارهای حرفه‌ای یا تخصصی شرکت می‌کند. یکی از

مهم‌ترین پدیده‌های قابل مشاهده در سفرهای بازرگانی سفر چند منظوره است؛ به این معنی که مسافر می‌تواند با یک

سفر، چندین هدف را تأمین کند، برای مثال هنگامی که فردی با هدف بازرگانی به همراه همسرش سفر می‌کند، یا

زمانی که تعطیلات خانوادگی با مسافرت بازرگانی یا شرکت در سمینار هم زمان شود، نوعی مسافرت دو منظوره

مشاهده می‌شود. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۸۲) کشورهای همچون آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلیس بیشترین مسافران تجاری را

به خود جلب می‌نمایند حتی در آمریکا ۲۵ درصد مسافران را این نوع گردشگران تشکیل می‌دهند. به دلیل وضعیت

اقتصادی ایران و نیز اوضاع سیاسی سفرهای تجاری بیشتر از داخل به خارج از کشور می‌باشد.

**۹) گردشگری شهری:** نواحی شهری به علت آنکه جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیار دارند غالباً مقاصد گردشگری

مهمی محسوب می‌شوند. شهرها معمولاً جاذبه‌های متنوع و بزرگی شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر،

استادیوم‌های ورزشی، پارک‌ها، شهربازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان‌هایی مربوط به حوادث مهم

یا افراد مشهور را دارا هستند که خود گردشگران بسیاری را جذب می‌کند.

«همراه با توسعه گردشگری در نواحی شهری، برای برآوردن نیازهای گردشگران، خدمات حمایتی بیشتری نظیر

رستوران و محل اقامت ساخته می‌شود، البته بازدید کنندگانی که از خارج شهر می‌آیند تنها کسانی نیستند که از این

امکانات استفاده می‌کنند و خود مردم شهر هم از زیرساخت‌ها بهره‌مند می‌شوند.» (پاپلی، ۱۳۸۵: ۱۸۹) در این ارتباط

می‌توان به شهرهایی همچون پاریس، لندن، نیویورک اشاره کرد که در درون خود جاذبه‌های بسیاری را جای

## راهنمای گردشگری عمومی

داده‌اند. تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز در بین شهرهای ایران دارای امکانات، جاذبه‌ها و زیبایی‌های بیشتری می‌باشند و هر ساله میلیون‌ها مسافر را برای بازدید از دیدنی‌های این شهرها به سوی خود می‌کشاند.

**۱۰) گردشگری روستایی:** در گردشگری روستایی منابع فرهنگی، طبیعی و تاریخی نواحی روستایی به عنوان کالای فرهنگی گردشگری قابل عرضه‌اند. گردشگری روستایی موجب رشد اقتصادی، ایجاد تنوع و ثبات در اشتغال، پویایی تجارت و صنایع، گسترش فرصت‌هایی برای رشد درآمد به صورت فعالیت‌های چندگانه، ایجاد بازارهای جدید برای محصولات کشاورزی و گسترش مبنای یک اقتصاد منطقه‌ای می‌شود (Sharply, ۲۰۰۲, ۳۳۲) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد گردشگری روستایی رغبت‌بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری به علت کوچک بودن و تنوع و ساده بودن طرح‌ها است. «(پاپلی، ۱۳۸۵: ۲۰۸) در سال‌های اخیر با توجه به گسترش زندگی شهرنشینی و ماشینی، بسیاری از مردم تمایل دارند به محیط‌های آرام با زندگی سنتی سفر کنند، در واقع این نوع گردشگری شباهتی هم به گردشگری بومی دارد علی‌الخصوص در اروپا و آمریکای شمالی مردم به این نوع گردشگری تمایل دارند. مردم به نواحی کشاورزی، دامداری می‌روند و مدتی را در آنجا اقامت می‌کنند و از نزدیک شاهد نحوه زندگی روستایی هستند. در ایران اگر شرایط و امکانات آن فراهم شود گردشگری روستایی می‌تواند از جمله موارد مهم درآمدزای جهانگردی به حساب آید. ایران دارای روستاهای بکر و سنتی است که برخی از آنها با معماری خاصی که دارند می‌توانند شهرت جهانی کسب کنند نظیر ماسوله در گیلان، ایبانه در کاشان، زیارت در گرگان و...

**۱۱) گردشگری قومی و عشایری:** این نوع گردشگری به منظور مشاهده سبک زندگی افراد بومی و اقوام انجام می‌شود. هدف گردشگری قومی شناخت اقوام مختلف و شرکت در تجربه‌های آنها است. تماشای مراسم سنتی، جشن‌ها، آئین‌ها از جمله جذابیت‌های این نوع گردشگری است و برخی نیز جهت درک بهتری از موقعیت خود و یا دنیای معاصر به این گونه سفرها روی می‌آورند. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۴۷) در ایران به دلیل وجود اقوام مختلف لر، کرد، ترک، بلوچ، عرب، ترکمن و خصوصیات که هر کدام از آنها دارند واجد جذابیت‌های فراوانی برای هر ناظر و گردشگر بیرونی است. بسیاری از گردشگران علاقه دارند تا از نزدیک به تماشای زندگی سنتی و قومی بپردازند. گردشگری عشایری قابلیت اقتصاد سرمایه‌داری را در تعریف فضایی مناطق عشایری و ادغام آنها را در چرخه مصرف نشان می‌دهد ولی آنچه می‌تواند با اهمیت باشد شناخت این گونه گردشگری و تجزیه و تحلیل فضای آن برپایه سودمندی، رفاه و پایداری برای رسیدن به توسعه مفید است. توسعه خدمات گردشگری عشایری دارای آثار مثبت و منفی و چالش‌هایی است که با برنامه‌ریزی کار فرهنگی می‌توان از آثار منفی و چالش‌ها کاست و بر محاسن آن افزود. «(پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۲۱۰) ایران در این زمینه به طرز چشمگیری غنی است و می‌تواند موفق به جذب هزاران گردشگر، محقق و انسان‌شناس از سراسر جهان شود.

**۱۲) گردشگری مذهبی:** در این نوع گردشگری افرادی را شامل می‌شود که به منظور دیدار از اماکن مقدس یا انجام دادن امور مذهبی مسافرت می‌کنند. میلیون‌ها مسلمان به عربستان سفر می‌کنند، مسیحیان به واتیکان یا کلیساهای

## راهنمای گردشگری عمومی

مقدس، بودائیان به بنارس و برهمنیان به لهاسا سفر می‌کنند و... شاید بتوان گفت در ایران این نوع گردشگری بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. سالانه ۱۵ میلیون نفر از ایرانیان تنها به شهر مشهد که یکی از امامان مقدس‌شان در آنجا دفن است سفر می‌کنند. این شهر در شمال شرقی ایران قرار دارد. همچنین سفر به مکه، کربلا، نجف، دمشق، مدینه از بیشترین اقبال در نزد ایرانیانی که به خارج از کشور سفر می‌کنند برخوردار است. تقریباً اکثریت ایرانیان آرزو دارند در عمر خود حداقل یک بار از این اماکن را زیارت نمایند. آنها معتقدند این امر از نظر معنوی آنها را به میزانی از رضایت قلبی می‌رساند اما از لحاظ اقتصادی به نفع کشورهای عراق، سوریه و عربستان سعودی است که بسیاری از مقابر و اماکن مقدس شیعیان (۹۱ درصد ایرانیان شیعه هستند) را در خود جای داده‌اند. ایرانیان در این سفرها مبالغ زیادی هزینه می‌کنند آنان برای خود و خویشاوندان خود سوغات خریداری می‌نمایند و درآمد هنگفتی را به بازارهای کشورهای عربستان سعودی، عراق و سوریه سرازیر می‌کنند. این نوع گردشگری چون کاملاً با ایدئولوژی حاکم نیز همخوانی دارد در ایران بسیار ترویج می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های کلانی نیز چه در داخل و چه در خارج از کشور برای آن می‌شود. مثلاً در جریان بمب‌گذاری‌هایی که در شهرهای کربلا، سامرا در جریان بحران عراق شده است هم حکومت و هم مردم ایران کمک بسیار زیادی جهت بازسازی آنها نموده‌اند و این در حالیست که به دلیل ساختن سد‌ها، بزرگراه‌ها و برخی تأسیسات، سالانه صدها مکان باستانی ایران تخریب و یا برای همیشه نابود می‌شوند.

**۱۳) گردشگری ورزشی:** شمار زیادی از میهمانان کشورهای مختلف اشخاصی‌اند که با قصد ورزش و تمرین یا شرکت در مسابقات ورزشی، تماشای مسابقه تیم‌ها یا بازیکنان مورد علاقه‌شان، یا گذراندن اردوهای ورزشی به سفر رفته‌اند. ورزش برای عده‌ای از مسافران جنبه تفریحی و تفننی دارد. مثل کسانی که به دلیل علاقه به موج‌سواری، قایقرانی، کوهنوردی و اسکی بازی و یا تماشای مسابقات ورزشی به کشوری سفر می‌کنند و برای عده‌ای جنبه حرفه‌ای دارد. مثل تیم‌ها یا بازیکنانی که برای برگزاری یک مسابقه ورزشی یا گذراندن اردوی تمرینی عازم کشورهای دیگر می‌شوند. گردشگران ورزشی علاوه بر ورزش اقدام به بازدید از اماکن دیگر و یا احیاناً خرید نیز می‌نمایند. در ایران تقریباً هیچ مسابقه مهم ورزشی بعد از سال ۱۹۷۹ برگزار نشده است در حالیکه در سال‌های پیش از این تاریخ ایران میزبان برگزاری بازی‌های آسیایی در سال ۱۹۷۴، جام فوتبال ملت‌های آسیا و... بوده است. در این زمینه سه علت عمده می‌توان متصور بود:

الف) عدم وجود تأسیسات ورزشی استاندارد به اندازه کافی،

ب) تصور ناامن بودن ایران برای برگزاری مسابقات مهم،

ج) عدم وجود خدمات مطلوب (نظیر خدمات حمل و نقل، اقامتگاه و...)

**۱۴) گردشگری ماجراجویانه:** «در هر جامعه‌ای کسانی هستند که به انجام دادن کارهای متهورانه و مخاطره‌آمیز علاقه وافر دارند. برخی از این افراد با اقدام به مسافرت‌های ماجراجویانه به این نیاز درونی خود پاسخ می‌دهند. چنین گردشگرانی می‌خواهند از راه‌های جدید یا غیر عادی، مهارت‌ها و توانایی‌های جسمی خود را در مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌ها بیازمایند. لذا نوعی از گردشگری برای آنان لذت بخش و جذاب است که توأم با هیجان بیشتر باشد.»

(کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۶) در واقع این گونه سفرها حس کنجکاوی خطرپذیری و قوای جسمانی انسان‌ها را مورد آزمایش می‌نماید. ایران به دلیل برخورداری از تقریباً همه انواع شرایط اقلیمی و طبیعی (کوهستان‌های سر به فلک کشیده، رودخانه‌های خروشان، جنگل‌های انبوه در شمال کشور، غارها و آبشارها) از توانایی‌های مناسبی در این زمینه برخوردار است.

**۱۵) گردشگری جنسی:** برخی از گردشگران تنها به این منظور به دیگر نقاط سفر می‌کنند تا بتوانند بخشی از نیازها و غرایز جنسی خود را برآورده سازند، رقم دقیقی از تعداد این گونه گردشگران در دسترس نیست اما با اطمینان می‌توان گفت سالانه میلیون‌ها نفر از گردشگران را این دسته تشکیل می‌دهند. در پاسخ به نیازهای آنان برخی کشورها و یا نواحی سعی کرده‌اند با فراهم آوردن زمینه‌ها و امکانات لازم اقدام به جذب تعداد بیشتری از آنان نمایند در این خصوص می‌توان به کشور تایلند اشاره کرد که sex tourism را اصلی‌ترین هدف خود اعلام کرده است. در کشور ایران به دلیل محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های قانونی، عرفی و مذهبی این نوع گردشگری اصلاً موردنظر و قابل طرح نیست و پس از انقلاب ۱۹۷۹ فاحشه‌خانه‌ها و کلوپ‌های شبانه اولین مکان‌هایی بودند که تخریب و یا تعطیل شده‌اند.

**۱۶) گردشگری سلامت:** گروهی از مسافران برای استفاده از خدمات پزشکی به مکان‌هایی که تسهیلات درمانی مورد نظرشان وجود داشته باشد، سفر می‌کنند، بنابراین چنین سفری شامل فعالیت‌های گوناگونی می‌شود که با هدف تأمین بهداشت و سلامت فرد یا گردشگر انجام می‌شود مانند مراقبت بهداشتی و گذراندن دوره نقاهت و بازپروری. گردشگری سلامت (Health tourism) یک مفهوم جدید است. در گردشگری بهداشتی (معالجه، سلامت) معمولاً جریان جابجایی از پیرامون به مرکز است چرا که امکانات ویژه پزشکی و بهداشتی را می‌طلبد که اغلب در کشورهای پیشرفته موجود است. در سال‌های اخیر آمریکا، آلمان، سوئیس، اسرائیل، مالزی همواره از کشورهای بوده‌اند که بیماران زیادی به منظور درمان به این کشورها سفر کرده‌اند. البته گاهی جهت درمان نیازمند یک محیط آرام، پاکیزه و زیبا است که چه بسا جریان سفر از مرکز به پیرامون باشد. بالا رفتن سطح دانش مردم دنیا و توجه بیشتر به بهداشت و سلامت موجب افزایش جذابیت این گونه سفرها شده است. «امروزه این نوع توریسم در کشورهای همچون یونان، کرواتی، صربستان و ... بسیار مورد توجه بوده و رواج دارد. مردم برای درمان بیماری‌های تنفسی، استخوان درد، پوکی استخوان، بیماری‌های کلیدی، حساسیت و دیگر مشکلات سلامتی تمایل دارند به چنین مناطقی مراجعه نمایند. در سال‌های اخیر در کنار تأکید بر گسترش گردشگری فرهنگی در ایران، به این نوع گردشگری نیز در قالب سخنرانی مسئولان مربوطه و نیز برگزاری سمینارهایی در این زمینه تأکید ویژه شده است و متولیان امر معتقدند ایران به دلیل برخورداری از طبیعت متنوع، آرام و بکر می‌تواند سهم بیشتری از گردشگرانی که با قصد معالجه و تقویت سلامتی سفر می‌کنند را به خود اختصاص دهد. در ایران مکان‌های زیادی وجود دارد که گردشگران جهت به دست آوردن آرامش، درمان نارسایی‌های پوستی به آنجا مراجعه می‌کنند نظیر؛ کوهستان‌ها، دریاچه‌هایی همچون ارومیه، چشمه‌های آب گرم معدنی نظیر سرعین، لاریجان دارای توانایی‌های بالقوه‌ای در این زمینه است اما با توجه به شرایط فعلی و محلی کشور به نظر نمی‌رسد به تنهایی بتواند موجب جذب جهانگردان خارجی شوند.

**۱۷) گردشگری فضا:** نوع دیگری از گردشگری مسافرت به فضا است که در سال‌های اخیر آغاز شده است و تاکنون تعدادی از افراد با هزینه خودشان از طریق سایت‌هایی در آمریکا و روسیه به فضا رفته‌اند و مدتی را در آنجا به همراه فضانوردان حضور داشته‌اند. یکی از این گردشگران بانام انوشه انصاری که ایرانی است به عنوان اولین گردشگر زن تاریخ مدتی را در فضا گذراند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این گردشگران هزینه‌های گزافی را می‌پردازند و این خود می‌تواند به عنوان حمایت مالی گسترش تحقیقات فضایی مؤثر باشد، در سال‌های آتی رشد شتابنده گیرد.

**۱۸) گردشگری الکترونیکی:** عصر جدید، را برخی عصر الکترونیک نام نهاده‌اند. گسترش و رواج امکانات و وسایل الکترونیکی نظیر تلویزیون‌ها، ماهواره و اینترنت، موجب شده است تا مردم هر چه بیشتر و به راحتی با دیگر نقاط دنیا ارتباط برقرار کنند و همچنین دیگر نقاط را مورد شناسایی قرار دهند. تقریباً تمامی شرکت‌های گردشگری، هواپیمایی‌ها، آژانس‌های مسافرتی، اماکن تفریحی، تاریخی و ... در نقاط مختلف دنیا، دارای وب سایت، پست الکترونیک و برخی از آنها دارای شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای می‌باشند و بدین طریق خود را به مردم مناطق مختلف دنیا معرفی می‌نمایند. در ایران نیز همچون سایر نقاط سعی شده است از طریق اینترنت جاذبه‌ها معرفی شوند ولی هنوز در حد مناسب و کافی نیست و هنوز بسیاری از علاقمندان اطلاعات مورد نیاز خود را نمی‌توانند از طریق اینترنت به دست آورند.

**۱۹) گردشگری مجازی:** گردشگری مجازی (e-tourism) مقوله جالبی است که حداکثر دو دهه از پدید آمدن آن نمی‌گذرد. گردشگری مجازی، حضور در سرزمین دیجیتال وب، و مشاهده داده‌های صوتی، متنی و تصویری از دنیای فیزیکی پیرامون ما است. دور دنیا که در نوشته ژول ورن، نویسنده شهیر فرانسوی، در هشتاد روز امکان پذیر شد، امروز با ابر متن‌های اینترنتی، با یک کلیک امکان پذیر است. دور دنیا با یک کلیک، آرزویی بود که امروزه از مرحله آرزو به حقیقتی غیر قابل انکار مبدل شده است. با استفاده از سایت‌های کاخ موزه‌ها، اماکن باستانی جهان می‌توان به دنیایی اطلاعات متنی و تصویری از نمادهای تاریخ باستان دست یافت. برخی از پایگاه‌های دولتی در اینترنت، امروزه سیستم‌های دوربین شهری خود را به سرزمین دیجیتال نیز پیوند داده‌اند. باین دوربین‌ها می‌توانید شهرهای مختلف را به صورت زنده مشاهده کرده و حتی از آن‌ها عکس یادگاری بگیرید. شهرداری تهران و حتی سایت مرکز کنترل ترافیک استان تهران، چنین سرویسی را در دسترس علاقمندان قرار داده است. اما این که چرا مجموعه ارزشمند پاسارگاد یا بیستون یا سعدآباد تهران، از چنین سایت‌های مالتی مدیا بی بهره است، پاسخی برای آن نیافتیم؟! خیلی از علاقمندان به بازدید از موزه‌های بزرگ جهان، از هر میثاق مسکو تا لوور پاریس، از تارنماهای اینترنتی آن‌ها برای مشاهده اطلاعات استفاده می‌کنند. حتی، رزرو بلیط هواپیما، هتل، مسابقات بین‌المللی ورزشی و جشنواره‌های فرهنگی هنری جهانی، امروز با رفتارهای سازمانی الکترونیکی همراه شده است. میلیون‌ها کاربر از سراسر جهان، به دنبال برگزاری تابستانی مسابقات جام جهان در شهرهای آلمان، امروزه از

سایت های دولتی و غیر دولتی گردشگری این کشور استفاده می کنند. این مسئله ، نقش قابل توجهی در آشنایی با فرهنگ و دانش و پتانسیل تجاری و سیاسی و علمی دولت فدرال آلمان داشته است . وقتی کانال ARD DAS ERSTE آلمان ، پخش مستقیم مراسم قرعه کشی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان را پخش نمود ، بیش از ۲ میلیارد بیننده از سراسر جهان و صدها میلیون کاربر اینترنت ، این مراسم را نظاره گر بودند. این مسئله ای بود که تاثیر زیادی بر روی ارتقای سطح حداکثری علاقمندی برای سفر به کشور آلمان ایجاد نمود. بهر حال ، با ارتقای سیستم های اطلاع رسانی و ارتباطی دولتی در اینترنت و گسترش دولت الکترونیک (E-GOVERNMENT) بر روی سرزمین دیجیتال ، می توان به توسعه توریسم اینترنتی و استفاده از میلیون ها دلار فواید آن امیدوار بود.(هفته نامه آساره، علی محمد آقا زمانی، ۱۳۸۵، ۷، ۲)

**۲۰) گردشگری بیابانی:** گردشگری بیابانی برای آن دسته از گردشگران که علاقه به سفر به نواحی خشک و گرمسیر را دارند و یا رویای سفر بر کوهان شتر را در سر می پروراند و یا قصد تحقیق در مورد خاک، موجودات زنده و آب و هوای نواحی بیابانی را دارند اهمیت دارد. ایران با دریا بودن ۲ صحرای بزرگ لوت و دشت کویر از این لحاظ نیز برای گردشگری جاذب است اما عملاً اقدام مناسبی از سوی متولیان گردشگری ایران در این خصوص صورت نگرفته است، بسیاری از خارجیان را عقیده بر این است که ایران کشوری بیابانی است اما هیچ اطلاعی از این بیابان ندارند.

**۲۱) گردشگری آموزشی و علمی و گردهمایی:** این نوع گردشگری ها به منظور تحقیقات یا شرکت در همایش های علمی است. در ایران سالانه هزاران سمینار و دوره آموزشی برگزار می شود اما تنها تعداد کمی از آنها در سطح بین المللی است و از این نظر تعداد اندکی از جهانگردان و یا محققان را به خود جلب می کند. علاوه بر آن به دلیل وجود رویکردهای ایدئولوژیکی در دانشگاه های ایران و نیز فاصله علمی، تحقیقاتی آن با کشورهای پیشرفته و شرایط خاص اجتماعی، تعداد دانشجویان خارجی در ایران رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می دهد.

**۲۲) گردشگری کاری:** مقصود از این نوع گردشگری تفریح یا استراحت نیست بلکه انجام بخشی از کار توام با مسافرت است. از مشخصات بارز این گردشگری شرکت در کنفرانسها ، گردهماییها، سمینارهای علمی، تحقیقاتی و تخصصی است.

### سازمان جهانی جهانگردی (WTO)

در نوشته‌ای که پیش رو دارید ضوابط ثبت یک اثر در فهرست میراث جهانی یونسکو آورده شده است. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در چهارم نوامبر ۱۹۴۶ تأسیس شد و در شانزدهم نوامبر ۱۹۴۶، چهل و شش کشور از جمله ایران اساسنامه آن را امضا کردند. یونسکو در بند اول اساسنامه خود، هدف از تشکیل این سازمان را چنین بیان می‌دارد: کمک به استقرار صلح و امنیت از طریق ترویج همکاری میان ملت‌ها در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ به منظور افزایش احترام همگان به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، جنسیت، زبان و مذهب، مطابق با منشور ملل متحد. یونسکو برای اینکه بتواند اهداف خود را در قرن بیست و یکم تحقق بخشد، می‌کوشد چالش‌ها و پیامدهای جهانی‌شدن را با همه پیچیدگی‌هایش درک کند و به تعیین راهبردها و خط‌مشی‌هایی از مواضع فرارشته‌ای، میان‌رشته‌ای و بین‌فرهنگی بپردازد که همگان - به ویژه کشورهای توسعه‌نیافته و قشرهای محروم جامعه - از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند.

یونسکو چارچوبی را برای بررسی مشکلات جهانی انسان‌ها بر اساس برابری کشورهای عضو ارائه می‌دهد که بر مبنای اصول جهان‌شمول، تنوع و کرامت انسانی استوار شده است. این سازمان به طور جدی در پی تقویت ارکان منسجمی است که صلح، توسعه پایدار و حقوق بشر را تشکیل می‌دهد و در زمینه فقرزدایی و ترویج گفت‌وگو میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مردم مشارکت می‌کند.

### تشکیلات سازمان جهانی جهانگردی

#### مجمع عمومی

کنفرانس عمومی عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری یونسکو است که هر دو سال یکبار در مقر سازمان در پاریس با شرکت نمایندگان کشورهای عضو، سازمان‌های وابسته و ناظران بین‌المللی به منظور تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سازمان و موارد دیگری که در اساسنامه پیش‌بینی شده است تشکیل می‌شود. در این کنفرانس در مورد انتخاب اعضای شورای اجرایی، انتخاب مدیرکل و شوراها، کمیته‌ها و نهادهای وابسته و تصمیم‌گیری در مورد پیشبرد اجرای قطعنامه‌ها یا بیانیه‌های بین‌المللی در کشورهای عضو بحث و تبادل نظر می‌شود. این اقدام، با اظهار نظر و مشارکت هیئت‌های نمایندگی کشورها - بر اساس این اصل که هر کشور دارای یک حق رأی است - صورت می‌گیرد.



### شورای اجرایی

ارگان نظارتی یونسکو در اجرای برنامه‌ها و تصمیمات کنفرانس عمومی است که ۵۸ عضو آن برای دوره‌ای چهارساله توسط کنفرانس عمومی انتخاب می‌شوند. شورای اجرایی مسئولیت تدارک دستور کار کنفرانس عمومی، بررسی برنامه کار سازمان و نظارت بر جذب و صرف بودجه برآوردشده توسط مدیرکل را بر عهده دارد که باید بر این اساس توصیه‌هایی به کنفرانس عمومی ارائه دهد.

### دبیرخانه

مسئول اجرای برنامه‌های یونسکو و شامل مدیرکل و کارکنان است. مدیرکل، مدیر اجرایی سازمان محسوب می‌شود که هر چهارسال یکبار بر اساس توصیه‌های شورای اجرایی توسط کنفرانس عمومی انتخاب می‌شود. دبیرخانه یونسکو از بخش‌های برنامه‌ای، پشتیبانی و خدماتی تشکیل شده است.

### بخش‌های برنامه‌ای

این بخش‌ها مطابق با پنج زمینه اصلی فعالیت سازمان یعنی آموزش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی، فرهنگ و ارتباطات و اطلاعات شکل گرفته است که برای پیشبرد و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های یونسکو در حوزه‌های خاص موضوعی با همکاری کمیسیون‌های ملی و دفاتر منطقه‌ای و خوشه‌ای هماهنگی‌های لازم را به عمل می‌آورد. بخش‌های پشتیبانی: این حوزه شامل بخش‌های همکاری و روابط خارجی و بخش اداری است که زمینه‌های لازم را برای اجرای فعالیت بخش‌های برنامه‌ای فراهم می‌سازد.

### بخش‌های خدماتی

این بخش‌ها که واحدهای متعددی را در بر می‌گیرد، شامل دبیرخانه‌های کنفرانس عمومی و شورای اجرایی، دفتر معیارهای بین‌المللی و امور حقوقی، دفتر اخلاق، دفتر برنامه‌ریزی راهبردی و... می‌باشد.

### کمیسیون‌های ملی

طبق ماده ۷ اساسنامه یونسکو، کشورهای عضو به منظور مشارکت نهادهای علمی، آموزشی و فرهنگی خود در برنامه‌ها و فعالیت‌های یونسکو، می‌توانند برای تشکیل کمیسیون‌های ملی اقدام کنند. کمیسیون‌های ملی، نهادهای رابط کشورها با یونسکو در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های تصویب‌شده و پیشبرد اهداف و تعهدات بین‌المللی در خصوص اجرای توصیه‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها هستند. در حال حاضر ۱۹۵ کمیسیون ملی در کشورهای عضو یونسکو در مناطق مختلف جهان فعالیت می‌کنند.

### ● آشنایی با کمیته میراث فرهنگی و طبیعی یونسکو

کشور ایران از تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ میلادی به عضویت کمیته حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی یونسکو در آمده است. این کمیته هم‌اکنون ۱۷۶ عضو دارد. این کشورها بر پایه مناطق جغرافیایی به ۵ منطقه تقسیم شده‌اند :

- آفریقا
- دول عربی
- اروپا و آمریکای شمالی
- آمریکای لاتین و کانادا
- آسیا و اقیانوسیه

ایران در منطقه آسیا و اقیانوسیه قرار دارد .

کل آثار ثبت شده جهانی بیش از ۷۵۴ اثر است که در این بین ۱۴۹ اثر طبیعی، ۵۸۲ اثر فرهنگی و ۲۳ اثر فرهنگی - طبیعی دیده می‌شود .

● سه دسته اثر به عنوان اثر فرهنگی قابل درج در فهرست میراث جهانی است :

۱- آثار: اثر معماری، پیکره و مجسمه، نقاشی و سنگ نگاره ها و کتیبه ها، آثار با طبیعت باستان شناسی، پناهگاه های داخل غارها

۲- بنا: مجموعه ای از بناهای مرتبط به لحاظ معماری و یا جایگاه، و یا بناهای مجزا

۳- سایت: منظره های فرهنگی و یا سایت های باستان شناسی و یا محوطه های مردم شناسی

● هر اثر پیشنهادی باید حداقل یکی از شاخص های زیر را دارا باشد :

- ۱- نمایان گر دست آوردی بی بدیل از نوع هنری بشر باشند .
- ۲- نمایان گر تبادل مهمی از ارزش های بشری در یک محدوده زمانی در درون یک حیطه فرهنگی جهان از لحاظ پیشرفت در معماری یا فن آوری، هنرهای یادمانی، برنامه ریزی شهری یا طراحی چشم انداز باشد .
- ۳- گواهی بی همتا یا دست کم استثنایی بر یک سنت فرهنگی یا تمدن زنده یا از میان رفته باشد .
- ۴- نمونه ای برجسته از نوعی بنا یا مجموعه معماری یا فن آوری یا منظره که نمایان گر مرحله یا مراحلی در سرگذشت انسان باشد .
- ۵- نمونه ای برجسته از یک سکونت گاه سنتی بشری یا استفاده از زمین، که معرف یک یا چند فرهنگ است، باشد. به ویژه مواقعی که تحت تاثیر تغییرات برگشت ناپذیر شده است .
- ۶ - به طرز مستقیم یا ملموس مرتبط با رویدادها یا سنن زندگی افکار و عقاید یا آثار هنری یا ادبی واجد اهمیت والای جهانی باشد .

● ضوابط ثبت شهرها در فهرست میراث جهانی

مجموعه بناهای شهری واجد شرایط برای درج در فهرست میراث جهانی در سه مقوله زیر قرار می گیرد .  
۱ \_ شهرهایی که دیگر مسکونی نیست ولی مدارک باستان شناسی که دستخوش تغییر نشده، راجع به گذشته آنها می باشد.

۲- شهرهایی که هنوز مسکونی است و به خاطر طبیعت خود با تاثیرپذیری از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسعه یافته و می یابند .

۳ \_ شهرهای مدرن قرن بیستم که ساختار شهری اولیه آنها حفظ شده و قابل تشخیص است، توسعه آنها تا حدود زیادی غیر قابل کنترل است .

در رابطه با شهرهای غیر مسکونی لازم است بقایای چنین شهری به صورت کامل و در صورت امکان به همراه محیط طبیعی اطراف آن ثبت شود و نه فقط چند اثر انگشت شمار و یا دسته ای کوچک از بناهای آن، این شهرها دارای معیار شماره III، یعنی گواهی بی همتا یا دست کم استثنایی از یک سنت فرهنگی و تمدن از میان رفته است، باشد . برای درج یک شهر مسکونی در فهرست میراث جهانی باید معیار IV یعنی نمونه ای برجسته از نوعی بنا یا مجموعه معماری یا فن آوری و یا منظره باشد که نمایان گر مراحل مهمی در سرگذشت بشر است و نباید صرفاً به دلایل فکری دارا بودن معیار IV ثبت گردد. در این راستا چهار دسته شهر قابل تشخیص و پیشنهاد است :

۱ \_ شهرهایی که نمونه ای مناسب از یک دوره یا فرهنگ خاص است که تقریباً به طور کامل حفظ گردیده و در نتیجه تحولات بعدی دستخوش تغییر نشده است که در این مورد شهر و تمامی محیط پیرامون آن باید ثبت و حفاظت شود.

۲ \_ شهرهایی که از جنبه هایی خاص تکامل یافته اند و بعضی مواقع در مرکز یک محیط طبیعی، ساختارهایی را حفظ کرده اند که مشخصه مراحل متوالی تاریخچه آنها است و در این مورد بخش تاریخی واجد ثبت و حفاظت است .  
۳ \_ مراکز تاریخی که دقیقاً همان منطقه باستانی اولیه خود را می پوشانند و در حال حاضر در داخل شهرهای امروزی محصور شده اند باید پیرامون اطراف این مراکز در بالاترین مساحت خود ثبت و مورد حفاظت واقع گردد .  
۴ \_ بخش ها و یا نواحی مجزا که با وجود باقی ماندن به صورت بقایایی از حالات اولیه و اصلی خود، مدرکی درباره هویت تاریخی شهر ناپدید شده پیشین می باشند.

مراکز و محوطه های تاریخی که در قالب بافت شهری به ثبت می رسند باید حاوی تعداد زیادی از بناهای باستانی با اهمیت باشد و ثبت چند بنای دور افتاده و غیر مرتبط با این ادعا که به خودی خود نمایان گر شهری است که بافت شهری آن دیگر قابل تشخیص نیست، امکان ندارد .

### ● ضوابط ثبت منظره های فرهنگی در فهرست میراث جهانی :

مناظر فرهنگی نمایان گر ترکیبی از فعالیت های طبیعت و بشر هستند و در آنجا تکامل جامعه انسانی و سکونت انسان ها تحت تاثیر موانعی است که ناشی از محیط زیست طبیعی می باشد. این مناظر فرهنگی باید نمایان گر شیوه

## راهنمای گردشگری عمومی

های خاص و مداوم استفاده از زمین با توجه به ویژگی ها و محدودیت های محیط طبیعی محل استقرار باشد. مناظر فرهنگی به ۳ دسته تقسیم می شود :

۱ \_ مناظری که بشر آنها را به قصد و از روی طرحی ایجاد کرده است. مانند باغ ها و بوستان ها که به دلیل زیبایی ایجاد شده و مرتبط با بناها و مجموعه های مذهبی و یادمانی است .

۲ \_ مناظری که انگیزه اولیه ایجاد آنها اجتماعی، اقتصادی و یا مذهبی بوده و شکل فعلی خود را در واکنش نسبت به محیط طبیعی خود پیدا کرده است.

### ● این گونه منظره ها خود به دو دسته تقسیم می شود

۱ \_ منظره هایی که حالت مرده دارد و یک فرایند تکاملی طی یک دوره زمانی در آنها اتفاق افتاده و پایان یافته است و هنوز ویژگی های مهم و متمایز کننده آنها مشهود است .

۲ \_ مظاهری که در جامعه امروز نقش اجتماعی خود را حفظ کرده و ارتباطی تنگ با شیوه زندگی سنتی دارد و فرایند تکاملی در آنها هنوز ادامه دارد و شواهد مهم دال بر تحول آنها در طول زمان موجود است. ۳ \_ مناظری که به لحاظ پیوندهای نیرومند مذهبی، هنری یا فرهنگی با عنصر طبیعی ارزش دارد و نه به واسطه شواهد فرهنگ مادی

### ● ضوابط درج آثار جهانی در فهرست میراث در معرض خطر

هر اثر جهانی که شرایط زیر را دارا باشد در فهرست میراث در معرض خطر قرار می گیرد :

۱- خطری مشخص و وخیم آن را تهدید کند .

۲- اقدامات عمده برای حفاظت آن ضروری باشد

۳\_ درخواست دریافت کمک از طرف کشور عضو شده باشد .

### ● خطری که اثر را تهدید می کند ممکن است به دو صورت باشد :

#### ۱ \_ خطر قطعی :

الف: خرابی شدید ساختار و یا ویژگی های تزئینی

ب: انحطاط شدید انسجام معماری یا شهرسازی

پ: انحطاط وخیم موقعیت مواد ساختاری

ج: انحطاط شدید فضای شهری یا روستایی یا محیط طبیعی

ه: از دست رفتن چشم گیر اصالت تاریخی

و: از دست رفتن معنای فرهنگی اثر

### ۲\_ خطر بالقوه :

- الف: تغییر وضعیت حقوقی ملک که موجب کاهش سطح حفاظت از آن می باشد .
- ب: نبود خط مشی حفاظت
- ج: تاثیرات تهدید کننده طرح های برنامه ریزی محلی
- د: تاثیرات تهدید کننده شهرسازی
- ه: وقوع یا خطر وقوع درگیری مسلحانه
- و: تغییرات تدریجی ناشی از عوامل زمین شناسی، جوی و یا دیگر عوامل محیط

### فهرست آثار میراث فرهنگی ایران ثبت شده در یونسکو

- چغازنبیل، شوش (۱۹۷۹)
- میدان امام اصفهان (۱۹۷۹)
- تخت جمشید، فارس (۱۹۷۹)
- تخت سلیمان، تکاب (۲۰۰۳)
- بم و چشم انداز تاریخی آن، کرمان (۲۰۰۴/ ۲۰۰۷)
- پاسارگاد، فارس (۲۰۰۴)
- سلطانیه، زنجان (۲۰۰۵)
- بیستون، کرمانشاه (۲۰۰۶)
- مجموعه قره کلیسای آذربایجان (۲۰۰۸)
- سازه های تاریخی - آبی شوشتر (۲۰۰۹)
- بازار تبریز (۲۰۱۰)
- بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (۲۰۱۱)
- ۹ باغ ایرانی: اکبریه بیرجند، فین کاشان، شاهزاده ماهان، ارم شیراز، عباس آباد بهشهر، چهلستون اصفهان، دولت آباد یزد، پاسارگاد شیراز، پهلوان پور یزد (۲۰۱۱)
- گنبد قابوس، استان گلستان (۲۰۱۲)
- مسجد جامع اصفهان (۲۰۱۲)
- کاخ گلستان، تهران (۲۰۱۳)
- شهر سوخته (۲۰۱۴)

### فهرست آثار معنوی ایران ثبت شده در یونسکو

-نوروز (۱۳۸۸)

- ردیف‌های موسیقی ایرانی (۱۳۸۸)
- موسیقی بخشی‌های خراسان (۱۳۸۹)
- هنر نمایشی آیین تعزیه (۱۳۸۹)
- آیین پهلوانی و زورخانه‌ای (۱۳۸۹)
- مهارت فرش‌بافی کاشان (۱۳۸۹)
- مهارت فرش‌بافی فارس (۱۳۸۹)
- نقالی؛ قصه‌گویی اجرایی ایرانی (۱۳۹۰)
- دانش سنتی لنج‌سازی و دریانوردی در خلیج فارس (۱۳۹۰)
- قالیسویی مشهد اردهال (۱۳۹۱)

### آثار مستند ایران ثبت شده در فهرست حافظه جهانی یونسکو

شاهنامه بایسنقری (۱۳۸۶)

- وقف‌نامه ربع رشیدی (۱۳۸۶)
- مجموعه اسناد اداری دوره صفویه آستان قدس رضوی (۱۳۸۸)
- التفهیم بیرونی (۱۳۹۰)
- خمسه نظامی (۱۳۹۰)
- نقشه‌های دوره قاجار ایران در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (۱۳۹۲)
- ذخیره خوارزمشاهی (۱۳۹۲)

### محصولات صنعت گردشگری

در پاسخ به این سؤال که آیا می توان گردشگری را صنعت به حساب آورد یا خیر ، تا کنون اظهار نظرهای متعددی شده است .

« جفرسون ولیکوریش » گردشگری را " حرکت مردم " و فشار تقاضا برای خدمات گردشگری توصیف کرده اند نه صنعت . اسمیت استدلال می کند که بهتر است گردشگری را مجموعه ای از چندین صنعت مرتبط در نظر بگیریم . مورخی نیز معتقد است که گردشگری ، صنعت نیست ؛ زیرا محصول مشخصی ندارد . به نظر وی صنایع مشخصی ، همچون حمل و نقل ، اقامتگاه ، سرگرمی و تفریح ، منحصراً متعلق به گردشگری نیستند ؛ زیرا این صنایع ، محصولات خود را به سکنه محلی و غیر گردشگران نیز عرضه می کنند . اما با این همه ، ویژگی هایی در فعالیت

## راهنمای گردشگری عمومی

های گردشگری یافت می شود، که آن را به صنعت نزدیک می کند. گردشگری یک صنعت است؛ به علت اینکه تأسیسات اقامتی، پذیرایی و حمل و نقل را، با هم درگیر نموده، تا یک محصول واحد را به نام «سفر» تولید نماید.

محصولات گردشگری در یک تقسیم بندی کلی به عناصر زیر تقسیم می شود:

- ۱- حمل و نقل
- ۲- واحدهای اقامتی
- ۳- رستوران و خدمات پذیرایی
- ۴- جاذبه ها
- ۵- راهنمایان تور
- ۶- تسهیلات واسطه ای

### ۱- حمل و نقل

شبکه حمل و نقل، مبدأ و مقصد گردشگری را به هم متصل می کند. کارآیی، راحت بودن و میزان سلامت و امنیت این شبکه، تعیین کننده نوع تجربه و کیفیتی است که از سفر به دست می آید. کانال ها و ابزارهای حمل و نقل به این شرح تقسیم بندی می گردد:

الف) هوایی. شامل:

- پروازهای زمان بندی شده (شاتل)

- پروازهای غیر زمان بندی شده (چارت تر)

ب) زمینی. شامل:

- راه آهن

- اتوبوس

- اتومبیل شخصی

- اتومبیل کرایه ای

ج) آبی. شامل:

- کشتی

- قایق

### حمل و نقل هوایی

هواییما یکی از رایج ترین وسایل مسافرت گردشگران است. در آلمان از سال ۱۹۱۰، سفرهای هوایی انجام شده است



## راهنمای گردشگری عمومی

در ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۱۴ نخستین خط هوایی افتتاح گردید و بعد از جنگ جهانی اول، مسافرت با هواپیما، به صورت یکی از شیوه های معمول سفر، متداول شد. در سال های بین دو جنگ جهانی، در فناوری حمل و نقل، پیشرفت های چشمگیری صورت گرفت. در طول جنگ جهانی دوم، مسافرت هوایی بین قاره ها، انجام می شد و پس از مدتی هواپیمای چهار موتوره که تجهیزات پیشرفته ای داشت، به کار گرفته شد. این هواپیما نقش بسزایی در تسهیل سفر، و آسایش مسافران ایفا کرد. در سال ۱۹۵۸ از هواپیمای جت در امور بازرگانی، استفاده شد و مسافرت های هوایی جانشین سفرهای آبی و ریلی گردید. از آن زمان تا کنون، بر سرعت، کیفیت و ایمنی هواپیماها، روز به روز افزوده شده است؛ بطوریکه امروزه این وسیله یکی از مناسبترین گزینه های حمل و نقل برای گردشگران به شمار می آید.

### حمل و نقل زمینی

- حمل و نقل ریلی: راه آهن یکی از قدیمی ترین تسهیلات حمل بار و مسافر است، که از دیرباز مورد توجه مسافران و تجار بوده است. هر چند هنوز هم راه آهن، چنین کارکردی بر عهده دارد، به تدریج با توسعه سایر وسایل حمل و نقل از جمله هواپیما، رونق خود را از دست داده است.

در ژاپن و چندین کشور اروپایی، شبکه های نوینی از راه آهن، به وجود آمده است که با شیوه های دیگر مسافرت رقابت می کند. «راه آهن ملی ژاپن» در سال ۱۹۶۵ از قطارهایی با سرعت بالا استفاده کرد؛ و این نوع قطارهای پیشرفته را «گلوله» نامید و در مسیری بین مراکز بزرگ تجاری و شهرهای بزرگ ژاپن به کار گرفت. راه آهن های اروپا هم از آن جهت شهرت دارند که می توان به وسیله آنها به نقاط متعددی سفر کرد و از نظر راحتی هم زبانزد همگان است.

برای اینکه راه آهن در صحنه رقابت باقی بماند، هر روز قطارهایی با سرعت و کیفیت بالاتر ارائه می شود. شبکه های حمل و نقل ریلی جدید، به صورتی طراحی شده اند که از قدرت گرانش مغناطیسی، استفاده می کنند و قطار کمی بالاتر از خط حرکت می کند؛ بدین ترتیب، اصطکاک و صدا به کمترین، و سرعت به بیشترین حد ممکن می رسد.

### حمل و نقل جاده ای

امروزه شمار زیادی از مسافرت ها با وسایل حمل و نقل جاده ای، شامل انواع خودروهای کوچک و بزرگ شخصی و عمومی انجام می گیرد. تنوع این وسایل به اندازه ای است که می تواند پاسخگوی سلیق و نیازهای گردشگران گوناگون باشد.

- اتوبوس: بسیاری از مسافرت ها با خودروهای مسافربری عمومی انجام می شود. یکی از مزایای عمده این وسیله این است که مثل خودرو و سواری به یک مسیر مشخص محدود نمی شود. همین ویژگی باعث می گردد که سازمانهای مربوطه بتوانند خدمات متفاوتی را به جوامع عرضه کنند. در صنعت گردشگری، اتوبوس از جمله وسایل

## راهنمای گردشگری عمومی

عمده حمل و نقل به حساب می آید و از آن برای جابجا کردن مسافران ، بین فرودگاه و ایستگاه قطار، هتل ها و اماکن دیدنی مقصد استفاده می شود . یکی از ویژگی های عمده این وسیله ، امکان نقل و انتقال دسته جمعی افراد برای بازدید از مناطق دیدنی است .

شرکت های اتوبوسرانی ، خدمات متنوعی ، از خدمات گردشگری تا حمل و نقل مسافر به صورت شهری و بین شهری و برون مرزی ارائه می کنند .

این خدمات را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد :

۱- مسیرهای سریع السیر بین المللی و داخلی

۲- اتوبوس های دربستی

۳- اتوبوس های گردشگری

۴- خدمات انتقال مسافر از فرودگاه به هتل و بالعکس

اتوبوس های مسیرهای طولانی ، گزینه ای ارزان قیمت ، پیش روی قطار و هواپیما می باشند . تعداد فزاینده ای از گردشگران ، از بخش های متفاوت بازار و معمولاً تیپ جوان که به دنبال ارزانی هستند ، برای مسافرت اتوبوس را انتخاب می کنند .

هزینه به نسبت پایین ، بهبود کیفیت راهها ، مدرن شدن اتوبوس ها و جذابیت های مسیر ، از عناصری هستند که تقاضا برای استفاده از اتوبوس ، در سفرهای طولانی و بین المللی را تقویت نموده اند .

- **خودرو شخصی** : با توسعه اقتصاد و پیشرفت های فناوری ، الگوهای حمل و نقل مسافران ، از شیوه های ابتدایی مانند پیاده روی ، استفاده از حیوانات اهلی و دوچرخه تغییر شکل یافت و رفته رفته استفاده از موتور سیکلت و خودروهای کوچک و بزرگ رواج یافت . شاید افزایش اتومبیل های شخصی ، بیشتر از هر عامل دیگری موجب تغییر عادت مسافران شده و در صنعت گردشگری نقش داشته است . در انگلیس این پدیده ، بعد از دهه ۱۹۵۰ اتفاق افتاد و تأثیر عمده ای بر اتوبوسرانی و قطار داشته و برای خانواده ها آزادی عمل بیشتری بدنبال داشته است . نه تنها هزینه های روزمره اتومبیل شخصی کمتر شده ، بلکه مالکین اتومبیل ها ، کمتر هزینه های غیر مستقیم مثل استهلاک و خرابی ها را در نظر می گیرند . به همین دلیل است که این اسباب نسبت به وسایل نقلیه عمومی ترجیح داده می شود . این استنباط از هزینه های پایین ، و انعطاف پذیری بالا ، منجر به گذراندن تفریحات بیشتر با استفاده از اتومبیل ، به خصوص در تعطیلات کوتاه مدت و یک روزه شده است .

**اتومبیل کرایه ای** : عده ای از گردشگران در تمام مدت سفر یا بخش هایی از مسیر خود ، از خودروهای اجاره ای استفاده می کنند . به این ترتیب ، ضمن رفع نیازشان برای حمل و نقل و جابجایی ، الزامی به بردن وسیله شخصی ندارند .

سازمان هایی که خودرو به افراد اجاره می دهند و بیشتر در اطراف فرودگاه ها مستقرند ، در سراسر دنیا درآمد قابل توجهی دارند . در سال ۱۹۹۶ ، شش مؤسسه کرایه خودرو توانستند افزون بر یک میلیارد دلار درآمد داشته باشند .<sup>۲</sup>

3- باجت ( Bajet )

2- اویس ( Aviss )

1- هرتز ( Hertz )

بزرگترین شرکت کرایه خودرو، هرگز است که ناوگانی با بیش از پانصد هزار دستگاه خودرو در اختیار دارد و آنها را در ۱۸۰ کشور و از طریق ۵۴۰۰ جایگاه به متقاضیان عرضه می کند.

### ۲- خدمات اقامتی

جاذبه های گردشگری به تنهایی موجبات سفر یا رونق این صنعت را فراهم نمی کنند، بلکه امکانات و شرایط، برای جابجایی و اقامت گردشگران نیز باید فراهم باشد. صنعت گردشگری نظام منسجمی است که عناصر آن، لازم و ملزوم یکدیگر می باشند. بدین مفهوم که اگرچه اسکان در اقامتگاه ها، هدف اصلی یک گردشگر نیست، اما بدون فراهم بودن امکانات اقامتی، رغبتی برای دیدار از یک جاذبه ایجاد نمی شود؛ بنابراین تقاضا برای استفاده از امکانات اقامتی، یک تقاضای مشتق شده است.

خدمات اقامتی، اصطلاحی است برای تهیه تسهیلات خواب و استراحت، با محوریت تجاری که در صنعت گردشگری و مهمان یاری به کار می رود. بسیاری از نویسندگان، از جمله مک اینتاش و گلدنر بر این موضوع تأکید کرده اند که خدمات اسکان و پذیرایی در صنعت گردشگری، یکی از پیچیده ترین و پویاترین بخش های این صنعت است.

از گذشته، مسافران برای استراحت و صرف غذا، به استراحتگاه های عمومی پناه می بردند. بعد از ایجاد راه ها و شبکه های ارتباطی، ساختن بناهای عام المنفعه مربوط به مسافران از جمله کاروانسراها و آب انبارها متداول شده بود. مهمان پذیرها به معنی بازرگانی آن، در قرن پانزدهم در اروپا به وجود آمد. نخستین مهمان پذیرها نام «تختخواب و صبحانه» داشتند. افراد در خانه های شخصی، با مبلغی اندک، از مسافران پذیرایی می کردند. در سال ۱۷۷۴ نخستین هتل توسط دیوید لو در لندن گشایش یافت. در ایالات متحده، نخستین هتل با تجهیزات و تسهیلات امروزی، در سال ۱۸۹۲ در بوستون ماساچوست، ساخته شد که نام آن «ترمانت هاس» بود.

تسهیلات اقامتی شامل کلیه امکاناتی است که هدف اصلی آنها، تدارک جا و مکان، برای اقامت شبانه گردشگران می باشد؛ اما معمولاً خدمات جانبی دیگری نیز از جمله رستوران، سونا و استخر ارائه می نماید که اهالی بومی نیز از آن بهره مند می گردند. بازار این صنعت را دامنه گسترده ای از مشتریان متفاوت تشکیل می دهند؛ از آن جمله کسانی که برای انجام امور اداری و تجاری، آموزشی یا به قصد درمان، زیارت و یا سایر انواع گردشگری سفر می کنند. امکانات اقامتی در دسترس گردشگران، از نظر اندازه و تعداد اتاق و دیگر تسهیلات، بسیار متفاوت است. این ترکیب ناشی از ایجاد توازن بین نیاز بخشهای متفاوت بازار و سطح عرضه می باشد.

### طبقه بندی اقامتگاه ها

اصولاً اقامتگاه ها را می توان با توجه به معیارهای مختلف طبقه بندی کرد. طبقه بندی، به نوع اتاق و تسهیلات این مکان ها، همچنین کیفیت خدماتی که در آنجا عرضه می شود، بستگی دارد. تلاش برای ارائه نظام طبقه بندی یکسان و جهانی برای هتل ها همواره با مشکلاتی مواجه بوده است؛ زیرا در هر کشوری، خصوصیات برای اسکان و شیوه پذیرایی از مهمانان وجود دارد، که ممکن است به هیچ وجه همانند کشورهای دیگر نباشند.

در سال ۱۹۶۲ اتحادیه بین المللی سازمان های رسمی گردشگری، درصدد برآمده تا برای طبقه بندی اقامتگاه ها در سراسر دنیا، نظامی همانند ارائه کند؛ ولی همواره با موانعی روبرو شده است. تنوع و تفاوت در تعاریف - که در کشورهای مختلف در مورد نبودن نوع خدمت و مدیریت آثار فرهنگی، تسهیلات و تشکیلات وجود دارد - یکی از علل ممکن نبودن حصول توافق در مورد طبقه بندی مزبور است؛ با وجود این، در کشورهای اروپایی متحد، نظام طبقه بندی رسمی و دولتی به وجود آمده است، و در این باره از شاخص های کمی و کیفی استفاده کرده اند و در بعضی از کشورها نیز، بخش خصوصی اقدام به این کار کرده است. برای مثال اسمیت تسهیلات امکان گردشگران را بر اساس نحوه مراجعه آنان به دو دسته تسهیلات عمومی و خصوصی تقسیم کرده است. تسهیلات عمومی شامل مکان هایی از جمله اردوگاه ها و استراحتگاه های عمومی مسافران می شود. در حالیکه اقامتگاه خصوصی شامل اتاق های اجاره ای، ساختمان های شخصی و هتلهاست.

در تقسیم بندی دیگری، مهمانخانه ها به انواع تفریحی، تجاری، موتوری، فرودگاهی و اقامتی تفکیک شده اند. هتل های تفریحی، معمولاً در محیطی جالب واقع شده اند و در آنها ترکیبی از خدمات، از جمله فعالیت های سرگرم کننده و تفریحی به مسافران و گردشگران ارائه می شود. مهمانخانه ها یا هتل های تجاری، برای راحتی مسافرانی که به قصد انجام دادن امور تجاری، حضور در کنفرانس ها و یا سپری کردن تعطیلات به سفر می روند، در مرکز شهر واقع شده اند. مهمانخانه های موتوری، برای گردشگرانی که می خواهند با ماشین خود مسافرت کنند، اهمیت زیادی دارد و در برخی کشورها مانند آمریکا، کانادا و مکزیک، بسیار مورد توجه است. به هر حال نمی توان هیچ روش واحدی را برای دسته بندی یا درجه بندی انواع هتل ها معرفی کرد. بطور کلی درجه بندی، نمایانگر اقداماتی است که در بازار صورت می گیرد تا موجب جذب مسافران و مهمان شود.

انواع واحدهای اقامتی مسافران بر اساس نوع ساختمان، خدمات و اندازه آنها و موقعیت محل آنها قابل تفکیک می باشد. در ادامه هر یک به اختصار معرفی می گردد.

### هتل Hotel

هتل ها، مجموعه های اقامتی لوکس و شناخته شده ای هستند که از تعداد اتاق های متعددی برخوردارند. در هتل به غیر از تأمین امکانات خواب، خدمات گسترده و متنوع دیگری از جمله تریا، رستوران، استخر، سالن های بدنسازی

## راهنمای گردشگری عمومی

و فروشگاه های تهیه سوغات تدارک دیده شده است ؛ ضمناً برای استفاده صحیح از امکانات ایجاد شده و جلب مشتریان خاص ، سالن هایی برای برگزاری سمینار ، سخنرانی و جشن های مختلف پیش بینی شده است .  
هتل ها از نظر درجه بندی در ایران به پنج قسمت تقسیم می شوند :

۱- هتل یک ستاره

۲- هتل دو ستاره

۳- هتل سه ستاره

۴- هتل چهار ستاره

۵- هتل پنج ستاره

هر هتل در هر درجه به چهار گرید ( A - B - C - T ) تقسیم می شود که A بهترین آن و C از نظر اهمیت پایین ترین درجه را دارد .

البته در جهان در سطح بین المللی ، علاوه بر درجه بندی مذکور، هتل های خاص نیز تحت عنوان هتل های « مگا هتل » شناخته شده اند، که از بسیاری از جهات منحصر به فرد می باشند .

### مهمانسرا

مهمانسراها از هتل ها ارزانتر بوده و معمولاً تحت نظر سازمان ها و ارگان ها و شرکت های دولتی ، سرمایه گذاری و اداره می شوند و گروه های خاصی از مهمان های مرتبط با آن را می پذیرند .

### مسافرخانه یا مهمانپذیر

مسافرخانه ها ، اقامتگاه هایی ارزان قیمت و کوچک هستند که اغلب دارای سرویس بهداشتی و آشپزخانه مشترک می باشند . معمولاً مسافرخانه ها در مراکز شهرها ایجاد می شوند - که رفت و آمد بیشتر است - تا مسافر هزینه کمتری برای رفت و آمد خود پرداخت کند .

در ایران مسافرخانه ها به سه درجه تقسیم بندی می شوند :

۱- درجه یک

۲- درجه دو

۳- ممتاز

که ممتاز بهترین و درجه دو پایین ترین درجه بندی آنهاست .

### متل یا راه سرا Motel

## راهنمای گردشگری عمومی

در بسیاری از کشورها، در جاده های کمربندی و بیرون شهرها، واحدهایی اقامتی، برای مسافرانی که مسافتی طولانی را با وسیله شخصی پیموده اند، ایجاد می نمایند. این واحدهای اقامتی معمولاً به صورت ساختمان های یک یا دو طبقه می باشند که دارای اتاق های متعدد بوده و هر اتاق دارای حمام و سرویس بهداشتی مستقل است. در داخل هر اتاق، تلویزیون و یخچال و امکانات تهیه چای و قهوه فراهم می گردد. بعضی از متل ها دارای تجهیزات گسترده تری هستند و بعضی ساده می باشند. در حوالی این متل ها معمولاً سوپر مارکت، رستوران و پمپ بنزین ایجاد می شود تا مسافران بتوانند مایحتاج خود را تأمین کنند. هزینه اقامت در این واحدهای اقامتی، به دلیل اینکه خدمات گسترده ای ارائه نمی دهند، مناسبتر از هتل است.

### زائرسرا

واحدهای اقامتی ای هستند که در شهرهای زیارتی احداث می گردد و اغلب شرایط سهل تری دارند. گاه این زائرسراها وابسته به ادارات و ارگان های خاصی بوده و گاه مستقل می باشند. معمولاً زائرسراهای مستقل، حداقل امکانات را دارا هستند و فقط امکانات خواب را فراهم می سازند. هزینه اقامت در اینگونه واحدها به تناسب امکاناتی که فراهم می شود، تعیین می گردد.

### پلاژ

پلاژها اتاقک هایی در سواحل دریاها هستند و از امکانات محدودی برخوردارند. گاه در بعضی اقامتگاه های تفریحی که مجموعه ای از سرگرمی ها فراهم شده است، پلاژیایی برای اقامت مسافران و مهمانان احداث می گردد. پلاژها اغلب دارای امکانات بهداشتی مشترک هستند.

## کمپینگ Camping

کمپینگ ها استراحتگاه هایی هستند که در بین راه ها یا در مناطق دیدنی و خوش آب و هوا احداث می گردند. معمولاً دارای سرویس های بهداشتی و استراحتگاه های سرپوشیده هستند. مسافران می توانند با استفاده از محوطه های ایجاد شده، چادر خود را بنا نهاده و یا ماشین واگن دار خود را پارک نمایند و شب را در همان منطقه سپری نمایند. گاه تسهیلاتی برای روشن کردن آتش و پخت و پز نیز تدارک دیده شده است. معمولاً به تبع رفت و آمد مسافر و استقرار آنها در این استراحتگاه ها، فروشگاه هایی نیز در کنار آن ایجاد می شود. گاه در کمپینگ ها امکانات آب و برق به صورتی که قابل اتصال به سیستم تأسیسات کاروان ها باشد، تدارک دیده می شود.

### کاروان

کاروان ها واحدهای اقامتی سیاری هستند که امکانات اصلی یک منزل را دارا می باشند. مزیت این نوع واحدهای اقامتی این است که هر کجا که مسافر قصد اقامت داشته باشد، می تواند همان جا توقف نماید.

### مجموعه های مشارکتی زمانی ( تایم شرینگ ) Time Sharing

این یک الگوی رو به رشد بین المللی برای اقامت مسافران است که به منظور مشارکت دادن مسافران در استفاده از یک واحد اقامتی انجام می شود. در این سیستم شخص، یکی دو هفته یا مدت کوتاهی را در یک آپارتمان به صورت اجاره به سر می برد. در واقع مشتری، برای زمان معینی از سال، امکان استفاده از خدمات اقامتی مجتمعی را طی دوران معینی که گاه تا ۳۰ سال نیز می رسد، خریداری کرده است؛ در بقیه ایام سال طی همین دوران، مشتریان دیگری همین فضا را خریداری کرده، در اختیار دارند. در ایران نیز چنین امکانی در مناطق مهم گردشگری، همچون مشهد، کیش و هتل نارنجستان در شمال کشور وجود دارند.

### هتل آپارتمان

نوع دیگری از واحدهای اقامتی را تشکیل می دهند که در داخل هر واحد اقامتی، علاوه بر امکانات خواب و پذیرایی، امکانات اولیه پخت و پز نیز پیش بینی گردیده، به نحوی که شباهت زیادی به یک واحد مسکونی دارد. هتل آپارتمان از نظر درجه بندی در ایران به سه درجه تقسیم می شود:

- ۱- یک ستاره
- ۲- دو ستاره
- ۳- سه ستاره

### ویلاها

ویلاها واحدهای تفریحی و اقامتی خاصی هستند که بعضاً به صورت مجتمع، در مناطق ییلاقی و در کنار دریا و سایر مراکز توریستی احداث می شوند و به صورت مستقل اجاره داده می شوند.

### انواع اتاق ها

- ۱- اتاق یک نفره یا سینگل Single
- ۲- اتاق دبل Double
- ۳- اتاق توین Twin
- ۴- اتاق سوئیت Suite
- ۵- اتاق استودیو Studio
- ۶- اتاق کابانا Cabana
- ۷- اتاق تو در تو Connect Room

### اتاق سینگل Single

## راهنمای گردشگری عمومی

اتاق هایی است که ظرفیت پذیرش آن برای یک نفر است و معمولاً برای اقامت افراد مجرد و تک نفره استفاده می شود . ( ابعاد تخت در اتاق سینگل بطور استاندارد  $2m \times 90 \text{ cm}$  است . )

### اتاق دبل Double

اتاق هایی است که ظرفیت پذیرش دو نفر را دارد و معمولاً از یک تخت دو نفره استاندارد استفاده می شود . ( ابعاد تخت در چنین اتاق هایی عبارتست از :  $2m \times 140 \text{ cm}$  و  $2m \times 150 \text{ cm}$  که این تخت را ، تخت ملکه ( Queen Size Bed ) و یا تخت فرانسوی ( France Bed ) می گویند .  
نوع  $2m \times 150 \text{ cm}$  به تخت های انگلیسی معروف است ؛ و همچنین تخت  $2m \times 160 \text{ cm}$  و یا  $2m \times 180 \text{ cm}$  ، که این دو تخت را اصطلاحاً تخت سلطنتی ( King Size Bed ) می گویند ، وجود دارد .  
در موارد استثنائی تخت های دو نفره بزرگتری نیز با ابعاد  $2m \times 2m$  به کار گرفته می شود که به آن ها سوپر ( یک نفره شاهانه کالیفرنیا California King Size Bed ) گفته می شود و بیشتر در کشورهای عربی متداول بوده و به تخت های عربی ( Arabian Style ) نیز معروف است . )

### اتاق توین Twin

اتاقی است برای ظرفیت دو نفر ، با دو تخت یک نفره جدا از هم . در بعضی واحدهای اقامتی ، اتاق هایی با ظرفیت سه تخت نیز دیده می شود ، که به آنها اصطلاحاً اتاق های سه تخته ( Triple ) گفته می شود ؛ اما این اتاق ها خارج از استاندارد و قاعده بین المللی است و در تقسیم بندی های صنعت هتلداری ، در سطح جهانی مطرح نمی باشد .

### اتاق سوئیت Suite

اتاق هایی است که علاوه بر محلی برای استراحت و خواب ، اتاق و یا فضای دیگری نیز برای پذیرایی از مهمانان دارد.

### اتاق استودیو Studio

اتاق هایی شبیه به سوئیت های معمولی است ؛ با این تفاوت که اولاً فضای بین اتاق خواب و نشیمن ، توسط دیوار بسته نیست ، بلکه با استفاده از پارتیشن و فضا سازی های مناسب جدا شده است ، که از قسمت بالای اتاق ها ، فضا بطور مشترک می باشد ؛ دوماً برای استفاده از تخت و محل های خواب ، بعضاً از کاناپه های تختخواب شو و یا تختخواب های داخل دیوار استفاده می شود ، به نحوی که روزها به شکل دفتر کار و پذیرایی و شب ها به صورت اتاق خواب تکمیل می گردد .

### اتاق کابانا Cabana



اتاق خواب هایی معمولی است که اغلب در طبقه همکف هتل های کنار دریا ساخته شده ، به نحوی که برای استفاده از دریا ، مهمان الزامی به تردد در داخل راهروی هتل نداشته باشد و بتواند بطور مستقیم و با لباس مخصوص شنا ، بین اتاق خود و ساحل دریا تردد نماید .

### اتاق تو در تو Connect Room

بعضی از هتل ها دارای اتاق هایی هستند که از داخل به هم مرتبطند و در مواقع خاص ، توسط درب وسط بسته شده و می تواند بطور مستقل و جداگانه ، مجدداً بهره برداری شود . توجه داشته باشید که اتاق های Connect هر یک به تنهایی باید امکانات خواب و سرویس های بهداشتی مجزا داشته باشند .

### رستوران و خدمات پذیرایی

آن هنگام که گردشگر پا به سرزمین مورد بازدید می گذارد ، علاوه بر پی جویی جاذبه هایی که او را بدان مقصد کشانیده است، نیازهای مقدماتی و انسانی ای دارد که به هر تقدیر باید آنها را تأمین نماید. غذا از جمله نیازهای فیزیولوژیک اولیه انسانی است؛ اما غذا علاوه بر تأمین این ضرورت ، خود به عنوان گونه ای قابل اهمیت از جاذبه های هر مقصد گردشگری شناخته می شود. غذا خوردن ، حضور در رستوران ها ، تریاها و چای خانه ها، اسبابی برای گذراندن اوقات فراغت افراد مقیم و همچنین گردشگران است . غذاهای محلی و چشیدن طعم آنچه تا کنون آن را تجربه نکرده ایم ، اشتیاق و لذت خاصی به گردشگران هدیه می دهد که جانشینی برای آن نمی توان یافت . تفاوت های فرهنگی میان بازدیدکنندگان و سرزمین مقصد، نقش و جاذبه خدمات غذایی را دو چندان می کند؛ خاصه اگر این غذاها در محیطی مناسب با فرهنگ مقصد ( دکوراسیون ، نور ، موسیقی و ... ) در اختیار گردشگر قرار گیرد. از همین جهت است که ارائه غذا و خدمات تغذیه ، به عنوان یک زیر بخش صنعت گردشگری مورد توجه قرار می گیرد.

تقسیم بندی ساده و در عین حال بسیار جالبی در مورد غذا وجود دارد . در این تقسیم بندی ، غذا بر دو بخش غذایی جسم و غذای روح طبقه بندی شده است . غذای جسم عمدتاً ، اغذیه معمولاً به نسبت ارزان ، سریع و ساده است که با هدف رفع گرسنگی صرف می شود . اما غذا به عنوان غذای روح ، چیزی بسیار فراتر از آن است ؛ زیرا در این وضعیت نه فقط نیاز جسم انسان به سیر شدن تأمین می گردد ، بلکه غذا خوردن به یک تجربه دلچسب و به یاد ماندنی تبدیل می شود . این غذا کاملتر و گرانتر است و از نظر صرف زمان نیز طولانی تر خواهد بود ؛ اما به همه این ها باید افزود که این غذا در محیطی صرف می شود که خود جزئی از فرایند غذا خوردن است . غذای روح را می توان یک فعالیت اجتماعی دانست ؛ زیرا به ندرت به تنهایی جهت صرف غذا در چنین فضایی قرار گرفته و چنین هزینه ای صرف می کند و به طور معمول صرف غذای تنها ، بیشتر در نوع اول یعنی غذای جسم می گنجد .

غذا خوردن در رستورانهای خوب از جمله خاطرات و تجارب خوش زندگی افراد به یاد می ماند و گاه اسبابی برای بیان تشخیص به حساب می آید .

## راهنمای گردشگری عمومی

یک رستوران ، یک بنگاه اقتصادی است که غذای آماده و نوشیدنی ، برای مصرف در محیط خود به مشتریان ارائه می دهد .

انواع مختلفی از رستوران ها وجود دارد . رستوران ها با توجه به فرهنگ محلی ، درجه رسمیت و قیمت به شکل های مختلفی تقسیم بندی می شوند .

طیف گسترده ای از رستوران ها را با توجه به سطح قیمت آنها و بازار پیش روی این مؤسسات می توان تشخیص داد . به عنوان مثال ، رستوران های ارزان قیمت که در محل های جنب فعالیت های عمده اقتصادی و ازدحام جمعیتی ( بازارها و پایانه ها ) فعال هستند ، بیشتر مشتریانی از قسم کارکنان این مراکز دارند که غذایی ساده و با قیمت ارزان ، مطلوب آنهاست . در طرف دیگر این طیف ، رستوران های مجلل قرار دارند که در فضایی رسمی غذایی خاص را ارائه می دهند .

در رستوران های ارزان قیمت ، اغلب کارکنان از لباس فرم مخصوص استفاده نمی کنند ؛ ولی در عوض لباس فرم رسمی ، جزئی از تشریفات متداول در رستوران های مجلل است .

گاه رستوران ها بر حسب نوع ، غذاهای دریایی یا غذای چینی سرو می کنند و یا رستوران هایی که غذای هندی عرضه می کنند .

در ایران چلو کبابی ها که صرفاً به ارائه چلو کباب می پردازند ، یا سفره خانه های سنتی که غذاهایی همچون دیزی ، بریان و کوفته تبریزی به مشتریان خود می فروشند ، در این طبقه بندی قرار می گیرند .

در همین طبقه بندی بطور مرسوم ، رستوران هایی که اغلب غذاهای بومی یک سرزمین را عرضه می کنند را با همان عبارت رستوران می شناسیم ؛ ولی رستوران هایی که غذایی خاص را ارائه می کنند ، اغلب به نام غذایی که عرضه می کنند شناخته می شوند . مانند : کبابی ، بریانی ، دیزی سرا ، سفره خانه سنتی و یا رستوران چینی یا هندی نمونه هایی مرسوم از این قسم در ایران است .

## جاذبه های گردشگری

منظور گردشگران از سفر به یک منطقه گردشگری ، بهره مندی و بازدید از جاذبه های گردشگری منطقه است . از این رو اهمیت مطالعه جاذبه های گردشگری در کنار سایر کالاها و خدمات این صنعت غیر قابل انکار است .

به طور کلی ، جاذبه های گردشگری را می توان به دو گروه اصلی : یکی **جاذبه های طبیعی و خدادادی** و دیگری **جاذبه های دست ساز بشری** تقسیم نمود . جاذبه های طبیعی شامل مواردی از قبیل چشم اندازها ، آب و هوا ، فضای سبز ، جنگل ها و حیات وحش می گردد . در عوض جاذبه های دست ساز ، یا محصول تاریخ و فرهنگ بشری هستند و یا جاذبه های مصنوعی از قبیل پارک های موضوعی ، باغ وحش ها و مجموعه های تفریحی می باشند . از نظر تاریخی جاذبه های دنیای کهن ، اغلب جاذبه هایی هستند که به منظور استفاده گردشگری ساخته و پرداخته نشده اند . " تخت جمشید " یا " زیگورات چغازنبیل " ، جاذبه هایی نیستند که برای گردشگران طراحی شده باشند ؛ و بر

## راهنمای گردشگری عمومی

عکس ، جاذبه های دنیای مدرن ، اغلب با هدف اولیه جذب گردشگران ساخته و آماده می شوند . باغ پرندگان اصفهان ، کوه سنگی مشهد و سرزمین عجایب تهران نمونه هایی از این دست به شمار می روند .

از کهن ترین جاذبه های گردشگری با مبانی فرهنگی می توان به حضور آرامنه در هر سال در کلیسای ططاووس قدیس ، مراسم قالیشویان مشهد اردهال ، ذکر نمود .

برخی از جلوه های طبیعت همچون چشمه سارها ، غارها ، کوهستان ها و آبشارها نیز به واسطه پیوند میان آنها و وقایع مهم تاریخی ، فرهنگی ، مذهبی و نظامی به عنوان جاذبه های گردشگری شناخته می شوند . کوه بیستون کرمانشاه ، غار شاپور کازرون و کوه الموت قزوین در کشور ما از آن جمله اند .

جاذبه های گردشگری را می توان به صورت کلی و یا بر مبنای اهداف خاص تعریف نمود . جاذبه گردشگری یک منبع دائمی طراحی شده است که به منظور تفریح ، سرگرمی ، لذت بردن و آموزش بازدیدکنندگان ، کنترل و اداره می شود . بیان تعریفی همچون تعریف کلی فوق ، به طور معمول با ارائه طبقه بندی هایی از جاذبه های گردشگری همراه است که در فصلهای آینده بطور کامل شرح داده می شود .

توجه به این نکته ضروری است که عرضه کنندگان محصولات گردشگری ، به خصوص در زمینه حمل و نقل و اقامت ، با هزینه های ثابت بسیاری مواجه هستند . جبران این هزینه های ثابت ، مستلزم تقاضای به نسبت با ثبات برای این محصولات است که تورگردان ها به نوعی این وظیفه را بر عهده گرفته اند . عرضه - کنندگان خرد محصولات گردشگری ، نظیر شرکت های هواپیمایی ، راه آهن ، هتلداران ، صاحبان دهکده های تفرجگاهی و تفریحی برای ثبات بخشیدن به تقاضای محصولات خود به تورگردانان روی می آورند .

زیر بخش های صنعت گردشگری نظیر تورگردانان نیز با نوسانات و تکامل بازار مواجهند . در مقاطعی از زمان ، حسب شرایط محیطی و بازار ، با رونق گیری صنعت گردشگری به طور عام ، تقاضا برای خدمات تورگردانان نیز افزایش می یابد . این رونق و کسب سود به نسبت مناسب ، از سوی فعالین بازار ، موجب جذب بنگاه های دیگری به این صنعت و رقابتی تر شدن فضای صنعت خواهد شد . گاه این شرایط رقابتی و یا وقوع شوک های منفی در بازار و عدم امکان تطابق با آنها به زیان دهی و برخی بنگاه های فعال در صنعت تورگردانی منجر می شود .

اگرچه کار تورگردانان تأمین بسته سفر به صورت گروهی و کامل است ، در عین حال گاه تورگردانان به فروش بخشی از اجزاء بسته سفر نیز اقدام می کنند . مثلاً تورگردانان ممکن است بلیط هواپیما و تنها امکانات اقامت را برای مسافرانی که قصد سفر دارند ، تدارک ببینند و از این رو در هر پرواز شاید گروه اندکی از مسافران باشند که چنین شرایطی دارند و از بقیه خدمات تور ، نظیر راهنما ، ایاب و ذهاب و ... استفاده نمی کنند ؛ اما در مورد مقاصدی که با تقاضای بسیار سفر مواجه هستند ، برای تورگردانان استفاده از پروازهای دربستی ، مناسبتر است و بسته سفر به طور کامل ارائه می شود . گردشگرانی که برای تعطیلات و برای نخستین بار به مقصدی سفر می کنند ، بیشتر علاقه مند هستند تا از بسته کامل تور که از سوی تورگردانان ارائه می شود ، بهره جویند . البته گاه دولت ها در مقاصد گردشگری ، با رواج پروازهای چارتر که از سوی تورگردانان تأمین می شود ، مخالفت هایی دارند ؛ استدلال آنها حمایت از خطوط هواپیمایی ملی سرزمین مقصد است .

## راهنمای گردشگری عمومی

توانایی دوم  
بررسی ویژگی های جغرافیایی ایران



نام کشور به طور کامل: جمهوری اسلامی ایران.

پایتخت: تهران.

وسعت: ۱۶۴۸۱۹۸ کیلومتر مربع یا ۶۳۶۳۷۵ مایل مربع.

زبان: فارسی و گویش های فارسی ۵۸ درصد، ترکی و گویش های ترکی ۲۶ درصد، کردی نه درصد، لری دو درصد، بلوچی یک درصد، عربی یک درصد، زبان های دیگر دو درصد.

مذهب: مسلمان شیعه ۸۹ درصد، مسلمان سنی ده درصد، زرتشتی، مسیحی و یهودی یک درصد.

نوع حکومت: جمهوری اسلامی.

واحد پول: ده ریال ایرانی=یک تومان

## راهنمای گردشگری عمومی

صنایع و کشاورزی: نفت، پتروشیمی، نساجی، سیمان و دیگر مواد ساختمانی، پردازش مواد غذایی (بخصوص تصفیه شکر و تولید روغن گیاهی)، ساخت فلز، تسلیحات، خودروسازی، کشاورزی به ویژه کشت گندم، برنج و دیگر غلات، چغندر قند، میوه، خشکبار، پنبه، محصولات لبنی، پشم، خاویار.

زمین های قابل کشاورزی: ده درصد.

منابع طبیعی: نفت، گاز طبیعی، ذغال سنگ، کروم، مس، سنگ آهن، سرب، منگنز، روی، سولفور.

موقعیت جغرافیایی ایران چگونه است؟

ایران ۱۶۴۸۱۹۸ کیلومتر مربع یا ۶۳۶۳۷۵ مایل مربع وسعت دارد که ۰,۷ آن را آب تشکیل می دهد. ایران یک کشور آسیای غربی ست و در منطقه خاورمیانه و نیز آسیای مرکزی و قفقاز واقع شده. ایران با کشورهای ارمنستان، آذربایجان (شامل جمهوری نخجوان) و ترکمنستان در شمال، افغانستان و پاکستان در شرق و عراق و ترکیه در غرب مرز دارد. به علاوه ایران در خلیج فارس با کشورهای کویت، عراق، عربستان سعودی، بحرین، عمان، قطر و امارات متحده عربی مرز آبی دارد.

ایران یکی از کشورهای وسیع جهان است که در محدوده ۲۵ درجه و سه دقیقه الی ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و پنج دقیقه الی ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی واقع شده است. عرض جغرافیایی یک کشور مطالب زیادی درباره رابطه آن کشور با خورشید و میزان دریافت تابش خورشید در آن در اختیار ما قرار می دهد. ایران در عرض های جغرافیایی بالا قرار دارد و ویژگی عرض های جغرافیایی بالا این است که تفاوت بین فصل ها در آن ها بیشتر است.

### تنوع آب و هوایی ایران

ایران کشور پهناوری ست که از نظر جغرافیایی ویژگی های خاصی دارد و از لحاظ اقلیمی بسیار متفاوت و متغیر است. با نگاهی به اقلیم شهرهای مختلف ایران حتی شهرهای هم عرضی مثل طبس، نطنز، گلپایگان و خرم آباد به آسانی می توان این گوناگونی آب و هوا را تشخیص داد. به طوری که میزان متوسط بارندگی سالانه در برخی از شهرهای جنوب ایران از چهل میلی متر تجاوز نمی کند. در حالی که میزان بارش باران در نواحی غربی ایران بیش از ۶۰۰ میلی متر گزارش شده است. در رابطه با بقیه عناصر آب و هوایی نظیر دما، رطوبت نیز این تفاوت ها را در نقاط مختلف کشور می توان مشاهده کرد.

### ایران کشوری نسبتاً مرتفع است

کشور ایران سرزمینی نسبتاً مرتفع است. به طوری که ارتفاع آن از سطح دریا به طور متوسط بیش از ۱۰۰۰ متر است. این سرزمین مرتفع از طرف غرب و جنوب غرب به وسیله رشته کوه های موازی و مرتفعی از نواحی پست و خشک عراق جدا می شود و در شمال و شمال شرق نیز به وسیله یک سلسله از کوه های مرتفع تر، از قفقاز و حوزه دریای

## راهنمای گردشگری عمومی

خزر و ریگزارهای خشک و بی آب و علف ترکمنستان جدا می شود. در شرق و جنوب شرقی نیز کوه های کم ارتفاع تری که پیوستگی آنها به یکدیگر به مراتب کمتر از کوه های شمال و غرب است، کشور ما را از همسایگان شرقی جدا می کند.

در امتداد سواحل دریای عمان و خلیج فارس نیز چندین رشته کوه موازی که به تدریج بر ارتفاع آنها افزوده می شود، وجود دارد که بلندی آنها در حوالی کرمان و شمال غرب استان فارس به حداکثر می رسد و به سلسله جبال زاگرس می پیوندد. سلسله جبال شمالی و غربی و رشته کوه های مرکزی و شرقی با جلگه ها و دره ها و دشت های کم عرض خود در مجموع کمتر از دوسوم مساحت کشور را تشکیل می دهد. بقیه مساحت کشور را مناطق کم ارتفاع و پست تشکیل داده اند که این مناطق را می توان به صورت مثلی تصور کرد که رأس های آن در شهرهای بم، سبزوار و قم است.

### ارتفاعات بر سیستم های جوی ایران تأثیر می گذارد

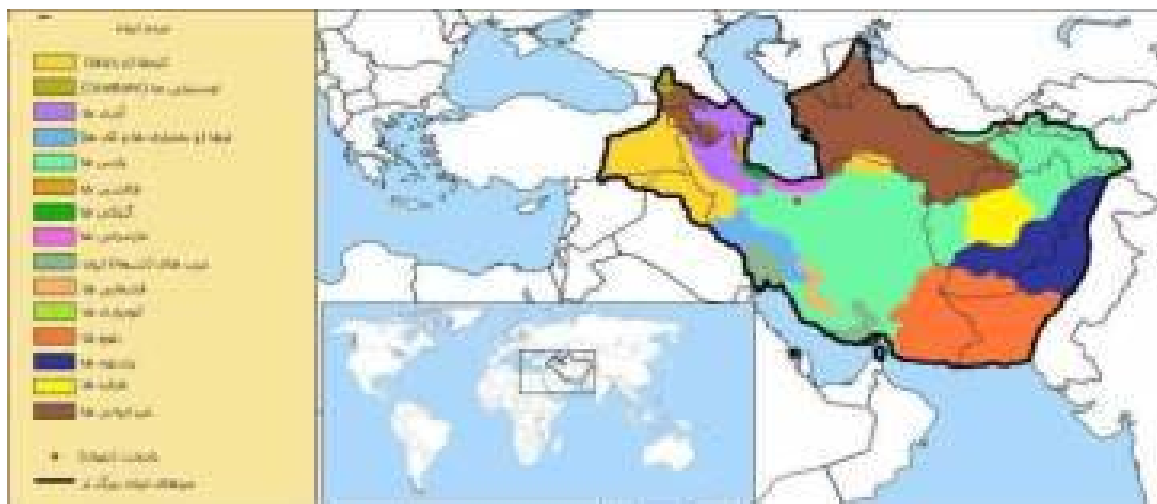
وجود سه سلسله جبال در حاشیه های مرزی که ایران را از همسایگانش جدا می کند و همچنین وجود نواحی پست در مرکز ایران سبب شده که هر سیستم جوی که از هر طرف وارد کشور می شود، در مرکز کشور تحت تأثیر واگرایی قرار بگیرد و همین واگرایی نه تنها سبب کاهش بارندگی می شود، بلکه از دقت پیش بینی هوا نیز می کاهد (در مقیاس کوچک تر تهران نیز در چنین موقعیتی قرار دارد). چون توزیع ارتفاعات این رشته کوه ها از نظم خاصی برخوردار نیست، امکان دارد که در طول فصل سرد سال در یک منطقه بارش برف وجود داشته باشد در حالی که در منطقه مجاور که فاصله اش از ایستگاه هواشناسی قبلی به صد کیلومتر هم نمی رسد، بارش به صورت باران گزارش شود.

کلیه سیستم های جوی که بر روی ایران اثر می گذارد، از نظر بارش تحت تأثیر این ارتفاعات به ویژه کوه های غربی (زاگرس) و شمالی (البرز) ممکن است تقویت یا تضعیف شود. در عین حال این رشته کوه ها در تعیین مسیر حرکت سیستم های جوی نیز تأثیر زیادی دارد و یا به عبارتی همین ارتفاعات تفاوت اقلیمی متنوعی را در سطح ایران ایجاد می کند. همین ارتفاعات حتی اقلیم کشورمان را از اقلیم مناطق مشابه و هم عرض بر روی کره زمین متمایز می کند.

### ویژگی های فلات ایران

فلات ایران در جنوب غرب آسیا قرار دارد و یکی از مناطق مرتفع و کوهستانی غرب آسیا به شمار می رود. مساحت فلات ایران دو میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع است. حدود ۲،۵۰۰ کیلومتر از غرب به شرق و حدود ۱،۵۰۰ کیلومتر از شمال به جنوب آن است. ایران امروزی ۶۳ درصد یعنی حدود دو سوم کل فلات (نجد) ایران را تشکیل می دهد. بقیه مناطق فلات در قرن ۱۳ هجری، با وقوع حوادثی تاریخی به تدریج از ایران جدا شده اند. این مناطق در حال حاضر عمدتاً به افغانستان و پاکستان تعلق دارند. مناطق غربی فلات ایران نیز در عراق است.

## راهنمای گردشگری عمومی



فلات ایران به شکل مثلثی است که بین دو فرورفتگی قرار دارد. این دو فرورفتگی عبارتند از خلیج فارس در جنوب و دریای خزر در شمال. به طور کلی فلات ایران از شمال به دریای خزر محدود است. در شرق، به جلگه حوضه رود سند می رسد. در جنوب آن کویر ساحلی قرار دارد و در جنوب غربی به زمین های پست بین النهرین محدود می شود. فلات ایران در غرب به ارتفاعات ارمنستان می پیوندد و از شرق با منطقه کوه های پامیر به هم پیوسته است. در نهایت فلات ایران برآمدگی ای را تشکیل می دهد که جلگه های آسیای داخلی را به فلات های آسیای صغیر و اروپا متصل می کند.

همین وضعیت جغرافیایی باعث شده فلات ایران در طول هزاران سال نقش مهمی در تاریخ جهان ایفا کند. در واقع زمانی که دریانوردی آسان نبود فلات ایران تنها راهی بود که بخش های مختلف آسیا را به یکدیگر و به کشورهای حوزه دریای مدیترانه و اروپا متصل می کرد. از آن جایی که فلات ایران چهار راه دنیای قدیم به شمار می رفت در آن مردمان زیادی از نژادها و ملیت های مختلف نیز تردد و مراوده می کردند و یا ساکن می شدند.

دورادور فلات ایران را کمانی از کوه های مختلف فراگرفته که فرورفتگی مرکزی را احاطه کرده اند. این فرورفتگی مرکزی بستر دریایی خشک شده است و در حال حاضر بیابان هایی بی آب و علف آن را فرا گرفته اند. این بیابان ها در زمره بایرترین کویرهای جهان است. این منطقه به دو قسمت تقسیم می شود: دشت کویر در شمال و دشت لوت در جنوب.

فلات ایران گسل ها، چین خوردگی ها و دره های زیادی دارد. بخش های دور از مرکز فلات ایران در معرض کوهزایی آلپی و در حال تجربه بالا رفتن و متعادل شدن است. بنابراین بسیار زلزله خیز است.

کوه های مغرب فلات ایران سلسه کوه های زاگرسند که از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده اند. کوه های زاگرس بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ کیلومتر عرض دارد. این کوه ها چین های موازی متعددی دارند.

در قسمت شمالی مثلث فلات ایران سلسله کوه های البرز قرار دارند. بلندترین قله این کوه ها دماوند نام دارد که بیش از ۵۶۷۲ متر ارتفاع دارد. این کوه ها در امتداد سواحل منحنی شکل جنوب دریای خزر کشیده شده اند.

سلسله کوه های البرز در مشرق، کوه های خراسان را ایجاد می کنند. این کوه ها چندان مرتفع نیستند.

یک رشته کوه جنوبی به نام مکران نیز سلسله کوه های دورادور مثلث ایران را تکمیل می کند.

آب و هوای فلات ایران در شمال خشک و قاره ای تا نیمه گرمسیری (با تابستان های گرم و زمستان های نسبتاً سرد) و در جنوب گرمسیری (با تابستان های داغ و زمستان های گرم) است. شرایط خشکی بر فلات ایران حاکم است در نتیجه بارش های پراکنده سالانه دارد که از ۵۰ تا ۱۵۰ میلی متر متغیر است. فقط دامنه های شمالی البرز (تا ۲،۰۰۰ میلی متر) و کناره های جنوب غربی و گستره شمالی رشته کوه سلیمان (تا ۱،۰۰۰ میلی متر) بارندگی کافی دریافت می کنند.

فلات ایران رودهای کوهستانی نسبتاً کمی دارد که بیشتر به گودی هایی منتهی می شوند. بزرگ ترین رودهای ایران، کارون، هلمند و هریرودند. آب این رودها به طور گسترده ای برای آبیاری مورد استفاده قرار می گیرند. دریاچه های فلات ایران بیشتر دریاچه های نمکند (ارومیه، دریاچه نمک) که این موضوع در گودال های ایران امری طبیعی به شمار می رود. فلات ایران بیابان هایی بزرگ و گیاهان استپی (کم پشت) بر روی خاک بیابان رنگ خاکستری دارد. بیابان های بزرگ ایران عبارتند از: بیابان نمک دشت کویر، بیابان ماسه ای دشت لوت، ریگستان و بیابان سنگ ریزه ای و ماسه ای دشت مارگو. استپ های دارای خاک قهوه ای بیشتر دامنه کوه ها و ارتفاعات داخلی را در بر گرفته است. جنگل های پهن برگ روی خاک جنگلی قهوه ای دامنه های شمالی کوه های البرز و دامنه های غربی زاگرس را می پوشاند. دامنه های شرقی رشته کوه های سلیمان و کیرتهر، محدوده ساوانا (علف های گرمسیری) هستند که کم پشتند و جنگل های نیمه گرمسیری با درخت سدر هیمالیا و عناصر گیاهان استوایی نیز آنها را می پوشاند.

جوندگان و خزندگان جانداران اصلی ساکن در فلات ایران هستند. همچنین حشرات سمی بسیار و عنکبوتیان (رطیل، عقرب) نیز در فلات ایران وجود دارند. بسیاری از پرندگان مهاجر نیز خانه زمستانی شان محدوده دریاچه های فلات است.

منابع:

Zarubezhnaia Azia: geografiiia Fizicheskaiia. مسکو، 1956.

ایران از آغاز تا اسلام، تألیف پرفسور رمان گریشمن، ترجمه دکتر محمد معین، تصحیح دکتر میترا مهرآبادی

### جنگل های ایران

جنگل، زمینی (اعم از خشکی و آبی) است که بیشتر از درخت و درختچه به همراه سایر رستنی های خشبی (چوبی) و علفی خودرو پوشیده شده باشد، البته به شرطی که مساحت این زمین کمتر از نیم هکتار و تاج پوشش درختی آن به طور طبیعی کمتر از پنج درصد نباشد.

جنگل ها خانه ۹۰ درصد جانوران خشکی زی و حیات گیاهی کره زمین هستند. جنگل ها به طور مستقیم غذا، سرپناه، سوخت و منبع درآمد ۱،۶ میلیارد انسانی را تأمین می کنند که معیشتشان بستگی به جنگل دارد. جنگل ها همچنین با تنظیم آب و هوا، چرخه های آبی و جلوگیری از فرسایش خاک، به محیط زیستمان سود می رسانند.



## راهنمای گردشگری عمومی

درختان به خاطر تولید اکسیژن، جذب گرد و غبار، گاز کربنیک و دیگر گازهای شیمیایی موجود در هوا و نیز جلوگیری از نفوذ سر و صدا و تشدید آلودگی‌های صوتی در شهرها برای ما سودمندند.

۸,۸ درصد از مساحت کشور ما از جنگل‌ها تشکیل شده. جنگل‌های کشور ما به دو گروه جنگل‌های شمال و جنگل‌های خارج از شمال تقسیم می‌شوند. حجم سرپای جنگل‌های شمال کشورمان حدود ۴۰۰ میلیون متر مکعب و جنگل‌های خارج از شمال حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب است. کارشناسان ارزش اقتصادی جنگل‌های کشور را ۳۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد کرده‌اند.

تراکم تاج پوشش در جنگل‌های انبوه خارج از شمال بیش از ۵۰ درصد، در جنگل‌های نیمه انبوه خارج از شمال ۲۵ تا ۵۰ درصد و در جنگل‌های تنک خارج از شمال ۵ تا ۲۵ درصد است.

تراکم تاج پوشش در جنگل‌های انبوه شمال بیش از ۷۰ درصد، در جنگل‌های نیمه انبوه شمال ۴۰ تا ۷۰ درصد و در جنگل‌های تنک شمال ۱۰ تا ۴۰ درصد است.

جنگل‌های جهان در حال حاضر در بحران هستند. جهان نیمی از جنگل‌هایش را از دست داده است و تنها از یک دهم از آن چه باقی مانده محافظت می‌شود. هر سال ۱۳۰ هزار کیلومتر مربع دیگر از جنگل‌های جهان از دست می‌رود- منطقه‌ای که به مساحت کشور انگلستان است.

در حال حاضر سرانه جنگل در کشور ما ۰,۱۷ هکتار است در حالی که سرانه جهانی جنگل ۰,۶۲ هکتار است.

### سطح جنگل‌های ایران

واحد: هکتار

وع جنگل	رصد	رصد
جنگل انبوه	۱۷۸۰۲۹۰	۱۲,۲
جنگل نیمه انبوه	۳۴۶۸۳۱۲	۲۴,۱
جنگل تنک	۸۱۰۰۸۴۲	۵۶,۶
جنگل ماندابی	۲۵۷۶۰	۰,۱
جنگل دست کاشت	۹۴۳۸۵۱	۶,۶
جمع	۱۴۳۱۹۰۶۲	۱۰۰

منابع: سایت اطلاع رسانی جنگل‌ها، مراتع، و آبخیزداری کشور <http://frw.org.ir>

[http://www.wwf.org.uk/what\\_we\\_do/safeguarding\\_the\\_natural\\_world/forests](http://www.wwf.org.uk/what_we_do/safeguarding_the_natural_world/forests)

مراعات ایران در کجا قرار دارند؟

مراعات ایران از نظر تقسیم بندی جغرافیایی عبارتند از:

مراعات شمال کشور

مراعات غرب کشور

مراعات مرکزی

مراعات خوزستان

مراعات خراسان

مراعات سیستان و بلوچستان

مراعات فارس

مراعات شمال کشور:

مراعات شمال کشور به انواع زیر تقسیم می شوند:

مراعات معمولی

مراعات مشجر

مراعات آیش

مراعات معمولی شمال کشور به سه دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:

مراعات بیلاقی

مراعات قشلاقی

مراعات میان بر



مراعات بیلاقی شمال: کلیه مراتعی که در ارتفاعات البرز و دامنه شمالی آن

قرار گرفته اند، مراتع شمالی محسوب می شوند.

مراعات قشلاقی شمال: دشت ترکمن صحرا، دشت ناز در ساری و مراتع اطراف رشت تا سراوان را شامل می شود.

مراعات مشجر: اگر در اطراف درختان برای چرای دام اقدام به تولید علوفه شود مرتعی به وجود می آید که مرتع مشجر نامیده می شود. در شمال حدود شش میلیون هکتار مرتع مشجر وجود دارد. البته وجود دام در مرتع مشجر درست نیست. ولی دامداران به دلیل کمبود علوفه به این منبع چرای دام پناه آورده اند.

مراعات آیش: به زمین های کشاورزی ای گفته می شود که قابلیت کشت در آنها وجود دارد ولی کشت نمی شود. به همین دلیل و به خاطر بارندگی کافی پوشش گیاهی ای در این منطقه ایجاد می شود که این پوشش گیاهی به عنوان علوفه مورد استفاده دامداران منطقه قرار می گیرد. مراتع قشلاقی غرب کشور به موازات رشته کوه زاگرس، از استان

## راهنمای گردشگری عمومی

اردبیل تا شمال غربی خوزستان ادامه دارد و مراتع اطراف شهرستان های اردبیل، تبریز، ارومیه، شهرهای استان کردستان و خرم آباد، زنجان و ... به دلیل بارندگی خوب (۴۵۰ تا ۵۰۰ میلی متر در سال) و حرارت مناسب (فصل رویش دست کم شش ماه در سال) از نظر این نوع پوشش گیاهی از قوت خوبی برخوردار است. به همین دلیل بعد از شمال کشور مهم ترین قطب تولید علوفه دامپروری غرب کشور به حساب می آید و بیشترین فعالیت های دامپروری از گاوداری، گاو میش داری، زنبورداری، گوسفندداری و ... در این منطقه انجام می شود.

**مراتع بیلاقی:** با پشت سر گذاشتن جنگل های بلوط در ارتفاعات فوقانی زاگرس به مراتع بیلاقی غرب کشور می رسیم که دامداران در تابستان به این منطقه می آیند و با سرد شدن هوا در پاییز دوباره به سمت ارتفاعات میانی و پایین حرکت می کنند.

### مراتع خراسان:

مراتع خراسان عبارتند از:

مراتع شمال خراسان

مراتع دشت سرخس

مراتع جنوب خراسان

**مراتع شمال خراسان:** به دلیل نفوذ جبهه باران زای خزری دارای بارندگی بیشتر و پوشش گیاهی بهتر است. به همین دلیل اراضی این منطقه بیشتر به صورت دیم است. مناطقی که از بارندگی کافی برخوردار است سرسبز است و پوشش گیاهی مناسبی دارد و در خراسان به عنوان مراتع بیلاقی مورد استفاده قرار می گیرد. در این مراتع گوسفندداری، گاو داری و زنبورداری صورت می گیرد.

**مراتع دشت سرخس:** این مراتع در خراسان به عنوان مراتع قشلاقی است. اولویت دامپروری در این منطقه بیشتر گوسفندداری است. علت آن گرایش پوشش گیاهی مراتع از علفی به بوته ای و نیمه بوته ای است.

**مراتع جنوب خراسان:** در مناطقی اقلیم خشک و سوزانی وجود دارد. به همین خاطر مراتعی خشک و بیابانی نیز در این مناطق وجود دارد که دارای گیاهان خشکی پسند از نوع بوته ای خاک های نیمه کویری و کویری است که دارای شن های روان و تبخیر زیاد از سطح خاک است. در این نواحی شترداری و بز داری مرسوم است.

### مراتع فارس:

مراتع فارس شامل این مراتع است:

**شمال و شمال غربی:** اقلیم مناسبی دارد و به عنوان مرتع بیلاقی مورد استفاده قرار می گیرد.

مراتع مرکزی و جنوب فارس که به دلیل خشک بودن این نواحی گوسفندداری کمتر و بز داری زیاد در آن انجام می شود.

### مراتع مرکزی:

مراتع مرکزی شامل این مراتع است:

## راهنمای گردشگری عمومی

حوزه مسیله (نزدیک دریاچه قم) از نظر تولید علوفه مهم است که در پاییز و زمستان به عنوان مراتع قشلاقی مورد استفاده دامداران (گوسفندداران) قرار می گیرد.

مراتع اطراف دماوند و فیروزکوه و به سمت قزوین بیلاقی است.

در استان قم در ارتفاعات بیلاقات وجود دارد.

در اصفهان مراتع شامل مراتع اطراف زاینده رود است که به عنوان مراتع مهم قشلاقی مورد استفاده دامداران قرار می گیرد. این مراتع دارای پوشش گیاهی مناسب است که مورد استفاده دامداران قرار می گیرد و نسبت به قسمت های جنوبی و به سمت فارس و قسمت های شرقی به سمت کرمان از اولویت مهم تری برای دامپروری برخوردار است.

در قسمت های جنوبی و شرقی مراتع خشک و بیابانی وجود دارد که در این مناطق شترداری رایج است و مشکل شن های روان و توفان های شن و ماسه نیز در این مناطق وجود دارد.

### مراتع سیستان و بلوچستان:

مراتع سیستان و بلوچستان شامل اینهاست:

مراتع اطراف زاهدان

مراتع دریاچه هامون

مراتع جنوب سیستان و بلوچستان

در اطراف زاهدان و شمال منطقه به علت وجود هوای ملایم و اقلیم مناسب و چشمه ها و قنات ها، گاوداری در کنار گوسفندداری انجام می شود.

در مراتع دریاچه هامون، پوشش گیاهی نی است که غذای اصلی گاو سیستانی در فصل های پاییز و زمستان است. این مراتع قشلاقی حساب می شود.

مراتع جنوب سیستان و بلوچستان، مراتعی خشک و بیابانی است. این مراتع تقریباً شبیه به مراتع یزد و بم است. دارای پوشش گیاهی خشک و توفان های شنی است. دامپروری از نوع شترداری و خیلی کم بزداری در این مراتع رواج دارد.

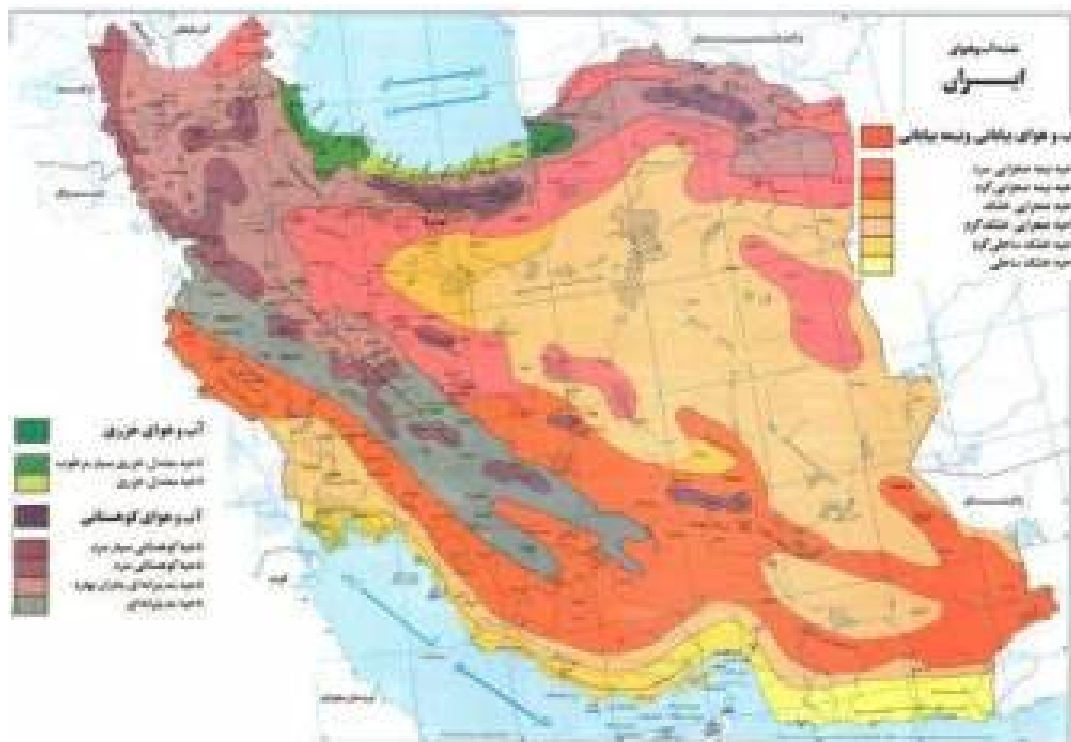
### مراتع خوزستان:

این مراتع را به نام ساوان *savan* نامگذاری کرده اند. افزایش بارندگی باعث حاصلخیزی آن شده. بزداری در خوزستان زیاد انجام می شود.

### آب و هوای ایران

ایران به طور کلی سرزمینی خشک و بری است. جز دامنه های مشرف به دریای خزر کوه های البرز و نیز دامنه های غربی کوهستان زاگرس که از بارش نسبتاً قابل توجهی برخوردارند، بقیه نواحی کشور کمابیش از این موهبت طبیعی محروم هستند و اغلب جزو خشک ترین نواحی کره زمین به شمار می آیند. حداکثر بارندگی در دامنه های شمالی البرز (استان گیلان) به حدود ۲۰۰۰ میلی متر در سال بالغ می شود. در خشک ترین نواحی که دشت های مرکزی و شرقی کشور هستند هم میزان بارندگی از ۱۰۰ میلی متر تجاوز نمی کند.

## راهنمای گردشگری عمومی



به طور کلی آب و هوای ایران از جبهه های غربی یا مدیترانه ای متأثر است. منتها جبهه های بارش زای غربی به دلیل برخورد با ارتفاعات غرب کشور تغییر مسیر می دهند و به سوی شمال شرقی منحرف می شوند و در نتیجه بارش خود را به استان های آذربایجان و اردبیل و دامنه های شمالی کوه های البرز فرو می ریزند و درون بوم ایران را از نعمت بارندگی محروم می کنند.

به جز نواحی مرطوب و نیمه مرطوب که همان دامنه های شمالی البرز و دامنه های غربی زاگرس هستند، هوای بیشتر نواحی کشور در پایان فصل بهار رو به خشکی می رود و فصل خشک و گرم نواحی درون بومی آغاز می شود. این فصل گاهی تا میانه های فصل پاییز ادامه می یابد. از آن به بعد ارتفاعات البرز و زاگرس و دیگر بلندی های قابل توجه کشور، آرام آرام از برف سفیدپوش می شود و به دنبال آن ریزش زمستانی که بیشتر به صورت برف است، آغاز می شود. به این ترتیب بیشتر نواحی کشور به غیر از دشت خوزستان و نوار ساحلی خلیج فارس و دریای عمان در برف و یخبندان فرو می رود.

منبع: گیاتشناسی ایران- جلد سوم- دایره المعارف جغرافیای ایران- نوشته مهندس عباس جعفری- چاپ اول ۱۳۷۹- طرح تهیه، لیتوگرافی و چاپ از مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیاتشناسی.

### رشته کوه های ایران

حدود ۵۵ درصد سطح ایران را کوه فراگرفته و ۴۵ درصد آن را جلگه ها و دشت های پهناور و دریاچه ها و هامون ها (یا بیابان ها و نمکزارهای متعدد زیرپوشش قرار داده اند. کوه های ایران به چهار رشته شمالی، زاگرس، مرکزی و باختری (شرقی) تقسیم می شوند.

## راهنمای گردشگری عمومی



### در تصویر بالا دو رشته کوه مهم ایران نشان داده شده است

رشته شمالی یا البرز که درازای آن به ۹۵۰ کیلومتر بالغ می شود و مساحتی معادل ۵۱۵۰۰ کیلومتر مربع یا حدود سه درصد مساحت کشور را زیر پوشش قرار داده است، بخشی از چین خوردگی های بزرگ آلپ و هیمالیا است. این رشته از استان اردبیل شروع شده و رو به شرق از جنوب دریای خزر می گذرد و در شمال خراسان به کوه های شرقی ایران می پیوندد. بلندترین نقطه ایران یعنی کوه دماوند با بلندی ۵۶۷۱ متر در این رشته جای دارد. کوه های دیگری چون علم کوه (۴۶۵۰ متر)، سیاهلان (۴۱۷۵ متر)، پالون گردن (۴۳۷۵ متر) و شاهوار (۳۹۴۵ متر) نیز در همین رشته قرار دارند.

رشته زاگرس که عظیم ترین و طولانی ترین رشته کوه های ایران است، از استان آذربایجان غربی آغاز می گردد و پس از عبور از استان های کردستان، همدان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و فارس و هرمزگان تا شمال تنگه هرمز ادامه می یابد و در آنجا به رشته کوه های مرکزی ایران و رشته ارتفاعات مکران می پیوندد. رشته کوه های زاگرس با درازای حدود ۱۴۰۰ کیلومتر و عرض بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر، مساحتی معادل ۳۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع یا ۲۰ درصد مساحت کشور را زیر پوشش قرار داده است. بلندترین قله رشته کوه های زاگرس، کوه دینار یا دنا نام دارد که ارتفاع آن به ۴۴۰۹ متر می رسد. از دیگر کوه های بلند کوهستان زاگرس می توان کوه های برده رش (۳۶۰۲ متر)، شاهور (۳۳۰۹ متر)، پرو (۳۳۵۷ متر)، الوند (۳۵۸۰ متر) اشترانکوه (۴۰۵۰ متر)، زردکوه (۴۲۲۵ متر) و کوه فارغان (۳۲۶۷ متر) را نام برد.

رشته کوه های مرکزی ایران در امتداد قطر بزرگ ایران یعنی از شمال غربی به سوی جنوب شرقی کشیده شده و استان آذربایجان شرقی را به کوه های سیستان و بلوچستان متصل می کند. طول رشته کوه های مرکزی ۱۴۶۰

## راهنمای گردشگری عمومی

کیلومتر و عرض آن به طور متوسط ۸۰ کیلومتر است و مساحتی برابر ۱۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع یا ۸,۵ درصد مساحت کشور را شامل می شود. کوه هزار با بلندی ۴۴۶۵ متر مرتفع ترین کوه این رشته به شمار می آید و کوه های لاله زار (۴۳۵۱ متر)، جوپار (۴۱۳۵ متر)، پلوار (۴۲۳۳ متر) و شیرکوه (۴۰۰۰ متر)، از دیگر کوه های بلند این رشته محسوب می شوند.

کوه های خاوری (شرقی) ایران، رشته کوه های ناپیوسته ای هستند که از شمال خراسان آغاز می شوند و رو به جنوب تا استان سیستان و بلوچستان یا کوه های مکران ادامه می یابند. کوه تفتان با ارتفاع ۳۹۴۱ متر بلندترین کوه این رشته محسوب می شود و کوه های بزمان (۳۵۰۳ متر)، باقران (۲۵۹۵ متر)، آهنگران (۲۸۳۱ متر)، چهل تن (۳۰۱۳ متر)، بینالود (۳۲۱۱ متر) و هزار مسجد (۳۰۴۰ متر) از دیگر کوه های مهم آن به شمار می روند. علاوه بر رشته کوه های چهارگانه بالا، کوه های دیگری به طور پراکنده در گوشه و کنار کشور وجود دارد که عمده ترین آنها رشته کوه های نسبتاً مرتفعی هستند که دشت کویر را از کویر لوت جدا می کنند. کوه نای بند با ارتفاع ۳۰۰۹ متر بلندترین قله این گروه به حساب می آید. حفاصل میان رشته کوه های شمالی یا البرز و رشته مرکزی و کوه های خاوری را بیابان های پهناوری به نام دشت کویر و کویر لوت فراگرفته و بیابان های دیگری چون هامون جزموریان و کویر ابرکوه و غیره در حفاصل میان رشته های دیگر جای گرفته اند. علاوه بر دشت ها و بیابان های مزبور، جلگه های دیگری مانند دشت ساحلی استان بوشهر، دشت خوزستان، دشت ساحلی دریای خزر و دشت مغان نیز وجود دارند که شباهتی با دشت ها و نمکزارهای درونبومی ایران ندارند و از آبرفت رودخانه های متعددی که در آن نواحی جریان دارند به وجود آمده اند.

منبع: گیتاشناسی ایران- جلد سوم- دایره المعارف جغرافیای ایران- نوشته مهندس عباس جعفری- چاپ اول ۱۳۷۹- طرح تهیه، لیتوگرافی و چاپ از مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

### حوضه های رودخانه های ایران

رشته کوه های اصلی ایران نقش مؤثری در رژیم بارندگی و پیدایش منابع آب های سطحی کشور دارند. کوه های البرز و زاگرس که عمده ترین رشته کوه های ایران هستند، یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده ریزش های جوی به شمار می آیند. ریزش های جوی که بیشتر به صورت برف است منبع اصلی آب رودخانه های ایران است و درواقع سرچشمه رودهای عمده کشور را تشکیل می دهد.

## راهنمای گردشگری عمومی



رودخانه های ایران از نظر زهکشی به پنج حوضه تقسیم می شوند که عبارتند از:

۱- رودخانه های حوضه دریای خزر: مساحت حوضه دریای خزر 173510 کیلومتر مربع (حدود ۱۰,۷ درصد سطح

کشور) است و رودخانه های ارس، سفیدرود، هراز و اترک عمده ترین رودهای آن محسوب می شوند.

۲- حوضه خلیج فارس و دریای عمان: این حوضه با مساحتی معادل ۴۳۷۶۷۰ کیلومتر مربع، حدود ۲۷ درصد سطح

کشور را پوشش می دهد و رودخانه های کارون، کرخه، جراحی، زهره، موند و سرباز عمده ترین رودهای آنها به شمار می روند.

۳- حوضه دریاچه ارومیه: مساحت این حوضه ۵۰۹۱۰ کیلومترمربع یا حدود سه درصد مساحت کشور است و رودخانه های زرینه رود، سیمینه رود و تلخه رود عمده ترین رودهای آن محسوب می شود.

۴- حوضه مرکزی: این حوضه بزرگ ترین و پهناورترین حوضه ایران است و با مساحتی معادل ۸۰۸۱۱۰ کیلومتر مربع، چیزی حدود ۴۹,۸ درصد کشور را پوشش می دهد. رودخانه های زاینده رود، قمرود، قره چای، کر و هلیل رود از مهم ترین رودهای این حوضه محسوب می شوند.

۵- حوضه خاوری: این حوضه مساحتی برابر ۱۵۳۵۸۰ کیلومتر مربع یا حدود ۹,۵ درصد سطح کشور را دارد و رودخانه های کشف رود و همچنین رودهای مرزی هریرود و هیرمند عمده ترین رودهای آن به شمار می آیند.

منبع: گیتاشناسی ایران- جلد سوم- دایره المعارف جغرافیای ایران- نوشته مهندس عباس جعفری- چاپ اول ۱۳۷۹- طرح تهیه، لیتوگرافی و چاپ از مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.



### جزایر ایران

وقتی در اکثر نقاط کشور مردم از برف و سرما در مضیقه قرار می گیرند، بیشتر جزایر خلیج فارس دوره آب و هوای دلپذیرشان را سپری می کنند. گیاهان و گل های خاص آن دوره زیبایی و شکوفایی را تجربه می کنند و ساکنان محلی و مسافران با لباس های خنک از لطافت هوا استفاده می کنند.

در میان یکی از مهم ترین خلیج های دنیا و شاید مهم ترین خلیج دنیا، جزایری متعلق به کشور باستانی ایران وجود دارند که بی شک هر بیگانه ای به آنها رشک می ورزد.

به عقیده زمین شناسان حدود پانصد هزار سال پیش، شکل اولیه خلیج فارس در کنار دشت های جنوبی ایران به وجود آمد و با گذشت زمان بر اثر تحولات زمین شناسی به شکل کنونی درآمد. برخی از جزایر این پهنه آبی زیبا نظیر قشم و کیش دنباله کوه های زاگرس هستند و جزایری نظیر هرمز و ابوموسی از جنس گنبد های نمکی هستند. بسیاری از این جزایر مامن گونه های مختلف جانوری هستند و برخی از آنها از این نظر حفاظت شده قلمداد می شوند. برخی از این جزایر به خاطر تاریخ کهن ایران دارای آثار به جا مانده از هزاران سال پیش هستند. از زمانی حتی پیش از داریوش اول که از راه "دریایی که از پارس می آید" یا به عبارتی خلیج فارس روانه دریای مدیترانه شد و برای رسیدن به این دریا فرمان کندن کانال سوئز را داد.

از طرف دیگر نیز در خلیج فارس جانوران دریایی ای زندگی می کنند که برخی از آنها زیباترین موجودات دریایی هستند و این موجودات در پهنه های آبی کنار این جزایر فراوانند. همه اینها موجب شده جزایر ایرانی خلیج فارس ظرفیت های بالقوه ای برای توسعه خود و کشورمان ایران داشته باشند.

جزایر شمالی خلیج فارس که در مالکیت کشور ما هستند نسبت به جزایر جنوب و شمال غرب خلیج فارس که متعلق به کشورهای عربی اند بیشتر قابل سکونت و آبادانی هستند. یکی از جزایر ایرانی خلیج فارس قشم است که به خودی خود از ۲۲ کشور جهان بزرگ تر است و بزرگ ترین جزیره غیر مستقل دنیا نیز هست. جزایر هرمز، کیش، خارک، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، لارک، هنگام، فرور بزرگ، فرور کوچک، سیری، لاوان، مینو، خارگو، هندورابی، ام الکریم، نخیلو، ام مسیله، دوبه، دارا، حاج صلبوخ، فارسی، عباسک، دوبه، دارا، قبر ناخدا، شیف، ام الکریم، جبرین، خارگو-خان، شیخ کرامه، متاف، گرم، دخیلو، جزایر شتور، شیخ اندرابی بعضی از مهم ترین جزایر ایرانی خلیج فارس هستند.

جزایر ایرانی خلیج فارس متعلق به سه استان جنوبی کشورمان یعنی خوزستان، بوشهر و هرمزگان هستند. بعضی از این جزایر به خاطر نداشتن آب شیرین خالی از سکنه هستند ولی برخی از آنها قابلیت زیادی برای توسعه به ویژه در زمینه گردشگری دارند.

حتی برخی از این جزایر که امکان سکونت ندارند از لحاظ استراتژیک اهمیت زیادی دارند. نمونه آنها تنب کوچک است که مناسب زندگی نیست ولی به همراه جزیره تنب بزرگ و ابوموسی اهمیت خارق العاده ای برای ایران دارد.

در میان این جزایر کیش اینک به مدد سواحل کم نظیر و زیبا و امکاناتی برای نشان دادن آبریزان خلیج فارس به گردشگران و ایجاد اسکله های تفریحی و امکانات استفاده از ورزش های آبی به مکان تفریحی مورد علاقه هموطنانمان و گردشگران خارجی تبدیل شده است.

قشم نیز به تدریج به جزیره مورد توجه گردشگران و بازرگانان تبدیل شده است. قشم به اندازه ای در طول تاریخ خود با قوم ها و نژادهای مختلف سروکار داشته که اینک زبان محلی آن به آمیزه ای از زبان های فارسی، هندی، بندری و حتی انگلیسی تبدیل شده است. جاذبه های تجاری با وجود کوه نمکی، دره ستارگان که به خاطر پدیده های زمین شناسی و نحوه پیچیدن صدا در آن اهالی تصور می کنند در شب ارواح و جن ها در آن تردد می کنند و پوشش جنگلی حرا و وجود گونه های مختلف جانوری، صخره های مرجانی و آثار تاریخی متعدد می تواند موقعیت بی نظیری برای توسعه گردشگری در این جزیره ایجاد کند. قشم از این نظر می تواند به بهشت اکوتوریسم تبدیل شود. اینها تنها دو تا از جزایری هستند که راه خود را تا حدی به سوی توسعه پیدا کرده اند. وگرنه جزایر دیگر نیز هر یک ویژگی هایی دارند که بعضی از آنها در نوع خود بی نظیر است.

لاوان با کندوهای عسلی به رنگ سبز تیره و صید مروارید، هندورابی با جاذبه های طبیعی و آثار تاریخی، شتور به عنوان بی بدیل ترین جزیره از نظر حیات وحش در خلیج فارس با لاک پشت ها و دولفین ها و غیره، سیری با معدن خاک سرخ، فرور کوچک که با وجود غیرمسکونی بودن از نظر بسیاری منطقه ای دیدنی تلقی می شود، فرور بزرگ باز هم به خاطر حیات وحش جالبش جزایری با زمینه رشد و توسعه زیاد هستند. خارک نیز با آثار به جا مانده از تمدن های قدیمی و قرن ها طمع ورزی خارجی نسبت به این جزیره مهم، هرمز به عنوان نقطه فرمانروایی بر خلیج فارس که در تاریخش سابقه رونق بی نظیری را نیز در زمینه بازرگانی تجربه کرده و قضیه بیرون راندن پرتقالی ها از آن به وسیله شاه عباس نیز مشهور است، هنگام با اسکله ساخته شده به وسیله انگلیسی ها، وجود دسته های دلفین ها و صید کوسه توسط صیادان و نور افکن های دریایی ایران برای هدایت کشتی ها، خارکو با یادگارهای به جا مانده از جنگ تحمیلی و سابقه حضور مهاجمان خارجی، لارک با کوه های آتشفشانی، مینو با نخل ها، نیزارها و زیستگاه های پرندگان مهاجر، قبر ناخدا به عنوان محل تخم گذاری پرستوهای دریایی، عباسک با نام قدیمی شاه زنگی که هم اینک مورد توجه زیادی قرار گرفته، میرمهنا با گنبد قدمگاه امیرالمؤمنین و درخت عظیم الجثه اش، فارسی با ایستگاه هواشناسی برای ارایه اطلاعات برای شرکت های کشتیرانی، نخیلو به عنوان زیستگاه مهم لاک پشتان خلیج فارس، گرم با انبوه درختان جنگلی گرم و سه جزیره مشهور ایرانی که مدت ها است مورد طمع همسایگان عرب قرار گرفته اند (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) و سایر جزایری که ممکن است از قلم افتاده باشند همگی گنجی بی نظیر برای کشورمان ایران هستند تا راه خود را به سوی توسعه هموارتر کند.

توانایی ۳

بررسی ویژگی های تاریخی ایران

باستان شناسی

## راهنمای گردشگری عمومی

باستان شناسی علم پرداختن به گذشته جوامع انسانی از طریق مطالعه آثار مادی به جای مانده و استخراج فرهنگ آنها در ادوار مختلف می باشد.

وظیفه علم تاریخ نیز پرداختن به گذشته انسان است اما تفاوت بین مورخ و باستان شناس این است که مورخ تاریخ گذشته جوامع انسانی را از طریق متون مدون استخراج می کند، ولی باستان شناس اطلاعات خود را از آثار و اشیای درون خاک بیرون می آورد. یعنی باستان شناس روی آثار مادی، و مورخ روی آثار ادبی مطالعه می کند.

### ۱-۳-۱ تقسیم بندی دوره های باستان شناسی:

#### ۱-۱-۳ تقسیم بندی بر مبنای جنس آثار و اولویت کشف و استفاده انسان از آنها.

الف- دوران سنگ [۱- پارینه سنگی (پارینه سنگی قدیم-پارینه سنگی میانه-پارینه سنگی جدید) ۲- میان سنگی ۳- نو سنگی]

ب- دوره فلز

#### ۲-۱-۳ تقسیم بندی بر مبنای نحوه زندگی انسان و تأثیر آن بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی وی :

الف- دوران جمع آوری غذا

ب- دوران آغاز کشاورزی و استقرار در دهکده ها

ج- دوران شهرنشینی

۳-۱-۳ تقسیم بندی جامعه شناسان و انسان شناسان که توسط باستان شناسان مورد استفاده قرار می گیرد. توسط لوئیس مورگان آمریکایی :

الف- عصر توحش      ب- عصر بربریت      د- عصر تمدن

دوران پارینه سنگی برابر است با دوران جمع آوری غذا و عصر توحش
دوران نو سنگی برابر است با دوران آغاز کشاورزی و استقرار در دهکده ها - عصر بربریت - انقلاب نوسنگی - پایان دوران یخبندان
عصر برنز برابر است با دوران شهرنشینی و عصر تمدن

#### ۱-۱-۱-۳ دوران سنگ

#### الف- دوران پارینه سنگی

۱- دوران پارینه سنگی قدیم: این دوران منطبق با دوران جمع آوری غذا و همچنین عصر توحش در تقسیم بندی جامعه شناسان می باشد.

در حدود دو میلیون سال پیش انسان برای ادامه زندگی با ساختن ابزار از سایر جانوران جدا شد و قدم به عرصه زندگی گذاشت. صنعت ابزارسازی الدوان (دارای یک لبه تیز) و صنعت آشولین (دارای دو لبه تیز) مربوط به این زمان بوده

است. این انسان ها بعدها از آفریقا به آسیا و اروپا مهاجرت کردند و به شکار حیوانات و جمع آوری گیاهان پرداختند. دانشمندان آنها را که مغزی در حدود (۵۰۰ تا ۷۰۰ سی سی) داشتند، انسان ماهر نامیدند. در حدود ۱/۵ میلیون سال پیش انسان هایی با مغز بزرگ تر (حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ سی سی) پیدا شد که انسان راست قامت نام گرفتند. این دوران که دوران پارینه سنگی قدیم بود، در حدود یکصد هزار سال پیش پایان یافت.

**۲- دوران پارینه سنگی میانی:** از یکصد هزار تا چهل هزار سال پیش را شامل می شود که زمان زندگی انسان نئاندرتال است. با توجه به اینکه حجم مغز آنها بسیار به انسان های امروزی شبیه بوده است، دارای دست های کوتاه تر، استخوان ابروی برجسته با پیشانی کوتاه و چانه تو رفته بوده است. و صنعت ابزارسازی آنها موسترین نام داشته است. انسان نئاندرتال حد فاصل انسان راست قامت و انسان هوشمند است.

**۳- دوران پارینه سنگی جدید:** از ترکیب انسان نئاندرتال و انسان هوشمند که جد انسان امروزی محسوب می شود، انسان هوشمند هوشمند پا به عرصه حیات گذاشت و از چهل هزار سال پیش نوع غالب کره زمین شد و انواع دیگر منقرض شدند.

این دوران از نظر باستان شناسان دیرینه سنگی جدید نام داشت و صنعت ابزارسازی خرده سنگی در این دوره رایج بوده است.

**ب- دوران میان سنگی:** اکثر باستان شناسان این دوران را ادامه دوران پارینه سنگی جدید می دانند. اما گروه دیگری دلایلی را جهت تفکیک این دوران از ادوار گذشته بر شمرده اند که عبارتند از:

۱- تغییر آب و هوایی و محیط زیستی: گرم شدن هوا بعد از عصر یخبندان، جنگلی شدن مناطق استپی، پیدایش گونه های جدید گیاهی.

۲- تغییرات در گونه های انسانی موجود: که در آن زمان انسان نوع کرومانیون به صورت غالب حیات درآمد.

۳- تغییرات در سنت های فرهنگی و شیوه های ابزارسازی: ابزارسازی به وسیله خرده سنگ ها با اشکال مثلثی، هلالی، دوزنقه.

**مسائل مورد توجه باستان شناسان در این دوره:**

مراسم خاص جهت تدفین

۱. تغییرات در سبک های نقاشی و ساخت پیکر زنان از گل
۲. استفاده از زینت آلات
۳. تکامل وسایل شکار
۴. احتمال ساخت و استفاده از زورق
۵. احتمال اهلی شدن سگ

ج- دوران نوسنگی: آغاز دوران نوسنگی مقارن با شروع دوران تولید غذا از طریق کشاورزی و دامداری و همچنین عصر بربریت در تقسیم بندی جامعه شناسان می باشد. شروع این دوران و پایان دوران میان سنگی را حداقل در آسیای جنوب غربی به ده الی دوازده هزار سال پیش برآورد می کنند.

۱- شروع تلاش های اولیه در زمینه کشاورزی و دامداری و تولید غذا

۲- استقرار دائم

۳- ساخت سفال و استفاده گسترده از آن در لایه های بالاتر از نوسنگی

زندگی مسالمت آمیز انسان، حیوانات و گیاهان در دوران نوسنگی را با عنوان **انقلاب نوسنگی** نامیده اند و از نظر تأثیرات در وضعیت اجتماعی و اقتصادی جوامع آن را با انقلاب صنعتی اروپا در قرن نوزدهم مقایسه می کنند.

### ۲-۱-۱-۳ دوران فلز

الف- دوران مس: ساکنین دشت های ایران، اولین فلزکاران دنیا بوده و صاحبان تمدن های اولیه همچون سومر و مصر بسیار دیرتر از ساکنین آن زمان فلات ایران، به این صنعت پرداخته اند. به نظر می رسد آغاز استفاده از این فلز تا اواخر هزاره ششم ادامه داشت.

مسگری احتمالاً اولین حرفه تمام وقت انسان پیش از تاریخ بوده است. در گذشته مسگری اولین صنعتی بود که هر خانواده برای رفع نیاز شخصی خود نمی توانست به آن مشغول شود. ۱۰۸۳ درجه سانتیگراد گرما نیاز داشته و در کوره های سفال کشف شده است.

ب- دوران برنز: دوران برتر در طبقه بندی، مبتنی بر نحوه زندگی اقتصادی، معادل دوران شهرنشینی و در طبقه بندی جامعه شناسی برابر با عصر تمدن می باشد. برنز یا مفرغ یک آلیاژ فلزی است که از ترکیب ۹۰٪ مس و ۱۰٪ قلع حاصل می شود و در اثر ترکیب، جلوه طلا گونه ای دارد و بیشتر در ساخت وسایل تزئینی کاربرد داشته است. این دوره که در خاورمیانه به اواسط هزاره چهارم مربوط می شود، **انقلاب دوم** نامیده شده است.

ج- دوران آهن: اولین بار اقوام هیتی ساکن کوهستان های آسیای صغیر صنعت ذوب آهن را به دست گرفته و تا ۵۰۰ سال از کشف خود پاسداری کردند. در منطقه خاورمیانه دوران برنز و آهن مقارن با دوران تاریخی بوده و با ورود آریایی ها در هزاره دوم پیش از میلاد به منطقه ایران، هند و آسیای صغیر، نامگذاری دوره های باستان شناسی با سلسله های پادشاهی رقم خورده است.

### 2-3 تمدن های باستانی

قبل از اینکه در مورد ادوار تاریخی بحث نماییم برای نمونه به دو سایت باستانی ایران اشاره میگرد:

۱-۲-۳ تپه حسنلو: تپه باستانی حسنلو در آذربایجان غربی، در جنوب غربی دریاچه ارومیه، در منطقه سرسبز شهرستان نقده و در ۷ کیلومتری شمال شرقی این شهرستان واقع است و به علت مجاورت با دهستان حسنلو به این نام معروف شده است.

ارتفاع این تپه از بستر رودخانه گذار که از کنار آن می‌گذرد، ۲۰ متر و قطر آن حدود ۲۵۰ تا ۲۸۰ متر است. چند تپه باستانی دیگر هم که ارتفاع آنها از ۱۵ متر تجاوز نمی‌کنند، در اطراف این تپه پراکنده اند. شناسایی و حفاری این تپه باستانی در سال ۱۳۱۳ صورت گرفت. در طی این حفاری، تعدادی ظروف سفالی با اشکال متنوع و مختلف به دست آمد.

در سال ۱۳۳۶ کاوش علمی و تخصصی تپه باستانی حسنلو را هیأت حفاری و کاوش مشترک ایرانی - آمریکایی آغاز کرد و در این حفاری و کاوش، از خرابه های شهر، دژی از زیر خاک بیرون آمد که به عقیده باستان شناسان متعلق به قوم ماننا است. دیوارهای این بناها و منازل و معابد آن با پایه های سنگی ساخته شده و در بالای آنها از آجرهای بزرگی به طول ۴۰ و عرض ۲۳ سانتیمتر و ضخامت ۱۴ سانتیمتر استفاده شده است.

در قسمت حفاری شده این تپه، ویرانه های شهر یا دژی دیده می شود که از دو بخش عمده تشکیل شده است. قسمت نخست به تالار شاهی یا معبد سلطنتی معروف است و در آن سکوهای بزرگ و کوچکی دیده می شود و در انتهای جنوب تالار، تختگاه یا محراب معبد قرار دارد و در این قسمت سکوهای بزرگ و کوچک دیده می شود. قسمت دیگر، تالار بزرگ یا معبد اصلی است که در ضلع شمالی و مجاور بناهای تالار اول قرار گرفته و کف آن فرش شده است و در آن دو قطعه سنگ بزرگ دیده می شود. باستان شناسان این دو قطعه سنگ سرخ رنگ و بزرگ را وسیله ای برای مجازات محکومان یا برای به جا آوردن قربانی به درگاه رب النوع می دانند که سر قربانیان و محکومان را روی آن می گذاشتند و از تن جدا می کردند. در انتهای این تالار، ۳ ستون بزرگ سنگی جای گرفته است.

پشت این ستون های ۴ متری، خانه های کوچکی با مصالح سنگی قرار دارد که به نظر باستان شناسان، محل سکناى بردگان، کنیزان یا خادمان معبد بود. در این قسمت، اسکلت ۴۰ زن نیز پیدا شده است. دور تا دور بناها را حصار و بارویی به ارتفاع ۶ متر فرا گرفته است که قسمتی از این بارو و حصار و کنگره های آن در ضلع غربی بر اثر کاوش و حفاری نمودار شده است.

تپه باستانی حسنلو یکی از مهمترین اماکن باستانی و تاریخی ایران و جهان به شمار می رود و باستان شناسان ایرانی و خارجی قدمت آن را حدود ۸۰۰ تا ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد تخمین زده اند. حدس دیگر آن است که آثار مربوط به ویرانه های تپه حسنلو در ۷۰۰ یا ۶۵۰ سال قبل از میلاد به آتش کشیده شده است.

این تپه دارای ۱۰ دوره متمایز سکونت است که آنها را از قدیم به جدید یعنی از دوره دهم تا دوره اول که آخرین دوره است، تقسیم بندی کرده اند.

این دوران از دوره ابتدایی سنگی آغاز و تا دوره باستانی، مادها و دوره اسلامی ادامه می یابد.

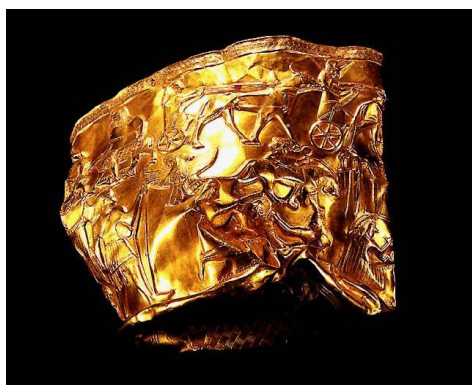
قدمت دوره ابتدایی و سنگی تپه حسنلو به عقیده دکتر رابرت دایسون، باستان شناس آمریکایی و سرپرست هیأت حفاری تپه حسنلو، به ۶ هزار سال قبل از میلاد برمی گردد. تاریخ تقریبی سکونت اول به حدود هزاره ششم قبل از

## راهنمای گردشگری عمومی

میلاد می رسد و دورانی را شامل می شود که تپه حسنلو زیاد مورد توجه نبود. در این دوره ها، به بناهای خشتی گلی و سنگی برخورد شده است.

از دوره چهارم سکونت در تپه حسنلو، یعنی در هنگام آتش سوزی بزرگ، تا دوره هفتم سکونت، آثار ساختمانی به دست آمده است که دلالت بر سکونت در این تپه دارد. دوره چهارم حسنلو مهمترین دوره فرهنگی این دوره است. در میان بناهای سمت شرقی، حیاط مرکزی، بقایای چند انبار و اصطبل قابل تشخیص است که از این انبارها مقدار زیادی خمیره کشف شده است که به گمانی به درد ذخیره آب دژ می خورده و به گمانی دیگر مخصوص نگهداری مشروبات بوده است.

در جانب ورودی حیاط، مجموعه ای از بناهایی مانند تالار بزرگ یا پرستشگاه و تعدادی اتاق های متصل و مربوط به



هم قرار داشته است. در این میان، پرستشگاه بیش از دیگر بناها قابل توجه است. این پرستشگاه دارای سقف و ستون های چوبی بود و ۳۰/۲۴ متر طول و ۵/۱۸ متر عرض داشته است.

در دژ حسنلو، اتاق هایی نیز به انبار و آشپزخانه و اسلحه خانه اختصاص داشته است، از اسلحه خانه که معلوم نشده کارگاه اسلحه سازی یا محل نگهداری جنگ افزار بود، مقدار زیادی شمشیر و ۳ نیزه آهنی کشف شده است.

در اطراف غربی حیاط، حدود ۱۵ باب اتاق بزرگ و کوچک وجود داشته و جام زرین حسنلو در یکی از اتاق های همین قسمت کشف شده است.

بناهای شمالی حیاط مرکزی گویای جایگاه مخصوص زنان و کنیزان بوده است؛ چون در این قسمت مقدار زیادی جعبه های مخصوص نگهداری وسایل آرایشی چون سرمه دان و وسمه دان استخوانی یافت شده است. از تپه باستانی حسنلو در سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۸ طی حفاری های باستان شناسان ایرانی و آمریکایی انواع و اقسام ابزار و ادوات جنگی مانند شمشیر، خنجر، نیزه، سرنیزه هایی از جنس مفرغ و آهن به همراه هزاران ظروف سفالی و اشیای استخوانی سنگی سفالی، شیشه ای و فلزی گوناگون که هر یک دارای ارزش تاریخی، باستانی و هنری هستند، کشف شده است که در موزه های ایران باستان، آذربایجان، آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای جهان نگهداری می شود.

مهمترین اثر مکشوفه تپه باستانی حسنلو که اهمیت ویژه ای در جهان و باستان شناسی دارد، جام طلائی حسنلو است.



وزن این جام ۹۵۰ گرم، بلندای آن ۲۱ سانتیمتر، قطر آن ۲۵ سانتیمتر و محیط لبه آن ۶۱ سانتیمتر است و در موزه ایران باستان تهران نگهداری می شود. این کشف در تاریخ باستان شناسی ایران و در جهان یکی از مهمترین اکتشافات علمی و از نادرترین آثار تاریخی دینی و هنری دنیای باستان شناسی به شمار می رود.



این جام اثر کاملاً خیره کننده ای است؛ زیرا بیش از حد ظریف کاری داشته و فاقد ترکیب مجلل است. قدمت جام طلایی کشف شده از تپه حسنلو در حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است.

**۲-۲-۳ تپه سیلک :** در ۳ کیلومتری غرب کاشان و در سمت راست جاده کاشان به باغ فین قرار دارد و شامل دو تپه شمالی و جنوبی است که تپه شمالی کوچکتر و قدیمی تر از تپه جنوبی است. در تپه شمالی آثار معماری ابتدایی است و در آن از خشت خام دست ساز استفاده شده است ، اما تپه جنوبی شامل اتاق های کوچک با راهروهای مختلف است و در ساخت آن از خشت های بزرگ قالبی با اندازه متوسط ۱۰×۳۰×۲۰ سانتیمتر استفاده شده است. در لایه های بالاتر خانه ها بزرگتر شده و در آن ها اجاق و تنور دیده می شود. آثار بدست آمده در آخرین لایه های سطح تپه ، مربوط به دوره آغاز تمدن عیلامی هاست و حدود ۳۰۰۰ ق.م قدمت دارد. دهکده بزرگ سیلک به مرور توسعه یافته و دارای برج و بارو بوده است. مهمترین ویژگی تپه سیلک کشف الواح عیلامی است. این الواح گلی دارای علائم و طرح های مختلف است و از جمله قدیمی ترین آثار و نگارش در فلات ایران به شمار می رود.

### ۳-۳ تمدن های رودخانه ای

در این دوران بیشتر جوامع شرقی به ویژه در اطراف رودخانه های بزرگ و پر آب شرق چون مصر در کنار رود نیل، سومر و بین النهرین در کنار دجله و فرات، تمدن سند و پنجاب(شهر هارپا) در کنار این دو رودخانه، هند در کناره های گنگ و برهماپوترا، چین در کناره های رودخانه های هوانگهو و یانگ تسه کیانگ و سرانجام تمدن بزرگ ایلام در کنار رودخانه های کرخه، کارون و دز که همگی با عنوان کلی تمدن های رودخانه ای معروفند، پدید آمدند.

"شهر سوخته" در ۵۶ کیلومتری زابل در استان سیستان و بلوچستان و در حاشیه جاده زابل - زاهدان واقع شده و پنج هزار سال قدمت دارد. این شهر در ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد پایه گذاری شده و مردم این شهر در چهار دوره بین سال های ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد در آن سکونت داشته اند.

قدمت این تمدن ها بعضاً چون مصر و بین النهرین به هزاره های پنجم و چهارم پیش از میلاد بر می گردد. شهر سوخته در سیستان و در حوضه آبرفتی رودخانه پر آب هیرمند و دریاچه های هامون یکی دیگر از تمدن های فلات ایران در شصت کیلومتری زابل به نام تمدن شهر سوخته پدید آمده که پیشینه آن به سه هزار و دویست سال قبل از میلاد رسیده است. تمدن شهر سوخته از شهرنشینی پیشرفته، کوچه ها، خیابان ها و تأسیسات عمومی با کارگاه ها و مساکن تشکیل می شده است. طی حفاری های هیأت ایتالیایی ایزمئو در طی سال های ۱۹۷۵-۱۹۷۶ آثار این پیشرفت شهرنشینی را در حوضه های خاورمیانه نشان داده است. پیشرفت و شکوفایی تمدن و فرهنگ در این شهر باستانی تا به آنجا کشیده شده است که در هزاره سوم پیش از میلاد(پنج هزار سال پیش) شهر با سیستم های آبرسانی و فاضلاب مجهز شده است و برای رسانیدن آب قابل شرب به شهرنشینان از تنبوشه های بزرگ سفالی استفاده می کردند. مردم

شهر سوخته با کمال مهارت و استادی در تهیه انواع مختلف دست ابزارهای سفالی و گلی از چرخ سفالگری حداکثر بهره‌وری را می‌بردند و عده‌ای از کارگران و صنعت‌گران شهر در کارگاه‌های ویژه تراش سنگ‌های قیمتی و بهادار که اینگونه سنگ‌ها را از اطراف سیستان از جمله کوه‌های بدخشان افغانستان به آنجا حمل می‌کردند، مهارت و استادی خود را نشان می‌دادند. جالب این است که در گور پادشاهان سومر و بین‌النهرین یعنی قدیمی‌ترین تمدن‌های شناخته‌شده جهان، اینگونه سنگ‌های تراش‌داده شده در شهر سوخته وجود داشته است که این امر تجارت و بازرگانی رو به گسترش آن دوران را نشان می‌دهد. مردم شهر سوخته در تغذیه تنوع زیادی را از خود نشان داده‌اند. استخوان‌ها و اسکلت‌های ۳۰۰ گونه پرنده و ماهی از حفاری‌های شهر سوخته به دست آمده است. حیوان‌های زیادی را اهلی کرده‌اند، از جمله بز، گوسفند و گاو.

مردم شهر سوخته اعتقادات و باورهای زیادی داشتند. مردگان خود را با حالت چمباته و جنینی در قبرها می‌گذاشتند و همراه با آنان مقداری وسایل مورد نیاز می‌گذاشتند. این امر نشان می‌دهد که به دنیای پس از مرگ اعتقاد داشتند و قبور به صورت منفرد و گاه دسته‌جمعی است. زنان از مردان جدا دفن شده‌اند.

اسکلت‌های صدها کودک زیر دو سال به دست آمده است که نشان می‌دهد مرگ و میر کودکان بر اثر بیماری‌های مسری و آگیردار چون اسهال و وبا بوده است که حداقل جان ۷۰٪ کودکان را گرفته است. زنان از عمر متوسط کمتری نسبت به مردان بهره‌مند بوده‌اند. بیشتر زنان به هنگام زایمان با آفت مرگ رو به رو می‌شدند و حداقل عمر نسبی آنها ۲۵ سال است. متأسفانه با تمام پیشرفت‌هایی که شهر سوخته در هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پیش از میلاد داشته است؛ این شهر بزرگ بر اثر یک رویداد ناشناخته عمدی یا اتفاقی دچار حریق بزرگ شده، به طوری که حیات و طومار این شهر را به کلی در هم پیچیده و از بین برده است.

وسعت "شهر سوخته" و یافته‌های کاوشگران، این محوطه باستانی را از صورت یک محوطه عادی دوران مفرغ خارج کرده و به این نتیجه رسانده که زندگی در "شهر سوخته" با دوران آغاز شهرنشینی در فلات مرکزی ایران و بین‌النهرین همزمان است.

سند یا کتیبه‌ای که نام واقعی و قدیمی این شهر را مشخص کند هنوز به دست نیامده و به دلیل آتش‌سوزی در دو دوره زمانی بین سال‌های ۳۲۰۰ تا ۲۷۵۰ قبل از میلاد "شهر سوخته" نامیده می‌شود.

هنوز قسمت صنعتی "شهر سوخته" کشف نشده و به گفته دکتر منصور سجادی سرپرست تیم کاوش در این فصل در بخش مسکونی شمال شرقی شهر سوخته با هدف رسیدن به طبقات و لایه‌های قدیمی‌تر شهر و در گورستان آن کند و کاو انجام خواهد شد.

از نخستین اشاره‌ها تاکنون: کلنل بیت، یکی از مأموران نظامی بریتانیا از نخستین کسانی است که در دوره قاجار و پس از بازدید از سیستان به این محوطه اشاره کرده و نخستین کسی است که در خاطراتش این محوطه را شهر سوخته نامیده و آثار باقیمانده از آتش‌سوزی را دیده است.

پس از او "سر اورل اشتین" با بازدید از این محوطه در اوایل سده حاضر، اطلاعات مفیدی در خصوص این محوطه بیان کرده است.

بعد از او شهر سوخته توسط باستان شناسان ایتالیایی به سرپرستی مارتیسو توزی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ مورد بررسی و کاوش قرار گرفت .

**۳-۳-۱ جغرافیا و محیط زیست شهر سوخته :** بر مبنای یافته های باستان شناسان شهر سوخته ۱۵۱ هکتار وسعت دارد و بقایای آن نشان می دهد که این شهر دارای پنج بخش مسکونی، واقع در شمال شرقی شهر سوخته، بخش های مرکزی، منطقه صنعتی، بناهای یادمانی و گورستان است که به صورت تپه های متوالی و چسبیده به هم واقع شده اند. هشتاد هکتار شهر سوخته بخش مسکونی بوده است. تحقیقات نشان داده است این محوطه بر خلاف اکنون که محیط زیست کاملاً بیابانی دارد و فقط درختان گز در آنجا دیده می شود، در پنج هزار سال قبل از میلاد منطقه ای سبز و خرم با پوشش گیاهی متنوع و بسیار مطلوب بوده و درختان بید مجنون، افرا و سپیدار در آنجا فراوان وجود داشته است. در آن دوران نیز این منطقه بسیار گرم بوده، اما آب رودخانه هیرمند و شعباتش به خوبی زمین های کشاورزی شهر سوخته را سیراب می کرده است.

بر اساس تحقیقات باستانشناسان مشخص شد، کشاورزی و دامداری در شهر سوخته بسیار پیشرفته بوده و ساکنان شهر سوخته در این دو مورد کاملاً خودکفا بوده اند.

دریاچه هامون در ۳۲۰۰ قبل از میلاد دریاچه ای بزرگ و پرآب بوده و رودها و شاخه های قوی از آن منشعب می شده و در اطراف آن نیززارهای وسیعی وجود داشته است.

در بررسی های منطقه ای در اطراف شهر سوخته، بستر رودخانه های مختلف و آبراه هایی پیدا شده که به مزارع کشاورزی شهر سوخته آب می رسانده اند.

در شهر سوخته کوچه ها و خانه های منظم، لوله کشی آب و فاضلاب با لوله های سفالی پیدا شد که نشان دهنده وجود برنامه ریزی شهری در این شهر است.

**۳-۳-۲ صنعت و مشاغل در شهر سوخته :** شهر سوخته مرکز بسیاری از فعالیت های صنعتی و هنری بوده، در فصل ششم کاوش در شهر سوخته نمونه های جالب و بدیعی از زیورآلات به دست آمد .

باستان شناسان با یافتن مهره ها و گردنبندهایی از لاجورد و طلا در یک گور در باره روشهای ساخت ورقه ها و مفتول های طلایی به تحقیق پرداختند و دریافتند صنعتگران شهر سوخته با ابزار بسیار ابتدایی ابتدا صفحه های طلایی بسیار نازک به قطر کمتر از یک میلیمتر تهیه کرده و بعد آنها را به شکل لوله های استوانه ای درمی آوردند و پس از اتصال دو سوی ورقه ها به یکدیگر مهره های سنگ لاجورد را در میان آن قرار می دادند.

در شهر سوخته انواع سفالینه ها و ظروف سنگی، معرق کاری، انواع پارچه و حصیر یافت شده که معرف وجود چندین نوع صنعت، به ویژه صنعت پیشرفته پارچه بافی در آنجاست.

تاکنون ۱۲ نوع بافت پارچه یکرنگ و چند رنگ و قلاب ماهیگیری در شهر سوخته به دست آمده و مشخص شده مردم این شهر با استفاده از نیزارهای باتلاق های اطراف هامون، سبد و حصیر می بافتند و از این نی ها برای درست کردن سقف هم استفاده می کرده اند.

صید ماهی و بافت تورهای ماهیگیری نیز از دیگر مشاغل مردمان شهر سوخته بوده است.

۳-۳-۳ سختکوشی مردم شهر سوخته : نمونه های بسیار زیادی از وجود عوارض مهره های کمر، چسبندگی مهره های گردن و کمر در بقایای اسکلت های زنان و مردان شهر سوخته دیده شده که نشان دهنده اشتغال ساکنان این شهر به مشاغل سخت است.

گروه انسانشناسان شهر سوخته سن بروز عوارض چسبندگی مهره ها را بعد از ۴۵ سالگی عنوان کرده و گفته اند در بررسی ها پی برده اند سن ابتلا به چسبندگی مهره های کمر و گردن در ساکنان شهر سوخته ۲۰ تا ۳۰ سال است. انسانشناسان از تناسب بین زنان و مردان در ابتلا به این عارضه نتیجه گرفته اند که آنها به یک میزان به کارهای سخت مشغول بوده اند.

بر مبنای تحقیقات انسان شناسی انجام گرفته بر روی اجساد ایرانیان هزاره ششم قبل از میلاد تا اوایل مبدا میلادی، متوسط عمر مردان ایران باستان ۳۰ تا ۳۵ و متوسط عمر زنان آن ۲۰ تا ۲۵ سال بوده است.

اما استثناهایی هم وجود داشته، مسن ترین فردی که تاکنون بقایای اسکلتش در محوطه های باستانی ایران کشف شده، متعلق به زنی ۸۵ ساله از ساکنان شهر سوخته است.

قد بلندترین فرد ایران باستان هم مرد ۳۵ تا ۴۰ ساله ای از ساکنان شهر سوخته بوده با ۱۹۲/۵ سانتیمتر.

بر مبنای تحقیق روی بقایای اسکلت ها مشخص شده که عمده ترین دلایل مرگ مردمان ایران باستان، بیماری های عفونی از جمله سرطان پوست، سفلیس و سل در رتبه اول، چسبندگی مهره ها و شکستگی استخوان در اثر کار و حوادث کاری در رتبه دوم، جنگ و حوادث طبیعی و غیر طبیعی از عوامل سوم و عوارض و بیماری های ژنتیکی از جمله منگولیسم، عقب ماندگی و چسبندگی مادرزادی مهره ها بوده است.

موردی هم از یک نمونه جراحی مغز در پنج هزار سال قبل در شهر سوخته دیده شده است.

۳-۳-۴ زنان شهر سوخته : تازه ترین یافته های باستان شناسان در گورهای شهر سوخته حاکی از این است که زنان شهر سوخته لباس های زیبایی شبیه به زنان ساری می پوشیدند و به آرایش و زیورآلات قیمتی اهمیت می داده اند.

در تمام گورهای متعلق به زنان در شهر سوخته سرمه دان، سرمه و شانه دیده می شود.

زنان شهر سوخته به دلیل صنعت پارچه بافی بی نظیری که در آنجا وجود داشته در انتخاب رنگ و نقش لباس خود از تنوع زیادی برخوردار بودند .

در یک پیکره یافت شده زن شهر سوخته لباسی شبیه ساری پوشیده و روی لباس او از روی سینه به پایین با پولک و سنگ های قیمتی تزیین شده است. همچنین در شهر سوخته مهرهای زیادی کشف شده و تحقیقات نشان می دهد که مردم این شهر در ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد برای نشان دادن مالکیت از مهر استفاده می کرده اند.

زنان شهر سوخته دارای مهر شخصی بوده اند و این امر نشان دهنده آن است که قدرت مالکیت در این شهر از آن زنان بوده است.

۳-۳-۴ غذاهای مردمان شهر سوخته : باستان شناسان ایرانی و ایتالیایی در بررسی یافته های باستان شناسی و گیاه باستان شناسی خود در شهر سوخته مواد غذایی و خوراکی، دستور پخت و ترکیب چندین نوع از غذاها و نوشیدنی های پنج هزار سال پیش این شهر را شناسایی کرده اند.

## راهنمای گردشگری عمومی

مردم شهر سوخته از گوشت گوسفند، ماهی، گاو، تخم اردک و غاز، کشمش، گشنیز، عدس، جو، انواع میوه ها، لبنیات، آرد کنجد، خیار، انگور، خربزه، هندوانه، پسته وحشی، زیره برای غذا و از آب انگور و ماءالشعیر به عنوان نوشیدنی استفاده می کردند.

باستان شناسان توانسته اند بیش از ۲۵ نوع دانه خوراکی و گیاهی مصرفی، انواع میوه ها و سبزیجات را در شهر سوخته شناسایی کنند.

**۳-۳-۵ آداب و نحوه دفن:** اهالی شهر سوخته مردگان خود را به حالت چمباتمه در گور می گذاشته اند و در کنار او اشیایی قرار می دادند. اما گور فردی که به احتمال بسیار زیاد اعدام شده است، یافت شد. برمبنای شواهد فرد مذکور از دشمنان مردم شهر بوده و ساکنان شهر با فرو کردن شیئی نوک تیز در سر او ( که نحوه اعدام را مشخص می کند)، او را کشته و سر و ته دفن کرده اند.

به اعتقاد انسانشناسان دلیل دفن سر و ته جسد این بوده که اهالی شهر سوخته به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و با دفن سر و ته این فرد خواسته اند تا او به شکل ناشایستی به دنیای بعدی برود.

در گورستان شهر سوخته سی تا چهل هزار گور وجود دارد که احتمالاً اسرار زیادی را در خود حفظ کرده اند.

**۳-۳-۶ قدیمی ترین تخت نرد جهان:** از گور باستانی موسوم به شماره ۷۶۱، قدیمی ترین تخت نرد جهان به همراه

۶۰ مهره آن در شهر سوخته کشف شد، که بسیار قدیمی تر از تخت نردی

است که در گورستان سلطنتی اور در بین النهرین کشف شده بود.

این تخت نرد از چوب آبنوس و به شکل مستطیل است. چون آبنوس در

سیستان و بلوچستان نمی روئیده و مشخص است که از هند وارد شده است.

روی این تخت نرد، ماری که ۲۰ بار به دور خود حلقه زده و دُمش را در

دهان گرفته، نقش بسته است.

به نظر می رسد که چنین طرحی هم، به موضوع های فرهنگی و فلسفی هند مربوط باشد، چرا که چنین علامتی در

فرهنگ هند به معنی مرکز انرژی های حیاتی در بدن انسان است.

این تخت نرد ۲۰ خانه بازی و ۶۰ مهره دارد. مهره ها که در یک ظرف سفالی در کنار تخت نرد قرار داشتند از

سنگ های رایج در شهر سوخته یعنی از لاجورد، عقیق و فیروزه است.

این تخت نرد ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال قدیمی تر از تخت نرد بین النهرین است و به همین دلیل این بازی از شهر سوخته به

تمدن بین النهرین رفته است. گروه تحقیق و کاوش هنوز روش بازی با این تخت نرد را نیافته است.

تاکنون درباره شهر سوخته ۳۳ کتاب و مقاله به زبان فارسی و ۱۷ مقاله به زبان انگلیسی، فرانسه، روسی و ایتالیایی

منتشر شده است.

محوطه ۱۵۰ هکتاری شهر سوخته یکی از منحصر به فردترین محوطه های باستانی کشور و جهان است که در استان

سیستان و بلوچستان و در شهرستان زابل جای گرفته است. در این محوطه باستانی تاکنون آثار بسیار مهمی از یک

شهر پیشرفته در هزاره های پیش از میلاد که شامل بخش های مسکونی، صنعتی، یادمانی و گورستانی است، کشف

شده است.



## راهنمای گردشگری عمومی

« زنان شهر سوخته در استفاده از سنگ‌های گرانقیمت بسیار تبحر داشتند و گردنبندها و دستبندهای به دست آمده از این منطقه، یکی از شاهکارهای هنری پنج هزار سال پیش محسوب می شود. در قبری متعلق به یک زن ۱۸ ساله بسیار ثروتمند، سرمه‌دان، سرمه، شانه، جعبه آئینه فلزی، میله سرمه کشتی مرمری، هاون سرمه کوبی و سایر وسایل تزئینی به دست آمده است. جنس و نوع اشیا نشان می‌دهد که این زن بسیار ثروتمند بوده، اما در قبور دیگر زنان نیز همین اشیا با جنس‌های معمولی و ارزان‌تر دیده می‌شود.»

۳-۳-۷ اولین تصویر متحرک دنیا : پنج هزار سال پیش در «شهر سوخته»، هنرمند نقاش، روی یک جام سفالین



طرحی از یک «بز» را ترسیم کرد. او در نظر داشت که نقش بز را در اطراف دهانه جام تکرار کند، اما وقتی شروع به کار کرد، توانست در ۵ حرکت، بز را طراحی کند که به سمت درختی حرکت کرده و از

برگ آن تغذیه می‌کند. این اولین باری بود که در جهان باستان، «تصویر متحرک» پا به عرصه حیات گذاشت.

سفال‌ها در جهان باستان، نقش «بوم» را برای نقاشان و هنرمندان زمان خود ایفا می‌کردند. آنها با نقاشی روی سفال‌های مختلف از اعتقادات و محیط اطراف خود به ویژه طبیعت پیرامونشان به عنوان یک سمبل و نماد استفاده می‌کردند.

در سفال‌های «شهر سوخته»، که از متمدن‌ترین و پیشرفته‌ترین تمدن‌های باستانی در پنج هزار سال پیش است، نقش بز و ماهی بیش از هر نقش دیگری دیده می‌شود. بز و ماهی، دو حیوانی هستند که در این منطقه بیش از هر حیوان دیگری از آنان استفاده می‌شد و ساکنان شهر سوخته را به ادامه حیات اجتماعی خود امیدوار می‌کرد.

کشف این سفال با نقاشی متحرک ثبت شده روی آن، در میان سفال‌های این منطقه نیز بی‌مانند بوده است. این نقاشی، حرکت تصاویر را در کوتاه‌ترین زمان ممکن روی جامی که دهانه آن ۸ سانتی متر قطر دارد، نشان می‌دهد. در دیگر سفال‌های یافته شده در شهر سوخته نقوش متفاوتی دیده می‌شود که برخی اوقات تکرار شده‌اند، اما حرکتی در آنها



دیده نمی‌شود. از نگاه باستان‌شناسان این کشف نشان دهنده آن است که مردمان شهر سوخته بسیار باهوش، هنرمند و در زمان خود پیشرو بوده‌اند. باستان‌شناسان با نزدیک کردن این تصاویر به یکدیگر موفق شدند نمونه‌ای از یک تصویر متحرک را در قالب یک فیلم ۲۰ ثانیه‌ای به دست آورند. از این جام برای نوشیدن استفاده می‌شده است. ارتفاع این جام ۱۰ سانتی‌متر است و روی یک پایه استوار شده است.

تحقیقات نشان داده است که این نقش، قدیمی‌ترین ایده مردمان باستان برای ارایه «تصویر متحرک» و به تعبیر امروزی «انیمیشن» است.»

## راهنمای گردشگری عمومی



محوطه باستانی شهر سوخته در هزاره دوم و سوم قبل از میلاد، توسط مهاجرانی که از چهار گوشه به آن مهاجرت کرده‌اند، بنا شده است. این شهر اعجاب‌انگیز، یکی از شهرهای بسیار متمدن و پیشرفته در چند هزار سال پیش بوده است که توجه بسیاری از باستان‌شناسان جهان را به خود جلب کرده است.

برای نخستین بار در شهر سوخته یک چشم مصنوعی متعلق به ۴۸۰۰ سال پیش کشف شد. این چشم مصنوعی متعلق به زنی ۲۵ تا ۳۰ ساله بوده که در یکی از گورهای شهر سوخته مدفون شده بوده است.

۳-۳-۸ کشف اولین خط کش جهان با قدمت بیش از پنج هزار سال: این خط کش به طول ۱۰ سانتیمتر با دقت نیم میلیمتری و از جنس چوب آبنوس است. کشف خط کش در شهر سوخته زابل نشانگر این است که ساکنان این شهر باستانی دارای پیشرفت‌های زیادی در زمینه علم ریاضیات بوده اند

### ۳-۴ تمدن و فرهنگ عیلام

بزرگ‌ترین و عمده‌ترین تمدن و فرهنگ فلات ایران در دشت خوزستان و در کناره‌های رودهای پر آب کارون، دز و کرخه به وقوع پیوسته است. عیلامیان از نظر نژادی و قومی به دو دسته آریایی (هند و اروپایی) و سامی نژادان تعلق نداشتند. از این رو از نظر تقسیمات نژادی و قومی زیر عنوان قفقازی یا آسیاتیک تقسیم بندی شده اند. پوست بدن آنها به طوری که از نقش برجسته‌ها بر می آید، تیره و با لبان به نسبت کلفت تر از مردمان منطقه و دارای موهای مجعد بوده اند.

در عهد قدیم، عیلام اطلاق می شد به مملکتی که از این ولایات ترکیب یافته بود: خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوه‌های بختیاری. حدود این مملکت از طرف مغرب، دجله بود. از طرف شرق قسمتی از پارس، از سمت شمال راهی که از همدان به بابل می رفت و از سمت جنوب، خلیج فارس تا بوشهر.

شهرهای مهم این مملکت را چنین نوشته اند:

۱- شوش که مهم‌ترین شهر عیلام و چنانکه معلوم شده از قدیم‌ترین شهرهای عالم بوده است.

۲- ماداکتو روی رود کرخه.

۳- هایدالو که گمان می‌کنند در جای خرم آباد امروزی بنا شده بود.

۴- اهواز (uxiens)

۵- تل ملیان

عیلامیان سرزمین دشت هموار و آبرفتی خوزستان را "عیلامتو" و مناطق شرق و شمال شرق خوزستان را "انشان" یا "انزان" می‌گفتند. در دوران توسعه قدرت در پادشاهی میانه به سه قسمت عیلامتو، انزان و سیماش تقسیم می‌شد.

## راهنمای گردشگری عمومی

زبان عیلامی به گروه های قفقازی منتسب است که بسیاری از واژه ها و کلمات آن به خط میخی نوشته می شده، به خط میخی عیلامی معروف شده است. این خط را عیلامیان از سومر اقتباس کرده بودند. مذهب عیلام گرچه عناصری از مذاهب بین النهرینی را در خود ضمیمه دارد؛ ولی به هر حال با مذاهب آن سوی دجله نیز متفاوت است. مثلاً خدا یا الهه نانا (nana) یا ننه، الهه مادر، زمین و باروری است. که به احتمال زیاد واژه کنونی ننه به معنی مادر از همین نام گرفته شده است. در عین حال خدایان مردوک، انلیل و ائانکی نیز که از بین النهرین به آنجا آورده شده است، مورد ستایش قرار گرفته است. اما خدای رسمی عیلامیان، اینشوشیناک (خدای شوش) بوده است. به همین دلیل است که عیلامیان سرزمین خود را هل تمتی (سرزمین خدایان) می نامند.

بر روی هم دوران چندین هزار ساله تمدن عیلامی را می توان در سه دوره پادشاهی خلاصه کرد:

1- دوره عیلام قدیم : عهدی که تاریخ عیلام ارتباط کاملی با تاریخ سومرها و اکدی ها دارد. (از زمان بسیار قدیم تا ۲۲۲۵ ق.م)

۲- دوره عیلام میانه : عهدی که گذشته های عیلام با تاریخ دولت بابل مربوط است. (۲۲۲۵-۷۴۵ ق.م)

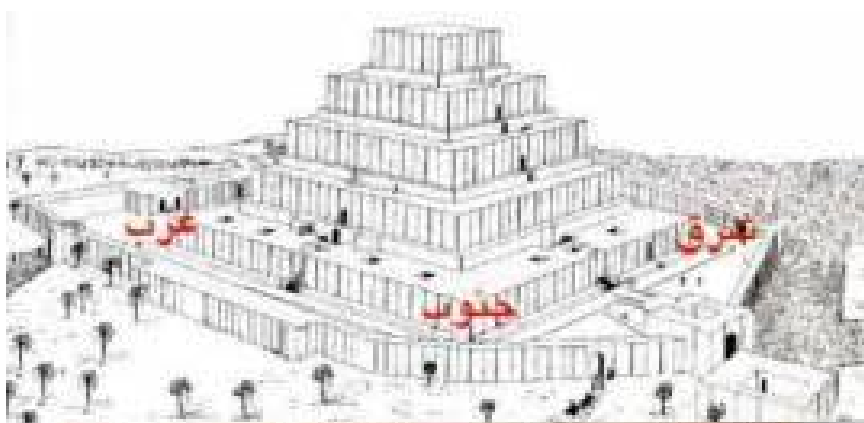
۳- دوره عیلام جدید : دوره ای که طرف عیلام، دولت آشور بوده است. (از ۷۴۵ ق.م - ۶۴۵ ق.م)

در همه این ادوار قدرت و نفوذ پادشاهی عیلام یکسان نبوده است. برای نمونه پادشاهی قدیم عیلام بارها مورد تهاجم و تجاوز همسایگان بین النهرینی خود یعنی سومر و آکد قرار گرفته است و بارها سرزمین عیلام ضمیمه این دو تمدن شده است. مردمان بین النهرین به معادن فلز، سنگ و چوب عیلام نیاز داشتند و از طریق تجارت و جنگ آن را به سرزمین خود وارد می کردند.

اوج اقتدار پادشاهی عیلام در دوره میانه بوده است. به طوری که در سده های ۱۷ و ۱۸ قبل از میلاد عیلامی ها حالت تدافعی خود را به تهاجمی تبدیل کردند. شهر عظیم بابل پایتخت امپراطوری بزرگ بابل به تصرف پادشاهی عیلامی کودورناخوندی درآمد و به نشانه پیروزی پیکره ها و مجموعه های خدایان مردوک، انلیل و ائانکی به شهر شوش پایتخت عیلام آورده شد. ویژگی های عصر عیلام میانه عبارت است از:

رشد نیروی نظامی، معماری و کسب ثروت، انتقال لوح حمورابی ( لوح قانون حمورابی در کاوش های ۱۹۰۱ میلادی توسط ژاک دومرگان فرانسوی کشف شده و اصل آن در موزه لوور و کپی آن در گنجینه ملی ایران است. این لوح یک سنگ یکپارچه سیاه رنگ است به ارتفاع ۲/۲۵ متر. قسمت بالای آن تصویری از شاماش (رب النوع عدالت) به حالت نشسته بر تخت و شاه ایستاده در مقابل وی، نقش بسته و در پایین آن ۲۸۲ ماده در ۳۶۰۰ سطر به خط اکدی

کنده شده است.) و مجسمه خدایان از بابل به شوش، عیلام به رونق ادبی، هنری و صنعتی دست یافت و مردم تلاش کردند تا از نفوذ فرهنگ و تمدن بیگانه جلوگیری کنند؛ اما در دوره بعد با ضعف و سستی گرفتن قدرت



شکل ۱- تصویر کنونی و بازسازی شده زیگورات



پادشاهان، تجاوزات بین النهرین آغاز شد، تا به حدی که شهر شوش و هایدالو غارت و خراب گردید و عیلام ضمیمه بابل شد.

دوره عیلام جدید در پی یک فترت چندین صد ساله ایجاد گردید ولی عمر آن چندین به درازا نکشید. پادشاهی بزرگ آشوریان در شمال عراق امروزی عیلام را به تصرف خود درآوردند. بر طبق کتیبه های آشوربانی پال شهر شوش و سرزمین عیلام با خاک یکسان شد و از آن پس به عنوان جایگاه چرای ددان و دامان قرار گرفت و بدین ترتیب پادشاهی بزرگ عیلام با تمدنی شگرف از میان رفت.

### ۱-۴-۳ هنر و معماری عیلام

عیلامیان برای خدایان خود معابدی همچون معابد خدایان سومر و بابل به نام زیگورات می ساخته اند و در زیر این معابد سرداب هایی می ساختند که پادشاهان و شاهزادگان و بزرگان و رجال خود را در آنجا مدفون می کردند. به عقیده اکثر مورخان و باستان شناسان، زیگورات ها کارکردی دوگانه داشتند، هم به عنوان مدفن و هم به عنوان مکان نیایش و ستایش و عبادت و جایگاه نگهداری مجسمه خدایان بوده است. زیگورات ها بناهای برج مانند مطابق شکل بودند که عموماً از سه یا پنج طبقه ساخته می شدند.

۲-۴-۳ شهر دوراوتناش : در حدود ۳۲۵۰ سال پیش اونتاش گال پیراشا (اونتاش گال یا اونتاش هومبان) پادشاه عیلام، شهری مقدس و زیارتی را به نام دوراوتناش در بین دو شهر شوش و شوشتر کنونی در کناره غربی رودخانه دز پایه گذاری کرد. گفته می شود شهرسازان عیلامی برای ساختن دوراوتناش مکانی را انتخاب کردند که تپه ای در آن قرار داشت و محل تپه به گونه ای بود که در زمان صافی و شفافی هوا، هر دو شهر شوش و هایدالو را که در نزدیکی شوشتر کنونی قرار داشت، قابل دیدن بودند. شاه دستور داد درختان جنگلی را که در آنجا قرار داشت بریده و آنجا را صاف کرده و شهر را بنا کنند. دوراوتناش به معنای قلعه اونتاش یا شهر اونتاش می باشد. شهرهایی که حصار اطراف آن ساخته می شد به نام "دور" می نامیدند. شهر دوراوتناش دارای مساحتی حدود صد هکتار است و توسط دیواری خشتی به طول ۴ کیلومتر محصور شده است که پلان آن تقریباً به شکل مربع است. شکل ۱- تصویر بازسازی شده شهر (تجسمی از زمان آبادانی شهر)

۳-۴-۳ مصالح ساختمانی : تمامی بناهای شهر دوراوتناش از آجر و خشت خام ساخته شده اند. ملاتی که در این سازه ها به کار رفته، قیر معدنی و گچ بوده است. از سنگ نیز برای اتصال درها به دیوارها، پاشنه درها و جا کلونی برای قفل کردن درها و گاه برای جلوگیری از فرسایش آبی به عنوان رو کار آجرها استفاده شده است. از ساروج نیز که ترکیبی از آهک زنده، خاکستر چوب و موی حیوانات است، گاه برای پوشش ضد رطوبت اتاق ها استفاده شده است. از فلزات نیز برای کلون و جا کلونی درها استفاده می شده است.

۴-۴-۳ زیگورات ها : حکومت عیلامیان به صورت فدرال بوده است. هر یک از ایالت های آن، خدایی را پرستش می کرده اند. دوراوتناش شهری بود که در آن برای تمام خدایان مورد پرستش ایالت های مختلف کشور عیلام معبدی ساخته شد. از اینرو می توان دوراوتناش را شهر گفتگوی ادیان نامید. آنان برای هر خدا، خانه یا عبادتگاهی

## راهنمای گردشگری عمومی

می ساختند و تصویری از آن خدا به صورت نقش برجسته یا مجسمه در آنجا قرار میدادند. تعدادی از این خدایان به صورت زوج شناخته می شدند که یک معبد و دو مجسمه در آن، به آن اختصاص می یافت. در یک مورد نیز برای هشت الهه یک معبد ساخته شده.

مهم ترین معبد شهر باستانی ۳۲۵۰ ساله دوراوتناش زیگوراتی است که در مرکز شهر قرار دارد. این زیگورات وقف خدایان اینشوشیناک و ناپیراشا(گال) شده است. رب النوع ناپیراشا مقامی داشته مانند شاه بزرگ ترین خدایان یا حامی بزرگ. اینشوشیناک نیز که خدای شوش بوده، عمیق ترین نفوذ را بر روی روحیات عیلامیان داشته. اوتناش ناپیراشا: شود آیا که اینشوشیناک را خوش آید که به ما نزدیک شود، مراحمش را به ما دهد و کلامش را جاری سازد.

کلمه زیگورات یا زیقورات از فعل آکدی «زقارو» (ZEGHAROO) که به معنای بلند و برافراشته ساختن می باشد، گرفته شده است. زیگورات بنایی چند طبقه است که مساحت هر طبقه از طبقه پایینی کوچک تر است، بنابراین نمای هر طرف آن به شکل یک پلکان است. این زیگورات ها محل نگهداری مجسمه خدایان و انجام مراسم مذهبی بوده. گیرشمن بر اساس تجربیات خود و شواهد موجود معتقد بود که این زیگورات در زمان آبادانی پنج طبقه داشته و ارتفاع آن حدود ۵۲ متر بوده که فقط ۲/۵ طبقه از آن با ارتفاعی حدود ۲۳ تا ۲۴ متر پا برجاست. او ارتفاع طبقات مختلف را نسبت به سطح زمین اطراف زیگورات، اینگونه بیان می کرد:

طبقه اول ۸ متر، طبقه دوم ۲۰ متر، طبقه سوم ۳۲ متر، طبقه چهارم ۴۴ متر و طبقه پنجم یا ارتفاع کلی زیگورات ۵۲/۶ متر.

هسته مرکزی زیگورات از خشت خام ساخته شده، خشت هایی که جاویدان شده اند. بر خلاف زیگورات های بین النهرین که هر طبقه را روی طبقه قبلی می ساختند در این زیگورات ساخت هر طبقه از سطح زمین آغاز شده. سه نوع خشت در بنای زیگورات به کار برده شده است: خشت خام، خشت پخته یا آجر و خشت خام مسلح شده به آجرهای خرد و کوبیده شده. خشت خام مسلح برای اولین بار در این زیگورات به کار برده شده است. یکی از نکات مهم و قابل توجه زیگورات این است که حجم مرکزی که طبقه بلندتری را روی خود نگه می داشته، از خشت خام مقاوم یعنی خشت خام مسلح شده با خرده آجر ساخته شده. این امر بیانگر آشنایی با علم مقاومت مصالح بوده است.

### 3-4-5 جهات جغرافیایی:

طبقه اول این زیگورات مربعی شکل است که طول هر ضلع آن ۱۰۲/۲ متر می باشد. جهات گوشه های زیگورات با چهار جهت اصلی یعنی شمال، جنوب، شرق و غرب است و این سندی است که نشان می دهد ایرانیان در آن زمان جهات جغرافیایی را شناخته بودند. جهات جغرافیایی زیگورات در شکل یک نشان داده شده است. (ورودی کنونی شهر از جهت شرق است)

### 3-4-6 معبد اعلی:

معبد اعلی که در بالاترین طبقه زیگورات یعنی طبقه پنجم بوده از بین رفته. به نظر می رسد مجسمه خدایان ناپیراشا و اینشوشیناک در این معبد نگهداری می شده است. در هنگام خاک برداری از زیگورات ۷۰ عدد آجر نبشته دار پیدا شد که بر روی آنها به زبان عیلامی و آکدی مطالبی نوشته شده بوده که نشان می دهد این معبد جایگاه خدایان ناپیراشا و اینشوشیناک است. قالب آجرهای این معبد که هنگام کاوش های باستان شناسی یافت شده، بزرگ تر از آجرهای زیگورات است و دیوارهای آن با آجرهای لعابدار آبی و سبز با پرتوهای نقره ای و طلایی درخشان منقوش به دیواره ها و لوزی های به هم پیوسته یا خط نوشته دار، تزیین شده بوده. بررسی های باستان شناسی نشان داد که از اکسید آهن به عنوان مواد اولیه تهیه رنگ سرخ، که بعضی از دیوارهای این بنا با آن رنگ شده، استفاده می شده است. در یکی از اتاق های زیگورات چند کلوخ رنگی و تعدادی صدف کشف شده که بیانگر استفاده از صدف در تولید رنگ می باشد.

**۳-۴-۷ روکار آجری زیگورات :** بدنه ورودی زیگورات با روکاری آجری به ضخامت ۲ متر پوشیده شده. این روکار آجری وظیفه حفاظت از هسته خشتی را در مقابل باران و باد به عهده داشته است. بدنه آجری و هسته خشتی با استفاده از چوب هایی که یک سر آن در هسته و یک سر دیگر آن در این بدنه قرار داشته به هم قفل شده اند که به این کار اصطلاحاً کلاف کشی می گویند. تنه درختان به کار رفته در کلاف کشی به قیر آغشته می شده اند تا استحکام بیشتری پیدا کنند. برای استحکام بخشیدن به دیوارهای هر طبقه، دیوار کوتاهی به ارتفاع ۱۰/۵ و عرض ۲/۹ متر بر پاشنه آن دیوار روی سطح طبقه پایین ساخته شده. این دیوارهای کوتاه که شما می توانید در شکل شماره ۱ آنها را مشاهده نمایید از یازده ردیف آجر که یک ردیف آن نوشته دار است ساخته شده بوده.

**۳-۴-۸ آجر نبشته ها و خشت نبشته ها :** وقتی از تاریخ صحبت می کنیم آنچه که بسیار مهم است ارائه سند است. آنچه کاملاً مستند است تاریخ است و آنچه مستند نیست روایت است. مهم ترین سند تاریخی، نوشته هایی است که در بناهای تاریخی کشف می شود و هنگام ساخت آن بناها نوشته شده است.

این اسناد نه تنها از نظر تاریخی که از نظر ملی و معنوی هم بسیار مهم اند. یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ بشر اختراع خط بوده که اثر شگرفی بر تمدن بشر داشته است. خط عیلامی توسط ایرانیان باستان اختراع شد که نشان از هوش و نوآوری قابل تحسین ایرانیان باستان دارد. خط عیلامی دارای ۱۷۴ حرف و ۲۵ صدا یا نشانه می باشد و در طول قرن ها نیز تغییر چندانی نکرده بوده. در بدنه زیگورات پس از ده ردیف آجر ساده یک ردیف آجر نبشته دار به کار برده شده است. تا سال ۱۹۶۵ در شهر دوراونتاش ۵۲۷۵ آجر نبشته و خشت نبشته به زبان های عیلامی و آکدی کشف شده که بدون هیچ شک و تردیدی اثبات کننده دانش و سواد ایرانیان باستان است.

این افتخاری است تاریخی که اکثر کشورهای جهان از آن بی بهره اند. اکثر آجر نبشته ها از سازنده بنا و دلیل ساخت بنا حکایتی جاودان را بازگو می کند. ۶۵۹ عدد از این آجرها بر بدنه زیگورات باقی مانده اند. این نوشته از وجود ادبیاتی بسیار قوی در ۳۲۵۰ سال پیش در سرزمین عیلام حکایت می کند.

متن برخی از آجر نبشته ها: « من اونتاش ناپیراشا پسر هوبانومنا ، شاه آنزان و شوش به خدای ناهونته نماز گزاردم. او این خواهش را مستجاب کرد و آنچه را که من خواسته بودم انجام داد. این معبد را با تاق های آجری ساختم. مجسمه طلایی ناهونته را قلمزنی کردم، آن را در مکان مقدس قرار دادم. باشد که اعمال و کارهای من مورد قبول خدای ناهونته رب مکان مقدس قرار گیرد. در طول سال ها و روزها یک حکومت طولانی به دست آوردم که با سلامتی من همراه بود. »

**3-4-9 ورقه های طلایی:** از اشیایی که بیش از همه در بدنه و اطراف زیگورات یافت شده خرده ورقه های طلایی چکش خورده با ضخامت کمتر از برگ کاغذ بوده.

**3-4-10 معابد دوراونتاش:** همانگونه که گفته شد در شهر مذهبی زیارتی دوراونتاش برای خدایان معابدی می ساختند و تصویری از آن به صورت مجسمه یا نقش برجسته در آن قرار می دادند. برخی از مجسمه ها نیز از جنس طلا بوده. (لازم به ذکر است که با ظهور زرتشت و همچنین گسترش حکومت هخامنشیان، ایرانیان به یکتاپرستی روی آورده و پرستش خدایان متعدد را کنار گذاشتند.)

شهر دوراونتاش دارای سه حصار بوده. محوطه هایی که داخل حصار دوم شهر قرار گرفته بوده را محله مقدس می نامند. معابد خدایان ، در زیگورات و محله مقدس قرار داشته اند. معبد ناپیراشا و اینشوشیناک که در طبقه آخر زیگورات قرار داشته اند.

**3-4-11 دروازه شوش:** بر روی دیوار جنوبغربی حصار میانی واقع شده. این دروازه را به این دلیل شوش نامیده اند که مسیری از کنار آن می گذشته که به شوش می رسیده. این دروازه از دروازه شمالشرقی باریک تر بوده و به نظر می رسد افراد کمی از این دروازه عبور می کرده اند. در محل همین دروازه تعداد زیادی میله های شیشه ای سیاه و سفید وجود داشته که برای تزیین درها و دروازه های دوراونتاش از آنها استفاده شد.

**3-4-13 سازه آبی شهر دوراونتاش:** اجداد ما ایرانیان از پیشرفته ترین کشورهای کره زمین از نظر علوم مهندسی آبیاری، سدسازی و انتقال آب بوده اند. قنات ها، سدها، کانال های انتقال آب چندین کیلومتری حفر شده در داخل سنگ یا پوشش شده و سایر سازه های آبی به جا مانده از ایران باستان ، اثبات کننده این ادعا است.

در بین حصار دوم و سوم، بقایای تصفیه خانه آب چغازنبیل که به منظور تأمین آب آشامیدنی شهر احداث شده و جزء قدیمی ترین تأسیسات آبرسانی به شمار می رود، قرار دارد. آب تصفیه خانه از رودخانه کرخه و از فاصله ۴۵ کیلومتری با حفر و احداث کانالی تأمین می شده است. عیلامیان برای دفع آب باران، ناودان ها و آبراهه های مناسبی بر روی بناها ایجاد کرده بودند که متأسفانه این ناودان ها به مرور زمان پر شده و کارایی خود را از دست داده اند.

**3-4-13 ورودی شهر دوراونتاش:** ورودی دوراونتاش بر قسمت جنوب شرقی دیوار خارجی آن قرار داشته است. بر اساس آجر نبشته هایی که در هنگام کاوش های باستان شناسی کشف شده، این درگاه ، ورودی شاهی یا دروازه شاه نام داشته است. از راه پلکانی که بر دیوارهای این در قرار دارد، فرد می توانسته به بالای بام برود.

**3-4-14 باغ های اسرارآمیز دوراونتاش:** یکی از مهمترین عناصر معماری ایرانی هستند که در کره زمین معروف و شناخته شده هستند. شواهد تاریخی نشان می دهد که در شهر دوراونتاش نیز باغ های زیبا و اسرارآمیزی وجود داشته

که از بین رفته اند. به وجود این باغ ها می توان از نوشته آشوربانی پال پی برد: "سربازان من به باغ های پنهان آن نفوذ کردند. جایی که هیچ بیگانه ای هنوز نرفته بود، یا حتی به گوشه آن هم نظر نکرده بود. ایشان اسرار آن را دیدند و آن را به وسیله آتش نابود کردند."

**۳-4-15 سرانجام دوراوتناش:** شهر دوراوتناش در حمله آشوربانی پال، پادشاه خونریز آشور ویران گشت. در کتیبه ای که از او یافت شده می نویسد: "چهارده شهر را به اضافه روستاهای کوچک بی شمارشان در دوازده بخش عیلام فتح کردم. خانه های آنان را ویران کردم، به آتش سوزاندم و تبدیل به زباله و ویرانه کردم."

در حالی که اغلب شاهان ایران زمین در نوشته های خود سعی می کردند سازندگی ها و آزادی بخشش های خود را نشان دهند، این پادشاه به جنایات خود افتخار می کرده است. این شهر پس از این حمله تا چند صد سال مسکونی بوده ولی رونق گذشته را نداشته و در نهایت خالی از سکنه شده و از یادها می رود. تا اینکه در حدود ۶۵ سال پیش، زمین شناسی که در پی اکتشاف نفت به یک تپه خاکی برخورد کرد، در این تپه آجری پیدا کرد که بر روی آن نوشته شده بود. این تپه صدفی از جنس خاک بود که گوهر درخشانی از معماری و دانش ایران باستان را در دل خود داشت.

**۳-5 هفت تپه:** محوطه باستانی هفت تپه در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش واقع شده و همان طور که از نام آن پیداست از تپه های متعددی تشکیل شده است. اولین عملیات حفاری به سرپرستی دکتر عزت الله نگهبان در سال ۱۳۴۴ در این محل آغاز گردید، که تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. بررسی های سطح الارضی که قبلاً مک آدامز (Robert mac Adams) در این ناحیه انجام داده بود، گویای این مسئله بودند که این محوطه گسترده باستانی فقط در دوره محدودی مسکونی بوده است. هدف از این حفاری ها بررسی وضعیت و روشن شدن قسمتی از تاریخ عیلام بود، و با انجام این حفاری ها قسمتی از تاریخ سال های ۱۵۰۵-۱۳۰۵ پیش از میلاد مشخص گردید. حاصل حفاری های هفت تپه، مقابر، انواع سفال ها، کتیبه های سفالی، اشیای برنزی و بسیاری از مجسمه های سفالین بود.

همچنین آرامگاه خانوادگی تپی آهار، پادشاه مقتدر عیلام بدست آمده و بر روی این آرامگاه تاق بیضی شکلی با اجرای روش تاق ضربی مشاهده می شود. در آرامگاه دیگری بقایای ۲۳ اسکلت انسانی مشاهده شده است. در کنار بقایای عیلامی هفت تپه، موزه ای در سال ۱۳۵۱ تأسیس شده که آثار به دست آمده از حفاری های هفت تپه را در خود جای داده است. محوطه باستانی هفت تپه به شماره ۱۷۱۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

**۳-۵-۱ موزه هفت تپه:** در فصل دوم حفاری هفت تپه با توجه به کثرت و اهمیت آثار به دست آمده، نیاز به ساخت موزه ای محلی در جوار محوطه تاریخی که کارکرد مرکز پژوهشی را داشته باشد، مطرح شد. به این ترتیب عملیات ساختمانی موزه ای در یک طبقه در بهار سال ۱۳۴۹ آغاز شد و با اتمام عملیات موزه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ افتتاح گردید.

با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ این موزه تعطیل شد و بخشی از اشیای آن به تهران انتقال یافت. با شروع فعالیت پروژه هفت تپه و پس از انجام تعمیرات موزه در اسفندماه سال ۱۳۸۰ به عنوان موزه و نمایشگاه آثار مطالعاتی پروژه های هفت تپه و چغازنبیل بازگشایی گردید.

### ۳-۶ نقش برجسته های عیلامی

۱-۳-۶ دوره عیلام قدیم: این دوره به سلسله سیمشکی متعلق است که چندین بار توسط حاکم اور نابود گشت. آثار باقی مانده از این دوره به شرح زیر است:

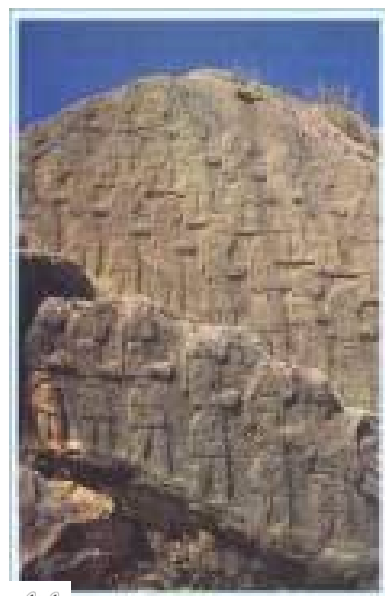
الف- نقش برجسته شاهسوار: شاهسوار جایگاهی باستانی در حومه ایذه است که در آن آثار باستانی از جمله نقش برجسته ای متعلق به دوره عیلام قدیم (قرن ۲۰ ق.م) واقع شده است. این نقش برجسته به احتمال زیاد نمایانگر صحنه بارعام یک پادشاه یا ابراز بندگی در مقابل یک خدا است.

ب- نقش برجسته خونگ اژدر: این جایگاه به خونگ نوروزی نیز معروف است و در نزدیکی دریاچه میانگران (۱۲ کیلومتری شمال ایذه) واقع شده است که نقش برجسته های آن مانند شاهسوار حجاری شده است.

۲-۳-۶ دوره عیلام نو: ایذه در دوره عیلام نو «آپایر» نامیده می شده است و پادشاهان آن به صورت مستقل زیر نظر سوخالماهو، وزیر اعظم عیلام حکومت می نمودند. حکومت عیلام در این دوران به صورت اتحادیه ای بود و متشکل از تعدادی حکومت های محلی مستقل اداره می شد. آثار این دوره عبارتند از:

الف- کول فره (فرح): کول فره واقع در ۷ کیلومتری شمال شرقی ایذه است که در عصر عیلام نو به عنوان نیایشگاهی باز مورد استفاده قرار می گرفته است. در این شکاف ۶ نقش برجسته به همراه نوشتارهای عیلامی (میخی) اطلاعات تاریخی ارزشمندی را در اختیار می گذارند. بیشتر این نقش برجسته ها مراسم مذهبی یا میمانی های هانی شاه، پسر تاهی هی (تاختی هی) حاکم دست نشاندۀ آپایر از طرف شوتروک ناهوتته را یادآور می نمایند. از نکات جالب توجه این نقش برجسته ها می توان به آداب و رسوم امور مذهبی عیلام اشاره نمود که در آن کاهنان در حال قربانی کردن حیوانات، و نوازندگان در حال نواختن موسیقی و مردم یا بزرگان دارای حالتی خاص (شاید حالت خلسه) در نیایش و حمل خدایان می باشند.

ب- اشکفت سلمان: تنگه ای در کوه الهک واقع در شمال غربی ایذه است. در این تنگه چهار نقش برجسته وجود



دارد که تمامی آنها به هانی تعلق دارند که بیشتر به خانواده سلطنتی و خدایان اشاره نموده است. در این جایگاه باستانی روزگاری نیایشگاه «ناریشا» وجود داشته است. از دیگر آثار منسوب به عیلام عبارتند از:

ج- آثار نقش برجسته بزرگ کورانگون در حوزه فهلیان ممسنی در جاده بهبهان خوزستان.

نقش برجسته ای بر فراز تپه ای بلند در شهر فهلیان از دوره ایلامیان به جا مانده است. هرتسفلد آنرا نقش کورانگون نامیده است. این نقش حاوی دو رب النوع زن و مرد است. در کنار آنها خادمان و پرستش کنندگان هستند. این رب

النوع تاجی شاخ دار بر سر دارد و روی یک مار حلقه زده نشسته است. سر مار در دست چپ او است. با دست راست ظرف آبی را گرفته است که آب از آن فواره میزند. سه نفر در سمت راست و دو نفر در سمت چپ او ایستاده اند. بیست و هفت نفر در روبرو بر سنگهای پراکنده حجاری شده اند. این نقش برجسته به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد تعلق دارد.

د- آثار و بقایای نقش برجسته ای در نقش رستم.

ه- آثار تل ملیان در بیضای فارس

### ۷-۳ مهاجرت آریاییها به ایران

#### ایرانیان و همسایگان آنان

قبایل ایرانی در هنگام مهاجرات به ایران و تا مدتها پس از سکونت در این سرزمین مستقل از یکدیگر می زیستند . آنان برای خویش دارای سرزمینی بودند و فرمانروایی از آن خود داشتند . وجه اشتراک آنها ، فقط در فرهنگ و معتقدات بود . این فرهنگ و معتقدات آنان را از دیگر اقوام آریایی جدا می ساخت . به عنوان مثال آنها با سکاها که دسته ای از اقوام آریایی بودند ، معتقدات متفاوتی داشتند . سکاها که به تعلیمات زرتشت ایمان نیاورده بودند ، همچنان به معتقدات قبلی آریاییها عمل می کردند ، بخصوص دسته ای از آنها که تورانی نامیده می شدند با پیروان زرتشت جنگهای بسیاری کردند و زرتشت نیز به دست همین قوم کشته شد .

با ورود اقوام ایرانی به فلات ایران ، آنان مدتها درگیر جنگ با ساکنان قدیمی این سرزمین بودند ، اما به تدریج با یکدیگر آشنا و همنشین شدند .

این آشنایی و همنشینی هنگامی صورت گرفت که ایرانیان به عنوان نیروی غالب و پیروز در فلات ایران ساکن شده بودند . از آن پس ایرانیان به تدریج با دستاوردهای تمدنی و فرهنگی اقوام قدیمی ساکن در ایران آشنا شدند . از میان این اقوام ، ایلامیها به دلیل پیشرفتهای فرهنگی و تمدنی بسیار که داشتند از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. در نتیجه پس از مدتی ایرانیان خط ، کشاورزی و شهرسازی را از آنان فرا گرفتند . یکی از علل تحول جامعه آریایی از زندگی شبانی به زندگی کشاورزی ، آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ اقوام قدیمی ساکن در ایران بود.

با استقرار آریاییها در فلات ایران ، آنان با اقوامی که در سرزمین های اطراف زندگی می کردند نیز آشنا شدند، همسایگان فلات ایران در هنگام استقرار آریاییها ، آشوریان و کلدانی ها بودند . در نتیجه تماس با اقوام مجاور فلات ایران ، بخصوص اقوامی که در کنار رودخانه هایی چون سیحون و جیحون و نیز دجله و فرات زندگی می کردند ، در فرهنگ و معتقدات ایرانیان تغییراتی رخ داد . چنانکه به تدریج اعتقاد به آناهیتا رواج یافت . در همین حال زرتشت در اندیشه های خود ، آناهیتا را یکی از ایزدان زیر دست اهورامزدا قرار داد .

### ۱-۷-۳ چگونگی تاسیس مادو قدرت یافتن آن

قبایل ایرانی با همسایگان خود در خارج از فلات ایران تنها روابط تمدنی نداشتند بلکه جنگ و تهاجم نیز بارها میان آنان رخ می داد. کوهستانهای شمال غربی ایران بیش از هر جای ایران دستخوش تهاجم بود. در این قسمت از گذشته های دور اقوامی ساکن گردید. همسایه غربی این منطقه دولت آشور بود که پی در پی برای سنگهای معدنی به آنجا هجوم می آورد. تنها راهی که در پیش روی ساکنان کوههای زاگرس قرار داشت پناه گرفتن در کوهستان و اتحاد با یکدیگر بود. چنانکه پیش از این، گوتی ها و لولوبی ها نیز برای مقابله با مهاجمان متحد شده بودند. اما این اتحاد، گستردگی و قدرت فراوانی نداشت بنابراین لازم بود اتحاد بزرگتری تشکیل گردد.

در حدود سال هزار ق. م. دولت اورارتو نیز مانند دولت آشور به کوهستانهای شمال غربی ایران چشم طمع دوخت. در نتیجه سالیان متمادی میان آن دو جنگ در گرفت و فرصتی به دست آمد تا تعدادی از قبایل ساکن در شمال غرب

ایران اتحادیه ای تشکیل دهند که به اتحادیه ماننایی موسوم شده است

. اتحادیه ماننایی برای مدتی توانست موقعیت خود را حفظ کند اما

سرانجام در زیر ضربات آشوریان کمر خم نمود.

تجربه اتحادیه ماننا به وسیله قبایل ماد مورد استفاده قرار گرفت و

اتحادیه ای تاسیس گردید. که به مراتب وسیع تر و قدرتمند تر بود.

در این اتحادیه قبایل ماد حتی از همراهی قبایل غیر آریایی نیز

استقبال کردند. مقابله با تهاجم های آشوریان برایشان ضرورتی

حیاتی یافته بود. زیرا آشوریان در هر هجوم هر آنچه را می یافتند به

غارت می بردند، خانه ها را ویران و مردمان را اسیر می کردند و یا می کشتند. کسی که هدایت قبایل ماد را به

سوی وحدت بر عهده داشت دیاکو نام داشت.

او از روسای طوایف بود و کدخدایی روستای خویش را بر عهده داشت. چنانکه گفته شده است او بواسطه انصافی

که در داوریهای خویش نشان می داد مورد توجه مردمان قرار گرفت، در نتیجه روسای طوایف و قبایل او را

فرمانروای خود نمودند.

تشکیل اتحادیه قبایل ماد و بنیانگذاری دولت توسط آنان، آشوریان را بر آن داشت که بر شدت حملات خود بر

کوهستانهای شمال غربی ایران بیفزایند زیرا قدرت یافتن این اتحادیه می توانست برای آشور اسباب دردسر و خطر را

فراهم سازد. در مقابل مادها برای آمادگی بیشتر در برابر تهاجمات، دژ هگمتانه را ساختند. مادها قبلا نیز از دژهایی

که در ارتفاعات می ساختند برای دفاع بهره می بردند لیکن دژ هگمتانه دارای دیوارهای متعدد و توان دفاعی بیشتری

بود.

این دژ که در محل شهر کنونی همدان قرار داشت مرکز دولت ماد به شمار می آمد و جایی بود که مادها دیاکو را

بر خود به فرمانروایی شناختند.





دیاکو که در حدود سال ۷۰۸ ق. م به فرمانروایی مادها رسیده بود قریب پنجاه سال حکومت کرد و در این مدت تمام سعی او صرف حفظ موجودیت اتحادیه ماد در برابر تهاجمات آشوریان گردید .

پسر و جانشین دیاکو ، خشثیتی ( فرورتیش ) نام داشت . او از درگیری های آشور در بین النهرین و نواحی اطراف آن ، برای توسعه قدرت و قلمرو ماد بهره برد . اقدام اولیه خشثیتی تشکیل ارتشی بود که سیاست دفاعی ماد را به سوی تهاجم و لشکر کشی هدایت کند . به همین جهت ارتشی مجهز تعلیم دیده و حرفه ای پدید آمد . این ارتش از یک سو اهداف خارجی دولت ماد را تعقیب می نمود و از سوی دیگر توسعه تشکیلات دولت ماد و تحول اجتماعی جامعه ماد را موجب می شد . تحولی که جهت اصلی آن ، افزایش توان نظامی روسای طوایف ( واسپوهران ) و گسترش املاک آنان بود .

ارتش ماد به فرماندهی خشثیتی توانست قلمرو ماد را در فلات ایران توسعه دهد و مهمترین موفقیت آن مطیع و متقاعد نمودن پارسها بود . موفقیت های داخلی خشثیتی او را بر آن داشت تا خاک آشور را مورد تهاجم قرار دهد . پس از مدتها ، این بار کوه نشینان زاگرس بودند که به سوی آشور می تاختند . هر چند آشوریان در این زمان ناتوان شده بودند ، اما در برابر تهاجم مادها ایستادگی کردند و در همان حال آن دسته از قبایل سکایی را که با خود متحد ساخته بودند ، برای حمله به سرزمین ماد به کمک طلبیدند . این امر نشان می داد که دولت ماد علیرغم افزایش توان نظامی خود ، توجهی به گسترش اقدامات سیاسی نداشته است . در نتیجه سکاهای به سرزمین ماد سرازیر شدند . این در حالی بود که خشثیتی در میدان جنگ با آشوریان جان باخت .

### هووخ شتر

قتل خشثیتی در سال ۶۵۳ ق. م دولت ماد را در وضعیت خطر ناکی قرار داد . هووخ شتر پسر و جانشین خشثیتی ، اولین اقدامی که انجام داد حفظ موجودیت اتحادیه قبایل ماد بود ، و این در شرایطی که سکاهای غلبه یافته بودند ، بدون قبول اطاعت از آنان غیر ممکن بود . در نتیجه اتحادیه ماد در حالی که دولتی بسیار ضعیف داشت برای بیست هشت سال به زیر سلطه سکاهای رفت . این کار از سویی مانع نابودی جامعه ماد به دست سکاهای شد و از سوی دیگر باعث شد تا مادها در پناه سکاهای از انتقامجویی آشوریان در امان بمانند . آنچه که در این شرایط به کمک مادها آمد آن بود که سکاهای پس از غلبه بر مادها برای کسب قلمرو با آشوریان درگیر شدند و در این درگیری نیازمند همراهی و همکاری دشمنان آشور بودند . ستیزه آشوریان و سکاهای به غلبه یکی بر دیگری نینجامید ، فرصتی فراهم ساخت تا هووخ شتر با بهره بردن از آن قدرت ماد را احیا کند . احیای قدرت ماد با غافلگیر نمودن و کشتار سران سکاهای به وسیله هووخ شتر شتاب بیشتری یافت . به دنبال آن بار دیگر شمال غربی ایران شاهد فرمانروایی مادها بود . علاوه بر آن مادها بار دیگر نواحی مرکزی و جنوبی ایران را مطیع خود ساختند . ارتشی که خشثیتی آنرا بنیانگذاری کرده بود ، با بهره گیری از تجارب جنگی سکاهای ، قدرت بیشتری یافته بود و در خود توان عملیات خارجی را می دید . هدف اصلی این عملیات ، دولت آشور بود که علیرغم ضعف روز افزون ، خطر عمده یی برای ماد و همسایگانش بشمار می آمد . هووخ شتر در شرایطی آشور را مورد حمله قرار داد که دولت کلد ( بابل نو ) نیز چنین اندیشه ای را در سر داشت . لذا دو دولت ماد و کلد متحد شدند و متفقا پایتخت آشور را در محاصره گرفتند . در نتیجه در سال ۶۱۲ ق. م نینوا سقوط کرد . چند سال بعد دولت کلد آخرین مقاومت های آشوریان را نیز در هم شکست . با نابودی آشور دولتهای

## راهنمای گردشگری عمومی

ماد و کلدۀ مبدل به دو دولت بزرگ آسیای غربی شدند. قلمرو دولت ماد در این زمان بخش وسیعی از فلات ایران بود و هگمتانه شهری آباد و پر جمعیت به شمار می رفت.

پس از فتوحات و استقرار امنیت، وظیفه بعدی دولت ماد توجه به امور اقتصادی بود. اقتصاد ماد که بر اساس گله داری بود نمی توانست جوابگوی نیازهای این دولت وسیع باشد. لذا دست یافتن بر تجارت آسیای غربی یعنی راههایی که از ایران و بین النهرین به سواحل مدیترانه منتهی می شد، می توانست دولت ماد را در منابع تجاری این منطقه سهم سازد. ظاهراً کلدانی ها زودتر متوجه این امر شده بودند لذا بلافاصله پس از سقوط آشور قلمرو خود را در امتداد رود فرات به سوی شام و سواحل مدیترانه گسترش دادند. مادها نیز که در غیاب آشور خواهان کسب منافع بیشتر بودند در امتداد دجله متوجه آسیای صغیر شدند. اما بالعکس کلدانی ها که در سواحل مدیترانه شهرهای نامتحد فنیقی را پیش رو داشت. هووخ شتر در آسیای صغیر با دولت ثروتمند لودیه که سربازان مزدور فراوانی را به خدمت گرفته بود روبرو شد لذا پنج سال دولت ماد و لودیه با هم جنگیدند بدون آنکه یکی بر دیگری غلبه قطعی یابد. صلحی که بدنبال این جنگ منعقد شد مرز دو دولت را مشخص ساخت و هم موجب شد تا ولیعهد ماد، دختر پادشاه لودیه را به همسری برگزیند.

### انحطاط و سقوط دولت ماد

هووخ شتر اندکی پس از صلح با لودیه در گذشت در حالیکه منابع انسانی و مالی بسیار از ماد را صرف جنگ با لودیه کرده بود. پسر و جانشین او اژدهاک که داماد پادشاه لودیه شده بود توانایی و لیاقت چندانی نداشت. اتحاد بالودیه که در پی ازدواج اژدهاک با دختر پادشاه آن کشور و در اواخر حیات هووخ شتر صورت گرفت سیاست توسعه قلمرو دولت ماد در آسیای صغیر را متوقف ساخت و هیچگونه نفعی برای آن دولت به دنبال نداشت. زیرا ماد دولتی بر مبنای اقتصاد شبانی و لودیه بر پایه تجارت بود، مسائل و مشکلات آنان نیز مانند هم نبود.

در همان حال نیازهای مالی که دولت ماد را بسوی آسیای صغیر کشانده بود همچنان وجود داشت. در نتیجه مادها متوجه شام شدند جایی که دولت کلدۀ به توسعه نفوذ خود در آنجا مشغول بود. دولت ماد در بخش علیای فرات شهر حران را در نظر داشت، جایی که زمان سقوط آشور، دولت کلدۀ بدان چشم دوخته بود. بدنبال آن اتحاد قدیمی ماد با کلدۀ به پایان رسید و دولت ضعیف شده ماد با فرمانروای نالایقی چون اژدهاک در جستجوی هدفی بر آمد که توانایی دست یافتن بدان را نداشت.

در چنین شرایطی دولت کلدۀ، برای مقابله با ماد دست اتحاد بسوی کوروش پادشاه پارس دراز کرد. زیرا به خوبی می دانست که پارس ها قدرت یافته اند و دولت ماد را تهدید می کنند.

### سقوط ماد به دست پارسها

دولت کلدی در تحریک پارسها به شورش علیه ماد موفق شد. زیرا از مدتها پیش پارسها بر قدرت خود افزوده بودند و در شرایطی که دولت و دربار ماد به خاطر عشرت طلبی و ناتوانی اژدهاک ضعیف شده بود موقعیت خویش را مستحکم ساختند. در درون جامعه ماد نارضایتی و نابسامانی در حال گسترش بود.

عامه مردم به دلیل رشد طبقه اشرافی جامعه ماد وضعیت مناسبی نداشتند. اشراف مادی که در پی توسعه و تقویت ارتش ماد صاحب قدرت و ثروت شده بودند، امید فراوانی به موفقیت در برابر لودییه داشتند لیکن نه تنها پیشرفتی حاصل نشد بلکه دربار ماد محل نفوذ لیدیها نیز گردید. در نتیجه سران دولت ماد، فرمانروایی را ترجیح می دادند که بجای اژدهاک ضعیف بتواند آنان را صاحب زمین و ثروت بیشتری سازد.

در این حوالی شورش پارسها علیه ماد آغاز شد. در نتیجه اشراف نظامی ماد در پیوستن به فرمانروای آنان یعنی کوروش تردیدی نشان ندادند. به دنبال آن با پیوستن هارپاگ قدرتمندترین مرد دولت ماد به پارسها که مشاوره اژدهاک و فرمانده لشکریان او بود، دولت و دربار ماد فرو ریخت، اژدهاک اسیر شد و به جای دولت ماد، دولت هخامنشی در سال ۵۵۰ ق. م در ایران به قدرت رسید.

### ۲-۷-۳ سلسله هخامنشیان (۵۵۹ ق. م - ۳۳۰ ق. م)

هخامنشیان نام دودمانی پادشاهی در ایران پیش از سلام است. پادشاهان این دودمان از پارسیان بودند و تبار خود را به هخامنش می رسانند که سرکرده طایفه پاسارگاد از طایفه های پارسیان بوده است. هخامنشیان نخست پادشاهان بومی پارس و سپس ایشان بودند با شکستی که کوروش بزرگ بر ایشتویگو واپسین پادشاه ماد وارد ساخت و سپس فتح لیدییه و بابل پادشاهی هخامنشیان تبدیل به شاهنشاهی بزرگی شد. از این رو کوروش بزرگ را بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی می دانند.

به قدرت رسیدن پارسیها و سلسله هخامنشی یکی از وقایع مهم تاریخ قدیم است. اینان دولتی تأسیس کردند که دنیای قدیم را به استثنای دو سوم یونان تحت تسلط خود در آوردند. شاهنشاهی هخامنشی را نخستین امپراتوری تاریخ جهان می دانند.

پارسیها مردمانی آریایی نژاد بودند که مشخص نیست از چه زمانی به فلات ایران آمده بودند. آنان از قوم آریایی پارس یا پارسواش بودند که در کتیبه های آشوری از سده نهم پیش از میلاد مسیح نام آنان آمده است. پارسها همزمان با مادها به نواحی غربی ایران سرازیر شدند و پیرامون دریاچه ارومیه و کرمانشاهان ساکن گردیدند. با ضعف دولت ایلام، نفوذ قوم پارس به خوزستان و نواحی مرکزی فلات ایران گسترش یافت.

برای نخستین بار در سالنامه های آشوری سلمانسر سوم در سال ۸۳۴ ق. م، نام کشور پارسواش در جنوب و جنوب غربی دریاچه ارومیه برده شده است. بعضی از محققین مانند راولین سن عقیده دارند که مردم پارسواش همان پارسیها بوده اند. تصور می شود اقوام پارسی پیش از این که از میان سلسله جبال زاگرس به طرف جنوب و جنوب شرقی ایران بروند، در این ناحیه توقف کوتاهی نمودند و در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد در ناحیه پارسواش، روی دامنه های

کوه‌های بختیاری در جنوب شرقی شوش در ناحیه‌ای که جزو کشور ایلام بود، مستقر گردیدند. از کتیبه‌های آشوری چنین استنباط می‌شود که در زمان شلم نصر (۷۱۳ . ۷۲۱ ق. م) تا زمان سلطنت آسارهادون (۶۶۳ ق. م)، پادشاهان یا امراء پارسوا، تابع آشور بوده‌اند. پس از آن در زمان فرورتیش (۶۳۲ . ۶۵۵ ق. م) پادشاه ماد به پارس استیلا یافت و این دولت را تابع دولت ماد نمود.

هرودوت می‌گوید: پارسی‌ها به شش طایفه شهری و ده نشین و چهار طایفه چادرنشین تقسیم شده‌اند. شش طایفه اول عبارتند از: پاسارگادیان، رفیان ماسپیان، پانتالیان، ژوسیان و گرمانیان. چهار طایفه دومی عبارتند از: داییها، مردها، دروپیک‌ها و ساگارتی‌ها. از طوایف مذکور سه طایفه اول بر طوایف دیگر، برتری داشته‌اند و دیگران تابع آنها بوده‌اند. پارس‌ها همزمان با مادها به نواحی غربی ایران سرازیر شدند و پیرامون دریاچه ارومیه و کرمانشاهان ساکن گردیدند.

طبق نوشته‌های هرودوت، هخامنشیان از طایفه پاسارگادیان بوده‌اند که در پارس اقامت داشته‌اند و سر سلسله آنها هخامنش بوده‌است. پس از انقراض دولت ایلامیان به دست آشور بانی پال، چون مملکت ایلام ناتوان شده بود پارسی‌ها از اختلافات آشوری‌ها و مادی‌ها استفاده کرده و انزان یا انشان را تصرف کردند. این واقعه تاریخی در زمان چیش پش دوم روی داده‌است. با توجه به بیانیه‌های کوروش بزرگ در بابل، می‌بینیم او نسب خود را به چیش پش دوم، می‌رساند و او را شاه انزان می‌نامند.

پس از مرگ چیش پش، کشورش میان دو پسرش آریارمنه پادشاه کشور پارس و کوروش که بعداً عنوان پادشاه پارسوماش، به او داده شد، تقسیم گردید. چون در آن زمان کشور ماد در اوج ترقی بود و هوشخستره در آن حکومت می‌کرد، دو کشور کوچک جدید، ناچار زیر اطاعت فاتح نینوا بودند.

با روی کار آمدن کوروش بزرگ، برای نخستین بار بشر موفق می‌شود که از مرحله‌ی شهر - تمدنی و قوم - تمدنی پا به مرحله‌ی کشور - تمدنی و ملت - تمدنی بگذارد، آن‌هم با میل و همراهی تیره‌های گوناگون، نه آن‌گونه که پیش از هخامنشیان رسم بود با رابطه‌ی غالب - مغلوبی و چپاول سرزمین‌ها به نفع پیروزمندان. این‌گونه است که دو‌یست سال نخست از تاریخ بشر یعنی از سده‌ی پنجم تا سده‌ی سوم پیش از میلاد مترادف با تاریخ ایران است چرا که شاهنشاهی هخامنشی ایران، تمام مراکز تمدنی آن زمان را به استثنای چین شامل می‌شد.

مهم‌ترین سنگ‌نوشته هخامنشی از نظر تاریخی و نیز بلندترین آنها، سنگ‌نوشته بیستون بر دیواره کوه بیستون است. سنگ‌نوشته بیستون بسیاری از رویدادها و کارهای داریوش اول را در نخستین سال‌های حکمرانی اش که مشکل‌ترین سال‌ها حکومت وی نیز بود، به طور دقیق روایت می‌کند. این سنگ‌نوشته عناصر تاریخی کافی برای بازسازی تاریخ هخامنشیان را داراست.

به واقع با وجود فراوانی منابع میانرودانی، مصری، یونانی و لاتین نمی‌توان با تکیه بر آنها نسب‌شناسی کاملی از خاندان هخامنشی از هخامنش تا داریوش را به دست آورد. برای این منظور متن سنگ‌نوشته بیستون فرصت مناسبی را در اختیار مورخ قرار می‌دهد که در آن شاه شاهان نوشته بلند خود را با تایید مجدد رابطه اش با خاندان شاهنشاهی پارسیان آغاز می‌کند و به تدریج اخلاف خود را نام می‌برد: ویشتاسپ، آرشام، آریارمنه، چیش پش و هخامنش. این

تبارشناسی به دلایل مختلف مدت‌های طولانی مورد ایراد قرار گرفته بود. زیرا در این فهرست نام دو نفر از شاهان هخامنشی که پیش از داریوش حکومت می‌کردند یعنی کوروش کبیر و کمبوجیه اول به چشم نمی‌خورد. همین مسأله موجب شده‌است که مفسران سنگ‌نوشته نسبت به محتوای سنگ‌نوشته داریوش با شک و تردید نگاه کنند و او را غاصب پادشاهی هخامنشیان بدانند که با نوشتن این سنگ‌نوشته سعی داشته‌است برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود از نگاه آیندگان، شجرنامه خود را دست کاری کند.

کمبوجیه، هنگامی که قصد لشکرکشی به سوی مصر را داشت، از ترس توطئه دستور قتل برادرش بردیا را صادر کرد. در راه بازگشت کمبوجیه از مصر، یکی از موبدان دربار به نام گئومات مغ، که شباهت به بردیا داشت، خود را به جای بردیا قرار داده و پادشاه خواند.

کمبوجیه با شنیدن این خبر در هنگام بازگشت، یک شب و به هنگام باده نوشی خود را با خنجر زخمی کرد که بر اثر همین زخم نیز درگذشت (۵۲۱ پ. م.). کمبوجیه در بازگشت از مصر فوت کرد. ولی برخی دلیل مرگ وی را بیماری و برخی دیگر توطئه اطرافیان می‌دانند اما مسلم است که وی در مسیر بازگشت از مصر مرده‌است ولی دلیل آن تا کنون مکتوم باقی مانده‌است. پس از مرگ کمبوجیه کسی وارث پادشاهی هخامنشیان نبود.

کوروش بزرگ، در بستر مرگ، بردیا را به فرماندهی استان‌های خاوری شاهنشاهی ایران گماشت. کمبوجیه دوم، پیش از رفتن به مصر، از آنجا که از احتمال شورش برادرش می‌ترسید دستور کشتن بردیا را داد. مردم از کشته شدن او خبر نداشتند و در سال ۵۲۲ پ. م. شخصی به نام گئوماته مغ خود را به دروغ بردیا نامید و اعلام شاه بودن کرد. چون مردم بردیا را دوست داشتند و به سلطنت او راضی بودند و از طرفی هیچ کس از راز قتل بردیا مطلع نبود، دل از سلطنت کمبوجیه برداشتند و سلطنت بردیا (گئومات) را با جان و دل پذیره شدند و این همان اخباری بود که در سوریه به گوش کمبوجیه رسید و سبب خود کشی او شد.

در متون تاریخی از وی به عنوان بردیای دروغین یاد شده‌است. در کتیبه بیستون نزدیک کرمانشاه گئومات مغ زیر پای داریوش بزرگ نشان داده شده‌است. داریوش شاه که از سوی کوروش بزرگ به فرمانداری مصر برگزیده شده بود پس از دریافتن ماجرا به ایران می‌آید و بردیای دروغین را از پای درآورده به تخت می‌نشیند.

کارهای گومات مغ سبب سوء ظن درباریان هخامنشی شد که در رأس آنان داریوش پسر ویشتاسب هخامنشی بود. هفت تن از بزرگان ایران که داریوش بزرگ نیز در شمار آنان بود توسط یکی از زنان حرمسرای گئومات که دختر یکی از هفت سردار بزرگ ایران بود و موفق به دیدن گوشه‌های بریده او شده بود پرده از کارش برکشیدند و روزی به قصر شاهی رفتند و نقاب از چهره اش بر گرفتند و با این خیانت بزرگ او و برادرش و محارم او که به دربار راه یافته بودند نابود کردند و هم در آنروز عده زیادی از مغان را به قتل رساندند و به سلطنت هفت ماهه او خاتمه بخشید.

### پادشاهی داریوش بزرگ

داریوش کبیر (داریوش اول، داریوش بزرگ) (۵۴۹. ۴۸۶ ق. م.) سومین پادشاه هخامنشی (سلطنت از ۵۲۱ تا ۴۸۶ ق. م.)، فرزند ویشتاسپ (گشتاسپ) بود. ویشتاسپ فرزند ارشام و ارشام پسر آریارمنا بود.

ویشتاسپ پدر او در زمان کوروش ساتراپ (والی) پارس بود. داریوش در آغاز پادشاهی با مشکلات بسیاری روبرو شد. غیبت کمبوجیه از ایران چهار سال طول کشیده بود. گئومات مغ هفت ماه خود را به عنوان بردیا برادر کمبوجیه

## راهنمای گردشگری عمومی



بر تخت مستقر ساخته و بی‌نظمی و هرج و مرج را در کشور توسعه داده بود. در نقاط دیگر کشور هم کسان دیگر بدعوی اینکه از دودمان شاهان پیشین هستند لوای استقلال برافراشته بودند. شرحی که از زبان داریوش در کتیبه بیستون از این وقایع آمده جالب است و سرانجام همه بکام او پایان یافت. داریوش این پیروزی‌ها را در همه جا نتیجه لطف اهورامزدا میدانند، می‌گوید:

«هرچه کردم بهرگونه، به اراده اهورامزدا بود. از زمانیکه شاه شدم،

نوزده جنگ کردم. به اراده اهورامزدا لشکرشان را درهم شکستم و ۹ شاه را گرفتم... ممالکی که شوریدند دروغ آنها را شوراند. زیرا به مردم دروغ گفتند. پس از آن اهورامزدا این کسان را بدست من داد و با آنها چنانکه میخواستم رفتار کردم. ای آنکه پس از این شاه خواهی بود با تمام قوا از دروغ بپرهیز. اگر فکر کنی: چه کنم تا مملکت من سالم بماند، دروغگو را نابود کن...».

هرودت در شرح حمله داریوش به سکائیه نوشته‌است که سکاها از جنگ با او احتراز کردند و بداخل سرزمین خود عقب نشستند و چون بیابان وسیع در پیش پای آنها بود، آنقدر داریوش را بدنبال خود کشیدند که او از ترس قحطی آذوقه تصمیم گرفت به ایران برگردد. اما با اینکه در این حمله پیروزی شاهانه‌ای بدست نیاورد سکاها را برای همیشه از حمله به ایران و ایجاد زحمت برای مردم شمال این آب و خاک منصرف ساخت. تسخیر هند: داریوش متوجه پنجاب و سند شد. در سال ۵۱۲ ق. م. ایرانیان از رود سند گذشتند و قسمتی از سرزمین هند را گرفتند داریوش فرمان داد تا کشتی‌هایی بسازند و از طریق دریای عمان به پنجاب و سند بروند. این دو نقطه زرخیز و پرثروت برای ایران آنروز بسیار مهم بود. این چیرگی پارسیان در تاریخ هند مبدأ دوران تازه‌ای گردید و سرنوشت هند را دگرگون ساخت.

داریوش ولیعهد خود را برگزید و هنگامی که آخرین تدارکات خود را برای جنگ مصر و یونان میدید پس از ۳۶ سال پادشاهی درگذشت. این واقعه در سال ۴۸۶ ق. م. بوده‌است.

آرامگاه داریوش اول در فاصله چهارهزار و پانصد متری تخت جمشید، در نقش رستم است. در زمان او حدود متصرفات شاهنشاهی ایران از یک سو به چین و از سوی دیگر به قلب اروپا و افریقا میرسید.

### وضع اجتماعی و اقتصادی در دوره هخامنشی

کوروش در دوران زمامداری خود، از سیاست اقتصادی و اجتماعی عاقلانه‌ای که کمابیش مبتنی بر مصالح ملل تابعه بود، پیروی می‌کرد. از این جمله او که می‌گوید: «رفتار پادشاه با رفتار شبان تفاوت ندارد، چنانکه شبان نمی‌تواند از گله اش بیش از آنچه به آنها خدمت می‌کند، بردارد. همچنان پادشاه از شهرها و مردم همانقدر می‌تواند استفاده کند که آنها را خوشبخت می‌دارد.» و نیز از رفتار و سیاست عمومی او، بخوبی پیداست که وی تحکیم و تثبیت قدرت خود را در تأمین سعادت مردم می‌دانست و کمتر در مقام زراندوزی و تحمیل مالیات بر ملل تابع خود بود. او در دوران

## راهنمای گردشگری عمومی

کشورگشایی نه تنها از قتل و کشتارهای فجیع خودداری کرد بلکه به معتقدات مردم احترام گذاشت و آنچه را که از ملل مغلوب ربوده بودند، پس داد «موافق تورات، پنجهزار و چهار صد ظرف طلا و نقره را به بنی اسرائیل رد می‌کند، معابد ملل مغلوبه را میسازد و می‌آراید.» و به قول گزنفون، رفتار او طوری بوده که «همه می‌خواستند جز اراده او چیزی بر آنها حکومت نکنند.»

کمیوجیه با آنکه از کیاست کورش نصیبی نداشت و از سیاست آزاد منشانه وی پیروی نمی‌کرد، در دوران قدرت خود به اخذ مالیات از ملل مغلوب مبادرت نکرد بلکه مانند کورش کبیر به اخذ هدایایی چند قانع بود، ولی این سیاست از آغاز حکومت داریوش تغییر کلی یافت و پس از سپری شدن دوران حیات داریوش روزبروز، بر سنگینی مالیات افزوده شد و این روش دور از حزم و خرد تا پایان حکومت هخامنشی ادامه یافت.

مدت دوام شاهنشاهی هخامنشی، ۲۲۰ سال بود. فرمانروایی آنان در قلمرو شاهنشاهی - به خصوص در اوایل عهد - موجب توسعه فلاح، تامین تجارت و حتی تشویق تحقیقات علمی و جغرافیایی نیز بوده است. مبانی اخلاقی این شاهنشاهی نیز به خصوص در عهد کسانی مانند کوروش و داریوش بزرگ متضمن احترام به عقاید اقوام تابع و حمایت از ضعفا در مقابل اقویا بوده است، از لحاظ تاریخی جالب توجه است. بیانیه معروف کوروش در هنگام فتح بابل را، محققان یک نمونه از مبانی حقوق بشر در عهد باستان تلقی کرده‌اند.

هخامنشیان ۲۲۰ سال (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۳۳۰ پیش از میلاد) بر بخش بزرگی از جهان شناخته شده آن روز از رود سند تا دانوب در اروپا و از آسیای میانه تا شمال شرقی آفریقا فرمان رانند. شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر مقدونی برافتاد

### ۳-۷-۳ سلوکیان ۳۳۰-۲۵۰ ق. م

اسکندر پس از شکست داریوش سوم در جنگ گوگامل، خواست دولت مرکبی از ایران و یونان بسازد و بدنبال همین منظور دستور داد، ده هزار نفر از یونانیان همسر ایرانی برگزینند و خود نیز دو همسر ایرانی اختیار کرد. یکی رکسانا دختر اکسیارتس، یکی از امرای سغد و دیگری استاتیرا، دختر داریوش سوم هخامنشی؛ و همچنین امر نمود تعداد سی هزار نفر از کودکان ایرانی در لشکر یونان تعلیم دیده تا خوی و جنگاوری یونان را بگیرند.

اسکندر قبل از تسخیر ایران در امور دولتی با مجلسی که مرکب از رجال مجرب مملکت بود، مشورت می‌کرد و رجال مزبور در اظهار عقیده آزاد بودند؛ ولیکن اسکندر پس از آمدن به ایران رویه خود را عوض نمود. تشریفات دربار ایران را پیش گرفت و از آن به بعد یونانی‌ها و مقدونی‌ها در موقع مراسم درباری مجبور بودند بایستند و در موقع تکلم با اسکندر یک زانو به زمین بزنند.

یونانی‌ها و مقدونی‌ها از این رفتار اسکندر ناراضی گشته و دوبار بر ضد اسکندر شورش کردند، ولی موفق نشدند و چند نفر از ملازمان از جمله فیلو تاس پسر پارمینیون و کلبیت دوست صمیمی اسکندر کشته شدند.

اسکندر پس از فتح ممالک شرق به ایران بازگشت و پس از گذشتن از باتلاقی در بابل در سال ۳۲۳ ق. م در سن ۳۲ سالگی بعلت مرض تب درگذشت. پس از آنکه اسکندر در سال ۳۲۳ ق. م در گذشت، برای مدتی کوتاه، قلمرو او

وحدت ظاهری خود را حفظ کرد. بعضی از سرداران بزرگ مقدونی سعی کردند یکپارچگی قلمرو را که اسکندر به وجود آورده بود حفظ کنند. اما از آنجا که این امپراطوری نظام اداری یکسان و استحکام کافی را نداشت، حدود ده سال پس از مرگ اسکندر، به طور کامل تجزیه شد و ایران به دست سلوکوس افتاد.

سلوکوس حکومت خود را با تصرف بابل در سال ۳۱۲ ق. م آغاز کرد. شهر باستانی بابل، که اسکندر آخرین روزهای عمر خود را در آن گذرانده بود، مظهر دولت و حاکمیت بر امپراتوری او تلقی می گردید. سلوکوس نیز چنین انتظار داشت که با تصرف بابل، جانشین اسکندر شناخته شود. اما طی ده سالی که از مرگ اسکندر می گذشت قلمرو او تحولات بسیاری را پشت سر نهاده بود. در هر گوشه ای سرداری یا اشراف زاده ای خود را مستقل می خواند و ادعای حکومت داشت. لذا اولین اقدام سلوکوس فتح مجدد نواحی اطراف بود. به همین جهت در نزدیکی بابل، سلوکوس پایتخت خود شهر سلوکیه را بنیاد نهاد و از آنجا لشکرکشی های موفقیت آمیزی به سوی شرق ایران انجام داد. بدین ترتیب سراسر ایران یعنی قسمت بزرگتر امپراتوری اسکندر به تصرف او در آمد لیکن از آنجا که سرداران مقدونی به طور کامل از وی اطاعت نمی کردند مجبور شد به آنان امتیازات بسیاری بدهد.

در واقع دولت سلوکیان بر پایه ائتلاف سرداران مقدونی و سهم شدن آنان در قدرت سیاسی بنیان گذاشته شد. بعلاوه چون آن دسته از اشراف ایرانی که اسکندر حکومتشان را باقی گذاشت، در برابر سلوکوس مقاومت نشان دادند، مجبور شد به آنان نیز اختیارات و استقلال بسیار دهد. در نتیجه دولتی که سلوکوس در ایران تاسیس نمود، دارای حاکمیت کامل نبود و سرداران مقدونی و اشراف ایرانی در آن قدرت بسیار داشتند.

یکی از دلایل مهم همراهی سلوکیان با اشراف ایرانی و سرداران مقدونی خطراتی بود که از سمت مغرب قلمرو او را تهدید می کرد. دولت آنتیگون که در یونان تشکیل شده بود به خاک آسیای صغیر چشم طمع داشت و دولت بطلمیوس که در مصر قرار داشت، می خواست منطقه شام را تصرف نماید. در نتیجه طولی نکشید که نواحی غربی آسیا عرصه جنگ میان ایران (سلوکیان)، یونان و مصر گردید. بدنبال آن سلوکیان برای آنکه بهتر بتوانند با همسایگان غربی خود مقابله کنند شهر انطاکیه را در شام بنا نهادند و آنجا را پایتخت خویش قرار دادند. این اقدام باعث شد تا سلوکیان برای سالهای متمادی، حملات متعدد یونان و مصر را دفع کنند. اما انتقال پایتخت به غربی ترین قسمت کشور موجب شد تا تسلط دولت مرکزی بر نواحی شرقی ایران بسیار ضعیف شود، لیکن آن دسته از سرداران مقدونی و اشراف ایرانی که در شرق ایران سکونت داشتند با افزودن بر اختیارات و استقلال خود مشکلات فراوانی را برای دولت سلوکیان به وجود می آوردند.

### فراز و فرود دولت سلوکیان

دولت سلوکیان برای مدتی کوتاه در ایران دارای قدرت زیاد و قلمرو وسیع بود. همدستی سرداران مقدونی و همراهی اشراف ایرانی عامل اصلی این امر به شمار می رفت. اما طولی نکشید که روزگار قدرت سلوکیان به سر آمد. شورشهای متعددی از جانب سرداران در گرفت و مقابله با این شورشها کم کم سلوکیان را ضعیف ساخت. بعضی از فرماندهان نظامی نیز از ادامه کشمکش با یونان و مصر ناخشنود بودند. در نتیجه هر یک از سرداران و اشراف چون



فرستی می یافتند خود را مستقل اعلام می کردند. چنانکه در سال ۲۵۰ ق. م قبیله ایرانی پارت در شمال خراسان، قیام نمود و سلوکیان از درهم شکستن آنان عاجز ماندند. چهار سال بعد حاکم یونانی باختر که از ایالات های دولت سلوکیان در شمال شرقی ایران بود، طغیان کرد و خود را مستقل اعلام نمود. لشکر کشی سلوکیان برای کنترل مجدد شرق موجب هجوم مصر و از دست رفتن شام گردید و چون با تلاش بسیار، شام دوباره تصرف شد دولت سلوکیان در توجه نمودن به شرق یا غرب قلمرو گسترده خود سرگردان شده بود و لذا بدون آنکه راه حلی برای مشکلات خود بیابد، وقت و نیروی خویش را صرف می نمود. در نتیجه به تدریج نواحی شرقی و مرکزی ایران را از دست داد و سرانجام با تصرف بین النهرین به وسیله پارت ها، تسلط سلوکیان بر ایران خاتمه یافت، باقیمانده این دولت را نیز رومیان در شام از میان برداشتند.

### ۴-۷-۳ پارت ها ( ۲۵۰ ق. م تا ۲۲۶ م )

احیا گر استقلال در برابر سلوکیان، قوم پارت بود. این قوم از جمله اقوام ایرانی ساکن در شمال شرقی فلات ایران بود. سرزمین آنان که در سمت مشرق دریای خزر قرار داشت و تا شمال خراسان امتداد می یافت پرثوه نامیده می شد کار پارت ها دامداری بود مانند نخستین سالهای ورود آریایی ها به ایران، زندگی کوچ نشینی و رمه گردانی داشتند به همین جهت جامعه آنان متشکل از عشایر و قبایل بود. آنان مردمانی سوارکار و جنگجو بودند. به خصوص در بکار بردن تیر و کمان هنگام اسب سواری مهارت بسیار داشتند. به همین جهت سوارکاران و نیروی سواره پارتها مقام مهمی داشتند. جنگاوران ( اسواران ) مقام و موقعیت خود را پیش از هر چیز به دلیل تاکید و توجه پارت ها بر اخلاق جوانمردی و سلحشوری دارا بودند. جنگاوران بر طبق رسم پارت ها بایستی علاوه بر مهارت در فنون جنگ، دارای اخلاق و صفات پسندیده و از خانواده ای اصیل و معروف می بودند. به گروهی از جنگاوران ( اسواران ) پهلوان می گفتند. پهلوانان که برگزیدگان و فرماندهان نظامی قبایل پارت بودند. در میان پارتها احترام فراوانی داشتند.

### قیام اشک علیه سلوکیان

در حدود ۷۰ سال پس از تاسیس دولت، سلوکیان، یکی از پهلوانان سرزمین پارت به نام اشک، علیه آنان قیام نمود اشک در میان پارتها مقام فرمانروایی داشت و مورد احترام بود. انگیزه قیام او علاوه بر استقلال طلبی و بیگانه ستیزی، تنفر شدیدی بود که او از رفتار زشت و خودپسندانه حکام سلوکی داشت، اخلاق ناپسند حکام سلوکی در نزد پارتها که سخت پایبند اصول مردانگی و سلحشوری بودند بسیار ناگوار می آمد و به همین جهت اشک، پارتها را به قیام فرا خواند و اعلام استقلال نمود.

قیام اشک در سال ۲۴۸ ق. م آغاز شد و این زمان بسیار مناسب بود. زیرا یکی از مهمترین استانهای دولت سلوکیان به نام باختر نیز ادعای استقلال نموده بود. استان باختر در مشرق قلمرو قرار داشت و حاکم آن یکی از سرداران دولت سلوکی بود.

هنگامیکه اشک قیام نمود، دولت سلوکی نیروی بزرگی برای درهم شکستن او اعزام کرد. اما سواره نظام اشکانی به آسانی با مهارت به نواحی بیابانی عقب نشینی کرد و سپاه سلوکی پس از مدتی سرگردان در بیابانها ناچار به بازگشت شد.

عدم همراهی دولت باختر با سلوکیان، در رهایی پارتها از خطری که آنان را تهدید می کرد بسیار موثر بود. پس از اشک برادرش تیرداد به مبارزه علیه سلوکیان ادامه داد و به احترام او خود را اشک نامید. پادشاهان پس از او نیز بر خود نام اشک نهادند. در نتیجه دولت و سلسله ای که اشک بنیان گذارد به سلسله اشکانیان معروف شده است. استقرار پادشاهی اشکانی از هنگام قیام اشک تا اخراج کامل سلوکیان از ایران بیش از صد سال طول کشید، زیرا دولت سلوکیان با تمام توان برای ادامه حکومت خود بر ایران تلاش می کرد و بارها با اشکانیان جنگیدند. با این حال اشکانیان به تدریج از نواحی شرقی ایران به سوی مرکز کشور پیشروی کردند و پس از یک رشته جنگ سخت بر نواحی غربی ایران یعنی نواحی کوهستانی زاگرس مسلط شدند. پیشروی سواره نظام اشکانی در غرب ایران چون با حمله حکام مصر به دولت سلوکی همزمان شد سرعت بیشتری یافت. سلوکیان که از سمت مصر مورد حمله قرار گرفته بودند به تدریج سراسر ایران را از دست دادند و سرانجام در حدود سال ۱۴۰ ق. م با شکست از اشکانیان به غرب رود فرات عقب نشینی کردند. بدین ترتیب سلوکیان از ایران رانده شدند و سلوکیه پایتخت سابق آنان مقر دولت اشکانی گردید.

دولت سلوکی که در این احوال گرفتار یک دشمن پر قدرت جدید به نام روم شده بود، دیگر نتوانست کاری علیه اشکانیان انجام دهد و سرانجام به دست رومیان منقرض شد. پیروزی نهایی اشکانیان بر سلوکیان توسط ششمین پادشاه اشکانی به نام مهرداد صورت گرفت. مهرداد علاوه بر فتح نواحی غربی ایران توانست قلمرو خود را در سمت شرق نیز گسترش دهد. در این زمان اقوام صحراگرد به دولت باختر حمله کرده بودند. مهرداد از این فرصت استفاده کرد و به دولت باختر حمله برد و نواحی وسیعی از شرق ایران را تصرف کرد. بدین ترتیب حدود قلمرو اشکانیان را به مرز هند رسانید.

مشکل بزرگ اشکانیان برای حکومت بر ایران، حکومت های مستقل ایالت هایی چون پارس و آذربایجان و ارمنستان بود. زیرا دولت هایی که بزرگان ایرانی در آنجا داشتند در زمان سلوکیان تقریباً مستقل بودند و فقط مالیات به سلوکیان می پرداختند. پس از سلوکیان آنان حاضر به قبول اطاعت از اشکانیان نبودند و همچنان خواهان حفظ استقلال خویش بودند. بنابراین به شدت در برابر اشکانیان ایستادگی می کردند. در نتیجه اشکانیان فقط تعدادی از آنان را مغلوب و مطیع خویش ساختند و مجبور شدند استقلال داخلی آنها را بپذیرند. بدین ترتیب تعدادی از ایالت های کشور ایران در زمان اشکانیان نیمه مستقل بودند و فقط وظیفه داشتند به پادشاه اشکانی احترام کرده، در هنگام جنگ یاری دهند. این شیوه حکومت را به دلیل استقلال داخلی تعدادی از ایالت ها، حکومت ملوک الطوائفی می نامند. در حکومت ملوک الطوائفی اشکانیان، پادشاه اشکانی، برای حفظ قدرت خود می بایست با ملوک الطوائف همراهی میکرد. از آنجا که تعدادی از ملوک الطوائف خود از بزرگان اشکانی بودند، مجلسی به نام مجلس مهستان به وسیله آنان تشکیل می گردید که برای مسائل مهم کشور تصمیم گیری می نمود. این مجلس مرکب از بزرگان کشور، موبدان، شاهزادگان بود.

### تاریخ سیاسی اشکانیان

هنگامی که اشکانیان مشغول بیرون راندن جانشینان اسکندر در ایران بودند . دولت روم نیز از جانب اروپا قلمرو جانشینان اسکندر در یونان و مصر را مورد تعرض قرار داد . پس از تصرف مصر و یونان ، رومیان متوجه آسیای صغیر و شام شدند و در آنجا بقایای دولت سلوکیان را نیز منقرض ساختند و بدین ترتیب ایران و روم با یکدیگر همسایه شدند و رود فرات مرز میان دو همسایه محسوب گردید .

دوران آرامش در مرزهای ایران و روم چندان نپائید و به زودی میان دو کشور جنگ های طولانی و شدید در گرفت . به طوری که جنگ با روم و یا روابط آن کشور از مهمترین مسائل خارجی دوره اشکانی گردید . رومیان که در صدد توسعه متصرفات خود در آسیا بودند ، مهاجم و مقصر اصلی در این جنگ ها به شمار می آمدند و بارها لشکرهای آنان مرزهای غربی ایران را مورد تعرض قرار داد . به طوری که اکثر پادشاهان اشکانی جنگ هایی با رومیان داشته اند . از مهمترین جنگ های ایران و روم در دوره اشکانی جنگ حران است . این جنگ در سال ۵۳ ق . م و در زمان آورد سیزدهمین پادشاه اشکانی رخ داد . جنگ با تجاوز یکی از سرداران روم به نام کراسوس به مرزهای ایران آغاز شد . کراسوس که امیدوار بود پادشاه ارمنستان او را یاری دهد بی محابا پیشروی را آغاز کرد . برای مقابله با او سورنا از سرداران و فرماندهان زیرک اسواران به میدان جنگ فرستاده شد . کراسوس در میدان نبرد فریب عقب نشینی سواران سورنا را خورد و به پیشروی ادامه داد اما طولی نکشید که گرفتار عملیات جنگ و گریز سواران ایرانی شد و سپاه سرگردان و خسته او سرانجام در دام کمین سورنا افتاد . عاقبت طی جنگ شدیدی در نزدیکی شهر حران در سواحل فرات ، کراسوس و تعداد زیادی از سربازان رومی کشته و بقیه نیز اسیر شدند

نبرد حران با وجود آنکه به پیروزی کامل ایرانیان منجر شد لیکن به معنای پایان جنگ نبود زیرا در پی آن رومیان لشکرهای فراوان با فرماندهان معروفی را عازم مرزهای ایران کردند . در جنگ هایی که پس از جنگ حران صورت گرفت گاهی ایرانیان و گاهی رومیان غالب بوده اند . بعضی از اوقات طرفین به صلح نیز رضایت داده چندی را به آرامش سپری می کردند . در اواخر دولت اشکانی رومیان با استفاده از مشکلات داخلی ایران توانستند در بعضی مناطق پیشروی نمایند لیکن هیچگاه به غلبه قطعی بر اشکانیان موفق نشدند .

از مهمترین مسائل میان ایران و روم مسئله ارمنستان بود . ارمنستان که از ایالات مرزی ایران با روم بود از اوایل دولت اشکانی دولتی با استقلال داخلی داشت و پادشاه آن از پادشاه اشکانی اطاعت می نمود . اما چون میان شاهزادگان آن برای رسیدن به قدرت اختلاف بروز کرد رومیان فرصت یافتند تا در آنجا نفوذ کنند . مداخله رومیان در ارمنستان که به منظور یافتن متحدی در آسیا بود مقابله دولت اشکانی را به دنبال آورد . از آن پس خاک ارمنستان عرصه جنگ های سختی میان طرفین گردید که تا پایان دولت اشکانی ادامه یافت .

آنچه که پیروزی در ارمنستان را برای پادشاهان اشکانی مشکل می ساخت مسیحی شدن مردم آن ایالات بود . حضرت عیسی (ع) مقارن با حکومت فرهاد چهارم ، چهاردهمین پادشاه اشکانی در فلسطین ظهور کرد . در آن زمان فلسطین از متصرفات دولت روم بود و طولی نکشید که تعالیم آن حضرت در قلمرو روم گسترش یافت و به ایران نیز رسید و پیروانی یافت . از جمله ایرانیان ارمنی که مسیحی شدند شخصی به نام گریگور بود . او توانست مسیحیت را

در میان آرامنه گسترش دهد. با مسیحی شدن مردم ارمنستان دولت روم کوشید تا آنرا از دولت اشکانی جدا سازد، زیرا اشکانیان بیشتر زرتشتی بودند.

مشکلاتی که اشکانیان در مورد ارمنستان داشتند با شدت کمتری در مرزهای شرقی نیز وجود داشت، در مرز ایران و هند، در زمان اشکانیان ایالتی به وجود آمد که به نام دو دولت آنرا دولت هندو پارته می نامیدند. در این دولت اگر چه شاهزادگان اشکانی حکومت داشتند، لیکن نفوذ فرهنگ و اقوام هندی در آن بسیار بود. چنانکه اکثریت سکنه آنرا بوداییان تشکیل می دادند.

در نتیجه در فرصت هایی که برای حکمرانان آن فراهم می گردید درصدد جدایی از دولت اشکانی بر می آمدند. بجز مسئله هندوپارته، مرزهای شرقی ایران در زمان اشکانیان تحولات دیگری را نیز شاهد بود. از جمله آنکه در اوایل دولت اشکانی، سکاها به خراسان حمله ور شدند و به سمت جنوب پیشروی کردند و در قسمتی از شرق ایران که به نام آنان سکستان و سپس سیستان نامیده شده ساکن شدند. سکاها پس از چندی مغلوب و مطیع شدند، لیکن مهاجمان صحراگرد بعدی که کوشان نام داشتند توانستند در قسمتهایی از افغانستان کنونی دولتی به نام دولت کوشانی به وجود آوردند. این دولت قلمرو خود را به سمت هند گسترش داد و تحت تاثیر فرهنگ هند، آئین بودا را پذیرفت. دولت کوشانی اگر چه سرانجام تحت نفوذ دولت اشکانی در آمد لیکن موجب رواج وسیع آئین بودائی در شرق ایران گردید.

### اوضاع داخلی

دولت اشکانی بر اساس ملوک الطوایفی اداره می شد، طولی نکشید که از میان ملوک الطوایف چندین خاندان قدرتمند پیدا شدند که بسیاری از مقامات کشوری و لشکری و نیز املاک را تصاحب نمودند. این خاندانها که از خانواده های قدیمی ایرانی بودند هم در دربار و مجلس مهستان نفوذ بسیار داشتند و هم در ایالات املاک و رعایای فراوان دارا بودند. این خاندانها با استفاده از رعایای خود و تجهیزات آنان سواره نظام (اسواران) معروف دوره اشکانی را تشکیل می دادند. سورنا فاتح جنگ حران از خاندان سورن بود. این خاندان املاک بسیار و لشکریان فراوان داشت. خاندان مهران نیز از خاندان های مهم دوره اشکانی بود و با خاندان اشک پیوندهای بسیار داشت. خاندان ساسان نیز از خاندان های معروف بود که بیشتر اعتبار آن به خاطر اشتغال به امور دینی بود. از این خاندان چون اردشیر به مقام ارگبندی که از مقامات مهم اسواران بود رسید، بر اهمیت آن افزوده شد.

در مجلس مهستان بزرگان کشور یعنی پهلوانان و موبدان و دبیران منسوب به خاندانهای بزرگ، شاه اشکانی را تعیین می کردند و تاج بر سرش می گذاشتند. به همین جهت رقابت و دسته بندی میان خاندانهای بزرگ برای به تخت نشاندن شاهزادگان طرفدار خود و در اختیار گرفتن مقامات مهم مدام در جریان بود به طوریکه بارها دربار اشکانیان صحنه قتل و دسیسه گردید و بسیاری از بزرگان جان خود را از دست دادند. این امر که دولت اشکانی برای حفظ قدرت و موقعیت خود متکی به خاندانهای بزرگ بود موجب شد تا به تدریج آن دولت ضعیف گردد و ایالات ها بر اختیارات و استقلال خویش بیفزایند. در چنین شرایطی اردشیر ساسانی توانست از حمایت خاندانهای بزرگ ایرانی برخوردار شود و اسباب سقوط اشکانیان را در سال ۲۲۴ میلادی فراهم سازد.

۳-۷-۵ حکومت ساسانیان ( ۲۲۴ م - ۶۵۲ م )

### نارضایتی از دولت اشکانی

در اواخر عمر سلسله اشکانی ، ادامه کشمکش میان بزرگان کشور ، موجب نارضایتی دو گروه از آنان از دولت اشکانی گردید . گروه اول موبدان بودند که از سیاست آزادی دینی شاهان اشکانی برای دین زرتشتی احساس نگرانی می کردند . از یک سو آزادی عمل ادیان مسیحی و بودائی تهدیدی علیه دین زرتشت تلقی میگردید و از سوی دیگر فقدان اتحاد موبدان توان زرتشتیان را کاهش می داد . فقدان اتحاد میان موبدان در اصل ناشی از عدم در پیش گرفتن یک مشی سیاسی و دینی واحد و متمرکز در کشور از طرف دولت اشکانی بود .

گروه دوم ، اسواران یعنی هسته اصلی سپاه بودند . اسواران که راه اصلی پیشرفت اقتصادی آنان در فتح سرزمینهای جدید قرار داشت سیاست دفاعی اشکانیان در برابر رومیان و به خصوص شکست هایی را که در اواخر کار متحمل شد ، دلیل بر بی لیاقتی آنان می دانستند . فرماندهان اسواران خواهان تاسیس ارتشی واحد به جای ارتش ملوک الطوائفی برای مقابله با رومیان و کسب فتوحات بودند .

### خاندان ساسان در پارس

نیروی اصلی مخالفین دولت اشکانی در پارس قرار داشت . ایالت پارس به عنوان خاستگاه دولت قدیم هخامنشی همچنان اهمیت بسیار داشت . به علاوه تعدادی از بزرگان کشور که از خاندانهای قدیمی به شمار می آمدند ، در آنجا زندگی می کردند و دارای زمین ، نیروی سواره نظام یا مشاغل دینی بودند .

از جمله خاندانهای قدیمی پارس ، خاندان ساسان بود که نسبت خود را به هخامنشیان می رساندند . ساسان بزرگ این خاندان ، در شهر استخر ریاست معبد آناهیتا را بر عهده داشت . شهر استخر در نزدیکی تخت جمشید پایتخت هخامنشیان واقع بود و معبد آن از معابد مهم محسوب می گردید . ساسان به مانند بسیاری از بزرگان پارس از اشکانیان رضایتی نداشت و به طور کلی در زمان تاسیس سلسله اشکانی ، ایالت پارس در برابر آن مقاومت نموده و استقلال داخلی خود را حفظ کرده بود .

چون ساسان با دختر فرمانروای پارس ازدواج کرد علاوه بر مقام دینی صاحب موقعیت سیاسی نیز شد . به خصوص آنکه از این ازدواج پسری به دنیا آمد که به حکومت ( پادشاهی ) پارس رسید . این پسر بابک نام داشت و در زمان حکومت او اعتبار و نفوذ خاندان ساسان بیش از پیش گردید .

این امر موجب نگرانی اردوان آخرین پادشاه اشکانی گشت زیرا از دشمنی خاندان ساسان با دولت اشکانی مطلع بود و می دانست که اردشیر پسر بابک تا چه اندازه علیه دولت اشکانی فعالیت می کند . به همین جهت از بابک خواست که پس از خود اردشیر را به حکومت پارس منصوب نماید .

اردشیر در زمان پدر ، فرماندهی اسواران را بر عهده داشت بدین ترتیب در دشمنی و مخالفت با اشکانیان راسخ تر گردید و تلاش نمود به منظور سرنگونی اشکانیان ، بزرگان و موبدان ناراضی را با خود همراه سازد .

### اردشیر و تاسیس دولت ساسانی

## راهنمای گردشگری عمومی

اردشیر با توسل به نیروی نظامی حکومت پارس را در دست گرفت و بدین ترتیب طغیان خویش علیه اردوان پادشاه اشکانی را آشکار ساخت. اردوان کوشید تا او را به وسیله بزرگان متحد خود در هم بکوبد لیکن پیشدستی اردشیر پیروزی بزرگی برای او به دنبال آورد. در نتیجه اردوان خود به مقابله اردشیر شتافت، اما او نیز شکست خورد و در میدان جنگ کشته شد. با قتل اردوان دولت اشکانی به پایان رسید و دولت ساسانی تاسیس گردید. بدین ترتیب اردشیر از پادشاهی پارس به شاهی ایران رسید و با کمک بزرگان متحد خود بقایای قدرت خانواده های متحد اشکانی را در هم شکست. اردشیر در فتوحات خود در داخل ایران قدرت ملوک الطوایف را از میان برداشت و آن دسته از ملوک الطوایف را که با او همراهی نمودند در دربار دولت مرکزی خود به مقامات عالی رساندند. در نتیجه همراه با برچیدن نظام ملوک الطوایفی دولت متمرکز و بر اساس وحدت سیاسی به وجود آمد. این تحول مستلزم ایجاد تشکیلات اداری مناسب برای اداره کشور بود. به همین منظور نظام اداری گسترده ای به وجود آمد که مقام عالی آن بزرگ فرمذار یا وزیر عظم بود. وزیر اعظم از بزرگان متحد خاندان ساسانی بود و در زیر دست او دیگر مقامات کشوری، لشکری، مالی، قضایی قرار داشتند.

### ایجاد وحدت دینی

عملیات نظامی اردشیر علیه اشکانیان و تلاشهای سیاسی او برای جلب همراهی بزرگان، توأم با مشارکت موبدان بود. اردشیر نیز مانند جدش ساسان به اصلاح امور دینی علاقه نشان می داد و موبدان در این مورد با او همراه بودند. اردشیر بر این باور بود که علت تفرقه دینی زرتشتیان تعدد حکومتهای ملوک الطوایفی است زیرا هر پادشاهی در هر ایالتی دارای آتشکده ای است که امور دینی آن مستقل از دیگر آتشکده ها می باشد. لذا استقرار مرکزیت سیاسی و حذف شاهان محلی، راه را برای وحدت و تمرکز در امور دینی هموار خواهد ساخت. بدین جهت مقام موبد موبدان در دولت ساسانی دارای اهمیتی خاص گردید. موبد موبدان ریاست تمامی موبدان و اداره آتشکده ها را بر عهده داشت. بدین ترتیب اردشیر اول که از سال ۲۲۶ تا ۲۴۱ م، پادشاهی کرد با تاسیس دولت ساسانی دو اقدام مهم انجام داد: اول ایجاد مرکزیت سیاسی و دوم وحدت دینی.

### پادشاهی شاپور اول

بیشتر ایام پادشاهی اردشیر صرف امور داخلی کشور شد و فقط یکبار فرصت یافت توانایی دولت جدید را در جنگ با رومیان به نمایش گذارد. اما پسر و جانشین او شاپور اول بیشتر وقت خود را صرف فتوحات و کشور گشایی کرد. جنگهای شاپور در نواحی شرقی و غربی کشور بر وسعت قلمرو او افزود و شکست های قاطع بر رومیان وارد ساخت. چنانکه والرین امپراتور روم نیز به اسارت در آمد. فتوحات و به دست آوردن زمین های تازه خشنودی اسواران را به دنبال داشت زیرا این اراضی برای معیشت آنان بهره گرفته می شد. به علاوه تشکیلات اداری جدید ساسانیان می توانست از غنایم و منافع آن برای رونق خویش

استفاده نماید. لیکن این فتوحات نتایج دیگری را نیز به دنبال داشت. تعداد زیادی از مردمی که پی فتوحات به قلمرو ساسانیان افزوده شدند زرتشتی نبودند و بیشتر اعتقادات مسیحی و بودایی داشتند. شاپور با انتخاب عنوان شاه ایرانیان و غیر ایرانیان حاکمیت دولت ساسانی را بر آنان نشان داد اما تفاوت فرهنگی برای دولتی که بر تمرکز اداری استوار شده بود، می توانست موجب بروز مشکلاتی در آینده گردد.

### پیدایش آئین مانی

مسئله تفاوت و تنوع فرهنگی قلمرو شاپور اول را مانی پاسخ مناسب داد. مانی از دانشمندان اوایل دوره ساسانی بود اما تولد و تربیت او متعلق به اواخر دولت اشکانی به شمار می آمد. در آن زمان حضور چندین دین و آئین در قلمرو اشکانیان و سیاست آزادی دینی آنان زمینه مناسبی برای آشنایی پیروان ادیان و آئین های گوناگون فراهم ساخته بود. در چنین محیطی، مانی با علوم و ادیان متعدد آشنا شد و با مسافرت به نواحی مختلف بر دانش خود افزود و صاحب شهرت گردید. در اواخر حکومت شاپور، مانی به دربار او راه یافت و آیین خود را که آمیزه ای از ادیان مسیحی، زرتشتی، بودایی و افکار فلسفی رایج در آن زمان بود به وی عرضه کرد. این آیین در واقع به معنای منطبق کردن دین ایرانیان با دیگر اعتقادات رایج و بمنزله آئینی بود که با ترکیب همه اعتقادات، سعی در ایجاد یک آیین مشترک داشت.

شاپور، آئین مانی را راه حل مناسبی برای وحدت هر چه بیشتر قلمرو خود دانست و از او حمایت کرد. لیکن مخالف موبدان با مانی که اعتقادات او را انحراف و ارتداد می دانستند، شاپور را بر آن داشت تا از حمایت مانی دست بردارد. طولی نکشید که شاپور نیز در گذشت و مانی چاره ای جز خارج شدن از کشور نیافت. این امر اگر چه از موقعیت طرفدارانش در ایران کاست اما در خارج از ایران بخصوص در آسیای مرکزی پیروان فراوانی را برای مانی به دست آورد.

### رسمیت یافتن دین زرتشت

اقدامات و اندیشه های مانی، موبدان را به تکاپوی بیشتری واداشت. از جمله یکی از آنان به نام کرتیر کوشید تا موقعیت دین زرتشتی را بیش از پیش مستحکم سازد. پادشاهان ساسانی پس از شاپور اول نیز تا مدتها افراد ضعیفی بودند. در نتیجه کرتیر در اداره امور کشور نقش مهمی یافت و در پی کوشش های او دین زرتشت به صورت دین رسمی در آمد. در نتیجه اقدامات کرتیر و تعدادی دیگر از موبدان امور آتشکده ها منظم تر گردید و مشاغل و مسئولیت ها در آنها دقیق تر شد. قدرت موبد موبدان در این زمان تا بدان حد رسید که در انتخاب ولیعهد دخالت مستقیم داشت. در هنگام تاجگذاری نیز موبد موبدان تاج بر سر پادشاه جدید می گذاشت.

با رسمی شدن دین زرتشتی از این به بعد کلیه قوانین، محاکمات، احوال شخصی و نیز اقدامات حکومت می بایست مطابق با دین رسمی بود. پیروان ادیان دیگر محدود شدند و در بسیاری از امور ملزم به اطاعت از قوانین و دستورات حکومت مرکزی گشتند. از دیگر اقدامات که همراه با رسمی شدن دین زرتشتی صورت گرفت. اقدام به جمع آوری و تنظیم اوستا بود.

### شاپور دوم

پس از شاپور اول هفت تن بر تخت سلطنت نشستند. به روزگار آنان به دلیل قوت گرفتن بزرگان و کشمکش میان آنان اوضاع رو به پریشانی نهاد. مهاجمان خارجی نیز مرزها را مورد تعرض قرار دادند. از جمله قبایلی از عربها به سوی مرزهای ایران در بین النهرین سرازیر شده، دست به غارت روستاها و شهر و کشتار مردمان گشودند. به همین جهت اولین اقدام شاپور دوم سرکوب عربهای مهاجم بود. پس از فراغت از عربهای بدوی، اختلافات قدیمی ایران و روم بار دیگر دو کشور را به جنگ کشاند، اما رسیدن خبر تهاجم اقوام بیابانگرد به شمال خراسان، شاپور دوم بر آن داشت تا ابتدا به مقابله آنان بشتابد. از آنجا که حمله اقوام صحراگرد و بدوی همراه با نابودی بیرحمانه آبادیها، غارت مزارع و قتل مرزنشینان بود، در چنین مواقعی بیم هراس فراوان ساکنان مرزها را فرا می گرفت و به دنبال آن مشکلات زیادی روی می داد. به همین دلیل دفع خطر این مهاجمان ضرورت بسیاری داشت. لشکرکشی به شمال خراسان همراه با موفقیت بود و به دولت ساسانی امکان داد که جنگ ناتمام با رومیان را از سر گیرد.

### جنگ با رومیان

فراغت از جنگ با اقوام مهاجم، امکان تجمع نیروی بسیار برای مقابله با رومیان را فراهم ساخت. در فاصله حکومت شاپور اول تا شاپور دوم رومیان به برتری سیاسی و نظامی بسیار رسیده بودند. در این زمان امپراطوری روم در حال تجزیه به دو قسمت یکی روم شرقی و روم غربی بود. روم شرقی که بخش مهم سپاهیان رومی را نصیب خود ساخت و قبل از سلطنت رسیدن شاپور دوم در سال ۳۱۰ میلادی قسمتهای وسیعی از نواحی مرزی ایران را تصرف کرد. جنگ های شاپور دوم با رومیان بر سر مسئله ارمنستان آغاز شد، لشکر عظیمی از رومیان که به مقابله با ایرانیان شتافته بودند به قصد تصرف تیسفون پایتخت ایران که در کنار رود دجله قرار داشت با کشتی و با سرعت در رود دجله پیشروی کردند و خود را به پای دیوارهای تیسفون رساندند، اما هنگامی که با مقاومت ایرانیان مواجه شدند دریافتند که به پیروزی نخواهند رسید. این درحالی بود که سواره نظام ایرانیان راه بازگشت را بسته بودند و به خاطر جریان مخالف آب رومیان از کشتی نیز نمی توانستند استفاده کنند. به همین جهت پای پیاده عازم روم شدند، که با تعقیب سواران ایرانی مواجه شدند و عملاً لشکر رومی نابود شد. به دنبال این حمله پیشروی ایرانیان به طرف غرب آغاز شد و توانستند رومیان را شکست دهند، رومیان در پی این شکست حاضر شدند کلیه شرایط ایران را قبول کنند و متعهد شدند در امور ارمنستان دخالت نکنند.

### بهرام پنجم

در قرن پنجم میلادی و پس از شاپور دوم، ده تن از پادشاهان ساسانی حکومت کرده اند که از همه مشهور تر بهرام پنجم معروف به بهرام گور است. در این قرن یکی از مسائل مهم جامعه ساسانی، مسئله مسیحیان بود. در قرن چهارم میلادی مسیحیت، مذهب رسمی روم گردید. حمایت دولت روم از مسیحیت برای دولت ساسانی مشکلات جدیدی را به وجود آورد. زیرا تعدادی از ساکنان مرزهای غربی ایران و بخصوص در ارمنستان عده زیادی



مسیحی شده بودند. مسیحیان که از نظر امور دینی خویش متوجه مرکز دینی خود امپراتوری روم شرقی بودند. مدام از جانب دولت ساسانی به اتهام همراهی و همکاری با رومیان تحت فشار قرار می گرفتند. بعلاوه چون هر روز تعدادی از ایرانیان مسیحی می شدند. این امر بر دولت ساسانی و موبدان گران می آمد این گونه امور اوضاع داخلی ایران را نابسامان می ساخت و فرصت به موبدان و بزرگان میداد که می خواستند از سرکوب مسیحیان به سود خود بهره برداری کنند. چنانکه بارها در خصوص اینکه موبدان با مسیحیان رفتار خوبی نداشتند میان آنها و شاهان ساسانی اختلاف به وجود آمد زیرا شاهان خواستار رفتار خوبی با مسیحیان بودند.

### جنگهای بهرام پنجم

در زمان سلطنت بهرام پنجم مسئله مسیحیان موجب اختلاف مجدد میان ایران و روم گردید. در نتیجه طرفین برای جنگی دوباره آماده شدند. اما هجوم قومی بیابانگرد به نام هیاطله به شمال خراسان، پرداختن به آن را برای بهرام پنجم ضروری تر ساخت. نقشه بهرام در برابر هیاطله غافلگیر ساختن آنان بود و چنین نیز شد. در نتیجه هیاطله درهم شکستند و تا آن سوی رود جیحون فرار کردند. پس از دفع هیاطله جنگ ایران و روم آغاز گردید و با وجود سالها ادامه یافتن لیکن هیچ یک از طرفین غلبه قطعی نیافتند. در نتیجه راضی به صلح شدند. در این صلح مقرر شد مسیحیان در ایران و زرتشتیان در روم آزادی داشته باشند. اما به دلیل مخالفت موبدان به این قرار عمل نشد.

### قباد و مسئله مزدکیان

هنگامی که قباد پادشاه ساسانی در سال ۴۸۷ میلادی به سلطنت رسید، دولت ساسانی دچار مشکلات فراوانی شده بود. این مشکلات به طور خلاصه عبارت بودند از:

۱. جنگ های خارجی دولت ساسانی هر چند سال یکبار تکرار می شد.
۲. اختلافات پادشاه با بزرگان از جمله مسائلی بود که دولت ساسانی در اوایل به قدرت رسیدن هر پادشاه جدید شاهد آن بود. بزرگان ( موبدان، فرماندهان ارتش و ...) که مایل بودند بر قدرت خود بیفزایند همیشه در صدد بودند پادشاه را تحت نفوذ خود در آورند.
۳. کشمکش بزرگان با یکدیگر برای کسب امتیازات بیشتر و مقامات عالیه نیز از کشمکش هایی بود که هیچگاه پایان نیافت.
۴. نظام طبقاتی جامعه ساسانی.

پس از بهرام گور بار دیگر هیاطله حملات خود را از سر گرفتند و نواحی مرزی را غارت کردند. پیروز از پادشاهان ساسانی که به مقابله با آنان رفته بود کشته شد. در نتیجه این رویدادها نابسامانی و مشکلات بسیاری پدید آورد. کشمکش بزرگی بر سر تعیین ولی عهد به وجود آمده بود.

در چنین شرایطی یکی از بزرگان که مزدک نام داشت و از ولیعهدی کاوس پسر قباد طرفداری می کرد، توانست توجه قباد را به خود جلب نماید. علت توجه قباد به مزدک طرفدارانی بود که از او به دست آورده بود. مزدک در شرایط خشکسالی و مشکل عمومی آذوقه، خواستار توزیع گندم انبارهای دولتی میان مردم شده بود. همچنین او با

دست اندازی نظامیان بر اموال و املاک واسپوهران در آن شرایط موافق بود. قباد چون توجه مردم را به مزدک دید، او را به خود نزدیک کرد و با مشاورت او اقداماتی انجام داد. مزدک و طرفدارانش نیز به حمایت از قباد در برابر بزرگان مخالف او پرداختند. به طوریکه قباد فرصت یافت و بزرگان مخالف را کشت

اقدامات قباد و مزدک نتوانست به سرعت تمامی بزرگان مخالف را سرکوب سازد و در نتیجه تعدادی از آنان فرصت یافتند تا مخالفت خویش را آشکار کرده دست به اقدام بزنند. در این راه موبدان که از مخالفان مزدک بودند و نیز انوشیروان پسر دیگر قباد با آنان همراهی نمودند. آنان با عنوان کردن ولیعهدی انوشیروان در برابر کاوس حمایت جمعی از درباریان را نیز به دست آوردند.

چون این گروه بر مخالفت خود با قباد افزودند و او که اساس سلطنت خانواده خود را در خطر می دید با انوشیروان همراهی کرد و از مزدکیان روی گرداند. به دنبال آن مزدک و هواداران او به قتل رسیدند. ماجرای مزدکیان ظاهراً خاتمه یافت و در پایان این ماجرا انوشیروان پادشاه ایران شد.

### انوشیروان

انوشیروان در نخستین سالهای سلطنت خود به سرکوب بقایای مزدکیان پرداخت و آن دسته از بزرگان و نظامیانی را که با مزدک همراهی کرده بودند مجازات نمود. انوشیروان در زمان سلطنت خود دست به اصلاحاتی زد از جمله، شیوه سازماندهی نظامیان را تغییر داد، آنچنانکه هم نظارت بهتری بر آن اعمال گردد و هم تحرک بیشتری برای مقابله با تهاجمات خارجی داشته باشد. همچنین او روش پرداخت حقوق نظامیان را عوض کرد و بدین ترتیب آنانرا آرام ساخت. از دیگر اقدامات انوشیروان تغییر روش مالیات گیری و رسیدگی به شکایات بود چنانکه مامورانی برای رسیدگی به اعمال حکام و بررسی شکایت مردم به ولایات اعزام داشت. این اقدامات بیشتر متکی به توانایی های فردی انوشیروان بود اوضاع را منظم و آرام ساخت. در حقیقت انوشیروان دولت ساسانیان را بار دیگر قدرتمند ساخت و به همین جهت از معروفترین پادشاهان آن سلسله به شمار می رود.

در اوایل سلطنت انوشیروان به دلیل نابسامانی اوضاع داخلی او در صدد بر آمد با دولت روم راه دوستی را بیاماید. امپراتور روم، ژوستینی نین نیز چون در نظر داشت در اروپا دست به لشکر کشی هایی بزند پیشنهاد صلح او را پذیرفت پس از صلح و سازش دو دولت، ژوستینی نین موفق به فتوحات بسیاری در نواحی از مشاهده قدرتمندی او نگران گردید. تا این زمان او نیز به آرام ساختن اوضاع داخلی موفق شده بود.

در نتیجه در جستجوی فرصتی در پی اختلاف دو دولت حیره و غسان به دست آمد. حیره دولتی عربی بود که در مرزهای ایران قرار داشت و تابع دولت ساسانی بود. غسان نیز دولت عربی بود که در شام واقع شده و تابع دولت روم به شمار می رفت. اختلافات میان حیره و غسان و مداخله ژوستینی نین فرصت مناسب را برای اعلان جنگ به روم فراهم کرد. لذا او با سپاهی بزرگ به سمت شام حرکت کرد و با فتح آن سرزمین غرامتی سنگین بر رومیان بست. سپس در جنگی دیگر باز بر رومیان شکست وارد ساخت و شرایط خود را به آنها قبولاند.

انوشیروان همچنین در جنگ‌های بعدی توانست با شکست و اخراج حبشی‌ها از یمن، کشور یمن را تابع دولت ایران سازند. همچنین سپاهیان ایران با متحد شدن با ترکان در آسیای مرکزی توانستند شکست سختی به اقوام هیاطله وارد سازند.

### خسرو پرویز

پس از انوشیروان، پسرش هرمز چهارم به سلطنت رسید. در زمان او بزرگان کشور قدرت بسیار یافتند و بیشتر وقت هرمز صرف محدود نمودن اعمال آنان گشت. از جمله این بزرگان شخصی به نام بهرام چوبین که از فرماندهان ارتش بود.

در آن زمان ترکان به شمال خراسان حمله ور شدند، بهرام به جنگ علیه آنها رفت و توانست پیروزی بزرگی کسب کند. شهرت فراوان بهرام سبب نگرانی هرمز شد و در بازگشت از بهرام استقبال خوبی نکرد این امر باعث طغیان بهرام شد، در شورش بزرگ هرمز به قتل رسید و بهرام چوبین به پادشاهی ایران رسید.

در هنگام شورش یکی از پسران هرمز به نام خسرو پرویز از ایران فرار کرد و پناهنده دولت روم شد، دولت روم با گرفتن امتیازات فراوان لشکری عظیم در اختیار خسرو پرویز قرار داد. خسرو پرویز توانست با کمک سپاهیان روم بهرام چوبین را شکست دهد و خودش پادشاه ایران شود.

خسرو پرویز پس از رسیدن به سلطنت برای خود درباری بسیار پر تجمل ترتیب داد. در دربار او مسیحیان که تا آن زمان تحت فشار بودند، نفوذ بسیار یافتند. زیرا یکی از زنان خسرو به نام مریم دختر امپراتور روم بود و یکی دیگر از زنانش به نام شیرین نیز مسیحی بود. این امر مورد موافقت موبدان نبود اما خشونت خسرو، امکان نمی داد کسی با او مخالفت کند.

مدتی از سلطنت خسرو پرویز نگذشته بود که پدر زن او قیصر روم طی شورش به قتل رسید. خسرو پرویز که در جستجوی فرصتی برای کشور گشایی بود، خونخواهی امپراتور روم را بهانه قرار داد و نیروی عظیمی برای جنگ فراهم ساخت. لشکریان خسرو پرویز از دو سمت وارد قلمرو رومیان شدند. یک قسمت از سپاهیان متوجه شام شدند و پس از تصرف سوریه و فلسطین و لبنان به دریای مدیترانه رسیدند.

قسمت دیگر سپاه وارد آسیای صغیر شدند و به سوی قسطنطنیه پایتخت روم پیشروی کردند. فتوحاتی که سپاهیان ایرانی تا این زمان انجام دادند به علت زحمات و فداکاریهای دو سردار معروف به نامهای شهربراز و شاهین بود. شهربراز در آخرین حد پیشروی خود مصر را نیز فتح کرد و شاهین به دروازه های قسطنطنیه رسید. تا این زمان بیش از ده سال از شروع دوباره جنگهای ایران و روم می گذشت.

هراکلیوس به خسرو پرویز پیشنهاد صلح داد سرداران ایرانی نیز به خاتمه پیشروی نظر داشتند. زیرا سپاهیان ایرانی به سواحل دریای مدیترانه و سیاه رسیده بودند و ادامه نبرد فقط با نیروی دریایی ممکن بود. در حالیکه ایرانیان فاقد نیروی دریایی و روم دارای نیروی دریایی پر قدرتی بود. اما خسرو پرویز که سخت مغرور شده بود و شوق به دست آوردن غنایم بسیار دیگری داشت، حاضر به صلح نشد. در نتیجه در حالیکه سپاهیان ایرانی خسته شده بودند، رومیان با تمام توان برای نجات خود وارد جنگ شدند.

## راهنمای گردشگری عمومی

نقشه هراکلیوس استفاده از نیروی دریایی برای پیاده کردن نیرو در نزدیکترین موضع به خاک ایران بود. به همین جهت در حالیکه سپاهیان ایران در عمق خاک روم پیشروی کرده بودند او با لشکریانش در گرجستان از کشتی پیاده شد و به سرعت به سوی آذربایجان یورش آورد. این اقدام او حمله ای به پشت جبهه ایرانیان محسوب می گردید و قبل از آنکه لشکرهای مختلف ایرانی به هم پیوندند، آنها را غافلگیر کرده در هم شکست. هراکلیوس در حالیکه شهرها و روستاها را ویران می کرد از آذربایجان به سوی تیسفون پیشروی کرد. فرماندهی سپاهیان ایرانی برای مقابله با او را شخص خسرو پرویز بر عهده داشت. زیرا شاهین در این زمان مرده بود و شهر براز نیز با قدرت تمام مواضع خود در شام و مصر را حفظ کرده بود. اما خسرو از مقابل هراکلیوس گریخت و ایرانیان را به شکست کشاند. یکی از علل این شکست بدرفتاری خسرو با سرداران و سربازان بود که آنان را بسیار آزرده خاطر ساخته بود. پس از شکست از روم، سربازان و سرداران دست به شورش زدند، خسرو پرویز را دستگیر کرده و به زندان انداختند. جنگهای خسرو پرویز با رومیان نزدیک به ۲۵ سال طول کشید و تلفات و صدماتی که از این جنگ ها به ایران رسید یکی از عوامل مهم سقوط ساسانیان به شمار می آید.

### سقوط ساسانیان

بزرگان ناراضی، خسرو پرویز را در زندان به قتل رسانده و پسرش شیرویه را در سال ۶۲۹ میلادی بر تخت نشانند. اما او نیز در همان سال کشته شد. ظرف مدت یک سال سه نفر بر تخت پادشاهی نشستند اما بلافاصله معزول یا مقتول گشتند.

در آن زمان دسته بندی و کشمکش بر سر قدرت بسیار زیاد گشت به طوریکه گفته می شود ظرف مدت چهار سال دوازده نفر به سلطنت رسیدند ولی در کار خود موفق نبودند. در این زمان به علت ضعف پادشاهی و ناتوانی در دفع حملات رومیان و اقوام مهاجر وضع کشور بسیار نابسامان گشته بود و یزد گرد سوم آخرین پادشاه ساسانی نتوانست این اوضاع را بهبود بخشد.

### ورود اسلام به ایران

در حدود سال ۶۳۳ میلادی برابر با ۱۲ هجری قمری مسلمانان به مرزهای ایران رسیدند. قبل از آن رسول خدا حضرت محمد (ص) طی نامه ای به خسرو پرویز او را به اسلام دعوت کرده بود. پس از رحلت رسول خدا و در زمان خلافت ابوبکر، خالد بن ولید با سپاهیان عرب به مرزهای ایران در بین النهرین رسید. در مرزهای ایران یکی از روسای قبایل عرب مجاور مرزهای ایران به نام مثنی بن حارثه او را رهنمایی می کرد تا قبل از خسرو پرویز وظیفه دفاع از مرزهای ایران در برابر بادیه نشینان با دولت حیره بود. اما چون خسرو پرویز دولت حیره را برداشت مرزبانان ایرانی عهده دار مقابله با بادیه نشینان شدند. خالد بن ولید در حمله به ایران مرزبانان را شکست داد.

## راهنمای گردشگری عمومی

در سال ۱۴ هجری برابر با ۶۳۶ میلادی در جنگ قادسیه لشکریان عرب بر لشکر ایرانیان به فرماندهی رستم فرخزاد پیروز گشتند به دنبال این شکست شهر مدائن پایتخت ساسانیان سقوط کرد. یزگرد سوم به مرکز ایران عقب نشینی کرد. در سال ۲۱ هجری در نزدیکی نهاوند سپاهیان ساسانی در برابر اعراب صف آرایی کردند. در این جنگ نیز لشکر ساسانی شکست خورد یزگرد سوم به شمال خراسان فرار کرد اعراب وارد ایران شدند و یکی پس از دیگری شهرها و آبادی ها سقوط کردند.

در سال ۳۱ هجری یزگرد سوم در مرو به دست آسیابانی کشته شد و بدین ترتیب در سال ۳۱ هجری برابر با ۶۵۲ میلادی دوران پرشکوه فرمانروایی سلسله ساسانی به پایان رسید.

### توانایی چهارم

#### بررسی ویژگی های فرهنگی و ارتباط آن با مردم شناسی

**تمدن:** مصدر باب تفاعل از واژه مدینه و مدن به معنی زندگانی و حیات شهری به کار می رود. معادل این واژه در زبان فارسی شهرگرایی یا شهری گری است؛ ولی در زبان های عربی از زمان ابن خلدون جامعه شناس عرب (قرن هشتم هـ برابر با چهاردهم میلادی) در کتاب المقدمه معادل واژه تمدن را الحضارة به کار برده که از واژه حضری در مقابل بدوی و ابتدایی گرفته شده و درست به معنای شهر نشینی است. در زبان های اروپایی civilization معادل تمدن و از واژه لاتینی CIVIC به معنی شهر اقتباس شده است.

بر روی هم می توان تمدن را عبارت از:

« مجموعه کوشش ها، دستاوردها، سرمایه ها و اندوخته های مادی انسان دانست که در طول قرن ها و هزاره ها تا به امروز ادامه یافته و بزرگ ترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی است. »

## راهنمای گردشگری عمومی

**فرهنگ:** فرهنگ بر خلاف تمدن واژه ای فارسی است که از دو بخش "فر" به معنی جلو، بالا، شکوه و جلال، و بخش دوم "هنگ" (بیرون آوردن) و بر روی هم به معنی بیرون آوردن آب از چاه است. بعد از اسلام ایرانیان (هرچند که در شاهنامه فردوسی واژه فرهنگ را برای کمال یافتن انسان به کار برده است) بیشتر واژه ادب و جمع آن آداب را استعمال می کردند. منتهی در زبان عربی امروز معادل واژه فرهنگ، الثقافة است و در زبان های اروپایی واژه culture به کار برده می شود. بر روی هم هنوز در میان جامعه شناسان، مردم شناسان و فرهنگ شناسان درباره تعاریف فرهنگ اتفاق نظری موجود نیست.

"ادوارد تیلر" پدر مردم شناسی معتقد است که هیچ یک از اقوام ابتدایی و اقوام عصر حجر را که بقایای آنها تا اوایل قرن بیستم در اقیانوسیه و آفریقا حضور داشته اند را نباید اقوام وحشی نامید؛ زیرا همان اقوام ابتدایی نیز برای خود فرهنگی خاص داشته اند. به عقیده وی، فرهنگ مجموعه ای از سرمایه ها و اندوخته های مادی و معنوی انسان است که از یک نسل به نسل دیگر منتقل شده و بر روی هم مجموعه آداب و رسوم، سنت ها، فولکلور یا ادبیات عامه و تمام مسائلی که به نحوی منبعث از دین و مذهب است، می توان به عنوان فرهنگ و پدیده های فرهنگی دانست. به نظر دانشمندان تنها آن دسته از سرمایه های مادی انسان در شمار فرهنگ محسوب می شود که به گونه ای نشأت گرفته از ذوق هنری انسان باشد. برای نمونه هنرهای تجسمی که به صورت پیکرها و مجسمه ها از جنس های مختلف سنگی، گچی، گلی، زرین و سیمین و مفرغی در ایام گذشته تهیه شده است. با توجه به این که توسط هنرمند زمانه خود ساخته شده بایستی در شمار میراث های فرهنگی آن دوره و زمانه قلمداد گردد. بدین ترتیب هنرها هرچند که مظاهر و نمود مادی دارند و به عبارت دیگر عینی و مشهودند (objective) ولی با صنعت مغایر و متمایزند و همچون شعر و ادبیات زمینه های ذهنی (subjective) دارند. به عبارت دیگر صنعت و ابزارها و تکنولوژی صرفاً جهت استفاده مادی، و زیبایی و هنر برای استفاده معنوی انسان است.



طبیعت گردشگری در هر جامعه، متأثر از عوامل پیچیده و درهم تنیده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. به عبارت دیگر گردشگری دارای ابعاد مادی و معنوی است که هر کدام می توانند دیگری را مجذوب خود نمایند. در عین حال که می توان گردشگری را یک صنعت و فعالیت اقتصادی دانست (یا مجموعه ای متشکل از صنایع به

هم مرتبط)، همچنین مجموعه ای است پیچیده و متشکل از پدیده های اجتماعی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم (حتی قبل از اقتصاد) فرهنگ و اجتماع را تحت تأثیر می گذارد. به قول مک کانل گردشگری زمینه اصلی تولید اشکال جدید فرهنگی است، گردشگری آمیزه ای از فعالیت های صرفاً تجاری نیست، بلکه همچنین بیان ایدئولوژیک تاریخ، طبیعت و سنت است؛ بیانی که قدرت آرایش دوباره ی فرهنگ و طبیعت را بر اساس نیازهای خود دارد (برنز: ۱۳۸۵:۱۲۵).

در دوران معاصر گردشگری به واقعیت مهم اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است، فعالیتی است که با انسان و انگیزه ها، خواسته ها، نیازها و آرزوهای او که منبعث از فرهنگ جامعه است ارتباط دارد. فرهنگ با نفوذ پرتوان خود، می تواند به بهترین صورت ماهیت، هدف، ساختار و کارکرد گردشگری را توضیح دهد. شیوه های زندگی فرهنگ های دیگر و اختلاف فرهنگ ها، جاذبه و محرک اصلی گردشگری و از اصلی ترین انگیزه های حرکت مردم است. بدون فرهنگ که تفاوت ها را ایجاد می کند همه جا شبیه به هم بنظر می رسد. فرهنگ عاملی است برای ایجاد میل یا نیاز به سفر و سیاحت و از سوی دیگر نقشی اساسی در تعیین رفتارها، نگرش ها، ارزش ها و شیوه های زندگی مردم دارد. بدین ترتیب گردشگری و فرهنگ رابطه لاینفکی دارند و انسان به عنوان خالق و حامل فرهنگ، ماهیت و جهت گردشگری را تعیین می کند و باید در محور ضرورت تحلیل و بررسی گردشگری قرار بگیرد. به عبارتی گردشگری "وابسته به انسان" (people dependent) و "انسان محور" (people oriented) است.

ورود گردشگران به یک مقصد روابط و تعاملاتی بین آنان و میزبانان ایجاد می نماید که یک بعد این رابطه، فرهنگی است. گردشگران هنگام عزیمت به یک مقصد، ابتدا با فرهنگ آن مقصد روبرو می شوند و بدین ترتیب گردشگری به عنوان پدیده ای است فرهنگی و نقش مهمی در ایجاد تغییرات فرهنگی بر عهده دارد.

### بحث اثرات

در گردشگری از همان برخورد اول تعاملات فرهنگی میهمانان و میزبانان آغاز می شود. دو طرف دارای ارزش ها و الگوهای متفاوتی هستند و مسئله تماس و برخورد طرفین و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن ها بر یکدیگر دارای اهمیت ویژه ای است تفاوت رفتاری اجتماعی و فرهنگی بین گردشگران و بومی ها بازخوردهای متفاوتی را به همراه دارد. گردشگری می تواند سبب ارتباط هایی برای تماس های فرهنگی شود یعنی بوجود آوردن شرایطی که گردشگران بتوانند خود، فرهنگ بومی را از نزدیک لمس کنند.

اثرات گردشگری بر فرهنگ و اجتماع غیرملموس و در روندی طولانی و به آرامی و ممکن است به صورت ناخواسته و ناخودآگاه صورت گیرد. گردشگری دارای آثار فرهنگی و اجتماعی متعددی است که بی توجهی به آن می تواند پیامدهای نامطلوبی در پی داشته باشد. منظور از اثرات اجتماعی گردشگری تغییراتی است که در زندگی مردم جامعه ی میزبان به وجود می آید و این تغییر به دلیل تماس مستقیم میزبانان و گردشگران با یکدیگر است و منظور از اثرات فرهنگی تغییراتی است که در هنر، آداب و رسوم و معماری و سایر ابعاد فرهنگ مردم ساکن در جامعه میزبان رخ می دهد.

اوقات فراغت به عنوان حوزه ای زمانی درک می شود که انتقال و تداوم فرهنگی و آموزش فرهنگی - اجتماعی هم می تواند در آن انجام گیرد و می توان از اوقات فراغت برای تقویت، تداوم و تنوع فرهنگی استفاده کرد. در عین حال به خطراتی که در واقع این حوزه زمانی و مکانی برای تخریب و یورش بردن به فرهنگ ها و از بین بردن تنوع فرهنگی و به وجود آوردن رفتارهای فرهنگی غیرمناسب در جامعه دارد، باید بسیار توجه کرد و می توان گفت این حوزه از لحاظ فرهنگی، هم پتانسیلی بسیار قدرتمند دارد که بشود از آن برای پیشبرد فرهنگ استفاده کرد، و هم حوزه ای خطرناک است که فرهنگ را تخریب می کند.

گردشگری تعاملاتی بین جامعه میزبان و میهمان پدید می آورد که پیامد طبیعی آن بروز تغییر و تحول در کیفیت و سطح زندگی، کار، الگوهای فرهنگی - رفتاری و نظام ارزشی، زبان، روابط خانوادگی، نگرش ها، آداب و سنن، ساختار جامعه و به طور کلی تأثیر بر فرهنگ ساکنان محلی و یا گردشگران است.

نکته مهم در بررسی اثرات گردشگری توجه به تمام متغیرها و عواملی چون نوع گردشگر، میزان و تفاوت کمی جمعیت میزبان و گردشگر، نگرش های گردشگران و میزبانان نسبت به یکدیگر، نوع تعامل بین گردشگران و میزبانان، تفاوت فرهنگی بین توریست و میزبان، بافت فرهنگی و اجتماعی دو طرف، موقعیت اقتصادی نسبی میزبان و میهمان، نوع سوزده مورد علاقه گردشگران، میزان ماندگاری در محل و ... می باشد که میزان و کیفیت اثرگذاری را مشخص می کند.

گردشگر، هم می تواند بر مقصد تأثیر بگذارد هم می تواند از آن تأثیر بگیرد اما در مقاله حاضر اثرات مثبت و منفی گردشگری بر فرهنگ و اجتماع میزبان مدنظر است چرا که به خاطر ویژگی های گردشگری این اثرات بر میزبان قابل توجه است. ظواهر، رفتارها، برخوردها و تقاضاهای گردشگران تأثیراتی بر جامعه میزبان می گذارد که با رهیافتی سیستمی در دو دسته اثرات مثبت و منفی فرهنگی و اجتماعی بر فرهنگ و اجتماع میزبان، مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

### اثرات مثبت فرهنگی و اجتماعی گردشگری

در کنار منافع اقتصادی، گردشگری برای مناطق گردشگرپذیر به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثراتی مثبت در دو عرصه داخلی و خارجی دارد.

بی اهمیتی به گردشگری باعث بیزاری انسان ها از یکدیگر و بیگانه تر شدن آن ها با هم است که به دنبال آن بدگمانی و کینه ورزی در میان ایشان رخ می نماید و سرانجام آن دشمنی و درگیری است. اما گردشگری الگوهای ایجاد شده غیرواقعی و افکار کلیشه ای را تغییر داده و با ایجاد تعاملات مستقیم، واقعیات درونی یک اجتماع را عیان می کند. ورود گردشگران خارجی، فرصت مناسبی را در زمینه شناخت واقعیات های جامعه میزبان فراهم می کند. در بعد روابط بین المللی به عنوان نیرویی کمکی در کاهش و از بین بردن خصومت ها بین دولت هاست بی تردید شناخت بیشتر افراد یک کشور یا کشورهای مختلف از یکدیگر، تأثیر بسیار مطلوبی در استحکام روابط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... دولت های آنان دارد و از طرفی تضادهای فرهنگی میان جامعه میزبان و مبدأ را کاهش می دهد و با بالابردن ظرفیت تحمل انسان های با فرهنگ های متفاوت، تعصب فرهنگی و "قوم مداری"



(ethnocentrism) را تبدیل به "نسبی گرایی فرهنگی" (cultural relativism) می کند. این حقیقت که باید در تماس با طبیعت و انسان های آن زندگی کرد، تفاهم، شناخت و درک متقابل در رابطه با آداب و برداشت ها فرهنگ های دیگر را آسان تر می کند و به گردشگران می آموزد تا وجوه تمایز و اختلاف و تفاوت های میان خود و دیگران را به عنوان یک ارزش وجودی بشناسند. بعد از مسافرت، حالت ها و برداشت های فرد در رابطه با مکان ها و محیط می تواند تغییر پیدا کند. گردشگری به عنوان یک نیاز منطقی در جهت برآورده ساختن خواسته های مادی و فطری انسان ها جهت ایجاد تفاهم و گسترش فرهنگ و انسجام اجتماعی در همه ی جهان می باشد. بنابراین در یک نتیجه گیری می توان گفت، گردشگری در ایجاد ارتباط بین فرهنگ های جوامع مؤثر است. هیچ فرهنگی را نمی توان بدون شناخت هسته اصلی ارزش ها و پیش فرض های منطقی شناخت. انسان ها نمایندگان فرهنگ های گوناگون اند و تماس رودرروی این نمایندگان، تماس رودرروی فرهنگ هاست. با این نگرش می توان گفت که مسافرت صرفاً به معنای "دیدن" نیست بلکه "تجربه کردن" است.

در داخل یک کشور، گردشگری داخلی باعث ایجاد مفاهیم فرهنگی مشترک می شود و این زمینه همدلی ملی و انسجام فرهنگ های متفاوت را فراهم می کند. خاستگاه های اقتصادی متفاوت در داخل یک کشور، خواه نا خواه قشرهای متفاوت فرهنگی جدا از یکدیگر پدید می آورد، شغل ها و سطح های درآمدی متفاوت باعث گسستگی اجتماعی است این جدایی فرهنگی در ساختار سیاسی کشور انعکاس پیدا می کند و توان پیشرفت جامعه را می فرساید برای جلوگیری از این فرسایش هیچ ابزاری کارآمدتر از تماس های رودررو نیست. نقاط دوردست باید همدیگر را بپذیرند و دارای حس روانی و عاطفی مشترک باشند. ارزش های فرهنگی هر کشور از طریق تماس های رودررو تزیق می شود و گردشگری با ایجاد شناخت متقابل، تهدید کثرت فرهنگ های متفاوت را به طرف وحدت و انسجام ملی می برد. گردشگری داخلی به عنوان عاملی در ایجاد ارتباط فرهنگی و قومی در سطح ملی برای تأمین وحدت ملی بیشتر است. از طرفی دیگر گردشگر با دیدن فرهنگ های نزدیک به فرهنگ خود و مکان های این فرهنگ ها که از لحاظ تاریخی دارای معنا هستند می توانند در گردشگر احساسات خفته وطن پرستی یا قومیتی را بیدار کنند که در حالت مثبت باعث وحدت و انسجام قومی و فرهنگی است. گردشگری راهی است که در آن، تنها "گام زدن در طبیعت" می تواند احساس ملی گرایی و نوستالوژی نسبت به مکان های خیالی را در شخص ایجاد کند و باعث بازیابی هویتی و قومی گردشگران شود. از طرفی اگر به گردشگری به عنوان یک دوره گذر در زندگی شخص نگاه کرد (مثل تولد، بلوغ، ازدواج و ...) بازگشت گردشگر به محیط مبدأ باعث تقویت و پیوند دوباره وی با اجتماعش می شود و این زمینه همبستگی و انسجام اجتماع را فراهم می کند.

توسعه گردشگری، حفظ میراث فرهنگی جامعه میزبان را در پی دارد فولکلور، هنرهای قومی الگوهای فرهنگی موسیقی، رقص، نمایش، مدهای لباس، مراسم، شیوه زندگی، رفتارها و برخوردها، نهادها، نمادها و سنت ها، فعالیت های سنتی اقتصادی و سبک های معماری فرهنگ که فراموش شده یا در حال از بین رفتن است زنده و بازسازی کنند تا بدین وسیله در قدرت بخشیدن به هویت فرهنگی اجتماع شان سهمی داشته باشند. گذر زمان در جوامع گاهی موجب کم شدن توجه مردم از میراث فرهنگی و هنری خود می شود و سنت ها کمرنگ و نزد مردم، بی اعتبار می شود و یا فقط نمادی از آنها نزد کهنسالان باقی می ماند اما وقتی صنعت گردشگری با توجه به ابعاد

فرهنگی گسترش پیدا کند این سنت ها، جشن ها و آیین ها با تقاضا روبه رو می شوند که نتیجه ی آن می تواند زنده سازی و تقویت میراث فرهنگی باشد. بدین ترتیب گردشگری نه تنها می تواند بر آینده فرهنگی میزبان تأثیر بگذارد بلکه می تواند الگوها و میراث فرهنگی فراموش شده را احیا کند چرا که ویژگی بنیادی گردشگران فرهنگی جستجوی چیزهای اصیل است. در واقع گردشگری می تواند عامل نگهدارنده و احیاکننده فرهنگ سنتی باشد

گردشگران پژوهشگر با کاوش و مطالعه در تاریخ، فرهنگ، هویت و اسطوره های موجود در جامعه مورد مطالعه خویش، تاریخ را بازسازی می کنند و ماحصل چنین رویکردی، احیای میراث و هویت فرهنگی کشور میزبان خواهد بود. مسافرت می تواند به ارضاء کنجکاوی روی سایر افراد، زبان و فرهنگ آن ها بینجامد؛ محرکه ای است برای هنر، موسیقی، معماری و فولکلور. به درک عمیق تر مکان های تاریخی و باستانی می انجامد. از طرفی گردشگری به توسعه و حفظ موزه ها، تئاترها و سایر امکانات فرهنگی مدد می رساند. گردشگری تا حدودی از این منابع و میراث ها حمایت می کند ولی ساکنان بومی نیز از آن ها بهره مند می شوند. بسیاری از موزه ها، اماکن باستانی و تاریخی و تئاترها، بیشترین حمایت مالی را از طریق خرید بلیط های ورودی گردشگران دریافت می کنند و در روندی اقتصادی به مرور باعث توسعه اقتصادی و فرهنگی میزبان (چون کاهش فقر، تلقی مثبت به میهمان، توسعه مناطق محروم و ...) می شود به شرطی که تمام اجتماع میزبان از منافع گردشگری بهره مند گردند، در غیر این صورت باعث نزاع گروه ها و طبقات اجتماعی محلی خواهد شد. درآمد حاصل از گردشگری موجب پویایی آثار تاریخی و فرهنگی می شود بدین ترتیب گردشگری از طریق تقویت توسعه عادلانه اقتصادی، به توسعه جامعه مدنی کمک می کند.

گردشگری فرصتی برای توسعه فرهنگی است. فرهنگ در انزوا پژمرده می شود و از رشد باز می ماند فرهنگ یک جلوه از حیات اجتماعی است و حیات اجتماعی در ارتباط انسان ها نهفته است ارتباط انسان ها هر چقدر گسترده تر باشد فرصت آفرینش و ژرف یافتن فرهنگ بیشتر است. برخورد انسان ها با یکدیگر زمینه آفرینش فرهنگ را آماده می کند. برای استواری، سالم بودن و کارآمد بودن فرهنگ، انسان ها باید با یکدیگر ارتباط داشته باشند. استواری یک فرهنگ در برخورد با فرهنگ های دیگر مشخص می شود. هر فرهنگی در برخورد با دیگر فرهنگ ها توانایی های خود را می سنجد از طرفی فرهنگ های دیگر درون خود، مایه ها و توانایی های وافری برای عرضه به بشریت دارد، انفعال باعث می شود فرهنگ ها هرچه بیشتر در افراد تخریب شوند. بدین ترتیب گردشگری فرهنگ انسان ها را از بعد معنوی و مادی توسعه می دهد (که ممکن است در تضاد یا موافق با فرهنگ بومی باشد)، موجب شکوفایی جوامع، مدرنیزه کردن، تغییر تلقی نسبت به قشر بندی جنسی و ... می شود. در مجموع، برخورد های گردشگر و میزبان و مشاهده، بررسی و مطالعه رفتار دیگران موجب تصفیه فرهنگ دو طرف و شناخت شیوه های توسعه فرهنگی ضمن بقای اصول مفید فرهنگی می شود و به نوعی همانندسازی و همزیستی فرهنگی شکل می گیرد. فرهنگ برای آن که به حاشیه رانده نشود و راه توسعه و تکامل را طی کند چاره ای ندارد جز این که به تولید و بازتولید ارزش ها و هنجارهای فرهنگی خود بپردازد و از این طریق به احیا و توسعه الگوهای فرهنگی

کمک کند. یکی از راه های توسعه و تکامل تعاملات فرهنگی، توسعه گردشگری است و دارای پتانسیلی است با نیروی مثبت برای بازیافت و ترمیم تمام بخش های جامعه.

### اثرات منفی فرهنگی و اجتماعی گردشگری

اساس ویژگی دوران گردشگری هم شکل شدن انسان ها در مکان های گردشگری است خوراک، پوشاک و سایر رفتارهای جمعی انسان ها به هم نزدیک می شود در گردشگری، کشورهای ایجادکننده، فرهنگ (باقیمانده در گردشگران)، فرهنگ عمومی گردشگران و فرهنگ روزمره ی بومی روی هم رفته، نوعی "فرهنگ ساختگی" ایجاد می کند و این هم شکل سازی به ضرر فرهنگ بومی و مانع تلاش برای حفظ تفاوت فرهنگی است مقدسات، ارزش ها و باورهای این جوامع را تغییر می دهد و فرهنگ بومی را منحل و به حاشیه می راند.

می توان زمان گردشگری را دوران گذر، گسست، آستانه ای و وارونگی رفتار و فرهنگ و تعلیقی در زندگی دانست که نظم اجتماعی واژگون و تنش، بحران، شکاف در نظم اجتماعی و درهم آمیختگی و حتی هرج و مرج جنسی ظاهر می شود. شکاف در نظم اجتماعی می تواند ناشی از یک تخطی از قواعد و هنجارها یا زیرپا گذاشتن روابط مورد انتظار باشد، تنش هایی ظاهر می شود و کنش های متقابل اجتماعی را از نظم خارج می کند. این گسست و جدایی از جامعه خودی، در گردشگری می تواند تفوق بر مرزها و غلبه بر آن ها، قطع کارهای روزانه، تجربه احساس جامعه مشترک بدون فرق بین افراد مختلف باشد. برخوردها و ملاقات ها در گردشگری، از ویژگی "گذرآلودن" برخوردار است. این موضوع می رساند که شرکت کنندگان در چنین ارتباطی هدفشان بیشتر "برخوردی اولیه" است تا ایجاد رابطه ای محکم و دراز مدت در طول زمان. دقیقاً به واسطه ماهیت چنین ساختارهایی است که سوءاستفاده های غیراجتماعی نیز صورت می پذیرد و منجر به گرفتن قربانی از توریست ها می شود. در دوران گردشگری نوعی وارونگی رفتاری رخ می دهد یعنی رفتار عادی داشتن در تمام سال و سپس بروز رفتار ناهنجار در یک دوره ی زمانی خاص و دور از قیود جامعه ی روزمره (رهایی از ساختار متداول جامعه). گردشگری به شخص امکان می دهد که کارفرمای زمان و وقت خود باشد و آن را به دلخواه و آزادانه مصرف نماید. در حالی که زندگی معمولی تعادل و اندازه خود را دارد در تعطیلات هر چیز صحیح تلقی می شود انسان آقای خود و روزهای خود می شود می تواند مزه کنجکاوای در وقایع مختلف را بچشد عادت های معمول خود را بدون هیچگونه احساس گناه و تقصیر رها کند، نوعی عدم مسئولیت رخ می دهد. از آنجا که محیط مقصد، محیط متعارف زندگی و کسب و کار گردشگر نیست و او شناخت کمی نسبت به مکان مورد بازدید دارد، هر برخورد او با محیط مقصد می تواند تجربه ای نو برای او باشد که عدم شناخت یا کمی شناخت وی از جامعه میزبان سبب بروز رفتارهای ناهنجار با اجتماع میزبان می شود. گردشگری موجب رهایی از زندگی روزمره و معمولی می شود و گاهی (و نه همیشه) این رهایی شامل آزادی از قیود اجتماعی است. در این مورد ویژگی گردشگر در جستجوی خطر بودن، ماجراجویی یا به دنبال هویتی تازه دخالت دارد و به عبارتی می خواهد در مکان غیرخودی، انسانی دیگر باشد. در مسافرت همه چیز آزاد به نظر می رسد و آسان؛ در فضای دیگری هستیم و کنترل اجتماعی روی ما تقلیل یافته یا این که اصلاً وجود ندارد و بدین دلیل انسان به مکان هایی می رود که با جنس مخالف رابطه

## راهنمای گردشگری عمومی

آسان تر است، اسراف در خوردن و آشامیدن مجاز است و ... در این موضوع می توان شباهتی بین رفتار در "کارناوال" (carnavale) و گردشگری مشاهده کرد. از این وجه، گردشگری ابزار و روشی است که افراد به کمک آن می توانند به طور موقت خویشتن های تازه ای برای خود ابداع کنند، با هویت ها بازی کنند و به رفتارهای ((کارناوال بازی)) روی بیاورند که در زندگی روزمره و عادی آن ها، پسندیده و مجاز نیست در تعطیلات یا اماکن توریستی بعضی تخطی ها و زیاده روی ها عموماً مشروع است اماکن توریستی فضاهای مرزی یا ((بینایی)) هستند که گردشگران می توانند مدتی از هویت های عادی تر و بهنجارتر روزمره ی خود دست بکشند و خویشتن های تازه و شیوه های وجودی تازه ای را آزمایش کنند و به قول چنی ((قرارگاه جمع آمدن اعمال، رفتارها و الگوهای از تعامل)) است که ((بیرون از حیطه ی هنجارهای رفتار، پوشاک و فعالیت روزمره است)).

(بنت: ۲۲۵:۱۳۸۶) ساخت پارک های مضمونی که به نوعی شبیه سازی محیط های زندگی روزمره و محلی برای برآورده شدن تمام سلیقه ها و خواسته های گردشگر است در این راستاست که به طور کلی متفاوت با شیوه زندگی هر محیط زندگی انسان هاست. هدف این محیط ها برآورده ساختن مجموعه چشمداشت های گردشگرانی است که با خود به این منطقه می آورند. تصویرهای ارائه شده، نمادها، امکانات و آرایش مکان ها و... (هر چند با فرهنگ اصیل بومی در تضاد است) طبق اصول یکسان عقلانی سازی مدرن اخیر، بسته بندی و به گردشگر عرضه می شوند.

برای گردشگران راحت طلب (که در فراوانی انواع گردشگری هستند)، تجربه گردشگری لذت بخش بستگی به وجود راحتی های خانه و کاشانه همراه با مجموعه ای از جذابیت های ((صحنه پردازی شده)) دارد که تصاویر و برخوردهای نامطلوب و زننده از آن حذف شده است (واقعیات در صحنه ها و برخوردها وجود نداشته باشد) و برنامه ریزی فعالیت های گردشگری برای آسایش، امنیت و رفاه بازدید کنندگان و افزایش لذت آن ها است. به این ترتیب در یک دوره ی زمانی محدود گردشگران از قواعد عادی زندگی و جامعه فاصله می گیرند (آزادی تمام عیار) و روابط اجتماعی منحصر بفرد (مثل تغییر نقش، اختلاط طبقات جامعه، روابط متقابل ناپایدار، دوست یابی سریع) رخ می دهد و احساس شور و هیجان بر آن ها غلبه می کند و گردشگری موجب خویشتن یابی و تغییر روحیه ی فرد می شود، گردشگر دچار نوعی "توهم رمانتیک" می شود خود را دلربا و جذاب می بینند و احساس می کند دارای شخصیتی ویژه گردیده چیزی که در منزل فاقد آن بوده است. از طرفی این نبود کنترل اجتماعی بر روی گردشگران سبب رفتارهای چون دزدی، اقدامات تروریستی، قتل و ... علیه خود گردشگران می شود که شلوغی معمولی اماکن گردشگری (که بی نظمی به بار می آورد)، سوءقصدها و هرج و مرج را باعث و تشدید می کند. از طرفی ویژگی های گردشگری چون فصلی و نامنظم بودن مشاغلش و گذرا بودن دوران گردش به زیاد شدن بی نظمی ها کمک می کند.

در برخورد بین گردشگر و میزبان می توان از جنبه تقابل و تضاد نگاه کرد که تأییدی بر دلیل بالا بودن ناهنجاری ها در مکان های گردشگری است. اساساً تفکر انسانی بر اساس تقابل های دوتایی چون سیاه:سفید، بالا: پایین، مرئی: نامرئی، خود:دگرخود بنا شده که گردشگر: میزبان نیز در این تقابل ها جای دارد. میزبانان، گردشگران را در عالم شیطانی قرار می دهند و خود را در عالم خدایی. بر این اساس بین محل زندگی/کار عادی شخص و تجربه ی گردشگری تفاوت وجود دارد. گردشگر در تعطیلات بسر می برد، در حالی که میزبان مشغول کار و خدمت به

اوست. تمایز فراغت و خدمت در روابط بین گردشگر و میزبان در تمام دنیا صدق می کند. گردشگری فعالیتی مخصوص "اوقات فراغت" است که مستلزم نقطه متضاد خود یعنی کار منظم و تعیین شده می باشد. مقصد این سفر یا مکان این اقامت، خارج از محل دائمی سکونت یا کار فرد است و تقاضاهای گردشگری می تواند شامل چیزهایی باشد که به طور طبیعی یا طبق رسوم آن منطقه وجود ندارد، مثل غذاهای آماده، سیستم تهویه، استخر شنا و غذاها و نوشیدنی های وارداتی (بخصوص مشروبات الکلی)؛ بنابراین یک زیربنای عرضه ایجاد می شود. به طوری که ترنر، نش و جورج یانگ گردشگری را فعالیتی "خطا" یا حتی نوعی بی فرهنگی تلقی می کنند.

با توجه به ویژگی های جهان کنونی و فاصله از فرهنگ سنتی، گردشگری معاصر بر پایه ی "جستجو در پی دگرخود" (چیزی اصیل و بکر در جایی بیرون از "اینجا" که هستیم)، جستجو در پی "بیگانه اصیل" و جستجو در پی "خویشتن اصیل" (به مفهوم کنار آمدن با زندگی در جامعه ی پست مدرن) که سازنده ی انگیزه ی تمام گردشگری است شکل گرفته است.

در صورتی که گردشگری با توجه به ابعاد فرهنگی گسترش یابد و ارائه فرهنگ بومی با توجه به سلیقه و ذوق گردشگران باشد این کار می تواند تأثیر منفی هم داشته باشد و آن این است که ممکن است این فرهنگ ها جنبه ی بازاری به خود بگیرند یعنی طوری اجرا شوند که مورد خوشایند گردشگران واقع شود نه آن طور که واقعاً بوده است به عبارت دیگر مردم جامعه میزبان برای ارائه و عرضه فرهنگ خود به شکل محصولات فرهنگی، آن را به گونه ای منطبق با خواسته های جهانگردان تبدیل می کنند تا برای دیگران و در سطح گسترده بین المللی نیز قابل مصرف باشد این مسئله می تواند به ضعف فرهنگی و سست شدن احساس هویت فرهنگی جامعه میزبان بینجامد.

مردم هر جامعه دارای فرهنگ و ارزش های خاص خود هستند و هنگام سفر به سرزمین های دیگر تمایل دارند محصول گردشگری را طبق علایق و سلايق خود دریافت دارند. در همان حال و بر اساس نگرش اقتصادی به گردشگری و مفروض گرفتن قوانین عرضه و تقاضا بر بازار گردشگری، عرضه کننده (جامعه میزبان) باید محصول خود را مطابق خواسته های تقاضاکننده (جامعه میهمان) ارائه نماید. نتیجه این فرایند پدیده ای است به نام "تجاری شدن فرهنگ" یا "کالایی شدن فرهنگ". با توجه به ویژگی و ارزش توریسم، همیشه این گرایش را به دنبال داشته است که فرهنگ بومی را چنان مدیریت کنیم تا نیازهای توریست ها - یا آن چه تلقی ما از نیازهای آن هاست - برآورده شود. وقتی لباس، مراسم موسیقی، رقص، صنایع دستی و الگوهای فرهنگی محلی بطور ناشایست به عنوان جاذبه های توریستی ارائه شوند، می توانند موجب سقوط و از دست رفتن اصالت آنها شوند. وجود توریست باعث شده است که بومی ها فرهنگ خود را به دو دسته "صحنه اصلی" ( frontstage: حقیقتی که به توریست نشان داده می شود) و "پشت صحنه" ( backstage: یعنی صورت حقیقی و مخفی هر فرهنگ که محلی ها را می توان دید و خارجی ها را بدان دسترسی نیست) تقسیم کنند. در این هنگام میزبان چهره ای از یک نقش متفاوت اجتماعی را به خود می گیرد. به طوری که می توان گفت که "مردم نمایشی از خودشان هستند". آداب، عادت ها، جشن ها، هنرهای قومی به صورت محصولاتی برای جهانگردان در می آیند. توریسم روند تغییر در اشیاء را برای غایت تجارت سرعت می بخشد و به دلیل آن است که افراد محلی می توانند معنای اصیل اعمال خود را فراموش کنند. این برخورد متقابل سنت های مادی و معنوی در سطح تجاری گردشگری، باعث می شود فرهنگ دستخوش "نوعی

روند تجاری سازی تحت تأثیر گردشگرانی است که از لحاظ فرهنگی به کالاپرستی دچار می آیند" شود. در این حالت گردشگران نه تنها منابع و کالاهای مادی، بلکه فرهنگ مکان را نیز به مصرف می رسانند. کالایی کردن رویدادهای آیینی و اجتماعی، به رنگ باختن معانی آن ها منجر می شود و این تغییر معنا، با زوال احساس همبستگی اجتماعی، از دست دادن احساس هویت محیطی و تاریخی و شیوع از خودبیگانگی جامعه میزبان همراه است از طرفی کالایی کردن فرهنگ و مصرف گرایی کالایی از سوی گردشگر، به وابستگی هایی همچون وابستگی فرهنگی مقصد به گردشگرپذیر منجر می شود. این میل و تمناهای مصرف بصری اماکن، تأثیر متقابلی بر صنایع گردشگری محلی گذاشته است که اکنون اماکن شهری و روستایی را درست با همان روش هایی بازاریابی می کنند که سایر کالاهای مصرفی چون پوشاک، موسیقی را به بازار عرضه می دارند.

از طرفی دیگر استفاده نادرست و بیش از حد گردشگران از مناطق باستان شناسی و تاریخی می تواند موجب ساییده شدن و تخریب آنها شود.

نقش آفرینی برای گردشگران باعث اثر القایی آن ها برای اجتماع میزبان می شود که بر اساس آن، فرهنگ گردشگران و هر چه مربوط به آن هاست، برای جامعه میزبان الگو شده و مورد تقلید قرار می گیرد و عقده حقارت در برتری میهمان بر میزبان بر این رفتار تأثیر دارد. در این شرایط خاص، گردشگران حسادت برانگیز می شوند. جمعیت میزبان از ارزش ها، رفتار و الگوهای پول خرج کردن آنها تقلید کرده و آن را انتخاب می کند و در صورت نابرابری اقتصادی بین میزبان و میهمان، انتظارات جامعه میزبان به طرز غیر واقع گرایانه ای بالا می رود. تقلید مردم و بویژه نوجوانان و جوانان از الگوهای رفتاری و پوشاکی میهمانان، مشکلات اجتماعی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر و الگوی جرائم دیگر تشنجات و سلسله ناراحتی های اجتماعی، به فراموشی سپردن آداب و سنن، نمونه ای از این تأثیرپذیری است، چنین رفتاری باعث وانهادگی فرهنگی و فرهنگ پذیری در منطقه پذیرنده می شود و فرهنگ قوی تر (نه برتر) غالب شده و فرهنگ ضعیف تر (نه پست تر) را تا حدی تغییر می دهد که می توان به فراوانی بالای دوزبانه ها در مناطق گردشگرپذیر اشاره کرد که یادگیری زبان خارجی برای بومی ها افتخار محسوب می شود.

این امر بدون شناخت پس زمینه های متفاوت فرهنگی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی جهانگردان انجام می گیرد. توریست های مناطق صنعتی و مرفه زمانی که به کشورهای دارای فرهنگ سنتی و فقیر می روند به همراه خودشان شیوه های رفتاری، لباس پوشیدن، غذا خوردن و نوشیدنی های خودشان را به میزبان عرضه می کنند، ورود میلیون ها بیگانه با رفتارهای غیر عادی برای فرهنگ های سنتی و اصیل می تواند اساس نظم اخلاقی جامعه میزبان را در هم بریزد و بی شک وجود افراد بی بند و بار در میان گردشگران این وضع را بدتر می کند و این امر در حقیقت، نه داد و ستد فرهنگی بلکه هجوم فرهنگی می باشد. در حالی که یکی از جاذبه های عمده گردشگری همانا سنت ها و فرهنگ های خاص هر جامعه است و از بین رفتن آن به نوبه ی خود موجب رکود گردشگری و سایر مسائل وابسته به آن است. بعلاوه ممکن است سوء تفاهم و مناقشاتی میان گردشگران و ساکنان به دلیل تفاوت زبان و رسوم بروز کند که در طرفین نگرش های منفی ایجاد نماید. گردشگران می توانند از طریق نحوه هزینه کردن نیز در جامعه مقصد اثر بگذارند. گردشگرانی که بیش از حد در مکانی خرج کنند این امر حالت فخر فروشی به خود

بگیرد گردشگر در زمان مسافرت و گذراندن تعطیلات خود، مصرف گرایی اش بالا می رود و انتظار آسایش بیشتری از جامعه میزبان دارد این امر موجب شکاف میان جامعه محلی و گردشگران خواهد شد البته این موضوع بیشتر برای گردشگران تفریحی پیش می آید تا گردشگران فرهنگی، به طوری که مک کانل گردشگران مصرف گرا را به "نوعی آدم خوار" تشبیه می کند. بنابراین انگیزه اشان با انگیزه برخی گونه های آدم خوار یکسان است: جذب و از آن خود کردن برخی ویژگی های خاص قربانی، از جمله قدرت و مقاومت. (برنز: ۱۳۸۵: ۷۵) و باعث رواج مصرف گرایی در مردم میزبان خواهد شد. میان چشم داشت های گردشگران و اهالی محلی تضاد منافع به وجود می آید، چرا که تجربه ی مکان برای آن ها غالباً به لحاظ کیفی متفاوت است. صنایع گردشگری می کوشند بازنمودهای معینی از فضای شهری خود را به خارجی ها عرضه کنند، اهالی محلی، معناها و تفسیرهای خود را بر محیط و مکان خویش بار می کنند. از این رو به عقیده ی اید ((تلاش برای تثبیت و به کرسی نشاندن یگانگی و بی همتایی از سوی پویش و چندپارگی به چالش کشیده می شود)). (بنت: ۱۳۸۶: ۲۲۹) مسئله ی معنا در گردشگری بخشی از تغییر کلی تری در فرهنگ عامه است که به سمت صنایع سرگرمی های توده ای رفته است و فرهنگی که به صورت تجاری عرضه می شود اهمیت بیشتری در زندگی روزمره پیدا کرده است، و با این حال، به صورتی متناقض نما، فرهنگ وحدت و انسجام خود را از دست می دهد و مسئله دارتر می شود. به عقیده ترنر و نش "گردشگری مدرن، نوعی استعمارگری فرهنگی است، گرایش سیری ناپذیر جماعت درجه یک لذت جو به تفریح، خوشگذرانی و عیاشی که به فرهنگ های بومی آسیب می رساند و با تمایلات خود دنیا را آلوده می سازند. (برنز: ۱۳۸۵: ۱۱۱) این وضعیت، موجب کنترل منطقه ی ایجادکننده ی گردشگر بر منطقه ی پذیرنده می شود و از این روی مرکز تمدن را به استعمارگر و گردشگری را به امپریالیسم مبدل می کند. غالباً بین "میزبان" و "میهمان" نابرابری اقتصادی وجود دارد که مانند استعمارگری، احساس خود برتریینی را در تازه واردان به وجود می آورد. در مقابل با توجه به تمایل گردشگران به جدایی و خاص بودن در محیط های گردشگری، باعث ایجاد و تقویت روحیه فردگرایی و از بین رفتن مشاغل مشارکتی و خویشاوندی می شود. لذا، سرنوشت بومیان به فشارهای بیرونی پیوند می خورد که رفته رفته کنترل آن ها را از دست می دهند.

البته الگوها و معیار های نامطلوب فرهنگی و اجتماعی فقط با ورود توریست های خوش گذران به کشورهای سنتی پخش نمی شوند بلکه زمانی که گردشگری از کشور سنتی به کشورهای دیگر- به خصوص آنهایی که در حفظ ارزش های فرهنگی و شئون اجتماعی و اخلاقی خود هیچگونه نظارت و حساسیتی ندارند-، وارد می شوند بازهم خطر آنها را تهدید می کند و گردشگر بعضاً دچار "شوک فرهنگی" (cultural shock) می شود.

لازم به ذکر است اثرات گردشگری در محیط های مختلف گردشگری متنوع و با توجه به ساختار جوامع، نوع گردشگری و... متغیر و پیچیده می شود و محدود به موارد بالا نمی شود.

ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی جوامع در میزان تأثیرگذاری گردشگری باید مورد دقت قرار گیرد. یکپارچگی محیط مقصد یا اصالت سنت ها در جامعه میزبان در واکنش نسبت به گردشگران و تغییر فرهنگ مهم است. در جوامعی با پایه های فرهنگی قوی، تأثیر پذیری از مهمان ها کم رنگ تر و در عوض شاید تأثیرگذاری بر آنها قدرتمندتر باشد. اگر جامعه مقصد به دلیل شرایط بد اقتصادی و سیاسی و... دچار چندپارگی فرهنگی باشد،

## راهنمای گردشگری عمومی

تأثیرپذیری آن از فرهنگ میهمان می تواند گسترده تر باشد. بطور کلی، گردشگری در جوامع بسته در بلند مدت می تواند به باز شدن فضای اجتماعی و فرهنگی و تعامل بیشتر افراد در جامعه کمک کند اما در بعد افراطی آن می تواند به تهاجم فرهنگی تبدیل شود.

هر چه اختلافات رفتاری و فرهنگی بین جهانگردان و جامعه میزبان کمتر باشد، امکان برقراری ارتباطات، درک و پذیرش طرفین افزایش خواهد داشت.

رشد سریع توریسم در مناطق کوچک، منزوی و عقب مانده اثرات عمیق تر و نمایان تری به وجود می آورد. اگر منطقه فقیر باشد به خاطر بهره اقتصادی گردشگران از آن ها به خوبی پذیرایی می شود.

جمعیت گردشگران و میزبانان عامل تأثیرگذاری دیگری در تعیین میزان تأثیرگذاری است. هرچه تعداد گردشگران در محیطی بیشتر باشد (به خصوص تعدادشان بیشتر از میزبان باشد) تأثیر آنها هم بر مقصد بیشتر است.

نوع گردشگر اثرگذاری را تحت تأثیر قرار می دهد. گردشگران فرهنگی (که اخیراً با نام توریسم جایگزین خوانده می شود) به خاطر آشنایی با فرهنگ میزبان ارتباط خوبی با میزبان داشته و تعاملی درونی و همدلانه با همدیگر دارند به شدت نسبت به رعایت قواعد فرهنگی جامعه مقصد خود را متعهد می دانند و به نوعی می کوشند تا به سنت ها احترام بگذارند اما گردشگران خوشگذران و دربستی، نسبت به محیط طبیعی و انسانی محیط های گردشگری بی تفاوت هستند و تخریب در سطح بالایی قرار می گیرد، بیش از حد در مکانی خرج کنند و این امر حالت فخر فروشی به خود بگیرد و موجب شکاف میان جامعه محلی و گردشگران خواهد شد.

زمان در روند تأثیرگذاری مهم است. در ابتدای ورود گردشگران به مکانی از آن ها به خوبی پذیرایی می شود و نوگرایی وی جذابیتی برای میزبان است اما به مرور جنبه اقتصادی گردش مورد توجه است. در مقابل با تکرار تجربه توریستی و یا با ماندن بیشتر توریست در مکان گردشگری وی با محل آشنا می شود و رفتار وی به سوی هنجار مقصد نزدیک می شود و بدین ترتیب امنیت خاطر و آشنایی وی با فرهنگ مقصد بالا می رود، و به درک کاملی از آیین ها و فرهنگ محلی رسیده، آثار منفی شوک فرهنگی (از خودبیگانگی، عقب نشینی) آرام آرام جای خود را به شرایطی مثبت می دهد (نسبی گرایی فرهنگی، استقلال) و روابطش با افراد محلی استحکام پیدا می کند و رفتارش به سوی استاندارد شدن می رود.

### مهاجرت از دو منظر عام و خاص تعریف میشود

مهاجرت به معنای « عام » کلمه عبارتست از : ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائم .

مهاجرت به معنای « خاص » کلمه عبارتست از :

« نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان ها با تغییر محل اقامت به طور دائم یا برای مدتی طولانی (بیش از یکسال) ». در اینجا به مهاجرت از روستا به شهر اشاره میکنیم:

ب) مهاجرت از روستا به شهر



فردیناند تونیس مهاجرت را: فرایند شهرنشینی گذار از اجتماع روستایی به جامعه شهری که پیامدهای بسیار متنوعی داشته و نوعی حرکت ارتباطات سنتی و تبدیل آن به ارتباطات نو و مدرن در زندگی افراد دانسته است. وی در این تحول نقش وسایل ارتباط جمعی و افکار عمومی را بسیار بااهمیت دانسته است.. در تعریف دیگر مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدا و یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی به مقصد یا محل اقامت جدید بینجامد. مهاجرت یکی از پدیده های مهم جمعیتی است که امروزه، به خصوص در کشورهای جهان سوم مورد توجه است. افزایش سریع جمعیت شهرها، نبود امکانات شهری متناسب، ایجاد محله های حاشیه نشینی، فقر و کمبود بهداشت گریبانگیر اکثر کشورهای جهان سوم است. «علت یابی مهاجرتها بی رویه، تاکنون به یک نظریه جامع و مانع در این خصوص نینجامیده است و بررسیهای انجام شده، هر یک جزئی از این پدیده را مورد بررسی قرار داده و کمتر توانسته است اصلی کلی را به اثبات برساند. در برخی نظریه های کل گرا نیز که در سطح کلان به بررسی پرداخته اند به علت ضعف تبیین، نتیجه مطلوب به دست نیامده است. از اینرو، بررسی این پدیده، تلاش و کوشش صاحب نظران را می طلبد. بخصوص بر متفکران کشورهای جهان سوم که بشدت از عوارض مهاجرت رنج می برند فرض است که به این مسایل بیشتر توجه کنند، برای حل مسائل، از تفکر خویش بهره بگیرند و از به کار بردن تفکرات غربی که با توجه به مسائل اجتماعی خود آنان و یا حداکثر از دیدگاه جامعه خویش به مسائل جهان سوم حاصل شده است، پرهیز کنند تحقیقات در خصوص مهاجرت روستاییان به شهرها عمدتاً بر آن است تا تبیین کنند که چرا روستاییان مهاجرت می کنند؟ و عوامل مؤثر در تصمیم گیری آنان برای مهاجرت چیست؟ اگرچه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی به طور هماهنگ در ایجاد انگیزه های مهاجرت روستا - شهری مؤثرند، بی تردید در فرایند تصمیم گیری برای مهاجرت، به طور نسبی عوامل تاثیرگذار در اشخاص و از مناطق گوناگون کاملاً متفاوت است؛ چراکه طیفی گسترده از افراد و قشرها را تشکیل می دهد. مهاجرت و جابجایی مکانی انسانها، به عنوان موضوعی پایدار در رشته های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی، توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته است.

پویایی رابطه انسانها با مکان در قالب پدیده مهاجرت قرار داشته است. به علت گستردگی مهاجرت در دنیای امروز، همه جوامع بشری بنحوی با چالش مهاجرت بخصوص مهاجرت جواناناز روستابه شهرها مواجه هستند (سجادپور) مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده، به دلیل ماهیت خود می تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثاری سریع و کوتاه مدت نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند» (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲). پدیده مهاجرت هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ لیکن نوع و ماهیت این مهاجرتها متفاوت است. جز در مورد مهاجرت های اجباری که در اثر مسائل سیاسی یا حوادث طبیعی صورت می گیرد، تمامی شواهد و مدارک حاکی از آن است که جوانان بیش از دیگر گروه های سنی، تن به مهاجرت می دهند و در طولانی مدت با مهاجرت آنان ممکن است تولید نسل در جامعه کاهش یابد.

غالباً در کشورهای در حال توسعه جهان، مهاجرت روستاییان به شهرها، در درجه اول به سوی شهرهای پایتختی بوده، در جستجوی یک زندگی بهتر و به دست آوردن شغل صورت می‌گیرد. بعد از شهرهای پایتختی، شهرهای مهم و مراکز استان‌های دیگر کشور، مورد توجه مهاجران قرار می‌گیرند؛ در واقع مهم‌ترین نوع مهاجرت درون‌مرزی داوطلبانه، مهاجرت‌های روستاییان به شهرها بوده که پاسخی به علل و انگیزه‌های اقتصادی می‌باشد (بهروز، ۱۳۷۴: ۱۶۲).

بیان مسئله و اهمیت و ضرورت:

نتیجه نهایی مهاجرت از روستا به شهر نابودی کامل شکوفایی ملی و از دست دادن آزادی است چرا که انحطاط روستا به مثابه انحطاط تمدن است، تمدنی که ضامن قانون شهروند و حفظ حرمت آزادی انسان است در کشورهای در حال اقتصادی به شمار می‌آید. این مهاجران هم در مبدأ و هم در مقصد مسائل و مشکلاتی از جمله؛ بروز نابسامانی‌های توسعه و از جمله ایران، مهاجرت از روستا به شهر در زمره مهم‌ترین مسائل اجتماعی و متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری، بیکاری و کم‌کاری، کمبود فضای زیستی و آموزشی، آلودگی هوا و زنانه شدن نیروی کار کشاورزی، تخلیه روستاها و غیره را به محیط زیست، سالخورده‌گی به وجود می‌آورند.

بررسی‌های داخلی و خارجی که درباره مهاجرت به خصوص مهاجرت از روستا به شهر انجام شده، توافق دارند که تمایل و تصمیم‌گیری برای مهاجرت به سن و جنس و تحصیلات بستگی دارد. افراد ۱۵ تا ۳۰ ساله در جریان مهاجرت سهم عمده را دارند. طبق نتایج سرشماری ۱۳۷۵، بیشترین مهاجران زن و مرد در سنین ۲۰-۲۴ ساله (۱۳۲۰۷۶۶ نفر) قرار دارند، همچنین در سرشماری یاد شده نسبت جنسی کل کشور ۱۰۳ و نسبت جنسی مهاجران ۱۲۳ گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵)، که نشان می‌دهد بیشترین مهاجران کشور را مردان تشکیل می‌دهند. مردان بیشتر برای کسب درآمد، دانش، اشتغال و غیره مکان اقامت خود را ترک می‌کنند. از آنجا که اکثر مهاجران را جوانان جویای کار تشکیل می‌دهند، در نتیجه نوعی عدم تعادل (از نظر ساختار سنی) بین جمعیت شاغل در مناطق شهری (قطب مشاغل صنعتی و خدماتی) و مناطق روستایی (قطب مشاغل کشاورزی) پدید آمده است. این عدم تعادل به صورت سالخورده تر شدن جمعیت کشاورز، و جوان تر شدن جمعیت شاغل در بخش‌های صنعت و خدمات جلوه گر می‌شود (رمضانیان). تا چند دهه قبل، تصور می‌شد که مهاجرت داخلی فرایندی طبیعی است که کارگران اضافی به تدریج از بخش روستایی خارج می‌شوند تا نیروی کار مورد نیاز برای رشد صنعتی شهری را فراهم کنند. تصور می‌رفت که این فرآیند از نظر اجتماعی مفید است زیرا فرض می‌شد منابع انسانی از مکان‌هایی که تولید اجتماعی آنها اغلب صفر است به مکان‌هایی که این تولید نهایی نه تنها مثبت بلکه در نتیجه تراکم سرمایه و پیشرفت تکنولوژی به سرعت در حال رشد است، جابه‌جا می‌شوند (تودارو، ۱۳۸۳، ۲۸۴). اما تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داد که نتایج به همین جا ختم نمی‌شود و مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر باعث ایجاد عدم تعادل‌های منطقه‌ای شدیدی می‌شود. این عدم تعادل‌ها با افزایش شدید عرضه نیروی کار در مقابل آهنگ کند رشد مشاغل شهری، باعث شد تا اقتصاددانان دیگر مهاجرت را «جریانی مفید و لازم برای حل مسأله

تقاضای در حال رشد شهرها برای نیروی کار» ندانند. این اقتصاددانان حتی پا را از این نیز فراتر نهاده و معتقدند امروزه باید به پدیده مهاجرت به عنوان عامل اساسی و تقویت کننده پدیده «همه جا حاضر کارگر اضافی شهری» نگریست و می باید به عنوان نیرویی که باعث تشدید مسائل جدی بیکاری شهری می شود، مورد مطالعه قرار گیرد. اما بسیاری از صاحب نظران معتقدند که اثرات مهاجرت در فرآیند توسعه شهری بسیار حادثر از تشدید بیکاری و کم کاری نیروی شهر است. این آثار به طور شدیدتر در رشد اقتصادی، خصوصیات رشد و به ویژه در توزیع درآمد خود را نمایان می سازد. در نتیجه شناخت خصوصیات مهاجران و عوامل تعیین کننده مهاجرت، برای درک بهتر ماهیت و خصوصیت توسعه و تدوین سیاست های مناسب برای تأثیرگذاری بر آن از اهمیت بالایی برخوردار است. به طور مثال هرگونه سیاستی که بر تشدید اختلاف بین درآمدهای روستایی و شهری اثرگذار باشد، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر جریان مهاجرت نیز اثرگذار خواهد بود..

### ج) تقابل دو فرهنگ در مهاجرت

اگر نقل مکان از کشوری به کشور دیگر را مهاجرت بنامیم و کشورهای جهان را در دو گروه عمده مدرن و سنتی قرار دهیم چهار نوع مهاجرت خواهیم داشت.

مهاجرت از کشورهای سنتی به یکدیگر؛

مهاجرت از کشورهای مدرن به یکدیگر؛

مهاجرت از کشورهای مدرن به سنتی و بالآخره

مهاجرت از کشورهای سنتی به مدرن.

با توجه به اینکه تنش از تفاوت بر می خیزد، می توان دریافت که مهاجرت از دو کشور سنتی به یکدیگر، مانند مهاجرت از افغانستان و پاکستان و ایران و سوریه به یکدیگر چندان مشکل ساز نیست، چرا که شرایط حاکم بر دو جامعه از بسیاری لحاظ شبیه بوده و در نتیجه فرهنگ این جوامع مشابهند. بهمین ترتیب مهاجرت از کشورهای مدرن مانند کانادا، استرالیا، امریکا و ... به یکدیگر بحرانی در پی نخواهد داشت، چرا که شرایط حاکم بر این جوامع تقریباً یکسان و در نتیجه فرهنگ آنها بهم شبیه است.

مهاجرت از کشورهای مدرن به سنتی نیز معمول نیست و اگر مسافرتی هم صورت گیرد کوتاه مدت بوده و به منظور گردش و یا ماموریت های علمی و سیاسی است. آنچه که می ماند مهاجرت از کشورهای سنتی به مدرن است که در سطح میلیونی صورت می گیرد. در این نوع مهاجرت است که سنت در تقابل با مدرنیته قرار می گیرد و این تقابل که از تفاوت های عمده فرهنگی بین دو جامعه بر می خیزد، بیشترین تنشها را در پی دارد.

این تقابل را در حال حاضر نه تنها در کشورهای مدرن، آنجا که رودخانه سنت (مهاجران) به دریای مدرنیسم (غرب) می ریزد می توان دید بلکه در کشورهای سنتی نیز آنجا که رودخانه مدرنیته - نه بشکل مهاجرت متعارف - از طریق تلویزیون، ماهواره و اینترنت به دریای سنت یعنی جامعه وارد می شود به نوع دیگری می توان به مشاهده نشست. آنچه که در این نوشتار مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت نتایج این تقابل در کشورهای مدرن است.

### نتایج تقابل دو فرهنگ سنتی و مدرن در کشورهای مدرن

با توجه به اینکه خصوصیات انسانها جدای از ارث و تربیت خانوادگی حاصل شرایط حاکم بر جامعه‌ایست که در آن زندگی می‌کنند، اولین قدم برای بررسی این تقابل این است که ببینیم در هر یک از دو جامعه چه شرایطی حاکم است و این شرایط باعث بروز چه ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری در شهروندان این دو جامعه می‌شود

الف) جوامع دموکراتیک که به پیشرفته، قانونمند، مدرن، انسان سالار، و آزاد نیز شهرت دارند. شاخصه اصلی این جوامع داشتن امنیت نسبی اقتصادی، سیاسی و هم چنین وجود عدالت اجتماعی است. در این جوامع انسانها معمولاً صرف نظر از سن، جنس، مقام و موقعیت اجتماعی، باور مذهبی، رنگ، نژاد و ملیت در پناه قانون هستند و بنابراین هراسی از یکدیگر در دل ندارند.

زیستن طولانی مدت در چنین شرایطی موجب پدید آمدن خصوصیات در مردمان این جوامع می‌گردد که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود. به ارتباط زنجیره ای بین این خصوصیات توجه نمایید.

تعدادی از ویژگی‌های مردمان پرورش یافته در جوامع مدرن

- با صراحت حرف می‌زنند و از بیان عقیده شان هراسی ندارند

- حرف و نظرشان را بطور مستقیم و بدون اینکه به حاشیه بروند بیان می‌دارند.

- معمولاً به یکدیگر اعتماد می‌کنند، مبالغه نمی‌نمایند و قسم نمی‌خورند.

- به گفته‌ها و رفتارهای یکدیگر مشکوک نبوده و هر حرکت و حرفی را به خود نمی‌گیرند.

- به تعریف و تمجید کردن و شنیدن، و استفاده از القاب و عناوین عادت ندارند.

- معمولاً با انتقاد راحت تر برخورد می‌کنند، اشتباه و خطای خود را می‌پذیرند و معذرت خواهی

برایشان آسان است احترام را بیشتر در درستی، صداقت و تلاشهای اجتماعی و انسانی یکدیگر می‌دانند و نه مقام و مدرک و موقعیت اجتماعی و میزان ثروت

- معمولاً به سرعت و با دیدن یک مورد در باره افراد قضاوت نکرده و در قضاوتشان از مطلق گرائی پرهیز می‌کنند، بدین معنی که افراد را در دو گروه خوب و بد، خادم و خائن و ... قرار نمی‌دهند.

- کمتر احساساتشان را در قضاوتشان دخالت می‌دهند و معمولاً از حق دفاع می‌کنند و نه از قوم و خویش، خودی، آشنا و یا قدرتمند تر از خود.

- اگر صفتی را در کسی نپسندیدند بر سایر خصوصیات خوب دیگر او خط بطلان نمی‌کشند

- حساب شخص خطا کار را از حساب اقوام و بستگان او جدا نگاه میدارند

- عادت به کنجکاوی و پرس و جو از زندگی خصوصی یکدیگر ندارند و اینکار را تجاوز به حریم شخصی تلقی می‌کنند.

## راهنمای گردشگری عمومی

- در انجام کارها کمتر به یکدیگر فشار می آورند، اجازه انتخاب به هم می دهند و از تحمیل عقیده و سلیقه و نظر خود به یکدیگر پرهیز می کنند

معمولا منطقی، متعادل و میانه روند و در بیان حوادث و احساسات خویش راه افراط نمی پیمایند و از گاه کوه نمی سازند.

به زنان و به کودکان نگاهی انسانی دارند و به عقیده و سلیقه آنان احترام می گذارند و حتی با حیوانات نیز انسانی رفتار می کنند

بیشتر بر مبنای خواست باطنی خودشان به یکدیگر محبت می کنند و بهمین دلیل منت بر سر هم نمی گذارند و کمتر توقع جبران دارند.

- اگر درخواستی از آنها شود که قادر به انجام آن نبوده و یا تمایلی به انجام آن نداشته باشند، با صراحت به آن جواب منفی می دهند.

و بهمین ترتیب اگر پیشنهاد کمکی به آنها شود و یا دعوتی از آنها به عمل آید در صورت داشتن نیاز یا تمایل آنرا براحتمی می پذیرند و بعبارت دیگر تعارف نمی کنند.

- در هنگام تلفن کردن معمولا خود را معرفی می کنند.

- بدون اطلاع قبلی به دیدار کسی نمی روند.

- وقت شناسند و در کارهایشان انضباط دارند.

- از اعمال یا گفتارها (جوک) و کنایاتی که نژاد، رنگ، جنسیت، قیافه، ملیت، مذهب کسی را به مضحکه بگیرد می پرهیزند.

لازم به ذکر است که تمامی افراد پرورش یافته در جوامع فوق الذکر بگونه یکسانی دارای کلیه ویژگیهای فوق نمی باشند. خصوصیات فردی (ارثی) و تربیت خانوادگی افراد بر روی برخی از این ویژگی ها و رفتارها که منع قانونی ندارند تاثیر می گذارند.

ب) جوامع غیر پیشرفته که به نام های غیر دموکراتیک، نابرابر، سنتی، مردسالار، پدر سالار، در حال توسعه، توسعه نیافته و یا عقب مانده نیز نامیده می شوند. از مشخصات این جوامع نبود امنیت اقتصادی و سیاسی و عدالت اجتماعی است. در این کشورها انسان ها از نظر جنس، سن و موقعیت اجتماعی و میزان ثروت در برابر قانون و در چشم یکدیگر یکسان دیده نمی شوند. زیستن دراز مدت در چنین شرایطی باعث ایجاد ویژگی های اخلاقی خاصی می گردد که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود. این خصوصیات نیز در همه یکسان مشاهده نمی شود، خصوصیات فردی یا ارثی و هم چنین خانواده و نوع تربیت آن (خصوصیات طبقاتی) می تواند در تعدیل یا تشدید ویژگی های یاد شده موثر باشد. اما بدلیل اینکه همه ما بخش قابل ملاحظه ای از زندگی خود را- از سنین کودکی و دبستان به بعد- در جامعه می گذرانیم، نمی توانیم بکلی از اثرات شرایط حاکم بر جامعه خویش مبرا باشیم. به بیان دیگر ایرانی بودن مستلزم داشتن تعداد کم یا زیاد و یا تمامی خصوصیات زیر است. این خصوصیات همه از اثرات اولیه یا ثانویه ترس و نابرابری و فقر در طول تاریخ ماست. با کمی توجه

می توان ارتباط زنجیره ای بین این ویژگی ها را دریافت، بدین معنی که یک خصوصیت به خصوصیت دیگری منجر می گردد و الی آخر.

### برخی از ویژگی های مردمان پرورش یافته در جوامع سنتی

- کمتر صراحت در گفتار دارند، غیر مستقیم صحبت کرده و یا در لفافه حرف می زنند.
- کمتر به یکدیگر اعتماد داشته و معمولا برای اثبات صداقت خویش مبالغه کرده و از قسم کمک می گیرند.
- تعریف و تمجید کردن از یکدیگر و استفاده از القاب و عناوین در بین آنها رایج است
- معمولا انتقاد را تحمل نمی کنند.
- اشتباه خود سخت پذیرفته و عذر خواهی برایشان معمولا مشکل است
- به حرفها و حرکات یکدیگر حساس بوده آنها را به خود می گیرند.
- احترام را بیشتر در گرو ثروت، ظاهر، مقام و موقعیت اجتماعی می دانند.
- معمولا نسبت به زندگی خصوصی یکدیگر کنجکاوند
- بیشتر از دوست، فامیل، آشنا و قدرتمند دفاع می کنند تا حق.
- در بیشتر کارها حتی خوردن چیزها به یکدیگر فشار می آورند و معمولا تمایل به تحمیل عقیده و نظر خود به دیگران دارند.
- احساساتی، عاطفی و اهل افراط و تفریطند، در بیان احساسات و نقل حوادث اکثرا مبالغه می کنند.
- تواضع و تفاخر در بین آنها رایج است.
- تمایل بسیار به قضاوت در مورد یکدیگر از خود نشان می دهند و به قضاوت مردم بسیار اهمیت می دهند
- معمولا افراد را یا خوب می ببینند یا بد، یا خادم یا خائن، یا دوست و یا دشمن.
- گاهی به خاطر اینکه یک صفت را در کسی نمی پسندند بقیه صفات خوب او را نادیده می گیرند.
- اگر مورد ظلم یا خیانت کسی قرار گرفتند نه تنها با آن شخص که معمولا با بستگان او نیز قطع ارتباط می کنند.
- برای زنان و کودکان احترامی معادل مردان قایل نبوده، همسر و فرزندانشان را مایملک خویش می دانند و از آنها انتظار متابعت بی چون و چرا دارند.
- آزار حیوانات را امری عادی تلقی می کنند و اهمیت چندانی به تمیز نگاهداشتن معابر عمومی نمی دهند.
- دادن جواب منفی به درخواست دیگران برایشان دشوار بوده و پیشنهاد کمک را به آسانی نمی پذیرند.
- بیشتر به خاطر انتظاراتی که دیگران از آنها دارند و کمتر به خاطر میل باطنی خویش خدمتی را انجام می دهند، معمولا منت می گذارند و توقع جبران محبت دارند.
- عادت به معرفی خویش در هنگام تلفن کردن نداشته و معمولا سرزده و بدون اطلاع بیدار یکدیگر می روند با یک نگاه به خصوصیات و آداب و عادات افراد در دو جامعه فوق و تفاوت بین آنها می توان دریافت که مهاجران با چه دشواریهایی ممکنست مواجه شوند. بعضی از ویژگی های ما که به نظر خودمان بسیار طبیعی، دلپذیر و حتی محترمانه است، بر مبنای معیارهای حاکم بر جوامع مدرن ناخوشایند بوده و حتی گاه مجازات قانونی در پی دارد. در

اینجا به ذکر مختصری از آیین رفتارها می پردازیم: برخی از اعمال که ناخوشایند جامعه میزبان بوده و مجازات قانونی در پی دارد:

- دروغ گفتن

- بی احترامی به افراد به خاطر سن، جنس، رنگ، نژاد، نقص عضو و لهجه و در یک کلمه متفاوت بودنشان با ما

- رشوه دادن یا پیشنهاد دادن آن برای انجام کارها

- ظلم کردن به انسانها و آزار رساندن به حیوانات.

کثیف کردن محیط زیست

برخی از اعمال که خوشایند جامعه میزبان نیست اما مجازات قانونی در پی ندارد:

- اصرار زیاد در خوردن چیزی یا انجام کاری (مهمان نوازی، احترام و تعارف)

- مله بوجود آمدن یا شدت گرفتن اختلافات زناشویی، شدت گرفتن اختلافات بین والدین و فرزندان، سست شدن پیوندهای عاطفی بین افراد خانواده و .. بحرانهایی که ناشی از بزرگترین، ارزشمندترین و زیباترین دستاور غربیان یعنی برسمیت شناخته شدن حقوق انسانها صرف نظر از جنس، سن، نژاد، ملیت و مذهب و وابستگی های قومی و قبیله ایست..

مهاجرت اصولاً تاریخ ساز است. بسیاری از تمدنهای بشری چه قدیم (ایران و مصر) و یا جدید (امریکا، کانادا و استرالیا) بوسیله مهاجران به این سرزمینها شکل گرفته اند.

در مهاجرت است که امکان دوباره ای برای رشد و تکامل فراهم می شود.

در حقیقت می توان گفت در مهاجرت به کشورهای آزاد، انسان به دنیائی وارد می شود که امکان رشد و پیشرفت در آن کم نیست، امنیت اقتصادی و اجتماعی مهیاست و چندان مانعی بر سر راه ترقی و تعالی آدمی وجود ندارد. باید و نبایدهای زندگی قومی و قبیله ای که آزادیهای فردی و بدنبال آن امکان خلاقیت و رشد و شکوفایی را از فرد سلب کرده بود، از میان می رود و اگر مهاجر زندگی و کار خود را محدود به دایره هموطنان ننماید، می تواند از این فرصتها و امکانات بهره گرفته و استعدادهای خفته خود را به منصف ظهور برساند. درخشش ایرانیان مقیم کشورهای پیشرفته در زمینه های مختلف علمی، ادبی، فرهنگی و هنری را می توان به وجود استعداد و قابلیت در آنان و مهمتر از آن به استفاده صحیح این عزیزان از این امکانات منتسب دانست. این امر خود نشانگر اینست که هیچ ملتی به لحاظ هوش و استعداد از ملت دیگر بالاتر یا پایین تر نیست، بلکه این شرایط محیطی است که زمینه ساز بروز خلاقیت ها و استعداهاست. به عبارت ساده تر همانطور که یک بذر خوب برای تبدیل شدن به یک گیاه شاداب و پر بار احتیاج به خاک مناسب، آب و نور و حرارت کافی دارد، انسانها نیز برای رشد و شکوفائی زمینه مساعد می خواهند

در بررسی فرهنگ یک جامعه خاص باید توجه داشت که هیچ فرهنگی به صورت خودبخودی به وجود نمی آید بلکه هر فرهنگی در روندی تاریخی و در خلال ارتباطات با سایر فرهنگ ها ترکیبی عقلانی از عناصر فرهنگی را به خود می گیرد و در بحث گردشگری، فرهنگ ها همواره به ارزیابی و گزینش فرهنگ های دیگر می پردازند. به هر حال هر جامعه ای ابزارهای دفاعی خود را دارد لذا گردشگری چه وجود داشته باشد یا چه وجود نداشته باشد

فرهنگ تغییر می کند، البته باید دلایل تغییرات در یک جامعه را در عواملی دیگر چون مدرن گرایی، ورود تکنولوژی، تغییرات سریع و... نیز جستجو کرد.

پدیده گردشگری محیط، فرهنگ، هنر، سبک زندگی، ارتباطات، اعتقادات، سیاست، اقتصاد و نوع توسعه را در یک جامعه تحت تأثیر قرار می دهد که تمام این ها در جامعیت فرهنگ قرار می گیرند و معتقدیم در وضعیت پسامدرنیته کنونی و غلبه پساگردشگری بر گردشگری معاصر، توجه به تأثیرات گردشگری بر فرهنگ و اجتماع و رابطه گردشگری با فرهنگ در تعیین انگیزه گردشگری در محوریت قرار دارد. و لذا توجه به تأثیرات مثبت و منفی فرهنگی و اجتماعی آن ها به طور همزمان ضروری است.

پیرامون اثرات گردشگری نباید انتظار داشت که ورود گردشگر همیشه دارای تأثیرات مثبت است. زمانی می توان انتظار اثرات مثبت فرهنگی و اجتماعی داشت که این تماس باید داوطلبانه باشد نه اتفاقی؛ برای مدت زمانی مستمر و ثابت باشد و مهمتر این که بین انسان های همپراز از لحاظ سطح اجتماعی برقرار گردد و نه خارج از آن. ذکر این نکته ضروری است که از طریق گردشگری و اتوماتیک وار نمی توان به کاهش خصومت و تعصبات فکری یا تقویت مناسبات فرهنگی بین المللی دست یافت و گردشگری نیز نمی تواند الزاماً به بهبودی روابط بین گروه ها بینجامد. گردشگری صرفاً فرصتی است مناسب برای تماس اجتماعی و نتیجه آن بستگی به اجزا ویژه داخل چارچوبش دارد.

با توجه به مطالعه انجام شده، گردشگری در روندی تاریخی، اثرات اجتماعی و فرهنگی آن بیشتر منفی است که می توان دلایلی چون نگاه اقتصادی به گردشگری، عدم آشنایی فرهنگ ها با یکدیگر در وضعیت کنونی، جمعیت بالای گردشگران در مکانی خاص و ... را برشمرد.

در گردشگری، آداب و سلوک و رفتارهای سنتی به هم می خورد، ارزش ها و تفکرها تغییر می کند. ارزش های اجتماعی بیشتر معطوف به فرد می گردد. فردگرایی ارزشی اجتماعی می شود. این روندها در فرهنگ های سنتی و جمع گرا، آسیب های جدی چون تأخر فرهنگی، شکاف نسلی، تنش های اجتماعی، آزادی های مغایر با بافت جامعه گردشگرپذیر و ... وارد می کند. البته در صورتی که انعطاف فرهنگی جامعه محلی بالا باشد اشیاء یا فعالیت هایی که در شروع با زندگانی و فرهنگ محلی بیگانه اند، با رشد خود و غنی شدن توسط معنای جدید می توانند جزء لاینفک زندگی اجتماعی گردند و می توانند باعث پویایی و توسعه همه جانبه میزبان شوند.

امروزه گردشگری فراگیر شده و عدم توجه به اثرات آن مشکلات عمیق و فراگیری را پدید می آورد. البته رواج گردشگری در میان عده ای که در جوامع توسعه نیافته و توسعه یافته وجود دارد بیشتر باعث تخریب فرهنگی است چرا که نابرابری اقتصادی را نشان داده و منجر به ناهنجاری ها و تلاش غیرگردشگران به اقدامات زیرزمینی چون دزدی، قتل و ... می شود که به عنوان رفتارهای انفعالی تلقی می شوند.

اما توسعه برنامه ریزی شده گردشگری می تواند بر نظام ارزش ها، سبک زندگی، روابط خانوادگی، رفتار فردی و ساختار جامعه میزبان تأثیرات مثبت داشته باشد.

با توجه به عواملی چون پذیرندگی مناطق گردشگری، پذیرش افراد و فرهنگ های گوناگون، بالارفتن ناگهانی جمعیت، کم شدن جمعیت در مناطق گردشگری نسبت به گردشگران و ... تأثیرگذاری گردشگران بر میزبان بیشتر



## راهنمای گردشگری عمومی

است تا میزبان بر گردشگران. گردشگری یکی از عناصری است که با فرهنگ مقصد گردشگری، کنش متقابل دارد. البته در شرایطی که در جامعه میزبان فرهنگی قوی حاکم است، یا اقتصادی منسجم و قوی وجود دارد یا مدیریت موفق گردشگری حاکم است روند تأثیرگذاری به نفع میزبان می چرخد و میزبان از منافع گردشگری سود می برد.

در خاتمه باید در نظر داشت که توریسم همواره آثار گوناگونی در چارچوب های عملکردی خود دارد؛ گاهی اوقات فاکتوری تعیین کننده در رشد اقتصادی و اجتماعی است، مواقعی دیگر باعث از هم گسیختگی فرهنگ سنتی می شود و یا وسیله ای است برای خشکاندن منابع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یک اجتماع. به هر حال به نظر می آید در حالت هایی که ساکنین به عنوان جاذبه های توریستی تلقی نمی شوند یا یک نوع تکنولوژی و فرهنگ استثنایی حاکم است، تغییر چشمگیری وجود نخواهد داشت بدین دلیل از نظر بعضی ها در مورد تماس توریسم با جامعه اغراق می شود، چون تفکیک آثار و نتایج مدرنیزه شدن بسیار مشکل است. مثالی که دو عقیده بالا را در هم اختلاط می دهد می توان به شیوه تغذیه اشاره کرد: گردشگری در یک منطقه می تواند باعث هموژنیزه کردن و بین المللی شدن غذا شود یا سبب عرضه یا بازسازی غذاهای محلی و مختص آن مکان گردد. یا مثلاً علامت های تغییر فرهنگی در مورد موسیقی نیز خود را نشان می دهد اما این امر نیز همواره دوسویه است: از یک طرف نسبت به موسیقی جدید حساس می شوند و آن را جذب می کنند و از طرف دیگر توریسم پخته تر می تواند سهمی در ارتقا موسیقی قومی داشته باشد و هویت فرهنگ قومی را استحکام بخشد.



فرهنگ در دو گروه کلی سنتی و مدرن از دید گردشگری دارای چشم انداز های متفاوتی است . با دید سنتی یا کلاسیک ، گردشگری بیشتر به جلوه های سنتی فرهنگ و جامعه توجه دارد . فرهنگ سنتی در بطن جامعه زاده شده و بنیان های زندگی اجتماعی را شکل می دهد و از نسلی به نسل دیگر به میراث نهاده می شود . فرهنگ سنتی که امروزه ما وارث آن هستیم و سبب ایجاد حس نوستالژی در جوامع می گردد ، همواره مورد توجه گردشگران قرار داشته است . گردشگران به مکان های که نشان از فرهنگ سنتی و اصالت مادی و معنوی دارند جلب می گردند و خواهان تجربه گذشته در جای جای نواحی هستند که سنت همچنان در رگ های آن جاری است.

## راهنمای گردشگری عمومی

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی پذیرش گردشگران در یک منطقه، نحوه تعامل فرهنگ جوامع محلی با گردشگران که به شکل آداب و رسوم و سنت‌ها رخ می‌نماید و ایجاد یک تجربه گردشگری برای گردشگران از این جوامع از جمله مسایل قابل تامل در گردشگری می‌باشد.

پذیرش گردشگر از سوی میزبان با سه دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه نخست پیامدهای اجتماعی مثبت و منفی گردشگری در جامعه را به تصویر می‌کشد. دومین دیدگاه با نگرشی کارکردی، نتایج مستقیم گردشگری از جمله عناصری مانند اخلاق، زبان و حتی بهداشت را مورد بررسی قرار می‌دهد. سومین دیدگاه تأثیرات فرهنگی نفوذ گردشگران در بازنگری مهارت‌ها و رسوم سنتی از قبیل صنایع دستی و آثار باستانی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

گردشگری امری دو سویه می‌باشد که همزمان سبب تعامل و تبادل در دو سو می‌گردد. انسان‌هایی با انگیزه‌های متفاوت که نیازها و آرزوهای آن‌ها برگرفته از فرهنگشان می‌باشد مرتبط می‌گردند. اینجاست که توسعه گردشگری به عنوان یک پدیده فرهنگی موجب ایجاد فرصت کافی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان شده و درک متقابل از فرهنگ یکدیگر و احترام بیشتر را به همراه خواهد داشت. فرهنگ نه به عنوان نقطه تقابل بلکه به عنوان نظام نمادهای یک جامعه تفسیر می‌گردد که جامعه می‌آفریند و به کار می‌برد تا خود را سامان دهد و به واسطه انطباق و سازگاری با محیط و کنش متقابل با دیگران تحرک یابد. با چنین تفسیری از فرهنگ کنش متقابل و رفتارها قاعده‌مند می‌گردد.

### منابع

برنز، پیترو، م، ۱۳۸۵، درآمدی بر مردم‌شناسی گردشگری، ترجمه هاجر هوشمندی، نشر افکار، چاپ اول، تهران. بنت، اندی، ۱۳۸۶، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، نشر اختران، چاپ اول، تهران.

شماعی، علی، نقش جهانگردی در فرایند همگرایی و توسعه فرهنگی کشورهای اسلامی، نامه پژوهش فرهنگی، شماره اول، سال نهم، ص ۱۰۴ - ۸۱.

فکوهی، ناصر، ۱۳۸۲، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، نشر نی، چاپ دوم، تهران. کاظمی، مهدی، ۱۳۸۲، تأثیرات فرهنگی جهانگردی بر جوامع، فصلنامه جهانگردی، شماره ۱، تهران، ص ۵۰ - ۳۹. گولتا، گولیمو، ۱۳۸۴، روان‌شناسی توریستی، ترجمه ی محمد حسن افضلی نژاد، تالار کتاب، چاپ اول، تهران. وای گن، چاک، ۱۳۷۷، جهانگردی در چشم اندازی جامع، ترجمه ی پارساییان و اعرابی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.

### توانایی پنجم

#### بررسی روحیات ملل

آشنایی با روحیات ملل: این رشته و اطلاع از خصوصیات ملل مختلف به اجرای مطلوب برنامه های جهانگردی و ایجاد تفاهم و مناسبات نزدیک بین جهانگردان و راهنمای جهانگردی کمک فوق العاده می نماید. در روحیات ملل از مباحث ارتباطات اجتماعی، جامعه شناسی، روان شناسی، مردم شناسی، جغرافیا، تاریخ و ... یاری گرفته می شود. روحیات ملل درباره روحیات، خصوصیات و رفتار ثابت ملت ها بحث می کند. برای نمونه زمانی که می گوئیم هوشمندی فرانسوی، دقت ژاپنی، تساهل هلندی و نظم آلمانی، باید بدانیم چه مواردی باعث به وجود آمدن این صفات و روحیات شده است.

با شناخت روحیات ملل مختلف می توانیم میزبان خوبی برای جهانگردان باشیم و صنعت توریسم را گسترش دهیم.

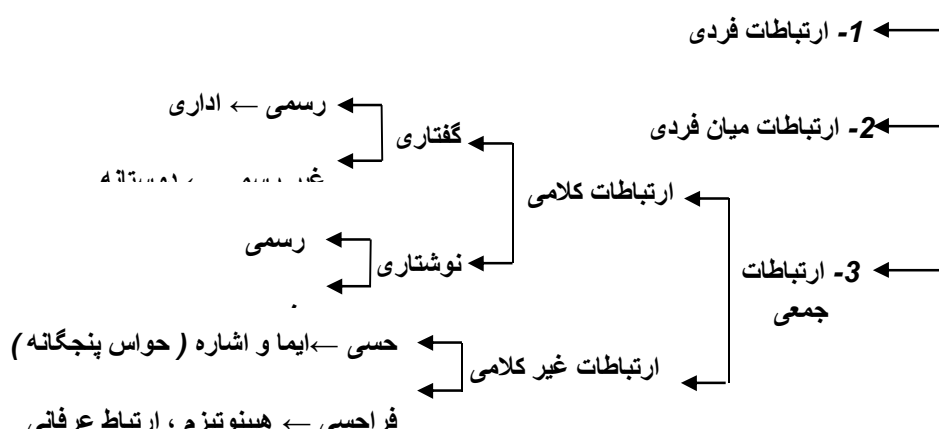
منابعی که در زبان فارسی برای مطالعه روحیه ملت ها وجود دارد عبارتند از:

۱- روح ملت ها، آندره زیگفرید، ترجمه احمد آرام

۲- خلیقات ما ایرانیان، سید محمد علی جمالزاده

## راهنمای گردشگری عمومی

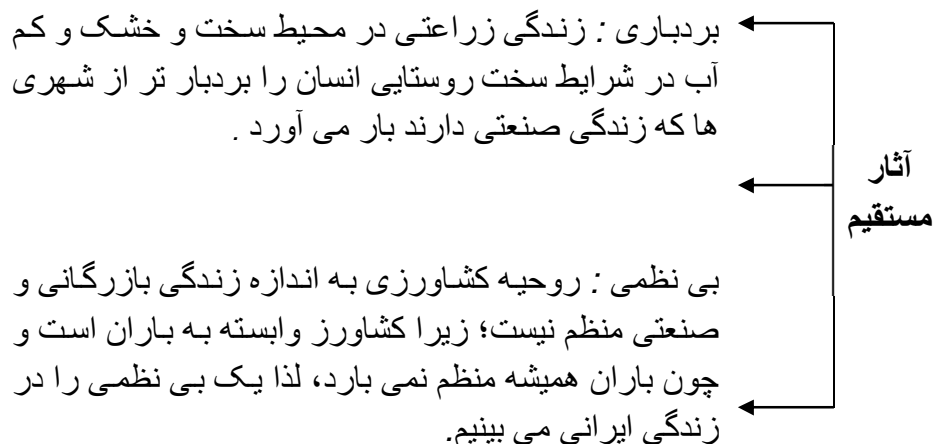
- ۳- جامعه شناسی خودمانی، حسن نراقی
  - ۴- روانشناسی اجتماعی ایران، دکتر علی محمد ایزدی
  - ۵- صدای گریه طفلان ز مکتب ها، کیومرث فلاحی
  - ۶- شهر خوبان، کیومرث فلاحی
  - ۷- ما چگونه ما شدیم، صادق زیبا کلام
  - ۸- یک سال در میان ایرانیان
  - ۹- سفرنامه ها منجمله سفرنامه شاردن
- در بحث شناخت روحیات ملل از انسان و ارتباطات انسانی سخن به میان می آید.  
به طور کلی ارتباطات انسانی را می توان به سه دسته زیر تقسیم نمود:



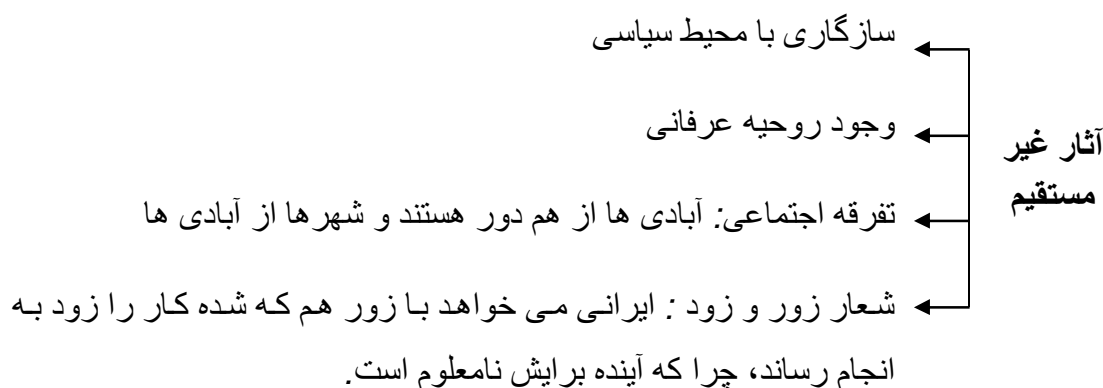
### معیشت اجداد ما

اگر برگردیم به ۵۰ سال پیش ۲۵٪ جمعیت در شهر و ۷۵٪ در روستا ساکن بوده اند. که برخی از این ۲۵٪ نیز از راه کشاورزی ارتزاق می کردند. اما ایرانی مزیتی را به دست آورد که کشورهای دیگر شبیه به آن فاقدش بودند، و آن دستیابی به قنات برای آبرسانی بوده است. همچنان که فرهنگ نیز در زبان فارسی یعنی قنات و کاریز نام گرفته است. این نشان دهنده آن است که قومی با فرهنگ است که استعدادهای نهفته را از دل زمین بیرون آورد. لذا کشاورزی خاص ایرانی اثرات روحی به خصوصی را در ایرانیان به جای گذارده که به دو بخش مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شود

## راهنمای گردشگری عمومی



### بر لب جوی نشین و گذر عمر بین کاین اشارت ز جهان گذرا ما را



### نظریه برخی جهانگردان درباره ایران

- ارنست رنان: حقا که ایرانیان طبع شاعرانه دارند و بسیار قناعت کارند.
- ۲- ولتر در مورد مشرق زمینیان و ایرانیان می گوید: آنها تقریباً همه بنده و غلام بودند. از خصایص بندگی و بردگی یکی هم این است که در همه چیز با اغراق و مبالغه سخن می گویند. به همین لحاظ علم بیان و فن فصاحت آسیایی به ویژه ایرانی، مهیب و وحشتناک است.
- ۳- شاردن سیاح معروف دوران صفویه در سفرنامه اش در مورد ایرانیان نوشته است:
- الف- بیش از هر چیز دلشان می خواهد زندگی کنند و خوش باشند.
- ب- باور نداند که عیش و عشرت را در حرکت و تکاپو و کارهای پر زحمت هم می توان به دست آورد.
- ج- بسیار مخفی کار و متقلب هستند.
- د- بزرگ ترین متملقین عالمند.

ه- در کارشان پرگویی و قسم و آیه را بسیار به کار می‌برند.

و- در خدعه و فریب مهارت دارند.

برای آشنایی با نظرات صاحب نظران جهانگردان و ایران شناسان در مورد روحیه ایرانیان منابع زیر قابل بررسی و اهمیت می‌باشند:

- المقدمه، ابن خلدون

- سفرنامه‌ها ( تا پخته شود خامی ) ، منوچهر دانش پژوه

- ایران از نگاه انیرانی، مهرداد جوانبخت

- سه سال در ایران، گنت دو گوینو

- بررسی فلسفه جامعه شناختی ایران، آن. لمبتون

- مالک و زارع در ایران، آن. لمبتون

- ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، سردنيس رایت

- انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، سردنيس رایت

- حاجی بابای اصفهانی، جیمز موریه

- بدون دخترم هرگز، بتی محمودی

**فرمول اصلی این است:**

انسان- زیست بوم ( اقلیم ، اقتصاد ، ابزار ، روش ( مدیریت و تعلیم و تربیت ) ) - فرهنگ رفتار اجتماعی-

شخصیت که از طریق توارث و محیط و ویژگی فردی شکل می‌گیرد.

انسان در یک محیط یا زیست بوم، فرهنگی را می‌سازد که رفتار اجتماعی او را شکل می‌دهد و رفتار اجتماعی به

نوبه خود شخصیت فرد را هم رقم می‌زند.

حال این سؤال پیش می‌آید: کدام صفات و روحیه ای تمدن ساز است؟ و چرا ملتی بر ملتی دیگر برتری می‌یابد و

پیروز می‌شود؟

از میان نظرات مختلف دو نمونه را ذکر می‌کنیم:

۱- نظریه ابن خلدون ( نمونه نظریه شرقی ) : آنچه باعث می‌شود ملتی بر ملتی دیگر برتری یابد ، عصبیت است و

این عصبیت باعث حرکت، ایجاد روحیه تسلط و پیروزی یک قوم بر قوم دیگر می‌شود. این روحیه نسل اول قومی

است که عصبیت دارد. نسل دوم این قوم، قدرت را استحکام می‌بخشد و سازمان می‌دهد و نسل سوم به شادی می

گراید و رو به شادکامی می‌آورد و کاری به نسل قبلی ندارد. نسل اول را نمی‌شناسد و توسط قومی که انگیزه و نبوغ

بیشتری دارد، شکست می‌خورد. عمر هر نسل به طور متوسط سی سال است.

۲- نظریه آرنولد توین بی : توین بی قبول ندارد که نژاد یا جغرافیا تنها عوامل تمدن ساز باشند.

الف- نژاد با تمدن رابطه مستقیم ندارد. یعنی نمی توانیم بگوییم فلان نژاد اصالتاً می تواند تمدن برتر باشد. هر نژادی می تواند تمدن ساز باشد.

ب- محیط جغرافیایی به خودی خود نمی تواند به وجود آورنده باشد و در هر محیطی تمدن می تواند به وجود بیاید.

ج- آنچه باعث می شود تمدن به وجود آید و قومی برتر شود، روح مبارزه طلبی با محیط است که باعث ساخت تمدن است.

### برخورد دو یا چند فرهنگ

دو یا چند فرهنگ در سه حالت می توانند با هم روبرو شوند :

۱- جنگ : که می تواند باعث برخورد فرهنگی و ایجاد تمدن باشد .

۲- تجارت و جهانگردی از این نوع است .

۳- مهاجرت .

گاهی برخورد فرهنگ ها منجر به انفجار فرهنگی می شود ؛ یعنی فرهنگ بزرگی به وجود می آید . مانند : پیدایش تمدن و فرهنگ اسلامی در قرون ۳ تا ۵ هجری .

### روحیات مردم انگلستان

انگلستان یک کشور پر باران است ، شاید این حالت باعث شده است که مردم این کشور در خانه یا مکانی سر بسته بمانند و مطالعه کنند . در برخورد اول ممکن است شما آن ها را مردم گریز بینید ، زیرا زود آشنا نیستند . از این نظر می توان گفت که درون گرا هستند . اما علاوه بر درون گرایی ، خیلی سخت کوش اند . سخت کوشی انگلیسی ، وجه غالب روحی آن هاست و بر اثر این سخت کوشی ، انگلستان به جایی رسید که گفتند آفتاب در انگلستان غروب نمی کند ؛ زیرا دامنه مستعمرات آن ها شرق و غرب را در بر گرفته بود . یکی دیگر از آثار فرهنگی و اجتماعی بریتانیا این است که رفتارهای متناقض و گوناگون دارند . بطور مثال از یک طرف بسیار مبادی آداب اشرافی هستند و به اتیکت خیلی اهمیت می دهند . در مهمانی شب به لباس خاص آن مهمانی توجه می کنند . آقایان رنگ کراوات را باید طوری انتخاب کنند که مشکل ایجاد نکند .

هیچ کس را تنها با لفظ آقا و خانم خطاب نمی کنند و حتماً به دنبال این الفاظ اسم او را هم می گویند ؛ زیرا خدمه را نیز آقا یا خانم صدا می زنند . با وجود اهمیت دادن به اتیکت ، بسیار مقتصد هستند ؛ یعنی خیلی مصرف گرا نیستند و در نهایت قناعت زندگی می کنند . از لحاظ اقتصاد کشاورزی و تولید لبنیات بسیار پیشرفته هستند و گوشت و لبنیات اروپا را تا چندی پیش ، از انگلستان تأمین می شد . تفاوت انگلیسی ها با سایر اروپاییان در این است که انگلیسی ها تنها کشور اروپایی هستند که قانون اساسی ندارند و برابر عرف رفتار می کنند و به همین خاطر است که به اتیکت هایشان بسیار اهمیت می دهند .

انگلیسی ها خیلی به آداب خودشان وابسته اند . در ارتباط با اتحادیه اروپا سرسختی نشان می دهند . به طبیعت علاقمندند ، به طوریکه بزرگترین باغ وحش دنیا در لندن است .

## راهنمای گردشگری عمومی

خرافات‌های ترسناک‌ترین کشور اروپا انگلستان است. هیچ کس اتاق شماره ۱۳ را در هتل‌ها کرایه نمی‌کند. نعل اسب، احضار روح، فال قهوه و شعبده بازی در این کشور طرفدارانی جدی دارد. نجیب زاده (Gentelman) در انگلستان کسی است که همهٔ اتیکت‌ها را داشته باشد. وقت شناسی فرد انگلیسی بسیار مشهور است و از این نظر اجرای برنامه‌های بازدید جهانگردی فوق‌العاده به مجری برنامه کمک می‌کند.

فرد انگلیسی به صبحانه اهمیت خاص می‌دهد و معمولاً صبحانهٔ خود را با آب سرد شروع می‌کند و قهوه و چای مورد علاقهٔ اوست و صبحانهٔ انگلیسی‌ها، غذاهایی مختصر مانند تخم مرغ و یا ماهی می‌باشد. انگلیسی‌ها به غذاهایی که از مواد دریایی تهیه شده باشد، علاقمندند.

با توجه به صفات خاصی که در بالا برای فرد انگلیسی ذکر شد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که اجرای برنامه‌های بازدید برای گردشگران انگلیسی به علت تمایلات خاص و نظم لازم در این ملت آسان است؛ ولی باید به این نکته توجه شود که برنامه‌های آنان باید کاملاً منطقی بوده و از روی برنامه و نظم خاص اجرا شود.

### روحیات مردم آلمان

آلمان با دو عامل در زمینهٔ فرهنگ معروف است:

۱- فلسفه: فلاسفه‌ای مانند هگل، مارکس، فویرباخ و نیچه.

۲- موسیقی منظم و کلاسیک غربی: مثل بتهون و باخ که از معروفترین آن‌ها هستند.

از نظر صنعت حرف اول را در اروپا و یا شاید در دنیا می‌زنند. آلمان را بعد از جنگ جهانی اول خانم‌ها ساختند و الآن هم زن‌های آلمانی را فعالتر از سایر زنان اروپایی می‌بینیم و حالت کدبانویی و آشپزی خانم‌های فرانسوی و ایتالیایی را کمتر در زنان آلمان می‌توان دید.

آلمان جزء کشورهای پیراست و از نظر رفاهی به کودکان و کهنسالان در این کشور اهمیت زیاد داده می‌شود. به تنوع غذا اهمیت نمی‌دهند (آلمان معروف به کشور سیب زمینی خورهایست، زیرا در جنگ جهانی دوم با کاشتن آن خود را از خطر مرگ و قحطی نجات داده‌اند). شهرداری در این کشور قدرت زیادی دارد و تمام خدمات شهری و شهروندی مثل حقوق معلمان و ساخت و ساز مدارس و... در دست شهرداری‌ها است. از لحاظ ابزار، ماشین مهمترین ابزار آن‌هاست. مواردی از قبیل لوکوموتیو، دستگاه چاپ، تلفن و... اختراع آلمانی‌هاست. بعد از جنگ جهانی دوم کمتر به هنر پرداخته‌اند و اکثر هنرمندان و هنرپیشه‌گان آن‌ها حین جنگ به آمریکا رفته‌اند، اما در زمینهٔ ادبیات نویسندگان برجسته‌ای دارند.

تدبیر آن‌ها این است که نظم، چه در بعد رفتاری و چه در بعد فکری، موتور حرکت افراد است (روز تعطیلی وحدت دو آلمان را حذف کردند تا یک درصد به اقتصاد کمک شود).

سن بازنشستگی در آلمان، زندگی دوباره است؛ زیرا بازنشستگان به مسافرت، امور هنری و... تشویق می‌شوند. علت مسافرت زیاد آلمان‌ها عبارتند از: بارانی بودن هوا و پولدار بودن.

شخصیت فرد آلمانی دارای وجوه زیر است:

۳- اعتماد به نفس

۲- مسئولیت‌پذیری

۱- نظم



## راهنمای گردشگری عمومی

- ۴- صداقت  
۵- رک گویی و صراحت بیان  
۶- عقل گرایی  
۷- روحیه کار جمعی  
۸- حیوان دوستی ( چون بچه ندارند )  
۹- سفر دوستی

### روحیات مردم فرانسه

کشور فرانسه سه ویژگی عمده دارد:

- ۱- غربی است. ۲- اروپایی است. ۳- مدیترانه ای است.
- زیست بوم فرانسه همان ویژگی های اروپای غربی را دارد ، اما با یک سری ویژگی های خاص برای فرانسوی ها که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۴۰ درصد گل های اروپایی می توانند در آنجا رشد کنند. یک چهارم ( ۱/۴ ) این کشور جنگلی است. ۱۰ درصد کشور ، مناطق حفاظت شده است. ۶ پارک ملی دارد که پیدایش آن ها به خاطر ایجاد محیط اکولوژیک مناسب برای رفع آلودگی محیط صنعتی آن کشور است.
- فرانسوی ها دوست دارند که خود را آزادیخواه نشان دهند. خیلی روی زبان فرانسه متعصب هستند . انگلیسی را یاد می گیرند اما سعی می کنند غیر از فرانسه صحبت نکنند. در اروپا هر کسی که زبان فرانسه را می داند، با شخصیت است فرانسه در هنر زبانزد است ، بطوریکه بزرگترین گالری های هنری و موزه ها را دارد .
- آشپزی برای فرانسوی ها یک هنر است . به صبحانه چندان اهمیت نمی دهند و غذای اصلی آنان شام است. بیفتک غذای ملی فرانسه است و آشپزی فرانسوی شهرت جهانی دارد . آنان سعی کرده اند آشپزی را در خدمت صنعت توریسم در آورند . غذاهای جدید را اختراع کرده اند که باب طبع مردم دنیا باشد . پای سفره و سر میز شام بحث می کنند و گپ می زنند . یک شام رسمی حدود ۲ ساعت طول می کشد . فرانسوی ها سعی می کنند که خرج و دخلشان را با هم تطبیق دهند . از قرض بدشان می آید. پدر نقش مهمی در خانواده فرانسوی دارد . مقتصد هستند و وقتی پولشان زیاد شد ، آن موقع بلند پروازی می کنند . حس همکاریشان با هم خوب است . سعی می کنند حقوق فردی را محترم بشمارند و بسیار اهل تحقیق هستند . ادبیات فرانسه به ویژه رمان نویسی در جهان معروف است .

### ایتالیا

افرادی آتشین مزاج ، شوخ و اهل تفریح و خوشگذرانی هستند . قدرت انتقاد و سرکشی شدید دارند که پایه آن همان آتشی بودن و حرارت درونی افراد آن است . اعتصاب متعدد سالیانه در ایتالیا مؤید این نظر می باشد . فرد ایتالیایی از مقررات و تشریفات گریزان است و در زندگی پیرو همکاری و مساعدت حتی در زمینه های خلاف قانون می باشد . به شکم اهمیت خاص می دهد . از برنامه های طولانی گریزان است و روح فرمانبرداری و اطاعت در او وجود ندارد . در مقابل مشکلات بسیار پر جنب و جوش است ولی به همان نسبت نیز سریعاً آرام و خاموش می گردد .

## راهنمای گردشگری عمومی

اهل استقامت و بردباری نیست و از نظر وی لحظه و زمان فعلی اهمیت بیشتری دارد. شوخ مزاج و همراه است ولی هر آن ممکن است که دوستی را فراموش نموده و حتی تبدیل به دشمن سخت شود. به همان نسبت که امکان دارد مجدداً دوست و رفیق بسیار صمیمی گردد.

فرد ایتالیایی اصولاً قابل اطمینان و اعتماد نیست؛ لذا همیشه نسبت به دیگران به علت وجود این خصیصه حالت دفاعی و احتیاط دارد. بطور کلی اجرای تور ایتالیایی مشکل تر از سایر ملل است و راهنمای تور باید مدام دنبال فعالیت های او باشد و توجه بیشتری مبذول نماید؛ زیرا فرد ایتالیایی استعداد خاص در تشویق و ترغیب سایرین به اعتصاب و به هم زدن برنامه ها دارد. به هیچ وجه وقت شناس نیست؛ لذا از تأخیر و تغییر برنامه ها ناراحت نمی شوند و سریع اعتراض می نمایند ولی به همان سرعت نیز خاموش می شوند. بطور کلی اجرای برنامه های بازدید ایتالیایی محتاج دقت و توجه خاص است.

### هلند: آسان گیری و تساهل

نژاد هلندی و آلمانی تقریباً یکی است. زبان هلندی به زبان آلمان شبیه است. مردم نژادهای دیگر در هلند، مراکشی ها و ترک ها هستند. زیست بوم هلند پرآب و مستعد برای پرورش گل است. بزرگترین باغ گل جهان در آمستردام نزدیک لاهه است.

روزی که لاله از ایران به عثمانی و از عثمانی به هلند رفت، تبدیل به یکی از جشن های آن ها شده است. کارناوال (جشن) گل هلند در اردیبهشت ماه برگزار می گردد.

هلندی ها خود را عادل می دانند و به حقوق فردی احترام می گذارند، به همین دلیل دادگاه لاهه برای منازعات بین المللی است. اما وجه مشخص هلندی ها آسان گیری است. اما پیش گیری را هم در نظر دارند تا از آسان گیری لطمه نخورند.

هر چیزی که در آلمان ممنوع است، در هلند آزاد است. مثل خودکشی های اختیاری (موقع مرگ مغزی)، فروش آزاد مواد مخدر در سوپرمارکت ها (اما تعداد معتادین هلند کمتر از بقیه اروپاست). اما تنها کشوری است که پلیس هر زمان که بخواهد، بدون حکم وارد منزل کسی می شود.

ملت هلند از آب کره می گیرند. دهها نوع محصول لبنی دارند. هلند یک کشور کاملاً صنعتی است. کشاورزی و دامپروری مکانیزه دارند. معروف است که هلندی ها کشورشان را از آب گرفته اند (یعنی دریا را خشک کرده اند). اسطوره پطروس.

### سوئیس

سوئیس ها با همه دنیا فرق دارند. یکی از مشخصات روحی سوئیس ها بی طرفی آن هاست. (صلیب سرخ) و به همین علت کشورشان سالم و امن بوده و سرمایه های دنیا را در خود جمع می کنند.

این بی طرفی در آموزش آن‌ها دیده می‌شود؛ یعنی مدارس از لحاظ نظام‌های مختلف آموزشی بی طرف اند. در سوئیس چندین زبان وجود دارد. چون جمعیت کم است، برای هر کاری از مردم نظرخواهی می‌شود. مثل تغییر مکان یک پل.

در سوئیس باید به وجود نظم دقت کرد. اگر کسی ما را به خانه‌اش دعوت کرد نه زودتر برویم و نه دیرتر. سعی نکنید جواهرآلات و ماشین خود را به رخ آن‌ها بکشید، چون به این چیزها اهمیت نمی‌دهند.

زمان غذا خوردن سوئیسی‌ها کمی با دیگران فرق می‌کند. به ناهار، شام می‌گویند و آن را دیرتر می‌خورند (۳ بعدازظهر)، شام را نیز دیرتر می‌خورند و به آن شب چره می‌گویند.

مردم سوئیس با اتیکت و مهربان هستند و به نظافت خیلی اهمیت می‌دهند.

منطقه سرد کوهستانی سوئیس در زمستان از نقاط جالب توریستی برای ثروتمندان دنیا جهت اسکی است.

ساعت ساخت سوئیس معروف است. از لحاظ اقتصادی صنعتی هستند و در بانکداری قوی هستند.

### دقت ژاپنی (در وقت شناسی همانند انگلیسی‌ها و از نظر نظم مانند آلمانی‌ها هستند).

ژاپنی‌ها از نژاد زرد هستند. از لحاظ آب و هوایی ژاپن پرآب، مرطوب و بارانی است و با جزیره‌های جدا جدا، کم‌خاکی، زلزله، آتشفشان و خط سیل دست به گریبان هستند.

از نظر معیشتی مردمی با پیشینه کشاورزی بوده‌اند ولی اکنون صنعتی و فوق مدرن هستند. اکنون ابزارهای ماشینی روبات و دیگر ابزارهای فوق مدرن را در اختیار دارند.

ژاپن در ردیف مذهبی‌ترین کشورهای دنیا است. آنقدر مذهبی و سنتی هستند که تا روحانی نیاید و دعایش را نخواند، پی هیچ ساختمانی را نمی‌ریزند. برای ویروس‌های کامپیوتر خود نیز دعا ساخته‌اند.

مثل ما عید مردگان دارند. به علت کمبود زمین، مرده‌های خود را می‌سوزانند. مردمی سازگار و قابل تطبیق با محیط هستند. در زمان شکست، خودکشی از وظایف و میراث سامورایی‌ها بوده. ارتباط غیر کلامی در فرهنگ ژاپنی بسیار کاربرد دارد. اگر یک ژاپنی بخواهد خبر مرگ دیگری را به کسی بدهد، باید این کار را با خنده انجام دهد. تعظیم‌ها معانی مختلفی دارند.

در فرهنگ ما، "هیس کردن" برای ساکت کردن به کار می‌رود و عملی غیر محترمانه است، ولی در ژاپن این کار عملی محترمانه است و تأکید را می‌رساند.

ژاپنی‌ها تجمل پرست و مصرف‌گرا نیستند. از ویژگی‌های فرهنگی ژاپنی‌ها دقت آن‌ها است.

خیلی به خارجی‌ها با کنجکاوی نگاه می‌کنند. ایرانی‌های مقیم ژاپن چندان خوشنام نیستند (شرارت و کارهای خلاف عرف). درباره مسائل شخصی افراد و سردرآوردن از کار کسی خیلی سؤال می‌کنند و این به دلیل روح کنجکاوی آن‌ها است. به ندرت انگلیسی را خوب می‌دانند. تا با آن‌ها شروع به حرف زدن نکنی، آن‌ها شروع نمی‌کنند. آنطور که فکر می‌کنید دوست ندارند با شما حرف بزنند. تواضع را یک ارزش می‌دانند لذا به یکدیگر تعظیم می‌کنند. ژاپنی‌ها عادت دارند بابت هر موضوعی هدیه بدهند یا بگیرند و مثل ما پول هدیه می‌دهند.

## راهنمای گردشگری عمومی

عادت دارند برای هر مناسبتی کارت پستال بفرستند و این عادت به قدری شدید است که هر خانه دو صندوق پستی دارد. به مشتری خیلی اهمیت می دهند. مشتری گرایي از ویژگی های معروف ژاپنی هاست و یک عبارت معروف دارند: "جناب مشتری، جناب خداست."

مبادی آداب هستند. کمی تعارفی هستند. مستقیماً نه نمی گویند که کسی را بیازارند. تودار هستند و عاطفه شان را بروز نمی دهند. مثلاً در موفقیت زیاد خوشحالی نمی کنند و هنگام شکست هم ممکن است که بخندند. خیلی مطابق آداب و سنن رفتار می کنند.

در ژاپن در کلاس های دبستان و دبیرستان، سیاست، جنگ و مسائل عقیدتی تدریس نمی شود؛ اما در زندگی اجتماعی نقش مذهب بسیار پررنگ است.

خیلی مسئولیت پذیرند. اگر کاری به آن ها ارجاع شود، حتماً انجام می دهند. میانگین خوابشان کمتر از ۵ ساعت است و به پیشینه خود و شرکتشان اهمیت می دهند. اگر مشکلی پیش بیاید، صاحب کار خود را مسئول می دانند. هنگام استخدام توصیه را نمی پذیرند و مصاحبه می کنند. اگر قراردادی با ژاپنی ها می بندید، ضامنتان باید یک فرد ژاپنی باشد. ۲ بار در سال (از ۳ روز تا یک هفته) تعطیل همگانی دارند و به سفر می روند. در تعطیلات به دیدار اهل قبور، مهمانی و جدید تر هم به سفرهای خارجی می روند. یکی از خصوصیات ژاپنی ها فرمانبرداری از قانون است. دقت ژاپنی ها به حدی است که گوشه برجسته اسکناس برای درک بهتر نابینایان طراحی و مشخص شده است. ژاپنی ها بسیار محتاط هستند. هنگام عزا به صاحب عزا پول می دهند. در دبستان ها و دبیرستان ها، نظافت مدارس به عهده دانش آموزان است. حساب خرج و مخارج را دارند. در غذا بسیار کم و در مصرف مشروبات الکلی (ساکای) بسیار محتاط هستند.

به بحث و گفتگو و رسیدن به عمق مطالب بسیار علاقمندند. لذا راهنمای جهانگردی باید بسیار با اطلاع و دقیق باشد. بر خلاف آلمان ها موقع غذا خوردن با هم حرف می زنند. آن ها رنگ شاد را دوست دارند و به همین خاطر خیلی علاقمندند که در دامان طبیعت غذا بخورند.

### چین

چینی ها ملتی هستند که همه چیز می خورند و غذاهای دریایی و آبزیان در اولویت هستند و کمتر گوشت می خورند.

زیست بوم چین محیطی استوایی است. مفهوم خانواده و قداست آن برای چینی ها بسیار مهم است. اصولاً یک چینی را بدون خانواده اش نمی توان تصور کرد. انضباط در خون چینی هاست. چینی ها هوشمند هستند، اما هوش آن ها هوش فردی نیست، بلکه هوش جمعی است. یعنی ممکن است از یک چینی هوش سرشاری نبینیم، اما وقتی در یک گروه قرار می گیرد، خیلی خوب و هوشمندانه امور را پیش می برد. تاریخ چین در ۷۰۰ سال گذشته شبیه ایران بوده است. حمله مغول به هر دو کشور همزمان صورت گرفت. همزمان با دوره صفویه در ایران، سلسله قدرتمندی در چین حکومت می کرد. روند اصلاحات در چین همزمان با پادشاهی ناصرالدین شاه و محمد شاه در ایران انجام شد و مانند ایرانیان در این تاریخ دانشجو به اروپا فرستادند.

دو کشور در دنیا بیشترین ذخیره ارزی را دارند که عبارتند از چین و تایوان ( که هر دو چینی اند ). سابقه خط و زبان چینی به بیش از ۴۰۰۰ سال می رسد و هنوز خط آن ها در مرحله نیمه تصویری قرار دارد و تغییر مراحل تکامل زبان در این کشور آنقدر نیست که نتوان متون هزاران سال پیش را خواند . با توجه به وسعت چین ، خط تنها مایه وحدت انسان های چینی در نقاط مختلف چین بوده است . در چین چیزی به عنوان مذهب مثل غرب و اروپا دیده نمی شود . آن ها به خدا اعتقاد نداشته و اعتقاد آن ها به آسمانی است که زمین را کنترل می کند . اعتقاد دارند در دنیا برای هر چیزی متضادی وجود دارد و چیزی که دنیا را اداره می کند ، برقراری رابطه بین تضادهاست . چینی ها اعتقاد پر ریشه ای به تناسخ ارواح دارند. آن ها معتقدند خوب بودن باعث می شود که هنگام خلقت مجدد ، انسان به صورت انسان آفریده می شود نه به صورت حیوان و یا اشکال دیگر . آیین های اصلی چینی ها عبارتند از : کنفوسیوس و دائوئیست. آیین بودا از طریق هند وارد چین شد و در تبت بزرگترین فرقه بودایی را می توان یافت . مذهب بودایی پیش از آنکه بر کنفوسیوس و دائوئیست تأثیر بگذارد ، از آن ها تأثیر می گیرد . چینی های بودایی می گویند : " ما کنفوسیوسی هستیم که بودا را هم قبول داریم ."

دین اسلام در ترکستان چین دیده می شود . ۵ درصد جمعیت چین که معادل هشتاد میلیون نفر است ، مسلمانان سنی حنفی هستند که بنا بر نوع سیستم حکومتی چین بسیار تحت کنترل هستند و توریست های مسلمان غرب آسیا به سختی می توانند به این نواحی سفر کنند . اسلام از طریق بازرگانی ایرانی به چین راه یافت . نیت نماز مسلمانان چین به زبان فارسی است .

حدود ۷ درصد جمعیت چین زیر خط فقر هستند و به خاطر تک فرزندی بودن ، نسل لوسی در حال شکل گرفتن است. یادگیری زبان خارجی برای آن ها مشکل است . روز تعطیلی در چین " یکشنبه " است . برخی کلمات فارسی رایج در زبان چینی: بازار ، شیر ، خداآمرزد .

چین یک کشور خودکفا بوده و چینی ها خود را بهترین ملت دنیا می دانند .

### مالزی

اقوام مالزیایی از نژاد زرد هستند . آب و هوای مالزی شرجی و مرطوب است و برای ما ایرانیان سخت و آزار دهنده . روحیه مردم مالزی روحیه سخت کوش و مقلد مثبت در آسیای دور است . ( امسال با پارسال از لحاظ پیشرفت صنعتی متفاوت است .)

این کشور از لحاظ توجه به مدرنیته و پیوند سنت با آن ، بسیار موفق بوده است . مردم هم فرایض دینی را انجام می دهند و هم صنعت و دموکراسی غربی را بومی کرده اند . دانشگاه ها را ارتقا بخشیده اند . سیستم آموزشی در این کشور انگلیسی است . دولت مالزی توانسته است نخبه هایی مثل " ماهاتیرمحمد " را جمع کند . سیستم حکومت مالزی پادشاهی است . اما با همه پادشاهی های دنیا فرق دارد . ۹ شاه دارد که هر چند سال با رأی گیری یکی از آن ها را انتخاب می کنند ، اما قدرت نخست وزیر بیشتر است . عملکرد بخش خصوصی در این کشور بسیار توانمند

## راهنمای گردشگری عمومی

است. برج مالزی بعد از برج میلاد در چین دومین برج آسیاست و سر در آن را اصفهانی ها کاشیکاری کرده اند. در مالزی سطح درآمدها به هم نزدیک است. مسابقات قرائت قرآن و نمایش طرز انجام مناسک حج از مواردی است که برای اولین بار مالزی ها ابداع کردند و به بقیه کشورهای مسلمان یاد داده اند. بزرگترین جشن آن ها عید فطر و عید قربان است. بسیار خونگرم هستند و ایرانی ها را دوست دارند. پذیرش سنت و مدرنیته به صورت مداوم، از ویژگی های مردم مالزی است. خانم های با حجاب و بی حجاب در کنار هم کار می کنند اما قواعد اخلاقی به شدت رعایت می شوند سیگار کشیدن در معابر عمومی ممنوع است. زبانشان مالزیایی است و انگلیسی نیز در بین آن ها رایج است. در مالزی قبایلی وجود دارند که دو نسل عقب تر آدمخوار بوده اند. اما پس از ۲۰۰ سال چنین پیشرفت کرده اند. به تحصیلات و خرید خیلی علاقمند هستند (مخصوصاً اگر تحصیلات در انگلستان انجام شود). به خاطر پیشرفتشان بسیار متعصب و ناسیونالیست های سختی شده اند. از چهار سالگی انگلیسی را یاد می گیرند و جوانانشان به هنر بسیار علاقمند هستند.

### هند

هند بعد از هالیوود بزرگترین صنعت فیلم سازی را دارد که بالیوود نام دارد و از لحاظ تعداد ساخت فیلم در سال در دنیا اول است. مردم در سینما فیلم ها را سرپایی می بینند. جامعه هند سعی نموده خود را با دنیای جدید وفق دهد، به همین علت هند با فرار مغزها روبرو نیست، بلکه صادر کننده مغزهاست. دخترها یک کامپیوتر به عنوان جهیزیه با خود به خانه شوهر می برند. اهل تعارف نیستند. زبان انگلیسی و پارلمان را، انگلیسی ها به هند آموختند. (وقتی انسان حافظه تاریخی نداشته باشد و از گذشته درس نگیرد، حافظه اقتصادی و اجتماعی نیز نخواهد داشت.)

### ترکیه

ترک ها از نژاد خاصی نیستند. آن ها اختلاطی از آریایی ها، اقوام قبل از آریایی ها، ترکان مهاجر عثمانی، اعراب، مردم شمال اروپا و یونان هستند. ترکیه از لحاظ آب و هوایی و مناطق شمال و جنوب شباهت زیادی به ایران دارد. فقط کویر ایران را ندارد. معیشت آن ها از طریق کشاورزی است و جدیداً خدمات و صنعت افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۵ میلیون نفر از ترکیه بازدید کردند. روحیه غالب آن ها، روح نظامی است، که سختکوشی را باید به آن اضافه نمود. در وهله اول احساس می کنید که بلند صحبت می کنند ولی بعدها عادت خواهید کرد. سلیقه ترک ها به ایرانیان نزدیک است. اصل خیلی از لغات ترکی استانبولی، فارسی است. آبدست (وضو)، بد دعا (نفرین)، پیغمبر (پیغمبر)، آویزه (لواستر)، خسته خانه (بیمارستان)، نماز (نماز)، همشیره (پرستار)، عجزخانه (داروخانه)، چارشی (چارسوق). ترک ها حنفی مذهب هستند و ابوحنیفه ایرانی بوده است.

## راهنمای گردشگری عمومی

آتاتورک اصالتاً یونانی است. تنها سفر رضاشاه به ترکیه بوده است که مجسمه اش در یکی از میدان های استانبول ( میدان تقسیم ) هنوز وجود دارد . رضاشاه از آتاتورک ، و امان الله خان (پادشاه افغانستان) از رضاخان تقلید کرد و هریک نسبت به مقدار تقلیدشان ، در تغییر جامعه موفق بوده اند . ترک ها کمتر به ایران می آیند و کمتر از یک درصد توریست های ایرانی اهل ترکیه هستند و بیشتر توریست های ترکیه ، ایرانی هستند (حدود ۱۹ درصد) .

### اعراب

افرادی مقاوم و حرارتی هستند و به همین درجه نیز افرادی کم توقع و غیر منتقد می باشند . با کمترین خدمت و بذل توجه ، بسیار سپاسگزار می گردند و به همین دلیل است که میزان رضایت و خرسندی در میان این قوم بسیار آسان است . سریع دوست می شوند و دوستی را بسیار نزدیک می نمایند و هنگامیکه از کسی نفرت پیدا نمایند ، تبدیل به دشمنی خطرناک و خونی می گردند . تعصب در میان این ملت عجیب است . بطوریکه با ایراد یک کلمه و یا جمله نامناسب ، احتمال عکس العمل شدید و گاه خطرناک می رود . آزادی برای آنان چندان اهمیت ندارد ولی هنگامیکه به آن برسند ، حد و حدودی را برای آن قائل نیستند . نسبت به زن و رفتار وی بسیار ابتدایی و خشک فکر می کنند ؛ لذا استفاده از خانم ها برای راهنمایی تور اعراب مناسب نمی باشد . اعراب به شکم اهمیت خاص می دهند ؛ لذا در اجرای بازدید گروه های عرب باید به این نکات توجه گردد .

### توانایی ششم

### آشنایی با صنایع دستی ایران

#### کلیات

#### چگونگی پیدایش صنایع دستی

در حدود ۸۰۰۰ سال قبل که به عصر «نوسنگی» معروف است، مردمی در منطقه وسیعی در آسیای جنوب غربی زندگی می کردند که برای نخستین بار در گروه های کوچک جمع آمده، در یک مکان ساکن شدند و اولین دهکده ها را به وجود آوردند. آثار به دست آمده از دوران پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی، گواه بر فعالیت انسان در ساخت ابزار و وسایل سنگی است. ابزارهایی چون تیغه های دنداندار و به شکل های مختلف هندسی در مکان هایی مانند بیستون و غارهای هوتو و کمر بند به دست آمده است. انسانی که یاد گرفته بود با کاشتن دانه های خوراکی مقدار بیشتری از آن را به دست آورد، ناگزیر بود آن را در جایی ذخیره کند. او ظرف هایی را می خواست که در برابر گرما و رطوبت هوا مقاومت داشته باشد و غلات، در آن فاسد نشود. از این رو انسان دوران نوسنگی با الهام از همان شکل های طبیعی و با آمیختن آب و خاک، اولین ظرف های سفالی را ساخت.

#### تعریف صنایع دستی

صنایع دستی که هم می تواند، حالت کارگاهی و هم حالت خانگی داشته باشد، همانند صنایع کوچک قابلیت استقرار در شهر و روستا را دارد، بدون نیاز به فن آوری پیشرفته، بیشتر متکی به تخصص های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مصرفی آن در داخل کشور قابل تهیه می باشد. افزون بر این، صنایع دستی هر دو ویژگی مصرفی و هنری را داشته، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده نیز هست و در مجموع آن را یک «هنر-صنعت» نامیده اند.

#### صنایع سنگین

صنایع سنگین زمینه ساز توسعه اقتصادی هر کشور است و از آن به عنوان «صنایع مادر» نیز یاد می شود؛ نیازمند سرمایه گذاری بسیار زیاد، ماشین آلات و تجهیزات عمده نیروی انسانی و برخوردار از تخصص های فنی می باشد.

#### صنایع سبک

صنایع سبک در مقایسه با صنایع سنگین، نیازمند تجهیزات و به همان نسبت سرمایه کمتر و نیروی انسانی با تخصص های نسبتاً پایین است. لازمه استقرار آن، بهره گیری از ماشین آلات خودکار و نیمه خودکار است.



### ویژگی های صنایع دستی ایران

- الف) صنایع دستی ایران محملی برای میراث فرهنگی و هنری این مرز و بوم است که ریشه در اعتقادات مذهبی و باورهای قومی و نیز قوه ابتکار و خلاقیت استادکاران ایرانی دارد.
- ب) امکان تأمین قسمت عمده مواد اولیه مصرفی از منابع داخلی؛
- ج) همانند و شبیه نبودن این فرآورده های تولید به یکدیگر؛
- د) انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به وسیله دست و ابزار و وسایل دستی؛
- ه) خود مصرفی بودن بخش عمده تولید و برآورده ساختن نیازهای داخلی؛

### ویژگی های صنایع دستی از نظر اقتصادی

۱. سهولت ایجاد مراکز تولید؛
۲. بی نیازی به سرمایه های کلان؛
۳. اشتغال زا بودن این «هنر - صنعت»؛
۴. وجود ارزش افزوده بالا؛
۵. جنبه های کاربردی و تزئینی؛
۶. داشتن زمینه ای مناسب برای جلب جهانگرد و صادرات؛

### طبقه بندی صنایع دستی ایران

- |                           |                               |
|---------------------------|-------------------------------|
| ۱) طراحی سنتی و نگارگری   | ۲) سفالگری و سرامیک سازی      |
| ۳) بافته های داری         | ۴) نساجی سنتی                 |
| ۵) شیشه گری               | ۶) هنرهای مرتبط با فلز        |
| ۷) هنرهای مرتبط با چوب    | ۸) رنگرزی و چاپ سنتی          |
| ۹) صحافی و جلد سازی سنتی  | ۱۰) آثار لاکه و روغنی         |
| ۱۱) رودوزی ها و بافتنی ها | ۱۲) سنگ تراشی و حکاکی روی سنگ |
| ۱۳) حصیر بافی             | ۱۴) فرآورده های پوست و چرم    |
| ۱۵) سایر صنایع دستی       |                               |



### دستباف های سنتی

#### دستباف

آنچه به وسیله دست یا به کمک وسایل ساده بافته می شود، «دستبافت» نامیده می شود.

#### بافته های دستی

الف ( بافته های دستگاهی

ب ( بافته های داری

#### بافته های دستگاهی و بافته های داری

بافته های دستگاهی محصولاتی است که با کمک دستگاه های بافندگی دو وردی، چهار وردی، ژاکارد و نظیر آن ها تولید می شود؛ مانند پارچه های ساده و نقش دار، زری. بافته های داری، دستباف هایی است که با کمک دارهای افقی و عمودی بافته می شود. این محصولات، دو دسته اند: بافته های داری پرز دار، مانند قالی و بافته های داری بدون پرز، مانند گلیم .

#### دستگاه های بافندگی پارچه

الف) دستگاه های بافندگی ساده باف : که به آن ها دستگاه های «دورد دار» نیز می گویند، برای بافت پارچه هایی با نقوش هندسی و راه راه به کار می رود .

ب ( دستگاه های بافندگی دستوری و ژاکارد : برای بافت انواع پارچه با نقوش غیر هندسی استفاده می شود؛ مانند دستگاه های ترمه بافی، زری بافی و مخمل نقش برجسته .

#### برخی از پارچه های سنتی ایران

الف) شعر	ب) کرباس	پ) زری
ت) ترمه	ث) مخمل	ج) جاجیم

#### بافته های داری

الف) بافته های داری پرزدار، مانند انواع قالی ها و گبه؛

ب) بافته های داری بدون پرز، مانند انواع گلیم؛

### قالی

قالی، بافته ای است از هزاران گره کوچک که به مدد سرپنجه های قالبیافان هنرمند بر خامه و نخ، زده می شود تا محصولی ساخته و پرداخته شود که علاوه بر جنبه های مصرفی، هنر را در مقیاس وسیع، مطرح و متجلی سازد.

### مصالح و وسایل مورد نیاز در قالببافی

مصالح: پنبه، پشم، ابریشم

وسایل: دار قالی، قلاب، کاردک، سیخ پودکشی، دفه و دفتین، شانه، قیچی، نقشه قالی

### انواع دار

الف) دار افقی

ب) دار عمودی

دار افقی: دستگاهی است بسیار ساده که به موازات زمین، به فاصله ۳۰ سانتی متری نصب می شود و شامل دو قطعه چوب استوانه ای با طول ۱/۵ برابر عرض قالی مورد نظر است که در بالا و پایین قرار می گیرد و سر اضافی آن به وسیله چهار عدد میخ چوبی یا فولادی بزرگ که در زمین کوبیده شده، مهار می گردد.

دار عمودی: که شکل تکامل یافته دارهای ابتدایی است، چارچوب مستطیل شکلی دارد که به طور عمودی بر سطح زمین مستقر می شود. این نوع دار از دو عدد چوب استوانه ای صاف و محکم که به طور موازی یکی در بالا و یکی در پایین قرار دارد و دو عدد چوب دیگر که حالت ستون های دستگاه را دارند (راست روها) تشکیل شده است.

### گوه، چوب کوچی و چوب هاف

گوه: قطعه چوب گونیا شکلی است که برای محکم کردن دو طرف زیردار، در شکاف پایین راست روها کوبیده می شود. در موقع شل کردن چله ها و پایین کشی قالی گوه ها را بیرون می آورند.

چوب کوچی: چوبی است استوانه ای شکل به اندازه عرض دار قالی که برای تنظیم و تفکیک نخ های چله و جلوگیری از کجی قالی به کار می برند.

چوب هاف: باریک تر از چوب کوچی است، در بالای آن قرار می گیرد و در زمان پود دادن برای زیر و رو کردن چله ها از آن استفاده می شود.

### سیخ پودکشی، دفه و دفتین و شانه

سیخ پودکشی: تسمه فلزی نازک و باریکی است که سر آن حالت قلاب دارد و برای پودکشی در روش بافت ترکی از آن استفاده می شود.

## راهنمای گردشگری عمومی

دغه و دفتین : ابزارهایی هستند که برای کوبیدن پود و ریشه های بافته شده از آن ها استفاده می شود. در روش فارسی از نوع سنگین آن که پره های بیشتری دارد استفاده می شود که به آن «دفتین» می گویند. در روش ترکی نیز «دغه» به کار می برند .

شانه : وسیله ای است که برای کرک گیری و جلو کشی ریشه های زده شده در حین بافت به صورت شانه کردن به کار می روند .

### مراکز مهم تولید قالی در ایران

- ۱) قالی با چله ابریشم : در شهرستان های اصفهان، قم، ساوه، مراغه، زنجان و بناب بافته می شود.
- ۲) قالی با چله نخی ظریف : در شهرستان های اصفهان، تبریز، نایین، کرمان، کاشان و بیجار تولید می شود.
- ۳) قالی با چله نخی نسبتاً ظریف : در اراک، چهار محال و بختیاری، مشهد، سبزوار، سیستان و بلوچستان تولید می شود.
- ۴) قالی با چله نخی و پشمی : در میان عشایر ایران، قشقای ها، بختیاری ها، ایل بوییر احمد و ترکمن ها رواج دارد.

### گبه

واژه گبه به معنی «زمخت و درشت» نام مشهورترین فرش اصیل درشت بافت عشایری است. بافتن گبه با طرح های ذهنی و ابتکار هندسی و نقشهای حیوانات به ویژه شیر، پلنگ، اسب، گوزن و انسان انجام می شود . پشم مصرفی در بافت گبه خودرنگ است و معمولاً از سه تا چهار رنگ تجاوز نمی کند.

### گلیم

در ابتدا به جامه درشت پشمین، گلیم می گفتند ولی در حال حاضر، گلیم، بافته ای است ، داری و بدون پرز که با نخ پشمی، پنبه ای یا کنفی، با درگیری تار و پود بافته می شود. به این ترتیب که از نخ پنبه ای به عنوان تار و از نخ پشمی رنگارنگ، به عنوان پود استفاده می شود. در گلیم بافی، نقشه کاربرد چندانی ندارد. گلیم های هر منطقه طرح و رنگ ویژه ای دارد که با توجه به آن از بافته های مناطق دیگر مجزا می شود .

### قلمکار

از بررسی هنر ایران، از گذشته های دور تا به امروز این نکته برداشت می شود که صنایع دستی در طول تاریخ، با وجود فراز و فرودهای بسیار، جریانی پیوسته داشته است ولی هرگاه مورد حمایت قرار گرفته و از سازماندهی و مدیریت خوب برخوردار بوده است توانمندی خود را بهتر و گسترده تر به نمایش گذاشته است و هنرمندان، آثار

ماندگار و ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته اند. یکی از درخشان ترین این دوره ها، روزگار صفوی و به ویژه به هنگام پایتختی اصفهان در سده های یازدهم و دوازدهم هجری بوده است. در روزگار یاد شده، هنرهای صناعی ایران در اصفهان-قطب صنایع دستی و پایگاه رفیع هنرهای صناعی-توان بالای خود را در زمینه های گوناگون از آبگینه و سفالینه، زیراندازهای سنتی، نساجی و چاپ، کاشیکاری، هنرهای مرتبط با چوب، نگاره های فلزی و... به ثبت رسانده است.

گروه فرهنگ و صنایع دستی بر آن است تا با نوشتارهایی پی در پی، خوانندگان خود را با هنرهای اصفهان آشنا سازد و گامی هرچند کوچک برای نگهداری و گسترش این یادگارهای ارجمند بردارد. یکی از این هنرها، قلمکارسازی یا چیت سازی بوده که درخشش آن از دوره ی صفویه و در شهر اصفهان آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است.

در تعریف قلمکار آمده است: پارچه ای ساده و مازور شده از کرباس، کتان و غیره که بر آن به وسیله ی قالب و مهر، نقوشی تصویر کرده باشند و آن را به اشکال پرده، سفره، رومیزی و... در آورند. (معین ۱۳۷۱: ۳/۲۷۲۱)

در گذشته ای نه چندان دور، قلمکارسازی به چیت سازی یا چیتگری مشهور بود، به گونه ای که هم اکنون "چیت ساز" نام خاندان بزرگی در اصفهان است که همچنان در عرصه ی هنر قلمکار سازی فعالیت دارند و پارچه های چاپ قلمکار با کیفیت و متنوعی را تولید و عرضه می دارند.

### وجه تسمیه

به طور کلی وجه تسمیه ی قلمکار، به علت نوع تولید و نحوه ی منقش کردن پارچه در آغاز پیدایش این هنر بوده است. بدین معنی که در آغاز روی پارچه های پنبه ای و شاید ابریشمی، با قلم، نگاره های مورد نظر را نقاشی می کردند و نقوش مختلفی را پدید می آوردند ولی چون برای این نوع تولید، وقت زیادی صرف می شد و در ضمن، نقوش رسم شده با قلم دارای هماهنگی نبود و باعث یکسان نبودن تولیدات می شد و همچنین قیمت تمام شده را بالا می برد، بنابراین به واسطه ی نیاز به تولید زیاد، قلمکارسازان، انتقال نقوش به وسیله ی قالب های حکاکی و کنده کاری شده بر روی پارچه را تنها راه چاره ی این مشکل دانستند و به طراحی، حکاکی و کنده کاری قالبهای مورد نظر پرداختند. البته پس از یافتن راه حل تازه، به طور کلی نقش زنی به صورت قدیمی متروک نشد، بلکه برخی نگاره ها به وسیله ی قالب و طرح های دیگر با دست نقاشی می شد، ولی به مرور زمان و به دلیل نیاز به سرعت بیشتر در تولید، قلمکارسازی به صورت امروزی یعنی به کار گرفتن قالب برای کلیه ی نگاره ها و نقوش، فراگیر شد. در این روش قلمکارسازی، تنها نقصی که وجود دارد، استفاده از رنگهای انگشت شمار با قالبهای مشخص است در صورتی که در ابتدا که نقش زنی با قلم انجام می شد، این محدودیت در مورد استفاده از رنگ وجود نداشت و تنوع رنگی در تولیدات و خلاقیت هنری بیشتر دیده می شد.

### قالب و قالب تراشی

یکی از مراحل مهم قلمکارسازی، تهیه ی قالب هایی است که نگاره ها بر روی آنها کنده شده است. قالب تراشی یکی از هنرهای بدیع و جالب ایرانی است که رونق و رواج آن از دوره ی صفویه بوده است. نمونه های جالب و ارزشمندی از قالب های قدیمی به جای مانده، که هم اکنون تعدادی از آنها در موزه های تبریز، مردم شناسی کاخ گلستان و گنجینه ی هنرهای اسلامی تهران و نمایشگاه دائمی آثار موزه ای صنایع دستی در تهران یافت می شود. ضمناً مجموعه داران و خانواده هایی در شهر اصفهان برخی قالب های ظریف و بی همانند قدیمی را در اختیار دارند.



قالب تراشی، به علت ظرافت های ویژه ی آن کاری است بسیار پر زحمت و همین طور مهم. قالب قلمکار اصولاً پس از مدتی استفاده، به علت آلوده شدن مداوم به رنگ، الیاف و کرک پارچه، گرد و غبار و تحمل ضربات زیاد، حساسیت خود را از دست می دهد و لبه های نقوش، تدریجاً ساییده می شود و در این حالت قابل استفاده نیست و به جای آن، نقش یا قالب جدیدی تولید یا قالب پیشین مرمت می شود.

در حال حاضر، به علت پر زحمت و وقت گیر بودن تراش قالب، معمولاً سعی در ترمیم و اصلاح قالب های قدیمی می شود، چرا که اگر قالبی از بین رود، استاد قالب تراش موظف است یک مجموعه ی پنج تایی یا احتمالاً یک قالب تنها را تولید کند. در صورتی که اصلاح هر قالب از نظر صرف وقت، قابل مقایسه با زمان صرف شده برای تراش و تولید قالب جدید نیست.

### انواع چوب مصرفی برای قالب

در پی بررسی های کارشناسی و از دوره ی صفویه به این سو، برای تهیه ی قالب، از چوب درخت گلابی و درخت زالزالک به علت شکل پذیری و دوام نسبتاً زیاد آنها استفاده می شود. چوب زالزالک معمولاً برای قالب های ریز نقش و چوب گلابی برای قالب های درشت نقش استفاده می شود و علت استفاده از این دو نوع چوب به طور عمده، ترک برداشتن کم، سخت و محکم بودن، قابلیت انعطاف و ضربه پذیری آنهاست.

### سفالگری

تاریخچه هنر سفالگری

تاریخ آثار سفالی به دست آمده از گنج دره تپه و غار کمر بند به حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد می رسد. این سفالها دست ساز بوده و در ساخت آن ها فقط از خاک موجود در طبیعت استفاده شده است .

در مرحله دوم (هزاره پنجم و ششم قبل از میلاد) به سفالهای «چشمه علی»، «تپه زاغه»، «تپه سیلک» و «اسماعیل آباد» برمی خوریم که مانند سفالهای دوره اول خشن، با شکل ها و تزئینات ساده، در اندازه های کوچک و با پخت ناقص ساخته شده اند. در ساخت آن ها برای چسبندگی بهتر گل، از گاه خرد شده یا علف خشک استفاده کرده اند. در دوره بعد به واسطه استفاده «چرخ سفالگری» سفالها، ظرافت بیشتری پیدا کرده اند .

### لعابکاری

لعابکاری را «کاسی ها» از بابل که قرنها در تصرف آن ها بود به ایران آوردند. قدیمی ترین نمونه تزئینات سفالی لعابداری که در ایران به دست آمده به «معبد چغازنبیل» و عهد عیلام میانه منسوب است .

گل رس یا خاک رس اولین ماده مصرفی در ساخت ظروف سفالی

### خاک رس در طبیعت

الف ) خاک های اولیه : خاک هایی است که در کنار سنگهای مادر رسوب نموده، به وسیله آب یا باد جابه جا نشده، به طور نسبی خالص باقی مانده است .

ب ) خاک های ثانویه : خاک هایی است که بر اثر عوامل طبیعی مانند باد و باران و جریان های موقت یا دائمی رودخانه ها از محل اولیه منتقل و در این جابجایی با مواد آلی و اکسیدهای مختلف مخلوط شده است. این نوع خاکها در مقایسه با خاکهای اولیه خلوص کمتری دارند اما از چسبندگی بیشتری برخوردار است.

### ابزار و وسایل تولید سفال

**سنگ خرد کن :** برای تبدیل قطعه های سنگ بزرگ به خرد شده سنگ استفاده می شود.

**آسیاب :** برای پودر کردن مواد معدنی به کار می رود.

**الک :** برای دانه بندی، تمیز کردن و جداسازی مواد از یکدیگر از الک استفاده می کنند.

**مخلوط کن :** به هم زدن دوغابهای سرامیکی و ورز دادن خمیر سرامیک با مخلوط کن انجام می گیرد.

**خشک کن :** برای خشک کردن دوغاب بدنه های خام قبل از پخت، آن ها را در خشک کن قرار می دهند.

**کوره :** بدنه های خام و لعابدار را در کوره می پزند.

**چرخ سفالگری :** برای ساخت ظرفهای سفالی از چرخ سفالگری استفاده می شود.

ابزار کوچک چرخکاری: وسایلی است که برای شکل دادن ظرفهای سفالی، هنگام چرخ کاری به کار می رود.

### روشهای تولید سفال

الف) روش دست ساخت

ب) روش ساخت ظروف با چرخ سفالگری

پ) روش ساخت دوغابی

### روش دست ساخت

این روش بیشتر حالت حجمی دارد و مانند مجسمه سازی در آن عمل می شود. روشهای تولید دستی به گونه های زیر قابل اجراست :

الف) فشاری : در این روش ابتدا مقداری گل را به صورت گلوله ای در آورده، سپس با انگشت شست، سوراخی در وسط آن ایجاد می کنند. با گردش انگشت شست در سوراخ، دهانه ظرف را باز نموده، سپس با کمک سایر انگشتان، شکل دلخواه را به وجود می آورند .

ب) ماریچ یا فتیله ای: پس از ورز دادن گل و پهن کردن آن به وسیله وردنه یا دست، آن را گلوله نموده، به صورت فتیله در می آورند. سپس نوارهای گل را به شکل دلخواه روی هم قرار داده، با لیسه صاف می کنند تا شکل مورد نظر به دست آید .

### روش ساخت ظروف با چرخ سفالگری

در ساخت ظروف با چرخ سفالگری دو نوع چرخ به کار می رود :

الف) چرخ سفالگری کُند : ساده ترین شکل آن دو صفحه چوبی است که زیر صفحه بالایی حالت مقعر دارد، به طوری که صفحه زیرین، ثابت است و صفحه رویی می چرخد و گل را شکل می دهد .

ب) چرخ سفالگری تند : با استفاده از این چرخ، سفالگر به کمک پا، صفحه زیرین یا طبق چرخ را به گردش در آورده، با دو دست گل را در صفحه رویی شکل می دهد. این روش در سفالگری بیشترین تولید را به خود اختصاص داده است .

### روش ساخت دوغابی

در شکل دادن فرآورده های سرامیکی از ابزاری به نام قالب استفاده می شود. نکته اساسی، تفاوت جنس قالب و خاصیت فیزیکی بدنه مورد استفاده است .

### مصنوعات چوبی

چوب ماده ای است، آسیب پذیر که شرایط مختلف جَوّی، محیطی و گذشت زمان، بر روی آن تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته، آن را فرسوده و به تدریج نابوده می کند. بنابراین تاریخ و زمان مشخصی در مورد استفاده انسان از این ماده در دست نیست.



داریوش در فرمان بنیاد شهر شوش می گوید: «تخته و چوب یکا از گاندرا و کرمانیا آورده شد». واژه (یکا) در زبان فارسی همان درخت جگ است که چوبی قهوه ای رنگ و سخت دارد. از این نقش برجسته قصر آپادانا در دوره هخامنشی آشکار می شود که چوب را برای استفاده کاربردی و تزئینی در دوران مادها نیز به کار می گرفتند. در قسمتی از این نقش برجسته، یک درباری ماد در حال حمل یک صندلی چوبی مشاهده می شود که مربوط به سده پنجم پیش از میلاد است.

در زمان ساسانیان استفاده از چوب در ساختمان رواج بسیار داشته است. به ویژه استفاده از کلافهای چوبی در میان دیوارها به منظور استحکام بخشیدن رایج بوده است.

### منبت کاری

واژه منبت از نبات به معنی گیاه، گرفته شده است و در اصطلاح به نقش برجسته و کنده کاری روی چوب گفته می شود.

### ابزار و وسایل مورد نیاز در منبت کاری

الف ( مغار

ب ( چکش چوبی

پ ( دیگر وسایل و ابزارها

### انواع مغار

مغار: تیغه ای است فولادی با دسته چوبی یا پلاستیک فشرده که در مقابل ضربه، مقاوم است. مغارها به چهار گروه تقسیم می شوند:

۱. مغارهای تخت : که تیغه ای تخت با لبه برش صاف دارد و برای دوربری خطوط و کنده کاری زمینه منبت استفاده می شوند.

۲. مغارهای نیم واز : که دارای تیغه ای ناودانی شکل با لبه برش هلالی است و برای دوربری قسمتهای منحنی شکل و ساخت و ساز استفاده می شود.

۳. مغارهای لگویی : با تیغه ای ناودانی شکل و لبه برش نیم دایره است و از آن برای دوربری قسمتهای دایره ای شکل و ساخت و ساز نقوش استفاده می شود.

۴. مغار شفره : با تیغه ای ناودانی با لبه برش به شکل هفت است و از آن برای شیار زدن و دوربری اولیه نقوش استفاده می شود.

### چکش چوبی

چکش چوبی وسیله ای است که از یک دسته و یک سر چوبی درست شده و مثبت کاران برای ضربه زدن به سردسته مغار از آن استفاده می کنند.

### مراحل تولید مثبت

۱. انتخاب و آماده نمودن طرح و قطعه چوب مناسب برای مثبت کاری؛
۲. انتقال طرح روی چوب : که از طریق چسباندن طرح روی چوب، طراحی مستقیم، کپی کردن طرح، گرده کردن طرح روی چوب مورد نظر انجام می گیرد.
۳. دوربری : برای شکل گیری نقش مثبت، ابتدا دوربری و سپس زمینه اطراف نقوش را کنده کاری می کنند.
۴. کنده کاری : با استفاده از مغار تخت، ابتدا چوب اضافی کناره های زمینه کار و در نهایت چوب اضافی بخشهای میانی زمینه را برمی دارند.
۵. ساخت و ساز و روسازی : پس از تراشیدن زمینه کار، با مغار مناسب، ساخت و ساز را شروع می کنند.

### معرق چوب

معرق چوب تلفیق و ترکیبی است از انواع چوبهای خودرنگ، مواد و مصالحی مانند استخوان، صدف، روی، مس، عاج، خاتم و غیره که در روی سطح چوبی، نقشی را به وجود می آورد.

### مواد و مصالحی در ساخت معرق چوب

- مواد و مصالحی که در ساخت معرق چوب به کار می رود، به دو گروه چوبی و غیر چوبی تقسیم می شوند:
۱. مواد و مصالح چوبی : در معرق چوب از انواع چوب خودرنگ مانند گردو، چنار، عناب، نارنج، سنجد، زبان گنجشک، راش، گلابی، فوفل و بسیاری از چوبهای دیگر، بنا به طرح مورد نظر و سلیقه معرق کار انتخاب و استفاده می شود.
  ۲. مواد و مصالح غیر چوبی : هنرمند معرق کار، بنا به ذوق و سلیقه خود و طرح کار می تواند از مصالح دیگری مانند عاج، استخوان، صدف، فیبرهای مصنوعی، خاتم، مس و برنج استفاده کند.

### ابزار و وسایل مورد نیاز در ساخت معرق چوب

۱. میز کار : که باید متناسب با قد معرق کار باشد.
۲. تخته پیشکار : تخته ای کوچک و معمولاً نئوپان یا هفت لایی است که در جلوی آن شکافی به شکل هفت وجود دارد.
۳. کمان اره : که اره موئی بر روی آن بسته می شود.
۴. اره موئی : تیغه ای برنده و بسیار ظریف است که اندازه های مختلفی دارد.

۵. در معرق کاری ابزار و وسایل دیگری مانند چوبسای، چکش، میخ سایه، میخ کش، تیزک و رنده به کار می رود.

### حصیر بافی

حصیر به طور عمده با دو روش «مارپیچ» و «درهم بافته یا مشبک» بافته می شود.

#### روش حصیر بافی مارپیچ

این روش از دو عنصر تشکیل شده است: پایه و باریکه یا نواری که برای دوختن آن به کار می رود. «پایه» قطعه ای طویل و انعطاف پذیر و معمولاً با مقطع دایره یا بیضی است که از دسته ای علف، پوست درخت، چندین ترکه یا ترکیبی از آن ها تشکیل می شود. برای بافتن سبد پس از مارپیچ کردن پایه به دور خود، آن را با نواری از جنس علف یا تراشه محکم می کنند. در صورت مرکب بودن پایه، آن را به هم می بندند و هر مارپیچ را به دیگری متصل می کنند. روش مارپیچ مناسب ساختن بسیاری از شکل‌های مدور است.

#### روش درهم بافته یا مشبک

نوع ساده این بافت از به هم بافتن دو گروه نوار از ماده مصرفی به وجود می آید که معمولاً به شیوه تار و پود عمود بر یکدیگر قرار می گیرند. اما گاهی ممکن است از زاویه قائمه خارج شوند. تارها از نظر ضخامت و انعطاف با پودها یکسانند، اما رنگ آن ها می تواند متفاوت باشد. در این روش، تنوع کمی وجود دارد که در میزان ظرافت تولیدات آن به چشم می خورد. این روش در تهیه ظروف و زیراندازها به کار می رود.

### گره چینی

یکی از عناصر دائمی مورد استفاده در ساختمان و معماری ایران چوب بوده است. تنوع آن باعث شد که در پوشش پشت بامها تا قابهای تزئینی پنجره ها و ساخت اشیاء فلزی چوب مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از زیباترین و دلپذیرترین شاهکارهای هنری در رشته های نماسازی- رویه کاری اعم از سنگی، آجر، کاشیکاری، آئینه کاری و گچ بری طرحهای گوناگونی است که به نام گره سازی، گره کاری و یا گره جینی خوانده می شود. اینگونه طرحها شامل اشکال هندسی گوناگون از جمله مثلث، مربع، لوزی و چند ضلعی های متنوع و گوناگون و ستاره های ۴ و ۸ پر و دیگر طرحهای ستاره ای شکل و نظیر اینگونه ترسیمات است. کیفیت قرار گرفتن ماه و ستارگان و فواصل و ارتباط آنها می رساند که خلاقان و تنظیم کنندگان نقشهای زیبا و حیرت انگیز از دنیائی که در آن زندگی می کرده اند الهام گرفته و احساس و اندیشه خود را به صورت نقوش زیبا و به صورت اشکال منظم هندسی دیگر (گل و مرغ) ارائه داده اند. طرز طراحی و رسم و پیاده کردن این نقوش زیبا و دل انگیز با مقیاسهای مختلف که به صورت مسطح، مدور برجسته روی در و پنجره کاشیکاری گچ بری- آئینه کاری و دیگر آثار هنری با

## راهنمای گردشگری عمومی

ابزارهای اولیه مانند پرگار-گونیا-خط کش-شمشه-تراز-شاغول و غیره بر در و دیوار آثار باستانی از جمله مساجد-مقابر-مناره ها و غیره، دیده هربیننده را خیره می کند که در تمامی آنها قطعات سنگ-آجر-کاشی-یا آئینه و غیره رابه یکی از صورتهای گفته شده می تراشند.

استفاده از هنر چه درحالت مشبک و چه درحالت آلت ولقط از دوران خلفای عباسی شروع شده و درقرن ۶ تا ۸ هجری قمری در سوریه و مصر متداول شده و از همان زمان به ایران رسیده است.

ازسده ۴ هجری قمری به بعد در بناهای اسلامی ضمن روسازی درون و بیرون ساختمانها از جمله مساجد-گنبدها-مناره ها و غیره بکار رفته که زیبایی خاصی به آنها بخشیده و نشانی از وحدانیت باری تعالی را بیان می دارد. این هنر در صنعت چوب به صورت ساده قطعات چوب به صورت زیبا با یکدیگر تلفیق شده و در ۳ نوع خاص خود هنرنمایی می کند.

۱- گره چینی توخالی یا مشبک که بیشتر در دهلیزها-دالانها-هشتی ها- پنجره های کوچک در نزدیک سقفها و بخصوص در بادگیرها جهت جریان هوا به کار می رود و در نرده سازی و طارمی برای مقابر و حسینیه ها از آن استفاده می شود.

۲- گره چینی هائی که در درون ساختمانها از جمله سرسراها، اطاقها، مهمانخانه ها و کاخها استفاده می شود و قسمتهای مشبک را باشیشه های رنگی می پوشاند و نمائی زیبا و فریبنده جهت آرامش جسم و جان ساکنان در آن مکانها به وجود می آورند که نمونه های زیبای آن در خانه های قدیمی کاشان، اصفهان، یزد و نائین خود نمائی می کند.

۳- گره چینی هائی که در قسمتهای ورودی مساجد-مقابر-تکایا و حسینیه ها به کار می رود و از استحکام و پایداری بیشتری برخوردارند و به نام آلت ولقط مشهورند بطوریکه قسمتهای مشبک توخالی را با قطعات نازک چوب به صورت های بسیار زیبا و ماهرانه به جای شیشه پوشاند و در ساختن مقابر هم از آن استفاده می شود.

اوج و شکوفائی این هنر در زمان صفویان و قاجاریه در حد اعلای ریزه کاری و ظرافت این هنر در پنجره ها و درهای ارسی خودنمائی می کند که این کار به صورت یک چشمه هنر منحصر بفرد آن زمان جلوه یافته و ظریف ترین این هنر در خاتم سازی در قابهای عکس - میزهای تحریر و انواع اشیای تزئینی دیگر به یادگار مانده است.

از استادان بی بدیل این هنر می توان مرحوم استاد غلامرضا آقا ابراهیمیان (آثار عتبات عالیات و درها و پنجره های مهمانسرای عباسی) مرحوم استاد مهدی عشاقی، استا دعلی عباس عشاقی، مهدی اولیائی و استا علی مظاهری را نام برد.

گره : پیچیدگی و به هم پیوستگی درنخ ریسمان-بند و پیوند گری گفته می شود (فرهنگ عمید)

لقط : از زمین برداشتن و برچیدن چیزهای ریز و کوچک است (فرهنگ عمید)

سرچشمه های این نوشتار:

- تاریخ صنایع ایران ترجمه عبدالله فریار

- هنر گره سازی و گره چینی در معماری و درودگری- جواد شفائی

گره سازی



هنر گره سازی یا گره کاری در کار درودگری از قرن ۵ه.ق، در بناهای گوناگون مذهبی و کاخها و سراهای بزرگ به چشم می خورد.

این هنر زیبا و در حال فراموشی از قطعه های درهم قفل شده چوب که «آلت» نامیده می شود، به وجود می آید. قطعه ای که در برخی طرحها که ذکر آن خواهد آمد مورد استفاده قرار می گیرد، قطعه ای است موسوم به «لقط»، که در بین آلتها قرار می گیرد. گره چینی به سه شیوه انجام می شود: ۱- در حالتی که نور و هوا از بین آلتها عبور کند، که «گره چینی مشبک» نامیده می شود. ۲- در حالتی که در بین آلتها از شیشه رنگی استفاده شود، «گره چینی شیشه دار» نامیده می شود. ۳- اگر آلتها با لقط همراه شود، «گره چینی توپر» نامیده می شود.

طرحهایی که دارای نقوش اسلیمی و منحنی هستند، در اصطلاح «قواره بری» و طرحهای هندسی «گره چینی» نامیده می شوند.

چوب مورد استفاده: چوب درخت چنار پرمصرف ترین چوب برای گره چینی است. چوب چنار، چوبی است نیمه سنگین، نیمه سخت، راست تار و خوش کار. زود خشک می شود ولی تاب بر می دارد. کار با آن با همه ابزار آسان است. قابلیت جذب لاک الکل دارد و به خوبی پرداخت می شود. قابلیت تورق و تراش زنی آن بالاست. چوب چنار از مناسبترین چوبها برای خراطی، معرق کاری، روکش، ساخت پایه صندلی لهستانی و به خصوص گره چینی است. (به علت قیمت پایین تر و مقاومت بیشتر در برابر حشرات موزی).

روش کار: ۱- تعیین اندازه کار، ۲- طراحی و رسم گره، ۳- الگو برداری (برای طرحهای اسلیمی از فیبر یا تخته سه لا استفاده می شود. ۴- ساخت چارچوب، ۵- برش چوب آلتها، ۶- وا گرفتن قالب روی آلتها: به مقدار مورد نیاز چوبهای واگیره از قالبهای آماده شده تهیه می گردد. ۷- نشان کردن آلتها، ۸- ابزار زنی آلتها، ۹- ساخت اتصال آلتها (فاق و زبانه کردن)، ۱۰- چیدن آلتها.

زیباترین نمونه های این هنر را در «کاخ چهلستون» و «مسجد سید» اصفهان و نمونه های قواره بری را در ارسپهای خانه های قدیمی میتوان دید.

گره سازی به تزئیناتی گفته می شود که به صورت هندسی و با قواعد مشخص رسم می شود و در بسیاری از مکانها می توان از آن استفاده کرد. در سردرها، کتیبه ها، درو پنجره ها، طاقها و غیره. گره را با آجر، کاشی، گچ، آئینه و غیره می توان ساخت. گره سازی انواع و زمینه های گوناگون دارد، چنانچه گفته شده است که هفتاد و دو بطن دارد و از درون یکدیگر توانایی زایش و به وجود آمدن گره های نو را دارد.

### گره چینی

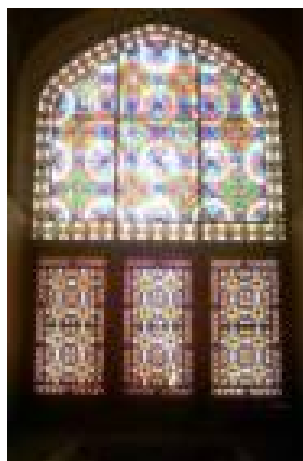
از زمانهای گذشته تا به امروز چوب یکی از عناصر دائمی مورد استفاده در معماری ایران بوده است. موقعیت ویژه ای که چوب به عنوان یکی از مصالح ساختمانی دارد تنوع انواع آن باعث شد تا از این عنصر استفاده های بسیاری بشود و از پوشش پشت بامها گرفته تا قاب های تزئینی پنجره ها و ساخت اشیاء فلزی، چوب مورد استفاده قرار گیرد.

## راهنمای گردشگری عمومی

هنرمندان با ذوق و خلاق ایرانی در جهت زیباتر شدن بناها و ساختمانها توانسته اند آثاری خلق کنند که هر کدام به عنوان هنری مجزا مورد توجه قرار گیرند. که منبت، خاتم، معرق، گره چینی و مشبک و ... از آنجمله هستند. از سابقه "گره چینی و مشبک" در ایران اطلاع دقیقی در دست نیست.

برخی پژوهشگران احتمال داده اند استفاده از این هنر چه در حالت مشبک و چه در حالت آلت و لغت از دوران خلفاء عباسی شروع شده و در قرن ۶ تا ۸ هجری قمری در مصر و سوریه متداول شده است و از همان زمان به ایران رسیده است.

از این سبک کار معمولاً در ساخت درهای اماکن مقدسه، مقابر، منابر، و از مشبک در پنجره های منازل و کاخها، نرده ها استفاده می شده است. از دوران صفوی به بعد تعبیه شیشه های رنگی در چوب های مشبک رایج شده و اصطلاحاً به "ارسی" مشهور گردید.



از استادان بی بدیل این هنر مرحوم استاد غلامرضا آقا ابراهیمیان است که آثار بارزشی از او در مقرنس کاری، قطاربندی، رسمی بندی، مشبک و گره چینی در عتبات عالیات و بناهای تاریخی اصفهان موجود است. کلیه درها و پنجره های هتل عباسی نیز از آثار این هنرمند است.

در حال حاضر سازمان میراث فرهنگی علاوه بر تأسیس کارگاههای مرمت گره چینی و مشبک اقدام به برگزاری دوره های کوتاه آموزش این هنر برای علاقمندان کرده است.

از دیگر استادان این هنر اصیل و قدیمی می توان به مرحوم استاد مهدی عشاقی، استاد علی عباس عشاقی، استاد مهدی اولیائی و استاد علی مظاهری اشاره کرد.

### خاتم



یکی از گونه های زیبا و هنرمندانه صنایع دستی در اصفهان خاتم سازی است. این هنر بی بدیل و کم نظیر در واقع هنر آرایش سطح اشیاء چوبی به صورتی شبیه به موزائیک با مثلث های کوچک است. خاتم ترکیبی است از چند ضلعی های منظم با تعداد اضلاع متفاوت که با استفاده از مواد اولیه گوناگون در رنگ های مختلف تشکیل می شود.

### خاتم کاری

عبارت است از کنده کاری یک طرح به وسیله اجزا چوبی و مواد دیگری که بعداً بر زمینه چوبی نصب می گردد در لغت نامه دهخدا خاتم ساز چین معنی شده است : « آنکه پاره های استخوان را در چوب با نقش و نگار بنشانند. خاتم سازی عمل خاتم ساز را گویند.» در دایره المعارف فارسی درباره خاتم کاری و خاتم سازی آمده است: « هنر آراستن سطح اشیاء به صورتی شبیه موزائیک، با مثلث های کوچک. طرح های گوناگون خاتم همواره به صورت اشکال منظم هندسی بوده است. این اشکال هندسی را با قراردادن مثلث های کوچک در کنار هم نقش بندی می کنند. مثلث ها را از چوب های گوناگون مانند چوب فوفل، آبنوس، نارنج و عناب، استخوانهای مختلف مانند استخوان شتر، گاو، اسب و همچنین عاج، صدف و مفتول های مسی و برنجی و در برخی موارد طلا و نقره برای ساختن خاتم، مواد اولیه را به صورت منشورهائی به ابعاد حدود ۱ تا ۲ میلیمتر رنگ آمیزی کرده و با پهلوی هم چیدن آنها طرح های مختلف می سازند. هرچه مثلث ها ریزتر و ظریفتر باشند، خاتم مرغوب تر است. در یک طرح خاتم، برای ساختن کوچک ترین واحد هندسی، حداقل سه مثلث و برای بزرگ ترین آن، حداکثر چهارصد مثلث به کار می رود.»

### تاریخچه ی خاتم و خاتم کاری

این هنر از زمانهای دور در خاور نزدیک شناخته شده است. هنر خاتم کاری نوع مخصوصی از هنر دستی است که قدمت زیادی ندارد. قدیمی ترین نمونه آن در اروپا تقریباً همزمان با قدیمی ترین نوع آن در ایران است. در ایتالیا نوع خاصی از این هنر دستی به صورت قطعات استخوان، عاج، چوب که گاه رنگ می شده و گاه بدون رنگ به کار می رفته و بر روی هم طرحی را تشکیل می داده است که قدمت آن به سده هشتم هجری قمری (۱۴ م) می رسد. گویا هنر خاتم سازی به شیوه امروزی قبل از صفویه و در عهد استیلای ایلخانان مغول بر ایران و ایجاد رابطه مستقیم بین ایران و چین از مملکت چین به ایران آمده ولی در خود ایران هم پیش از ظهور اسلام به گونه ای خاتم سازی رواج داشته است. مهمترین مرکز خاتم سازی جهان امروز، ایران است. هر چند در کشورهای هندوستان، سوریه، عراق و فلسطین نیز هنر خاتم کاری وجود دارد، اما به قدمت و ظرافتی که در ایران انجام می شود نیست، در حقیقت این هنر ویژه ایران است. خاتم های ایران در نمایشگاههای جهانی و بین المللی، همواره در رده اول و ممتاز بوده است.

### مواد و مصالح خاتم سازی

#### چوب

انواع چوب: چوب فوفل، آبنوس، عناب، شاه چوب، آزاد، بقم، نارنج، چوب شمشاد، توسکا، کبوده، راش، گردو، بقم، عناب، نارنج و بعضی چوب های رنگ شده فلز مفتول های طلایی یا نقره ای، مس، برنج، آلومینیوم.

#### استخوان

استخوان ساق پا و دست شتر یا اسب، عاج فیل، استخوان اسب، استخوان مصنوعی

### چسب

چسب چوب، سریشم وسایل و ابزار خاتم سازی وسایل و ابزار مورد نیاز عبارتند از: انواع رنده، تنگ، پرگار، خط کش و گونیا، چکش، گازانبر، پرس، دریل و مته، اره فلکه ی، دستگاه کاس زنی، انواع سوهان، دینام (ساب)، تیغ اره، لیسه، مقار و... مراحل تولید خاتم مراحل خاتم سازی عبارتست از: ۱- مثلثی کردن چوبها ۲- پیچیدن خاتم ۳- توگویی ۴- خاتم چسبانی ۵- روغنکاری

ابتدا انواع چوبها واستخوانهارا در رنگهای مختلف تهیه کرده و با ابزار مخصوص خود به طول ۳۰ سانتیمتر و قطر ۱ تا ۲/۵ میلی متر می برند واز آنها مثلثهایی تهیه می شود که پس از سوهان کاری تمام اضلاع آن به حالت دلخواه و مطابق با طرح درآمده و برای تکمیل طرح نیاز به مفتولهای سیمی به صورت مثلث بوده که برای آماده سازی آنها نیز مراحل مختلفی طی می شود سپس برای درست کردن خاتم ابتدا طرح اشکالی که مورد نظر است را به وسیله استادکار کشیده واین مثلثها ی چوبی، استخوانی و فلزی با دستان بامهارت و استادانه هنرمند در کنار هم به وسیله سریشم قرار داده و چسبانده می شوند و به وسیله نخ محکم می گردند که از این کار اصطلاحاً «پره» درست می شود، بعد از چند ساعت نخها باز شده و اضلاع طرح سوهان کاری شده و چهار عدد از پره های ساخته شده را در کنار هم قرار می دهند و مجدداً با چسب به هم چسبانده می شوند که حاصل آن «توگلو» به دست می آید. مرحله بعدی که به «گل پیچی» مشهور است، به وسیله سیم مفتولی گردی که آنرا به صورت شش ضلعی منظم آماده می شود و به آن «شمسه» می گویند در اطراف هر ضلع شش سیم به وسیله سریشم چسبانده می شود و با نخ محکم می شود و حاصل آن طرح ستاره ای است، این طرحها آنقدر تکرار می شوند تا بر اساس طرح مورد نیاز درآمده و سپس در زیر فشار و پرس قرار گرفته که آن را اصطلاحاً «قامه» می گویند.

این قامه را به وسیله اره فلکه ی که تیغ مخصوص برش دارد به لایه ۱ تا ۲ میلی متری که اصطلاحاً به آن «لنگه» می گویند برش داده می شود. و با چند مرحله برش کاری و چسبانده لایه های بسیار نازک چوب در اطراف آن طرح اولیه یک خاتم به وجود می آید که تمامی این مراحل از ابتدا تا بدین جا بیش از ۴۰۰ مرحله کاری را شامل می شود. خاتمها بر اساس طرح، رنگ، شکل و ابعاد محل مورد استفاده بر روی سطح کار بوسیله چسب مخصوص چسبانده شده و با ایجاد طرحهای گوناگون و قرینه سازی تمامی سطح طرح به وسیله خاتم مزین می گردد که پس از برخی ترمیمها، سوهان، سمباده و بتونه کاری و نهایتاً ساییدن و صاف کردن سطح خاتم، کار برای روغن کاری و جلابخشی به وسیله مواد مخصوص مانند سیلر و کیلرو پولیستر آماده می شود. مرغوبیت یک خاتم خوب به ریز نقشی و منظم بودن طرح بستگی دارد که همه اینها در مهارت استادکار در تهیه مواد اولیه و نحوه کاربرد آن و حوصله و دقت بسیار زیاد خلاصه می شود.

### روغنکاری خاتم

اصولاً سطح یک خاتم به دو علت روغن زده می شود: براق شدن خاتم و حفاظت آن در مقابل رطوبت، گرما و سرما. در گذشته برای این کار روغن جلا یا سندلوس (شیره درخت کاج) به کار می رفت. بعد ها از روغن هاویلوکس استفاده شد و امروزه از پلی استر استفاده می کنند. خاتم از نظر گل تنوع زیادی دارد، از میان آنها می توان به: خاتم



پره وارو، پره ای، ابری، نه گلی لایه دار، شش و لوز، بته جقه ای، خیابانی، طاقی، قمی، جناقی و خاتم دورنگ اشاره کرد. از انواع حاشیه نیز می توان حاشیه شش گلی، جویی، بازوبندی، طوره دار، شمسه دار و حاشیه تخمه دار را نام برد.

### مصنوعات فلزی

#### سیر تحول ساخت «مصنوعات فلزی»



مردم نواحی بمپور، شهداد، تل ابلیس، تپه سیلک و تپه زاغه از حدود هفت هزار سال پیش با ساخت اشیای فلزی، به ویژه اشیای مسی آشنا بوده اند. پس از کشف فلزات دیگر، فلزکاران با افزودن قلع به مس، آلیاژ سختی به دست آوردند و به دنبال آن عصر مفرغ آغاز شد که قدمت آن به حدود سه هزار سال قبل از میلاد می رسد. با تشکیل حکومت هخامنشی هنر فلزکاری تحول یافت و جایگاه ویژه ای در صنعت این دوره پیدا کرد. هنر فلز کاری در دوره سامانی هنری درباری بود که هنر مردمی را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. در اوایل دوره اسلامی استفاده از آلیاژهای مختلف رایج شد. در دوره صفویه علاوه بر آلیاژها، از آهن و فولاد نیز اشیای نفیسی با تزئین طلاکوبی ساخته شد. تا چندی پیش اشیای فلزی بسیاری چون سینی، دوری، کاسه، آینه و شمعدان و بسیاری ابزار و لوازم دیگر که روشهای ساخت و تزئین هر یک از آنها نیز متفاوت بود، ساخته می شد.

#### هنر دواتگری

ساخت اشیای فلزی به روش سرد به «دواتگری» معروف است که شاید بتوان گفت از نخستین شغلهاست و سابقه چند هزار ساله دارد. در ابتدا دواتگران با کوبیدن یک قطعه سنگ بر روی فلز سرد، ظرف یا شیء ساده را می ساختند.

#### شیوه های ساخت ظروف در هنر دواتگری

- الف) ساختن اشیاء به صورت یک تکه یا بدون درز؛
- ب) ساختن اشیاء با استفاده از دستگاه یا به روش خم کاری؛
- پ) ساختن اشیاء به صورت چند تکه یا درزدار.

#### شیوه ساخت اشیاء به صورت یک تکه یا بدون درز

در این روش ابتدا ورق فلز را به شکل دایره ای که شعاع آن حداقل برابر ارتفاع ظرف مورد نظر است می برند، سپس مرکز آن را بر روی سندان قرار داده، با چکش از مرکز به طرف محیط، ضربه های یکنواخت و کنار هم، به صورت مارپیچ وارد می کنند تا ورق به شکل کاسه در آید. آن گاه آن را وارونه بر روی سندان گذاشته با ضربه هایی در پیرامون دهانه ظرف را جمع می کنند تا به شکل گلدان یا مشابه آن در آید.

## راهنمای گردشگری عمومی

شیوه ساخت اشیاء به صورت چند تکه یا درز دار

در این روش هنرمند ابتدا فلز را به شکل مستطیل می برد. طول و عرض این مستطیل برابر اندازه حداکثر محیط و ارتفاع ظرف مورد نظر است. سپس لبه دو ضلع رو به روی هم را با چکش به حدی نازک می کند که به نصف قطر اولیه برسد. پس از اینکه لبه ظرف می کاهد، در قلمزنی و تزئین، مشکلاتی ایجاد می کند. بنابراین بیشتر قلمزنان ترجیح می دهند از ظرفهای یک تکه یا بدون درز استفاده کنند.

شیوه ساخت اشیاء با استفاده از دستگاه یا به روش خم کاری

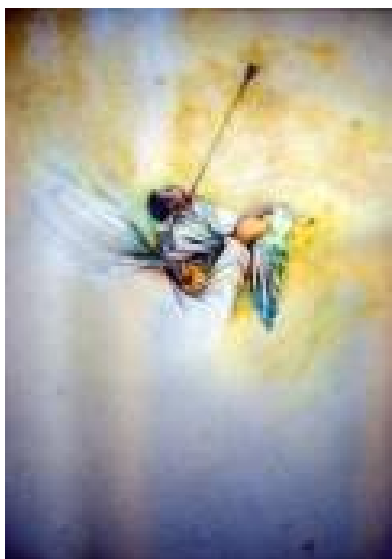
در این روش، هنرمند از دستگاهی به نام «سه نظام» استفاده می کند. به این ترتیب که همانند روش اول یک صفحه گرد فلزی می برد و آن را همراه با قالبهایی که از جنس چدن و به شکل ظرف ساخته شده، به دستگاه می بندد و در حالیکه دستگاه روشن است و فلز و قالب را می چرخاند، با قلمهای فولادی به طول ۵۰ سانتی متر، فلز را فشرده، بر روی قالب می خواباند. در نتیجه ورق فلز به شکل قالب در می آید.

### هنر قلمزنی

یکی از روشهای تزئین فلز «قلمزنی» است که طی آن با استفاده از چکش و انواع قلم، نقش مورد نظر را روی فلز ایجاد می کنند.

شیوه های رایج در قلمزنی

- |                 |                   |
|-----------------|-------------------|
| الف ( شیوه عکسی | ب ( شیوه زمینه پر |
| پ ( شیوه مثبت   | ت ( شیوه برجسته   |
| ث ( شیوه مشبک   | ج ( شیوه قلم گیری |



### هنر زرگری

ساخت زیور آلات از طلا و نقره را «زرگری» و نشان دادن سنگهای قیمتی روی آن ها را «جواهر سازی» می گویند .

### هنر طلا کوبی

موج دار کردن فولاد با طلا و نقره را «طلا کوبی» می گویند. که به زر کوبی یا مطلا کاری نیز مشهور است. در گذشته طلا کوبی روی فلزاتی مانند مس، برنج و مفرغ نیز انجام می شد .

### فیروزه کوبی

کار فیروزه کوب عبارت است از اشیاء ساخته شده از جنس مس، نقره، برنج و یا برنز که قطعات ریز فیروزه بر قسمت‌هایی از سطح‌های آن به شکل موزائیک کاری در کنار هم نشانده شده‌اند. فیروزه‌کوبی از معدود رشته‌های صنایع دستی می‌باشد که سابقه زیادی ندارد و قدمت آن به حدود ۶۰ سال قبل می‌رسد. طریقه شکل‌گیری آن بدین صورت بوده که هنرمندی بنام یوسف حکیمیان در مشهد با استفاده از ضایعات فیروزه کارگاه‌های فیروزه تراشی و نشان دادن آن بر قسمت‌هایی از سطح اشیاء مختلف توانست هنر جدیدی را به مجموعه هنرهای سنتی ایران با نام فیروزه کوبی اضافه نماید.

فیروزه کوبی در مشهد بر روی زیورآلاتی مثل گوشواره، دستبند، گل سینه و ... کار می‌شد. پس از آن حدود بیست سال بعد توسط صنعتگری بنام حاج داداش به اصفهان برده شد و در حال حاضر فقط در اصفهان رواج دارد.

### ابزار کار فیروزه کوبی

چکش، دریل، انبردست، منقاش، پنس، سوهان، قالب خمکاری مخروطی شکل که الگوی کادربندی بوسیله آن تنظیم می‌شود، چراغ گازی یا بنزینی برای حرارت دادن، چرخ تراش با سنگ الماسه برای ساب دادن فیروزه‌ها، دستگاه سنگ آهن برای پرداخت قسمت‌های فلزی کار و ...

### مواد اولیه کار فیروزه کوبی

ضایعات فیروزه، لاک گردوئی، روغن جلا (روغن زیتون یا روغن کنجد) و ...

### شیوه کار

ابتدا زیرساخت شیء موردنظر بوسیله انواع روش‌های شکل دادن فلزات ساخته می‌شود. آنگاه قسمتی را که باید فیروزه کوبی گردد مشخص کرده و اطرافش را یک رشته باریک فلزی از جنس فلز خود شیء قرار داده و لحیم می‌کنند. ارتفاع این رشته‌ها که به عنوان دیواره شکل موردنظر می‌باشند، باید دو تا سه میلیمتر از سطح فلز بالاتر باشد. اگر سطح مشخص شده وسعت زیادی داشته باشد درون آن را با رشته‌هایی از همان فلز، نقش داده و لحیم کاری می‌کنند. این کار علاوه بر زیبایی باعث استحکام بیشتر سطح فیروزه کوبی نیز می‌گردد. بعد از این، نوبت به چسباندن فیروزه‌ها بر روی کار می‌رسد.

برای این کار از ضایعات فیروزه کارگاه‌های فیروزه تراشی یا معادن فیروزه مشهد، نیشابور و دامغان استفاده می‌شود. بدلیل اینکه خرده سنگ‌های فیروزه همراه با خاک و تکه سنگ‌های دیگر هستند در ابتدا آنها را جداسازی و تمیز کرده و سپس برحسب اندازه از یکدیگر تفکیک و به اصطلاح دانه‌بندی می‌کنند. زیرا در ساخت متناسب با سطح کار از قطعات فیروزه با اندازه‌های مختلف استفاده می‌شود.

سپس شیء موردنظر را تا حدود ۳۰ درجه سانتیگراد حرارت می‌دهند و در حین حرارت دادن، در قسمت‌های موردنظر برای فیروزه کوبی مقداری لاک پودر شده می‌پاشند. بعد از ذوب شدن لاک، آنرا در همان حالت حدود ۱۵ دقیقه می‌گذارند تا سرد شود، بعد از آن خرده سنگ‌های فیروزه را روی کار به گونه‌ای قرار می‌دهند که تمام سطح

موردنظر را پر کند. در صورتی که سطح مدور باشد عمل فیروزه‌چینی در چند مرحله انجام می‌گردد. اگر بین خرده سنگ‌ها فضای خالی باقی ماند، حرارت را در حدود ۴۰ درجه سانتیگراد افزایش می‌دهند و مقدار دیگری لاک پودر شده بر روی سنگها می‌پاشند. بعد از ذوب شدن لاک، سنگهای ریزتری در فواصل خالی قرار داده و با دست فشار می‌دهند تا کاملاً به سطح کار بچسبند. بعد از اینکه شئی کار شده سرد گردید قسمتهای لاک خورده سفت و سخت خواهد شد. قسمتهای اضافی لاک و برجستگیهای جزئی سنگهای درون آن را به کمک چرخ تراش سنگ، ساییده و صیقل می‌دهند. در حین سمباده زدن باید روی کار آب جریان داشته باشد.

در این مرحله سنگهای فیروزه به رنگ فیروزه‌ای و لاک به رنگ تقریباً سیاه (قهوه‌ای تیره) نمایان می‌گردد. در صورتیکه در قسمتهایی از سطح کار باز هم ریختگی مشاهده گردد، مجدداً شئی را حرارت داده و بوسیله لاک و خرده سنگهای ریز و یا نوعی بتونه فیروزه‌ای رنگ که با گل (مل) روغن و رنگ لاجورد تهیه شده کار را مرمت می‌کنند و سپس سمباده زده و صیقل می‌دهند.

### آخرین مرحله از کار فیروزه‌کوبی پرداخت کار می‌باشد که دو مرحله دارد:

۱- پرداخت قسمت‌های فلزی که در حین کار کثیف شده‌اند. این کار بوسیله دستگاه سنگ آهن انجام می‌گردد.  
۲- پرداخت قسمت‌های فیروزه کوبی شده که بوسیله روغن زیتون یا روغن کنجد پولیش داده می‌شود. این کار را چندین مرتبه تکرار می‌کنند تا روغن کاملاً به سطح فیروزه نفوذ کند.

ظروف فیروزه‌کوبی عموماً دارای نقش خاصی نمی‌باشند ولی می‌توان بر روی آنها نقش‌هایی را طراحی نمود و سپس زواربندی کرد و درون آن نقشها را با فیروزه پر نمود و یا می‌توان با مفتول‌های نازک فلزی بر روی ظروف نقش‌هایی درست کرد که این نقش‌ها با نوارهای نازک فلزی از لابه‌لای فیروزه‌ها جلوه‌گر شود.

از اساتید بنام فیروزه‌کوبی در اصفهان استاد روبن یورشلمی، استاد سلیمان صدیق پور و استاد ناصر یورشلمی می‌باشند. فیروزه کوبی در اصفهان علاوه بر ساخت جواهرات در ظروفی مثل لیوان، قاب عکس، کوزه، گلدان، قلمدان، زیرسیگاری، کاسه، بشقاب، گلاب پاش و ... نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

در حال حاضر کارگاههای فیروزه کوبی، تولید محدودی دارند که این امر باعث گردیده این هنر - صنعت آنطور که باید و شاید در بین اقشار جامعه شناخته شده نباشد هر چند که در شمار یکی از فرآورده‌های خوب صنایع دستی کشور محسوب می‌گردد. یکی از عوامل رکود تولید این هنر، عدم دسترسی کارگاهها به مواد اولیه یعنی فیروزه درجه ۲ می‌باشد با توجه به اینکه ما در کشور خود دارای منابع غنی فیروزه هستیم ولی متأسفانه این ماده بعد از گذشتن از دست واسطه‌های مختلف به قیمت بسیار بالایی به کارگاههای تولیدی می‌رسد، که این امر منجر به افزایش نرخ نهائی تولید کارهای فیروزه‌کوبی و در نتیجه پائین آمدن تقاضای خرید به خاطر قیمت بالای کار تمام شده گردیده است. فیروز کوبی یکی از معدود رشته‌های صنایع دستی است که سابقه تاریخی چندانی نداشته و در حال حاضر هم تولید محدودی دارد و همین امر باعث آن گردیده تا فیروزه کوبی آنگونه که باید شناخته نشده باشد هر چند که زیبایی و گیرایی یک محصول خوب صنایع دستی را با خود دارد.

## راهنمای گردشگری عمومی

قدمت فیروزه کوبی به حدود ۷۰ سال قبل می رسد و در آن زمان صنعتگری بنام «یوسف حکیمان» معروف به محمد رضا در مشهد کار فیروزه کوبی بر روی زینت آلاتی نظیر دستبند، گل سینه، گوشواره... را شروع کرد. و حدود ۲۰ سال بعد این صنعت توسط صنعتگر دیگری بنام «حاج داداش» از مشهد به اصفهان برده شد. در حال حاضر صنعت دستی فیروزه کوبی فقط در اصفهان رایج و صنعتگران شاغل در این رشته نیز همچون تولید آن محدود است.

در اصفهان فیروزه کوبی صرفنظر از جواهرات در ظروفی مانند بشقاب، لیوان، کاسه و گلاب پاش و... نیز مورد استفاده قرار می گیرد. یکی از کارهای جنبی صنعت فیروزه کوبی تهیه «زیرساخت» است که در کارگاه زرگری و به طور جداگانه صورت می گیرد.

یک فرآورده فیروزه کوب اعم از زیور آلات و یا ظروف عبارت از شیئی است مسی، برنجی، نقره ای و یا برنزی که ذرات و قطعات ریز سنگ فیروزه بر قسمتهایی از سطوح آن به فرم موزاییک در کنار هم نشانده شده و به این ترتیب جلوه ای خاص به آن بخشیده می شود. ساخت و پرداخت چنین فرآورده ای شامل دو مرحله کلی است:

### الف) زرگری ب) فیروزه کوبی

صنعتگر تولید کننده فیروزه کوب در مراحل مختلف کار از ابزار کار و وسایلی نیز بهره می گیرد که عمدتاً شامل قالب، چکش، دریل، چراغ گاز، چراغ بنزینی، گاز انبر، انبردست، پنس، منقاش، لوله های مختلف فلزی، سوهان و سنگ سمباده است.

نکته حایز اهمیت در فیروزه کوبی در درجه نخست نصب صحیح فیروزه بر روی فلز است به گونه ای که دارای قدرت کافی بوده و هنگام پرداخت قطعات فیروزه از آن جدا نشود و دیگر اینکه هر چه ظرف فیروزه کوبی شده پرکارتر باشد و قطعات سنگ منظم تر در کنار یکدیگر نصب شده باشد و فاصله زیادی در بین قطعات فیروزه دیده نشود کار دارای ارزش هنری بیشتری است.



### قلمدان سازی

پژوهشهای محققین برای اینکه به پدیده ای به نام قلمدان در ایران باستان پی ببرند. راه به جایی نبرده است. و از وجود این هنر در ادوار قبل از اسلام اطلاعی در دست نیست.

## راهنمای گردشگری عمومی

با ظهور اسلام، استفاده از قلمدان برای کارهای تحریری معمول گشت و در مدرسه ها، مکتب خانه ها و مراجع دیوانی مورد استفاده قرار گرفت.

در دوره سلجوقیان بر اثر حمایتی که از شعراء و نویسندگان و دبیران به عمل آمد، هنر قلمدان سازی پیشرفت بسیار کرد. این پیشرفت و ترقی تا عصر تیموریان ادامه داشت.

بررسی های انجام شده بیانگر این مطلب است. در عصر صفویه که خوشنویسی به نهایت ترقی و تعالی رسید هنر قلمدان سازی نیز به اوج رسید و قلمدان های ساخته شده در این عصر از گرانبها ترین و نفیس ترین میراث های فرهنگی ایران به شمار می رفت.

قلمدانهای برجای مانده از آن روزگار که برخی گوهرنشان و طلاکوب و مرصع هستند و بر بعضی نیز آیات قرآنی نوشته شده است. زینت بخش موزه های ایران و سایر کشورهای جهان می باشند.

در دوره قاجاریه و زندیه نیز هنر قلمدان سازی مثل روزگار صفویان در اوج بود و قلمدانهای ساخته شده در این دوره نمایانگر هنر هنرمندان اصفهانی هستند.

از مشهورترین قلمدان سازان دوران صفویه و زندیه و قاجاریه می توان محمد زمان نگارگر، حسن خداداد، محمد خداداد، سمیرمی، محمدصادق امامی اصفهانی، کاظم بن نجفقلی، عبدالرحیم اصفهانی و آقا نجف قلمدان را نام برد. اگر چه در حال حاضر قلمدان مانند گذشته مورد استفاده قرار نمی گیرد اما علاقمندان به هنرهای اسلامی ایرانی کماکان از این فراورده هنری استقبال کرده و خواهان و طالب آن هستند.

### نقره کاری

بشر از چهار هزار سال ق.م، پس از کشف طلا، با کاربرد نقره آشنا بوده است. نقره فلزی است که مانند طلا و مس به صورت خالص در طبیعت موجود است، ولی بیشترین مقدار آن از سنگ معدن استخراج می شود. آثار کشف شده در تپه های سیلک کاشان متعلق به هزاره چهارم ق.م، یادآور این نکته است که مردم این ناحیه از ایران با کاربرد این فلز پالایش و ساخت اشیاء سیمین، آشنایی کامل داشته اند. معادن بسیاری در نقاط مختلف ایران دارای سنگ نقره هستند، از جمله: معادن نخلک در میانه کویر لوت در شمال انارک، که در زمان ساسانیان از محصول آنها به ویژه در ساخت ظروف سیمین استفاده می شد. هنر نقره کاری در عصر ساسانیان رونق بسیار داشت. از مقایسه اشیاء مکشوفه



ساسانی با کارهای مشابه همعصر خود در بیزانس و روم، استنباط میشود که این دو هنر در تکنیک کار و اسلوب ساخت، نباید تفاوت چندانی با یکدیگر داشته باشند. نقره کاران ساسانی سه روش زیرین را در ساخت ظروف به کار می برده اند:

- ۱- ساخت اشیاء نقره به وسیله چکش کاری،
- ۲- هنر فلز کاری ریختگی در اشیاء سیمین،
- ۳- ساخت ظروف آستردار.

### روش ساخت

برای ساخت ظروف نقره، پس از عیار کردن نقره با مس، نقره را ذوب کرده و داخل قالبیکه نام آن ریچه (ریجه) است می ریزند. ریچه به شکل دو صفحه آهنی که یکی از آنها دارای دو زه در اطراف آن است، می باشد. این دو صفحه را در هم چفت کرده و از شکاف بالای آن نقره مذاب را درون آن می ریزند تا به صورت شمش درآید. شمش را توسط دستگاه نورد که شامل دو غلتک سنگین است، به ضخامتهای مورد نیاز، نازک می کنند. روشهای نقره سازی که در حال حاضر مورد استفاده قرار میگیرند عبارتند از:

۱- چکش کاری: در این روش برای ساخت ظرف تنها از چکش استفاده می شود. به طور مثال برای ساخت کاسه ای با دهانه ۳۰ سانتیمتر، اندازه ورق نقره را ۵-۶ سانتیمتر اضافه تر می گیرند و به وسیله چکش آنرا گود می کنند (فرو می گیرند) تا به شکل دلخواه درآید. ۲- خمکاری با استفاده از قالب: در این روش ورق نقره روی قالبهای مخصوص کشیده و به وسیله میله ای که دستگیره چوبی دارد، آنقدر ورق را روی قالب می کشند تا شکل قالب را به خود بگیرد و سپس آن را از قالب جدا می کنند. ۳- ریخته گری: ساخت ظروف به وسیله قالبهایی از جنس نقره، برنج و به خصوص آلومینیوم است. برای مثال برای ساختن دسته یک گلدان که جدا روی ظرف نصب می شود، ابتدا درون قالب را از ماسه مرطوب پر می کنند (برای جدا شدن آسان نقره از قالب)، سپس نیمه دیگر قالب را روی آن گذاشته و فشار می دهند و نقره مذاب را از شکاف، داخل قالب می ریزند. پس از خارج کردن نقره شکل گرفته، قسمتهایی که همسان نیست را سوهانکاری می کنند. ۴- پرسکاری: در پرسکاری با استفاده از یک قالب و دستگاه پرس، نقره را به شکل مورد نظر درمی آورند که بیشتر برای ظروف تخت استفاده می شود. دستگاه پرس دارای دو قالب منفی و مثبت است که با فشار در هم چفت شده و نقره را به شکل مورد نظر درمی آورند.

پس از ساخته شدن ظرف، یک لایه از روی ظرف را می تراشند، که به آن چرخکاری گفته می شود تا ظرف براق شود. اگر ظرف دارای لبه باشد، ابتدا یک زه دور لبه آن لحیم می کنند و سپس آنرا برای قلمزنی آماده می کنند. زمان لحیم کاری ماده ای به نام تنکا (بوراکس  $B_2O_3$ ) به قطعه می زنند، تا به خوبی به ظرف متصل شود. در حال حاضر افراد چندانی توانایی ساخت ظروف با روش چکش کاری را ندارند و بیشتر از روش خمکاری و پرس این کار را انجام می دهند.

### ملیله سازی

ملیله سازی یکی از برجسته ترین صنایع فلزی ایران است که بدلیل ظرافتهایی که در آن بکار می رود تلفیق بلیغی از هنر و حوصله محسوب می گردد. این هنر وام دار هنرمندانی است که با ابزار بسیار ابتدایی به خلق آثاری ارزشمند مبادرت ورزیده و گاه بینایی خود را در این مسیر از دست داده اند. ملیله ساز که زمانی به خاطر اشتغالزایی زیاد، ظرافت و زیبایی زبانزد همه جهانیان بود با مرور زمان و مشکلات مختلف به بوته فراموشی سپرده شد و تعدادی کمی از علاقمندان واقعی، به این حرفه طاق فرسا و کم سود ادامه دادند.

## راهنمای گردشگری عمومی

این مصنوعات دستی به حدی زیبا و ظریف است که امروز نیز زینت بخش موزه‌ها، مجموعه‌های هنری خصوصی و منازل افراد متمول در اقصی نقاط عالم می باشد.

دست مایه هنرمندان ملیله سازی ایرانی، از جمله ره توشه گردشگران خارجی است که در پایان سفر خود به ایران، همراه می‌برند و به آن افتخار می‌کنند.

با اینحال، گران بودن نقره، وضعیت نامناسب اقتصادی، نبود رونق بازار، کاهش انگیزه، نبود سرمایه‌ی مورد نیاز، طاقت فرسا بودن کار و کناره گیری اجباری خبرگان از این حرفه، احیای جایگاه اولیه ملیله سازی را با مشکل مواجه می‌سازد.

### تاریخچه:

قدیمی‌ترین اشیاء ملیله ایران به روایت اکثر محققان به سالهای ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد مسیح متعلق است چه آنکه طی سالهای یاد شده به دلیل رواج استعمال ظروف گرانقیمت از سوی طبقات ثروتمند و مرفه، صنعتگران فلزکار، به ویژه زرگران و نقره سازان تمامی توجه خود را به زیباتر ساختن ظروف معطوف داشتند و کوشیدند تا به اشیاء مصرفی حالتی تزئینی بدهند. با آنکه بر اثر تاراج اسکندر و سپاهیان او از دست ساخته‌های گرانقیمت این دوره که غنای کمی کم وزن و پربها بودند اثر چندانی باقی نمانده ولی آنچه طی یکی دو قرن اخیر در اثر کاوشهای باستان‌شناسی یا بطور تصادفی از زیر خاک بیرون آمده نشانه استادی و مهارت صنعتگران و مؤید وجود ملیله کاری در ایران پیش از تاریخ می‌باشد.

همچنین پروفیسور آرثر آپهام پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران ضمن اشاره به زرگری و نقره‌سازی در سالهای بعد از ظهور اسلام به مقداری ملیله که از منطقه «ری» یافت شده و به قرن دوازدهم میلادی تعلق دارد اشاره کرده است. متأسفانه از آنجا که اکثر اشیاء ملیله ایرانی اعم از طلا و نقره به منظور استفاده مجدد از فلزش ذوب شده نمونه‌های زیادی از آن در دسترس نیست و تنها از دوره قاجاریه مقداری سرقلیان گیره استکان - سینی در اندازه‌های مختلف - گوشواره - سینه ریز و ... باقی مانده که بخشی از آنها در موزه های داخلی و خارجی و بخشی دیگر در مجموعه‌های خصوصی یا نزد خانواده‌ها نگاهداری می‌شود.

در سال‌های نزدیک به جنگ جهانی دوم و در همان شرایطی که گفته شد گروهی به صرافت احیاء هنرهای دستی افتاده بودند، جمعی از هنرمندان ملیله ساز زنجانی به اصفهان و تهران رفتند و به ساخت زیورآلاتی به وسیله طلا و با بهره گیری از اسلوب فنی ملیله کاری پرداختند که حاصل کارشان، مخصوصاً «گوی»های کوچک زرینی که تولید می‌کردند، یکی از برجسته‌ترین فرآورده‌های بازار زرگران این دو شهر بود. در حال حاضر نیز ملیله کاری در شهرهای تهران، زنجان و اصفهان رواج دارد که فرآورده‌های تولیدی هنرمندان اصفهانی دارای جنبه‌ای تجملی و تشریفاتی است؛ ملیله کاران تهرانی بیشتر در امر ساخت جواهرات به فعالیت اشتغال دارند و زنجان تنها شهری است که مصنوعات مصرفی ملیله در آن تولید می‌شود. صنعتگران زنجانی در حال حاضر مواد اولیه کارشان را فقط از طریق



## راهنمای گردشگری عمومی

ذوب ظروف نقره‌ای مستعمل تهیه می‌کنند. عیار نقره مصرفی در ملیله زنجان، با خلوص ۹۹/۹ درصد معروف به عیار ۱۰۰ استفاده می‌شود و به لحاظ کیفیت ساخت، ملیله اصفهان دارای نقوش بزرگتر نسبت به ملیله زنجان است و غنای ریز نقوش، زیبایی و ظرافت کار آن با ملیله زنجان برابری نمی‌کند.

ملیله زنجان با توجه به طرحها و نقشهای اصیل و خصوصا ظرافت زیاد آن در مجموع از کیفیت بالایی برخوردار است. ریز نقوش متداول در ملیله زنجان همانند سایر نقشهای صنایع دستی اکثرا ذهنی و الهام یافته از طبیعت و طرحهای سنتی است. مهمترین و رایج‌ترین نقشهای ملیله زنجان عبارتند از: اشک، جغه، پیچک، ترمه و غنچه، برگ، واو ملیله، دو چشم، برگ فرنگ، سه چهارچشم، کورملیله و تائیده، که هر یک دارای ویژگی خاص خود می‌باشد.

آثار قدیمی ملیله در زنجان به کلی از بین رفته و یا جهت استفاده مجدد نقره ذوب گردیده است و به دلیل عدم وجود موزه در زنجان آثار نقره‌ای - ملیله کاری مورد حفظ و نگهداری قرار نگرفته است. امروزه در زنجان حدود ۳۰ کارگاه ملیله کاری فعال موجود می‌باشد که استادان ملیله کار این کارگاهها همگی از شاگردان استاد ((منصور کاظمیان مقدم)) می‌باشند. این استاد گرانقدر از سال ۱۳۵۵ به منظور حفظ و بقای این هنر با همکاری سازمان صنایع دستی زنجان به آموزش ملیله کاری در مرکز آموزش استان اقدام نمودند. در پایان قابل ذکر است یکی از شاگردان ایشان به نام استاد ((عبدالحمید محرر)) در سال ۸۶ موفق به اخذ مهر اصالت در این رشته از یونسکو گردید.

### مواد اولیه:

- ✓ مواد اصلی : شامل طلا، نقره، مس
- ✓ مواد فرعی : موم، زغال، موادپاک کننده

### ابزار آلات ملیله کاری:

ابزار کار ملیله کاری شبیه ابزار و ادوات زرگری است.

کوره : شامل کوره‌های زغالی یا کوره‌های گازی می‌باشد که جهت ذوب فلزات حرارت تولید می‌کنند و دمای آنها معمولا بالای ۱۳۰۰ درجه سانتی گراد می‌باشد.

بوته : ظرفی است استوانه‌ای شکل جهت ذوب نقره از آن استفاده می‌شود جنس آن از گرافیت و ظرفیت کوچکترین آن تقریبا ۵۰ گرم و بزرگترین آن یک کیلوگرم است.

حدیده : ابزاری است برای تهیه مفتولهای نقره با قطرهای مختلف به شکل استوانه که از دو لایه بیرونی و درونی تشکیل شده است.

ریجه (ریژه) : قالب فلزی می‌باشد که نقره بعد از ذوب داخل آن ریخته می‌شود. ریجه دو نوع است: ۱- مدادی که جهت تهیه شمش استفاده می‌شود. ۲- کتابی که برای ساخت نقره صفحه‌ای استفاده می‌شود.

دستگاه نورد : شمش ملیله‌ای را به مفتول تبدیل می‌کند.

دمبوری : که حاوی یک مخزن بنزین و یک دم هوا و همچنین یک مشعل می‌باشد و جهت آتشکاری جزئی بکار می‌رود.

## راهنمای گردشگری عمومی

انبر آتش کاری : دارای دسته‌ای بلند بوده و هنگام آتش و لحیم کاری استفاده می‌شود.  
مته برقی : برای سوراخ کردن برخی قسمتهای زمینه کار از آن استفاده می‌شود.  
تخته تاب : دو قطعه چوب برای تابیدن مفتول نقره‌ای بکار می‌رود.  
قیچی : برای بریدن ورقه‌های آهنی و قطع مفتولهای نقره‌ای استفاده می‌شود.  
فرچه یا برس سیمی : برای پاک کردن ناپاکی‌ها و چرک از روی مليله استفاده می‌شود.  
آینه سوهان : برای براق کردن و شفاف نمودن سطح کار نقره استفاده می‌شود.  
جفت : برای شکل دادن مفتول مليله به ریز نقشها بکار می‌رود.  
قالب ریخته گری : برای ساختن اشیا از قبیل پایه و دسته استکان بکار می‌رود.  
دندان : برای تبدیل نوار نقره‌ای به نوار دندانه دار استفاده می‌شود.

### نحوه ساخت :

هنر مليله کاری، محصول کار با طلا، نقره و مسی است که به صورت مفتولهای باریک درآمده است و با صرف وقت و دقت فوق العاده و مهارت و هنرمندی مليله کار، بر مبنای شی یا محصول مورد نظر و با بهره گیری از نگاره‌های سنتی و طرحهای اسلیمی به هم پیوند و ارتباط یافته‌اند.

عمده ترین ماده اولیه مليله کاری را نقره تشکیل می‌دهد که از طریق ذوب کردن سکه‌های نقره یا قراضه ظروف نقره‌ای تامین می‌شود. نقره مصرفی در مليله کاری دارای ۱۰۰ عیار است ولی برای ساختن دسته یا پایه ظروف به طور معمول از نقره با عیار ۶۰ تا ۸۴ استفاده می‌کنند.

مليله سازان برای شروع کار ابتدا نقره مصرفی را با عیار مورد نظر انتخاب و بوسیله ظرفی بنام «بوت» در کوره قرار داده و ذوب می‌کنند. آنگاه نقره مذاب را در داخل ابزاری بنام «ریچه» که ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر درازا دارد و دو شیار طولانی به قطر ۵ میلیمتر بر روی آن تعبیه شده می‌ریزند و به این طریق مفتولی به طول و قطر شیار روی «ریچه» بدست می‌آورند. در مرحله بعد، مفتول نقره‌ای را روی سندان گذاشته و به کمک چکش آن را به صورتی چهار پهلو در می‌آورند. سپس آن را با چراغ کوره‌ای حرارت داده و در شرایطی که مفتول کاملاً گرم شده و قابلیت انعطاف پیدا کرده است از میان دستگاه نورد قابل تنظیمی عبور داده و به مفتول‌هایی به قطر دلخواه تبدیلش می‌کنند. این مفتول‌های باریک در کوره حرارت داده شده و آماده حدیده کردن می‌شود.

عمل حدیده کردن موجب بدست آمدن مفتول‌هایی با ضخامت بسیار کم و قطر یکنواخت می‌گردد که مفتول حاصل ابتدا باید دولا تاب و پس از آن با کمک قسمت مسطح دستگاه نورد کوبیده شده و به صورت نواری به قطر تقریبی یک تا ۱/۵ میلیمتر درآید. این نوار که لبه‌ای مضرس دارد، نوار مليله نامیده می‌شود و استادکاران مليله ساز بعد از تهیه آن ابتدا صفحه‌ی فلزی مستطیل شکلی را که معمولاً از جنس مس و دارای ابعاد مختلف است انتخاب و یک سطح آن را کاملاً موم اندود می‌کنند.

## راهنمای گردشگری عمومی

بطوری که لایه‌ای به ضخامت سه تا چهار میلیمتر از موم روی صفحه را بپوشاند.



سپس قالبی را که به شکل محصول مورد نظر بریده شده روی صفحه مسی قرار داده و نواری را که پهنایی بیش از نوار ملیله دارد از اطراف قالب می‌گذارند تا شکل قالب را بخود گرفته و در موم فرو رود.

هنگامی که به این ترتیب طرح اولیه ملیله ساخته شد، استادکار میانه قالب را با نقش‌های ملیله که قبلاً بوسیله دست و با کمک انبری ظریف ساخته شده پر می‌کند و در پایان کار آنها را با مفتول‌های بسیار ظریف فولادی به یکدیگر می‌بندد تا بر اثر حرکت و تکان

خوردن جا عوض نکنند و تغییر شکل ندهند. نقوش رایج در ملیله سازی اکثراً ذهنی و ملهم از نگاره‌های قدیمی و سنتی ایران است.

این اسکلت بوسیله حرارت دادن صفحه مسی از موم جدا و بر روی سطحی هموار قرار داده می‌شود و مقداری گرده لحیم که عبارت از برآکس و براده نقره است روی آن ریخته و شعله گاز را بر روی آن حرکت می‌دهند. بر اثر این کار، گرده لحیم ذوب شده و اتصال کلیه قطعات به یکدیگر و همچنین دیواره نقش باعث می‌گردد. پس از اتمام آتشکاری و اتصال کلیه قطعات به یکدیگر، سیم‌های فولادی را بریده و محصول را که تقریباً کار ساختش به پایان رسیده در طشتکی که حاوی محلول رقیق اسیدسولفوریک است قرار می‌دهند. یا در داخل ظرف محتوی زاغاب ( محلول زاج سفید و آب) می‌جوشانند تا اضافات و لکه‌های روی نقره از بین برود. در پایان با برس سیمی ظریفی ملیله ساخته شده را پاک نموده و ناهمواری‌هایش را بوسیله سوهان‌های ظریف و نیز سمباده از بین برده و آن را پرداخت می‌نمایند.

نوع دیگری از ملیله، محصولاتی است که به وسیله خم کردن و لحیم دادن صفحات ملیله ساخته می‌شود و شیوه تولید چنان است که ابتدا از ملیله صفحاتی به اندازه‌های مورد نظر تهیه می‌کنند و سپس به کمک آنها محصولاتی نظیر گیره استکان و لیوان، قندان، گلابپاش، قاب عکس، گل سفید، قاشق‌چای خوری و... می‌سازند به وسیله نقره ای با عیار پایین تر دسته و پایه آن را ساخته و روی کار سوار می‌کنند.

### مینا

از هنرهای دستی ایرانیان در ادوار گذشته و روزگاران دور تزئین و کنده کاری روی فلزات است. از جمله موارد فلزکاری می‌توان از ترصیع نام برد که به معنای نشان دادن و جا دادن قطعات کوچک فلزهای مختلف روی سطح فلزی از جنس دیگر و ایجاد تناسب میان قطعات است.

بررسی هائی که در مورد میناکاری به عمل آمده بیانگر این مطلب است که میناکاری نیز مانند بسیاری از هنرهای دیگر برای اولین بار در ایران بوجود آمده و سپس به سایر کشورها راه یافته است.

## راهنمای گردشگری عمومی

در زمان صفویه میناکاری نیز همچون سایر هنرها ترقی بسیار کرد و شهر اصفهان به یکی از مراکز عمده این هنر تبدیل شد. هنوز نیز این شهر تنها مرکز این هنر محسوب می‌شود.

هنر میناکاری شامل فعل و انفعالات پیچیده ای است که به هم مربوط می‌شوند.

در عصر صفویان از نقش‌های اسلیمی و گل استفاده بسیار شد و رنگ قرمز در میناکاری مصرف بیشتری پیدا کرد. در قدیم رنگ‌هایی که در صنعت میناسازی مورد استفاده قرار می‌گرفتند مانند رنگ‌های قلمکار گیاهی یا معدنی بودند اما در حال حاضر برای نقاشی ظروف و سایر اشیاء مینائی از رنگ‌های شیمیائی استفاده می‌شود.

میناکاران برای تهیه رنگ قرمز از طلا، رنگ سبز از مس و رنگ زرد از گل ماشی استفاده می‌کنند.

بیشتر اشیائی که هم اکنون میناسازان به خریداران و علاقمندان این هنر عرضه می‌کنند عبارتند از: گوشواره، گردنبند، انگشتر، سینه ریز، جعبه‌های کوچک و بزرگ آرایش، قوطی سیگار، سرویس چایخوری و شربت خوری، جام‌های میناکاری، بشقاب، گلدان، قاب‌های عکس، پیپ، گلاب پاش، جاروچهل چراغ، درها و پنجره‌هایی که برای مقابر ائمه در کربلا و نجف و سامره و مشهد و قم و سایر اماکن متبرکه ساخته شده‌اند.

در حال حاضر میناکاری کار هنرمندان اصفهانی طرفداران و خریداران بسیاری دارد و این رشته هنری از طرف سازمانهای ذیربط همچون سازمان صنایع دستی مورد حمایت قرار می‌گیرند.



هنر میناکاری را می‌توان یکی از اختراعات خلاقه‌ی بشر دانست؛ زیرا این هنر شامل فعل و انفعال‌های پیچیده ایست که به هم ربط داده می‌شوند. از یک سوی عوامل ساده‌ای از قبیل سیلیس و منیزیم و پتاسیم و از سوی دیگر سنگ قیمتی که ترکیب آنها مینا را به وجود می‌آورد. از این رو این یک هنر آزمایشگاهی است و در حقیقت ماده‌ای است از ترکیب اکسیدهای فلزات که بر اثر حرارت، رنگ‌های مورد نظر را به دست می‌دهد در اختلاط با

نمک به دست می‌آید در این عمل رنگ‌ها با درجه حرارت و طول زمان ارتباط زیاد پیدا می‌کند. بنابراین برای دسترسی به این پدیده هنری زیبا باید آتش و حرارت به دقت مراقبت و مهار شود. مینا که طبعاً شفاف است، شفافیت بیشتر خود را از اکسید قلع به دست می‌آورد که ترکیبات آن از زمان‌های قدیم تا به امروز ثابت و بدون تغییر مانده است.

مشکل بتوان گفت از چه زمانی هنر میناکاری در ایران رواج گرفته است زیرا از روزگاران پیش از عهد صفویه (سده دهم هجری) نمونه‌هایی از میناکاری در دست نیست و از دوران صفوی هم نمونه‌های قابل ملاحظه‌ای بر جای نمانده است. لکن در دوران قاجار میناکاری به مقدار کم وجود داشته و اشیائی مانند سرقلیان و کوزه‌قلیان و کوزه و بادگیر قلیان را میناکاری می‌کرده‌اند. در دربار پادشاهان قاجار مخصوصاً ناصرالدین شاه که قلیان کشیدن از سرگرمی‌های او بوده قلیان‌های میناکاری شده وجود داشته است. همچنین در خانه‌های اشراف و بزرگان آن عصر نیز این قبیل اشیاء میناکاری شده موجود بوده است. اشیاء دیگری مانند کمربند، آفتابه لگن، انقیه دان، گلابپاش، گوشواره، اشکدان و قوطی سیگار میناکاری شده نیز موجود است.

در کتاب "بررسی هنر ایران" اثر پروفیسور پوپ درباره‌ی هنر میناکاری چنین آمده است: «میناکاری هنر درخشان آتش و خاک است، با رنگ‌های پخته و درخشان که سابقه آن به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد و ظهور آن بر روی فلز در طول سده‌ی ششم تا چهارم پیش از میلاد و پس از سال ۵۰۰ پیش از میلاد مشاهده می‌شود. هنر میناکاری در ایران بیش از نقاط دیگر تجلی داشته و یکی از نمونه‌های قدیمی آن در عهد صفویه توسط شاردن جهانگرد فرانسه ذکر شده است که قطعه‌ی مینایی از کارهای اصفهان بوده، مشتمل بر طرحی از پرندگان و حیوانات بر زمینه گل و بته به رنگ آبی کم رنگ و سبز و زرد و قرمز.»

در مورد سابقه‌ی هنر میناکاری در ایران لئوبرونستین و اروین مرگولیس Erwin Margulies یادآور شده‌اند که سابقه این هنر در ایران به زمان اشکانیان و ساسانیان می‌رسد؛ ولی استفاده از آن در آغاز اسلام، تا پیش از حکومت ایلخان مسلمان مغول، غازان خان (۶۹۴ تا ۷۰۳ هجری) روشن نیست. پادشاه در مدت کوتاهی به علم شیمی دست یافت و بر خلاف پیشینیان که مبالغه‌نگفتی در راه پیدا کردن اکسیر صرف می‌کردند ترجیح داد که دانش و مساعی خود را صرف هنر میناکاری نماید.

مؤلف کتاب «جغرافیای اصفهان» در سال ۱۲۹۴ هجری (۱۸۷۷ میلادی) درباره صنف میناکاران اصفهان می‌نویسد که میناکاری در اصفهان استادان معروف داشت، مانند: آقاعلی فرزند آقاباقر نقاش که در فن نقاشی و مینا سازی همدریف پدرش بود و در اواخر سلطنت محمد شاه قاجار درگذشت (حدود ۱۲۶۴ هجری برابر با ۱۸۴۷ میلادی) و اینک برخی از نقاشان این زمان در هنر میناکاری هم استادی دارند و اگر به آنها سفارش کار مینا بشود مانند استادان مشهور گذشته از عهده‌ی انجام آن به خوبی بر می‌آیند و هم اکنون سرفیلیانهای میناکاری خوبی ساخته می‌شود.

رواج صنعت میناکاری در اصفهان از دوران پهلوی و حدود سال ۱۳۱۰ شمسی است و مخصوصاً طی سی سال اخیر این صنعت به وسیله‌ی یکی از استادان هنرمند و بنام اصفهان آقای شکرالله صنیع‌زاده بسط و توسعه یافت و شاگردانی در این مکتب تربیت شدند که هر یک دریچه‌ی دیگری را برای هنر میناکاری گشودند. تا جایی که هم اکنون حدود پانصد نفر استاد و کارگر به تهیه‌ی اشیاء مینائی اشتغال دارند. بیشتر اشیائی که میناسازان فعلی به بازار عرضه می‌کنند عبارت است از: گوشواره - سینه ریز - گلوبند - انگشتر - جعبه‌های بزرگ و کوچک آرایش زنانه - قوطی سیگار - جعبه‌های خاتمکاری و میناکاری - سرویس چای خوری مینا - شربت خوری مینا - جبابهای مینا کاری - بشقاب مینا - گلدان مینا به اندازه‌های مختلف - تابلوهای بزرگ و کوچک میناکاری که با هنرهای دیگر مانند طلاکاری و خاتم کاری و مینیاتور ترکیب می‌شود - کاسه قاب قدح میناکاری - قاب‌های عکس در اندازه‌های مختلف - زیر سیگاری مینا - پیپ مینا - آلبوم عکس - گلاب پاش مینا - پنکه سقفی - جار و چهلچراغ مینا، درها و پنجره‌ها و ضریح‌های مینا کاری شده برای مقابر ائمه شیعه در کربلا و نجف و سامره و مشهد و قم و حضرت عبدالعظیم و اماکن متبرکه دیگر.

روی اشیاء طلائی و نقره‌ای هم می‌توان میناکاری کرد ولی اساساً میناکاری بر روی مس انجام می‌شود. برای فراهم آمدن مینا چند مرحله باید طی شود؛ به این ترتیب که ابتدا آن چیزی را که می‌خواهند میناکاری کنند به هر شکل و هر اندازه باید به وسیله مسگر متخصص به شکل لازم در آید و پس از آن که ساخته شد استاد میناکار به آن لعاب سفید رنگ می‌دهد، معمولاً سه الی چهار بار لعاب داده می‌شود و در هر بار، شیء، به کوره می‌رود و حدود ۷۰۰ درجه

حرارت می‌بیند تا رنگ لعابش ثابت شود. بعد روی آن با رنگ‌های گوناگون نقاشی می‌شود. سپس شیء باز به کوره می‌رود و حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ درجه حرارت می‌بیند تا رنگها به صورت مطلوب درآید. در گذشته که میناکاری رواج اندکی داشت، رنگهایی که به کار می‌رفت مانند رنگ‌هایی که در صنعت قلمکار به کار می‌بردند، گیاهی یا معدنی بوده؛ ولی اکنون برای نقاشی ظروف و اشیاء مینایی از رنگ‌هایی شیمیایی استفاده می‌شود که معمولاً آنها را از آلمان وارد می‌کنند.

### رنگهایی که در میناکاری به کار می‌رود بر سه نوع است:

- ۱) رنگهای گیاهی که در چیت سازی هم به کار می‌رود.
  - ۲) رنگهای معدنی که در نقاشی و میناکاری به کار می‌رفته.
  - ۳) رنگهای فلزی که روی مینا کار می‌کنند.
- برای میناکاری در تهیه رنگ قرمز از طلا هم استفاده می‌شود. رنگ سبز مینا از مس و رنگ زرد آن از گل ماش به دست می‌آید. رنگ آبی و فیروزه ای از فلزات و رنگ سفید از رنگ مخصوص تهیه می‌شده است که در شهر سامره از شهرهای عراق نوع خوب آن را به دست می‌آورده‌اند.

در دوران مغول سبک جدیدی در مینا کاری ایران به وجود آمده است. در دوره ی صفویه زمینه‌ی هنر مینا کاری تغییر یافت. ظروف نقره در این دوره با نقوش مینیاتور و مجالس بزم و رزم و شکار و دربار تزئین یافته و نقوش اسلیمی و ختایی نیز جایی در میان نقوش فوق خود نمایی می‌کردند. هنر مینا کاری را می‌توان یکی از اختراعات خلاقانه‌ی ایرانیان دانست، زیرا زیبایی این هنر، در مهارت هنرمند در مهار آتش و خاک و رنگ و لعاب است.

### مینا به لحاظ روش تولید به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱) مینای خانه بندی

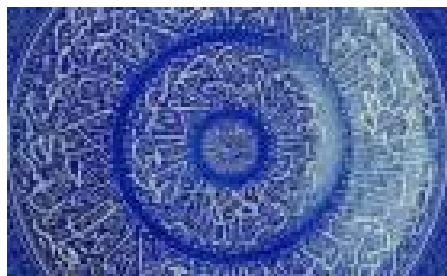
۲) مینای نقاشی

#### ● روش تولید

مینا طبعاً شفاف است و این شفافیت از اکسید قلع به وجود می‌آید و ترکیبات آن از زمانهای قدیم تا به امروز ثابت بدون تغییر مانده است. به طور کلی مینا کاری بر روی مس انجام می‌گیرد، هر چند می‌توان روی طلا و نقره نیز مینا کاری کرد. تولید مینا نیاز به طی مراحل خاصی دارد و آن این است که ابتدا ظرف مورد نظر (زیر ساخت) به دست مسگر یا دواتگر به شکل و اندازه‌ی لازم ساخته می‌شود، سپس استاد کار مینا به لعاب سفید رنگ می‌زند و در کوره می‌گذارد، سپس به نقاشی روی این بوم سفید پرداخته، در انتها طلا کاری می‌نماید و در نهایت با لعاب شفاف می‌پوشاند. در مراحل ساخت هر ظرف حدود ۸ بار به کوره می‌رود و هر بار بطور متوسط از ۲۰۰ تا ۸۰۰ درجه سانتی گراد حرارت می‌بیند تا رنگها به صورت مطلوب درآید.

### (۱) مینای خانه بندی :

در این روش مفتولهای نازک فلزی را در سطح ظرف در محل نقوش اصلی به وسیلهی لحیم ثابت می‌نمایند. پس از تثبیت مفتولها، داخل محدوده و سطوح به وجود آمده را با رنگهای مینایی پر می‌کنند و حرارت می‌دهند. اکثراً میناهای قدیمی به این روش ساخته می‌شوند.



### (۲) مینای نقاشی :

که امروزه متداول است، در این روش ابتدا سطح کار را با رنگ سفید و غلیظ ( با رنگی دیگر ) می‌پوشانند و پس از حرارت روی این بوم سفید را نقاشی می‌نمایند. به همین دلیل به آن مینای نقاشی می‌گویند.

#### ● مواد اولیه

– مواد اولیه‌ی مورد مصرف بدنه‌ی مینا :

از فلزاتی مانند مس، طلا، نقره، ورشو و برنج که در واقع زیر ساخت را فراهم می‌آورند استفاده می‌شود، که فلز مس به خاطر حالت چکش خواری، از بقیه فلزات رایج‌تر است.

#### – مواد اولیه‌ی مورد مصرف در لعاب مینا :

از سیلیس، کربنات، سدیم، پتاسیم، آهک، قلع و ... استفاده می‌شود. در مینا کاری برای تهیه‌ی رنگ قرمز از طلای حل شده به اضافه‌ی برآکس و کربنات سدیم، برای تهیه‌ی رنگ سبز از مس به اضافه‌ی کرومات سرب و برای تهیه‌ی رنگ زرد از ترکیب آهن، اکسید کروم و قلع و در هر صورت برای شفافیت لعابها از اکسید قلع استفاده می‌شود در گذشته که مینا کاری رواج اندکی داشته، رنگها گیاهی یا معدنی بوده، ولی اکنون برای نقاشی و لعاب اشیاء مینایی از رنگ های شیمیایی نیز استفاده می‌شود.

#### ● ابزار کار

ابزار کار ساخت ظروف مینا عبارتند از :

(۱) ورقه‌ی مس ( طلا یا نقره و ... )

(۲) کاغذ کپی

(۳) چکش: که با فرم‌های متنوعی که در سر خود دارند، قادرند حالت‌های مختلفی (فرورفتگی و برآمدگی) را در فلز ایجاد نمایند.

(۴) سندان : که می‌تواند بسته به اندازه و فرم مورد نظر کوچک یا بزرگ باشد، به جای سندان می‌توان از تنه‌ی درخت مناسب استفاده نمود.

- ۵) گیره
  - ۶) کمان اره و تیغ اره‌ی فلز بر
  - ۷) قیچی فلز بر
  - ۸) قلم مو
  - ۹) انواع رنگ‌های گیاهی - معدنی و فلزی
  - ۱۰) کوره
- محل تولید



### ● روش نگهداری

از آن جا که نقوش مینا توسط لعاب شفاف پوشانده شده است، شستن با آب گرم و اسفنج صدمه‌ای به ظروف نمی‌زند ولی از کشیدن اشیاء نوک تیز و برنده و ضربه زدن به آن باید جلوگیری کرد (ضربه زدن ایجاد پریدگی می‌نماید) بدیهی است حرارت زیاد و نامتناسب نیز بعضی از رنگ‌های مینا را می‌سوزاند. هنرمند ایرانی همواره با کار هنری اش به هنگام حک کردن نقشی بر سنگ یا فلزی و یا ترسیم نقش‌های هندسی و نمادین بر بافته‌ای و یا تراشیدن پیکره‌ای به هر حال مقصودی را بیان و رمز و رازی را آشکار ساخته است.

### نگارگری

#### نگارگری

نگار در معانی متعددی چون: نقش و نقاشی، نقشی که از حنا بر دست و پای محبوب کنند، تحریر، بت، صنم و معشوق به کار رفته است. در حقیقت «نگارگری» مفهوم عام دارد و روشها و سبکهای گوناگون نقاشی ایرانی را



شامل می شود، چه آن ها که در کتاب و نسخه های خطی صورت گرفته شامل تذهیب کاری، تشعیر، حاشیه سازی، جدول کشی، گل و مرغ و غیره است، چه آن ها که بر دیوار بناها یا بومهای دیگر انجام گرفته است. نگارگری ایران تجسم و ابداع هر چه بیشتر زیباییهاست که در خیال روشن هنرمند نقش می بندد .

### نگارگری ایران با مینیاتور غربی

در اروپا، لفظ «مینیاتور» به نقاشیهای ظریف داخل کتابهای مذهبی دوره های «بیزانس» و «گوتیک» گفته می شود. این واژه نخست به وسیله جهانگردان اروپایی و سپس توسط خاورشناسان سده نوزدهم در مورد نقاشی ایران استفاده شد. ولی هنرمندان ایرانی بیشتر عنوان «نگارگری» را برای نقاشی سنتی ایران جایز می دانند .

### مکتب بغداد

با ترجمه کتابها از زبان های پهلوی، سانسکریت و یونانی به عربی در دوره عباسی و نسخه برداری از این کتابها، زیباسازی و نقش تصویر در آن ها نیز رایج شد. مشهورترین نسخه خطی در میان این کتابهای علمی، نسخه ای از کتاب «دستوریدوس» به تاریخ ۶۱۹ ه. ق است که هم اکنون اوراق شده است. از ویژگیهای نگاره های این دوره، شباهت چهره ها به نژاد سامی (عربی) است .

### ویژگیهای نگارگری مکتب سلجوقی

در مکتب سلجوقی، نقشها و تزئینات بر روی متن رنگ آمیزی شده و پدیدار گشته اند. چهره ها با چشمهای بادامی و شبیه به نژاد زرد و لباسها با گل و گیاه و نقوشی به سبک «اسلمی» تزئین می شد.

### قدیمی ترین و معروفترین نسخه شاهنامه که تاکنون شناسایی شده کدام است و مربوط به چه دوره ای است؟

قدیمی ترین نسخه شاهنامه، «شاهنامه کاما» مربوط به دوره سلجوقی است.

### ویژگیهای نگارگری مکتب مغول

با حمله مغول به ایران، موجی از ویرانی و مرگ، ایران را فرا گرفت و هستی مردم را تهدید کرد. ولی مغولان در اثر آشنایی با فرهنگ و هنر ایرانی و نفوذ اسلام، از هواخواهان فرهنگ و هنر ایرانی شدند. ارتباط ایلخانان با اقوام خود به ویژه چین، باعث نفوذ برخی از عوامل نقاشی چین در نقاشی ایرانی شد. به این ترتیب که ابرهای موج کنگره دار داخل هم، تنه درختان گره دار و بسیار پیچیده، صخره های بلند و قله های نوک تیز نوعی منظره سازی ناهمگن با نقاشی ایران که با ویژگیهای نقاشی عصر مغول تلفیق شده، در آثار این مکتب وجود دارد. همچنین پر تحرک شدن انسان ها و حیوان ها، درشتی و نازکی خطها و چین و شکن لباسها، به کارگیری صحنه های پر جمعیت تر و بر روی هم مجموعه مؤثرتری را به معرض دید می گذارد.

### مکتب هرات

تیمور پس از تصرف شهرهای ایران، سمرقند را پایتخت خود قرار داد. او با کوچ دادن هنرمندان ایرانی و بغدادی به سمرقند، باعث شد که این شهر مرکز فرهنگ و هنر سرزمینهای اسلامی قرار گیرد. پس از تیمور، پسرش شاهرخ «هرات» را به پایتختی برگزید و هنرمندان را به هرات دعوت کرد و بدینسان مکتب هرات پایه ریزی شد.

### ویژگیهای نگارگری مکتب هرات

هنر این دوره، هنری واقعی، ملی و موافق با طبع و روحیه ایرانی است. در این دوره، نگارگری وارد مرحله جدیدی از شکوفایی و تحول شد و به عالی ترین درجه خود رسید. کمال الدین بهزاد از هنرمندان این دوره، تحولاتی شگرف در هنر نگارگری ایران به وجود آورد که می توان به درستی و پر تحرک بودن طرحها همراه با پختگی شگفت انگیز رنگها و ظرافت به کار گرفته شده در نمایش درختان، گلها و حالتهاى مختلف چهره ها اشاره کرد. کلیله و دمنه، شاهنامه بایسنقری، مجمع التواریخ اثر حافظ ابرو، ظفرنامه، خمسه نظامی از کتابهای مصور شده این دوران است.

### ویژگی های نگارگران مکتب تبریز

نگارگران تبریزی بی آنکه سطح تخت نقاشی را بشکنند، ترکیب بندیهای چند سطحی آفریدند که از پایین به بالا گسترده می شود و غالباً از حد فوقانی قاب بیرون می زند. همه چیز آکنده از حرکت و جنبش است. رنگها درخشان، پرمایه و پرکشش و حساس و آرام است. از جمله ویژگیهای نقاشیهای این دوره پوشش سر اشخاص به صورت کلاه قرمز رنگ قزلباشی است که دوازده ترک دارد.

### تذهیب

تذهیب به معنی زراندود کردن و طلاکاری با نقوش الهام گرفته از طبیعت، ولی کاملاً تجریدی، منظم و هندسی است که با خطوط مشکی و آب طلا تزئین شده است. در اوایل دوره اسلامی تذهیب، برای تزئین و جداسازی آیات قرآن مجید مورد استفاده قرار گرفت. در سده سوم و چهارم هجری، ساده و بی پیرایه و با نقوش ساده و هندسی به کار گرفته شد. در سده هشتم با شکوه و مجلل، در سده نهم و دهم ظریف و پرمایه و در سده یازدهم و دوازدهم به اوج تنوع و تعدد مکاتب خود رسیده است.

### تشعیر

تشعیر از شعر به معنای «مو» گرفته شده است. در تشعیر، خطوطی به نازکی و ظرافت یک موی به کار می رود که علت نام گذاری این هنر است. تشعیر با نقوش گیاهی و جانوری همراه است و معمولاً در حاشیه نسخه های خطی یا مرقعات با طلا رسم می شود.

### ابزار و مواد نگارگری

قلم مو - بوم - رنگ - بست

#### بوم

به هر چیزی که نقش، بر روی آن صورت گیرد، «بوم» یا «کار» گویند. بوم می تواند از جنس فیبر سفید، چوب، کاغذ، مقوا، صاف و عاج باشد که هریک از این مواد، شرایط خاص خود را دارد و قبل از استفاده برای زمینه کار آن را آماده می کنند.

### رنگهای مورد استفاده در نگارگری

- ۱) رنگهای گیاهی : پوست گردو، چای و غیره که بیشتر برای رنگ کردن بوم و کاغذ به کار می رود .
- ۲) رنگهای معدنی : طلا، نقره، لاجورد، سرنج و انواع اکسیدهای فلزی .
- ۳) رنگهای شیمیایی .

### رنگهای روحی و رنگهای جسمی

رنگهای روحی، رنگهایی هستند با رنگ دانه های ریز و شفاف مثل آبرنگ که برای تزئین قلمگیری و صورت سازی به کار می روند. رنگهای جسمی، رنگهایی هستند با رنگ دانه های درشت و قدرت پوشانندگی زیاد مثل گواش و رنگهای پودری .



### رودوزیهای سنتی

رودوزی آن دسته از صنایع دستی کشور ماست که طی آن طرحها و نقوش سنتی با ابزاری ساده نظیر سوزن، قلاب و غیره و با بهره گیری از انواع نخهای رنگین یا فلزی بر روی پارچه های بدون نقش به وجود می آید.

### چهار گروه اصلی رودوزیهای سنتی

- الف) رودوزی با حذف تار و پود؛
- ب) رودوزی با نخهای رنگی؛
- پ) رودوزی با زمینه پر؛

ت ( رودوزی با افزودنیهای تزئینی؛

### نمونه هایی از رودوزی با نخهای رنگی

- ۱) چشمه دوزی : قدیمی ترین رودوزی اصفهان است که معمولاً روی کتاب سفید یا رنگی با نخهای هم رنگ یا رنگی انجام می شود. این دوخت به وسیله نقشه و شمارش الیاف کتاب صورت می گیرد.
- ۲) سکه دوزی : عبارت است از بیرون کشیدن تعدادی تار، پود یا هر دو از نقطه یا نقاط معینی از پارچه و پر کردن جای آن با سوزن، به طوری که نقشی از آن پدید آید.
- ۳) شبکه دوزی : معمولاً روی پارچه کتانی، ابریشمی و پشمی ظریف، در اطراف کارهای قلابدوزی انجام می شود. بافت پارچه باید ساده باشد. محل شبکه را قبلاً روی پارچه تعیین کرده، نخهای پارچه را به اندازه لازم می کشند و برای دوخت آن از نخ هم رنگ یا رنگی استفاده می کنند .

### انواع رودوزیها با نخهای رنگی

- الف ( قلاب دوزی : ابتدا نقوش، روی پارچه شسته شده منتقل، و پس از آن پارچه به کارگاه بسته می شود. نخ را به پشت کارگاه می برند و قلاب فلزی را که دارای دسته چوبی است از روی نقش در پارچه فرو می کنند. نخ زیر پارچه را به دور قلاب پیچیده، قلاب را می چرخانند و از پارچه بیرون می آورند.
- ب ( برودری دوزی (دندان موشی) : ابتدا روی نقشه را با نخ دولا دوخته، بعد روی آن را دندان موشی می دوزند. سپس بین نقشه هایی که در وسط دوخته می شود، بندهایی ایجاد می کنند. برای دوختن این بندها، نخ را سه مرتبه از یک طرف به طرف دیگر می برند و دور این نخها را از سمت راست به چپ دندان موشی می کنند، تا پر شود.

### انواع رودوزی با زمینه پر

- ۱) بخارا دوزی : از تزئینات سنتی ایران است که بیشتر روی پارچه های چلوار یا کتان و به ندرت بر روی پارچه های ابریشمی انجام می شود. پس از انتقال نقش روی پارچه، از نخهای ابریشم تابیده به حالت توپردوزی کوتاه و بلند، استفاده می کنند.
- ۲) سوزن دوزی بلوچ : کار با نخهای دمسه به رنگهای تند بر پارچه های کتان انجام می شود.

### انواع رودوزی با افزودنیهای تزئینی

۱. ملیله دوزی : دوختن ملیله بر پارچه را ملیله دوزی می گویند. ملیله یا نقره ای یا طلایی است که میانش مثل لوله خالی باشد. ملیله معمولاً بر پارچه های مخمل یا ترمه دوخته می شود.
۲. نقره دوزی : هم ردیف ملیله دوزی است و معمولاً روی پارچه مخمل، ابریشم، تافته، اطلس، توری و کتان انجام می شود. نقره، سیمهای نازکی از طلا یا نقره است که مانند نخ با کمک سوزنی که قطر آن متناسب با ضخامت نقره مصرفی است، بر پارچه نقش می اندازند.

### رودوزیهای تلفیقی

پس از انتقال طرح مورد نظر روی پارچه ساتن یا مخمل، با دوختن پولکهای مطلا، ملیله و منجوقهای الوان روی طرح آن را پر می کنند. در این تزئینات، گاهی فلزاتی شبیه سکه به رنگهای مختلف به کار می برند.

### رنگرزی و چاپ سنتی

#### رنگرزی

تثبیت یک ماده رنگ دار بر روی سطح اتکای مورد نظر را «رنگرزی» می گویند. ماده رنگی ممکن است به سطح جسم، چسبیده و ثابت شود یا آنکه در داخل الیاف نفوذ کند .

#### مراحل رنگرزی سنتی

الف) دندانان دادن      ب) رنگرزی

**دندانان دادن :** به مجموعه عملیاتی می گویند که بر روی انواع الیاف انجام می شود. تا قدرت رنگ پذیری آن ها را افزایش داده و رنگ حاصل شده را ثابت و بادوام سازد . موادی را که به این منظور به کار می رود، دندانان می نامند. دندانان در روی سطح الیاف، خلل به وجود می آورد که باعث نفوذ بیشتر رنگ به داخل الیاف شود .

**رنگرزی:** در رنگرزی، برای آماده نمودن الیاف، ابتدا آن ها را در حمام آب گرم ۳۰ تا ۴۰ درجه سانتیگراد برای مدت دو ساعت خیس کرده، سپس در آب نیمه گرم شستشو می دهند تا مواد اضافی و چربی آن گرفته شود. چنانچه کلافها خشک شود، برای رنگرزی مجدداً آن ها را نمدار می کنند و داخل آب گرم حدود ۷۰ درجه سانتیگراد می ریزند، حرارت می دهند و دندانان را به آن اضافه می کنند. سپس الیاف دندانان شده را داخل حمام رنگ می ریزند و دمای حمام را به تدریج به نقطه جوش می رسانند. در طول مدت جوش هر چند دقیقه یک بار الیاف را به هم زده، زیر و رو می کنند تا به طور یکنواخت رنگ بگیرد.

#### چاپ سنتی

کلیه فرآورده هایی که با قلم مو، قالب و شابلون، رنگ آمیزی و پذیرای نقش می شوند، در گروه «چاپ سنتی» قرار می گیرد؛ مانند چاپ قلمکار و چاپ کلاته ای .

#### انواع چاپ سنتی روی پارچه

- ۱) چاپ روی پارچه های پنبه ای و کتان که به «قلمکار سازی» یا چیت سازی معروف است و تاریخی طولانی دارد .
- ۲) چاپ روی پارچه های ابریشمی که به چاپ «کلاکه ای» مشهور است .

چاپ کلاقه‌ای یا باتیک یکی از روشهای چاپ بر روی پارچه است که در کشورهایی مانند اندونزی، تایلند، سریلانکا و هند و ایران از قدیم کاربرد داشته‌اند.

این روش در ایران بیشتر در تبریز و اسکو رواج دارد و کلاقه‌ای نامیده می‌شود. واژه باتیک ریشه اندونزیایی دارد. در چاپ کلاقه‌ای، کلیه طرحها و رنگها را با استفاده از واکس و عملیات رنگرزی بر روی پارچه منتقل می‌کنند. برای این کار بیشتر از پارچه ابریشم استفاده می‌شود. تاروپود پارچه از واکس پوشیده می‌شود و هر دو روی پارچه یکسان نقش می‌شود.

رنگهای به کار رفته برای چاپ بیشتر از دسته رنگهای گیاهی مانند روناس، اسپرک، پوست انار و زردچوبه است. یکی از ویژگی‌های چاپ کلاقه‌ای ایجاد رگه‌های رنگی است که در اثر شکستن واکس و نفوذ رنگ از میان این شکست‌ها به پارچه در حین عملیات رنگرزی بر روی پارچه پدید می‌آید.

ابزار کار چاپ باتیک «تیان» نام دارد که وسیله‌ای فلزی شبیه به قیف نازک است. همچنین قلم‌مو، مهر و کارگاه چوبی (برای مهار کردن پارچه) نیز استفاده می‌شود. روش‌های چاپ باتیک عبارتند از چاپ مستقیم، چاپ برداشت، چاپ با شابلون، نقاشی باتیک روی پارچه ابریشمی، تار عنکبوتی، قلم‌مویی، بدون رنگرزی و باندا (پیچشی). استاد گنجینه از استادان معروف این سبک در ایران است.

### روش چاپ قلمکار سازی

در این شیوه از چاپ نقش اندازی با قالبهای چوبی، بیشتر روی پارچه های پنبه ای یا کتان نظیر چلوار، متقال و غیره یا پارچه های کدروی ساده انجام می شود. طراحی و ساخت قالبهای چوبی، اولین و شاید مهمترین مرحله چاپ قلمکار است.

ابتدا نقش مورد نظر با مداد بر روی کاغذ پوستی یا روغنی رسم و سپس کار تفکیک رنگ انجام می شود. آنگاه نقش مربوطه به هر رنگ را بر روی چوب گلابی یا زالزالک منتقل نموده، اطراف آن را به کمک ابزار مخصوصی مانند چاقو یا مغار می تراشند تا نقوش، حالتی برجسته به خود گیرد. معمولاً برای هر طرح چهار قالب می سازند که هر قالب یک رنگ را بر روی پارچه منتقل می کند. پس از انتخاب و آماده کردن پارچه مورد نظر در اندازه مناسب، حاشیه دوزی و ریشه تابی، آن را برای چاپ آماده می کنند. برای سفید کردن، پارچه ها را در معرض نور خورشید قرار می دهند. هنرمند با کمک قالب چوبی به چاپ نقش بر روی پارچه می پردازد. در پایان پارچه نقش زده را می شویند تا رنگهای اضافی از بین برود.

### گازری کردن پارچه

برای ثبات رنگ پارچه پوست انار ساییده شده را در آب جوش ریخته، مقداری مغز روناس به آن می افزایند و حرارت می دهند. سپس پارچه را در داخل پاتیل می جوشانند. با بیرون آوردن و شستن مجدد آن رنگهای به کار رفته ثابت می ماند. به این مرحله «گازری کردن» پارچه می گویند.

### شیشه گری



#### سیر تاریخی هنر شیشه گری

قدیمی ترین نمونه ها از شیشه های دست ساز در خاورمیانه پیدا شده است. باستان شناسان معتقدند که سومری ها در هزاره سوم قبل از میلاد با شیشه، آشنایی داشته اند. گیرشمن بطریهای شیشه ای زیادی از حفاریهای معبد چغازنبیل به دست آورده است. از زمان هخامنشیان، شواهد اندکی برای استفاده کلی از شیشه در دست است. آثار شیشه ای کهن نشان می دهد که تا قبل از سده

اول پیش از میلاد، از شیشه فقط به حالت توده ای استفاده می کرده اند. با کشف اشیای شیشه ای زمان پارتها و ساسانیان می توان گفت صنعت شیشه سازی در ایران رواج کامل داشته و از دو روش ساخت «دمیدن در قالب» و «دمیدن آزاد» استفاده می شده است. از دوره سلجوقیان تا دوره مغول ظرفهای شیشه ای بسیار زیبا با تزئینات مختلف به صورت مینایی، تراشیده یا با نقوش افزوده از کوره شیشه گران شهرهای مختلف ایران بیرون می آمد.

#### مواد و مصالح شیشه گری

- ۱) عناصر پایه: سیلیس یا اکسید سیسیم، ماده اصلی تمام تولیدات شیشه است که به صورت شن، سنگ چخماق یا سنگ چینی وجود دارد. اکسید بوریک به عنوان عنصر اصلی در ساخت شیشه استفاده می شود.
- ۲) عناصر ذوب کننده: این عناصر مانند سود به صورت کربنات سدیم، سولفات سدیم، استات سدیم نقطه ذوب سیلیس را پایین آورده، به ضمیر شیشه حالت قلیایی می دهند.
- ۳) عناصر تثبیت کننده: برای مخلوط شدن بهتر مواد اصلی و ذوب کننده و همچنین جلوگیری از حل شدن شیشه در مواد مختلف از این مواد استفاده می کنند. کربنات کلسیم از رایج ترین مواد تثبیت کننده است.
- ۴) عناصر سفید کننده: برای خنثی کردن یک رنگ در خمیر شیشه از رنگ دیگر استفاده می کنند؛ مثلاً برای خنثی کردن قرمز از سبز استفاده می کنند.

#### وسایلی مورد استفاده در کارگاه شیشه گری

- ۱) بوری (میله دم): لوله توخالی و فولادی به طول ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتی متر و قطر ۱/۵ تا ۲ سانتی متر است که برای برداشتن شیشه مذاب از داخل کوره به کار می رود.
- ۲) سنگ کار: از جنس سنگ یا فلز برای گرم کردن مواد روی میله دم استفاده می شود.
- ۳) قاشق چوبی: به صورت ملاته گیر که همیشه خیس است و نقش قالب را دارد.
- ۴) دستگاه آب: حوضچه فلزی مکعب مستطیل که دارای آب است.

### روشهای ساخت شیشه

۱) روش فوتی      ۲) روش فوتی قالبی      ۳) روش پرس

#### روش فوتی

برداشت ماده مذاب از کوره به وسیله بوری یا میله دم که قبلاً گرم شده، ثابت کردن ماده مذاب روی نوک میله، مرمری کردن یا ورز دادن و چرخاندن آن روی میز کار و گرد کردن آن، دوباره گرم کردن خمیر شیشه روی سر میله، دمیدن در میله و ایجاد حباب کوچک در وسط خمیر سر میله، سرد کردن خمیر تا جایی که سرخی خود را از دست دهد، برداشت مجدد خمیر از کوره و ثابت کردن آن روی میله دم، قاشقی کردن خمیر سر میله یا یکنواخت کردن آن، کارهایی است که باید انجام شود تا استاد کار ساخت شیشه را آغاز نماید. از این مرحله به بعد استاد کار میله دم را گرفته، به چرخش درمی آورد تا شکل اولیه ظرف را بسازد. سپس آن را به دست پا قالبی ساز می دهد تا شیاری در محل اتصال شیشه و میله فلزی واگیره ایجاد کند. سپس از آن واگیره، گیرمیله واگیره، را به ته ظرف می چسباند و استاد کار میله دم را از محل شیاری ظرف جدا می کند. بعد از این مرحله، کار شکل دادن و ساخت و پرداخت دهانه و الگوی ظرف شروع می شود. در مرحله بعد دسته و تزئینات را روی آن قرار می دهد. در پایان ظرف را با میله واگیره به پشت بر می دهد تا به گرمخانه ببرد سپس کوره را خاموش می کنند تا اشیاء هم زمان با سرد شدن هوای داخل کوره خنک شوند.

#### روش فوتی قالبی

در این روش، ابتدا مقداری از مواد مذاب را با میله دم از کوره برداشته، پس از آماده کردن و یک بار دمیدن در آن مقداری مواد به آن اضافه نموده، گرم می کنند. سپس آن را در قالب قرار داده در میله دم می دمنند تا خمیر شیشه، شکل قالب را به خود بگیرد. سپس از میله دم جدا نموده، لبه کار را صاف می کنند و آن را به گرمخانه می برند، مانند انواع بطری، آبلیمو، گلاب و غیره .

#### روش پرس

ساخت در قالب های پرس بادی نیز بیشتر برای انواع بطری به کار می رود، به این صورت که مقدار مناسب مواد مذاب را با میله دم از کوره بر می دارند و آن را بسیار سریع از میله دم جدا کرده، در قالب پرس قرار می دهند و با بستن قالب و فشار هوای وارد شده در قالب، خمیر شکل مورد نظر را می گیرد. سپس قالب را باز کرده، به سرعت شیء ساخته شده را خارج نموده، در گرمخانه قرار می دهند .

#### روش تولید شیشه رنگی

برای رنگی کردن شیشه، در خمیر آن از اکسیدهای فلزی به ترتیب زیر استفاده می کنند :



## راهنمای گردشگری عمومی

**الف) اکسید آهن:** رنگ سبز روشن و تیره به دست می آید. همچنین با افزودن اکسید کبالت به آن، آبی خیلی کم‌رنگ به وجود می آید.

**ب) اکسید کرم:** رنگ سبز، زرد یا آبی سبز خواهد داد.

**پ) اکسید مس:** معمولاً رنگ سبز یا آبی سبز خواهد داد. در بعضی حالات نیز رنگ قرمز ایجاد می کند.

### روش آب گز کردن

شیشه شیشه ای ساخته شده را بعد از انبری کردن، در مقابل حرارت کوره قرار می دهند تا کاملاً گداخته شود. سپس آن را وارد آب کرده، به سرعت خارج می کنند. به این ترتیب ترکهای ریزی در بدنه پدید می آید. سپس آن را در کوره حرارت می دهند تا ترکها به هم جوش بخورد. بعد از آن به تمام کردن ساخت ظرف ادامه می دهند. قدیمی ترین کار تکمیلی و تزئین بر روی شیشه تراش شیشه است. در حال حاضر نیز تراش شیشه در کارگاههای شیشه گری معمول است. برای تراش، شیشه را با ضخامت زیاد و گاه دو پوست و سه پوست می سازند و از چرخهای سیلیسی ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتری، تراشهای مختلف ایجاد می کنند.

### نقاشی روی شیشه

این کار به دو صورت سرد و گرم اجرا می شود. برای نقاشی سرد از رنگهای روغنی بر روی شیشه های مات، شفاف یا رنگی استفاده می کنند. در نقاشی گرم از لعابهای رنگی شیشه ای با نقطه ذوب پائین استفاده می کنند. پودر این رنگها به طور عام، وارداتی هستند. آن ها را با ترابانتین مخلوط کرده، با قلم مو روی شیشه نقاشی می کنند. سپس کار نقاشی شده را به گرمخانه برده، حرارت می دهند تا رنگ روی شیشه تثبیت شود.

## سایر مصنوعات صنایع دستی

### سراجی سنتی

تهیه پوست و چرم و استفاده های کاربردی از آن بیشتر تابع موقعیتهای و مناطقی است که انسان در آن زیست نموده است. اهمیت فرآورده های چرمی در صنایع دستی تا حدودی به ساختمان فیزیکی چرم مربوط است. این ماده مانند پارچه قابل دوختن و مانند چوب نقش پذیر است. قابلیت کشش دارد و قابل رنگ آمیزی و شکل پذیری می باشد. این ویژگیها سبب گردیده تا چرم در دستهای یک ذهن خلاق، شکلهای متفاوتی به خود بگیرد و کاربردهای فراوانی داشته باشد. مانند کیف، کفش، کمربند و غیره که از چرم ساخته می شود.

### پوستین دوزی

## راهنمای گردشگری عمومی

برای ساختن پوستین، ابتدا پوست را دباغی و سپس رنگ آمیزی و یکدست می کنند و از روی الگو برش می زنند. پس از آن با نخهای ابریشمی روی آن را گلدوزی می کنند و در پایان، قسمتهای مختلف را به شیوه سنتی به هم می دوزند. هنر پوستین دوزی در شاندیز، دوین، مشهد، قوچان و درگز در استان خراسان، هنوز هم رواج دارد.



### هنر جلد سازی

#### انواع جلدها

- جلد ضربی
- جلد روغنی
- جلد سوخت
- جلد معرق

#### جلد ضربی

جلد ضربی را کوبیده نیز میگویند و به این ترتیب ساخته می شود که ابتدا طراح یا مذهب، طرح مورد نظر را روی دو قطعه برنج ضخیم طراحی می کند. سپس استاد قلمزن آن را حکاکی می کند. بعد از آن، صحاف این دو قطعه برنج حکاکی شده را کمی داغ کرده و با چکش روی چرمی که قبلاً در آب نهاده و نم برداشته می کوبد تا اثر نقش بر روی آن منتقل شود. در صورت تمایل فرو رفتگی و برجستگیهای ایجاد شده را با محلول طلا یا نقره می آریند.

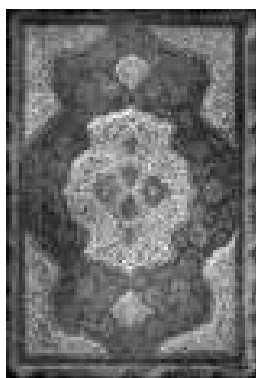


#### جلد روغنی

ابتدا صحاف مقوا و عطف آن را به اندازه مورد نظر آماده می کند. سپس نقاش یا مذهب آن را بوم زده، زمینه نقاشی بر روی آن را فراهم می کند و تصاویری در رو و پشت مقوای جلد، نقاشی و رنگ آمیزی می کند. پس از پایان نقاشی جلوه خود نقاش روی آن روغن کمان می زده است و این روغن زدن را در فضای خالی از گرد و غبار چند بار تکرار می کرده تا نقش جلد تابناکی و جلوه پیدا کند و از هر آسیبی محفوظ بماند.

#### جلد سوخت

ابتدا مذهب، نقشه را روی کاغذ یا پشت چرم با قلم مو طراحی می کند. سپس سوخت ساز، با وسیله ای به نام «نقش بر» و با دقت بسیار، نقش آن را از بوم جدا نموده و در محلی روی جلد یا درون آن که قبلاً با رنگ یا اطلس خوشرنگ آماده کرده، می کوبد تا بچسبد. به جهت رنگ تیره چرم مورد استفاده، به آن «سوخت» یا سوخته می گفتند.



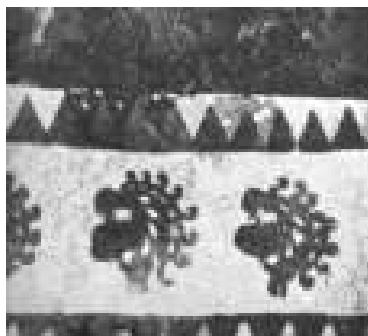
### روش ساخت جلد معرق

جلد معرق نیز مانند جلد سوخت است، با این تفاوت که در معرق قطعه هایی با رنگهای مختلف از چرم، تیماج یا ساگری بریده شده و روی زمینه آماده جلد، در کنار هم قرار می گیرد و نقشی را به وجود می آورد.

### نمد مالی

نمد فرآورده ای است از پشم که بیشتر به عنوان لباس و کلاه یا زیرانداز از آن استفاده می شود.

### روش تهیه نمد



کار نمد مالی سخت و طاقت فرساست. پشم بعد از تمیز کردن و رنگرزی، حلاجی شده، سپس نمد مال با کمک دست و پا آن را روی زمین می غلتاند و در ضمن این کار کف صابون و آب به آن می افزاید. به این ترتیب پشم را در هم می کند و نمد می سازد.

### پایه ماشه ساز

پایه واژه فرانسوی به معنی کاغذ و ماشه به معنی مچاله کردن است. روش کار چنین است که با کاغذهای باطله، آب و مقداری چسب، خمیر تهیه می کنند و با آن اشیای کوچکی مانند قلمدان، جلد کتاب، جعبه آینه و غیره می سازند. پس از خشک شدن روی آن را نقاشی و سپس با لاک یا روغن می پوشانند.

### توانایی هفتم

#### بررسی معماری ایران از دیدگاه گردشگری

هنر معماری از دیر باز در ایران از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است و ایرانیان سعی بر این داشتند تا کلیه عناصری را که می توانند در آن به آرامش ذهنی و جسمی برسند در معماری خود پیاده نمایند

از این رو معماری ایران را می توان شامل سبک های ذیل دانست

- ۱- معماری قبل از اسلام [شامل سبک پارسی (ماد و هخامنشیان) و سبک پارسی (اشکانیان و ساسانیان)]
- ۲- معماری بعد از اسلام (شامل سبک خراسانی - سبک رازی - سبک آذری - سبک اصفهانی)

### معماری ماد :

بررسی هنر معماری ماد با کمبود مدارک موجود، کاری سهل و آسان نیست، قطعاً مادها هم مانند اسلاف خویش برخوردار از آثار معماری قابل بحثی بوده اند. مؤید این مطلب آثار بدست آمده از کاوش های اخیر باستان شناسی تپه هگمتانه و همچنین معماری صخره ای است که از آنها به جای مانده است. بر همین اساس معماری مادی شامل دو بخش می باشد:

الف) معماری صخره ای

ب) معماری معمولی

### معماری صخره ای:

بعد از تشکیل امپراطوری ماد و مشخص شدن یک سیستم حکومتی که در حقیقت با اتحاد همه قبایل سرزمینهای تحت نفوذ مادها بوجود آمده بود توسعه و پیشرفت چشم گیری در همه شئون هنر به ویژه در هنر معماری صخره ای به چشم می خورد چگونگی این هنر معماری را خصوصاً در گور دخمه ها و یا آرامگاه هایی که در دامنه کوه ها و صخره ها کنده شده اند می توان مشاهده کرد. این گور دخمه ها که در شمال غربی ایران، بویژه در کردستان و آذربایجان امروزی و سلیمانیه عراق شناسایی شده اند به وسیله هرتسفلد همگی تحت عنوان آرامگاههای مادی معرفی شده اند با این حال هیچ یک از این مقبره ها با اطمینان تاریخ گذاری نگردیده و شاید هم بعضی از آنها به دوران هخامنشی و حتی جدیدتر تعلق داشته باشد در هر صورت ما در اینجا آنها را با عنوان "معماری صخره ای مربوط به مادها" مورد بررسی قرار می دهیم.

از برآمدگی یک صخره طبیعی می توان تندیس تراشید یا صخره عمودی را مسطح کرده و نقوش برجسته در روی آن به وجود آورد به این طریق پیکره ای صخره ای و یا نقش برجسته صخره ای ایجاد نمود در یک صخره طبیعی با تراش و کندن صخره، حفره ای ایجاد می نماییم و به تدریج حفره را وسعت داده تا فضای مورد نیازمان مثلاً خانه یا آرامگاه ایجاد شود این محصول مبارزه انسان با صخره را معماری صخره ای می نامیم. به عبارت دیگر معماری صخره ای از مصالح آزاد و معمولی ساختمان به وجود نمی آید بلکه در صخره طبیعی ایجاد شده و در جهت عکس معماری آزاد و معمولی عمل می کند معماری معمولی کالبد یک بنا را به وجود می آورد و به وسیله آن از فضای بزرگ و نامحدود به یک فضای محدود و مشخص می رسد ولی در معماری صخره ای عکس آن عمل می شود به این ترتیب که معماری از یک فضای کوچک و محدود شروع می گردد و از ایجاد تدریجی فضای کوچک و محدود شروع می گردد و به فضای بزرگ می رسد.

### معماری صخره ای را از نظر فضا و کالبد آن می توان به دو نوع تقسیم کرد:

۱- بناهایی که به کلی آزاد شده اند یعنی ابتداء قسمتی از کوهی را بریده و جدا کرده و سپس در درون آن فضاهای متعدد ایجاد نموده اند در این نوع بناهای صخره ای می توان پنجره و نور گیر نیز تعبیه نمود و همچنین نمای خارجی

## راهنمای گردشگری عمومی

آنها را نیز می توان حجاری کرده و منقوش نمود مانند بسیاری از معابد صخره ای هندوستان و یا قبور صخره ای در نزدیکی بیت المقدس

۲- بناهایی که در درون کوه کنده شده اند در این نوع بناها فقط فضای داخلی صخره که به صورت اطاق بر اثر حجاری آماده شده مطرح بوده و این نوع بنا هیچگونه پنجره و یا نورگیری غیر از ورودی ندارد و حال این آرامگاهها را برحسب نوع نمای ورودی آنها می توان به ترتیب زیر تقسیم بندی نمود:

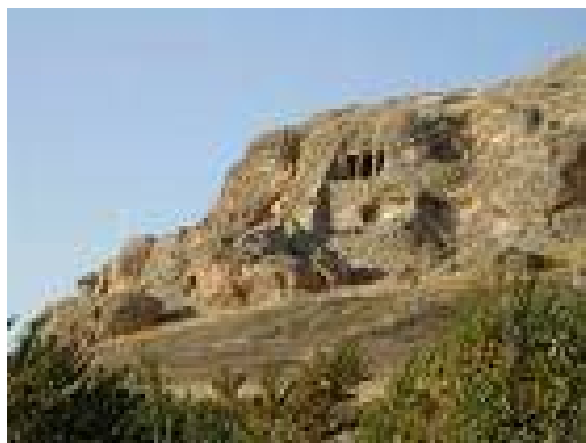
الف: گوردخمه هایی که در نمای ورودی آنها ستونهای آزاد نمایان است مانند گوردخمه فخریکا در پانزده کیلو متری شمال شرقی مهاباد و مقبره دکان داود در نزدیکی سرپل ذهاب .

ب: گوردخمه هایی که در دو طرف نمای ورودی آنها دو نیم ستون در کوه کنده شده است مانند مقبره صخره ای قیزقاپان در سلیمانیه عراق و مقبره داودختر در نزدیکی فارس و آخور رستم در هشت کیلومتری جنوب تخت جمشید.

ج: گوردخمه های ساده که در نمای ورودی آنها ستون و یا نیم ستون ساخته نشده است مانند گوردخمه سکاوند این گوردخمه ها در منطقه کردستان شناسایی شده که ورودی آنها به شکل مستطیل و یا مربع است. مانند گوردخمه سکاوند

### دخمه فخریکا

بر سر راه میاندا آب در بخش شمال شرقی مهاباد آثار دخمه صخره ای وجود دارد که با توجه به نمای ظاهری و فرم ساختمانی مربوط به دوره ی مادها می باشد و تا حدودی مشابه سایر دخمه های این دوره است با این تفاوت که از قسمت ایوان تا بخش انتهایی دخمه بصورت یکپارچه دیده می شود. اتاق مقبره دارای دو ستون است و ته ستون آن به شکل مکعب ساده ساخته شده است. در ایوان آن نیز دو ستون سنگی وجود دارد که ته ستونهای



آن به شکل گلدان وارونه تعبیه شده اند.

### دخمه دکان داود

دخمه دکان داود در فاصله دو کیلو متری و در جنوب شرقی سر پل ذهاب واقع شده است. این دخمه نیز دارای یک بخش ایوانی در سمت جلو است و مدخل یا ورودی آن در وسط ضلع رو به رو واقع شده در دو سمت مدخل مقبره نیز بقایای دو ته ستون و دو سر ستون سنگی حفره ای مشاهده می شود. در این دخمه تصویری در حال نیایش دیده

می شود که با لباس مادی ظاهر شده که در سمت چپ خود برسم (دسته ای از شاخ و برگ خرما) گرفته و دست خود را به حالت نیایش و دعا به جلو گرفته است. در قسمت داخلی نما یک قبر مستطیل داخل اتاق وجود دارد و انتهای سالن اصلی هم فرو رفتگی نیم دایره ای در جداره ی دیوار ایجاد شده که محل قراردادن نذورات و اشیاء بود.

### دخمه داو دختر

این دخمه در فهلپان ممسنی در استان فارس قرار گرفته است. دخمه داو دختر در نزدیکی حجاریهای کورانگون در فهلپان ساخته شده و از خصائص مهم این مقبره ستونهای بزرگ حجاری شده و کنگره ایی است که در بالای آن تراشیده شده و دیده می شود. در قسمتهایی که ستونها در نمای کوه کار گذارده شده اند بر روی ستونها دو کتیبه نواری به شکل گچبری ساخته شده که بر روی این دو کتبه تصویر برج و بارو به شکل پله هایی مدرج نشان داده شده است.

### گوردخمه اتاق فرهاد

بر سر راه پل ذهاب دخمه ای از دوره ی مادی برجای مانده است که در ارتفاع پنج متری از سطح زمین در سینه صخره کنده شده در قسمت انتهای گور دو پله قرار دارد که از طریق آنها به اتاق مستطیلی وارد می شوند. در یکی از دیوارهای این اتاق آثاری از یک تصویر حجاری شده دیده می شود که گذشت زمان قسمتهای زیادی از تصویر را زایل کرده است.

**گوردخمه قیزقاپان** : در نزدیکی سلیمانیه عراق مقبره دیگری از دوران مادها شناسایی شده که قیزقاپان نام دارد سطح بیرونی گور دخمه کلاً به صورت ستوندار تراشیده شده بود نمای ورودی آن به وسیله دو نیم ستون عمودی به سه قسمت تقسیم شده است پایه ستون شامل یک ته ستون به عرض ۸۰ سانتیمتر و بلندی ۱۷/۵ سانتیمتر و با یک شال به ارتفاع ۱۶/۲۵ سانتیمتر است و خود ستون ۲/۸۹ متر ارتفاع دارد و سر ستون بصورت حلزونی که از هنر آشوری تاثیر پذیرفته است که سرستون سمت چپ تا حدودی آسیب دیده است و این گور دخمه دارای یک در کوتاه با ۱۰۶ سانتیمتر و عرض ۱۱۳ سانتیمتر بلندی وجود دارد که به یک اطاق قبر راه می یابد و در بالای این در ورودی یک آتشدان هست که در اطراف آن دو نفر را نشان داده شده اند که رویشان به طرف آتشدان است.

**معماری معمولی** : معماری معمولی به این آثار در محلهایی به نام تپه نوشیجان ملایر و گودین تپه ، تپه هگمتانه، زیویه و .... قرار دارند که در کاوش های باستان شناسی بدست آمده است.

### تپه هگمتانه همدان



## راهنمای گردشگری عمومی

علاوه بر آنچه ذکر شد یکی از برجسته ترین استحکامات دوره مادی که مربوط به خود مادها بوده اما متأسفانه اثری از آن بجای نمانده است استحکامات شهرهگمتانه اولین مرکز حکومتی مادها در غرب ایران می باشد که دیوارهای آن بلند و محکم و دایره وار و تو در تو ساخته شده است و وضع آن به گونه ای بوده که ارتفاع هر دیوار از دیوار بعدی بلندتر است جنس زمین که تپه نرمی است تا حدی برای این ساختمان مساعد بوده است شماره دایره ها هفت عدد است که کاخ پادشاهی و خزانه در درون محوطه آخری قرار دارد و رنگ بام های این دیوارها از این قرار است : سفید - سیاه - ارغوانی - آبی - نارنجی که تمام اینها را رنگین درست کرده بودند و دوتای آخری یکی از نقره و دیگری از طلا مستور شده بود.

**تپه باستانی " نوشیجان " ملایر :** آتشکده و قلعه باستانی "نوشیجان" ملایر در تپه ای باستانی در ۶۰ کیلو متری جنوب همدان و ۲۰ کیلو متری غرب ملایر در منطقه ای به نام "شورکات" و در کنار رودخانه "حرم آباد" واقع شده است . با کاوش های باستان شناسان در این تپه باستانی سه طبقه شناسایی شد که طبقه اول را به مادها، طبقه دوم را به هخامنشیان و طبقه سوم را به ساسانیان نسبت می دهند . مجموع یافته های باستان شناسی حاکی از این است که طبقه اول محل استقرار مادها (از نیمه دوم قرن هشتم تا نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد) بوده است .

**بقایای آثار در طبقه اول تپه نوشیجان عبارتند از:**

بنای قدیمی جبهه غربی تپه که نخستین آتشگاه است . با توجه به طرح و نقشه مجموعه بناهای این تپه می توان گفت که این بخش از بنا پس از احداث تالار ستون دار ساخته شده و از دو محوطه مربوط به هم طرح ریزی شده



است . بقایای یک آتشدان در جبهه جنوبی نشانگر مراسم نیایش آتش می باشد. اتاق معبد ، شمالی - جنوبی ساخته شده و در بدنه مخروطی شمالی آن سه طاقچه به طور نامشخص دیده می شود که یکی از آنها حالت هواکش داشته است . در حاشیه ضلع جنوبی معبد، بقایای یک سکوی برجسته وجود دارد که احتمالاً شالوده پایه ستون های معبد بوده است. اثر بعدی طبقه نخست این قلعه، تالار ستون دار (آپادانا) بر روی سکوی خشتی

قرار گرفته و شالوده آن بر پایه شفته ریزی با ملات گل و کف سازی نهاده شده است.

این تالار نیز شمالی - جنوبی است و ضلع شرقی آن زاویه قائم ندارد و ضلع غربی متکی به بقایای ستون غربی است. با توجه به پلان عمومی این تالار می توان آن را با تالارهای ستون دار حسنلو و گودین تپه مقایسه کرد . از طرفی تالارهای ستون دار فوق، یعنی آپادانای حسنلو، گودین تپه و تپه نوشیجان با تالارهای اورارتوئی که از آلتین تپه آسیای صغیر، به دست آمده قابل مقایسه هستند و احتمالاً با تاثیرپذیری از هنر معماری اورارتو ساخته شده اند .

## راهنمای گردشگری عمومی

اثر بعدی شناخته شده در این طبقه، معبد اصلی است که شکل آن به صورت نیمه چلیپا بوده و با همان عناصر معماری دژ ساخته شده است و به نظر می‌رسد پس از تخریب شدن، به منظور حفاظت، با لاشه سنگ‌های ورقه‌ای پر شده است؛ زیرا در هنگام حفاری و پس از تخلیه سنگ‌ها، معماری آن با همان شکل اصلی خود ظاهر شده است. در زاویه شمالی سرسرا و در داخل بنای اصلی، پایه آتشدان و محراب معبد دیده می‌شود و بر روی این پایه مقداری خاکستر از بقایای آتش در حین نیایش به دست آمده است. اتاق‌ها و انبارها اثر مهم طبقه اول تپه نوشیجان است که در شرقی‌ترین قسمت تپه قرار گرفته و دارای حصار، بارو، اتاق‌های مسکونی و انبار است.

نوشیجان شامل اجزای زیر است:

۱- بنای قدیمی جبهه غربی (نخستین نمایشگاه)

۲- تالار ستوندار (آبادانا)

۳- معبد مرکزی (دومین نمایشگاه)

۴- اتاق‌ها و انبارها

۵- تونل

۶- حصار و دژ

در ضمن این میراث ارزشمند، در سال ۱۳۴۶ به شماره ۷۶۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است

### مجسمه شیر سنگی



یکی از یادمانهای تاریخ باستان در شهر همدان، مجسمه شیر سنگی است، که در انتهای خیابان ۱۲ متری سنگ شیر و در وسط میدان مربع شکلی به همین نام قرار گرفته است.

این مجسمه به همراه قرینه اش ابتدا بر دروازه شهر همدان قرار داشته است و اعراب به هنگام فتح همدان، آن را "باب الاسد" به معنی دروازه شیر نامیده اند.

در سال ۳۱۹ هـ - ق نیز، که دیلمیان همدان را به تصرف خود درآورده اند

، دروازه شهر را به کلی تخریب کردند. مردآویج دیلمی، قصد داشت یکی از آنها را به ری منتقل نماید ولی چون موفق نشد، پنجه‌های یکی از شیرها را شکست و دیگری را به طور کامل تخریب نمود.

مجسمه آسیب دیده، تا سال ۱۳۲۸ هـ.ش بر روی زمین افتاده بود، تا اینکه "مهندس سیحون"، طراح و معمار آرامگاه بوعلی، آن را در محل فعلی نصب کرد.

تاریخ ساخت مجسمه شیر سنگی، مورد اختلاف است، ولی از نحوه حجاری مجسمه و نزدیکی آن به باروی اشکانیان و کشف تابوت دوره اشکانی از آن محل، چنین بر می‌آید که به اشکانیان مربوط می‌باشد. این اثر در تاریخ ۱۳۱۰/۱۰/۱۵ و به شماره ۹۳ در فهرست آثار ملی و تاریخی ایران به ثبت رسیده است.



### گودین تپه

**گودین تپه:** منطقه وسیعی است که تقریباً در حدود ۱۲ کیلو متری جنوب شرقی کنگاور نزدیک کرمانشاه در حوالی بین کردستان و لرستان واقع شده و در این محل آثار یک تالار بزرگ پذیرایی بدست آمده است که در داخل این تالار ۶ در ۵ ردیف ستونهای چوبی وجود داشته که پاستونهای سنگی آنها به جای مانده است.

### هنر در عصر هخامنشی :

هنر معماری هخامنشی مانند معماری یونان از هماهنگی و تناسب خاص برخوردار می باشد و پادشاه هخامنشی به منظور اتمام طرح ها و برنامه های بزرگ معماری و ساختمانی که در واقع نمودار قدرت و تسلط و عظمت آنها محسوب می شود در تمام قلمرو و امپراتوری پهناور خود، هنرمندان و صنعتگران آزموده و مورد نیاز را جستجو می کردند و در این میان حجاران زبردست بیش از سایرین نقش داشته اند. مهمترین ابنیه این دوران را کاخهای عظیم و با شکوه شاهان تشکیل می دهد تاریخ معماری این کاخها احتمالاً از ابتدای قرن هفتم ق م شروع می شود و در این زمان است که قبایل ایرانی از حال چادرنشینی به حال نیمه شهرنشینی در می آیند البته این قبایل همان اقوام هندوآریایی می باشند که بعد از استقرار یافتن در ایران به نام مادها و پارسها مطرح بوده و مادها در شمال غربی ایران و پارسها در منطقه خوزستان سکونت اختیار کرده اند مادها به تدریج به رهبری "دیاکو" اولین امپراتوری ایران را تشکیل داده و یک شهر مشخص را که همان هگمتانه و یا محل اجتماع مردم آن زمان بود برای پایتختی انتخاب کرده اند. یکی از عناصر مهم معماری این عصر ایجاد صُفه مصنوعی است که پشت به کوه داشته و روی آن اقامتگاه مستحکم شاه را می ساختند و تخته سنگها را بدون ملاط روی هم قرار داده و معمولاً برای قفل کردن سنگها همچنانکه در معماری یونان نیز مرسوم بود از بست های فلزی استفاده می کردند با توجه به تاریخ هنر معماری در ایران ایجاد ساختمان در روی صُفه مصنوعی تازگی نداشته بلکه در ایران قبل از تاریخ همانطوری که در تپه سیلک نیز مشاهده گردیده است خانه رئیس قبیله را بیشتر موارد روی صُفه مصنوعی می ساخته اند ولی تراشیدن سنگهای بزرگ و ایجاد ساختمان های سنگی از سنگهای حجاری شده منظم در اوراتورها و هیتی ها معمول بوده است که ایرانیها از همسایگان غربی خود بویژه از اوراتورها چنین شیوه معماری را آموخته و آن را مورد استفاده قرار داده اند. ساختن صُفه مصنوعی و پله هایی که در دو طرف آن حجاری شده اند از بناهای کلد و آشور تقلید شده و صورت سازهایی در گاهها، طاق نماها و پاگردها و پله ها اقتباس از آشور بوده است. مهمترین آثار معماری و ساختمانی عصر هخامنشی را می توان به ترتیب زیر ذکر کرد.

**پاسارگاد:** نزدیک به دویست سال از اثبات مشهد مادر سلیمان به عنوان آرامگاه کوروش و دشت مرغاب به عنوان پاسارگاد قدیم می گذرد و در این مدت نیز درباره صورت و معنی «پاسارگاد» سخنان بسیاری عنوان شده است. نخستین کسی که اظهار نظر کرده است، هرودوت می باشد. او می گوید که «پاسارگادی» نام مهمترین طایفه و عشیره پارسیان بوده است و هخامنشیان از این طایفه برخاسته اند.

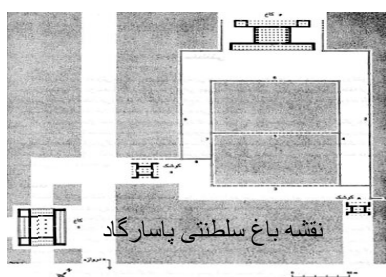
## راهنمای گردشگری عمومی

نخستین کسی که نام پایتخت کوروش را یاد کرده ، کتزیاس پزشک یونانی داریوش دوم و اردشیر دوم هخامنشی است که در ایران می زیست و لابد به این نام آشنایی کامل داشته است. وی نوشته است که کوروش در « نزدیک پاسارگاد» بر آخرین پادشاه ماد پیروزی یافت.

در بررسی نوشته های صاحب نظران بطور کلی می توان اینگونه نتیجه گرفت که :

- نام اصلی شهر پاسارگاد چیزی شبیه « پُسر گد» بوده و رابطه ای میان این نام و «پارس» نیست.

- نام پاسارگاد از اسم قبیله شاهی پارسیان یعنی قبیله «پاسارگاد» گرفته شده که «گران گرزان» (پُسر یا پُزر یا پُچر به معنی گران و سنگین و گَر یا گدا به معنی گرز می باشد) معنی می داده است.



**بوستان پاسارگاد :** همچنان که مورخین قدیم گفته اند، آرامگاه و کاخ های کوروش در میان باغ بزرگ و انبوه از درختان گوناگون و دشتی چمن زار و خرم، واقع بوده که توسط آبروهای متعددی که از رود پلوار می آوردند، سیراب می شده. این محوطه زیبای سر سبز را بوستان پاسارگاد ( باغ سلطنتی ) می خوانیم.

**نقشه باغ سلطنتی پاسارگاد :** طرح بناهای پاسارگاد تک ساختمان هایی را نشان می دهد که از چهار جانب باز و گشاده بوده اند و بنابراین محوطه دیدشان می بایست چشمگیر و خرم باشد. از همین روی، میان طرح کاخ ها و نقشه آب نماهای بوستان و خیابان های آن وابستگی دقیقی مشخص شده است.



**بخشی از آبروهای باغ سلطنتی :** شکی نیست که آبراهه های متعددی از پلوار به سوی دشت کشیده بودند، اما آثارشان را به زحمت می توان تشخیص داد. این آبراهه ها با تشکیل سدهایی (که به سرپرستی سایکی و دیگران از بقایای آنها چیزهایی یافته اند) به وجود آمده و از همین جهت، معلوم می شود که بر پلوار پل هایی نیز زده بودند. آثار یکی این پلها در ۱۵۰ متری غرب « کاخ دروازه » هنوز یافت می شود.

### آرامگاه کوروش

اسامی آرامگاه : این آرامگاه، حداقل هزار سال به نام های مسجد مادر سلیمان(ع) ، مشهد مادر سلیمان(ع) ، گور مادر سلیمان(ع) ، گور سلیمان(ع) ، مشهد ام النبی(ع) ، مقبره سلیمان(ع) و مشهد مرغاب نامیده می شده است. چند نام نخستین ، در ارتباط با حضرت سلیمان(ع) می باشد و مشهد مرغاب به دلیل دشت مرغاب که بنای آرامگاه در آن قرار دارد، اطلاق شده است. آقای سامی در مورد علت اشتباه پاسارگاد به مشهد مادر سلیمان و مشهد ام النبی می گوید : پاسارگاد را عوام و ساکنین مجاور مشهد مادر سلیمان و قبر مادر سلیمان و مشهد ام النبی و مشهد مرغاب می نامند و این نام هایی است که پس از اسلام به این مکان داده اند .



معماری آرامگاه : اولین بنایی که در بدو ورود به محوطه تاریخی حفاظت شده پاسارگاد با آن مواجه می شویم، بنایی موسوم به آرامگاه کوروش کبیر میباشد. این بنا ساخته شده از قطعات سنگهای بزرگ سفید آهکی است که روی هم قرار داده شده اند و صفا آرامگاه را که متشکل از شش ردیف پلکان مرتفع است و همچون هرم خودنمایی می کند را ایجاد می کنند.

از شش طبقه صفا ارتفاع طبقه زیرین ۱/۶۵، طبقه دوم و سوم هر کدام ۱/۰۵ متر و ارتفاع سه طبقه دیگر هر کدام ۵۷/۵ سانتی متر می باشد. مساحت اولین طبقه صفا ۱۳/۳۵ × ۱۲/۳۰ متر می باشد، در حالی که مساحت طبقه ششم که اتاق آرامگاه بر روی آن قرار دارد ۶/۴۰ × ۵/۳۵ متر می باشد. قطعات سنگها را با بست های آهنی دم چلچله ای ( خاص هنر هخامنشی ) وصل کرده اند و از هیچ گونه ملاتی جهت اتصال سنگها به هم استفاده نکرده اند .

در حال حاضر ارتفاع آرامگاه از سطح زمین ۱۱/۱۰ متر می باشد. اندازه اتاق آرامگاه ۳/۱۱ × ۲/۱۷ متر و بلندای آن ۵/۳۲۷ متر می باشد. این اتاق در گذشته درسنگی داشته است. ضخامت دیوارهای این اتاق ۱/۵۰ متر می باشد. هرتسفلد برای نخستین مرتبه متوجه می شود که اتاق دارای دو در بوده و سوراخ های پاشنه درها مشخص است. قسمت شیب دار بالای اتاق که دو قسمت می شود دارای ۴/۷۵ متر طول و ۸۵ سانتیمتر ارتفاع است.

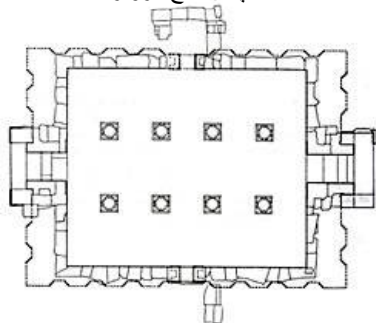
در سال ۱۳۴۹ ه.ش. توسط استروناخ برای نخستین بار یک دایره برجسته در روی سنگ بالای در اتاق آرامگاه کوروش دیده شد که قسمت بالای آن از بین رفته است. استروناخ آن را نمادی از اهورامزدا می داند.

**کاخ دروازه :** کاخ دروازه یا کاخ R استروناخ یا کاخ نقش برجسته دار هرتسفلد، دروازه پاسارگاد به شمار می رفته و در منتهی الیه مجموعه کاخ ها در فاصله ۲۰۰ متری جنوب شرقی کاخ بارعام واقع شده است. طرح آن به صورت تالاری بوده مستطیل شکل، به طول ۲۸/۵ متر و عرض ۲۵/۵ متر که دارای دو ردیف چهارتایی ستون بلند و چهار درگاه بوده است. درگاه های شمال شرقی و شمال غربی اصلی بوده اند و دو درگاه دیگر فرعی.

تالار کاخ دروازه اطاق شکوهمندی بوده با وسعت ۵۴۲ مترمربع و سنگ فرشی از تخته سنگهای خوش تراش سفید مرمرین داشته که بعدها همه را از جا کنده و برده اند. زیرستونها، مکعب های مضاعف یا دو پله ای با قاعده ای متجاوز از ۲ × ۲ متر و ارتفاعی ۱۶۰ سانتیمتر بوده است که از سنگ سیاه نیک تراشیده شده، درست کرده بودند و روی آنها را شالی از سنگ سیاه پاکتراش ولی بی پیرایش گذارده و قلمه های ستون را همچون استوانه ای بلند و بی پیرایه بر آنها نهاده بودند. با توجه به خصوصیات بنا، ارتفاع درونی تالار به ۱۶ متر رسیده است. ستونها گویا از گاوهای دو سر درست شده بودند که رویشان به سوی درگاههای اصلی بوده است. دیوارهای تالار بسیار کلفت بوده و در داخل تا حدود ۷۰ سانتیمتر ازاره بندی (ازسنگ سپید) شده بودند و در خارج دارای نیم جرزهای پهن چند پله ای بوده اند که بر استقامت آنها می افزوده. درگاه های اصلی ظاهراً در حدود ۹ متر بلندی، حدود ۳/۲۰ متر پهنا و ۴/۵ متر عمق داشته اند.

## راهنمای گردشگری عمومی

پلان کاخ دروازه



کف درگاه از سنگ سیاه تراشیده پوشیده شده است و جرزهایی از سنگ سفید مرمر نما داشته اند که بر هر کدام نقشی وجود داشته است. چنان می نماید که در این بنا هم بمانند «دروازه ملل» در تخت جمشید، جرزهای درگاه ورودی به نقش گاو بالدار آراسته بوده است. در درگاه های فرعی که در میانه دو جناح طولی تالار تعبیه کرده بودند، جرز و کف از سنگ سفید بوده و هر درگاه ۱/۸۰ متر پهنا و ۱/۵۵ متر عمق داشته است. بر هریک از چهار جز این دو درگاه نقش یک موجود طبیعی یا خیالی و بالای سر آن

کتیبه ای سه زبانی (فارسی باستان، عیلامی و بابلی) به خط میخی تراشیده بودند. از این چهار نقش اصلی، تنها یکی، در شمال غربی، مشهور به صورت انسان بالدار، باقی مانده است.

**نقش انسان بالدار :** این نقش در اصل به کتیبه سه زبانه ای مزین بوده که نوشته ای با این مضمون داشته : « من کوروش، شاه هخامنشی ».



نقش حجاری شده بر جرز درگاه شمال غربی کاخ دروازه معروف به نقش انسان بالدار، برای اولین بار در بازدید جیمز موریه و سرویلیام اوزلی در سال ۱۸۱۱م ثبت شد.

آخرین بازدید کننده قدیمی که نوشته میخی را در جای اصلی آن بر بالای نقش دید، جان اوسشر بود که در اوایل سال ۱۸۶۱م از پاسارگاد بازدید کرد و بعد از مدتی، وقتی که عکاس پیشگام اشتولتز در سال ۱۸۷۴م از پاسارگاد دیدار کرد، تمام بخش فوقانی نقش از جای خود برداشته شده بود. نقش برجسته نشان دهنده مردی است با ریش انبوه و چهار بال که رو به سمت چپ یعنی به سوی مرکز بنا دارد. این مرد تاجی دارد که به یک کلاه شیاردار کاملاً چسبیده به سر، وصل است. تاج بر روی شاخهای بلند و تابدار

یک قوچ حبشی، بین دو مار کبری پشت به هم که هریک گوی کوچکی را به نماد خورشید بر سر دارند، قرار گرفته است.

بخش اصلی این تاج شامل سه دسته گل نی است که هریک از آنها گوی خورشید را بر فراز داشته و با پرشتر مرغ احاطه شده اند. سه حلقه خورشیدی با دایره های متحدالمركز، در انتهای دسته گل نی قرار دارد. اندام این نقش به ردایی یکسر و حاشیه دار ایلامی ملبس است که از روی بازوی راست می گذرد و حاشیه های لباس با نقش روزت ختم می شود. بدن نقش به صورت نیم تنه کامل می باشد. و در پشت آن چهاربال دیده می شود که بر گرفته از هنر آشوری مخصوصاً در «نگهبان بالدار و جادویی» کاخ سارگن دوم در خرس آباد دانسته اند. نظریه های متفاوتی در راستای هویت بخشی به این نقش مطرح شده است. آیا این نقش کوروش است؟ آیا فروهر است؟ یا نمایش شاه است به حالت روحانی؟ یا مفهوم دیگری دارد؟

با توجه به اینکه نام کوروش در کتیبه مفقود شده بالای آن ذکر گردیده گرایش بیشتر به نظریه اول وجود داشته که همان «ذوالقرنین» یعنی دارنده دو شاخ سنتهای اسلامی و قران می باشد. سامی احتمال می دهد این پیکر مظهر فروهر میباشد، زیرا نوعی روحانیت و الوهیت در نقش می بیند و آن را همتای روحانی کوروش می داند، شاپور شهبازی با

جنبه تخیلی کمتر نقش را به نوعی نمایش آرمانی از کوروش کبیر نسبت می دهد. اما بر مبنای نوشته های هرودت که « ایرانیان خدایان خود را تصویر نمی کردند» قبول اینکه نقش بالدار به یکی از خدایان بومی تعلق داشته دشوار است.

### کاخ بارعام



کاخ بارعام

بقایای ساختمانی را که ایرانیان « دیوان خانه » می خواندند و هرتسفلد آن را « کاخ ستون دار » نامیده ( چون یک ستون آن بر جای مانده است ) و استروناخ از آن به عنوان کاخ S یاد کرده و بعداً به « کاخ بارعام » مشهور شده در ۱۲۵۰ متری شمال شرقی آرامگاه کوروش واقع شده است. « کاخ بارعام » مشتمل بر یک تالار مرکزی و چهار ایوان در اطراف آن بوده است. تالار کاخ بنایی رفیع و مستطیل شکل بوده با طول ۳۲/۳۵ متر، عرض ۲۲/۱۴ متر و ارتفاعی که تا بام به ۱۸ متری می رسیده است. سقف آن بر ۸ ستون (در دو ردیف چهارتایی) استوار بوده است.

در این کاخ هم دو نوع سنگ سیاه و سفید آهکی بکار رفته است، زیر ستونها سنگ های سیاه و شالی و قلمه ستونها (قلمه ۱۲ متری مشتمل بر ۴ تکه) از سنگ سفید مرمر نما بوده است.



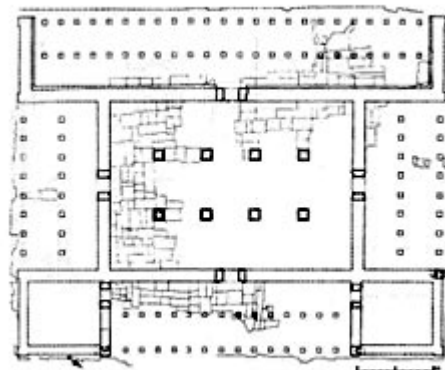
نمونه سرستون مکشوفه در کاخ بارعام

دیوارهای تالار از خشت خام بوده و اطراف نمای آن را ازاره بندی یا گچ کاری کرده بودند. کف تالار از دو طبقه سنگفرش پوشیده شده است. طبقه زیرین از سنگ سفید زبره تراش و به قطر ۴۸ سانتیمتر بوده است، و روی آن طبقه دوم از سنگ سفید مرمر نمای بسیار تراشیده به قطر ۴۴ تا

۵۰ سانتیمتر و از تخته سنگهای بزرگ بوده که تقریباً همه آنها را در دوران بعدی به جاهای دیگر (به ویژه مسجد اتابکی و کاروانسرای اتابکی) برده و بکار گرفته اند.

درمیانه هر یک از چهار دیوار، درگاهی از سنگ سیاه به پهنای ۲۰۶ سانتیمتر و عمق ۱۶۲ سانتیمتر تالار را به ایوان جانبی وصل کرده است. جوانب این درگاه را نقوشی آراسته. آنچه باقی مانده در دو جرز درگاه شرقی و دو در شمالی و جنوبی است.

پلان کاخ بارعام



**نقوش درگاه جنوب شرقی :** مردی برهنه پای، با جبه ای که با زینتی چون فلس های ماهی آراسته شده و دامنی کوتاه در جلو، و مردی که پای و سم گاو دارد و دُمی بسیار آراسته و مزین به گل، و در دست چوبی گرفته که سر آن در عقب به درفشی منتهی گردیده است. جهت پای این دو نشان می دهد که رو به سوی ایوان تالار می رفته اند.

## راهنمای گردشگری عمومی

نقوش در گاه شمال غربی: پاهای برهنه یک انسان را نشان می دهد که جلو یک هیولا راه می رفته. این جانور پاهایی چون چنگال عقاب داشته و ردایی بسیار آراسته پوشیده است.

نقوش در گاه جنوب غربی: بقایای نقش سه مرد برهنه پای بلند جبه را نشان می دهد که سه جانور سم دار را به دنبال می کشند.

جرزهای سنگی موجود کاخ  
بارعام



هر یک از چهار ایوان را دو جرز سنگی متقارن بوده که الوار پیشانی سقف بر روی آنها قرار می گرفته است. درون این جرزها برای کاستن وزن آنها گود شده و این گودی خود باعث تحکیم دیوار خشتی - که از درون آنها آغاز می شده - گردیده است.

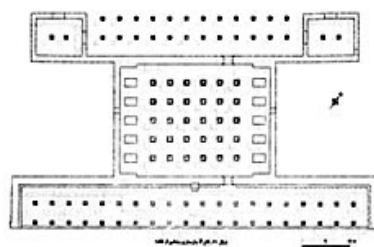
در ایوان جنوبی (جنوب غربی) کتیبه ای بر روی جرز باقی مانده است. این کتیبه دارای چهار سطر است. دو سطر اول نزدیک به هم هستند و دارای یک متن فارسی باستان که بدین گونه خوانده می شود:

«آدم کورش خشایشی یه هخامنشی یه»: «من کوروش (ام)، شاه هخامنشی.»

روایت ایلامی و بابلی هریک، یک سطرند و بازگو کننده همین مطلب هستند. به احتمال بسیار، روایات ایلامی و بابلی را کوروش نگاشته و روایت فارسی باستان را داریوش افزوده است.

از چهار ایوان کاخ، ایوان شمال شرقی بزرگتر از همه است که دارای دو ردیف ستون هر ردیف ۲۴ تا می باشد. ایوان جنوبی ۲۸ ستون، در دو ردیف ۱۴ تایی و دارای دو اتاق قرینه بوده است. تاریخ ساخت این کاخ را به سالهای ۵۴۶ تا ۵۳۰ ق.م تخمین زده اند.

### کاخ اختصاصی



پلان کاخ اختصاصی



در ۲۳۰ متری شمال غربی «کاخ بارعام» بقایای کاخی واقع است که مختصات یک بنای مسکونی را دارد و از این روی به «کاخ

نشیمن» یا «کاخ اختصاصی» شهرت یافته است. استروناخ این کاخ را کاخ P می نامد. تا آغاز سده بیستم چون تنها یک جرز سنگی از این کاخ

بیرون از خاک بود، آن را «کاخ جرزدار» می نامیدند. طرح این کاخ مستطیلی به طول ۷۶ متر و عرض ۴۲ متر میباشد، با تالاری ۳۰ ستونی (۵×۶ردیفی) با یک ایوان دراز ۴۰ ستونی (۲×۲۰ردیفی) در شرق و ایوانی ستونی

(۲×۱۲) در غرب بوده است. هرایوان دو اتاقی جانبی هم داشته است. دو درگاه بزرگ تالار را به ایوان متصل کردند که در مرکز قرار نگرفته و از سمت شمال واقع شده اند.

کف بندی در این کاخ قابل توجه است. می توانیم مرمت های دوره هخامنشی را ببینیم به طوریکه هر جا رگه ای در سنگ بوده تعمیر کرده اند و وصله های هخامنشی تاکنون باقی مانده اند. زیر ستون ها همه مکعبی دوپله ای هستند.

امر غریبی که در مورد این ستون ها می توان اشاره کرد این است که همه آنها فقط تا ارتفاع حدود ۱۹۰ سانتیمتر (از روی شالی) باقی مانده اند و هیچ اثری از قلمه بالایی ستون و یا سرستون یافت نشده است. از سوی دیگر، مشخصات معماری مخصوصاً ارتفاع جرز سنگی موجود ( در گوشه جنوب شرقی ایوان شرقی) نشان می دهد که هر یک از ستون ها احتمالاً ۱۰ متر ارتفاع داشته است. با توجه به مقداری قطعات گچی قوس دار و مزین به رنگ های مختلف که در درون خاک های انباشته شده در تالار یافته اند، این احتمال وجود دارد که در طرح اصلی بنای این تالار فقط بخش زیرین ستون ها را از سنگ ساخته بودند و بقیه آنها را از چوب ساخته و رویشان را با گچبری مزین آراسته اند.

این گچ اندود، رنگ های بسیار درخشان آبی لاجوردی، زرد (زرین)، سرخ و سفید، سبز مسی و فیروزه ای داشته است و یقیناً روشنی و زیبایی خاصی به تالار می بخشیده.

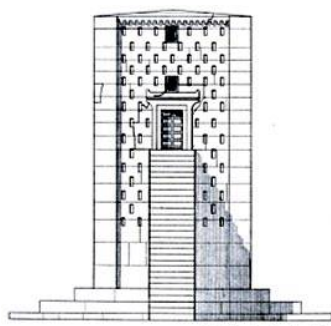
**نماهایی از کاخ اختصاصی :** هریک از درگاه های اصلی را از یک تخته سنگ سیاه خوب تراشیده، در آورده و به نقوش برجسته مزین کرده بودند. کناره های درگاهها را همچون قابی برای نقوش برجسته به صورت مقعر نگه داشته اند. بر هر جرز، صحنه ای از « گذر شاه » نقش کرده بودند که شاه را در لباس پارسی و چکمه های بی بند پارسی جلوه گر می ساخت؛ در حالیکه عصا در دست، پیشاپیش مستخدمی از تالار خارج می شد. بر روی چین های لباس شاه کتیبه ای به خط میخی و به سه زبان عیلامی، بابلی و فارسی باستان کنده شده که شخص تاجدار را به عنوان « کوروش، شاه بزرگ، شاه هخامنشی » معرفی می کرد. پیداشدن قطعه ای از یک کتیبه محصور در خطوط موازی، نشان می دهد که احتمالاً سه زبانی بالای جرز، بر فراز نقش شاه و مستخدمش هم کنده شده بوده. جزئیات تزیینی این نقوش، قاب دور آنها، آثار استعمال ابزارهای سنگ تراشی و صیقل زنی و استعمال زر و زیورآلاتی که در سنگ نشانده اند، همه بیانگر مشخصات هنر دوره داریوش بزرگ، به ویژه حدود ۵۱۰ ق.م است و به همین جهت می توان تعیین کرد که این نقش، بنا به فرمان داریوش بر درگاه ها حکاکی شده است. اگرچه طرح کاخ، نوع سنگ فرش، انواع جرزها، ستون ها و ایوانها همه از زمان کوروش وجود داشته است.

تنها جرز جنوب غربی تالار بر پای مانده است که مانند جرز کاخ بارعام دارای کتیبه ای سه زبانی در چهار سطر به خط میخی، همه در بردارنده معنای «من، کوروش، شاه هخامنشی» هستند.

**آرامگاه کمبوجیه ( زندان سلیمان ) :** در حاشیه شمالی محوطه کاخ ها، در سلطه ویرانه ها، دیواره ( برج ) سنگی بلندی با ارتفاعی نزدیک به ۱۴ متر قرار گرفته است. این ساختار به شدت آسیب دیده و به زندان سلیمان معروف است. نزدیکترین نمونه مشابه به آن کعبه زرتشت در نقش رستم است؛ اما برج، زندان سلیمان ساخته زمان کوروش و یا کمی پس از اوست، ولی « کعبه زرتشت اثری است از داریوش ».

## راهنمای گردشگری عمومی

در مورد کاربرد این بنا سخنان بسیار گفته شده، اما سه نظریه طرفداران زیادی یافته است. یکی اینکه این بنا آتشکده بوده، دوم اینکه آرامگاه بوده و سوم اینکه محل نگهداری اشیاء بسیار مهم سلطنتی (مثل ردای کورش و تاج و درفش او) بوده است.



آرامگاه کمبوجیه (زندانی سلیمان)



آرامگاه کمبوجیه (زندانی سلیمان)



کعبه زرتشت (در نقش رستم)

### آرامگاه کمبوجیه (زندانی سلیمان)

سامی نیز معتقد است که شاید قبر کامبوزیا (کمبوجیه) بوده است و توضیح می دهد که: «کامبوزیا شهریار عصبانی و تند مزاج و مقتدر و فاتح مصر پس از اقامت سه سال در آنجا هنگام مراجعت از مصر به ایران در اکباتان خود را کشت. تاریخ نویسان قدیم راجع به قبر او که کجا بوده چیزی ننوشتند و پاره ای از باستان شناسان معتقدند شاید آثار خرابه های سنگی بین نقش رستم و

تخت جمشید که مثل کعبه زرتشت ساختمان شده و اینک معروف به تخت گوهر است، قبر کامبوزیا بوده است، ولی این تصور بعید میرسد؛ زیرا تخت جمشید و نقش رستم در اواسط سلطنت داریوش آباد گردید، ده دوازده سال پس از مرگ کامبوزیا توجه دربار بدان سو معطوف گردید و منطقی نیست که چند سال جسد کمبوجیه (کامبیز) را بلا تکلیف گذارده باشند.

از نظر معماری استروناخ در مقایسه با کعبه زرتشت نشان می دهد که این دو تا شباهت ظاهری دارند و در بسیاری از جزئیات، تفاوت های چشمگیری میان این دو وجود داشته است و در همه این تفاوت ها، کفه ظرافت و دقت برج پاسارگاد وزن تر است. خصایص سنگ تراشی و نکات فنی و احتمال ذکر نام کورش در کتیبه ای که بقایای آن را به برج پاسارگاد منسوب می کنند، همه حاکی از تاریخ میان ۵۴۰ تا ۵۲۰ ق.م است، در حالیکه جزئیات فنی «کعبه زرتشت» حاکی از تاریخی در حدود ۵۲۰ تا ۵۰۰ ق.م میباشد.

**تل تخت** : در شمال جلگه پاسارگاد و مشرف به تمام این قصور و باغات، بر روی تپه ای که متجاوز از ۵۰ متر از سطح جلگه ارتفاع دارد، بقایای دیوار سنگی عظیمی مربوط به یک ساختمان دیده می شود که از هر کجای این جلگه و از راه بین شیراز و اصفهان هویدا

نقشه تل تخت (تخت سلیمان)





است و از لحاظ بکار رفتن سنگ های عظیم و جسیم آن را مورخین بعد از اسلام بنام تخت سلیمان گفته اند.

### تصویر تل تخت ( تخت سلیمان )

این صفه که از سنگ های کوه پیکر زیبا تراش تشکیل گردیده مثل دیوارهای سنگی تخت جمشید، صفه وسیعی را در حدود ۶۰۰۰ متر مربع تشکیل می دهد به گفته مورخین صفه تل تخت در آغاز توسط کوروش برای احداث مجموعه ای همچون تخت جمشید در نظر گرفته شده بود ولی پس از مرگ کوروش مکان احداث مجموعه پارسه ( تخت جمشید ) به محل کنونی تخت جمشید انتقال یافت و به حکم داریوش تل تخت حکم یک دژ نگهبانی به خود گرفت .

استروناخ برای تل تخت که به تخت سلیمان نیز مشهور است، چهار دوره معماری در نظر گرفته است و می گوید: « در گستره بیش از دو هکتار ، شواهد معتبری از وسعت و کیفیت فعالیت های ساختمانی سنگی کوروش را بدست آورده ایم (دوره اول) ، مدارکی از ساختمان خشتی که می توان آن را از اواخر قرن ششم تا اوایل قرن سوم ق.م تاریخ گذاری نمود (دوره دوم) ، نشانه های اشغال در قرون سوم – دوم ق.م (دوره سوم) و بعد از فترتی طولانی ، نشانه استقرارهای استحکاماتی صدر اسلام (دوره چهارم). »

### بیستون

بیستون، بیستون، بیستون، بهیستون، نام امروزی یک صخره برافراشته در شمال یک راه باستانی پر رفت و آمد که محل عبور کاروانها و نظامیان از بابل و بغداد به سوی کوههای زاگرس و همدان (اکباتان) بوده، می باشد. بیستون در فاصله حدود ۳۲ کیلومتری شرق شهر کرمانشاه قرار دارد. نام پارسی باستان این کوه بگستان و بگستان به معنی جایگاه خدایان و در نوشته های یونانی بگیستانن (أروس) می باشد. در آثار جغرافیدانان عرب سده های میانی مثل ابن حوقل، اصطخری و یاقوت هم این کوه بهیستون، بهیستون (ستونهای خوب) و بهیستان آمده است. در مجموع دگرگونی این واژه بدین گونه است:

بگستان ← بگستان ← بهیستون ← بهستان ← بیستون.

بیستون به علت شرایط جغرافیایی، همیشه از آغاز زندگی بشر تا به امروز مورد توجه بوده و آثاری از هر دوره ای از تاریخ را در خود جای داده است. امروزه در محوطه تاریخی بیستون بطول تقریبی ۵ کیلومتر و عرض ۳ کیلومتر که آثاری را از دوران پیش از تاریخ تا به امروز در بردارد

### معرفی آثار بیستون؛ کرمانشاه

مهمترین و مشهورترین اثر باستانی در این محوطه نقش برجسته و کتیبه داریوش بزرگ می باشد که به نخستین سال فرمانروایی داریوش بزرگ از زبان خود او می پردازد. با آشنا شدن با این اثر باستانی می توانیم خط میخی پارسی

باستان را بشناسیم و در مورد پوشاک، طرز آرایش سر و صورت، اسلحه شناسی و اعتقادات مذهبی مردمان ۲۵۰۰ سال پیش در امپراطوری هخامنشیان، اطلاعات ارزنده ای بدست آوریم.

### نقش برجسته و کتیبه بیستون

سنگ نبشته سه زبانه بیستون، به نخستین سال فرمانروایی داریوش بزرگ از زبان خود او می پردازد. سالی که داریوش، سراسر آن را در جنگ با شاهان دروغگو سپری کرد. پس از کشته شدن بردیا و افتادن حکومت به دست داریوش، در سراسر امپراطوری هخامنشی، ۱۹ شورش بزرگ و کوچک اتفاق افتاد. داریوش بزرگ پس از اینکه این شورش ها را فرونشاند تصمیم گرفت که مردم امپراطوریش را (و جهان پس از خود را) در جریان چگونگی به دست گرفتن قدرت و نخستین سال فرمانروایش قرار دهد. او این بنای یادبود و بیانیه مهم را در بیستون بر سر یک راه کهن به ثبت رساند. راهی پر رفت و آمد که محل عبور کاروانها و نظامیان از بابل و بغداد به سوی کوههای زاگرس و همدان بود و به علت جایگاه ویژه اش که از دیر باز سرزمین خدایان (بغستان) نامیده می شد، شهرت داشت. این نقش برجسته - نگاره داریوش و اسیران - در سطحی عمودی به بلندی ۳ متر و در پهنای ۵/۵ متر قرار دارد. داریوش لباس پارسی بر تن کرده، ریشی آشوری دارد و افسری کنگره دار بر سر گذاشته است و در سمت چپ مجلس بیستون قرار دارد. اندازه داریوش در مقایسه با اسیران برای نشان دادن شکوه و عظمت این مجلس، بزرگتر می باشد. بلندی قامت اسیران ۱/۱۷ و بلندی قامت داریوش ۱/۷۲ متر می باشد. دو تن از یاران داریوش (هفت تنان)، شامل "ویندفرناه" کمان دار، و "گئوبروه" (گوبریاس) نیزه دار، پشت سر او ایستاده اند. داریوش که در دست چپش کمانی دارد، پای چپ خود را بر سینه نخستین دشمنش، گئومات مَع گذاشته است و گئومات دست هایش را به حالت التماس به بالا دراز کرده است. پشت سر گئومات ۸ تن اسیر قرار دارد. که به ترتیب نام های آنها آثرین، ندئیت بَئیر، فرورتیش، مرتی ی، چپسن تَحمه، آرخ و فراد می باشند. گردن های این اسیران را با طناب به یکدیگر و دست هایشان را از پشت سر بسته اند.

بعدها اسیر نهم یعنی سکونخای سکایی با خود تیز، به جمع اسیران اضافه گردید. بر فراز سر اسیران، رو به روی داریوش، نگاره فرَوهر قرار دارد و داریوش دست راست خود را به نشانه نیایش اهورامزدا به بالا بلند کرده است.

### کتیبه بیستون؛ کرمانشاه

امروزه از سنگ نبشته بیستون ۴ متن در دست داریم: متن پارسی باستان، متن عیلامی، متن بابلی و متن ترجمه آرامی. متن پارسی باستان که ظاهراً به صورت بخشنامه برای آگاهی ساتراپی های گوناگون به جاهای دور و نزدیک فرستاده شده است که نسخه ای از آن در الفانتین مصر به دست باستان شناسان افتاده و در بابل هم قطعه ای از نگاره بیستون به دست آمده است.

داریوش در بیستون (ستون ۴ بند ۱۵) می گوید: "تو که پس از این، این نبشته و نگاره را می بینی، مبادا به آنها آسیب بزنی. تا می توانی آنها را همان گونه که می بینی، نگهداری کن." ولی گذر زمان و فرسایش های ناشی از باران و باد تمام سنگ نبشته ها را و مخصوصاً سنگ نبشته به زبان بابلی را دچار آسیب های فراوانی کرده است. ولی بیشترین

خسارت در همین قرن اخیر اتفاق افتاده است. زمانی که سربازانی که در جنگ جهانی دوم در پایین جاده بیستون گشت زنی می کردند، نگاره ها و کتیبه با ارزش بیستون را هدف گرفتند و آسیب های جبران ناپذیری را به این اثر تاریخی وارد نمودند. ولی ما باید از داریوش بزرگ سپاسگزاری کنیم بخاطر اینکه بعد از اتمام کار بنای یادبود بیستون، فرمان داد که زیر این بنای یادبود را بتراشند و همین عمل باعث شد که تا قرنهای دست بشر این اثر با ارزش تاریخی را لمس نکند و از آسیب های ناشی از خوی زشت انسانها دور نگهداشته شود.

نکته جالبی که در مورد این نقش برجسته وجود دارد، شباهت زیاد آن با نگاره شاه لولوبی ها، آنوبنی نی است که در ۱۴۰ کیلومتری بیستون در سرپل ذهاب قرار دارد. در این نگاره هم آنوبنی نی (آنوبانینی)، کمانی در دست چپ و تبرزینی در دست راست خود دارد و پای خود را بر سینه دشمنی که بر زمین افتاده، نهاده است و الهه ایشتار در حال دادن حلقه حکومت به اوست. شش اسیر در زیر پای آنوبنی نی نقش بسته اند. دو اسیر هم رو به روی آنوبنی نی در حالیکه دستهایشان از پشت، بسته شده و طنابی به گردن یکی از آنها آویخته شده. این احتمال وجود دارد که داریوش پیش از فرمان حجاری ها در بیستون، نگاره آنوبنی نی را دیده بوده است و یا شاید هم این شباهت فقط یک تصادف باشد.

### فرهاد تراش؛ بیستون؛ کرمانشاه

محل انتخاب شده برای تراشیدن سنگ نگاره و سنگ نبشته بیستون، جایی در ارتفاع چند ده متری سطح زمین بوده است. به نظر می رسد که در زمان ساخت، راهی برای دستیابی آسان به محل کارگاه وجود داشته. بقایای مبهم پلکانی در بخش های بالایی کوه و نیز آثار تراشیدن تخته سنگ های زیر کتیبه تا نزدیکی های زمین، نشان دهنده وجود راهی به سوی بالا است. راهی که سنگ تراشان پس از پایان کار و به هدف دسترس ناپذیر کردن کتیبه، در ضمن پایین آمدن، آنرا نیز تراشیده و محو کرده اند. نبشتن کتیبه ای تاریخی در چنین بلندای دست ناپذیری که از پایین کوه نیز به هیچوجه قابل خواندن نیست، نشان دهنده اینست که داریوش این متن را نه برای مردمان روزگار خود، بلکه منحصرأً برای آیندگان نوشته بوده است. آثار حجاری شده در بیستون از نگرگاه فن آوری و سازوکار ساخت، از بهترین نمونه های هنر هخامنشی است. از ابزارها و شیوه های ساخت و پرداخت چنین نگاره هایی بر روی سنگ آهک که هنوز پس از ۲۵۰۰ سال بسیار صیقلی و براق هستند، اطلاعی در دست نیست. با توجه به رنگ لعاب گونه و قهوه ای ماندنی که پس از همراه شدن با ذرات اکسیده شده عناصر آمیخته سنگ آهک، در سراسر نمای کتیبه به چشم می خورد و نیز با توجه به اینکه در داخل حروف چند سطر نخست متن پارسی باستان، بقایای سرب دیده شده است، به نظر می رسد که پس از پایان نوشتن متون، داخل آنها را برای پایداری بیشتر با سرب، و تمام نمای کتیبه را با اندودی که برای ما ناشناخته است، پوشانده بوده اند. در حین ساخت، هر کجا که به دلیلی سطح سنگ تخریب می شد، قطعه سنگ دیگری را به اندازه محل تخریب شده می تراشیده و در جای آن نصب می کرده اند.

کتیبه های گنجنامه و دره های اطراف

## راهنمای گردشگری عمومی



گنجنامه، در یکی از دامنه های کوهستان الوند و به فاصله ۵ کیلومتری جنوب غربی همدان، در دره مصفای عباس آباد قرار دارد. در نزدیکی گنجنامه، چشم انداز زیبایی از آبشار گنجنامه و دره های سرسبز عباس آباد و تاریک دره دیده می شود.

به سبب آنکه هگمتانه، پایتخت تابستانی هخامنشیان بوده و در مسیر جاده شاهی قرار داشته است، داریوش اول هخامنشی پس از اتمام کار سنگ

نوشته های بیستون، دستور انجام کتیبه کنونی گنجنامه را داده است. پس از او فرزندش خشایار نیز به پیروی از او کتیبه ای در سمت راست و کمی پایین تر از سنگ نوشته پدر، بر جای گذارده است.

هر یک از کتیبه ها به سه زبان، در سه ستون و ۲۰ سطر، بر روی صخره ای بزرگ حک شده اند، در ستون دست چپ، متن فارسی باستان، ستون وسط؛ عیلامی یا شوشی و ستون راست کتیبه ها، به زبان بابلی یا اکدی و هر سه به خط میخی می باشند. اولین واژه ستونی که به فارسی باستانی حک شده، "baga" به معنی خداست. در تاریخ معاصر، ایران شناسان بسیاری درصدد ترجمه متون کتیبه های گنجنامه بوده اند، که "اوژن فلاندن" باستان شناس فرانسوی و "پاسکال کست" (۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ میلادی) دستیارش، از آن جمله اند. ولی عاقبت "سر هنری راولینسن" انگلیسی موفق شد، که رمز خط میخی پارسی باستان را کشف نماید و سرانجام این پندار مردم، که این کتیبه ها را راز مکتوب یک گنج پنهان تصور می کردند، با کشف رازهایی از تاریخ باستان این سرزمین تعبیر شد.

و اینک ترجمه سنگ نوشته داریوش هخامنشی: "خدای بزرگ است اهورامزدا که این سرزمین را آفرید، که مردم را آفرین، که شادی را برای مردم آفرین، که داریوش را شاه کرد، یگانه شاه از میان شاهان بسیار و یگانه فرمانروا از میان فرمانروایان بسیار. من (هستم) داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای با دولت های بسیار، شاه این سرزمین بزرگ دور دست پهناور، پسر ویشتاسب هخامنشی.

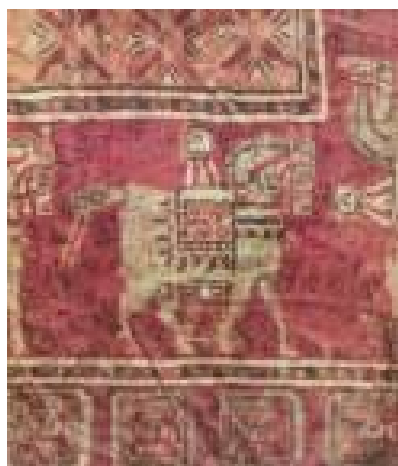
متن هر دو کتیبه یکی است، فقط در کتیبه خشایار شاه به جای داریوش، خشایار شاه آمد و به جای ویشتاسب، داریوش و عبارت: "maoistha baganam hyah" به معنی: "که بزرگترین خدایان است"، فقط در کتیبه خشایار شاه آمده است. این کتیبه های از دیرباز تاکنون، نامهای گوناگونی به خود گرفته اند.

ابن فقیه همدانی، در سال ۲۹۰ هجری، در کتاب "اخبار البدان" خود، از آن بعنوان "تب نابر" نام برده است و اسامی دیگر عبارتند از: "سنگ نبشه"، "نشت خدایان"، "کتیبه های الوند"، "جنگ نامه" و "گنج نامه" که دو نام آخر، در سده های اخیر مصطلح شده اند. این اثر طی شماره ۹۲ مورخه ۱۳۱۰/۱۰/۱۵ در فهرست آثار تاریخی و ملی ایران به ثبت رسیده است.

در سال ۱۳۷۳ نیز توسط شهرداری همدان، ترجمه های فارسی و انگلیسی هر دو کتیبه بر روی دو تخته سنگ خارا کنده شده و در ضلع دیگر محوطه گنجنامه قرار داده شده است.

فرش بازیریک قدیمی ترین فرش یافته شده جهان

## راهنمای گردشگری عمومی



فرش پازیریک، قدیمی‌ترین فرش یافته‌شده جهان است که در سال ۱۹۴۷ در دره آلتای مغولستان نزدیک نواحی جنوبی سیبری توسط «پرفسور رودنکو» باستان‌شناس روسی از گورهای یخ زده پادشاهان سکایی کشف شد. بررسی‌های پژوهشگران بر روی نقوش بافته شده در این فرش نشان می‌دهد که تاریخ بافت فرش حدود ۲۵۰۰ سال قبل است. این فرش که به نام محل کشف آن «پازیریک» نامیده شد، و به خاطر نقوشی که نشان از از طرح‌های ایرانی دارد فرش ایرانی شناخته شده است. این قالیچه از نوع گره دار به ابعاد ۲۱۰×۱۸۳ سانتیمتر است. فرش پازیریک، با گره‌های متقارن بافته شده

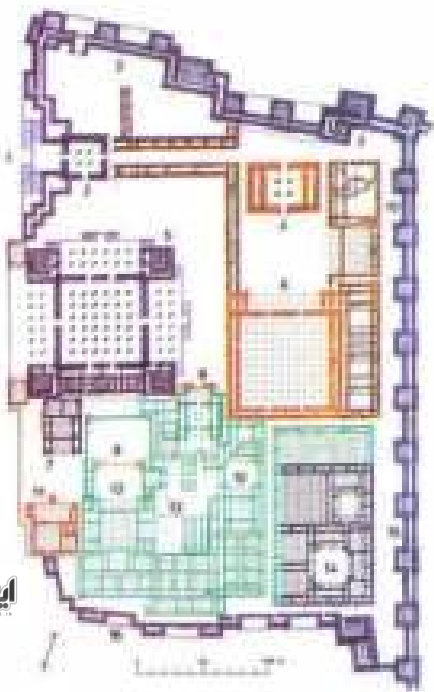
و در هر سانتیمتر مربع ۳۶ گره دارد و رنگ‌های به کار رفته در این فرش، سبز، آجری، قرمز تیره، آبی و قهوه‌ای هستند.

قسمت بیرونی حاشیه نقش تکراری کوچکی از جانوران افسانه‌ای و بالدار، و پس از آن یک ردیف سوار که یک در میان ایستاده و سوار بر اسب نشان داده شده است و الگوی بسیار دقیقی از نقش برجسته‌های تخت جمشید است. پس از آن یک ردیف گوزن خالدار و نقش گلدار وسط بافته شده است. رودنکو در چندین جای کتاب خود به ایرانی بودن این فرش اشاره دارد «شیوه گره خوردن دم اسبها و کاکل آنها شبیه ایرانیان است و نقش گوزنها از تیره گوزن زرد خالدار ایرانی است. صف مردانی که به همراه چارپایان از پی یکدیگر می‌آیند نمایانگر شیوه‌های هخامنشی و آشوری است.» بنا بر اظهار رودنکو کاشف این فرش و و بسیاری از محققان دیگر این فرش را ایرانیان بافته و آن را به پادشاه سکایی هدیه داده‌اند. و به عنوان یکی از اشیای قیمتی و منحصر به فرد در گور این پادشاه به همراه او دفن شده و به دلیل یخ زدگی تا کنون سالم باقی مانده است.

### تخت جمشید (۵۱۸ ق.م)

تخت جمشید (Ttakht -e- Jamshid) نام محلی پایتخت داریوش بزرگ است؛ که از لحاظ وسعت، عظمت و شکوه، مهم‌ترین مجموعه باستانی هخامنشی در ایران است. این مجموعه بی نظیر در دامنه کوه رحمت (کوه مهر)، در مقابل جلگه مرو دشت و ۵۵ کیلومتری شمال شرقی شیراز قرار دارد. یونانیان و به تبع آنها اروپاییان، گاهی آنرا "پرسه پلیس"، "پرسپلیس" (با کسر "پ" اول، فتح "سین" اول و ضم "پ" دوم) یا "پرسپولیس" (persepolis) می‌خوانند؛ اما نام تاریخی آن که در کتیبه‌های کاخ‌ها ثبت شده پارسه (parsa) به معنای "شهر مردمان پارسی" است.

آثار تاریخی به جای مانده در آن، از باشکوه‌ترین مجموعه‌های تاریخ ایران و جهان است. این بنا در زمان داریوش اول از پادشاهان هخامنشی در سال ۵۱۸ قبل از میلاد به قصد ایجاد پایتختی آئینی در



## راهنمای گردشگری عمومی

جلگه مرودشت، بر دامنه کوه مقدس رحمت (کوه مهر) بنیان نهاده شد و ساخت آن جمعاً حدود ۱۲۰ سال به طول انجامید.

مجموعه تخت جمشید به وسعتی حدود ۱۲۵،۰۰۰ متر مربع و تماماً از سنگ ساخته شده است. در میان سنگها از هیچ گونه ملاتی استفاده نشده اما در بعضی نقاط، سنگها را با بست های آهنی به نام دم چلچله ای به هم اتصال داده اند و از چفت هایی سربی استفاده کرده اند.

مجموعه تخت جمشید شامل هفت کاخ (تالار)، نقوش برجسته، پلکانها، ستونها، و دو آرامگاه سنگی است. جمعاً بیش از سه هزار نقش برجسته در ساختمان ها و مقبره های تخت جمشید وجود دارد که به طرز خارق العاده ای هماهنگ می باشند.

این بنا را تخت جمشید یا قصر شاهی جمشید، پادشاه اسطوره ای ایران می نامند که در شاهنامه فردوسی بزرگ، ساختن کاخهای باشکوه، به او که دیو است، و جنها که تختش را حمل می کردند، نسبت داده شده است. بر اساس خشت نبشته های کشف شده در تخت جمشید در ساخت این بنای باشکوه معماران، هنرمندان، استادکاران، کارگران، زنان و مردان بیشماری شرکت داشته اند که علاوه بر دریافت حقوق از مزایای بیمه کاری خویش نیز استفاده می کرده اند.

### پلکان ورود:

در شمال غربی تخت جمشید پلکان ورودی همچون دستانی که آرنج خویش را خم کرده و بر آن است تا مشتاقان خود را از زمین بلند کرده و در سینه گرم خود جای دهد، قرار گرفته است. این پلکان دوطرفه به طول هفت متر و به ارتفاع ۱۱۱ پله است که هر کدام به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر می باشد. پله ها را کوتاه تر از معمول ساخته اند تا راحتی حضور و ابهت مهمانان گرانقدر و پیران فرزانه ای که تصاویرشان با لباسهای فاخر و بلند بر دیوارهای تخت جمشید نقش بسته، هنگام بالا رفتن حفظ شود.

### کاخ یا دروازه ملل:

پس از بالا رفتن از پلکان ورودی تخت جمشید به ورودی باشکوهی برمی خوریم



نمای بازسازی شده پلکان ورودی تخت جمشید در کنار تصویر کنونی آن

که دو گاو نر بزرگ همچون نگهبانانی بر جرزهای آن جا گرفته اند. بر اساس یکی از عقاید ایرانیان باستان، گاو اولین حیوان آفریده شده توسط اهورامزدا (خداوند جان و خرد) و همچنین سمبل برکت بوده است.

### نمای ورودی دروازه ملل

## راهنمای گردشگری عمومی

خروجی دروازه ملل



بالای جرزها سنگ نبشته ای به سه زبان عیلامی، پارسی باستانی و بابلی حک شده: "من خشایارشا، این بارگاه همه ملل را، بتوفیق اهورامزدا ساختم." از همین روی آنرا کاخ یا دروازه همه ملل نامیده اند.

پس از عبور از ورودی دروازه ملل به سالن انتظار می رسیم. سقف این سالن با ارتفاعی حدود ۱۶/۵ متر بر روی دیواری خشتی و چهار ستون استوار بوده. کاملترین ستون تخت جمشید نیز یکی از همین سه ستون است که توسط پرفسور کرفتر بازسازی شده است.

میهمانان بر روی کرسی های سنگی اطراف می نشسته اند تا اجازه ورود به بارگاه شاهی بیابند.

دو جرز درگاه شرقی کاخ ملل با دو موجود خیالی تزیین گردیده است. بال عقاب بلندپرواز که نشان پرچم ایران باستان بوده، بدن گاو قوی هیکل که سمبل برکت بوده و سر شاهان هخامنشی هم شاه را همچون موجودی قدرتمند که در حال نگهبانی از کشور است، نشان می دهد.

### حوض سنگی:

بزرگترین قطعه سنگ تخت جمشید که درون آن مانند یک حوض خالی شده، ۱۵۰ تن وزن دارد و در جنوب شرقی کاخ ملل قرار گرفته است. به نظر می رسد این حوض سنگی نوعی آب نما نیز بوده است.

### حوض سنگی تخت جمشید



روش اتصال سنگ ها : در انتهای خیابان سپاهیان که کاخ ملل را به کاخ ناتمام وصل می نموده، بخشی از یک ستون روی زمین افتاده است. روی این ستون حفره هایی است که در آن سرب مذاب می ریختند. سرب مذاب پس از سرد شدن سخت می شده و دو قطعه سنگ را به هم متصل می نموده.

حفره هایی که برای اتصال سنگها بکار می رفته، از حفره های مکعبی شکل پیشانی قطعه ستونها با استفاده از مکعب های سربی برای هم مرکز نمودن آنها استفاده می شده.

### کارگاه تخت جمشید:

## راهنمای گردشگری عمومی



یکی از سر ستونهای پیدا شده در کارگاه تخت جمشید

در شمال خیابان سپاهیان دو سرستون با سر عقاب، گوش گاو و پنجه های شیر قرار دارد. این سرستونها در همین مکان کشف شده و بر روی پایه هایی نصب گردیده. گفته می شود که این مکان کارگاه تخت جمشید بوده.

این سرستون قرار بوده بالای یکی از ستونهای تخت جمشید قرار گیرد.

**دیوارهای کوتاه کاهگلی:** دیوارهای کوتاه کاهگلی در تخت جمشید بازسازی شده اند تا بازدید کنندگان بتوانند دیوارهای بلندی را که روزی به جای آنان قرار داشته به تصویر درآورند.

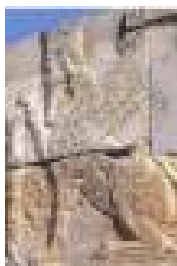
**کاخ آپادانا:** آپادانا در لغت به معنای بارعام یا ملاقات شاه با عموم مردم است. سالن این کاخ توسط داریوش بزرگ و پلکان آن توسط خشایارشا ساخته شد.

زیباترین نقشهای تخت جمشید بر دیوارهای پلکان شرقی این کاخ سنگ تراشی شده است که نشان می دهد ایرانیان یکی از نخستین ملتهای آشنا به علم و هنر گرافیک بوده اند.

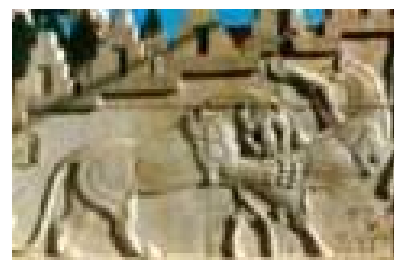
### نقشهای پلکان شرقی کاخ آپادانا

**شیر بالدار انسان سر:** بیانگر موجودی افسانه ای است که نگهبان گنج خانه و معبد بود به شمار می رفته.

**حمله شیر به گاو (شیر گاو شکن):** که نشان دهنده آمدن نوروز به همراه طلوع خورشید در صبح نوروز بوده است. شیر سمبل خورشید و گاو نام یکی از



برجهاست. در زمانی که تخت جمشید را می ساخته اند، ورود خورشید به برج گاو در نزدیکی نوروز انجام شده است. به همین دلیل گفته میشود این تصویر نشان دهنده نوروز و شروع فصل بهار است.



### افسران نیزه دار: افسران را به ترتیب یک در

میان در لباسهای معروف به پارسی و مادی نشان می دهد. افسرانی که کلاه استوانه ای بر سر دارند معروف به پارسی هستند و آنان که کلاه نیم کره ای بر سر دارند معروف به مادی هستند.



**نقش گل نیلوفر:** که زینت بخش اکثر نقشهای تخت جمشید است، نماد تمدن هخامنشیان و سمبل صلح و دوستی بوده. گفته می شود ۱۲ گلبرگ این گل ۱۲ ماه سال را نشان می دهد.



**نقش هدیه آورندگان:** که در سمت چپ پلکان شرقی کاخ آپادانا سنگ تراشی شده، نمایندگان ۲۳ استان تابع پادشاهی ایران را نشان می دهد که در



## راهنمای گردشگری عمومی

حال حمل هدایای خود می باشند. در این نقش، بزرگان مملکتی بطور یک درمیان در لباسهای معروف به پارسی و مادی، دست نماینده اول هدیه آورندگان را گرفته و به سوی پادشاه راهنمایی می کنند. این نقش بخشی از مراسم بار پادشاهی را نمایش می دهد.

هر گروه از نمایندگان با یک درخت سرو که سمبل جاودانگی بوده، از یکدیگر جدا شده اند.

**نقش سپاه جاویدان :** در سمت راست پلکان شرقی کاخ آپادانا به تصویر در آمده. تعداد نفرات این سپاه هیچ گاه کمتر از ۱۰ هزار نبوده و هرگاه یکی از آنان کشته و یا مریض می شده، سریع یک نفر جایگزین او می شده؛ از همین روی آنان را سپاه جاویدان گفته اند.



**نقش بزرگان ایران :** با گل نیلوفری در یک دست سران مملکت ایران را نشان می دهد که دست یکدیگر را گرفته و گفتگو کنان به سمت کاخ آپادانا در حال حرکتند.

نقش افرادی که در حال آوردن فرش، صندلی و درشکه شاهی هستند، در سمت راست پلکان شرقی کاخ آپادانا نشان داده شده است. به نظر می رسد نقش تنها زن تخت جمشید را بر محور مرکزی چرخ این درشکه ها می توان دید.



**کاخ آپادانا :** با سقفی به بلندی حدود ۲۰ متر بلندترین و باشکوه ترین ساختمان تخت جمشید است. این کاخ دارای سه ایوان و یک سالن مرکزی با ۷۲ ستون بوده که نشان دهنده جایگاه این عدد در فرهنگ ایران باستان بوده. بر روی این ستونها سرستونی به شکل گاو یا شیر با وزنی حدود ۱۴ تن قرار داشته که سقف کاخ روی آن استوار می شده.

در وسط دیوارهای کوتاه کاهگلی اطراف کاخ آپادانا، ناودانهای سنگی قرار دارد که آب پشت بام را به سیستم آب زیرزمینی برای خروج از تخت جمشید انتقال می داده.

**سخنان داریوش:** "خدای بزرگ است اهورا مزدا که این زمین را آفرید که آن آسمان را آفرید که مردم را خلق کرد و به مردم شادی داد. میل من آن است به آنچه که راست است. انسان دروغگو را دوست نیستم."



باستان شناسان بر اساس شواهد موجود به این نتیجه رسیده اند که کاخ تچر در زمان آبادانی اینگونه بوده

### کاخ تچر یا آینه:

کاخ تچر در جنوب غربی کاخ آپادانا قرار دارد و کف آن ۲/۵ متر از کف کاخ آپادانا بالاتر می باشد. بر اساس سنگ نبشته ای که بر دیوارهای آن حک شده، توسط داریوش بزرگ ساخته شده است.

## راهنمای گردشگری عمومی

سنگهای این کاخ چنان صیقلی و براق بوده که فرد می توانسته تصویر خود را در آن ببیند، از همین روی آنرا کاخ آینه نیز نامیده اند.

تصویر شاه بر درهای شمالی و جنوبی نقش بسته. بر درهای شرقی و غربی نیز شاه در حال جدال با حیوانات دیده می شود.

### کاخ هدیش:

احداث کاخ هدیش توسط داریوش بزرگ شروع شده و بدست خشایارشا به اتمام رسید. در سنگ نبشته های بدست آمده هر دو کاخ هدیش و تچر به هر دو نام خوانده شده اند. این کاخ دارای سالنی با ۳۶ ستون بوده است. نقش شاه را می توان بر درهای کاخ هدیش مشاهده نمود، بطوریکه دو مستخدم چیزی شبیه چتر را بالای سر او گرفته اند. از شمال به جنوب کاخ هدیش راه آبی زیر زمینی در دل سنگ کنده شده که آب کاخ را به بیرون انتقال می داده است.

### کاخ مرکزی، سه دروازه یا سورا:

کاخ مرکزی در مرکز تخت جمشید واقع شده است و دارای سه دروازه است که توسط اردشیر اول بنا گردیده است. بر بدنه درگاه شرقی کاخ، نقوش شاه و ولیعهدش نشسته بر تخت، و به روی دست نمایندگان، دیده میشود. نقش شاه در حال خروج از درهای شمالی و جنوبی کاخ دیده می شود. نقش گل نیلوفر را بر پاگرد درهای کاخ می توان دید. سرستونهای این کاخ به شکل موجودی است با سر انسان و بدن حیوان. پلکان این کاخ شبیه پلکان ورودی تخت جمشید است که بر بدنه آن نقش بزرگان مملکتی حک گردیده است. گفته می شود این کاخ محل برگزاری جلسات شاه با بزرگان بوده.



**سنگ تعیین نوروز:** در مرکز این کاخ سنگی بر روی زمین کار گذاشته شده که گفته می شود از آن برای تعیین نوروز و استخراج تقویم استفاده می شده. در دیوار شرقی این کاخ سوراخی بوده که فقط در صبح نوروز و صبح روز اول مهر، هنگام طلوع خورشید نور را به مرکز این سنگ می تابانده.

سنگ نبشته ای از زمان هخامنشیان بدست آمده که نشان می دهد ستاره شناسان ایران باستان می توانسته اند ماه گرفتگی، خورشید گرفتگی و محل و زمان دقیق آنرا پیش بینی کنند.

### موزه:

باستان شناسان یکی از کاخهای تخت جمشید را بر اساس نمای بیرونی آرامگاه های تخت جمشید و نقش رستم، بازسازی کرده اند. این کاخ اکنون موزه تخت جمشید است. کلیه ستونهایی که در تخت جمشید وجود دارند،

## راهنمای گردشگری عمومی

روزگاری مانند ستونهای موزه سقفی را بالای خود داشته اند. کسانی که می خواهند بدانند کاخهای تخت جمشید قبل از تخریب چگونه بوده، می توانند از این موزه بازدید کنند.

### خزانه:

در فاصله بین کوه و موزه تخت جمشید، ته ستونهایی است که بر روی آنها ستونها و سقف بنایی قرار داشته است که گفته می شود خزانه تخت جمشید بوده.

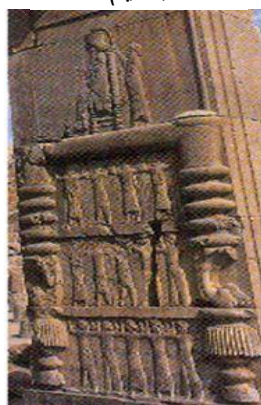
دو تابلو سنگی که در این مکان کشف شده متعلق به پلکانهای شمالی و شرقی کاخ آپادانا بوده که یکی را همین جا سر پا کرده اند و دیگری را به موزه ایران باستان در تهران انتقال داده اند. این نقشها بخشی از مراسم معرفی بارعام را نشان می دهد. اکنون نقش افسران نیزه دار به جای این نقشها دیده می شود.

### کاخ صد ستون:

ساخت کاخ صدستون توسط خشایارشا آغاز و بدست اردشیر اول به پایان رسید. کاخ صدستون با زیربنایی حدود ۴۶۹۰ متر مربع بزرگترین تالار سرپوشیده دنیای کهن بوده.

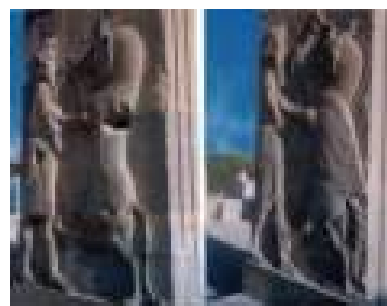
این کاخ دارای صد ستون در ده ردیف ده تایی و ۸ دروازه در چهار طرف، یعنی دو دروازه در هر طرف بوده است.

شاه روی تخت (تخت جمشید)



بر دروازه های جنوبی این کاخ، شاه بر تخت که روی دست نمایندگان ۲۸ قوم تابع پادشاهی است قرار دارد. بازدیدکنندگان قرون گذشته تخت جمشید که پیشرفت تکنولوژی مانند امروز نبوده نمی توانستند تصور کنند که انسان توانایی ساخت چنین بنای باشکوهی داشته باشد، بنابراین احداث این بنای باشکوه را به دیو و جنهایی نسبت می داده اند که بر اساس آنچه فردوسی بزرگ گفته تخت پادشاهی جمشید را حمل می کرده اند. لذا آنها پنداشتند شاهی که بر این تختها نشسته همان جمشید است و این بنا را تخت جمشید نامیده اند.

بر دروازه های شمالی، شاه روی صندلی آراسته ای نشسته و ۱۰۰ افسر نیزه دار که از فرماندهان لشکر ایران بوده اند، در ۵ ردیف در زیر پای او ایستاده اند. در اصل آنها در جلوی پادشاه ایستاده اند، که برای نمایش آنها بر دیوار مجبور شده اند آنها را در زیر پای او سنگ تراشی کنند.



بر دروازه های شرقی و غربی نیز نقش شاه در حال جدال با حیوانات حک گردیده. در کلیه نقشهایی که جدال شاه با حیوانات را به تصویر می کشد، گاه شاه با یک حیوان مانند شیر یا گاو در حال نبرد است و گاه با موجودی می جنگد که ترکیبی از اندامهای چند حیوان مانند شیر، گاو، عقاب و عقرب است. آنگونه که در شاهنامه فردوسی بزرگ آمده، شاید بتوان نبرد شاه با حیوانات را نبردی بزرگ برای اثبات تواناییش برای رسیدن به تخت شاهی قلمداد نمود.

در کنار درب غربی ایوان شمالی کاخ صدستون، سنگی مکعبی شکل بر روی زمین افتاده که نقش چهار شیر و گاو به زیبایی هرچه تمامتر بر روی آن حک شده است.



### کاخ یا دروازه ناتمام:

در شمال شرقی تخت جمشید، روبروی کاخ صدستون، کاخی ناتمام قرار دارد. قرار بوده کاخی مانند کاخ ملل در اینجا بسازند که ناتمام مانده. این مکان از نظر آموزشی و دانش مهندسی حائز اهمیت زیادی است به گونه ای که می توان دریافت که چگونه سنگها را در کنار هم یا بر روی یکدیگر قرار می داده و نقش برجسته های روی آنرا بوجود می آورده اند.



ستونهای نیمه کاره ای در داخل کاخ ناتمام قرار دارد. بر پایه یکی از این ستونهای نیمه کاره، دو قطعه سنگ که بوسیله بستهای سربی به هم اتصال داده شده، دیده می شود. سر ستونی که در کنار کاخ ناتمام قرار دارد روزگاری روی ستونی با ارتفاع بیش از ۱۰ متر قرار داشته.

در تخت جمشید دو آرامگاه وجود دارد که نمای بیرونی آن شبیه به نمای خارجی کاخها می باشد. هر آرامگاه اتاقک کوچکی است که در دل کوه کنده شده است. در بالای آرامگاه، شاه بر تخت، روی دست نمایندگان در حال نیایش در مقابل ماه و آتش یا خورشید دیده می شود. آرامگاه شمالی مربوط به اردشیر سوم است و آرامگاه جنوبی اردشیر دوم را در خود جای داده است.

سیستم زهکشی یا آب زیر زمینی تخت جمشید: در زیر تمام کاخهای تخت جمشید آبرو زیر زمینی سنگی، ساخته شده که آب باران و فاضلاب را بیرون می برده. از راه پلکان سنگی که در گوشه کاخ شرقی کاخ صد ستون قرار دارد، می توان به درون این آبراه رفت.

### چاه سنگی:

در دامنه کوه رحمت چاهی به حجم ۵۷۴ هزار لیتر در سنگ حفر شده که نشان از توان بالا و اراده پولادین گذشتگان ما دارد. به نظر می رسد هدف از حفر این چاه جلوگیری از ورود سیلاب کوهستان به درون کاخها و همچنین تامین آب آشامیدنی تخت جمشید بوده است.

سنگ نبشته ها: از مهمترین آثار باقی مانده در تخت جمشید سنگ نبشته ها هستند که سند سواد و دانش ایرانیان باستان به شمار می روند. گفته می شود خطوط میخی این سنگ نبشته ها با طلای ناب پر شده بوده. اکثر این سنگ نبشته ها به سه زبان هستند که اثبات می کند تخت جمشید بنایی بین المللی بوده است.

## راهنمای گردشگری عمومی

آغاز این سنگ نبشته ها با ستایش اهورامزدا، خداوند جان و خرد، سندی است به استحکام سنگ که از خداپرستی ایرانیان باستان حکایت دارد. این سنگ نبشته ها اثبات می کنند که ادعای افرادی که معتقدند اعراب خداپرستی را برای ما به ارمغان آوردند، قابل قبول نیست.

"پروردگارا این کشور را از دروغ، دشمن و قحطی محفوظ بدار". این یکی از جملات سنگ نبشته ای است که به دستور داریوش بزرگ بر دیوار جنوبی تخت جمشید حک شده است.

**نقش انسان بالدار:** که در دین زرتشت به آن فروهر می گویند، بخش اهورایی وجود انسان است که پس از مرگ بسوی اهورامزدا باز می گردد. این انسان بالدار دست راستش را به نشانه دعا به سمت آسمان بلند کرده و در دست چپش حلقه مهر و دوستی خداوند قرار دارد. بالهای افراشته دو طرف، نشانه اعمال نیک یا همان اندیشه، گفتار و کردار نیک است که باعث تکامل انسان و پرواز او بسوی آسمان می شود. بالهای پایین نشانه اعمال بد است که انسان را به زمین زده و نابود می کند. حلقه دور کمر او بیانگر دایره زندگی است که انسان همواره بر روی آن در حال حرکت است. هر کس خوبی کند، خوبی می بیند و هر کس بدی کند، بدی خواهد دید. دنباله جلو، بیانگر راستی هایی است مانند راستگویی، خلاقیت، دوستی، سازندگی و هر آنچه که به پیشرفت انسان کمک می نماید و باید آنها را دنبال نمود.

دنباله عقب، بیانگر ناراستی هایی است مانند دروغ، تقلید، کینه، ویرانگری و هر آنچه مانع پیشرفت انسان می شود و باید از آنها دوری جست.

### کاخ شوش

برخی گفته اند که به باور بعضی از «دانشمندان» شوش به معنای سوسن بوده است؛ چون این ناحیه پر از سوسن های زیبا است و شاید به همین مناسبت نام این شهر را شوشن یعنی سوسن انتخاب کرده اند. «حمزه اصفهانی» شوش را از خوب و خوش مأخذ دانسته است نام این شهر در تورات با تلفظ شوش یا شوشن آمده است.

«حمدالله مستوفی» در قرن هشتم بعد از میلاد درباره شوش می گوید: «قبر دانیال پیامبر بر جانب غربی آن رود و شهر است و شهر کرخه نزدیک شوش است که اکنون نام آن شهر به نام دور گذاشته اند و رود کرخه می گویند. آن رود که از دامنه تپه های شوش می گذرد باقی بوده و به مسافت کمی بالای رود در جانب راست کرخه واقع شده است.»

### تپه های باستانی شوش

تپه های باستانی شوش به وسعت بیش از سیصد هکتار در حد فاصل میان رودهای دز و کرخه و در کنار رودخانه شائور واقع شده اند. بر اساس وضعیت جغرافیایی، این محوطه به چهار قسمت تقسیم بندی و توسط اولین باستان شناسانی که در شوش کاوش کرده اند، نامگذاری شده است. به این ترتیب که بلندترین قسمت تپه ها که قلعه بر

روی آن واقع شده بنام اکروپل ، تپه های شمالی بنام آپادانا ، تپه های شرقی بنام شهر شاهی و تمامی تپه ها و اراضی شرقی و شمالی این فضای پهناور بنام شهر صنعتگران ( پیشه وران ) نامگذاری شده است .

در آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد ( حدود ۶۰۰۰ سال پیش ) بر روی یکی از تپه های سه گانه طبیعی که حدود ۸ متر از دشت بلند تر بوده و امروزه بنام اکروپل ، آپادانا و شهر شاهی معروف اند ؛ تختگاه ( مصطبه ) پهن و بلندی ساخته شد که بر بالای آن معبدی بر پا شد و به مرور زمان جمعیت بر گرد آن به برپایی خانه و زندگی همت گماشتند و بدین سان اساس یک شهر ریخته شد

در آغاز هزاره سوم پیش از میلاد ( حدود ۴۸۰۰ سال پیش ) نخستین حکومت در این شهر شکل می گیرد که بعدها بنام حکومت ایلام نامیده می شود . این حکومت به مرور زمان گسترده تر شده و سلسله های پادشاهی متعددی بر ایلام فرمانروایی می کرده اند که در نهایت در سال ۶۴۰ پیش از میلاد ( حدود ۲۶۴۲ سال پیش ) توسط آشوریها منقرض می شود .

در این مدت طولانی بجز در سه دوره کوتاه، شوش همواره پایتخت حکومت ایلام بوده است . پس از آن در دوره هخامنشیان و در زمان سلطنت داریوش ( ۵۲۱ پ . م ) شوش به پایتختی انتخاب شد که تا پایان این دوره ادامه داشته است . در دوره هخامنشیان علاوه بر سه تپه یاد شده ، شهر به سمت شرق گسترش یافته و شهر جدیدی ساخته شده ، که به شهر صنعتگران ( پیشه وران ) معروف است .

پس از دوره هخامنشیان هر چند شوش چنین موقعیتی را به دست نیاورد ، ولی در دوره ساسانی یکی از شهر های معتبر بوده و این اعتبار به حدی بود که شوش دارای یک ضرابخانه بوده و سکه نقره ضرب می کرده است . گسترش شهر در دوره های بعد ، کماکان رو به شرق داشت .

در سال ۱۷ هجری شوش به تصرف سپاهیان اسلام درآمد و از قرن چهارم یا پنجم هجری شهر شوش که روزگاری دراز ، مرکز دو امپراتوری نیرومند ایلام و هخامنشی بوده است، رو به ویرانی نهاد که در نهایت همچون بسیاری از شهرهای دیگر خوزستان به مرور خالی از جمعیت شده و به کلی متروک شد .

**قلعه شوش :** در سال ۱۸۹۷ میلادی ژان مارک ژاک دو مورگان که جهت تحقیق و اکتشاف به شوش آمد، دولت فرانسه را متقاعد ساخت تا محلی امن و مناسب برای هیأت باستان شناسی فرانسه در شوش ایجاد نماید.

به همین منظور بلندترین نقطه تپه های شوش یعنی اکروپل برای این منظور انتخاب گردید و قلعه ای با یک طرح قرون وسطایی اروپا بر فراز آن ساخته شد. ساختمان این قلعه که با نظارت حاج مصطفی دزفولی و با مصالح محلی از جمله خشت بنا گردید، تا سال ۱۹۱۲ میلادی به انجام رسید. پلان قلعه دوزنقه شکل است که قاعده کوچک آن در سمت شمال واقع شده است. دور تا دور آن را راهرویی احاطه کرده و ردیف اطاق هایی به سمت حیاط ، بر گرد آن قرار گرفته اند. برج شمال غربی قلعه مربع شکل و برج شمال شرقی، دایره شکل است.

## راهنمای گردشگری عمومی

در قسمت غربی تل آکروپل و تل خاک، رودخانه کوچکی جاری بود که سرچشمه آن در ۳۰ الی ۳۵ کیلومتری شمال شهر شوش قرار داشت. آب این رودخانه که «شائور» نام داشت سخت تند بوده و این رودخانه باقی مانده شهری است که در دوره عیلام حفر شده و پای پل را از طریق شوش و رود کارون مربوط می ساخت.

### تپه آپادانا

وجه تسمیه این نام به علت بقایای قصر معروف آپادانای داریوش در روی تپه است. آپادانا در شمال غربی شهر شوش واقع بوده است.

برروی این تپه طی سال های ۴۷ - ۱۹۴۶ م. تحقیقاتی به عمل آمد که نشان می داد در زمان داریوش اول، تپه اکروپل و تپه آپادانا و تپه شهر پادشاهی در حصار محکمی محصور بوده و روی تپه اکروپل قلعه مستحکمی از زمان هخامنشی برپا بوده است.

بقایای کاخ داریوش اول را از زیر خاک بیرون آوردند «گیرشمن» در آنجا از روی تالار تخت جمشید، که از طرف شمال شرقی با کاخ داریوش مرتبط می شد خاکبرداری نمود و ستون های کاخ را بیرون آورد.

تالار مرکزی سه ایوان ستون دار دارد و در گوشه های شمالی و شرقی دو اطاق کوچک مربع شکل واقع شده است. سقف آپادانا روی شش ردیف و هر ردیف دارای شش ستون از سنگ بوده تکیه داشته. این ستون ها را با مهارت فوق العاده ای بالا برده بودند. ساقه ستون ها شیار دارد و پایه آنها مربع و سرستونشان مرکب از قسمت قدامی دو گاو نر است که در ارتفاع بیست متر از کف تالار قرار داده شده اند.

که از طبیعت تقلید کرده اند و از این جهت از نمونه های آشوری و بابلی دور می شوند و شخصیتی پیدا می کنند. هر ایوان ستون دار شامل دو ردیف شش ستونی بود، و هر پایه ستون از حیث شکل و زینت، با پایه ستون دیگر فرق داشت و به شکل گلدان برگشته بود. مجموع ستون ها به رنگ زرد روشن بود. به طوری که شباهت به مرمر پیدا می کرد و ضمناً این رنگ آمیزی نقائص سنگ های آهنکی را که از کوه های بختیاری به این نقطه حمل شده بودند، می پوشانید.

تمام زینت «آپادانا» و قسمت های دیگر کاخ شوش به وسیله آجرهای لعاب دار انجام گرفته است. فقط ستون ها و پاشنه های دروازه از سنگ ساخته شده است. در ویرانه های کاخ بزرگ شوش حتی یک قطعه سنگ یا نقش برجسته بدست نیامده، جز باقی مانده های یک مجسمه سنگی از داریوش.

در شوش نیز مانند پاسارگاد، تالار «آپادانا» زیر حمایت فرشتگان نیکوکار قرار گرفته بود و نقش بعضی از آنها در میان برگ های خرما و گل های پنج پر قرار داشت. به این نقش ها نقش سربازان جاویدان را اضافه نمودند. می گویند داریوش با این سربازان در لشکرکشی به مصر هنگام پیروزی کمبوجیه بر آن کشور، شرکت داشت. به علاوه این سربازان برای بدست آوردن تاج پادشاهی به او کمک کرده بودند.

قسمت های مهمی از کاخ آپادانا در زمان اردشیر اول (۴۶۱ پ. م) دچار حریق شده که در زمان اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۴ پ. م) بازسازی شد. شهر شوش در حمله اسکندر مقدونی در حدود سال ۳۳۰ پ.م. فتح گردید.

تپه و کاخ آپادانا به شماره ۳۹۸۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

استخوان بندی کاخ داریوش (تالار) از مرمر بوده و این ساختمان از خود کاخ مرتفع تر می باشد؛

کتیبه ای که به سه زبان روی مرمرهای پی کاخ آپادانا در سال ۱۸۵۲ م. توسط «لوفتوس» کشف شد ترجمه کتیبه « می گوید شاه اردشیر، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، شاه این سرزمین، پسر شاه داریوش، پسر شاه اردشیر، پسر خشایارشا، خشایارشا، پسر شاه داریوش، داریوش پسر ویشتاب هخامنشی: این کاخ را داریوش جد بزرگ من بنا کرد، بعدها در زمان اردشیر پدربزرگ من، این کاخ به آتش بسوخت، به یاری هورمزد و آناهیتا و میترا، من امر کردم که این کاخ را بار دیگر بسازند تا اهورامزدا و آناهیتا و میترا، مرا از جمیع بلایا حفظ کنند و مرا و آنچه را که من کرده ام که اشان بدین خشم نگیرند و آن را منهدم نسازند.»

قصر شوش را من ساختم. تزیینات آن از جاهای دور آمده. خاک را کردند تا آنکه به دژ رسیدم. پس از آنکه خاک را کردند و ریگ به قدر کفایت بود، محل را به اندازه چهل ارش و بیست ارش از ریگ پر کردند، و براین ریگ ها قصر ساختم.

پر کردن محل از ریگ و ساختن آجر کار مردم اکد بود. چوب سدر که استفاده شده، آن را از محلی آورده اند، که کوه نامیده می شود (مقصود جبل لبنان است) مردمان ایبرناری (ماوراءفرات) این چوب را از مملکت بابل، کرسا و یون (یونانی های آسیای صغیر) تا شوش آنها را آورده اند. چوب بلوطی که استعمال شده از کشور گندار (افغانستان) آمده ... طلای مصرف شده را مردم سارد و باختر آورده اند. سنگ لاجورد و سنگ «مار» که در قصر به کار رفته از سغد آمده، سنگ آهن را از خوارزم آورده اند. نقره ای که کار شده از کشور مصر آمده است. عاج هایی را که به کار برده اند از حبشه و هند و آراخوزی آمده است. ستون مرمری از شهر «آفردیزیاس» کشور اژه توسط یونانیان و مردم سارد آورده اند.

نام صنعتگران کشورهای که در بنای این قصر کار کرده اند: مادها مبادرت به ... مصریان ... بابلی ها و یونانیان عملیات آجرکاری و تزیینات روکاری کاخ را به اتمام رساندند» داریوش شاه می گوید: هرچه در شوش کرده ام علیه دشمنان من بود. اهورامزدا مرا و خاندان و ملت و کشورم را حفظ کند.

بنابراین آپادانا توسط اردشیر دوم (۴۰۴ تا ۳۵۹ ق.م) تعمیر یا دوباره ساخته شده است.

حریقی که بدست اسکندر در سال ۳۲۳ ق.م. در تالار بزرگ کاخ تخت جمشید که از جهتی شبیه تالار بارگاه کاخ شوش است، ایجاد شد، نتوانست ستون های این تالار بزرگ را واژگون سازد. بنابراین می توان گفت که اردشیر دوم نیز به دلیل ساختن مجدد آپادانا فقط دستور داده است ستون هایی که از بنای جدش داریوش کبیر از طریق آپادانا باقی مانده بود بار دیگر برجا و استوار گردد و بنا را تعمیر کنند.

سندی نیز که خشایارشا ساختمان این قصر را از داریوش دانسته است. «به فضل اهورامزدا داریوش شاه پدر من این جایگاه را ساخت.»

### تپه مرکزی

تپه مرکزی یا شهر پادشاهی که در شرق آپادانا و آکروپول واقع است و شهری را تشکیل می داده و درباریان و منصب داران در آن زندگی می کرده اند، در آخر فصل کاوش ۵۵-۱۹۵۴م. آثار ۹ شهر به دست آمد که بر روی هم قرار داشت و از نظر قدمت از دوران «بابل جدید» شروع شده و به دوران اسلامی پایان می یافت. از مساحت محل



## راهنمای گردشگری عمومی

کاوش که ۶۰۰۰ مترمربع بود، دو طبقه اول از عهد اسلامی، و نخستین آن‌ها متعلق به قرن هشتم یا نهم میلادی و دومین آن‌ها شهری از قرن هشتم یا نهم بود؛ علاوه بر این طبقه سوم متعلق به ابتدای تسلط اعراب تا پایان دوران ساسانی است و سپس به طبقه ای به عرض ۵۰ تا ۸۰ سانتیمتر برخورد نموده اند که در آن هیچ اثری جز خاک پیدا نشد.

طبقه چهارم از عهد ساسانیان بود. و آثار خرابی شهر در زمان شاپور دوم (۳۰۹ - ۳۰۷) در آن دیده می شد طبقه پنجم از زمان اشکانیان است. در نقاط مختلف این طبقه آثار آتش سوزی دیده می شود. تعدادی گلوله های سنگی، که به وسیله دستگاہ های مخصوص به داخل شهر پرتاب گردیده بود در خانه های این طبقه به دست آمده است. چنین به نظر می رسد که شهر در نتیجه یک حمله ویران شده باشد.

در سال ۱۹۴۷ م. در «شهر پادشاهی» یک نقش برجسته به دست آمد، که از جانب اردوان پنجم روی آن مطالبی نوشته شده بود.

این پادشاه در این نقش تاجی بر سر، و لباسی فاخر بر تن دارد و بر روی تختی جلوس کرده و پایه تخت روی دو حیوان افسانه قرار گرفته است. ساتراپ شهر شوش مقابل او ایستاده و از دست اردوان تاجی را می گیرد، که در واقع نشانه قدرتی است که به او تفویض می گردد. کتیبه پهلوی اشکانی که در روی آن است مربوط به حدود ۲۲۱ بعد از میلاد است.

### شهر شاهی و شهر پانزدهم

تپه بزرگ و پهناور شرق اکروپل و آپادانا شهر شاهی نامیده می شود، زیرا بر اساس شواهد موجود، در دوره هخامنشی محل زندگی درباریان بوده است این گود که امروزه به شهر پانزدهم معروف است، پانزده لایه تمدنی شناسایی شد که: لایه های یکم و دوم و سوم مربوط به دوره اسلامی،

لایه چهارم مربوط به دوره ساسانی،

لایه های پنجم و ششم مربوط به دوره اشکانی،

لایه هفتم مربوط به دوره سلوکی و

لایه هشتم مربوط به دوره هخامنشی است؛

از لایه نهم تا پانزدهم به دوره های مختلف ایلامی تعلق دارد که قدیمی ترین آنها لایه پانزدهم یا شهر پانزدهم است که قدمت آن به قرن هجدهم پیش از میلاد می رسد. تپه شهر شاهی به شماره ۳۹۸۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

### شهر صنعتگران و مسجد دوران اسلامی

بخش شرقی و شمال شرقی تپه های شوش که قسمت بزرگی از محوطه باستانی شوش را به خود اختصاص داده است، شهر صنعتگران (پیشه وران) نامیده می شود. سه لایه تمدنی در آن تشخیص داده است. لایه اول: اسلامی، لایه دوم: اشکانی و لایه سوم و زیرین: مربوط به دوره هخامنشی است که وی آنرا یک روستای هخامنشی نامیده است. بر فراز بلندترین بخش شهر صنعتگران بقایای یک مسجد مربوط به قرن دوم یا سوم هجری است. مسجد کهن تری که متعلق به اواخر قرن یکم هجری بود وجود داشت. از آنجایی که مسجد اولیه جوابگوی نیازمندی های زمان نبوده است، ظاهراً مسلمانان شهر، آنرا خراب کرده و بر روی آن مسجد بزرگتر و وسیعتری بنا نموده اند. هر دو مسجد دارای نقشه ای تقریباً یکسان هستند، یعنی یک حیاط مرکزی که از چهار طرف دارای شبستان و رواق های ستوندار بوده اند، می باشند.

### کاخ شاوور

روی یک تپه واقع در ساحل راست (کرانه غربی) رود شاوور، به فاصله ۴۰۰ متری غرب تپه آپادانه، بقایای یک کاخ هخامنشی در این منطقه آشکار شد که به نام کاخ «شائور» موسوم است. کاخ شائور مجموعه ای نسبتاً وسیع با ۲۲۰ متر طول و ۱۵۰ متر عرض است که از یک تالار ستون دار به ابعاد ۳۷/۵×۳۴/۶ متر با ۸×۸ ردیف ستون و قسمت های دیگر تشکیل شده است. پایه ستون های سنگی این تالار ستون دار مشابه پایه ستون های تالار آپادانا می باشد، اما در اندازه های کوچکتر است و بر روی آن ها ستون های چوبی رنگ آمیزی شده قرار می گرفته است. در سه سمت شمالی، شرق و غربی این تالار سه ورودی به چشم می خورد و سمت جنوبی آن دارای دو خروجی است که به قسمت مسکونی کاخ باز می شده اند. در سمت جنوبی کاخ محوطه ای قرار دارد که احتمالاً باغ بوده است و در سمت غربی آن قسمت مسکونی شامل چند اتاق، یک تالار ستون دار کوچک با ۲×۲ ردیف ستون که به ایوان ستونداری با ۲×۴ ردیف ستون باز می شود و چند اتاق جنبی، به چشم می خورد.

دیوارها از خشت خام و روی آن کاهگل و سپس یک ورقه گچ کشیده شده است. احتمال دارد که روی این دیوارها نقاشی هم وجود داشته و بعضی از قطعات گچ رنگ شده، از میان رفته اند. در این کاخ چند تکه نقش برجسته سنگی به دست آمد که نگهبانان نیزه دار و خدمتگذاران پارسی و مادی را در حال حمل ظروف غذا نشان می دهد. قطعاتی از چند کتیبه به دست آمده است؛ این کاخ را هدیش خوانده و ساخت آن را به اردشیر دوم نسبت داده است. احتمالاً وی هنگامی که مشغول بازسازی کاخ اصلی بر روی تپه آپادانا بود، کاخ شائور را برای استقرار موقت خود بنا نهاده است.

### حضرت دانیال (ع) در شوش

حضرت دانیال (ع) از پیامبران بزرگ الهی ملقب به نبی الله است. آن حضرت پسر یوحنا و از نسل حضرت داوود (ع) می باشد. دانیال نبی (ع) یکی از پیامبران بزرگ قوم بنی اسرائیل است. (قرن هفتم پیش از میلاد)

حضرت دانیال بر علوم آن زمان و بخصوص حکمت تسلط داشت. وی هرگز خود را به اغذیه و اشربه قوم یهود آلوده نساخت و مهمترین واقعه ای که سبب نفوذ حضرت دانیال (ع) گردید، تعبیر خواب سلاطین آن زمان بود و به واسطه این تعبیر مقام پیامبری خود را آشکار نمود. وی به همراه عده ای از قوم یهود به ایران مهاجرت نمود و سرانجام در شوش دیده از جهان فرو بست.

با ورود مسلمانان (اسلام) به ایران، آنان از وجود اتاقکی با مَهر و موم حکومتی در شوش آگاهی یافتند. جریان را از مردم پرسیدند و شنیدند که بدن مطهر آن پیامبر الهی در این اتاقک قرار دارد. مورخین نوشته اند: حضرت علی (ع) دستور داد پیکر مقدس دانیال نبی (ع) را طبق دستورات اسلام دفن نمایند.

بارگاه زیبای آن حضرت به صورت چهار طاقی با گنبد مخروطی کثیرالاضلاع ساخته شده و دارای دو مناره با پوشش کاشی است که تاریخ ساخت مناره ها سال ۱۳۳۰ هجری قمری است. بارگاه مقدس دانیال نبی (ع) به شماره ۵۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

### نقش رستم :

یکی از مهمترین و زیباترین آثار باستانی سرزمین همیشه جاوید پارس می باشد که آثار مهمی را از دوران عیلامی، هخامنشی و ساسانی در خود جای داده است. بر سینه این کوه مقبره های بسیار عظیمی بجای مانده که شهریاران هخامنشی در آنجا آرمیده اند. از راست به چپ این قبور منسوب به خشایارشا، داریوش کبیر، اردشیر اول و داریوش دوم می باشد. در آرامگاه داریوش اول، سنگ نوشته های بزرگی به خط میخی وجود دارد که حاوی نیایش و مضامین

نمایی از نقش رستم و مقبره های آن



مذهبی است. داریوش اول، نام کشورها و سرزمین های تابع خود و اندرزه های معنوی فراوانی را در این نوشته ها برشمرده است. این آثار در ۳ کیلومتری تخت جمشید و در کنار جاده جدید شیراز-مرودشت واقع شده است.

در پایین کوه هم آثار بسیار زیبایی از دوران ساسانی حجاری شده که به ترتیب از راست به چپ عبارتند از:  
- نقش اول تاجگذاری نرسی (۲۹۴-۳۰۴ میلادی) که حلقه شهریاری را از آناهیتا، خدای آب دریافت می کند.  
- نقش دوم که زیر آرامگاه داریوش کبیر قرار دارد، مشتمل بر دو نقش است که نشان دهنده پیروزی بهرام دوم (۲۷۳-۲۹۴ میلادی) بر دشمن خویش می باشد.

- نقش سوم که زیباترین، مجلل ترین و پرافتخارترین نقش دوران ساسانی است، نشانگر شکوه و بزرگی شاپور اول (۲۳۹-۲۷۰ میلادی) شاه ایران می باشد که والرین امپراتور روم در مقابل او زانوی تسلیم بر زمین زده است.

- نقش چهارم نشانگر پیروزی هرمز دوم (۳۰۲-۳۰۹ میلادی) بر دشمن خویش است. در بالای این نقش آثار حجاری دیگری دیده می شود.

- نقش پنجم احتمالاً تصویر شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) می باشد.

## راهنمای گردشگری عمومی

- نقش ششم که مربوط به زمان عیلامیان (۷۰۰ قبل از میلاد) است و نقش بهرام دوم (۲۷۴-۲۹۴ میلادی) همراه با خاصان و نزدیکان بر روی نقش عیلامی حجاری شده است. در هر دو طرف نقش بهرام هنوز آثاری از نقوش عیلامی دیده می شود.

از دیگر آثار موجود در نقش رستم، بنای سنگی موزون و استواری است که کعبه زرتشت نامیده می شود و از مهمترین آثار منحصر به فرد عهد هخامنشی به شمار می آید. درباره این بنا نظریات مختلفی وجود دارد. در نقش رستم آثار دیگری همچون چاه آب و دو آتشدان سنگی مربوط به عصر ساسانیان به چشم می خورد.

### اولین نقش



تاجگذاری نرسی  
؛ نقش رستم

این فضای خالی بزرگ حجاری نشده ای که به چشم می خورد، شاید به منظور حجاری حوادث تاریخی اواخر دوران ساسانی تهیه گردیده بوده، اما فرصت اتمام آن به دست نیامده است. طول این مجلس ۱۰ متر و ارتفاع آن ۵ متر می باشد و حدود ۲ متر از سطح زمین در مرکز این قسمت حجاری نشده کتیبه بیست سطری به زبان فارسی حک گردیده است که بسیار جدید می

باشد و وقف نامه ای مربوط به "محمد رفیعخان، ابن الخان العظیم" است. لازم به ذکر است که این کتیبه در بسیاری از مراجع و حتی تابلو راهنمای کنار اثر به عنوان "تقسیم آب مصرفی برای زمین های مزروعی کنار نقش رستم" ذکر شده است.

تاجگذاری نرسی (۲۹۴-۳۰۴ میلادی)



مجلس خالی و کتیبه جدید به  
زبان فارسی

نرسی پسر شاپور اول و فرمانروای ارمنستان در سال ۲۹۴ میلادی بر بهرام سوم، پسر بهرام دوم و نوه بهرام اول (یعنی پسر برادرزاده خود) شورید و تاج و تخت ایران را به دست آورد. این نقشِ صخره ای بسیار مشهور، تاجگذاری نرسی را نشان می دهد. حلقه دیهیم دار شاهی میان او و نقش زنی تاجدار قرار دارد و مانند آن است که نرسی آنرا از دست بانو می گیرد. بانوی مذکور در سمت راست ایستاده است، موهای مجعدش در بالای تاج کنگره داری آراسته گشته و لباس بلند و آویزانش با کمربندی بسته شده و با دکمه ای روی سینه اش و زیر گردنبدنی گوهرنشان استوار گردیده است.

### دومین نقش



پیروزی بهرام بر  
دشمنان؛ نقش رستم

پیروزی بهرام دوم (۲۷۴-۲۹۴ میلادی) را بر دو دشمن خویش نشان می دهد. این نقش در دو صحنه یکی بالای دیگری که به وسیله خط باریکی از هم جدا گشته اند، حجاری شده است. بهرام سوار بر اسب چهارنعل به سوی دشمنی سواره می تازد و نیزه بلند خود را چنان بر او زده که نیزه دشمن شکسته شده است. در پشت سر بهرام، سواری آراسته درفشی را به دست

## راهنمای گردشگری عمومی

گرفته است که میله ای افقی مزین به سه گوی بر فراز آن است و دو طره پارچه ای از آن آویخته است. شاید این همان درفشی باشد که آمیانوس مورخ رومی می گوید ساسانیان به هنگام حمله بر می افراشتند و رنگ آن سرخ همچون شعله آتش بوده است.

از زیبایی های این نقش یکی روکش پارچه ای منگوله دار اسب است و دهانه و لگام آراسته آن و دیگری تیردان بلندی که بر ران راست پادشاه آویخته شده. در این صحنه نقش یک سرباز رومی را هم حجاری کرده اند که بر زمین افتاده و زیر اسب بهرام لگد کوب شده است.

### سومین نقش

پیروزی شاپور اول (۲۳۹-۲۷۰ میلادی) بر والرین امپراتور روم را نشان می دهد. در زمان شاپور اول، سه پادشاه رومی به ایران حمله ور شدند. یکی "گردیانوس" جوان بود که در ۲۴۲ میلادی کشته شد. دیگری "فیلیپ عرب" بود که در برابر شاپور ناچار به عجز شد و قبول کرد که باج سالیانه بپردازد و سوم "والرین" بود که در ۲۶۲ میلادی با هفتاد هزار سرباز و امیر و سناتور رومی به دست ایرانیان اسیر گشت. شاپور پیروزی خود را بر دیوار کعبه زرتشت در نقش رستم توصیف نمود. شاپور در این کتیبه می گوید:



"والرین با سپاهی که مشتمل بر ۲۹ گروه اروپایی بود (وی یکی یکی نام آنها را می برد) و به هفتاد هزار نفر بالغ می شد به جنگ ما آمد. در اطراف الرها و ادسا جنگ بزرگی بین ما و امپراتور والرین در گرفت. ما امپراتور والرین را با دست های خویش به اسارت گرفتیم و همگی آنها را به ایالات ایران انتقال دادیم."

### پیروزی شاپور اول بر والرین؛ نقش رستم

این صحنه پیروزی شاپور از زیباترین نقش برجسته های تاریخی نقش رستم است و از حادثه ای حکایت دارد که مایه سرافرازی ایرانیان می باشد. شاپور با تاج کنگره ای و جامه آراسته سوار بر اسب رو به سمت چپ نقش شده است و در پیش او فیلیپ عرب امپراتور باجگذار رومی زانو زده است (این امپراتور بر خلاف تصور والرین نیست). پادشاه یک دست خویش را به طرف او دراز کرده تا نشان قبول باجگذاری او باشد. فیلیپ تاج رومی بر سر دارد و بالاپوش او بر روی دوشش به اهتزاز درآمده، چنانکه گفتی با شتاب دویده است تا پیش شاه ایران به زانو درآید. وی هر دو دست خویش را به حالت بخشش به جلو دراز کرده است. بزرگی و عظمت پادشاه از لباسش، زینت آلات او (گردنبند، دستبند و تاج) و طرز آرایش موهای چین دار و بر شانه افتاده اش و نیز دهنه و زین و لگام اسب مغرورش، همه نشانی از عظمت دارد.

کنار شاپور، امپراتور رومی دیگری ایستاده است که شاپور مچ او را به نشانه اسیر گرفتنش به دست دارد و این امپراتور اسیر، والرین می باشد. چنین به نظر می رسد که افراد این نقش کاملاً زنده می باشند و این امر مهارت و استادی هنرمندان دوره ساسانی را تأیید می نماید. در پشت سر اسب شاه، تصویر موبد بزرگ "کرتیر" دیده می شود که کلاه بیضی شکل مزین به نشان قیچی به سر دارد و انگشت سبابه دست راست خویش را به نشانه احترام به سوی

## راهنمای گردشگری عمومی

شاپور دراز کرده است و گردن بند مرواریدی آراسته شده به گردن دارد و بالا پوشش با سنجاقی در جلو سینه نقش شده است.

### چهارمین نقش

در زیر مقبره اردشیر اول، یک مجلس حجاری با دو نقش دیده می شود. نقش بالایی به آذر نرسه یا شاپور ذوالاکتاف می باشد (۳۱۰-۳۷۹ میلادی). این نقش تقریباً به طور کامل از بین رفته است. نقش پایین متعلق به هرمز دوم می باشد (۳۰۲-۳۱۰ میلادی).

هرمز دوم نوه شاپور اول ساسانی است. این نقش صحنه پیروزی هرمز را بر دشمن او نشان می دهد. پادشاه چهارنعل بر دشمن تاخته و اسب دشمن را سرنگون کرده است. دشمن رومی دارای ریشی است که پایین آنرا بریده اند و کلاه خودش مانند خودهای رومی آرایشی تاج مانند دارد.

### پیروزی هرمز دوم بر امپراطور رومی؛ نقش رستم



تیردان بلندی در کنار پای راست پادشاه دیده می شود. اسب پادشاه به نحو جالبی با زینت آلات پشمی و منگوله بر روی ران اسب، تزئین یافته است. دم اسب به شکل گوئی گره خورده و اسب با افسار و یراق تزئین شده است. در پشت سر پادشاه پرچمدان دیده می شود.

### پنجمین نقش

### نقش شاپور دوم؛ نقش رستم



در زیر مقبره داریوش دوم و بر روی کعبه زرتشت، نقش حجاری شده ای مربوط به دوران ساسانی نظر بینندگان را به خود جلب می نماید. طول این نقش ۷/۶ و بلندای آن ۳ متر است. در این نقش یک سوار تاج دار، نیزه خود را بر گردن دشمن فرو کرده است. تاریخ و شخصیت این پادشاه فاتیح مشخص نیست ولی به عقیده برخی از دانشمندان این نقش متعلق به شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) می باشد، با این قرینه که تاج او شبیه تاج شاپور بر روی سکه های اوست تأیید می شود. نیزه دشمن شکسته شده و اسب او از پشت به زمین نشسته است.

### ششمین نقش

نقش بهرام دوم و خانواده اش که روی یک حجاری قدیمی عیلامی کنده شده است. این قسمت از کوه، نقشی از اوایل هزاره اول قبل از میلاد و متعلق به فرمانروایان عیلامی داشته است که بعدها با ایجاد نقش بهرام دوم صدمه شدیدی دیده اما از این نقش هنوز دو قسمت مانده است: یکی در سمت راست که مردی را با لباس بلند و کلاه لبه تیز نشان می دهد و دیگری در سمت چپ



که الهه ای را بر تختی از مار می نماید. نمونه کامل این نوع حجاری ها در کورانگون ممسنی به جای مانده است و از روی نمونه های باقی مانده به خوبی می توان شکل اصلی این نقش از میان رفته را باز شناخت.

بهرام دوم ساسانی (۲۷۴-۲۹۴ میلادی) قسمتی از نقش عیلامی را محو نمود و برجای آن مجلسی حجاری کرد که خودش را ایستاده و در میان یاران و افراد خانواده اش نشان می دهد. تاج پادشاه مزین به نقش عقاب است که پرنده مخصوص ایزد بهرام، ایزد پیروزی بوده است. پادشاه جامه ای بسیار آراسته دارد و دسته شمشیر بلندی را به نشانه قدرت با دو دست گرفته است.

### مخزن آب

این چاه آب و یا مخزن آب به شکل یک پنج ضلعی نامنظم در پای کوه کنده شده است که بلندترین ضلعش ۷۲۰ سانتیمتر و بقیه اضلاعش ۵۵۰ سانتیمتر طول دارد. شاید به علت قداست منطقه به خصوص در دوران ساسانی، برای بازدیدکنندگانی که به زیارت آثار می آمدند و یا برای اسبان آنها مخزن آبی لازم می بوده است.



کعبه زرتشت، نقش رستم

**کعبه زرتشت** این ساختمان بسیار زیبا و مکعب شکل روبروی کوهستان که نظر بینندگان را به خود جلب می نماید در این دو قرن اخیر به نام "کعبه زرتشت" نامیده شده است؛ زیرا خیال کرده اند که با آیین زرتشت پیامبر ایران باستان رابطه داشته است. مهارت و دقتی که در برش و حجاری سنگ های حجیم سفید و مشکی این بنا به کار رفته است، استادی هنرمندان و سبک معماری دوران هخامنشی را به خوبی می نماید. این بنا توسط مهاجمین ناآگاه به سختی آسیب دیده ولی در عین حال به عنوان یکی از مهمترین آثار تاریخی ایران مورد توجه می باشد. قسمت زیرین بنا توپر ساخته شده اما در بالای ساختمان اطاقی به اندازه

۲/۵×۲/۵ متر وجود دارد که کاربرد آن مایه بحث بسیار شده است. عده ای آنرا آتشکده می دانند که محل آن و بی نفوذ بودنش این فرضیه را تا حد زیادی مردود می سازد. گروهی آنرا محل نگهداری اسناد و یا حتی جای نگهداری جسد شاهان می دانند که پیش از ساختن آرامگاهشان آنجا به امانت گذاشته می شدند. اما پلکان سخت این بنا و محل تنگ آن هم این فرضیه را تا حد زیادی مردود می کند. بهترین تعبیر آن است که این بنا را برای آرامگاه ساخته بودند، ولی بعد که داریوش بزرگ نوع آرامگاه شاهی را از بنای ساختمانی به مقبره درون کوه درآورده شده تغییر داد، این بنا را هم برای کار دیگری گذارده بوده اند. یک پلکان سی پله ای برای این ساختمان ساخته بوده اند که قسمت فوقانی آن توسط عده ای ناآگاه در طول تاریخ نابود گردیده است.

کتیبه طولانی که در اطراف دیوار پایینی این بنا نقش شده است یکی از شاپور اول ساسانی است که به سه زبان پهلوی ساسانی (پارسی میانه)، پهلوی اشکانی و یونانی حک گردیده است و موضوع اصلی آن شرح حوادث تاریخی دوران شاپور اول به خصوص جنگ ایران و روم است که در آن جنگ، سه امپراتور رومی به نام های "گردیانوس"، "فیلیپ عرب" و "والرین" به سختی شکست خوردند و این آخری پس از اسارت در بیشاپور زندانی گشت (۲۶۲ میلادی).

کتیبه دیگر در زیر کتیبه اول است که به زبان پهلوی اشکانی و در ۱۹ سطر و به دستور "کرتیر" موبد موبدان نقش شده است. "کرتیر" ضمن معرفی خود و القابش به شرح خدماتی که در راه دین زرتشت انجام داده می پردازد و از رسیدنش به جایگاه موبد بزرگ و دادور (قاضی) تمام کشور و سرپرستی معبد آناهیتا، سخن می راند.

### آثار سلوکیان

#### ۱- آتشکده یا میل خورده محلات



تنها آثار بجا مانده از قصر یا پرستشگاه خورده، ستونهای باریک و سکوه‌های سنگی است. معبد دارای طرح یونانی بوده و دارای ستونهایی می باشد که از حد تناسب کلاسیک میان ارتفاع و قطر تجاوز می کند. ته این ستونها بالشتکهایی قرار گرفته که به شیوه هخامنشی ساخته شده اند. در ساخت سرستونها نیز از سبک ایونی تقلید شده است.

یادمان مذکور بر روی تپه خورده، نزدیک محلات قرار گرفته است. طی بررسی های سال ۱۳۷۵ خورشیدی آثار و عناصر سه دوره از زیر خاک بدست آمده است :

الف- پیش از آغاز نگارش

ب- دوره سلوکی یا اشکانی که قسمت اعظم لایه ساخت و معماری بنا را تشکیل میدهد.

ج- گورستان اسلامی روی تپه

این بنا، به ثبت ۱۳۱ آثار ملی و تاریخی رسیده است.

۲- از سلوکیان آثار مهمی دیگری بر جای مانده است، بنابر روایات، شهر سلوکیه در کنار دجله پایتخت سلوکیان بوده است. عده ای دیگر میل اژدها در نور آباد ممسنی فارس را از آثار این دوران بر شمرده اند.

۳- در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ کارگرانی که برای احداث راه جدید در دامنه کوه بیستون کار می کردند، ضمن کار، مجسمه نسبتاً بزرگی را که قسمتی از شانه اش از زیر خاک نمایان بود، پیدا کردند. این مجسمه مرد نیرومند عریانی را با مو و ریش مجعد در حالتی که بر روی پوست شیری استراحت می کرده است را نشان می دهد. در پشت این مجسمه کتیبه ای است که به زبان یونانی قدیم حک شده است .

### هنر معماری اشکانیان

پارتها در زمینه هنر، ابتکارات بدیعی داشتند و در معماری دو عنصر نوظهور را افزودند.

(۱) احداث گنبد بر روی بناهای مربع شکل از طریق فیلیوشها و دیگر توسعه ساختمان ایوان بود.

(۲) "ایوان" - ایوان اتاق راستگوشه ای است با طاق بشکه ای که در قسمت پشت بسته بود و در جلو که معمولاً رو به بیرون یا محیط حیاط قرار دارد کاملاً باز است.



## راهنمای گردشگری عمومی

از مشخصه های معماری اشکانیان:

- ۱- حداکثر استفاده از مصالح بوم آورد
  - ۲- استفاده از تکنیک پیشرفته تاق و گنبد
  - ۳- تنوع فوق العاده در طرحها
  - ۴- استفاده از ملات ساروج
  - ۵- پرهیز نکردن از شکوه و ارتفاع
- شهرهای عصر سلوکی به شیوه شطرنجی ساخته می شد، یعنی مربع بود و خیابانهای آن یکدیگر را قطع می کردند. در دوره اشکانی ساخت شهرهای دایره وار رواج یافت، یعنی شهرهایی که به شکل دایره بود و گرداگرد آنها را دیواری از خشت فرا گرفته بود.
- شهرهای زمان اشکانیان عموماً شامل این قسمتها بود:
- محل سکونت حاکم: در وسط شهر و به شکل یک قلعه
  - خانه های بزرگان و اشراف
  - خانه های سایر طبقات مردم چون کشاورزان، پیشه وران و صنعتگران.

### مهمترین آثار باستانی و میراث فرهنگی این دوران:

- ۱- قدیمی ترین محل سکونت پارتها که تاکنون یافت شده، در نسا یا پاریسا است که فاصله چندانی با عشق آباد امروزی ندارد.
- نسا شهری است که روی تپه ای کوچک بنا شده بود. از شهر نسا فقط یک ارگ باقی مانده است، این ارگ بر طبق لوح گلی که در آن پیدا شده، توسط مهرداد اول ساخته شده است. دیوارهای آن ۲۰ تا ۲۵ متر ارتفاع و ۵ متر ضخامت داشته و با استفاده از گل ساخته شده بود و نمای آنرا آجر می پوشاند.
- ورود به ارگ از طریق پاگردهایی که در پی دیوارهای گرد شهر قرار داشت، صورت می گرفت و هر لشکری که قصد حمله به ارگ را داشت مجبور بود از طرف پلکان صعود کند و زیر آتش مداوم قرار می گرفت.
- ۲- **صد دروازه دامغان:** بقایای آثار معماری پارتی که بعنوان مقبره مورد استفاده قرار می دادند، در شهر دامغان یافت شده. جان هافمن، این محل را شهر گمشده سلوکی به پارتی، نامیده که پارتها آنرا در ربع آخر قرن سوم ق.م. بصورت یکی از پایتخت های خود در آورده اند. بعلت موقعیت شهر، دامغان احتمالاً یک پایتخت کوهستانی برای پادشاهان اشکانی بوده است. شاید پارتها در ادامه متصرفات خود آن مکان را انتخاب کرده باشند. اشکانیان در قرن نخست ق.م. این شهر را ترک کرده و رو به سوی تیسفون نهاده اند.

### ۳- معبد آناهیتا

یکی از مهمترین و ارزنده ترین آثار سنگی این دوران مجموعه بناهای معروف به معبد آناهیتا در کنگاور، در ۸۰ کیلومتری



کرمانشاه است. معبد ناهید با توسل به الهه آبها در زمان اردشیر دوم هخامنشی بنیاد نهاد شده تا برای تقویت این الهه در ثلاثه یزدان (میترا- آناهیتا- مزدا) دخالت شده و با انجام نیایش در پرستشگاهها موجبات خشنودی وی و فراوانی آب فراهم شود.

این مکان مذهبی که در عهد هخامنشیان پی ریزی شده، بر صخره ای شکل گرفت که با لاشه سنگهای بزرگ و کوچک، سه صفه چهار گوش یا سه طبقه در آن بوجود آمد. طرح کلی آن مانند معابد اورارتویی و مقبره کوروش است که در بالاترین سطح، مراسم آتش در هوای آزاد انجام می گرفته است.

مورخ یونانی ایزیدورخاراکسی در سده اول میلادی از معبدی که به یونانی، "آرتمیس" و به رومی، "دیانا"، به عنوان الهه شکار و آب و فراوانی است، در کنگبار یاد کرده است.

با کشف سکه های اشکانی در اطراف معبد، معلوم شد که اشکانیان مصالحی از قبیل حجاریها بر آن افزوده اند و سعی در تکمیل کردن این بنا داشته اند. مهر و علایم آرامی در بدنه سنگها نیز رد پای اشکانیان است.

در دوره ساسانیان از این بنای مقدس برای انجام مراسم آتش استفاده می شده است. بناهای این مجموعه بجز امامزاده واقع بر روی صفه که از دوران اسلامی است و از آجر بنا گردیده، کلاً از سنگهای تراشیده شده بزرگ است که بدون ملات بر روی هم استوار شده است. ستونهای سنگی معبد آناهیتا بر خلاف ستونهای تخت جمشید ضمانت بسیار داشته و از ارتفاع کمتری بر خوردار بوده است .

#### ۴- کاخ هترا

در طول تاریخ این سرزمین کهن، مرزهای سیاسی و فرهنگی بارها تغییر شکل داده اند، به دفعات پیشروی کرده و یا پس نشسته اند و در هر عقب نشینی بخشی از آثار و میراث ایران را در سرزمین های دور به یادگار گذاشته اند. هترا نیز از جمله همین میراث ایرانی است که اکنون کیلومترها دورتر از مرزهای سیاسی امروز ایران، داخل خاک عراق واقع شده است.

شهر هترا که در معماری و فرهنگ آن آمیزه ای از سه تمدن ایرانی، یونانی و رومی به چشم می خورد، مهم ترین محوطه باستانی به جا مانده از دوران اشکانیان است. اهمیت هترا وقتی آشکارتر می شود که بدانیم هیچ بنا یا محوطه ای با این درجه از اهمیت از دوران اشکانیان در داخل مرزهای ایران باقی نمانده است .

این شهر باستانی در مرکز استپهای خشک شمال الجزیره، واقع در منطقه بین رودهای دجله و فرات، واقع شده است. با توجه به معیارهای امروز، هترا در ۲۹۰ کیلومتری شمال غرب بغداد و ۱۰۵ کیلومتری جنوب غرب موصل قرار گرفته است، اما در دوران باستان این شهر در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال غرب پایتخت آشور باستان واقع شده بود .

هترا از اوایل قرن اول میلادی قلمرو حکمرانی یک سلسله محلی بوده است. موقعیت جغرافیایی این محل که در مرز بین امپراتوری اشکانی و روم و در مسیر مهم کاروانهایی که از سمت شرق به سوی سوریه، پترا ( در اردن)، بعلبک (در لبنان) و آسیای صغیر می رفتند و همچنین اتصال این شهر به شبکه راه های روم، سلسله حاکم بر این شهر و البته خود این شهر را قدرتمند ساخته و موجب شده بود که روز به روز بر قدرت این شهر و حاکمانش افزوده شود .

## راهنمای گردشگری عمومی

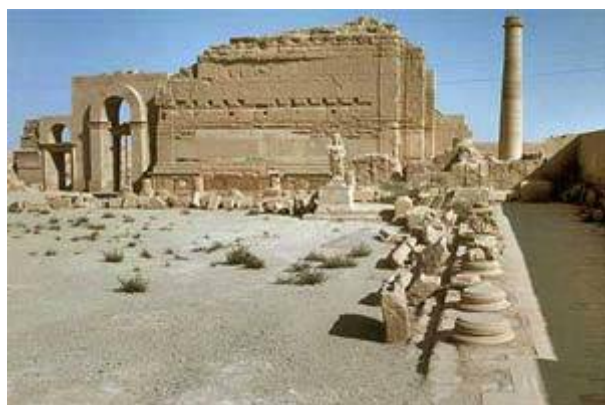
در نتیجه این تحولات هترا که در ابتدا یکی از هجده ایالت امپراتوری اشکانی بود تبدیل به قلمرو کوچک و نسبتاً مستقلی می‌شود که از شهر هترا و محیط پیرامونش تشکیل شده بوده است. در دوران اشکانیان که ایران به صورت ملوک الطوائفی اداره می‌شد، حکمرانان این شهر شاه خوانده می‌شدند و در سلسله مراتب پایین‌تر از شاه اشکانی که شاه شاهان خوانده می‌شد، جای می‌گرفتند.

شواهد باستان‌شناسی و ترجمه متن کتیبه‌های موجود در این شهر نشان می‌دهند که هترا در قرن دوم میلادی رونق گرفته و در همان دوران به میزان چشمگیری بر وسعت‌اش افزوده شده است. بر اساس همین شواهد، دوران رونق هترا بسیار کوتاه بوده و تنها اندکی بعد با سقوط این شهر و تصرف آن به دست ساسانیان، هترا برای همیشه خالی از سکنه مانده است.

وجود این شهر در گزارش‌های باستانی مانند گزارش آمیانوس مارسلینوس، تاریخ نگار رومی ذکر شده است. این مورخ که در سال ۳۶۳ میلادی از بقایای این شهر دیدن کرده است می‌نویسد «هترا از مدت‌ها پیش ویران و متروک مانده است. این شهر دارای دیواری گرد و مدور و ضخیم است و بواسطه برج و باروهایی که در فواصل معینی بنا شده‌اند استحکام می‌یافته است و با خندقی عمیق و پهن که شهر را در احاطه دارد محافظت می‌شده است. محیط شهر متجاوز از سه میل است و در وسط آن آثار کاخ سلطنتی دیده می‌شود». یاقوت حموی، جغرافی‌دان مسلمان نیز که بین سال‌های ۵۷۵ تا ۶۲۶ هجری قمری می‌زیسته بقایای این شهر را دیده و گزارش‌های جالب توجهی درباره آن نوشته است.

خرابه‌ها و بقایای شهر مذکور توسط جهانگردان اروپایی قرن نوزدهم و مشخصاً ابتدا توسط جی راس در سال ۱۸۳۶ و یا ۱۸۳۷ کشف شد.

اولین بررسی‌های دقیق و علمی و ثبت اطلاعات مربوط به این محوطه باستانی توسط والتر آندریا، بین سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ انجام شد. او از اعضای تیم باستان‌شناسان آلمانی بود که در بقایای آشور که در همان حوالی قرار داشت، مشغول حفاری بودند.



نخستین و تنها حفاری‌های سازمان دهی شده در این محوطه از سال ۱۹۵۵ به بعد توسط مقامات دولتی عراق صورت گرفتند که آن هم بیشتر روی قسمت معبد بزرگ هترا متمرکز بود. در حفاری‌های بعدی این محوطه که بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ انجام شد باستان‌شناسان موفق شدند قسمت‌های زیادی از این شهر باستانی را از زیر خاک بیرون بیاورند که برای مثال می‌توان به دوازده معبد جدید، مکان‌های زیارتی کوچک‌تر، دروازه شمالی شهر و چندین مقبره اشاره کرد.

نام این شهر آن طور که در متون کتیبه‌های هترایی آمده است در زبان آرامی به صورت «هتر» یا «هاترا» است که به نظر می‌رسد بیشتر به معنای محیط بسته، حصار و یا پرچین باشد و نشانگر این مطلب است که این شهر در واقع محلی محصور و حفاظت شده بوده است.

علی‌رغم این که برخی از محققان معتقدند سکونت و تمدن در این ناحیه از دوران آشوری‌ها و یا نهایتاً از دوران هخامنشیان آغاز شده است، اما تا کنون هیچ مدرکی دال بر وجود شهر هترا پیش از دوران اشکانی به دست نیامده است و چنین ادعاهایی همگی مبتنی بر فرضیات هستند.

### ۵- آثار کوه خواجه

کاخ شاهی در کوه خواجه، در جزیره ای میان دریاچه هامون سیستان واقع شده است. این کاخ با خشت بنا شده و ایوانهایی در اطراف حیاط مرکزی قرار داده شده که این سبک بعدها در دوران اسلامی در همه مدرسه‌های سنتی، کاروانسراها و مساجد بکار گرفته شده اند. اگر از بخش شمالی کاخ که تالاری پر تزئین از نقاشیهای دیواری بوده، بگذریم به سکویی می‌رسیم که بر حد آن آتشگاه قرار داشته که مهمترین قسمت ساختمان، همین آتشگاه بوده است. در دوران اشکانی نقاشی آبرنگ بر روی گچ در آثار کوه خواجه مشاهده شده که بعضی از مشخصات و ویژگیهای هنری یونانی در آن دخالت داشته است.

۴- در بیستون سر راه کرمانشاه آثاری از نقش برجسته‌های اشکانی مشاهده می‌شود.

۵- در پایکولی در سر راه خاک عراق نیز آثار نقش برجسته‌ها و کتیبه پارتی مشاهده می‌شود.

### خط و زبان

در آغاز، خط یونانی در دربار اشکانیان بکار می‌رفت و پادشاهان اشکانی خود را (فیلهلن) یا دوستدار یونان می‌نامیدند و حتی تئاترهای یونانی می‌دیدند و سکه را به تقلید از آنها می‌زدند و خط یونانی بر آن ضرب می‌کردند. به تدریج حس و گرایش ایران خواهی غلبه کرد و خط جدیدی از خط آرامی منشعب شد که بنام خط پهلوی اشکانی معروف است. واژه پهلوی و پهلوان در زبان فارسی از واژه پرثوه ریشه گرفته است. از مکتوبات این دروان سه نسخه نوشته است که در اورامان کردستان پیدا شد. دو نسخه از آن به خط یونانی و سومی به زبان پهلوی و خط آرامی است که هر سه روی پوست آهو نوشته شده است. منظومه بز و درخت آسوریک.

### اوستا و مذهب اشکانیان

از مذهب اشکانیان در آغاز دوره امپراطوری اطلاع صحیح در دست نیست، ولی احتمالاً اشکانیان بعضی از عناصر مذهب آریایی قدیم و خدایان مهر و ناهید را ستایش می‌کرده اند و در عین حال به خدایان و مذهب یونان نیز گرایشی داشته اند. در این دوران گرایش به پرستش اهورامزدا وجود داشته، با این تفاوت که بر خلاف مذهب زرتشت، ساختن مجسمه یا صورت هرمز در دوران اشکانیان رواج داشت.

همچنین اجداد پرستی بعد از اشک اول که او را به عنوان مؤسس سلسله اشکانی مقدس می‌دانستند، وجود داشت؛ بطوریکه گفته شد بلاش اول را به عنوان گرد آورنده اوستا یاد کرده اند، که البته چندان سندیت و قطعیت ندارد.

اوستا واژه ای ایرانی از ریشه "وید" به معنی دانستن است. بدین ترتیب همه محققان این واژه را با کلمه "ودا"، کتاب مقدس هندیها، به زبان سانسکریت، هم ریشه می دانند.

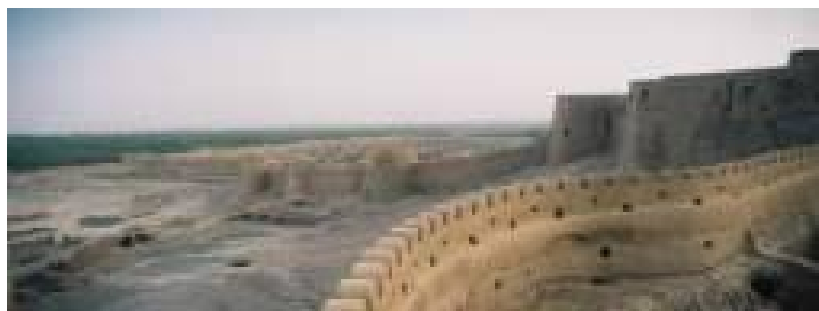
کتاب اوستای کنونی از ۵ قسمت تشکیل شده است که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- **یسناها:** که بخش قدیمتر آن به نام گات (سروده های منسوب به شخص خود زرتشت است) می باشد.
- ۲- **یشتها:** که به معنای ستایش و نیایش است و در واقع بزرگترین بخش اوستا را تشکیل می دهد و مهمترین قسمتهای آن عبارتند از: مهر یشت - آناهیتا یشت - هومن یشت (بهمن) و غیره.
- ۳- **ویسپرد:** به معنای همه بزرگان یا دانشمندان.
- ۴- **وندیداد:** که به معنای قانون ضد دیو است. این بخش علاوه بر نام بردن از ۱۶ سرزمین آریایی نژادان، قوانین و حقوق زرتشتیان را شامل می شود.
- ۵- **خدتک اوستا:** (خرده اوستا): که شامل بخشهای متفرقه و پراکنده می شود. در روزگار ساسانیان اوستا مشتمل بر ۲۱ نَسک یا کتاب بود که امروزه تنها بخش کوچکی از آن بر جای مانده است.

### پیشینه تاریخی ارگ بم (برای مطالعه)

ارگ بم نمونه کاملی از شیوه های معماری ایران است و نمونه هایی از قرنهای معماری در آن به چشم می خورد. ارگ بم که بزرگترین مجموعه خشتی جهان است، به شکل قلعه های پرشکوه، برفراز تپه ای به ارتفاع ۶۱ متر، چونان تاجی مرصع، بر سر بناهای تاریخی ایران، درخششی جاودانه دارد. پیرامون ارگ بم، حکایتیهای تاریخی که گاه به جرگه افسانه می گراید، فراوان است ولی سعی بر این است که مستندترین موضوعات باستان شناسی با مدد از تاریخ و معماری، در معرفی هرچه بهتر این بنای بزرگ دخالت داشته باشد.

سابقه تاریخی ارگ بم به موجب نوشته های تاریخی، از جمله حدودالعالم و تاریخ وزیری، به دو هزار سال پیش می رسد. شواهد زیادی از جمله وضعیت پلان مرکزی و تعدادی خشت موجود در خانه حاکم و خانه رئیس سربازخانه، ادعای فوق را به اثبات می رساند. در کل، از مجموع نوشته های دوران اسلامی و بررسی های مقدماتی معماری و باستان شناسی، می توان نتیجه گرفت که ارگ، قبل از حکومت ساسانی و احتمالاً در دوره اشکانی ایجاد شده و چند حصار و دروازه در اطراف آن وجود داشته است. احتمال می رود ساکنین قلعه بم، معاش خود را از راه کشاورزی و پارچه بافی می گذرانیده اند. پژوهش در امر نحوه زندگی و تاریخ ارگ، احتیاج به یک سری کاوشهای منظم باستانشناسی دارد؛ ولی آنچه مسلم است، این است که سابقه تاریخی ارگ، به قبل از اسلام می رسد و در طول تاریخ، ارگ بارها مورد یورش قرار گرفته و بازسازی شده است.



ارگ بم با این سابقه طولانی تا حدود ۱۸۰ سال پیش از این، محل سکونت عده ای از اهالی بم بوده و بعد از ترک و نقل مکان مردم، به

دست فراموشی سپرده شده است. در این مدت که بیش از ۱۵۰ سال به طول انجامیده، خرابی های جبران ناپذیری توسط عوامل انسانی و عوامل طبیعی بر پیکره ساختمان ها وارد آمده است. مجموعه ارگ بم، شامل شهر قدیم و قلعه، قریب به ۲۰ هکتار (طول ضلع غربی ارگ ۵۲۰ و عرض آن ۴۳۰ متر می باشد) وسعت دارد و مسافت ارگ و قلعه، قریب ۶ هکتار است.

سه سمت قلعه را باغ و خانه های مسکونی و زمینهای کشاورزی محصور نموده و ضلع شمالی در امتداد رودخانه، پشت رود قرار گرفته است. این شهر قدیمی از چهار قسمت تشکیل شده و به طور کلی شامل خندق گرداگرد حصار، برجهای دیده بانی، مدخل قدیمی، کوچه ها و خانه ها می باشد. از سمت شمال شرقی یک حصار و از طرف جنوب، چهار حصار قلعه را در بر می گیرد. (دورتادور قلعه خندقی ژرف وجود دارد که آنرا از یورشها مصون می داشته است.) در مجموع ۳۸ برج دیده بانی در فواصل معین روی باروها قرار گرفته و آخرین بارو را خندقی عمیق از اطراف جدا می نموده است. بدون شک ایجاد قلعه ارگ بم، بر بلندای تپه ای سنگی، باید دارای موقعیت سوق الجیشی مهمی باشد. در میان این شهر عمارت یا قلعه حاکم نشین بر روی صخره ای طبیعی بنا شده است. عمارت دارای پنج طبقه است که از خشت خام ساخته شده است. واحدهای شناخته شده گوناگون این بنا به ترتیب عبارتند از: ورودی و محله عام نشین، دروازه دوم و اصطبل، دوازه سوم، سربازخانه و تشکیلات مربوط به آن، ساختمان مرکزی یا حاکم نشین. واحدهای شناخته شده در عامه نشین عبارتند از: راهرو اصلی (بازار)، مسجد جامع، نمازخانه، حسینیه، کاروانسرا، آب انبار، میدان مدرسه، سابات جهودها، حمام و زورخانه و تعدادی خانه های قدیمی. در محله عام نشین، خانه های عمومی، کنار کوه، روی زمین مسطح بنا گردیده و از نظر شهرسازی و تشکیلات زندگی شهری مجموعه کاملی است که تاحدودی نیازهای وابسته به اجتماع زنان خود را رفع می نموده است. برخی از خانه های عام نشین از اهمیت خاصی برخوردارند؛ زیرا این خانه ها شامل بیرونی و اندرونی، بادگیر، ایوان، اتاقهای زمستانی و تابستانی و محلی جهت نگهداری اسب و احشام بوده و داخل حیاط هر خانه، چاه آبی در نظر گرفته شده است. تقریباً بیشتر خانه های عمومی، متصل به هم ساخته شده و غالب آنها به یکدیگر راه دارند. در بعضی خانه ها حمام اختصاصی به چشم می خورد و در کنار تعدادی از آنها اصطبل را جدا از محل زندگی ساخته اند.

تعدادی از خانه های ارگ بدون در نظر گرفتن مقاومت و باربری ستونها دو طبقه ساخته شده اند که این امر نشانگر روند ازدیاد جمعیت در یکی از دوره های گذشته است. در میانخانه های عمومی تضادهایی از نظر وسعت حجم و استقامت مشاهده می شود. بعد از ورودی، یکراه اصلی تا دروازه دوم کشیده شده. قسمتی از این شاهراه بازار شهر است که متأسفانه سقف های بازار منهدم شده و در حال حاضر ستونها و قوسها باقی مانده است. آثار مغازه های نانوايي، روغنگیری و قفسه های خشتی در بازار، نشانی از رونق گذشته آن می باشد. به موازات شاهراه، دو راه دیگر به دروازه دوم می رسد. در دوره اسلامی، در ارگ، دو مسجد با نامهای مسجد جامع و مسجد حضرت محمد و حسینیه شامل یک صحن، یک ایوان دو طبقه قرینۀ هم و چند اتاق ساخته شده است. سه منبر خشتی در حسینیه وجود دارد. زورخانه ارگ به شیوه سایر ورزشگاههای سنتی از چهار ایوان، یک گنبد و گود تشکیل شده است. در ارگ یک کوچه سرپوشیده وجود دارد که به سابات جهودها شهرت دارد. در محله عامه یک حمام عمومی بوده که بر اثر بی خبری مردم به منظور استفاده از آجرهای حمام، آن را به کلی منهدم کرده اند. دومین واحد ارگ بعد از دروازه دوم،

اصطبل و یک حصار و اتاق هایی برای نگهبانان است. بعد از دروازه دوم تشکیلات مربوط به حاکم نشین واقع شده که این قسمت از ارگ در شیب و بالای کوه قرار گرفته است که اصطبل، اولین واحد این بخش است و در محوطه آن آب انبار، و در گوشه جنوب شرقی، چاه آب تعبیه شده است. با توجه به نوشته ها و کتب تاریخی زمان قاجاریه از جمله تاریخ وزیری، دستگیری لطفعلی خان زند و محاربه او با سربازان محمدعلی خان زابلی حاکم قلعه، در اصطبل اتفاق افتاده است. پس از اصطبل دروازه سوم، سربازخانه و خانه رئیس قشون مستقر در ارگ می باشد. در برج جنوب غربی سنگ آسیا بادی دیده می شود. آسیای ارگ تنها آسیابادی است که در منطقه بم دیده می شود. این آسیا در دوره قاجاریه ساخته شده است. چاهی عمیق در سربازخانه دیده می شود که اکنون فاقد آب است. از سرباز خانه یک راه به طرف منطقه مرکزی قلعه کشیده شده است. این راه به حیاط حاکم نشین می پیوندد. هسته مرکزی یا حاکم نشین ارگ از دو ساختمان به نام چهار فصل و خانه حاکم تشکیل شده است. برج دیده بانی مرکزی، حمام، حوض و چاه آب در این قسمت وجود دارد. آثار مسیر آبی از طرف غرب به سمت شمال و شرق و داخل حصار جنوبی وجود دارد که احتمالاً بخشی از قنات نهرشهر به طور مداوم از ارگ می گذشته است. عمارت چهار فصل، سه طبقه و قصر حکومت بوده و کلیه اوامر و احکام مربوط به شهر و توابع آن در این محل از طرف حاکم صادر می شده است. در کنار عمارت چهار فصل یک حمام اختصاصی و یک چاه آب دیده می شود. آب آشامیدنی ساکنان ارگ از چاههایی در حیاط خانه ها تأمین می شده است. مصالح عمده بناهای ارگ، خشت خام، ملات، گل رس و گاه و گاه به ندرت در بنای آن سنگ لاشه، آجر و تنه درخت خرما به کار رفته است. ارگ بم تنها یک ورودی دارد که طاق ورودی آن قابل مقایسه با قوسهای دوره ساسانی است، و دو برج طرفین و هشتی، احتمالاً در دوره صفویه به ورودی الحاق شده است. آثار دروازه دیگری، در ضلع شمالی ارگ در محلی موسوم به "کت کدم" به چشم می خورد که به ظاهر استفاده چندانی از آن نشده و یا کمی بعد از ایجاد حصار مسدود شده است. ارگ بم دارای یک راه اصلی از جنوب به طرف حاکم نشین و دو گذر به موازات آن و چند راسته شرقی و غربی است. ۶۰ متر از راه اصلی بازار سرپوشیده بوده و آثار سنگفرش در قسمتهایی از راسته ها به چشم می خورد. از ویژگیهای ارگ بم، چهار حصاری است که از سمت جنوب، حاکم نشین را برمی گیرد و اولین حصار، مطمئنترین نقطه اتکایی است که مردم را از هجوم مصون می داشته است؛ زیرا ارتفاع حصار تا ۱۸ متر می رسد و در فاصله ۳۰ تا ۴۰ متر برجهایی در نظر گرفته شده و پهنای حصار در مردگرد متجاوز از ۶ متر است. برجهای دیده بانی در حصار علاوه بر تقویت و استحکام حصار و تسهیل امر دیده بانی، محل استراحت مأمورین و نگهبانان بوده، و کنگره ها و ترکشها و برجاها در دیده بانی و حراست قلعه، نقش ارزنده ای داشته اند. حصار برونی ارگ را خندقی احاطه کرده است. ارگ بم به واسطه اینکه در مسیر جاده شرق به غرب قرار گرفته همیشه در طول تاریخ مورد توجه بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است. آخرین حادثه تاریخی که در اذهان مردم از ارگ به یادگار مانده است، دستگیری لطفعلیخان زند بوسیله محمدعلی خان زابلی حاکم قلعه بم است. ارگ بم تا سال ۱۲۵۴ هجری قمری و غائله آقاخان محلاتی مسکونی بوده و تا هشتاد سال قبل، از حاکم نشین به عنوان ژاندارمری و مرکز قشون نظامی استفاده شده است و به عبارتی زندگی در ارگ از تاریخ ایجاد قلعه تا اواسط دوره قاجار به طور مداوم جریان داشته است.



مرمت ارگ بم بیشتر جنبه حفاظتی و نگهداری دارد و سعی بر آن است تا فرم و شکل و نمای مجموعه های ارگ همچنان حفظ و تغییرات کلی در آنها به وجود نیاید. تنها چند اثر مهم به عنوان نمونه سازی مانند مسجد، مجموعه میرزانهیم، خانه مشهور به خانه احمدی یا زابلی و خانه حاکم و چند اثر دیگر تعمیر و احیا شده اند. حاکم نشین قلعه در حدود سالهای ۱۳۳۷ هجری شمسی به بعد توسط

اداره باستان شناسی و آموزش و پرورش بم تعمیر گردیده است. تعمیرات اساسی ارگ از سال ۱۳۵۲ هجری شمسی شروع شد و هر سال به طور متوسط شش ماه در ارگ کار شده است. تعمیرات انجام شده عبارتست از تعمیر و مرمت باروها، مشخص کردن آبروها، زیربندی و مرمت بخشی از ستونها، اندود پشت بام، اصطبل، سربازخانه، خانه حاکم و غیره. این مجموعه عظیم خشتی امروز، بر اساس زلزله ۶/۳ ریشتری تقریباً بطور کامل ویران شد.

### فرهنگ و هنر ساسانیان

بطوریکه گفته شد، ساسانیان را باید دولت وحدت ملی نامید، زیرا در این دوران مذهب رسمی ایران، زرتشتی اعلام شد. بر طبق کتیبه ای از پیشوای روحانی « کرتیر » که در پایین کتیبه سه زبانه، شاپور اول در نقش رستم فارس و بر دیواره بنای کعبه زرتشت نقش بسته، « کرتیر » موبدان موبد در زمان شاپور اول هرمز اول - بهرم اول و بهرام - دوم دستور داد که برای بزرگداشت دین زرتشت پیروان سایر مذاهب در ایران قلع و قمع شوند و بدین ترتیب مذاهب یهودی، مسیحی، بودایی، برهمنی، مانوی و صائبی، غیر رسمی و ممنوعه اعلام شد. این نشان دهنده آن است که مردم ایران باید دین واحد زرتشت را برگزینند. در واقع بیشتر قسمت های اوستا در همین دوران، به خط مخصوصی که اختراع شده بود، موسوم به اوستایی (دین دبیره) نوشته شد و بالغ بر بیست و یک سنگ یا کتاب گردید. این کتب را در دوران بعد، "زند" و تفسیر آن را "پازند" می گفتند. افزون بر خط اوستایی که کاملترین و ساده ترین خط جهان تا آن زمان بود، خط پهلوی ساسانی، خط پهلوی اشکانی و در اوایل دوره ساسانی، زبان و خط یونانی نیز رواج داشته است. چنانچه شاپور اول در نقش رستم به سه زبان یونانی، پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی کتیبه نوشت.

ساسانیان دارای ادبیات وسیع هستند. بر اساس کتاب الفهرست اثر ابن ندیم، هزاران کتاب در دوران ساسانی در زمینه های دینی، اخلاقی، پند و اندرز، طلب، حکمت و فلسفه، موسیقی، ریاضی، جغرافیا، نجوم، هیأت و... داشته است، که همگی باقی نمانده و تنها عده معدودی از آن در قرن دوم و سوم هجری در دوران خلافت عباسی از پهلوی به عربی ترجمه شده است. مهمترین کتب دینی این دوران عبارتند از:

۱- دین کرت (کار دین) حاوی تاریخ و ادبیات و سنن زرتشتی است. ۲- بُند هشن (اساس دهنده)



۳- داستان دینیک (عقاید مذهبی)

۴- ار داویر فنا مک که داستان آن شرح به بهشت و دوزخ رفتن روحانی زرتشتی در عالم رویا ارداویراف است. در دوران ساسانی کتبی در زمینه های ادبی به رشته تدوین در آمده بود، برخی از آنها جنبه اخلاقی و پند و اندرز داشته است که معروفترین آنها عبارتند از: پند نامه انوشیروان، پند نامه بوذرجمهر (بزرگمهر) وزیر انوشیروان، پند نامه خسرو، عهد نامه اردشیر، نامه تن سر. کتبی نیز در زمینه تاریخ، داستانی و حتی جغرافیا تألیف گردیده که معروفترین آنها: کارنامه اردشیر بابکان و شهرستانهای ایران شهر است.

### معماری و شهرسازی

در دوران ساسانی بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک در نواحی جنوب و غرب ایران بویژه فارس، خوزستان، بین النهرین و عراق، آذربایجان، لرستان، کرمانشاه و ایلام ساخته شده است. حتی شهر بزرگ نیشابور در استان خراسان به شاپور اول منسوب است. در شهرهای دوره ساسانی سه قسمت از یکدیگر متمایز است:

۱- ارگ (کهندژ) ۲- شهرستان ۳- ربض یا حومه

که این عناصر در شهر نیشابور قدیم دیده می شد. شهرها بصورت مدور و یا نقشه مستطیل ساخته می گردد، ولی اکثراً شکل مدور مطلوبتر می نمود. شهرهای معروف آن سروستان، تیسفون و مدائن، فیروز آباد یا شهر گور، بیشاپور کازرون فارس، شهر به اردشیر و ریواردشیر از مهمترین آنها بود.

در دروان ساسانی فلز کاری و سکه زنی رواج فوق العاده ای یافته و بشقابهای سیمین و زرین که کنده کاریهای صحنه های بزم و رزم شاهان ساسانی را به نمایش می گذارد، هم اکنون در بسیاری از موزه های مهم جهان مثل:

۱- موزه ملی ایران (ایران باستان)

۲- موزه لوور

۳- بریتیش میوزیوم

۴- متروپولیتین نیویورک

۵- موزه مسکو

۶- توسکای استانبول

آثار ارزنده ای از ظروف طلایی و نقره ای و مفرغی و سایر فلزات دیگر موجود است. این نقش و نگارها در آثار اروپا و بیزانس تأثیری بسیار گذارد؛ چنانکه معماری آنها نیز در معماری بیزانس تأثیر می گذارد. سکه های طلا (دینار) و نقره (درهم) که در دوره ساسانی با نقش و نگار پادشاهان حک می شد، امروزه در مجموعه های سکه های جهانی و مجموعه داران تعداد زیادی از سکه ها، یافت می شود.

نقاشی به عنوان یک هنر ساسانی معروف است به طوری که گفته اند مانی مدعی پیامبری در مسافرت خود به ترکستان، چین مینیاتور را در آنجا رواج داد. یکی از کتب مانی مرسوم به ارژنگ یا ارتنگ با نقاشیهای زیبا ترسیم شده بود (بعضی از نقاشیها در برلن است).

کتابهای دیگر مانی عبارتند از: شاپورگان و انگلیون که آنها اکثر به زبان سریانی یعنی زبان سوریه است. ولی از مزدک، پیامبر زمان قباد، متأسفانه نوشته و کتابی در دست نیست.

قالی بافی و فرش بافی نیز در این دروان رواج داشت و طبق نوشته های تاریخی قرن، بهارستان در ابعاد و اندازه های بزرگ چهار فصل را بوسیله نخهایی از طلا و نقره، یاقوت و مروارید، زمرد و زبرجد به نمایش گذاشته است؛ که اعراب در غارت تیسفون، بهارستان را قطعه قطعه کردند و آنرا به غنیمت بردند. از هنرهای دیگر دوره ساسانی موسیقی است و بسیاری از دستگاہها و نواها و گامهای موسیقی در این زمان ساخته شده است. موسیقیدانانی به نام بامشاد، سرگس، سرکب، رامتین، نکیسا و باربد از نوازندگان آن عصر هستند.

### از جمله آثار دوران ساسانی عبارتند از:

- ۱- حجاریهای نقش رستم و کتیبه ها و سنگ نوشته های آنها - از اردشیر بابکان معرفی خود به سر زبان پهلوی، اشکانی، ساسانی و یونانی ( ترجمه: این پیکر مرده پرت خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران ) - آسمانی نژاد از ایزدان پسر پاپک شاه است.
- ۲- آثار نقش برجسته بهرام دوم یا سوم در گوم در نزدیکی شیراز.
- ۳- غار شاپور که پیکره و مجسمه بزرگ شاپور اول با ارتفاع هفت متر و عرض دو متر و به وزن حدود ۳۰ تن در آن قرار دارد.
- ۴- آثار نقش رجب در فارس.
- ۵- آثار سنگ نگاره ها و کتیبه ها و حجاریهای نرسی در پایکولی عراق (در اینجا نرسی شرح می دهد که چگونه بهرام سوم را از تخت پایین آورده و به سلطنت رسیده است، این کتیبه مفصل ترین کتیبه ساسانی است (اطلاعاتی راجع به حدود ایران)).
- ۶- قلعه سلاسل در شوشتر و همچنین پلهای دزفول و پل شوشتر. این پلها را به شیوه رومی ساخته اند
- ۷- آثار حجاری های تنگ واشی در فیروزکوه.
- ۸- آثار آتشکده تپه میل ورامین.
- ۹- آثار و بقایای نقش برجسته های ساسانی در چشمه علی شهر ری (کوه سرسره) که متأسفانه توسط فتحعلیشاه قاجار محو شده و حجاریهای خود را بر آن کنده است.
- ۱۰- در حاجی آباد (سه فرسخی تخت جمشید) کتیبه ای از شاپور اول به پهلوی اشکانی و ساسانی است.

آتشکده آذرگشنسب - تخت سلیمان

تخت سلیمان

در زمان ساسانیان سه آتشکده بزرگ و برجسته وجود داشته است که نام آتش‌هایی که در این آتشکده‌ها نگه داری می‌شده، عبارت بوده است از: برزین مهر به معنای آتش عشق که در نزدیکی نیشابور بود. آتشکده دیگر، فریغ به معنای فرّ ایزدی نام داشت که در کاریان فارس قرار داشت و آتشکده آخر، آذرگشسب بود به معنای آتش اسب نر. تخت سلیمان یا شهر گنجک (شیز) در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی شهرستان تکاب در یک دره ی سرسبز در بلندی ۳۰۰۰ متری، سرشار از جاذبه های کم نظیر طبیعی- تاریخی واقع شده است که قله ۳۲۰۰ متری بلقیس در آنجا قرار دارد. ویرانی های بجا مانده از آتشکده آذرگشسب (آتشکده پادشاهان و جنگاوران) بر پیرامون دریاچه ای همیشه جوشان و بر روی صخره ای سنگی ناشی از رسوبات آهکی دریاچه، در میان برج و باروی سنگی، آثار معماری خاص مانند چهار طاقی آتشکده و سازه های آیینی وابسته بدان، نیایشگاه آناهیتا، کاخهای دوران ساسانی و ساختمان هایی مربوط به سلاطین ایلخانی قرار دارد.



مجموعه بناهای تاریخی در تخت سلیمان در اطراف دریاچه ای طبیعی ساخته شده است. آب این دریاچه که از عمق ۱۱۶ متری از درون زمین به سطح می آید و به زمین های اطراف می ریزد دارای املاح زیادی است که آن را برای آشامیدن و کشاورزی نامناسب کرده است. رسوب های حاصل از این املاح در طی قرن ها لبه دریاچه را شکل داده و متغیر کرده است.

آثار بناهای دوره های اشکانیان و ساسانی و ایلخانان مغول در این محل یافت شده است. مهم ترین آثار بجا مانده آن آتشکده و تالارهای دوره ساسانی است. برخی آثار ساسانی دیگر نیز در کوه بلقیس و زندان سلیمان در نزدیکی تخت سلیمان ساخته شده است.

این ناحیه همان شهر مشهوری است که بنا به نوشته های کهن، زادگاه زرتشت است و در نوشته های پهلوی به نام «گنجک» خوانده شده؛ گیتا نویسان عرب آن را «شیز» گفته اند، گذشته نگاران رومی و یونانی «گزکا» نوشته اند و حمدالله مستوفی آن را به زبان مغولان «ستوریق» گفته است که امروزه تمام این آثار را تخت سلیمان می نامند.

### تاریخچه

در زمان ساسانیان ایرانیان سه آتشگاه بزرگ و برجسته داشتند. نام آتش‌هایی که در این آتشگاه‌ها نگهداری می‌شد یکی برزین مهر به معنای آتش عشق والا و ویژه برزیگران بود که در نزدیکی نیشابور خراسان جای داشت. دیگری فریغ بود به معنای آتش فرّ ایزدی که در کاریان فارس و ویژه موبدان و بلندپایگان بود و سومی گشسب که در تکاب آذربایجان قرار داشت. آتشگاه آذرگشسب ویژه ارتشیان بود و در شهر و محلی بنام شیز یا گنجک بر روی کوه آسنوند قرار داشت. آذرگشسب به معنای آتش اسب نر است. بر پایه افسانه‌های ایرانی این آتشگاه بدین علت این طور نامیده شده است که کیخسرو بهنگام گشودن بهمن دژ در نیمروز با تیرگی شبانه که دیوان با جادوی خود پدید آورده بودند روبرو شد. آنگاه آتشی بر یال اسب وی فرود آمد و جهان را دیگر باره روشن کرد و کیخسرو

پس از پیروزی و گشودن بهمن دژ، به پاس این یابوری اهورایی، آتش فرود آمده را آنجا بنشانند و آن آتش و جایگاه به نام آتش اسب نر (گشسب یا گشنسب) نامیده شد. این محل هم اکنون نام تخت سلیمان نام دارد. کاوشگاه باستانی نیز از سوی یونسکو به عنوان میراث جهانی شناخته شده است و طرحهای بزرگی برای بازسازی و کاوش در آن در دست اجرا است.

### جایگاه آتش جاویدان آتشکده آذرگشنسب

ساخت این سازه به بیش از ۳۰۰۰ سال پیش باز میگردد و در دوره های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان دارای ارزش و شکوه ویژه ای بوده است. در دوران پادشاهی ساسانیان و در زمان خسرو اول انوشیروان (۵۷۸-۵۳۱م) نسبت به آبادانی آن کوشش ویژه ای به عمل آمد، در این جایگاه مراسم نیایش های آیینی، برگزاری جشنها و امور تشریفات پادشاهی انجام می گرفت. این آتشکده، در زمان خود بسیار مورد توجه بوده است و آتش جاویدان آن به مدت ۷ قرن به عنوان نماد اقتدار آئین زرتشت و عامل وحدت سیاسی و اجتماعی حکومت ساسانی نقش به سزا داشته است و از آن به عنوان ثروتمندترین نیایشگاه زمان خود یاد شده است.

در کتاب هفتم دینکرد در بند ۳۹ سازنده آن، کیخسرو پسر سیاوخش شناخته شده است که فر ایزدی به او رسیده بود. واژه آذر گشنسب، به معنای آتش اسب نر است. در افسانه ها آمده که کیخسرو بهنگام گشودن بهمن دژ در نیمروز، با تیرگی شبانه که دیوان با جادوی خود پدید آورده بودند روبرو شد. آنگاه آتشی بر یال اسب وی فرود آمد و جهان را دیگر باره روشن کرد و کیخسرو پس از پیروزی و گشودن بهمن دژ، به پاس این یابوری اهورایی، آتش فرود آمده را آنجا بنشانند و آن آتش و جایگاه به نام آتش "اسب نر" (گشسب یا گشنسب) نامیده شد.

بیشتر پادشاهان ایران پس از نشستن بر اریکه شاهنشاهی با پای پیاده به نیایشگاه آذرگشنسب آذربایجان می رفتند و به درگاه خداوند نیایش و سپاس و درود می فرستاده اند و سپس هدایایی تقدیم می کردند.

این مجموعه بزرگ اجتماعی مذهبی در تاخت و تازهای ایران و روم در زمان خسرو پرویز سه بار محاصره می شود و در یورش سوم در سال ۶۲۴م توسط سپاهیان روم غارت و ویران گردید. بعد از این رویداد، به علت آشفتگی های سیاسی اواخر دوران ساسانی و تاخت و تاز اعراب، آبادانی خود را از دست داد. هنگامی که اعراب به ایران تاختند، مردم تیزهوش شهر نیز این مجموعه را به حضرت سلیمان نسبت دادند تا از ویرانی بیشتر این جایگاه مقدس توسط اعراب جلوگیری کنند و نام تخت سلیمان را بر آن نهادند.

در سال ۶۷۴ ه ق در زمان فرمانروایی آبا آقاخان مغول جانشین او قازان خان، با توجه به ویژگی های تاریخی- طبیعی، به خصوص وجود چراگاه های مرغوب و گونه های جانوری، این مکان باستانی به عنوان پایتخت تابستانی سلاطین مغول انتخاب و با انجام بازسازی گسترده در آثار دوران ساسانی و ساختن بناهای جدید، بار دیگر تخت سلیمان مورد استفاده حکومتی پیدا می نماید و تبدیل به پایتخت تابستانی و شکارگاه و تفرجگاه ایلخانان می گردد. جالب است که بدانیم، تنها در تخت سلیمان است که بقایای کاخ های دوره ایلخانی دیده می شود.

## راهنمای گردشگری عمومی

پس از فروپاشی فرمانروایی ایلخانان این جایگاه تبدیل به مرکز خدمات کوچک برای روستاییان و عشایر محل می شود تا اینکه از قرن ۱۱ ه ق این مکان متروکه می شود و گذر زمان بر روی چهره خسته ی این مکان سحر انگیز خروارها خاک مینشانند.



جاذبه های طبیعی این دره سرسبز در نوع خود در دنیا بی نظیر هستند. در ۳ کیلومتری غرب تخت سلیمان، کوه مخروطی میان تهی وجود دارد که هزاران سال پیش، بر اثر وقوع آتش فشان به وجود آمده است. اهالی محل این کوه زیبا را زندان سلیمان یا زندان دیو می شناسند و معتقدند که حضرت سلیمان دیوهایی را از فرمانش سرپیچی می کردند در این کوه زندانی می کرده است. این نام نیز به افسانه و با توجه به نسبت دادن محل به حضرت سلیمان بر این کوه گذارده شده است.

### کاخ سروستان

مجموعه کاخ سروستان که قدیمی ترین گنبد آجری کشور را در خود جای داده است در زمان بهرام گور ساسانی ساخته شده است .

کاخ سروستان در استان فارس و در ۹ کیلومتری جنوب شهر سروستان در دشتی وسیع جای گرفته است. این کاخ از سنگ و گچ و در زمان بهرام گور ساخته شده است .

در این مجموعه مطالعات و تحقیقات مختلفی انجام شده است که طی آنها کاوشگران توانسته اند بناها، بقایای معماری و آثار از دوران اسلامی و ساسانی را شناسایی کنند .

این بنا که از باشکوه ترین کاخ های ساسانی است در آن زمان مقدس بوده است. بخش های مختلف این بنا شامل یک ایوان ورودی و گنبدی در مرکز و حیاط است. این کاخ نسبت به دیگر بناهای این دوره از فن معماری و پلان های پیچیده و کامل تری برخوردار است . آخرین بررسی های باستان شناسی در مجموعه کاخ سروستان نشان داد؛ این مجموعه ساسانی در دوره اوج شکوه خود حدود ۳۰ هکتار وسعت داشته است.

### آتشکده فیروز آباد

آتشکده فیروز آباد از دیگر بناهای مهم این دوره است. ایران شناسان مغرب زمین سعی دارند آنرا کاخ اردشیر بدانند در صورتیکه بنظر چنین نمی آید؛ زیرا لازمه کاخ بودن، داشتن بعضی فضاهاست که این بنا ندارد. نکته مهم در این آتشکده استفاده از انواع و اقسام فنون معماری است، ساختمان آن بوم آورد بوده مانند سنگ لاشه که به صورت طبیعی روی هم چیده شده اند. تا این زمان این آتشکده بزرگترین بنای سنگ لاشه ای است که ساخته شده. از طاق

آهنگ و گنبد برای پوشش فضاهای مختلف آن استفاده شده است. بعد از بنای بازه هور(نیایشگاه بین تربت حیدریه و نیشابور) دومین گنبد در این بنا دیده می شود.

### کاخ بیشاپور (۲۴۱ م)

کاخ بیشاپور در نزدیکی کازورن بوسیله شاپور ساسانی ساخته شده است و در مرکز مجموعه، یک ارگ شاهی است که دارای فضایی است با دهانه ای حدود ۲۲ متر و گمان می رود بازسازی این قسمت به گونه ای که در نقشه برخی محققین غربی انجام گرفته، درست نباشد، عقاید گوناگونی در مورد پوشش سقف آن گفته شده است. برخی گفته اند که این فضا اصلاً سرپوشیده نبوده و فقط یک حیاط بزرگ بوده است، در این صورت ضخامت زیاد دیوارهای آن غیر لازم است. این بنا گنبدی داشته و درست در سمت راست آن تالاری با کف موزائیک است که به آن "پیس پیسه" می گویند(بلق - سیاه و سفید) و بر روی زمین شکلهای گوناگون را با موزائیک های بزرگی ساخته اند. اشکال گچبری آن نیز گوناگون است و هیچ کدام از آنها همانند نقوش هم نیستند و آنرا می توان مادر تمام گچبریها و نقاشیهای ایران دانست.

### ایوان مداین - تاق کسری

ایوان مداین از بناهای مهم دوران ساسانی است. متأسفانه ساختمان آن از طرف کشور عراق مرمت نشده و حتی



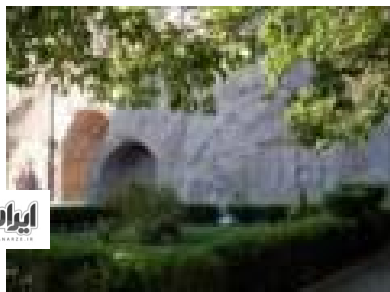
یونسکو نیز موفق به این کار نشده است. ویژگیهای ارزنده ای در این بنا یافت می شود، اما دو ویژگی معماری ایران در آن به خوبی آشکار است. یکی بهره گیری از تناسب معماری ایرانی در ایوان بزرگ میانی و ویژگی دوم بهره گیری از مصالح معمولی یا خشت است و نه سنگ تراش.

جلوی ساختمان میانسرا یا حیاط بوده و بنابراین اعتقادات مرسوم نماها را با گیر سارو، گچ سفید کرده

اند. ( گیر یعنی گچ و سارو یعنی ساروج ). در این ملات بجای آب از شیر آهک و دوغاب آهک ( و شیره سوخته انگور) بهره گیری می شود و آنرا با خاک رس شسته و شکر سنگ ( ماسه)، گچ نیم پخته می آمیزند و ملات را می سازند. در دو سوی ایوان دهلیزهایی همراه با مردگرد ساخته شده است. ساختمانی آن از سنگ لاشه و آجر است. نوع آجر کاری در بالا بصورت ضربی، پایین تر بصورت ایلامی (رومی) و چپیله (پوشش سردرگاه) می باشد به این نوع بناها « اسپید دژ» نیز گفته می شده است.

### ♦ مجموعه تاریخی و تفریحی تاق بستان

دوره تاریخی : ساسانیان



موقعیت : کرمانشاه

تاق بستان مکان بسیار زیبایی است که در شمال شهر کرمانشاه قرار گرفته و علاوه بر استخری بزرگ چشمه ای پر آب و درختان انبوه شامل دو تاق کنده شده است که از دوران ساسانی به جا مانده است. این مجموعه یکی از جاهایی است که خاطره دیدنش در یاد و خاطره بازدیدکنندگان خواهد ماند؛ چراکه علاوه بر آثار تاریخی ارزشمندی که بعضی از آن ها متعلق به حدود هزار و هشتصد سال پیش از این می باشند، وجود طبیعت زیبا و متنوع شامل دریاچه و کوه و درختان و پارک زیبا، خستگی و ملال را از وجود مسافران و گردشگران می زداید و در مورد تاق بستان می توان گفت: « تاق بستان جاذبه ای است دوگانه که هم ما را به دل تاریخ می برد و هم در دامن پر مهر و لطیف طبیعت روح ما را نوازش می دهد.»



### ◆ نقش تاجگذاری خسرو پرویز

دوره تاریخی: ساسانیان

موقعیت: کرمانشاه - مجموعه تاق بستان - تاق بزرگ

یکی از آثار و نقش های تاق بزرگ در تاق بستان، نقش تاجگذاری خسرو پرویز (خسرو دوم) می باشد که روایتگر یک واقعه تاریخی می باشد و در آن صحنه، تاجگذاری و اعطای سلطنت به خسرو پرویز دیده می شود.

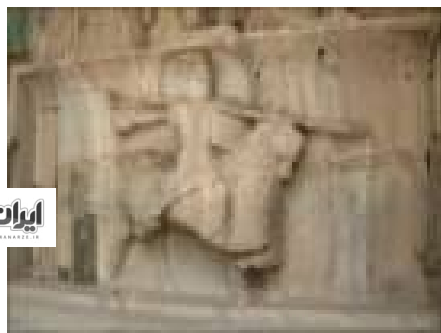
در این نقش که در قسمت فوقانی تاق بزرگ قرار دارد، همانند نقش تاجگذاری اردشیر دوم، شاه ساسانی، تصویر سه نفر دیده می شود که همچون آن نقش، تصویر شاه در وسط قرار گرفته است و با دست راست حلقه سلطنت را از دست اهورامزدا می گیرد که او نیز حلقه را با دست راست گرفته است. در سمت چپ شاه، « آناهیتا » (ناهید)، الهه فراوانی و برکت و آب قرار دارد که در دست راستش حلقه ای همانند حلقه سلطنت و در دست چپ او کوزه ای قرار دارد که آب از آن جاری است.

از ویژگی های این نقش برجسته، سه بُعدی بودن آن است که علاوه بر ارزش تاریخی، از لحاظ حجاری و هنری نیز بر ارزش آن افزوده است. همچنین وجود نقش الهه ناهید در این نقش نیز قابل توجه می باشد که بیانگر اعتقادات در آن دوره می باشد.

از نکات جالب این نقش نحوه پوشش و لباس آن ها می باشد و تزئینات و نقوش روی لباسها بویژه لباس شاه قابل توجه است.

### ◆ پیکره سوارکار

دوره تاریخی : ساسانی



موقعیت : کرمانشاه - تاق بستان

در پایین صحنه تاجگذاری، پیکره انسانی سوار بر اسب دیده می شود. گروهی پیکره سوارکار را منتسب به ایزد بهرام - ایزد فتح و پیروزی - می دانند اما بطور متداول تر گفته می شود که این پیکره، نقش خسرو پرویز و اسب معروفش "شبدیز" است. در دست راست سوار نیزه ای بلند و در دست چپ وی سپری دیده می شود. همچنین سوار و اسبش کاملاً در زره پوشیده شده اند.

پادشاه کلاه خودی بر سر نهاده که هلال و قرص خورشید بر روی آن قرار گرفته است. زره ای با حلقه های ریز و یکنواخت اندام شاه را تا کلاه خود پوشانده است. در زیرجوشن، لباس شاه نمایان است که تصاویری شبیه اسب آبی بر روی آن نقش بسته است. شاه نیزه درازی بدست راست گرفته و در دست چپ شاه، سپر مدوری دیده می شود. کمربندی نوین و ترکشی پُرتیر، اسلحه شاه را تکمیل کرده است. سر و سینه اسب را «برگستوانی» منگوله دار پوشانده است.

از نکات جالب توجه در این نقش، ریزه کاری ها و ظرافت های بکار برده شده بر روی این نقش می باشد. مثلاً در بخشی از سر و صورت شبدیز که به سمت کوه است و حتی دست به سختی در آنجا حرکت می کند، نقوشی شبیه وجه بیرونی صورت اسب ایجاد کرده اند که این حاکی از چیره دستی و مهارت هنرمندان و صنعتگران ایرانی در آن زمان می باشد. به گونه ای که بخش پشتی این نقش به کوه چسبیده است. که این مهارت و ظرافت فن آوری در انجام این کار دشوار، بیننده را به تحسین وامیدارد.

گفته شده که خسرو پرویز علاقه بسیار زیادی به شبدیز داشته است. نام شبدیز، بادپای معروف خسرو را مورخان و شاعران ایران و عرب به کرات در آثار خود ذکر کرده اند. این اثر از نظر ظرافت و تناسب اندام شاهکار حجاری محسوب می شود، بطوریکه حتی نقش های لباس شاه و زره را به خوبی و با هنرمندی نشان داده اند. بخشی از این مجسمه متأسفانه بر اثر تعصب مهاجمان شکسته شده است.

در مورد شبدیز اسب محبوب خسرو گویند که خسرو پرویز این سمند بادپا را بی نهایت دوست داشته و چون شبدیز بد حال شد، او سوگند یاد کرد که هر کس خبر مرگ شبدیز را به من بیاورد، او را بی درنگ خواهم کشت و خادمان و میرآخور به معالجه شبدیز پرداختند؛ اما شبدیز تاب نیاورد و مُرد. پس از مرگ شبدیز میرآخور بیمناک شده و از «باربد» رامشگر مخصوص شهریار، چاره جویی کرد. باربد در ضمن نغمه ای حادثه مردن اسب را با ابهام گنجانده و خسرو را تعزیت گفت.

### ◆ نقش شکارگاه گراز

یکی از زیباترین و عجیب ترین آثاری که در تاق بستان وجود دارد، نقش «شکارگاه گراز» است که در سمت چپ تاق بزرگ به شکلی هنرمندانه و بسیار ماهرانه بر دیواره تاق ایجاد شده است. این اثر بخاطر ظرافت های بکار رفته در

نقش های آن، از شاهکارهای حجاری به شمار می رود و هر بیننده ای را به تحسین وامیدارد. شاید بخاطر این حجاری های زیبا و ریزه کاری های





## راهنمای گردشگری عمومی

بکار رفته در آن باشد که تاق بزرگ را «مبدأ هنر مینیاتور» می نامند. در این نقوش، شکارگاه به صورت روایی تصویر شده است. مثلاً تصویر شاه دو بار به چشم می خورد که یکی در حین شکار و یکی بعد از شکار گرازها بخوبی در حال فرار نشان داده شده اند. این حجاری ها منع مناسبی برای آشنایی با شیوه نقاشی و پرده سازی عهد ساسانی است.

در سمت چپ تاق بزرگ، فیلبانان، گرازها را به سمت میانی هدایت می کنند و در آن محل، شاه که با تصویری بزرگتر از بقیه نشان داده شده است، به صید آن ها می پردازد.

پایین تر از این صحنه ها فیل ها با خرطوم، به جمع آوری گرازهای شکار شده مشغولند و در سمت راست، صحنه گرازهای شکار شده را سوار بر فیل می بینیم که به بیرون شکارگاه حمل می شوند. در هر دو صحنه شکار، نوازندگان با آلات مختلف موسیقی دیده می شوند.

در نقش شکارگاه گراز، بقدری نقوش، حجاری شده که در آن ذره ای جای خالی نمی توان پیدا کرد. در این قسمت حتی نقش های پارچه لباس را هم با دقت تمام رسم کرده اند. صورت جانوران بویژه فیل ها را چنان با ظرافت و دقت ساخته اند که از جهت حرکات و نمایش حیات، شخص به حیرت می افتد و به شاهکار بودن این حجاری ها گواهی می دهد. شکارگاه نشان داده شده مکانی است نیزار و باتلاقی که ماهی و مرغابی در آن زیاد است. در حجاری شکارگاه گراز، تصویر شاه دوبار، سوار بر قایق نشان داده شده است. در تصویر اول که بالاتر است، شاه تیری از زنی که در طرف چپش ایستاده می گیرد و در جلوی آن ها دو گراز شکار شده تصویر شده است. در تصویر دوم شاه را به کمان سست شده و در پایان شکار حجاری کرده اند.

### ◆ نقش شکارگاه گوزن

موقعیت : کرمانشاه - تاق بستان - دیواره راست تاق بزرگ

در دیواره های جانبی طاق بزرگ، دو شکارگاه مختلف به صورتی بسیار ماهرانه حجاری شده اند. در دیواره سمت راست، گوزن هایی نشان داده شده اند که از بیرون شکارگاه توسط فیلبانان به سمت داخل شکارگاه رم داده شده اند و پس از شکار، آنان را سوار بر شتر کرده و به خارج از محوطه حمل می کنند.



مجلس شکارگاه خسرو به ارتفاع ۳/۸ متر و عرض ۵/۷ متر حجاری شده است. این مجلس در خطوطی، حصار مانند محصور شده است. صیادان، گوزن ها را تعقیب می کنند و گوزنان به دنبال چند گوزن که علامت مخصوص در گردن دارند می روند. این گوزنان علامت دار، ظاهراً دست آموز بوده اند و برای هدایت دیگر گوزن ها به سوی محل شکار، استفاده می شده اند. در این قسمت سه نقش شاه حجاری شده است. در قسمت بالا، پادشاه سوار ایستاده و اسبش

مهیای جهیدن است و زنی در بالای سر او چتری را که علامت سلطنتی بوده برافراشته است. در پشت سر شاه صفی از زنان در حال رقص و رامشگری وجود دارند که در بین آن ها، دو زن شیپور به دست و یک زن طنبور نواز وجود

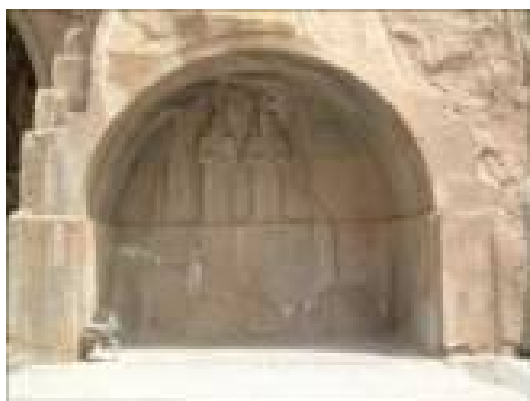
دارد. در قسمت روبروی شاه چوب بستی وجود دارد که باز هم بر روی آن گروهی زن نشسته اند که بعضی از آن ها چنگ و دف می نوازند و گروهی دست می زنند. در زیر این قسمت، شاه، در حالیکه کمان به زه کرده، در دست دارد و به دنبال صید های گریزان اسب می تازد، نشان داده شده است. سومین نقش مربوط به شاه، او را ترکش به دست و سوار بر اسب، در حالیکه از شکار بر می گردد، نشان داده شده است. در سمت چپ حصار مذکور، شترانی دیده می شوند که گوزن های شکار شده را حمل می کنند.

وجود آلات موسیقی مختلف در نقوش تاق بزرگ جالب است و از تصاویر این نقوش می توان به قدمت بعضی از سازها پی برد.

### ♦ تاق کوچک - نقش شاپور دوم و سوم

دوره تاریخی : ساسانیان

موقعیت : کرمانشاه - تاق بستان



زمان ایجاد این اثر چند سال بعد از نقش تاجگذاری اردشیر دوم و حدود دویست سال قبل از تاق بزرگ می باشد که در آن دو نقش برجسته همراه با کتیبه به چشم می خورد. پیکره سمت راست، شاپور سوم بوده و پیکره سمت چپ، شاپور دوم (پدر شاپور سوم) را نشان می دهد.

تاق کوچک در روزگار سلطنت شاپور سوم پادشاه ساسانی ( ۳۸۸ - ۳۸۳ میلادی) در کوه حجاری شده است و شامل دو نقش

برجسته و دو کتیبه به خط پهلوی ساسانی است، بطوریکه از کتیبه ها مشخص است، این دو، نقش شاپور دوم (۳۷۹ - ۳۱۰ م) و فرزندش شاپور سوم می باشند.

کتیبه سمت راست دارای ۹ سطر بوده و ترجمه آن چنین است : « این پیکر خدا پرست خوب، شاپور، شاه شاهان ایران و غیر ایران نژاد آسمانی از طرف خدا، پسر خدا پرست خوب، هرمز، شاه شاهان ایران و غیر ایران از نژاد پاک آسمانی از طرف خدا، نوه خوب نرسی شاه شاهان.»

کتیبه سمت چپ دارای ۱۳ سطر می باشد و ترجمه آن چنین است : « این پیکر خداپرست خوب، شاپور، شاه شاهان ایران و غیر ایران از نژاد آسمانی از طرف خدا، پسر خدا پرست خوب، شاپور، شاه شاهان ایران و غیر ایران از نژاد آسمانی زاده خدایان، نوه خداوندگار هرمز»

پیکر شاپور دوم و سوم که صورت آن ها بطور نیم رخ در مقابل، حجاری شده اند، هر دو دست ها را بر قبضه شمشیر دارند و لباس آن ها شلوارهای چین دار می باشد. گردن بند و نوار و گیسوی مجعد و ریش نوک دار، چهره آن ها را زینت داده است. انتهای ریش ها در حلقه ای فرورفته است. شاپور دوم که در طرف راست قرار دارد تاج کنگره داری بر سر نهاده و گوی منسوج و نوارهای متصل به آن که از علائم خاص ساسانیان است، بر فراز تاج دیده می شود.

## راهنمای گردشگری عمومی

اهمیت تاق کوچک بیشتر بدین جهت است که دو کتیبه به خط پهلوی ساسانی در آن از حوادث روزگار محفوظ مانده اند و هم اینک از پس قرون و اعصار، نقوش تاق را معرفی می کند. عرض دهانه تاق کوچک ۵/۹۰ متر و عمق تاق ۳/۶۶ متر و ارتفاع آن ۵/۳۱ متر می باشد. طول دو پیکره شاپور دوم و سوم، بطور مساوی هر کدام ۲/۹۷ متر می باشد. این تاق در حدود سال ۳۸۵ میلادی ساخته شده است.



### ◆ نقش تاجگذاری اردشیر دوم

دوره تاریخی: ساسانیان

موقعیت: کرمانشاه - تاق بستان

این اثر که قدیمی ترین اثر از مجموعه آثار تاق بستان می باشد، در حدود سال های (۳۸۳ - ۳۷۹ م) بر کوه ایجاد شده است، در کنار چشمه تاق بستان قرار دارد. این نقش صحنه ای از مجلس تاجگذاری و پیروزی اردشیر دوم ساسانی را نشان

می دهد که تصویر شاه در وسط قرار گرفته و در سمت راست شاه، اهورامزدا در حال اعطای حلقه مودت و سلطنت به شاه نشان داده شده است. در زیر پای شاه و اهورامزدا، پیکره دشمن در حالیکه به پشت افتاده است، مشاهده می شود. پشت سر شاه نیز نقش «میترا» (الهه مهر)، در حالیکه هاله ای از نور دور سرش وجود دارد و مهر «برسمی» در دست دارد و در زیر پایش یک گل به زیبایی و ظرافت کنده شده است، دیده می شود. این نقش بسیار با اهمیت و مورد توجه پژوهشگران و جهانگردان است، چرا که اطلاعات مناسبی درباره ویژگی های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن زمان ارائه می کند.

حلقه ای که توسط اهورامزدا به شاه اعطا می شود، در نقش های دیگر ساسانی از جمله نقش «تاجگذاری خسرو پرویز» در تاق بزرگ نیز قابل مشاهده است و احتمالاً حلقه سلطنتی مختص به سلسله ساسانیان می باشد.

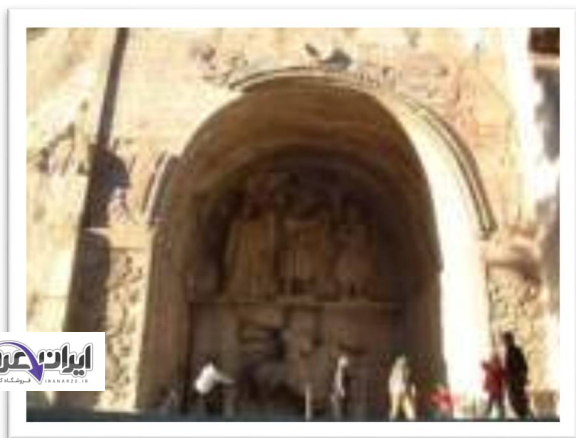
شاهنشاه و اهورامزدا لباس های بلندی بر تن دارند که تا سر زانوهایشان رسیده است. دامن قبای شاه، مدور است و هر دو نفر شلواری گشاد به پا دارند که از میان پا، چین دار بوده و توسط بندی به میچ پا چسبیده است. در ضمن کمربندی دور کمر بسته اند و زیور آلاتی چون «گردنبند» و «دستبند» و آرایش و بافته شدن موها و کلاه ها در این نقش قابل توجه می باشد.

### ◆ تاق بزرگ

دوره تاریخی: ساسانیان

موقعیت: کرمانشاه تاق بستان

هر چند که تمام آثار موجود در تاق بستان از جنبه های مختلفی با اهمیت و در خور توجه هستند، اما تاق بزرگ را



می توان «نگین تاق بستان» دانست؛ چرا که این تاق، از لحاظ تنوع و تعداد آثار، ظرافت بکار رفته در ایجاد نقوش، نحوه حجاری معماری تاق، ویژگی های هنری نقوش و طرح ها کم نظیر است.

شاهان ساسانی که بیش از همه گذشتگان خود، سنت های نقوش برجسته روی سنگ را حفظ کرده اند، متجاوز از سی نقش برجسته در صخره ها و کوهپایه های فلات ایران از خود بجا گذاشتند، که این نقوش، سیر تحول و تکامل هنر دوره ساسانی را در طی حدود چهار قرن نمایان ساخته و عظمت نقوش برجسته دوران هخامنشی را به نحو تحسین آمیزی حفظ کرده است که البته شاید بتوان تاق بزرگ را «شاهکار هنر حجاری دوره ساسانی» به حساب آورد. این اثر نشانه هایی از بکارگیری فرهنگ و «هنرهلنی» و «یونانی» را در خود دارد، که این امر به صورت نقوش فرشته پیروزی، بر بالای تاق بزرگ که برگرفته از نقش «نیکه»، الهه پیروزی یونان می باشد، تجلی یافته است و نشانه ای از تعامل فرهنگ ها و تمدن ها با یکدیگر می باشد.

تاق بزرگ «اوج هنر حجاری» و شاهکارهای بزرگ و کم نظیر می باشد که بیننده را به تحسین این همه زیبایی و هنرمندی وا می دارد.

تاق بزرگ مجموعه ای از آثار را شامل می شود که هر کدام به تنهایی قابل تعمق و در خور تفکر است. در دو طرف این تاق، دو صحنه شکارگاه گراز و شکارگاه گوزن حجاری شده اند که علاوه بر ظرافت های هنرمندانه بکار رفته در ایجاد نقوش، از لحاظ شیوه بیان نیز جالب و منحصر به فرد است. شیوه کلی این دو نقش، بیان به صورت «روایی» است. بدین معنی که با ایجاد نقوشی از موقعیت های مختلف یک موضوع، آن را روایت می کند.

یکی دیگر از آثار در تاق بزرگ نقش مجلس تاجگذاری خسرو پرویز می باشد و در پایین آن نیز نقش خسرو پرویز و اسب معروفش شبدیز به شیوه بسیار ماهرانه و هنرمندانه ای طراحی و حجاری شده است.

نقش محمد علی میرزا دولتشاه نیز که در عصر قاجار به تقلید ناشیانه از سایر نقوش ایجاد شده است، جدیدترین نقش این مجموعه می باشد.

همچنین نقوش فرشته پیروزی و تکرار طرح ها و نقش ها بر سر در تاق، از زیباترین و بیادماندنی ترین آثار است که با ظرافت بر سنگ کوه ایجاد شده است و جذابیت تاق بزرگ را دو چندان می نماید.

این تاق مجموعه نسبتاً کاملی جهت مطالعه و پژوهش در زمینه وضعیت فرهنگی، هنری، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و نظامی روزگار ساسانیان را جهت پژوهشگران و ایران شناسان فراهم آورده است.

### ♦ دیوار خسرو ( شکارگاه خسرو )

دوره تاریخی : ساسانیان

موقعیت : تاق بستان

در نزدیکی تاق بستان بقایای دو دیوار عظیم که با خشت خام در روزگار آبادانی به ابعاد تقریبی ۷۰۰ در ۱۰۰۰ متر، بنیانگذاری شده، هنوز به چشم می خورد. از این آثار می توان حدس زد که این دو دیوار بقایای عمارتی به شکل مربع مستطیل بوده است. اثر این عمارت در ضلع دیوار غربی هنوز باقی است که به دهکده «مراد حاصل» می پیوندد و نیز وضع طبیعی دهکده که بر تپه ای مرتفع و خاکی بنا شده، می نمایاند که قبلاً در اینجا آثار مخروبه ای از

## راهنمای گردشگری عمومی

عمارات روزگار پیشین بوده است. راجع به این عمارت عقاید مورخان مختلف است و اینجا را قطعه زمینی محصور به منظور شکارگاه تشخیص داده اند. بعضی به قرینه آثار حجاری تاریخی، اینجا را عمارت و باغ یادداشت کرده اند. در کتب مورخان اسلامی هم مذکور است که خسرو اول نوشیروان، در نزدیکی کرمانشاه باغ و قصری طرح ریزی کرد و در آن از خاقان و قیصر و رای هند پذیرایی نمود. چون آثار خطی نسبت به این ساختمان ها تاکنون به دست نیامده، به طور قطعی نمی توان تعیین کرد که دیوار معروف به خسرو در روزگار قباد یا خسرو اول نوشیروان یا خسرو دوم ساخته شده است. قراینی که در دست است، می رسانند که این دیوارها که ضخامت آن در حدود ۴/۶ متر بوده، از خشت خام بطول ۴۵ سانتیمتر در روزگار ساسانیان ساخته شده اند. خشت هایی که در اینجا بکار رفته دو نوع می باشد. نوعی به رنگ نخودی نزدیک به قرمز و نوعی دیگر به رنگ خاکستری به نظر می آید. ارتفاع فعلی دیوار ۳/۳ متر است که با توجه به خاک های ریخته شده در دو طرف دیوار می توان حدس زد که ارتفاع آن در اصل بیش از ۱۰ متر بوده است.

### نقش محمد علی میرزا دولت شاه

دوره تاریخی : قاجاریه

موقعیت : کرمانشاه - تاق بستان



این نقش که در سمت چپ تاق بزرگ و در بالای صحنه شکار گراز دیده می شود در سال ۱۲۳۷ هجری قمری به دستور محمد علی میرزای دولت شاه، پسر بزرگ فتحعلیشاه قاجار ایجاد شده است که نقش وی در حالی که بر صندلی نشسته است دیده می شود. در کنار وی، پسران او ایستاده اند و در مقابل آن ها آقا غنی دیده می شود.

این تصویر که به تقلید از نقوش تاق بستان کنده شده است، با یک قاب گنبدی شکل که بر روی آن متنی نوشته شده، احاطه شده است.

محمد علی میرزا دولت شاه در سال ۱۲۲۱ ه. ق توسط پدرش به حکومت عراق عرب و عراق عجم منصوب شد و ایالت کرمانشاهان تا حدود بغداد از سر حد بصره تا خرم آباد را به وی واگذار کرد.

جالب آنکه «بسمل» شاعر، در وصف این مجلس رباعی ساخته و جلوه گاه شاهزاده را "طور کلیم الله" وصف کرده و خسرو پرویز را دربان او معرفی نموده است :

این طور تجلی کلیم الله است / باجلوه گاه جمال دولت شاه است  
شاهزاده محمد علی ان کش خسرو / چون دربانی ستاده بر درگاهش

### ♦ مجسمه خسرو دوم ( پرویز ) شاهنشاه ساسانی

دوره تاریخی : ساسانیان

موقعیت : کرمانشاه - تاق بستان



در برابر تاق، نزدیک چشمه، مجسمه ای از خسرو پرویز قرار دارد که در قرن چهارم هجری قمری، "مسعر بن مهلهل"، سیاح معروف آن روزگار در آنجا مجسمه را دیده است. در ایام بعد مجسمه خسرو در استخر نزدیک کوه افتاده و در قرن نوزدهم میلادی آن را درحالی که پایش شکسته بود، از آب بیرون کشیده و در محوطه نصب کرده اند. این پیکر به علت مدت زمانی که در آب سر کرده، آسیب فراوان دیده، اما عدم محافظت مناسب نیز مزید بر علت شده و حتی با گلوله سر و صورت آن را شکسته اند. در نتیجه بصورتی درآمده که بسختی اعضا و چهره آن را می توان تشخیص داد. از هیبت مجسمه می توان دریافت که این مجسمه، شاهنشاه را ایستاده در حالی که دست چپ خود را بر قبضه شمشیر گذاشته است نشان می دهد.

### ◆ موزه سنگ

موقعیت : مجموعه تاریخی و تفریحی تاق بستان

در این موزه سر ستون های نگاره دار دوره ساسانی، در معرض نمایش عموم قرار دارد. در یک وجه این سر ستون ها، نیم تنه خسرو پرویز (شاه ساسانی) و در وجه دیگر، نیم تنه ایزدانی همچون اهورامزدا، آناهیتا و بهرام نقش شده است. علاوه بر سر ستون های فوق، پایه ستون ها، ساق ستون ها و سر ستون هایی نیز از ادوار مختلف نگهداری می شود. علاوه بر سرستون هایی که از بیستون و اماکن دیگر کشف شده اند و به تاق بستان منتقل شده اند، اشیا تاریخی دیگری نیز که از اماکن دیگر کشف شده اند و به تاق بستان منتقل شده اند، در این مجموعه وجود دارند و به صورت موزه ای در محوطه تاق بستان به نمایش گذاشته شده اند. برخی از این آثار عبارتند از: ستون های بزرگ، تابوت، آتشدان، کتیبه های اسلامی و ... .

### پله های کوه تاق بستان

دوره تاریخی : ساسانیان

موقعیت : تاق بستان

دو رشته پله در کوهستان تاق بستان به چشم می خورد. یک رشته از این دو از سمت شرقی مجلس تاجگذاری اردشیر



دوم شروع می گردد و پس از ۳۴ پله به طرف بام تاق بزرگ که به نقاره خانه موسوم است، می پیچد و سپس ۲۰ پله دیگر بدان اضافه می شود که مجموعاً ۵۴ پله می گردد. یک رشته دیگر پله از روی چشمه تاق بستان شروع می شود و در وسط کوه پس از ۷۸ پله ختم می گردد.

به نظر می رسد این پله ها از بالای چشمه شروع می شوند و برای سهولت در صعود به کوه، در هنگام حجاری ایجاد شده اند یا شاید هم چنانچه گفته می شود، در این مکان نقاره خانه ای قرار داشته و برای رسیدن به آنجا مورد استفاده قرار می گرفته اند.

### تاریخ و معماری دوران اسلامی

هنر و معماری در جهان پهناور اسلام دارای چهار شیوه بنیادی است. این چهار شیوه عبارتند از:

(۱) **شیوه مصری**: این شیوه از معماری کهن مصر ریشه گرفته است و در کشورهای اسلامی شرق آفریقا، مصر، سودان و کشورهای پیرامونی تا حجاز را در بر می گیرد که در آن جا با شیوه شامی برخورد می کند.

(۲) **شیوه شامی**: این شیوه از هنر و معماری بیزانس ریشه گرفته و کشورهای سوریه، فلسطین، لبنان، اردن و بخشی از ترکیه را در بر می گیرد و دارای ویژگی های مشترکی با شیوه مصری است. این شیوه در عربستان با شیوه مصری در هم آمیخته شد و دستاورد آنها ساختمان هایی است که امروزه در مکه و مدینه دیده می شود.

(۳) **شیوه مغربی**: که شیوه ای بسیار پیشرفته و چشمگیر است و در برگیرنده کشورهای مراکش امروز، الجزایر و جنوب اسپانیا می باشد. شیوه مغربی، یکی از شیوه های ارزشمند هنر و معماری اسلامی است. این شیوه بعدها به دو شاخه شد. یکی در شمال آفریقا برجای ماند و دیگری در اندلس پا گرفت. شاخه اندلسی پیشرفته تر از شاخه مغربی شد، گرچه هر دو یک خاستگاه داشتند.

(۴) **شیوه ایرانی**: این شیوه از همه ارزشمندتر و گسترده تر بود و در برگیرنده کشورهای بین النهرین، ایران، افغانستان، پاکستان، جمهوری های ماوراء النهر (ازبکستان - تاجیکستان) و تا هند و اندونزی می باشد و همچنین شیخ نشین های پیرامون خلیج فارس مثل عمان.

سبک شناسی معماری ایرانی در طی شش شیوه، بررسی می شود که در طول تاریخ کهن این کشور، به گونه شگفتی پیوسته به دنبال هم پدیدار شده اند. از شش شیوه معماری ایرانی، دو شیوه پارسی و پارتی پیش از اسلام و چهار شیوه خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی، از آن دوران اسلامی هستند و به دنبال دگرگونی های پس از آمدن اسلام به ایران پدیدار شدند.

### معماری دوران اسلامی

برخی از محققان نظیر پروفیسور ویلبر، معتقدند که اجرای هر طرح معماری به سه عنصر اجتماعی بستگی دارد. اول جامعه ای که به آن طرح نیازمند است؛ دوم شخص یا اشخاصی که از اجرای طرح حمایت می کنند و هزینه مالی آن را متعهد می شوند؛ سوم معمار یا استاد کارانی که طرح را اجرا می کنند. جذابیت تحقیق و مطالعه معماری ایران در این است که دریابیم چگونه این عوامل سه گانه بر یکدیگر تأثیر می گذارند و سرانجام به احداث بنایی منجر می شوند.

### کاربرد بناها

## راهنمای گردشگری عمومی

مطالعه درباره معماری ایران، نشان دهنده چگونگی گسترش آن در طی پانزده قرن گذشته است. در هر دوره بناهایی با ویژگیهای گوناگون در روستاها، شهرها، جاده های کاروانی، مناطق کویری، گذرگاههای کوهستانی و شهرهای ساحلی ایجاد گردیده که کاربردهای متفاوت داشته اند.

اهمیت معماری اسلامی وقتی آشکار می شود، که بدانیم در ساخته های این دوره به کاربرد مادی و معنوی بناها - که از مهمترین ویژگیهای آن است - توجه شده است. برای دریافتن اهمیت این ویژگی ها در گسترش معماری شایسته است طبقه بندی بناهای دوره اسلامی و کاربرد آنها را مشخص کنیم.

بطور کلی بناهای دوره اسلامی را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

الف) بناهای مذهبی: شامل مساجد، آرامگاهها، مدارس، حسینیه ها، تکایا، و مصلی ها.

ب) بناهای غیر مذهبی: شامل پلها، کاخها، کاروانسراها، حمامها، بازارها، قلعه ها و آب انبارها.

در دو گروه فوق از بناهای دوره اسلامی، مکانی برای عبادت، تجارت و سکونت وجود داشته است.

### مساجد و عوامل مشترک در آنها و تزئینات وابسته به معماری آنها:

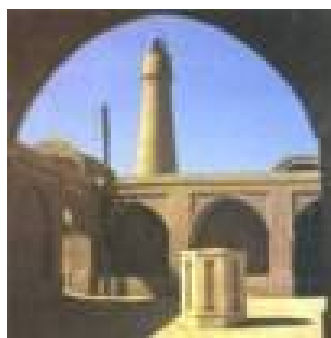
**مساجد:** با ظهور اسلام بسیاری از معابد، آتشکده ها، پرستشگاه ها و کلیساها با تغییر شکل مختصری، تبدیل به مساجد شدند. مانند مسجد یزدخواست که بر روی آتشکده بنا شده است و مسجد جامع بروجرد که بر روی آتشکده ای نیمه ویران ساخته شده است و مسجد نیریز که از تبدیل چهار طاقی به صورت مسجد درآمده و مسجد محمدیه نایین که بر روی مهرابه ای بنا گردیده است و مسجد جامع زواره که آن نیز بر روی مهرابه بنا گردیده است. به طور کلی مساجد ایران را به چهار گروه تقسیم می کنند:

۱- شبستانی

۲- چهار طاقی

۳- ایوانی

۴- چهار ایوانی



۱- **مساجد شبستانی:** یکی از اولین مساجد شبستانی، مسجد فهرج است که از بخش سرپوشیده در جانب قبله و حیاط مرکزی و ایوان جلوی آن و صفاهایی در اطراف تشکیل یافته است.

دومین مسجد شبستانی را تاریخانه دامغان می دانند که نقشه ای مستطیل شکل با حیاط مرکزی مربع و شبستانی در جهت قبله و رواق هایی در اطراف دارد.

سومین مسجد را در این تقسیم بندی، مسجد اولیه جامع نایین می دانند و آن را به قرن چهارم نسبت می دهند.

چهارمین مسجد از نوع شبستانی را مسجد اولیه جامع اصفهان به شمار می آورند و آن را به قرون اولیه اسلام نسبت می دهند.



۲- **مساجد چهار طاقی**: طرح این مساجد شامل چهار ستون در چهار گوشه مربع شکل می باشد که به وسیله چهار قوس در چهار جهت اصلی نمایان شده است و چون از چهار طرف باز بوده ، به چهار طاق شهرت یافته است. بنای چهار طاقی بیشتر برای آتشکده یا آتشگاه مورد استفاده قرار می گرفته است. مانند چهار طاقی نیاسر و خرم دشت در کاشان و چهار طاقی برزو در اراک و چهار طاقی فراشند در فارس. پس از ظهور اسلام بسیاری از آتشکده ها تبدیل به مسجد شدند. برای این منظور ابتدا یک درگاه از چهار درگاه را که به طرف قبله بود مسدود کردند و به تدریج درگاه های شرقی و غربی را نیز پوشاندند و راه ورودی به چهار طاقی، به درگاه شمالی منحصر شد و سپس ایوانی پوشیده در جلوی درگاه شمالی می ساختند. مانند مسجد یزد خواست و مسجد اردبیل.



۳- **مساجد ایوانی**: بسیاری از کارشناسان معتقدند که شرق ایران به ویژه خراسان جایگاه ایوان هاست. اولین ایوان های اسلامی در جنوب و مقابل گنبد خانه شکل گرفتند و سپس ابتدا ایوان شمالی در جهت قرینه سازی با ایوان جنوبی و بعضاً برای استفاده از آفتاب زمستان ساخته شد. نمازگزاران به اقتضای فصل، از ایوان شمالی و جنوبی استفاده می کردند. از مساجد تک ایوانی می توان مسجد نیریز، مسجد رجبعلی در محله درخونگاه تهران، مسجد جامع یزد و مسجد جامع سمنان را نام برد.

۴- **مساجد دو ایوانی**: مسجد زوزن در فریومد سر راه جاده خراسان و مسجد ساوه از نمونه های مساجد دو ایوانی هستند. مسجد دو ایوانی ساوه که از مساجد سلجوقی است ویژگی خاصی دارد که دو ایوان آن مقابل هم نبوده و در کنار هم هستند.

۵- **مساجد چهار ایوانی**: به نظر آندره گذار فرانسوی، اولین مسجد چهار ایوانی در ایران، مدرسه خرگرد یا خورجرد خواف است و بعد از آن مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع زواره را جزء مساجد اولیه چهار ایوانی ایران می دانند. از نمونه های دیگر این مساجد، مسجد جامع اصفهان، اردستان ، زواره ، نطنز، ورامین ، مسجد امام خمینی تهران و مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس است. تقریباً تمام مساجدی که از دوره سلجوقی به بعد در ایران ساخته شده است، طرح چهار ایوانی دارند. چون طرح چهار ایوانی شکلی زیبا، متقارن، قابل قبول و کامل بوده است.

### عناصر مشترک در مساجد

عناصر مشترک در مساجد عبارت اند از: صحن، ایوان، رواق، مناره، گنبد، شبستان و محراب؛ ولی بعضی از مساجد مانند مسجد شیخ لطف الله اصفهان فاقد صحن و مناره هستند. تعدادی از مساجد اولیه اسلامی نیز ایوان و گنبد ندارند، مانند تاربخانه دامغان. اما هیچ مسجدی نمی تواند محراب نداشته باشد. بنابراین کلیه عناصر ذکر شده، به نوعی کم یا زیاد در ساختمان مساجد اسلامی به کار گرفته شده اند.

## راهنمای گردشگری عمومی

**صحن و حیاط:** یکی از عناصر مهم معماری مساجد اسلامی، صحن و حیاط است که معمولاً طرح مربع یا مربع مستطیل دارد. در وسط آن، آب مظهر پاکیزگی و نظافت در حوض بزرگی که با فضاسازی بنا به صورت دایره و یا مربع و مستطیل و یا هشت گوش متناسب است متجلی می شود. محل حوض را در جایی انتخاب می کردند که لااقل تصویر بخش اعظمی از بنا، به ویژه ایوان ها و طاق نماهای زیبا که دارای تزیینات و رنگ های الوان بودند، کاملاً در حوض منعکس شود. مانند مسجد امام خمینی اصفهان.

در بعضی از مساجد مانند مسجد عتیق شیراز، بر روی حوض، سکو یا تختگاهی ساخته اند که پایه های آن در حوض است. در بالای این سکو که به آن «خدای خانه» می گویند، مؤمنین دور از دسترس مردم عادی، به تلاوت قرآن مجید می پرداختند.

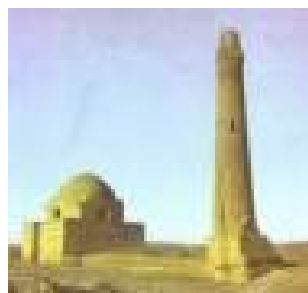


**رواق ها:** فضاهای سرپوشیده ستون دار اطراف صحن و حیاط مساجد هستند که معمولاً در پشت آنها دیوارهای انتهایی مسجد قرار دارند. ما در تاریخانه دامغان شاهد این رواق ها هستیم.



**ایوان:** زیباترین و عالیترین ایوان ها، در مساجد و بناهای اسلامی ایران مشاهده می شود. ایوان های ایرانی اغلب بلند و متناسب با بنا ساخته شده اند. وجود طاق نماهای بسیار جالب و متنوع در اطراف ایوان ها، حالت موزونی به آن داده است. سقف ایوان ها که نیم کره یا نیم گنبد است با عناصر تزیینی مانند مقرنس، آجرکاری، گچبری، آئینه کاری، نقاشی و به ویژه کاشی کاری، مزین شده است. ایوان های ورودی مسجد جامع یزد، مسجد شیخ لطف الله و مسجد و مدرسه چهار باغ (مادرشاه) در اصفهان از شاهکارهای هنری جهان محسوب می شوند. ایوان صحن امیرعلی شیر نوایی در آستان قدس رضوی از ایوان های مشهور معماری اسلامی است.

ایوان های حرم عبدالعظیم (علیه السلام) و حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) از باشکوهترین و زیباترین ایوان های اسلامی اند. ایوان های صفا صاحب، صفا استاد و صفا درویش در مسجد جامع اصفهان نیز از زیبایی خاصی برخوردارند.



**مناره ها:** مناره ها بناهایی هستند در قالب برج بلند و باریک، که معمولاً در کنار مساجد و بقاع متبرکه برای گفتن اذان ساخته می شوند. کلمه منار یا مناره به معنای جای نور و نار (آتش) است. پلکان های مناره ها از داخل به صورت مارپیچ است و هر چه به طرف رأس منار پیش می رود، پهنای پله ها کمتر و باریک تر می شود. قدیمیترین منار یا برج راهنمای موجود در ایران، میل اژدها مربوط به دوره اشکانی

## راهنمای گردشگری عمومی

است که در غرب نورآباد ممسنی قرار دارد. این میل ۷ متربلندی دارد و مصالح آن سنگ های سفید با تراش منظم است.

از دوره ساسانی نیز، مناری در فیروز آباد فارس باقی مانده است که به صورت توده بزرگی از سنگ و گچ است. این منار چهار ضلعی است و پلکان آن از خارج است. ارتفاع منار در اصل ۳۳ متر بوده و ابعاد آن در پای منار حدود ۱۱ متر است.

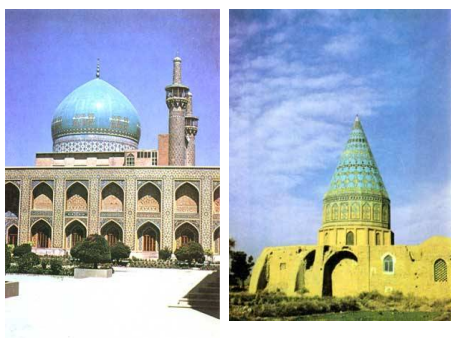
قدیمیترین مناره دوره اسلامی در شهرستان قم واقع است. این مناره آجری، علاوه بر عملکرد شاخص شهری، احتمالاً به عنوان میل راهنما هم، کاربرد داشته و در بالای آن اذان نیز گفته می شد. این مناره مدور و راه پله آن از درون است. از مناره های قدیمی دیگر مناره تاریخانه دامغان، منار مسجد جورجیر اصفهان و منار خشتی مسجد جامع فهرج در یزد است. یکی دیگر از مناره های آجری قدیمی ایران، مناره ایاز کنار مقبره ارسلان جاذب، در نزدیکی مشهد است که مربوط به قرن چهارم هجری است.

منارها ابتدا منفرد بودند و مصالح آنها از خشت بود و بعدها با آجر همراه با تزیینات آجری و کتیبه ساخته شد. منار مسجد علی در اصفهان و منار تاریخانه بعداً به اصل بنا اضافه شده است. در همین زمان منارهای زوجی به ویژه در ایوان های گنبد دار متداول گردید که در این حالت به آن «گلدسته» نیز گفته می شود.

از قدیمیترین منارهای دوره سلجوقی می توان منار مسجد ساوه، منار مسجد پامنار و منار مسجد جامع کاشان را نام برد. زیباترین منارهای زوجی ایران در دوره صفویه احداث شدند که نمونه های آن منارهای مسجد امام خمینی اصفهان، و منارهای مدرسه چهارباغ (مادرشاه) در اصفهان است.

هر گلدسته یا مأذنه شامل قسمت های زیر است :

۱. پایه
۲. بدنه یا ساقه
۳. محل گفتن اذان (مأذنه)
۴. تاج یا کلاهک



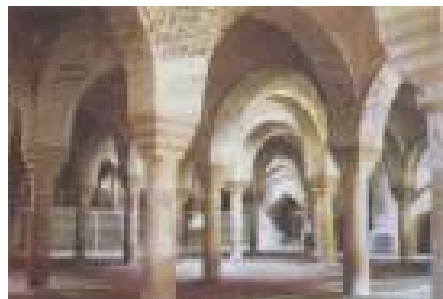
**گنبد:** گنبدها یکی از علایم معماری اسلامی هستند که متنوع ترین آنها در ایران به کار گرفته شده اند. مصالح آنها از خشت خام با اندود کاهگل یا آجر و سنگ است و رنگ آنها معمولاً آبی فیروزه ای است. گنبدهای ایران به دو دسته رک و نار تقسیم می شوند. گنبدهای نار مانند گنبد مدرسه چهارباغ در اصفهان و گنبد میرزا رفیعا در اصفهان و گنبد مسجد گوهرشاد در مشهد.

گنبدهای رک به سه گروه تقسیم می شوند که عبارتند از :

- ۱- گنبدهای رک هرمی: مانند مقبره فیض کاشانی در کاشان و گنبد خانقاه حاج عبدالصمد در نطنز.
- ۲- گنبدهای رک مخروطی: مانند گنبد میل رادکان در قوچان

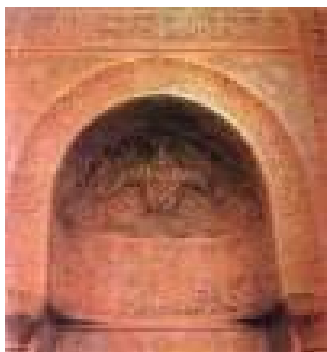
## راهنمای گردشگری عمومی

۳- گنبد‌های رک اورچین (پله پله ای): مانند گنبد مقبره دانیال نبی (ع) در شوش. گنبد‌هایی که ما از خارج بنا مشاهده می‌کنیم، پوسته بیرونی بنای گنبد است که به آن اصطلاحاً «خود» می‌گویند، ولی گنبد دیگری در زیر گنبد خارجی وجود دارد که آن را از داخل مشاهده می‌کنیم و به آن اصطلاحاً «آهیانه» می‌گویند.



**شبستان:** شبستان‌ها فضاهای سرپوشیده و دارای ستون‌های یک شکل و موازی اند که از یک طرف به صحن مسجد راه دارند. سقف شبستان‌ها مسطح و یا قوسی شکل (طاق و تویزه) هستند. مساجد بستگی به اهمیت و اعتبار و تعداد نمازگزارانشان دارای یک یا چند شبستان هستند.

**محراب:** نشان دهنده قبله مسلمین است. کلیه مساجد اسلامی در کشورهای مسلمان محراب دارند. محراب‌ها در فرورفتگی قسمتی از دیوار قبله و از ساده‌ترین وجه تا پرنقش و نگارترین شکل ساخته می‌شوند. محراب‌های ساخته شده در ایران به ویژه محراب‌های گچبری شده، نظیر محراب اولجاتیو در قرن هشتم هجری در مسجد جامع اصفهان، محراب گچبری در مسجد اشترجان (اسفراین)، محراب مسجد جامع ورامین، مسجد نیریز فارس و مسجد جامع اردستان، از زیبایی ویژه‌ای برخوردارند. همچنین محراب‌های کاشی‌کاری ایران مانند محراب زیبای مینایی و محراب مسجد میر عمادی کاشان، از نمونه‌های بسیار عالی در ایران و جهان هستند.



**کتیبه‌ها:** یکی از بارزترین عناصر نمادی معماری اسلامی، به ویژه در مساجد و مقابر هستند. کتیبه‌های قدیمیتر از آجرچینی و گچبری‌ها و کتیبه‌های جدیدتر با کاشی معرق و یا کاشی خشت اغلب به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی و بعضاً کتیبه‌های حجاری شده از سنگ مخصوصاً سنگ مرمر نیز دیده می‌شوند.



**نورگیرها:** اطراف گنبد و یا در ساق یا ساقه آن نورگیرهای زیبایی دیده می‌شود. این پنجره‌ها که معمولاً در بغل ایوان‌ها نیز به وجود آمده‌اند و اصطلاحاً به آن «پاچنگ» می‌گویند، در اکثر مساجد قدیمی جزو عناصر همراه مسجد هستند. نورگیرها از مصالح کاشی معرق، سنگ، آجر، کاشی و چوب ساخته می‌شوند و دارای نقوش اسلیمی یا هندسی هستند.

پنجره شبستان شمالی صحن حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده سهل بن علی (ع) بین قم و کاشان، از شاهکارهای هنری ایران محسوب می‌شوند.

جنس پنجره‌های نورگیر در هند و پاکستان از سنگ مرمر است. یکی از زیباترین پنجره‌های نورگیر، پنجره‌های مشبک چوبی است، مانند پنجره‌های محل نگهداری نخل در ایبانه.



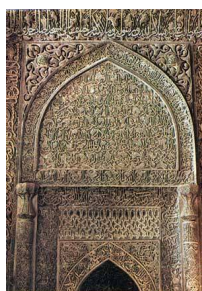
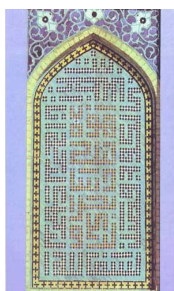
**ازاره ها:** از سطح زمین به فاصله یک متر و کمی بیشتر، کتیبه ای از سنگ یا کاشی، تقریباً تمامی بناهای اسلامی و مساجد را به ویژه در محوطه ایوان و شبستان پوشانده است که به آن «ازاره» می گویند. ازاره های مسجد امام (مسجد شاه سابق) و مدرسه چهارباغ اصفهان و مسجد جامع اصفهان از مرمرهای مرغوب هستند. گاه لبه های بالایی ازاره ها را مختصری تزیین می کردند.

**مقرنس کاری:** مقرنس ها بیشتر در زیر نیم طاق کروی شکل ایوان ها و نیم طاق های محراب ها عملکرد دارند.



مقرنس های لانه زنبوری و مقرنس های کاسه ای از معروف ترین انواع مقرنس هستند. عالی ترین کار مقرنس کاری متعلق به دوره صفوی مربوط به ایران ورودی مسجد امام (مسجد شاه)، مدرسه چهار باغ و مسجد شیخ لطف الله است که هر سه از نوع لانه زنبوری هستند.

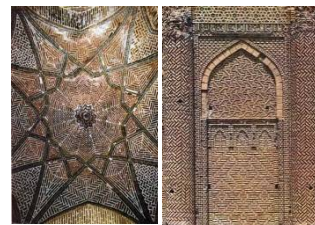
مقرنس کاری ایوان ورودی مسجد جامع یزد و ایوان شرقی مسجد جامع اصفهان از نوع مقرنس کاری کاسه ای است.



**گچ بری:** از گچ در سقف بسیاری از زیر ایوان ها به صورت مقرنس و رسمی بندی و یا کاربرندی به خوبی استفاده کرده اند. به ویژه در کتیبه های ایوان ها و زیر گنبدها، گچ کارکرد مناسبی برای این اقدام دارد. اما مهمترین نقش گچ، در محراب های زیبا و باشکوه ایران است که نمونه های چنین محراب هایی را در مسجد جامع اصفهان (محراب اولجاتیو) می توان مشاهده کرد.

**آجر کاری و گره چینی:** در دوره اسلامی به ویژه در عهد سلجوقی علاوه بر استفاده کاربردی از آجر، آن را به عنوان تزیینات بنا و مخصوصاً در نماسازی به کار می بردند. همچنین برای طرح های کاربرندی و گره سازی حداکثر استفاده از آجر شده است.

نمونه های زیبای این آجرکاری ها را می توان در ضلع شرقی صحن مسجد جامع نایین، نماسازی برج های خرقان قزوین و ایوان مسجد جامع اصفهان مشاهده کرد. یک نمونه دیگر از کار گره چینی با آجر که بسیار جالب توجه است، کاربرندی با آجر در سقف مسجد جامع بروجرد است.



**درهای چوبی و فلزی:** اکثر امامزاده ها و زیارتگاه ها دارای درهای چوبی بسیار نفیس اند که روی آنها با انواع منبت و معرق چوب کار شده است. چوب این درها از درخت چنار یا گردو است که حشرات چوب خوار به آسانی نمی توانند در آن رخنه کنند.

### عناصر تزئینی و آیینی منقول در بناهای مذهبی:



به طور خلاصه در این بخش می توان از منبرهای قدیمی و رحل ها و سنگ آبه ها و زیلوهای قدیمی در مساجد نام برد. سنگ آبه ها، ظروف سنگی بزرگی بودند که در داخل آنها آب آشامیدنی سالم ریخته می شد تا مردم از آب های دیگر برای رفع تشنگی استفاده نکنند، زیرا آب های معمولی آلوده بودند.

مساجد مهمترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته اند. اقامه نماز جمعه، مراسم مذهبی، ایراد خطبه ها و تدریس در مساجد انجام می گرفت؛ زیرا مسجد بهترین مکان برای ابلاغ فرامین حکومت به مردم بود. کتیبه های باقیمانده بر دیوار بعضی از مساجد (مسجد جامع قزوین و مسجد جامع کاشان) حاوی وقف مکانهایی برای توسعه و تعمیرات مساجد از طرف واقف یا حکمران است. اغلب مساجد در مرکز شهرها، نزدیک بازارها و محدوده دارالحکومه ساخته می شدند و اگر شهری به بیش از یک مسجد نیاز داشت، مساجد دیگری از طرف حکومت یا افراد خیر، احداث می شد. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر شهری مسجد جامع یا آدینه نداشت، اهمیت شهری هم نداشت. در صدر اسلام مساجد نقشه های ساده ای داشتند، ولی در طول زمان با طرحهای گوناگون و تزیینات مختلف، نقشه ها پیچیده شدند. در نقشه مساجد، از قرن چهارم هجری دگرگونیهایی به وجود آمد و بر اساس آن، مساجد متفاوت در شهرها احداث شد. مهمترین نقشه هایی که در مساجد به کار گرفته شده، شامل یک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی، و ترکیب چهار طاق و ایوان بوده که معماران دوره اسلامی آنها را از شیوه های معماری عهد اشکانی و ساسانی اقتباس کرده اند. مثلاً نقشه چهار ایوانی - در ساخت بسیاری از بناها - الهام گرفته از نقشه کاخ آشور، متعلق به زمان اشکانیان است. معماران دوره اسلامی مسجد را به شیوه های گوناگون می آراستند. در هر دوره یکی از عناصر تزئینی در آراستن مساجد متداول بوده است؛ برای مثال در عهد سلجوقیان آجرکاری، در عهد ایلخانیان گچبری و در عهد تیموریان و صفویان کاشیکاری رواج بیشتری داشته است و در مواردی نیز تزیینات آجرکاری، گچبری و کاشیکاری با هم به کار گرفته می شد.

**مدارس علوم دینی:** از جمله این مدارس، مدرسه مشهور چهارباغ (مادر شاه) اصفهان است که مربوط به دوره صفوی و به دستور مادر شاه سلطان حسین ساخته شده است.

مدارس دینی در عصر قاجار رونق دوره صفویه را نداشتند. از جمله مدارس این دوره، مدرسه شهید مطهری (مدرسه سپهسالار)، مدرسه صدر در تهران و مدرسه امام خمینی (سلطانی سابق) در کاشان، مدرسه غیاثیه خرچرد خواف در خراسان و مدرسه جده بزرگ در اصفهان می باشند.



## راهنمای گردشگری عمومی

**معماری مدارس:** مدارس نیز از جمله فضاهای معماری هستند که برابر خصوصیات جغرافیایی و آب و هوایی هر منطقه احداث می شوند. یکی از مهمترین عناصر فضایی یک مدرسه، حجره های آن است. قرار گرفتن حجره ها در چهار جبهه بنا، موجب تکوین شکل خاصی می گردد.

یکی از مدارس مشهور دوره ساسانیان، مدرسه جندی شاپور، در اهواز است. همچنین پایتخت ساسانیان یعنی بخارا دارای تعدادی مدرسه بوده است. در دوره صفویه و قاجاریه به تدریج مدرسی برای تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان دایر شد، از آن جمله مدرسه دارالفنون تهران که به دستور و همت میرزا تقی خان امیرکبیر ساخته شد و در واقع یک مرکز دانشگاهی بود. شکلی که کم و بیش آن را در کاروانسراها و خانقاه ها نیز می توان دید.

عناصر عملکردی مدارس عبارت اند از: حجره محل اقامت طلبه ها، مدرس محل تدریس استادان، کتابخانه، مسجد، اتاق های خادم، چراغ دار، سقا، آبکش و سرویس های بهداشتی.

در صدر اسلام تدریس علوم مذهبی در مساجد انجام می شد. بتدریج با توسعه علوم اسلامی، فضای آموزشی از مساجد جدا گشت. در قرن پنجم هجری (همزمان با حکومت سلجوقیان) به تشویق خواجه نظام الملک، مدارس متعددی در شهرهای معروف اسلامی مانند بغداد، ری، نیشابور و جرجان ساخته شد. بعدها نقشه چهار ایوانی، که مورد توجه معماران قرار گرفت، برای فضاهای آموزشی طرحی متعارف شد. در اطراف ایوانها، حجره هایی به صورت یک یا دو طبقه برای استفاده و اقامت شبانه روزی دانشجویان و طلاب علوم دینی ساخته شد. غیر از ساعات تدریس، از مدارس به عنوان مسجد نیز استفاده می کردند. مدارس نیز همانند مساجد با آجرکاری، گچبری و کاشی کاری تزئین می شد(مانند مدارس غیاثیه، چهار باغ و مطهری).

### زیارتگاه ها و آرامگاه ها

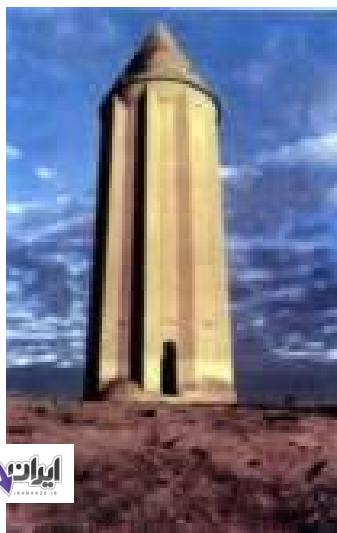
زیارتگاه ها و آرامگاه های ایران به شرح زیر تقسیم بندی می شوند:

۱- زیارتگاه ها و مقابری که منتسب به فرزندان و اقوام نزدیک امامان معصوم اند؛ مانند آستانه حضرت معصومه (سلام الله علیها) در قم، زیارتگاه شاه چراغ برادر امام رضا در شیراز، شاهزاده حسین در قزوین و مرقد سلطان علی بن امام محمدباقر در شهر اردهال کاشان.

۲- زیارتگاه ها و مقابری که مخصوص علم و فضیلت و نام آوران دینی و مذهبی و یاران ائمه اطهارند؛ مانند خواجه ربیع و خواجه اباصلت در مشهد و شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری.

۳- آرامگاه و زیارتگاه ادیبان و شاعران و عارفان و دانشمندان؛ مانند آرامگاه شیخ عطار و خیام در نزدیکی نیشابور.

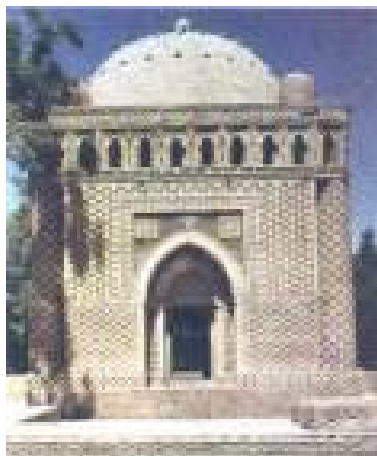
۴- آرامگاه هایی که مخصوص پادشاهان، امرا و حکام و فرمانروایان ایران است؛ مانند گنبد کاووس یا قابوس در شهر گنبد قابوس در استان گلستان، مقبره طغرل سلجوقی (برج طغرل) در شهر ری و گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان که در کنار و



چسبیده به آن در محلی به نام «تربت خانه» مقبره سلطان محمد خدابنده (اولجاتیو از پادشاهان مغول) واقع است. اما قدیمیترین مقبره تاریخ دار مربوط به ایران، مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا است. این بنا سرشار از آجر کاری های متنوع است که مانند حصیر به هم بافته شده و گنبد آن شبیه گنبدهای ساسانی است.

۵- برخی از اماکن مقدس به دلیل وجود آثاری که در آنهاست، موجب تیرک و تیمن گشته اند؛ مانند زیارتگاه قدمگاه در نزدیکی نیشابور و زیارتگاه جمکران در نزدیکی قم.

### معماری مقابر



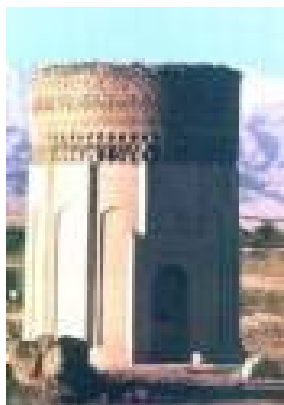
بسیاری از بناهای مقابر منفرد و تک بنا هستند؛ یعنی فقط از گنبد و فضای زیر گنبد که محل قبر یا ضریح متوفی است تشکیل شده است. مانند مقبره ملاحسن کاشی در سلطانیه، مقبره شیخ عطار در نیشابور و مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا.

بیشتر مقابر شامل برج مقبره ای هستند. نمای بیرونی این برج ها اغلب با آجر، نماسازی و بدنه بنا به صورت مضرّس دندان، دندان تزیین شده است. معمولاً کتیبه ای آجری یا آجر لعابدار به صورت انواع خطوط کوفی در قسمت فوقانی بدنه دورتا دور گنبد وجود دارد که نام متوفی، بانی و تاریخ بنا در آن ذکر شده

است. مانند برج مهماندوست در دامغان، برج رادکان در نزدیکی گرگان، برج لاجیم در سوادکوه مازندران. تاریخ کتیبه برج لاجیم ۴۱۳ هجری و محل دفن یکی از امرای طبرستان (مازندران کنونی) است و احداث بنای آن مربوط به دوره آل زیار است.

از دیگر برج مقبره های معروف ایران گنبد قابوس است که در شهر گنبد قابوس در استان گلستان قرار دارد و مربوط به قرن چهارم هجری می باشد. این برج مدفن "قابوس بن وشمگیر" از پادشاهان آل زیار است.

معروفترین بنای مجرد در ایران، تک بنای مشهور گنبد سلطانیه است که در سر راه قزوین به زنجان قرار گرفته است



و به دلیل ارتفاع زیاد بنا از سطح زمین (۵۲ متر زیر گنبد با کف) و حجیم بودن آن جزو اولین بناهای عظیم و معروف جهان به شمار می رود. این بنا به دستور سلطان محمد خدابنده (اولجاتیو) در دشت سرسبز سلطانیه ساخته شده است. گنبد آن، دو پوسته است و تمامی سطح خارجی آن با کاشی های آبی رنگ، پوشیده شده است. فضاهای اطراف گنبد با انواع و اقسام تزیینات گچبری و نقاشی زینت یافته و طرح نقشه بنا، هشت ضلعی است و اطراف آن را حیاط بزرگی احاطه می کرده است، اما تعداد زیادی از آرامگاه ها و مقابر از یک مجموعه معماری تشکیل شده اند؛ مانند مجموعه آستان قدس رضوی و مجموعه حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) و مجموعه شاه چراغ و ...



## راهنمای گردشگری عمومی

به طور کلی آرامگاه به بنایی گفته می‌شود که یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی در آن دفن شده باشد. این نوع بناها را به دو گروه مقبره های مذهبی (زیارتی) و مقبره های غیر مذهبی می‌توان تقسیم کرد. مقبره های مذهبی در بیشتر شهرها و روستاها به امامزاده معروف شده اند و در مقایسه با سایر بناهای اسلامی (بجز مساجد) از اعتبار ویژه ای برخوردارند. امامزاده ها بیش از دیگر بناهای دوره اسلامی مورد احترام و علاقه مسلمانان، بویژه شیعیان هستند. بناهای فوق در طول زمان توسعه یافته و از یک آرامگاه معمولی به مجموعه های بسیار با شکوهی تبدیل شده اند (مانند مجموعه بناهای مشهد، قم، بسطام و شیخ صفی).

مقبره ها اغلب با نقشه های مدور، مربع و هشت ضلعی با شیوه های گوناگون معماری احداث شده اند (مانند مرقد اسماعیل سامانی در بخارا، گنبد قابوس در دشت گرگان، برج رادکان در خراسان، برج علاء الدین در ورامین و بنای سلطانیه در زنجان). همانند سایر بناهای اسلامی مقبره ها نیز با آجرکاری، گچبری، کاشیکاری و آینه کاری تزیین شده اند. تنها در ایران دوره اسلامی است که ایجاد مقبره ها و زیارتگاهها از چنین سابقه طولانی و ویژگیهای معماری منحصر به فرد و تزیینات باشکوه برخوردار است. اینگونه بناها به نامهای برج، گنبد، بقعه و مزار نیز معروف شده اند (مانند برج رادکان، گنبد قابوس، بقعه شیخ صفی).

**خانقاه ها :** این اماکن، مخصوص تجمع عرفا و صوفیان و درویش است. بنای خانقاه مشابه بنای مدارس علوم دینی است و عناصر تشکیل دهنده آن عبارتند از: حیاط مربع و یا مربع مستطیل، با حوضی در وسط و چهار باغچه با صفا در چهار گوشه آن. در اطراف حیاط و در فاصله ایوان ها، حجره ها یا اتاق هایی ساخته شده که به اقامت سالکان طریقت و خادمان و مریدان اختصاص دارد. در هر خانقاه حجره هایی نیز به مسافران از راه رسیده اختصاص می‌دادند و در هر خانقاه حجره ای نیز به "پیر" اختصاص دارد. حجره و زوایای کوچکی نیز برای خلوت نشینی و چله نشینی در هر خانقاه وجود دارد؛ مانند زاویه «شاه نعمت الله ولی» در رواق جنوبی خانقاه شاه نعمت الله ولی در کرمان. سقف رواق شمالی مقبره شاه نعمت الله ولی با گچ، کاربردی زیبایی شده است. اصل بنای شاه نعمت الله ولی مربوط به عصر صفوی است.

در تهران خانقاه های صفی علیشاه، مشیرالسلطنه و ظهیرالدوله شهرت دارند. در شیراز خانقاه چهل تن و هفت تن از خانقاه های مشهور قدیمی هستند. در روستای بیدخت گناباد، مقبره نورعلیشاه، از خانقاه های بزرگ و مشهور است. از خانقاه های دیگر می‌توان به مقبره صفی الدین اردبیلی جد پادشاهان صفوی در اردبیل اشاره کرد که گنبد «الله الله» آن مشهور است. دیوار فضای اصلی این مقبره با مهارت و ظرافت، تنگبری شده و شبیه سالن مجموعه عالی قاپوست و به بنای چینی خانه معروف است.

### کلیسای سنت اسپانوس جلفا

این کلیسا در ۱۶ کیلومتری غرب شهر مرزی جلفا و به فاصله ۳ کیلومتری کناره های جنوب رود مرزی ارس و در روستای «دره شام» قرار گرفته است. نام این کلیسا از نام اسپانوس مقدس، شهید اول راه مسیحیت گرفته شده است؛ اما کلمه «سنت» یا «سانتا» به معنی مقدس است که همواره قبل از نام کلیسا آورده می‌شود. تاریخ بنای این کلیسا را

بعضی مربوط به قرن ۴ تا ۶ هجری می دانند و عده ای مانند "قارونیه" سیاح فرانسوی، آن را مربوط به دوره صفویه می دانند.

از کلیساهای معروف دیگر منطقه آذربایجان، کلیسای سهرقه، موجود مبار و قره کلیساست که از نظر ساختمانی، ساده تر و مختصرتر از کلیسای استپانوس مقدس است.

**کلیسای وانگ:** از بناهای مشهور دوران شاه عباس اول می باشد و به دلیل ایجاد موزه اختصاصی در محوطه این کلیسا، همواره مورد بازدید جهانگردان قرار می گیرد. فرم و طرح کلیساهای اصفهان، تفاوت کلی با سایر کلیساهای دارد. کلیسای وانگ در ناحیه جلفای اصفهان دارای گنبدی است که شکل و مایه گنبد مساجد ایرانی را دارد و بنا به آجر ساخته شده است.

کلیسا در محله ای به نام میدان بزرگ در منطقه جلفا و وسعت آن ۸۷۳۱ متر مربع است. قسمت داخل کلیسا و محوطه ای که به زیر گنبد یا گنبدخانه می رسد، تماماً دارای آزاره کاشی کاری با کاشی های خشت هفت رنگ است. از حد فاصل آزاره های اطراف داخل کلیسا با سقف گنبد، نقاشی های بسیار زیبا دارد. موضوع این نقاشی ها عموماً داستان ها و وقایع زمان حضرت مسیح (علیه السلام) و فرشتگان و مقربان و قدیسین مسیحیت و از خلقت آدم تا تصلیب مسیح است.

کلیسا دارای یک برج ناقوس یا کتیبه ای است که نشان می دهد ساخت بنای برج ناقوس در زمان شاه سلطان حسین (آخرین پادشاه صفوی) انجام شده است. برج ناقوس دو طبقه و بنای آن دارای تزئینات کاشی کاری و مقرنس کاری است.

**حسینیه ها:** تاریخ آغاز بنای حسینیه ها را مربوط به زمان حکومت صفویان می دانند که پذیرش مذهب تشیع در میان ایرانیان عمومی شد. کارکرد حسینیه ها در ایام سوگواری امام حسین (علیه السلام) و یارانش در واقعه کربلا است و بقیه اوقات سال از آن استفاده نمی شود. حسینیه ها یک در دارند و معمولاً سرپوشیده اند یا سقف آنها را در ایام سوگواری با چادرهای بزرگ می پوشانند.

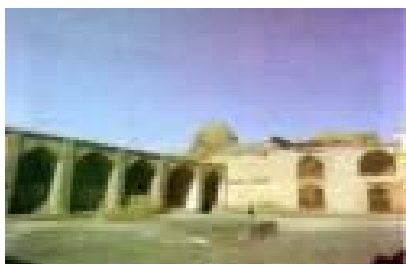
**تکایا:** عملکرد مذهبی تکیه و حسینیه کم و بیش یکسان است؛ ولی تکیه کارکرد وسیعتری نسبت به حسینیه دارد. تکایا صرفاً مذهبی نبوده و بلکه نمایشهای آیینی و حماسی نیز در آن انجام می شده است. از نظر فرم و شکل معماری نیز تکایا کاملتر از حسینیه ها هستند. تکایا به صورت معمولی فضایی باز هستند، اما بعضی از تکیه ها سرپوشیده اند؛ مانند دو تکیه بالا و پایین بازار تجریش که هر دو سرپوشیده اند.

**معماری تکایا:** در وسط صحن تکیه، سکویی بلندتر از سطح زمین (حدود ۱ متر) تعبیه شده است که دایره یا هشت ضلعی است و قطر آن بین ۶ تا ۸ متر است که به منزله فضای نمایش می باشد. نمایش هایی نظیر رستم و سهراب، واقعه مرگ سیاوش و ... بالاخره نمایش های مذهبی و آیینی که همان تعزیه خوانی است. در اطراف صحن حیاط،

## راهنمای گردشگری عمومی

اتاق یا حجره هایی در دو طبقه ساخته شده است که حجره های پایین، ویژه مردان و غرفه های بالا مخصوص بانوان است. یکی از تکایای مهم ایران «تکیه دولت» در شهر تهران بوده که دستور ساخت آن در زمان ناصرالدین شاه صادر شده است.

یکی دیگر از تفاوت های تکیه با حسینیه در آن است که تکایا به چند گذر اصلی ختم می شوند، مانند تکیه بالای تجریش که به چهار گذر اصلی می رسد.



**مصلاها:** فضاهای وسیعی هستند که در گذشته برای اجرای فریضه نماز جمعه و نمازهای اعیاد در خارج از شهر احداث می شد. مصلاهای یزد که در تاریخ جعفری در قرن نهم از آن به نام «مصلاهای عتیق» نام برده شده است، یکی از این مصلاهاست. احداث آن را مربوط به دوره آل مظفر می دانند. فضای این مصلا به شکل دوزنقه است. مصلاهای معروف دیگر، مصلاهای سبزوار است که به شکل دایره بوده است.

در بسیاری از شهرهای اسلامی در مواقع خاصی مانند محرم، صفر و رمضان مراسم دعا، روضه و سوگواری برگزار می شده است. این مراسم بیشتر در مکانهایی معروف به تکیه و حسینیه برقرار بوده است. به طور کلی تکایا و حسینیه ها مکانهای محصور بودند که در مسیر گذرگاههای اصلی شهرها قرار داشتند. از این مکانها بویژه در ایام سوگواری - خصوصاً محرم - برای مراسم تعذیه خوانی، پرده خوانی و سینه زنی استفاده می شد. در این ایام مکان را سیاهپوش کرده، آن را با طوق و نخل و علامت و کتل، آذین می کردند. مصلاهای اغلب در خارج از شهرها قرار داشت و برای اقامه نماز عید فطر و قربان از آن استفاده می شد. اینگونه بناها دارای طرح و نقشه خاصی نبودند و با توجه به مکانهای شهری و عمومی در گذرگاهها، میدانها و راسته بازارها ساخته می شدند. همچنین این مکانها فاقد تزیینات معماری بودند (مانند امیر چخماق یزد، پهنه و ناسار سمنان و گذر حاجی محله کاشان).



**پل ها:** قدیمی ترین پلی که امروز ایجاد آن را به اورارتورها نسبت می دهند، بر روی رود ارس که رود مرزی بین ایران و شوروی سابق است، بسته شده است.

در دوران هخامنشی نیز چند پل کشف شده که تعدادی از آنها، در محدوده کاخ ها و باغ های پاسارگاد، در قرن های چهارم و پنجم قبل از میلاد بنا شده اند.

در دوره ساسانی پل های متعددی در ایران ساخته شد. پل و سد بیستون، بند قیصر (پل والرین) در شوشتر، پل کشکان بر روی رود کشکان در ۵۲ کیلومتری خرم آباد، پل شکسته خرم آباد یا طاق پیل یا «پل شاپور» در خرم آباد و پل دختر در شمال غربی اندیشمک از پل های عهد ساسانی هستند.

## راهنمای گردشگری عمومی



قدیمیترین پل و سد دوره اسلامی را بند امیر می دانند که ۱۵ کیلومتری جنوب تخت جمشید واقع است و در دوره آل بویه ساخته شده است .

در دوره سلجوقی نیز تعدادی پل ساخته شد. از قدیمی ترین پل های سلجوقی پل شهرستان در اصفهان است که بعضی معتقدند بر روی

پایه های یک پل ساسانی بنا شده است. سنگینی این پل را با ایجاد طاق های کوچک در فاصله طاق های بزرگ روی پایه ها تقسیم کرده اند.

در دوره تیموری در منطقه قافلانکوه و بر روی روخانه قزل اوزن در نزدیکی زنجان، پلی از دوران تیموری بسته شده است که پل قافلانکوه نام دارد و مربوط به قرن نهم هجری است.

در دوره صفوی نیز پل هایی ساخته شده که از معروفترین آنها پل جاجرود بر روی رودخانه جاجرود است. پل الله وردیخان (سی و سه پل) نیز که به طول ۲۹۰ متر بر روی رودخانه زاینده رود ساخته شد، مربوط به دوره صفوی است. از پل هایی که در دوره قاجار ساخته شد، می توان به پل بلده بر روی رودخانه نور در شرق بلده اشاره کرد. در زمان رضاخان نیز پل های زیادی احداث شد که مهمترین آنها پل ورسک در شمال ایران است.

پلها و آب بندها از بناهای غیر مذهبی هستند که در ادوار گذشته در مسیر جاده های کاروانی، راهها و روی رودها ایجاد شده اند. مهمترین پلها در مسیر جاده های کاروانی و جاهایی که طغیان آب رودخانه ها غیر قابل کنترل بوده، بنا شده اند. از دوران بسیار کهن، هنگامی که بشر توانست آب را مهار کند و مسیر آن را مشخص سازد و از تنه درختان برای عبور و مرور از عرض رودخانه استفاده کند، کار پل سازی آغاز شده است. معماران ایرانی در احداث پلها علاوه بر تسهیل امر عبور و مرور، ایجاد آب بندها را در نظر داشته اند. مشاهده قدیمیترین پلها یعنی پل بردیده از دوره هخامنشیان در جلگه مرو دشت، بیستون در کرمانشاه از دوره ساسانیان، بند امیر در فارس از دوره آل بویه و پل خواجوی اصفهان، مؤید این نکته است که معماران در امر پل سازی علاوه بر گذر از رودخانه، به ذخیره کردن آب نیز توجه داشته اند. ایران در دوره باستان و دوره اسلامی سهم قابل توجهی در توسعه پل سازی - از قرن هشتم ق.م. تاکنون - به عهده داشته است. بقایای پلها و سدها نشان دهنده نوع معماری آن زمان است. ذوق و سلیقه معماران ایرانی در تزیین پلها نیز قابل توجه است؛ بعضی از پلها دارای تزیینات آجرکاری و کاشیکاری است (مانند پل خواجوی اصفهان).

**کاخ ها :** ایجاد بنای بزرگ یا کاخ سازی در این سرزمین به اواخر هزاره دوم قبل از میلاد مربوط است. در میان صفحات تاریخ معماری ایران، در کاخ سازی هخامنشی، سه دوره متمایز وجود دارد که اولین دوره از سال ۵۵۰ قبل از میلاد در طراحی یکی از کاخ های پاسارگاد با ایجاد یک تالار بزرگ که به صورت یک مستطیل بزرگ که دارای سه معبر است، آغاز می شود. قسمت شرقی آن کاملاً طولانی و ستون دار است و دو اتاق شبیه برج - در گوشه شمال غربی و جنوب غربی آن ساخته شده است.

## راهنمای گردشگری عمومی

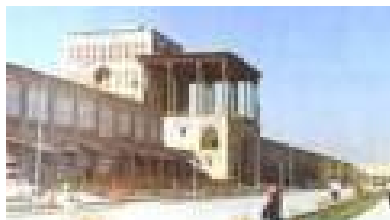
دوره دوم از سال ۵۲۰ قبل از میلاد شروع می شود که نمونه بناهای مربوط به این دوره را در دشت گوهر که میان نقش رستم و تخت جمشید واقع است ایجاد کرده اند. نمونه معماری دوره هخامنشی را در کاخ های آپادانای تخت جمشید و کاخ شوش می بینیم. چهار برج پیش آمده نسبت به سایر قسمت ها در گوشه های بنا تعبیه شده است.

**کاخ های اشکانی:** اشکانیان مردمی سلحشور و جنگجو بودند و به کاخ سازی توجه زیادی نداشتند. سه بنای معروف کاخ مانند دوره اشکانی عبارتند از: کاخ نسا در عشق آباد ترکمنستان، کاخ هترا در بغداد و کاخ کوه خواجه در سیستان و بلوچستان.

**کاخ های ساسانی:** مهم ترین کاخ های عصر ساسانی عبارتند از: کاخ بیشاپور، فیروزآباد، تخت سلیمان و سروستان.



**کاخ سازی در دوره اسلامی:** با ظهور اسلام، فرم و شکل کاخ سازی ایرانی تغییر یافت و عناصر اسلامی و عربی در ساخت کاخ های اسلامی ایران تأثیر گذاشت.

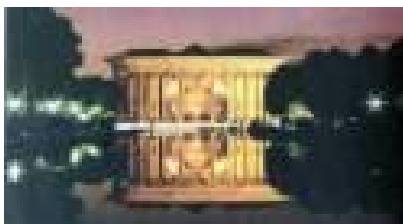


از جمله استفاده زیاد از قوس های شکسته و تیزه دار.

اکثر این کاخ ها در شهر تاریخی اصفهان واقع اند و مربوط به دوران صفوی هستند. از کاخ های صفوی در اصفهان، می توان به تالار اشرف، بنای عالی قاپو، کاخ هشت بهشت و کاخ چهل ستون اشاره کرد.

در قزوین طرح یک کاخ صفوی در داخل محدوده فعلی شهر قرار دارد که فقط سر در (عالی قاپو) آن همراه با یک کوشک باغی که در زمان قاجاریه تغییراتی در آن داده شد، مشاهده می شود. این کوشک توسط شاه طهماسب دومین پادشاه صفوی، که در زمان او قزوین پایتخت ایران بوده، بنا شده است. کوشک عبارت است از بنایی با یک فضای مرکزی که چهار ایوان در اطراف و چهار برج در گوشه های آن واقع شده و اطراف آن را راهرویی مسقف و ستون دار احاطه کرده است.

ساخت بنای عالی قاپو (درب عالی) در میدان نقش جهان اصفهان توسط شاه طهماسب به صورت کوشکی سه طبقه آغاز شد، اما شاه عباس پس از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان، عالی قاپو را به شکل امروزی خود گسترش داد. محل استقرار پادشاهان و درباریان برای تماشای جشن ها و بازی های ورزشی، بر سر در این بنا قرار داشته است. عالی قاپو، کاخی است با دری با شکوه که تاریخ بنای آن به عصر تیموریان می رسد. این بنا را می توان مقر حکومتی دولت صفویه دانست.



کاخ چهل ستون از یک تالار اصلی پر از نقش و نگارهای روغنی و یک تالار مسقف باز در جلوی آن و یک استخر بزرگ آب تشکیل شده است. سقف این تالار بر بیست ستون استوار شده است که بازتاب تصویر این



## راهنمای گردشگری عمومی

ستون ها در آب، مجموعه ای از چهل ستون را تشکیل می دهد و به همین دلیل این بنا را چهل ستون نامیده اند. کاخ هشت بهشت عبارت از یک هشت ضلعی نامنتظم در مرکز است. در چهار سمت فضای میانی هشت ضلعی که در وسط واقع شده، چهار ایوان و روی چهار ضلع دیگر اتاق هایی ساخته شده است.



کاخ صفوی باغ فین کاشان همراه با باغ بزرگ و ملحقات جانبی از تلفیق معماری و هنر باغ سازی صفوی محسوب می شود. کاخ صفی آباد در بهشهر نیز طرحی شبیه کاخ های صفوی دارد. کاخ نادرشاه به نام «قصرخورشید» نیز که در کلات نادری واقع است تنها بنای کاملی است که از نادرشاه باقی است. در قرن یازدهم (ه.ش) توسط کریم خان کاخی بنا شد که به «ارگ کریمخانی» شهرت دارد.

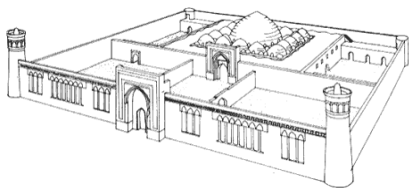
طرح این بنا یک فضای مرکزی چهار ایوانه با چهار اتاق در گوشه هاست. در قرن دوازدهم (ه.ش) که تهران پایتخت شد، پادشاهان قاجار در بخش شمالی هسته مرکزی آن زمان شهر، شروع به ساختن تعدادی بنا کردند. این محل بعدها «ارگ» نامگذاری شد. مهمترین این بنا ها کاخ گلستان است. قاجاریه تعدادی کاخ بیلاقی در اطراف تهران بنا کردند که مهمترین آنها عبارتند از: کاخ صاحبقرانیه در نیاوران، کاخ شهرستانک و کاخ فرح آباد در شرق. در دوره پهلوی نیز کاخ هایی ساخته شد که بیشتر آنها از معماری غربی اقتباس شده اند. یکی از کاخ های دوره پهلوی که تقریباً شکل بناهای سنتی ایران را دارد، کاخ سبز در مجموعه سعدآباد شمیران است. تعدادی کاخ به ویژه در شمال ایران ساخته شد که تماماً شکل غربی دارند. مانند کاخ میان پشته، در بندر انزلی و کاخ سرودسر و کاخ رامسر.

احداث کاخها در ایران به گذشته های بسیار دور باز می گردد. مفهوم امروزی کاخ با مفهوم این کلمه در گذشته متفاوت است. در گذشته بناهایی منفرد با نوعی معماری برتر از دیگر بناها احداث می گردید که کاربردهای متعددی داشت؛ مثلاً، ممکن بود زمانی به عنوان معبد و نیایشگاه و گاه به جای قلعه دفاعی و سرانجام برای سکونت حکمرانان استفاده شود (چغازنبیل). بتدریج ماهیت این بناها تغییر یافت و کاخها یا قصرها در ایران مقرر حکومت سلسله های مختلف شد؛ برای مثال در زمان هخامنشی تخت جمشید، در زمان اشکانی کاخ آشور، در زمان ساسانی تیسفون و کسری و سروستان را می توان نام برد. در دوره اسلامی اینگونه بناها بتدریج برای سکونت و امور حکومتی استفاده گردید. از صدر اسلام کاخ یا بنای با شکوهی که در مقیاس برتر ساخته شده باشد، به جای نمانده است. شیوه معماری کاخ العمره و کاخ المشتی - که در زمان امویان احداث گردید و بقایای آن هنوز پابرجاست - از شیوه هنری عهد ساسانی اقتباس شده است. از زمان صفوی احداث کاخها، وارد مرحله تازه ای شد و در پایتختهای سه گانه آنها (تبریز،

## راهنمای گردشگری عمومی

قزوین و اصفهان) نمونه های جالب توجهی ساخته است. کاخهای چهل ستون، هشت بهشت و عالی قاپوی اصفهان، صفی آباد بهشهر، فین کاشان و فرخ آباد ساری از مهمترین نمونه های شیوه معماری عهد صفویان هستند. ایجاد کاخها به همین شیوه تا عهد نادرشاه (مانند کاخ خورشید کلات) و عهد قاجار (مانند کاخ صاحبقرانیه و شمس العماره) ادامه یافت. کاخها در ایران نقشه های گوناگونی داشته است؛ برخی کوشک مانند بوده اند (مانند هشت بهشت صفی آباد)، بعضی نقشه مربع و مستطیل داشته اند و برخی چند ضلعی بوده اند. مهمترین مسأله در ساختن کاخها، بویژه از عهد صفوی به بعد، تزیین با کاشیکاری، گچبری، آئینه کاری و سنگ کاری است.

**کاروانسراها :** ساده تر از همه چنین می توان گفت که کاروانسرا ساختمانی است که کاروان را در خود جای می دهد و بزرگترین نوع ساختمانهای اسلامی است. پلان آن معمولاً مربع یا مستطیل شکل است، با یک ورودی برجسته عظیم و بلند، معمولاً ساده و بدون نقش، با دیوارهایی که گاهی اوقات بادگیرهایی در انتهای آن تعبیه شده است. یک دالان با طاق قوسی که مابین ورودی و حیاط داخلی قرار گرفته است، فضای کافی را برای جا دادن حیوانات بارکش فراهم ساخته است. بر روی سکوی برآمده ای که در پیرامون این حیاط قرار گرفته است، طاقگان هایی واقع شده اند که نمای داخلی را مفصل بندی کرده اند. در پشت آنها حجره های کوچکی برای منزل دادن مسافران تعبیه شده است. در کاروانسراهای دو طبقه، از حجره های پایینی برای انبار کردن کالاها و از حجره های بالایی برای منزل دادن مسافران استفاده می شد.



با این حال، تمامی این نوع ساختمان ها و عملکرد ها، کاروانسرا نامیده نمی شوند. تا به

امروز، بسیاری از آنها به عنوان رباط تشریح شده اند. این لغت از ریشه عربی رباط است که یکی از معانی آن افسار کردن اسب است. البته تصور توقفگاه کوتاهی که در وجود این لغت نهفته است، دلیل مناسبی برای انتخاب این نام به نظر می رسد، اما رباط معنی تخصصی تری را در بر دارد. این واژه در اواخر قرن چهارم ه. ق بیانگر نوعی دژگونه است که به عنوان مبنایی برای تداوم جهاد، مورد استفاده قرار می گرفت. بیشتر نمونه های سالم مانده از این نوع ساختمان در مغرب یافت می شوند، مانند مونسیر، سوسه، طافرطست و طیط.



دلاوران دین در چنین ساختمانی، برای اقامت کوتاه مدت بر ضد کافران گرد می آمدند. رباط ها در سراسر جهان اسلام ساخته می شدند. با توسعه مرزهای اسلام و برقراری

آرامش نسبی، فعالیت دلاوران دین (غازیان) کاهش یافت. اما ساختمانهایی که مورد استفاده آنها بود، باقی ماند. احتمالاً تبدیل رباط برای استفاده در زمان صلح، مستلزم کار زیادی نبوده است. بنابراین زیاد تعجب آور نیست که این واژه نیز بر کاروانسرا دلالت داشته باشد. واژه دیگری که به چنین بنا هایی اشاره دارد، «خان» است که در مناطق

ترک زبان به آن «هان» می گویند. معنای اصلی این واژه، هم در عربی و هم در فارسی، خانه است. بنابراین، ویژگی های ریشه این واژه را می توان دست کم در تعدادی از ساختمان های اولیه ای جستجو کرد که به خانه ای برای رفع نیاز مسافران شباهت داشتند. در زیر به اختصار تفاوت های چنین بناهایی عنوان می شود:

**ساباط :** این واژه که به بسیاری از زبان ها راه یافته، در فارسی کهن ریشه دارد. جزء اول آن، "سا" به معنای آسایش و جزء دومش پسوند "بات" نمودار ساختمان و بنا و عمارت است که در انتهای واژه های دیگری نظیر رباط، کاربات و خرابات آمده است. روی هم رفته، این واژه به جای آسایشگاه و استراحتگاه امروز به کار می رفته است. ساباط به کلیه بناهایی که به منظور آسودن به پا می شده، چه در شهر و چه در بیرون از آن اطلاق می شده. در شهرستان های جنوبی ایران هنوز هم این واژه در جای درست خود به کار می رود. این بناها عمدتاً به چند تختگاه، یک آب انبار و گاهی یک یا دو اتاق کوچک که تنها می توان به منظور رفع خستگی و اندکی آسودن مورد استفاده قرار داد ختم می شود. ساباط دارای سه تا هفت دهانه سرپوشیده است که دو سوی آن، تختگاه های کوچکی به اندازه یک تخت یا نیمکت قرار دارد و اغلب دهانه میانی آن، درگاه آب انبار است.



(نمای سه بعدی رباط شرف -  
قرن ششم هجری - خراسان)

**رباط :** این واژه به ساختمان های کنار راه و به ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می شود و از روزگاری بسیار کهن به زبان تازی راه یافته است. رباط علاوه بر حوض

و آب انبار، دارای اتاق های متعددی است که گرداگرد حیاطی را فرا گرفته و مسافران می توانند یک یا چند شب در آن بیاسایند.

**کاروانسرا :** به رباط های بزرگ و جامع کاروانسرا می گویند؛ چه در شهر و چه بیرون از آن واقع شده باشد. کاروانسرا علاوه بر اتاق و ایوان، دارای باره بند، طویله و انبار است و اغلب ورودی آن را بازار کوچکی به نام غلافخانه تشکیل می دهد و بر روی سر در آن چند اتاق پاکیزه قرار گرفته که به کاروانسالار اختصاص دارد. گاهی در دو سوی کاروانسرا، برجهایی قرار می گرفته که در مواقع ناامنی، مورد استفاده مدافعان و راهداران قرار می گرفته است. در زبان عربی واژه خان به جای کاروانسرا مورد استفاده قرار می گیرد.

**کاروانسراهای ایران :** کاروان سراها از یادگارهای پر ارزش معماری ایران هستند که به منظور ارتباط، نقل و انتقال های اقتصادی و انتظامی و از همه مهمتر، رفاه مردمی که سفر می کردند، بنیاد گردیده اند. کاروانسراها همچنین محل برخورد اندیشه ها و تبادل نظر درباره مسایل اجتماعی، خاطرات و آداب و رسوم و مسایل مذهبی اقوام مختلف بوده است.



در دوره سلجوقی به دلیل رونق گرفتن داد و ستد و تجارت کاروانسراهایی احداث شد که یکی از مشهورترین آنها «کاروانسرای شرف» است که به «رباط شرف» مشهور است. طرح این بنای هزار ساله که در نزدیکی شهر مرزی سرخس در شمال شرقی خراسان قرار دارد، دارای دو حیاط تو در تو با حجره و اتاق های متعدد برای استراحت کاروانیان است. شهرت این بنا بیشتر مربوط به تزیینات اجزای زیبا و متنوع آن است که در نماسازی آن به کار رفته است.

عصر طلایی و شکوفایی احداث کاروانسراها در ایران، دوره صفویه است. کاروانسرا سازی بعدها در دوره قاجاریه نیز ادامه یافت.

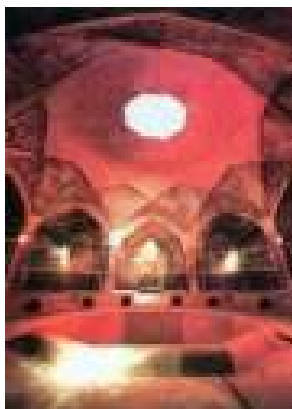
**ویژگی های معماری کاروانسراهای ایران :** در کاروانسراها، جایگاه هایی به صورت اتاق انفرادی که در مقابل آنها، ایوان های کوچکی قرار دارد دیده می شود. در پشت اتاق ها و گرداگرد کاروانسراها، محل نگهداری احشام و اصطبل چهارپایان واقع است. حصارهای کاروانسراها را ابتدا با خشت خام و بعد با آجر می ساختند. در چهار گوشه بنا، برج هایی به صورت نیم دایره پیش آمده، احداث می کردند و در آنها به دیده بانی می پرداختند. کاروانسراها فقط یک در ورودی و خروجی داشتند. ورودی ها دارای سر در و ایوان بودند که سقف بعضی از ایوان ها یک نیم گنبد ساده و برخی دیگر دارای تزیینات بودند. معمولاً ایوان ورودی دو طبقه و شاه نشینی در طبقه دوم برای اقامت بزرگان ساخته می شد. بقیه بنای کاروانسرا یک طبقه بود و معمولاً روی یک سکو یا صفا بنا می شد. دروازه یا ورودی کاروانسرا دارای در بزرگ دو لنگه و محکم از جنس چوب های چنار و گردو بود. هنگام شب از الوار برای چفت و بست کردن در استفاده می کردند. معمولاً ایوان های ورودی را با کاشی و آجر و یا گچ به صورت مقرنس های ساده تزیین می کردند و در کتیبه هایی که اطراف ایوان ورودی قرار داشت، نام بانی و سازنده و تاریخ ساخت کاروانسرا را ذکر می کردند. کتیبه ها در شیوه رازی بیشتر از آجر و کاشی و در شیوه های آذری و اصفهانی و در دوره قاجار اغلب از سنگ و کاشی است.

اتاق ها دارای در چوبی یک لته و بدون پنجره بودند. در جلوی اتاق ها ایوان کوچکی وجود دارد. سقف اتاق ها عموماً گنبدی شکل و پوشیده از لاشه سنگ و آجر و ساروج است.

نمای حیاط کاروانسراها از آجر و کف صحن حیاط، با قلوه سنگ مفروش شده و کف ایوان ها و اتاق ها را با آجر فرش می کردند و دیوار اتاقها اندود گچ داشت. در وسط حیاط مرکزی چاه و یا حوض آبی از سنگ بود و در وسط بعضی از آنها سکویی وجود داشت که بازرگانان کالاهای خود را روی آن عرضه می کردند.

ساخت کاروانسرا با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، از روزگاران قدیم در ایران مورد توجه خاص بوده است. به طور کلی کاروانسراها به دو گروه برون شهری و درون شهری تقسیم می شوند. توسعه راههای تجارتي و زیارتي باعث شده که در بین جاده های کاروانی در سراسر کشور، کاروانسراهایی برای توقف و استراحت کاروانیان بنا شود. موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در ایران از علل ازدیاد و گسترش این بناها بوده است. در ایران به فاصله هر چهار فرسنگ (۲۶ کیلومتر) کاروانسرای برای استراحت بنا شده است. زیارت شهرهای مذهبی مانند قم، مشهد و کربلا باعث شده بود تا کاروانسراهای متعددی در مسیر جاده هایی که به این شهرها منتهی می شود، احداث گردد (در مسیر خراسان بزرگ، غرب به شرق، کرمانشاه و مشهد). این راه ارتباطی مهم از غرب به شهرهای مذهبی

نجف و کربلا و از شرق به حرم حضرت رضا(ع) در مشهد متصل می شده است. همچنین در زمان صفوی برای رفاه حال زائران، کاروانسراهایی در این مسیر بنا شده که در حال حاضر بقایای پنجاه کاروانسرا باقی است. معماری کاروانسراهای ایران بسیار متنوع است. معماران با توجه به موقعیت اقلیمی سرزمین ایران، کاروانسراهایی با ویژگیهای گوناگون احداث کرده اند. در ساخت کاروانسراهای برون شهری از نقشه های چهار ایوانی، دو ایوانی، هشت ضلعی، مدور، کوهستانی و نوع کرانه خلیج فارس استفاده شده است. در احداث کاروانسراها مانند مساجد و مدارس بیشتر از طرح چهار ایوانی استفاده شده و اتاقهایی در اطراف حیاط، برای استفاده مسافران ساخته شده است. برخی از کاروانسراها با شیوه های آجر کاری، گچبری، و کاشیکاری مزین شده اند (مانند رباط شرف خراسان، کاروانسرای سپنج شاهرود و مهیار اصفهان).



**حمام ها :** برابر مدارک تاریخی سابقه شست و شو در ایران به قبل از زمان زرتشت مربوط است. هخامنشیان از حمام های خصوصی استفاده می کردند که یک نوع آن در تخت جمشید کشف شده و در کنار آن لوازم شست و شو مانند کاسه سفالین و گلابدان به دست آمده است.

در دوره اشکانی نیز نمونه هایی از حمام در کاخ آشور به دست آمده است. با ظهور دین مبین اسلام و تأکید این دین بر پاکیزگی، تحولی در زندگی مردم به وجود آمد.

مورخان تعداد حمام های ایران را بسیار نوشته اند. شاردن، سیاح فرانسوی در دربار صفوی در سفرنامه خود تعداد حمام های اصفهان را ۲۷۲ دستگاه ذکر کرده است. از حمام های معروف می توان حمام گنجعلی خان در کرمان و حمام وکیل در نزدیکی بازار وکیل شیراز را نام برد.

**معماری حمام ها :** حمام ها باید در جایی در مسیر آب روان ساخته می شدند و نیز خروجی فاضلاب آنها باید در نظر گرفته می شد. در حمام ها مسیر دسترسی به بنای اصلی حمام با طراحی های جالبی صورت می گرفت. به این ترتیب که هر فضا به وسیله راهرو هشتی مانند از فضای دیگر جدا می شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم گردد و به این ترتیب از ورود ناگهانی هوای سرد جلوگیری می کردند.

فضاهای تشکیل دهنده حمام عبارتند از:

۱- **ورودی :** سردر حمام ها معمولاً با آجر کاری، کاشی کاری و یا نقاشی روی گچ تزئین می شد. پس از پیشخوان، نخست فضای ورودی در ارتباط مستقیم با خارج قرار می گرفت، پس به وسیله راهرویی، باریک و پیچ دار که مانع از هدر رفتن دمای داخل حمام بود به یک دهلیز و از آنجا به بینه یا سربینه حمام می رسید.

۲- **بینه یا سربینه :** سربینه جایگاهی بود برای درآوردن لباس و نشستن و مانند سکویی دورتادور فضا را گرفته بود. یک قسمت از سکو وسیعتر و پر تزئین تر و تمیزتر از قسمت های دیگر بود که به آن شاه نشین می گفتند و مخصوص اعیان و بزرگان و دولتمردان بود. فضای سربینه معمولاً هشت گوش و چهار گوش و به ندرت دایره بود.

۳ - میان در : میان در دالانی پر پیچ و خم با سقف کوتاه بود که سرپینه را به گرم خانه مرتبط می کرد. معمولاً سرویس های بهداشتی نیز در حد فاصل این دالان قرار داشت.

۴ - گرم خانه : بعد از میان در به فضای گرم خانه می رسید. در گوشه ای از این فضا که محل تمیز کردن سر و بدن بود، خزینه آب گرم قرار داشت. خزینه فضای حوض مانند، با آب گرم بود که ابعاد آن متناسب با بزرگی و کوچکی حمام از ۱۲ الی ۲۵ متر مربع بود.

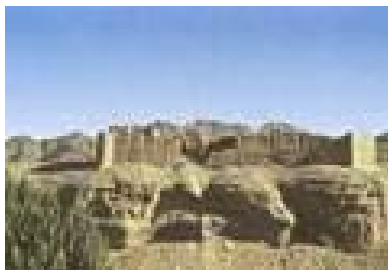
در کنار خزینه مخزن آب سرد قرار داشت. کف حمام ها با سنگ مرمر و یا ساروج پوشانده می شد و تمام قسمتهای گرم خانه و راهرو و سرپینه و هشتی، دارای ازاره بودند که از جنس سنگ یا کاشی بود. آهک بری به صورت ساده و رنگی از جمله تزیینات داخلی حمام ها به شمار می رفت.

حمامها از دیگر بناهای غیر مذهبی ایران است که در شهرها و روستاهای مختلف احداث شده است. در ادیان مختلف آیین شستشو، غسل و تطهیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. طبق مدارک موجود توجه به پاکیزگی و طهارت در ایران زمین به دوران قدیم حتی پیش از زرتشت می رسد. بنابراین نیاز بشر به محلی برای شستشو و تطهیر، موجب احداث حمامها شده است. طبق مدارک باستانشناسی از جمله قدیمیترین حمامها، حمامی در تخت جمشید از دوره هخامنشی و حمامی در کاخ آشور متعلق به دوره اشکانیان است. بعد از ظهور اسلام، پاکیزگی - بویژه غسلهای متعدد و وضو برای نمازهای پنجگانه - در زندگی روزمره مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار شد تا جایی که سخن گوهر بار رسول اکرم(ص) «النجافه من الایمان» شعار هر مسلمان گردید. در شهرهای اسلامی حمامها در گذرگاههای اصلی شهر، راسته بازارها و کاخهای حکومتی طوری ساخته می شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید. شاید بتوان گفت حمامها پس از مسجد و مدرسه یکی از مهمترین بناهای شهری محسوب می شدند. فضای اصلی هر حمام، شامل بینه، میان در و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. کف حمامها از سنگ مرمر و دیگر سنگها پوشیده شده بود. ازاره حمام با سنگ و کاشی تزیین می شد. از جمله تزیینات داخلی حمامها آهکبری به صورت ساده و رنگی بوده است (مانند حمام گنجعلیخان کرمان، کردشت میانه و خسرو آقا اصفهان).

**قلعه ها :** سرزمین ایران در گذشته ، به علت وضعیت جغرافیایی خاص که بین دو جلگه بین النهرین و پنجاب سند قرار گرفته، کشور رابطی بوده است که اقوام و طوایف مختلف برای دسترسی به شرق و غرب مجبور بودند از آن عبور کنند و در نتیجه همواره مورد تهاجم به ویژه از طرف شرق و شمال شرق بوده است. بنابراین در سرتاسر ایران، قلعه، برج و بارو، ارگ، خندق و دروازه می بینیم که هر کدام نمونه های کوچک و بزرگ از استحکامات نظامی است.

در نقاط مهم و گذرگاه ها و بر قله کوهها، دژهایی می ساختند تا بتوانند بر دشمن مسلط باشند. از جمله این دژها می توان دژ کوهستانی قلعه استخر و قلعه ارجان را نام برد.

## راهنمای گردشگری عمومی



معماری و مصالح ساختمانی قلعه ها : با توجه به تقسیم بندی قلعه های ایران به دو نوع جلگه ای و کوهستانی، مصالح ساختمانی آنها نیز متفاوت است. طرح اصلی قلعه های جلگه ای مربع یا مربع مستطیل است که در چهار گوشه آن برج های مدور برای دفاع ساخته شده اند. مصالح این قلعه ها خشت و گل است و به ندرت از آجر و گچ استفاده شده است. باروی این قلعه ها چینه ای است یا با خشت های قطور ساخته شده است. ضخامت بعضی از باروها به چهار متر هم می رسد. اطراف بعضی از قلعه ها خندق حفر می کردند و برای رسیدن به قلعه از پل متحرک بهره می گرفتند. بعضی از قلعه ها به دلیل امنیت آنها محل سکونت کشاورزان و روستاییان شد؛ مانند قلعه هنجن در سر راه نطنز به ایبانه. از قلعه های مشهور ایران، قلعه فلک الافلاک خرم آباد است که هم اکنون تبدیل به موزه شده است. آغاز خانه سازی بشر همواره با اندیشه دفاع در برابر دشمنان همراه بوده است و قلعه ها مظاهر بارز اندیشه دفاعی انسان هستند.

به طور کلی قلعه ها به دو گروه عمده تقسیم می شود:

### قلعه های کوهستانی و قلعه های دشت.

همانطور که در معرفی کاخها گفته شد، از یک بنا ممکن است استفاده های گوناگونی شود. از قلعه نیز در موقع آرامش و صلح به عنوان کاخ استفاده می شد. با این توضیح تحت جمشید را، با توجه به طراحی آن، می توان یک قلعه دانست. همچنین از تخت سلیمان در تکاب آذربایجان غربی - که مکانی مقدس بوده - گاهی به عنوان نیایشگاه و زمانی به عنوان کاخ استفاده می شده است. بزرگترین و مستحکمترین قلعه هایی که در ایران بنا شده، متعلق به فرقه اسماعیلیه است. این قلعه ها در بلندیهای رشته کوههای البرز بنا شده اند (مانند الموت، لمبسر، گردکوه، سارو و امامه). معماری اینگونه قلعه ها جنبه نظامی و دفاعی داشته و طرح و نقشه آنها ویژگیهای گوناگونی دارد. قلعه ها در صعب العبورترین بلندیهای کوهستانی بنا می شدند و چون طرح و نقشه ای از پیش آماده نداشتند، طراح یا معمار، حصارها، برجها، اتاقها و ورودیها را با توجه به موقعیت طبیعی صخره ها، احداث می کرد. به این علت اغلب قلعه های کوهستانی دارای طرح هندسی مشخص نبودند. مصالح ساختمانی قلعه ها بیشتر قلوه سنگ و آجر، و ملات آن ساروج و آهک بود. قلعه هایی که در دشت برای محافظت از کاروانها و یا برای استفاده سربازان بنا می شد، عمدتاً طرح هندسی مشخص داشتند و دارای نقشه های مربع، مستطیل، چند ضلعی و مدور بودند. این قلعه ها دارای برج و بارو بودند و مصالح ساختمانی آنها نیز از آجر و خشت بود (مانند قلعه گلی ورامین، میان گاله گرگان، قوشچی ارومیه و قلعه کهنه کرمانشاه). در قرن دوازدهم هجری ایجاد قلعه در گذرگاهها به شیوه گذشته متوقف شد و پاسگاهها و سربازخانه هایی به شیوه جدید احداث گردید. همچنین در کرانه خلیج فارس قلعه هایی با سبک معماری غربی ساخته شد (مانند قلعه های هرمز، خارک، قشم و بندر عباس).



## راهنمای گردشگری عمومی

**آب انبارها:** آب انبار از مخازن آب زیرزمینی است که برای رفع نیاز مردم به آب شرب و برای ذخیره سازی آب در بیشتر مناطق ایران ساخته می شود. آب انبارها از عناصر معماری زیر تشکیل شده اند.

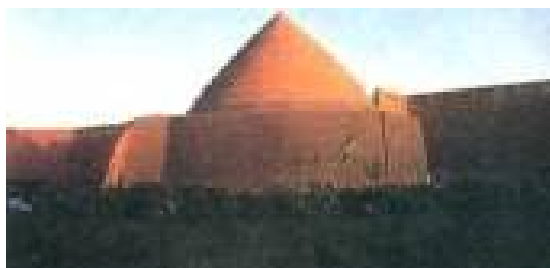
**سردر:** سردر به حفره یا فضای شیب داری منتهی می شود. معمولاً در سردر نام بانی و سازنده آب انبار ذکر می شود.

**پاشیر:** محل انتهای شیب آب انبار است که به وسیله پله های متعدد به آن دسترسی می یابند.

**مخزن آب انبار:** این بخش معمولاً در زمین سفت تعبیه می شود تا از ریزش دیواره های آب انبار جلوگیری شود. بعضی از آب انبارها دارای بادگیرهایی برای خنک کردن آب بودند.

آب انبارها تزئیناتی به جز سر در نداشتند. پله ها از مصالح آجر و بدنه نیز از آجر و طاق آب انبار که سقف های گهواره ای یا کژاوه ای است، تماماً از آجر و نحوه اجرای آن ضربی است. از آب انبارها می توان آب انبار سید اسماعیل در تهران، آب انبار معصوم خانی در نایین، آب انبار دو قلوی ۵ بادگیر در کیش و آب انبار روستای ابیان را نام برد.

موقعیت اقلیمی مناطق مختلف ایران تأثیر زیادی در ابداعات معماری این سرزمین داشته است. از روزگاران کهن در کنار طرحهای عمده تأمین آب مانند ایجاد قنات و ساختن سد، به ذخیره سازی آبهای زمستانی و مصرف آن در فصلهای کم آب و خشک سال نیز توجه شده است و «آب انبار» را به همین منظور بنا کرده اند. قدیمیترین نمونه به جای مانده، منبع ذخیره آب معبد چغازنبیل در خوزستان از دوره عیلامی است. آب انبارها به دو گروه کلی، عمومی و خصوصی تقسیم می شوند. از نظر معماری، آب انبارها شامل منبع ذخیره آب، پوشش منبع، بادگیر و هواکش، راه پله، پاشیر و سردر تزئینی و کتیبه هاست که در اشکال گوناگون مکعب، مستطیل، استوانه ای و چند ضلعی ساخته شده اند. مصالح ساختمانی آنها سنگ و آجر، شفته آهک و ساروج است. تعدادی از این آب انبارها با آجر و کاشی تزئین شده اند (مانند آب انبارهای قزوین، ده نمک سمنان و پنج بادگیر یزد).



**یخچال:** در نقاط گرمسیر و مناطقی که آب و هوای آن در روز و شب کاملاً متغیر است. (مانند سمنان و یزد و کرمان) یخچال هایی ساخته شده است. یخچال ها معمولاً در مسیر آب های روان و نیالوده ساخته می شوند.

**معماری یخچال ها:** برای ساختن یخچال ابتدایی، گودالی به طول ۱۰۰ و عرض ۱۰ متر که عرض آن در جهت شرق و غرب و طول آن رو به شمال و جنوب، به صورت مربع مستطیل، با عمق ۴۰ تا ۸۰ سانتی متر حفر می کردند. در قسمت جنوب این گودال، دیواری به ارتفاع ۱۰ تا ۱۲ متر کشیده می شد تا جلوی تابش آفتاب را بگیرد. این دیوار با خاک کوبیده خام ساخته می شد. هنگام شب و نزدیک سحر، آب جاری را به داخل گودال هدایت می کردند. به علت سردی هوا، تمام یا قسمتی از آب یخ می بست. شب های بعد هم این عمل را تکرار می کردند. هنگام روز یخ

## راهنمای گردشگری عمومی

ها را می شکستند و در چاله عمیقی به نام «پاچال» که عمق آن از بلندترین نقطه تا پایین ترین نقطه گنبد بود می ریختند. بنابراین اگر گنبد مخروطی یک یخچال را از بیرون مشاهده کنیم به همان اندازه گودال پاچال عمیق است.

### مراکز اقتصادی

بازار: سابقه پیدایش بازار در سکونتگاه های این مرز و بوم، به چند هزاره پیش از میلاد می رسد. افزایش تبدلات اقتصادی و رشد شهرها و شهرنشینی موجب شکل گرفتن فضایی بازرگانی و تولیدی، موسوم به «بازار» شد.

همانند سابق، بازار مهمترین شاهراه و مسیر ارتباطی شهر است که از مهمترین و شلوغ ترین دروازه ها، شروع و به



مرکز میدان اصلی شهری می رسد و گاه از آنجا تا دروازه های دیگر نیز ادامه می یابد. عموم عناصر و فضاهای مهم شهری، مانند مسجد جامع و سایر مساجد بزرگ شهر، برخی مدرسه ها، بعضی از فضاهای حکومتی، اداری و نهادهای انتظامی، کم و بیش همانند نهادهای اقتصادی، رابطه فضایی نزدیکی با بازار داشتند.

اما در اواخر عهد قاجاریه به تدریج با ورود فناوری مدرن، خصوصیات فضایی شهرها و در نتیجه بازارها دچار دگرگونی شد.

### انواع بازارها به شرح زیر می باشند:

۱- بازارهای ادواری : بازارهایی که در مواقع معینی از روزهای هفته و ماه تشکیل می شوند؛ مانند دوشنبه بازار، پنج شنبه بازار و ...

۲- بازارهای شهری : بازارهایی که دارای فضایی ساخته شده هستند؛ مانند بازار وکیل شیراز، بازار همدان و بازار نیشابور.

۳- بازارچه ها : بازارهای کوچکی که در مراکز محله ها، برای تأمین نیازهای روزمره و هفتگی اهالی محله شکل می گرفت.

بازارچه هر محله، بنا به وسعت محله و جمعیت آن، شامل تعدادی دکان بود که نیازهای اساسی را تأمین می کرد.

روند شکل گیری بازارهای شهری : هسته اولیه بعضی از بازارهای شهری (و بیشتر بازارهای روستایی) در بازارهایی که در برخی فضاهای باز و میدان های مهم سکونتگاه تشکیل می شد، تکوین می یافت و سپس فضاهایی کالبدی برای پاسخگویی به آن گروه از نیازهای فضایی که نمی توانست در محیط باز شکل گیرد، احداث می شد.

**خصوصیات معماری:** اغلب بازارهای شهری ایران دارای شکل خطی و ممتد هستند. البته باید توجه داشت که بازارها تنها در جهت طول، توسعه و گسترش نمی یافته اند؛ بلکه با به خدمت گرفتن فضاهای مجاور خود و تغییر کارکرد، نیازهای فضایی و ساختمانی خود را تأمین می کردند. به این ترتیب، بازارهای پر رونق واقع در شهرهای بزرگ بازرگانی، علاوه بر بدنه اصلی که گاه متشکل از چند راسته بزرگ بود، دارای تعداد زیادی راسته فرعی (رسته) و فضاهایی مانند کاروانسرا، تیمچه و ... نیز بودند.

بعضی از بازارها که قسمتی از آنها «قیصریه» نام داشت، به خصوص در شهرهای بزرگ، مکان هایی برای عرضه کالاهای گرانبها بودند.

**سراها:** در طول اصلی بازارها، فضاهایی بودند که در عمق قرار می گرفتند و فقط ورودی از طرف بازار داشتند. این سراها (باراندازها) مخصوص انبار کردن کالاهای خاص بودند.

سراها بر دو نوع اند: سراهای سرپوشیده که تعدادشان بسیار کم است و سراهای روباز. همه سراها دارای حیاط مرکزی و بسیاری از آنها دو طبقه اند.

**تیمچه ها:** فضاهای سرپوشیده ای هستند که به عرضه یک نوع کالا اختصاص دارند و به ندرت تیمچه های روباز هم دیده می شود. تیمچه ها یک فضای آزاد در وسط دارند و اطراف آن، حجره ها و مغازه ها، در یک یا دو طبقه قرار گرفته اند. سقف اکثر تیمچه ها کاربردی و رسمی بندی، و در گوشه ها مقرنس کاری شده است؛ مانند تیمچه امین الدوله غفاری در کاشان.

از دیگر تیمچه های معروف، تیمچه حاجب الدوله تهران و تیمچه مهدیه در تهران و تیمچه مظفریه تبریز است.

**چهارسوها:** یعنی تقاطع دو بازار که سقف های بلندتری دارند و سقف آنها گنبدی است.

**مصالح و فناوری بازار:** همیشه سعی می شود از بهترین مصالح و طرح های معماری در بنای بازار استفاده شود.

در زمین های مرطوب، قطعات سنگ را در شالوده و پی ستون ها (تویزه ها) به کار می بردند. تویزه ها و دیوارهای باربر، اغلب با آجر و گچ ساخته می شوند.

برای پوشش دهانه بزرگی مانند چهارسوها و تیمچه ها، از گنبد و کاربردی استفاده می کردند. به این ترتیب ضمن آنکه می توانستند دهانه های بزرگ را به کمک تویزه های متقاطع بپوشانند، از نظر زیبایی هم حجم ها و شکل های ظریف و بدیعی را با کمک فن کاربردی به وجود می آورند.

پشت بام بازارها، بیشتر با کاهگل پوشانده می شد که هم عایق حرارتی بود و هم تا حدودی به عنوان عایق رطوبتی عمل می کرد.

سابقه ایجاد بازار در ایران به روزگاران بسیار دور باز می گردد. طبق مدارک تاریخی، بازار در بسیاری از شهرهای قبل از اسلام، یکی از عناصر مهم شهری بوده است. پس از اسلام، گسترش شهرهای اسلامی و افزایش ارتباطات اجتماعی، ازدیاد راههای کاروانی، توسعه کاروانسراها و تبادلات اقتصادی، موجب شکل گرفتن فضای بازرگانی و تولیدی موسوم به بازار شد. در شهرهای اسلامی، بازار محور اصلی و مرکز اقتصادی شهر بوده و انبارهای مهم، مراکز تولیدی، مراکز توزیع کالاهای گوناگون و مبادلات پولی در آن جای داشتند. بازارها بیشتر در امتداد مهمترین

راههای اصلی شهر ساخته می شدند و در اغلب موارد، راسته بازار، شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهمترین و شلوغ ترین دروازه ها را به مرکز شهر متصل می کرد (مانند بازار سلطانیه، بازار اصفهان و بازار نایین). در بیشتر شهرهای اسلامی مسجد جامع در کنار بازار قرار داشت. دکانها در دو سوی راسته اصلی و راسته های فرعی قرار داشتند. برخی از راسته ها به عرضه کالاهای مخصوص اختصاص داشت؛ مانند بازار بزازه، کفاشها، زرگرها و آهنگرها. کاروانسراهای درون شهری - که قبلاً مورد بحث قرار گرفت - اغلب در پشت دکانهای بازار قرار داشت و به وسیله راهرو یا فضای کوچک به بازار مرتبط می شد. بسیاری از سراها دو طبقه ساخته می شدند و همه آنها دارای حیاط مرکزی بودند. طول بازارها اندازه مشخص و معینی نداشت و به نسبت وسعت شهر و رونق بازار، متفاوت بود. طول راسته اصلی در شهرهای کوچک و متوسط، در حدود چند صد متر و در شهرهای بزرگ، بیش از یک کیلومتر بود و عرض بازارها بین پنج تا ده متر بوده است. در ساختمان بازارها از بهترین مصالح و شیوه های معماری استفاده می شد. ستونها و دیوارها بیشتر از سنگ و آجر بود و برای پوشاندن سقف از گچ و آجر استفاده می کردند. برای پوشاندن دهانه های بزرگ، مانند چهار سوها و تیمچه ها از گنبد و کاربردی استفاده می شد. پشت بام بازارها هم بیشتر با کاهگل پوشانده می شد؛ زیرا کاهگل هم عایق حرارتی بود و هم عایق رطوبتی. کف بازارها اغلب خاکی بود که در اثر گذشت زمان کوبیده و محکم می شد. البته گاهی از سنگ و آجر برای پوشاندن کف بازار و حجره ها استفاده می کردند. به هر حال، بازار یکی از مهمترین بناهای عمومی شهرهای گوناگون است که در وهله اول برای عرضه، تولید، تبادل و خرید و فروش کالا شکل گرفت، ولی بعدها کارکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی پیدا کرد. رشد و رونق اقتصادی، منجر به پیدایش انواع بازار شد که از میان آنها می توان از بازارهای ادواری، بازارهای روستایی، بازارهای ثابت، بازار بین راهی و بازارهای شهری نام برد.

### مراکز علمی و فرهنگی

**رصدخانه مراغه:** رصدخانه ها یا مراکز ستاره شناسی، از مراکز علمی و پژوهشی مهم در گذشته بودند. یکی از این مراکز، رصدخانه الغ بیک (فرزند تیمور) در سمرقند است که بسیار حائز اهمیت بوده است. تنها اثر بازمانده از رصدخانه ها در ایران رصدخانه مراغه است. بنای رصدخانه مراغه در سال ۶۵۷ هجری به دستور هلاکوخان و با نظارت خواجه نصیرالدین طوسی ساخته شد.

**کتابخانه:** تقریباً همه شهرهای ایران دارای کتابخانه های بزرگ با تعداد زیادی کتاب بوده اند که متأسفانه بسیاری از آنها از بین رفته اند. از جمله کتابخانه های مشهور ایران کتابخانه امیرنوح سامانی در بخارا، کتابخانه بزرگ مسجد عتیق یا مسجد جامع اصفهان و کتابخانه های شهرهای نیشابور، طوس و ... می باشند که اقوام وحشی، چندین هزار کتاب آن را آتش زده و یا به جریان آب سپرده اند.



## راهنمای گردشگری عمومی

**شهر و شهرسازی:** نخستین استقرارهای اولیه در ایران نیز از غارها شروع شد. دو غار معروف «هرتو» و «کمربند»، در نزدیکی بهشهر، از جمله این غارها هستند. تاریخ تشکیل شهر در ایران به گذشته های دور می رسد. شهر به مکانی گفته می شود که دارای ساخت و ساز معماری باشد. از این رو شهر بدون بنا، شهر نیست. در قدیم به شهر «شارستان» می گفتند، اطراف شهر را دیوارعریضی می کشیدند که "بارو" نام داشت. معمولاً در چهارگوشه بارو، برج های دیده بانی برپا می ساختند و این امر به لحاظ امنیت، اهمیت زیادی داشت؛ زیرا از این طریق رفت و آمدها به درون شهر کنترل می شد و هر کسی نمی توانست آزادانه وارد شهر شود.

**بافت:** عبارت است از مجموعه عوامل معماری و شهرسازی که تحت عناوین مختلف، یک شهر و یا روستا را تشکیل می دهد. اما هر مجموعه ای از ساخت و سازهای معماری از نظر عملکرد، کاربرد مصالح، نوع، فرم و شکل، تحت تأثیر آب و هوای اقلیم های مختلف است. تصور شهر بدون در، دروازه و دیوار محافظ، امکان نداشت. این موضوع مرحله اول امنیت هر شهر بود. شهر بدون نظام اجتماعی و قانونمند نیز نمی توانست ادامه حیات دهد.

**بافت های مسکونی:** در اینجا دو نوع بافت مسکونی شرح داده می شود:

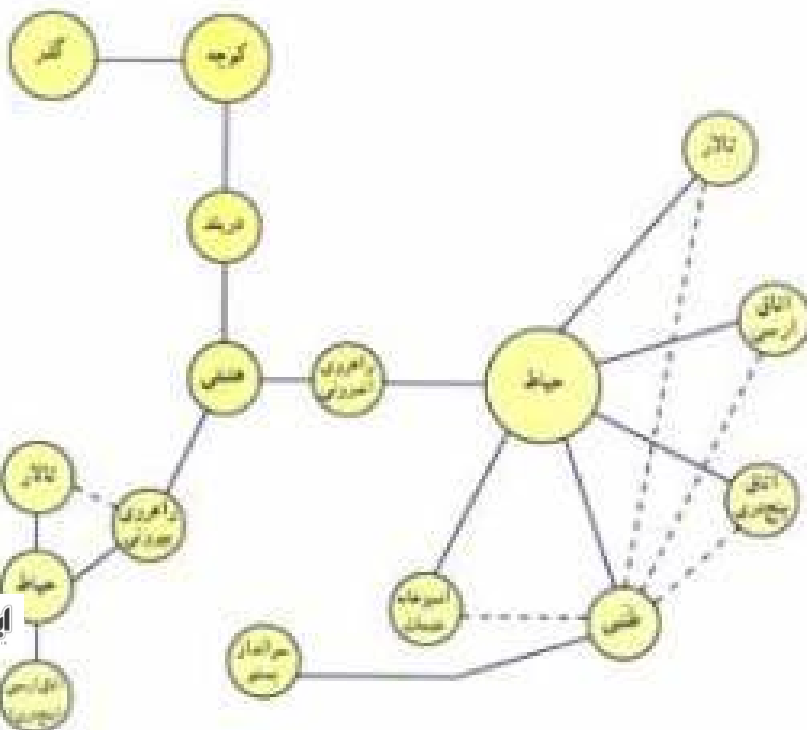
### ۱) بافت گسسته

در بافت گسسته خانه ها نمی توانند به هم چسبیده باشند؛ مانند خانه هایی که در مناطق جنگلی ساخته می شوند، زیرا سکون هوا و رطوبت بالا در این مناطق نیاز دارد که خانه ها از هر چهار طرف فضای خارج، پنجره و ایوان داشته باشند تا جریان هوا دائماً در محوطه خانه عبور کند و از دم و گرمای داخل ساختمان بکاهد. برعکس در بافت پیوسته، خانه ها به هم چسبیده اند؛ مانند خانه هایی که در مناطق سردسیر و گرمسیر ساخته می شوند. این خانه ها برای جلوگیری از مبادله سریع گرما و سرما به هم چسبیده اند، زیرا دیوارهای حائل مانع ورود سرما و گرما می شوند.

### معماری خانه های سنتی

#### ایران

خانه ها در ایران، یا شمالی هستند و یا جنوبی؛ زیرا بافت شهری اکثر شهرهای ایران شطرنجی است. حیاط خانه معمولاً در جنوب ساختمان یا شمال خانه قرار



می گیرد. شکل هندسی زمین خانه ها مربع مستطیل است و همه خانه ها دارای باغچه و حوض بوده اند. در گذشته، در خانه های قدیمی، مستقیماً به حیاط باز نمی شد؛ بلکه ابتدا به فضایی به نام هشتی راه می یافت و سپس از داخل هشتی، خانه به دو سمت بیرونی و اندرونی تقسیم می شد.

برای رسیدن به اندرونی، می بایست از دالان باریک و پیچ و خم داری عبور کرد. این عمل مانع از آن می شد که اهالی خانه از هشتی در دیدرس باشند. بنابراین یکی از صفات معماری ایران به ویژه در ساخت خانه های مسکونی، رعایت درون گرایی است؛ یعنی کسانی که در یک خانه زندگی می کنند، دیده نشوند.

قسمت بیرونی که از نظر معماری و تزئینات برای یک خانه مهم بوده، معمولاً یک اتاق بزرگ رو به قبله داشته که به آن «پنج دری» (به دلیل داشتن پنج یا هفت پنجره) یا «شاه نشین» می گویند. این اتاق و پنجره های آن (پنجره های ارسی) دارای تزئینات فراوان مشبک و منبت و گچکاری و نقاشی و آئینه کاری بوده است.

تعداد کمی از خانه های قدیمی که در تهران باقی مانده اند، عبارتند از: خانه وثوق الدوله، خانه امام جمعه تهران، خانه امیربهدار، عبارت باغ فردوسی و ... . تهران در گذشته ۱۲ دروازه داشته که در زمان ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده بود. این دروازه های زیبا به دستور یکی از عاملان دوره رضا شاه تخریب شد.

### عناصر تشکیل دهنده معماری اسلامی

هر بنای دوره اسلامی چه بنای مذهبی، مانند مسجد و مدرسه و چه غیر مذهبی، مانند کاروانسرا و کاخ از فضاهای گوناگون تشکیل می شود و گاهی نیز ممکن است فضای تازه به صورت الحاقی به بناهای دیگر اضافه شود؛ مثلاً مناره یا منار در مسجد و مدرسه که جزئی از بناست و به طور مجزا هم کاربرد دارد. میانسرا - حیاط و صحن - یکی از ویژگیهای معماری اسلامی است. مساجد، مدارس و کاروانسراها عمدتاً دارای صحن یا حیاط مرکزی هستند.

**میانسرا:** در دوره اسلامی دو نقش مهم داشت: اول اینکه نیاز مسلمانان را به وضوخانه و محل تطهیر در مساجد و مدارس و نیاز مسافران را به استراحت، بارگیری و باربندی در حیاط کاروانسرا تأمین می کرد. دوم اینکه با کانون قرار دادن فضای داخلی، بنا را از سر و صدا و فعالیت زندگی روزمره و عادی جدا می کرد. شکل میانسرا عموماً مربع و مستطیل بود، ولی گاهی از نقشه های چند ضلعی و مدور هم استفاده می شد. میانسرا راه دسترسی به شبستان و بناهای وابسته، مانند راه پله ها و اتاقها را مشخص می کرد و دارای ایوانی در یک یا دو یا چهار طرف بود.

**ایوان:** از زمان اشکانی مورد استفاده قرار گرفته و ساخت آن تاکنون به شیوه های گوناگون ادامه یافته است. ایوان که معمولاً از یک طاق آهنگ تشکیل می شود، از سه طرف بسته و به طرف میانسرا باز می شود. ایوانها به صورت فضاهای ورودی و خروجی ساخته می شوند و در حالیکه برای جریان یافتن هوا باز هستند، از تابش آفتاب جلوگیری می کنند و به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده اهمیت فوق العاده ای داشته و به بنا، برجستگی و شکوه می بخشند. ایوان کانونی است برای تزئینات مختلف بنا چون ایجاد مقرنسها با شیوه آجر کاری، گچبری و کاشیکاری.

**رواق:** به فضاهای سرپوشیده ستوندار یا متشکل از چشمه طاقهایی گفته می شود که در طرفین صحن یا میانسرای مساجد یا اماکن مذهبی ساخته می شود. دهانه اینگونه فضاها رو به صحن است و در ورودی مسجد را به شبستان یا گنبد خانه متصل می سازد.

**گنبد:** نیز مانند ایوان یکی از مهمترین عناصر معماری ایران است که سابقه آن به قبل از اسلام می رسد. پوشش گنبدی در معماری اسلامی ویژگیهای متعددی دارد و بیش از هر نوع پوششی کاربرد داشته است. ایجاد گنبد روی فضای مربع و یا چند ضلعی دارای چند مرحله بوده است: نخست اتاق چهار گوش با درها و طاقچه ها، سپس بخش انتقالی بین اتاق چهار گوش و گنبد و در پایان گنبد اصلی. معماران ایرانی روی بناهای گوناگون، بویژه روی مقبره ها، مساجد و مدارس، زیباترین گنبدها را ساخته اند. گنبدهای ایرانی دارای اشکال مختلفی است که برخی از آنها عبارتند از: گنبد مخروطی یا رک، گنبد یک پوش، گنبد پیوسته و گسسته. شکوه و زیبایی معماری ایران در دوره اسلامی بستگی زیادی به گنبدهای آن دارد که اغلب با کاشیکاری معرق تزیین شده اند (مانند مسجد شیخ لطف الله).

**شبستان ستوندار:** شبستانهای ستوندار - که ارتفاع چندانی ندارند - معمولاً در طرفین گنبدها بنا شده اند. این شبستانها به گونه ای ساخته شده اند که بتوان با افزودن یا برداشتن دهانه هایی، آنها را توسعه داد یا کوچک کرد. به این ترتیب چنین منطقه سرپوشیده ای را می توانستند با دیواری تیغه مانند که هیچ گونه عملکرد ساختمانی نداشت محصور کنند (مانند مسجد تربت جام و امیر چخماق یزد).

**چهار صفه:** قرن هشتم هجری تاریخ تکامل چهار صفه با موارد استفاده گوناگون است. این بنا در اصل عبارت است از یک فضای مربع یا مستطیل شکل که با اتاقهای متصل به هم احاطه شده، به طوریکه در اطراف فضای مرکزی، تعدادی اتاقهای شاه نشین مانند به وجود آورده است. اصطلاح چهار صفه را می توان برای اتاق یا چهار طاق (صلیبی شکل) یا تالار مستطیل به کار برد، که با چند طاق پوشیده شده است. چهار صفه های ساده معمولاً در گوشه های عمارتی که در وسط حیاط قرار دارد ساخته شده اند (مانند مدرسه خرگرد خراسان).

**حجره:** یا اتاق معمولاً در اطراف حیاط مرکزی یا میانسرا به صورت مربع، مستطیل یا چند ضلعی ساخته می شد. این گونه حجره ها در مدارس برای استفاده طلاب و در کاروانسراها برای استراحت مسافران و گاهی به منظور چله نشینی و عزلت گزینی درویشان بنا می شد. در بعضی موارد حجره ها به صورت دوطبقه ساخته می شد که رفتن به طبقه بالا از طریق راهروهای ارتباطی انجام می گرفت. معمولاً چنین اتاقهایی از حداقل روشنایی برخوردار بودند، سقف آنها کوتاه بود و از نوع طاق آهنک ساخته می شد.

**مناره:** یا منار به معنای جای نور است و به بنای بلند و کشیده اطلاق می شود که عموماً کنار بناهای مذهبی مانند مدارس، مساجد، و مقبره ها ساخته می شدند. قبل از اسلام از منار برای راهنمایی استفاده می کردند که گاهی نیز معرف وجود آتشکده و آتشگاههای بزرگ بود و به آن میل می گفتند (مانند میل نورآباد، میل فیروزآباد). در دوره اسلامی احداث مناره گسترش بیشتری یافت. یکی از قدیمیترین مناره ها متعلق به مسجد جامع دمشق است. از دیگر مناره های باقیمانده اوایل اسلام، می توان به مناره مسجد سامره اشاره کرد. اگرچه معلوم نشده که قدیمیترین مناره در ایران در کدامیک از بناهای مذهبی ساخته شده، ولی منار مسجد جامع سمنان و دامغان را می توان از قدیمیترین مناره های ایران دانست. لازم به یادآوری است که در آغاز، مناره ها عموماً به صورت منفرد در مجاورت مساجد ساخته می شدند، ولی از دوره سلجوقی به بعد، بتدریج مناره ها به صورت زوجی بر سر در ورودی و یا بر ایوان اصلی احداث گردید (مانند مسجد جامع اصفهان، مدرسه دو منار گلشن طبری). از نظر معماری، مناره ها از سه قسمت اصلی پایه، ساقه یا بدنه و کلاهک یا تاج و بخشهای پلکان و نورگیر تشکیل می شود. مناره ها به اشکال استوانه ای، مخروطی و چند ضلعی ساخته شده اند. مناره ها در آغاز احداث بسیار ساده و عاری از تزیینات بودند، ولی بتدریج همانند دیگر عناصر معماری با تزییناتی چون آجرکاری، کاشیکاری، مقرنس و کتیبه آراسته شدند. مصالح ساختمانی مناره ها از آجر و سنگ بوده است. مناره ها برای استحکام بخشیدن و جلوگیری از رانش بنا ساخته می شدند.

**بادگیر:** معماران و استادکاران ایرانی با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناطق گوناگون ایران، شیوه های معماری را در شهر های مختلف توسعه بخشیدند؛ همان طور که به دلیل سرما ایجاد بناهای فاقد میانسرا در آذربایجان متداول بوده، ساختن بادگیر نیز در مناطق کویری رواج داشته است. سالیان بس دراز، بادگیر یکی از اجزای مهم بناها در نواحی گرم و خشک ایران بوده است. هر بادگیر شامل برجهای تهویه بر فراز ساختمان است. در بالای هر برج یک رشته دهانه های عمودی وجود دارد که در مقابل بادهای وزان قرار گرفته و برای گرفتن نسیم و هدایت آن به اتاق همکف یا زیرزمین که رطوبت را از یک حوض آب اخذ می کند، تعبیه شده است. در شهرهای کویری ایران مانند کاشان، یزد و کرمان از بادگیر در بناهای مختلف به نحوه مطلوب استفاده شده است. در بعضی بناها حتی چندین بادگیر ساخته شده (مانند آب انبار پنج بادگیر یزد).

**پله:** گرچه پله یک اثر معماری مهم به حساب نمی آید، ولی کاربردهای سودمندی در معماری دارد. راه پله های مارپیچ داخل مناره ها و پله هایی که به بامها و فضاهای داخلی و خارجی بنا و به پاشیرهای سرایشی آب انبارها منتهی می شود، از اهمیت ویژه ای برخوردارند. همچنین پله ها، راههای ارتباطی مفید به طبقه دوم یا پشت بام به شمار می روند. در بعضی از بناها پله ها علاوه بر کاربرد ارتباطی، وسیله سبک کردن حجمهای ساختمانی نیز هستند (مانند بنای تایباد خراسان). مدرسه گیائیه خرگرد دارای هشت دستگاه پله است. همچنین مسجد کبود تبریز پله هایی در شش قسمت دارد که دو دستگاه پله به نمای اصلی متصل است و چهار دستگاه در گوشه های گنبد خانه یا شبستان قرار دارد که به طبقه دوم متصل می شود. مصالح ساختمانی پله ها اغلب آجر است.

**سردابه:** تعداد بسیاری از آرامگاهها مدفن اصلی شخصیتی مذهبی یا سیاسی هستند که زیر طبقه همکف ساخته می شدند. از آنجا که طبقه همکف باید محلی برای زیارت یا مراسم مذهبی می داشت، معمولاً محل تدفین را در طبقه ای پایین تر از سطح زمین می ساختند. احداث سردابه بیشتر در آرامگاههای ناحیه شمال و آذربایجان مرسوم بوده است. از قرن هشتم هجری به بعد، نصب ضریح چوبی در روی مزارها به صورت سمبلیک متداول شد. صندوقهای چوبی مثبت کاری شده نام بسیاری از درودگران هنرمند را بر خود دارد.

**روشهای ساخت و تزیین:** به طور کلی آگاهی ما از نحوه ساخت، طراحی و سایر امور ساختمانی دوره اسلامی بسیار کم و محدود است. بدون شک ایجاد بناها، چه مجموعه های مذهبی و چه غیر مذهبی، مستلزم آگاهی از علوم چون هندسه، ریاضی و طراحی بوده است و استادکاران طی قرون متمادی با بهره گیری از علوم، توانسته اند شاهکارهایی در هنر معماری به وجود آورند. متأسفانه در متون تاریخی دوره اسلامی مطالب مهم و تصاویر چندانی در مورد چگونگی ایجاد بناها به چشم نمی خورد. تنها نمونه های قابل ذکر دو نقاشی منسوب به بهزاد، با تاریخ ۸۷۲ هجری، در ظفرنامه و خمسه نظامی است. این نقاشیها در حال حاضر در دانشگاه هابکینز آمریکا نگهداری می شوند و در آنها نحوه ساخت مسجد جامع تیمور و همچنین کاخ خورنق به شیوه مینیاتور به تصویر کشیده شده است. در این نقاشیها تا حدودی تزیینات و ابزار و وسایل معماری مرسوم آن روزگار مانند داربست، گونیای چوبی، اره، خط کش، بیل، تیشه، ماله، نردبان، و ... و همچنین مصالح ساختمانی مانند سنگ، آجر، گچ، ملات و کاشی و مراحل اجرای ساختمان نشان داده شده است. برخی محققان بر این عقیده اند که علت فقدان مطالب سودمند درباره معماران دوره اسلامی و روشهای طراحی و ساختمانی آنها، این است که معماران در مقایسه با شاعران، فیلسوفان و مورخان، کمتر مورد توجه بوده اند. البته این رأی درست به نظر نمی رسد؛ زیرا در ادوار مختلف نیاز همگان به معمار و استادکاران ساختمانی برای ایجاد محلهای مسکونی، تجاری و عبادی امری مسلم بوده است. مورخان اسلامی چون بیهقی، ابن خلدون و خواجه رشیدالدین، مطالب سودمندی درباره معماری و معماران نوشته اند؛ از جمله نوشته اند معماران از علوم ریاضی و هندسه اطلاع داشتند و در احداث بناها قبل از هر چیز به طراحی و نقشه کشی مبادرت می ورزیدند. فارابی فیلسوف بزرگ ایران می گوید معماری مبتنی بر علم الحیل است و حیل، مهارت، هنر و فنی است که با کار استادانه و هنرمندانه در اشکال هندسی نشان داده می شود. هندسه مبنای معماری بود و معمار بسیار ماهر و استاد را مهندس می گفتند که به معنای هندسه دان است. همچنین متونی در دست است که در آنها از هندسه و طرحهای هندسی برای معماران بحث می شود و سراسر این کتابها دارای توضیحاتی است که به معماری عملی ارتباط پیدا می کند. بخشی از کتاب مفتاح الحساب، نوشته جمشید کاشی، ریاضیدان و منجم عصر تیموری، به معماری اختصاص یافته و در آن بخش، از روشهای ساختن طاق و گنبد و مقرنس بحث می کند. از انواع طاقهایی که او شرح می دهد برخی را در بناهای تیموری می توان دید. معماران، استادکاران، بنایان و دیگر گروههای وابسته به علم معماری، با آگاهی کامل از فن معماری و با ابتکار و ابداعات خاص خود و رعایت کامل اصول هندسه و مهارت های سنتی و همچنین الهام از عقاید دینی فضای معماری ایران را شکوهی جاودانه بخشیدند. مسئولیت ساخت بنا نیز به عهده گروههای متعددی بوده است؛ مثلاً گروهی مسئول احداث ساختمان تا مرحله سفت کاری، و گروهی مسئول تزیینات بنا مانند آجرکاری، گچبری و کاشیکاری بوده اند. همچنین بین استادکاران، سلسله مراتبی وجود داشته، مانند مهندس، معمار، بنا، سرکارگر،

سنگکار، گچکار، کاشیکار و کارگر ساده که هر یک مسئولیت خاصی داشتند. لازم به یادآوری است که معماران ایرانی به علت فروتنی از ثبت کردن نام خود بر بناها خودداری می کردند؛ به همین علت جز تعدادی از بناها که نام معمار یا سازنده آن مشخص شد، بقیه فاقد نام استادکار یا سازنده آن است.

**مصالح ساختمانی:** مصالحی که در ایجاد بناهای دوره اسلامی به کار رفته متنوع است.

**آجر:** مهمترین مصالح ساختمانی در ایران، قبل و بعد از اسلام بوده است. آجرهای به کار رفته در معماری عموماً مربع شکل است که در کارگاههای آجرپزی در سراسر ایران ساخته می شد. آجر علاوه بر استفاده در ساختن بدنه بنا، برای تزیین آن نیز نقش مهمی داشت و از اوایل اسلام تا دوره تیموری تزیین بیشتر بناها با آجرکاری است. همچنین از آجرهای تراشدار و قالبی نیز استفاده می شد. آجرهای پخته، رنگهای گوناگونی چون زرد کمرنگ، قرمز و قرمز تیره داشته که بیشتر در ابعاد  $۲۰ \times ۲۰ \times ۳$ ،  $۲۰ \times ۲۰ \times ۵$  و  $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$  سانتیمتر ساخته می شد و در قسمتهای مختلف بنا مانند ایوانها، طاقنماها، گنبدها، مناره ها و اتاقها به کار می رفت (برجهای خرقان، گنبد قابوس، مناره مسجد ساوه).

**گچ:** از دیگر مصالح ساختمانی است که در تمامی ادوار، در معماری استفاده شده است. از آنجایی که گچ از مصالح ارزان قیمت بوده و زود سفت می شده است، کاربردهای متعدد داشته و مورد توجه معماران بوده است. گچبری برای آراستن سطوح داخلی بناها، نوشتن کتیبه ها، تزیین محرابها، زیر گنبدها و ایوانها به کار می رفته است. بسیاری از بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی با گچبری تزیین شده اند. اهمیت گچبری در بناهای اسلامی به حدی بود که هنرمندان این رشته به «جصاص» معروف بودند و نام بسیاری از این هنرمندان در کتیبه های بناها به یادگار مانده است. علاوه بر این، هنرمندان گچبر در قرن پنجم تا دهم هجری از شیوه های گوناگونی مانند گچبری رنگی، گچکاری وصله ای، گچکاری توپر و توخالی، گچبری مشبک و گچبری مسطح و برجسته استفاده کرده اند (مانند اصفهان: محراب اولجایتو، زنجان: گنبد سلطانیه، همدان: گنبد علویان و اشترجان: محراب اشترجان).

**کاشی:** استفاده از کاشی برای تزیین و همچنین استحکام بخشیدن به بناها، از دوره سلجوقی آغاز شد و در طی قرون متمادی بویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج رسید. کاشی نقش عمده ای در تزیین بناهای دوره اسلامی داشت و با شیوه های متفاوت توسط هنرمندان کاشیکار به کار می رفت. استفاده از کاشیهای یک رنگ، کاشی هفت رنگ، کاشی معرق و تلفیق آجر و کاشی در دوره های سلجوقی، ایلخانی و تیموری و صفوی در تزیین بنا مرسوم بوده و تا عصر حاضر ادامه یافته است. تزیین بخشهای گوناگون بنا، از پوشش گنبد و مناره گرفته تا سطح داخلی بنا و زیر گنبد و دیوارها و محراب با کاشیهای مختلف، بویژه کاشیهای معرق، به بناهای مذهبی و غیر مذهبی ایران دوره اسلامی زیبایی خاصی بخشیده است (مانند گناباد: مسجد گناباد و غیاثیه، خرگرد: مدرسه خرگرد، مشهد: مسجد گوهر شاد، تبریز: مسجد کبود، اصفهان: مسجد شیخ لطف الله و مسجد امام).

## راهنمای گردشگری عمومی

**خشت** : از دیگر مصالح ساختمانی معمول در معماری ایران، خشت است. در دوره اسلامی، یا تمامی بنا از خشت بوده یا بخشی از دیوارها از خشت و بقیه از آجر بوده است. از آنجایی که مقاومت خشت در برابر باد و باران و برف اندک است، بناهای خشتی زیادی از روزگاران گذشته باقی نمانده است.

**سنگ** : در معماری اسلامی از سنگ برای کار در شالوده، بدنه، فرش کردن کف و تزیین بنا استفاده می شد. گرچه به علت موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، استفاده از سنگ در برخی نقاط چون آذربایجان بیشتر دیده می شود، اما بهره گیری از آن تقریباً در سراسر ایران مرسوم و متداول بوده است. استفاده از سنگ در پی بنا و دیوارها اهمیت ویژه ای داشت و برای ساختن کتیبه ها، سنگهای گوناگونی چون سنگ سیاه، سنگ آهک، سنگ مرمر - که با دقت تراشیده و گاهی حجاری می شد - به کار می رفت (مرد: کاروانسرای مرد، شیراز: مسجد جامع، کاشان: کتیبه های مسجد میدان).

**چوب** : استفاده از چوب برای ساختن در، پنجره، صندوقهای ضریح، ستونها و تیر سقف و چهارچوب، از ویژگیهای معماری اسلامی است که در ناحیه مازندران و گیلان رواج بیشتری داشته است. درختهای تبریزی، سپیدار، چنار، کاج و گردو از جمله درختهایی بودند که از چوب آنها برای بخشهای گوناگون بنا استفاده می شده است (ورامین: مسجد جامع، تبریز: ارگ علیشاه، ساری: امام زاده صالح).

**شیشه** : کاوشهای باستانشناسی سالهای اخیر و همچنین بناهای باقیمانده از ادوار مختلف اسلامی، نشان می دهد که از شیشه های الوان به رنگهای سرخ، آبی، بنفش و سبز برای تأمین روشنایی و تزیین در و پنجره و قابهای گنبد خانه و شبستانها استفاده می شده است. همچنین مطالعه متون تاریخی و مشاهده مینیاتورهای قرن ششم تا دوازدهم هجری نشان می دهد که شیشه، کاربرد وسیعی داشته است (خرگرد: غیاثیه، شاه زند: مقبره شیری بکا آقا، اصفهان: عالی قاپو).

### سبک شناسی معماری ایرانی

شیوه های مطرح شده در معماری ایرانی عبارتند از: شیوه های پارتی، پارسی، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی که شیوه های پارسی و پارتی متعلق به دوره های پیش از اسلام و سبکهای خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی مربوط به دوران اسلامی می باشند.

ساختمانهای تخت جمشید نمونه های خوبی جهت توضیح شیوه پارسی هستند که شامل: دروازه ملل، آپادانا، تالار صد ستون، تچرا، هدیش و تالار شورا هستند که از بارزترین ویژگیهای آنها استفاده از سنگهای پاکتراش و گاهی صیقل شده، منظم و بهره گیری از بهترین مصالح، بنا کردن ساختمانها بر روی سکوهایی از سنگ، آرایش فضاهای درونی با کاشی های لعاب دار، بهره گیری از پایه ستون و سر ستون و استفاده از نقوش برجسته (ستونها در این دوره دارای حداکثر ارتفاع هستند) می باشند.

**شیوه پارتی** بعد از حمله اسکندر به ایران و در دوره های اشکانی و ساسانی پیدا می شود و در این دوران است که توجه به معماری یونانی رو به افول می رود. در این دوران استفاده از مصالح بومی رواج می یابد و مهمترین دستاورد این عصر استفاده از پوششهای طاقی در دهانه های بزرگ و گنبدها در زمینه چهار گوش می باشد که آتشکده

فیروزآباد، کاخ بیشابور، کاخ سروستان، ایوان کرخه از نمونه های ابنیه این دوران می باشند. در این عصر گچ بری با خطوط شکسته و خمیده و استفاده از کنگره ها در نمای ساختمانها رواج یافته و قرینه سازی در نیایشگاهها و کاخ ها مورد توجه قرار می گیرد.

با ورود اسلام به ایران، سبکهای معماری تا حدودی دستخوش تغییرات می گردند و سبکهایی چون خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی به عرصه ظهور می رسند.

**شیوه خراسانی**، همانطور که از نامش بر می آید، در خراسان شکل می گیرد و از آنجا به شهرهای دیگر اشاعه می یابد (از سده نخست هجری تا سده چهارم). این شیوه بر اصولی چون سادگی، دوری از بیهودگی، مردم واری و استفاده از مصالح بومی، استوار بوده که یکی از اصیل ترین بناهای این شیوه، مسجد جامع "فهرج" است.

مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع اردستان از نمونه هایی دیگر در این سبک می باشند. **شیوه رازی** نیز در شهر ری ظهور می نماید و از زمان آل زیار آغاز و در زمانهای آل بویه، سلجوقی، اتابکان و خوارزمشاهیان ادامه می یابد. "در این شیوه نغز کاری شیوه پارسی، شکوه شیوه پارتی و ریزه کاری شیوه خراسانی با هم پدیدار می شوند."

از مهمترین ویژگیهای این سبک ساخت بناهایی است با کارکردهایی ویژه و خاص، مانند آرامگاههای برجی و میل ها (برجهای راهنما برای مسافران در بیابانها). در این شیوه نیز ساخت تاق و گنبد پیشرفت ارزنده ای دارد و از گچبری بسیار در تزیین بناها استفاده می نمایند. یکی از شیوه های گچبری که در این دوره بسیار رواج داشته، گچبری "گچ تراش" بوده که گچ را با رنگهای مختلف می آمیختند و زمانیکه سفت می شد، آنرا به اشکالی در می آوردند و همچون کاشی در کنار هم قرار می دادند و تصویری را خلق می کردند. از نمونه های این سبک می توان به گنبد قابوس و گنبد کبود مراغه اشاره نمود.

**شیوه آذری** را می توان به دو دوره تقسیم کرد. یک دوره از زمان هلاکو و پایتخت شدن مراغه و دوره دوم از زمان تیمور و پایتختی سمرقند. آنچه که به عنوان مشخصه اصلی این سبک می توان ذکر نمود، بهره گیری هر چه بیشتر از هندسه و طرحهای متنوع و پیچیده در آثار معماری و ساخت بناهای بسیار بزرگ می باشد. در این سبک از کاشی تراش یا معرق، بیشتر از سبکهای گذشته بهره گرفته شده است و در دوره دوم استفاده از کاشی هفت رنگ (کاشی سفید لعاب دار که پس از نقاشی روی آن آنرا داخل کوره می گذاشتند و در تزیین استفاده می کردند) و خشتی در برخی ساختمانها باب می گردد.

در این شیوه از تاقهایی چون "تاق آهنگ یا استوانه ای"، "تاق" "تویزه" و تاق "کلنبو" (گنبد کوچکی با خیز کم که در مکانهایی چون سقف نشیمن، خانه های اشرافی و پوشش چهار سوق بازارها به کار می رفته) بهره می گرفتند. گنبد "سلطانیه" را می توان نمونه ای از این سبک دانست.

**شیوه اصفهانی** آخرین شیوه در معماری ایرانی می باشد که برای این سبک نیز می توان دو دوره را در نظر گرفت:

- از زمان قره قویونلوها تا حکومت محمد شاه قاجار.

- از زمان افشاریان تا پایان حکومت زندیان.



از جمله ویژگیهای این شیوه، ساده شدن طرحها و استفاده از اشکال هندسی ساده (برخلاف شیوه آذری که از طرحهای پیچیده هندسی بهره گرفته می شد، استفاده از گنبدهای گسسته میان تهی و بهره گیری هر چه بیشتر از کاشی های هفت رنگ تا کاشیهای تراش یا معرق در تزیینات.

در این شیوه بر خلاف شیوه های قبل در مصالح، تغییراتی ایجاد و سپس از آنها استفاده می کردند که البته این کار سبب پایین آمدن کیفیت بناها می گشت در شیوه های گذشته از مصالح به شکل اولیه شان استفاده می نمودند و تغییر و تحولی در آنها ایجاد نمی کردند، مثلاً آجر را بدون تراشیدن مورد استفاده قرار می دادند. از جمله بناهای مطرح در این سبک، مسجد امام اصفهان، مسجد شیخ لطف الله و عمارت عالی قاپو می باشند.

به طور کلی می توان اصول معماری ایرانی را در مردم واری (توجه به نیازهای انسان و در نظر گرفتن تناسبات)، پرهیز از بیهودگی (دوری از خلق فضاهای بی کاربرد و صرفاً تزیینی)، نیارش (توجه در به کارگیری مصالح)، خودبسندگی (توجه به معماری بومی) و درون گرایی در نظر گرفتن اعتقادات و پایبندی به ارزشهای بومی خلاصه نمود.

### معماری ایران از صدر اسلام تا عصر سلجوقیان

با وجود بسط قلمرو اسلام و فتوحات مسلمین در اقصی نقاط ایران، تا مدتها هنر معماری همچنان بر عناصر گذشته متکی بود. از آن پس، هنرمندان مسلمان با تکیه بر عناصر هنری گذشته خود، بویژه هنر عصر ساسانی و با الهام از روح اسلامی، معماری ایران را رونق تازه ای بخشیدند و با ابداعات خود معماری جدیدی را در این دوران بنیان نهادند. به موازات گسترش حوزه نفوذ اسلام و به دلایل دینی، اقتصادی و نظامی ضرورت احداث بناهای تازه احساس شد و بناهایی مانند مسجد، مدرسه پل، کاروانسرا و قلعه در شهرها و جاده های کاروانی ایجاد گردید.

در آغاز حکومت اسلامی احداث مساجد در مقایسه با سایر بناهای اسلامی اهمیت بیشتری داشت. مسجد جزء بزرگترین بناها در هر شهر و روستا بود؛ به طوری که بدون نشانی، ویژه خود به خود نگاه و توجه هر مسلمانی را به سوی خود جلب می کرد.

در صدر اسلام مساجد علاوه بر اینکه محل انجام فرایض و اقامه نماز بود، نهادی سیاسی، اجتماعی و اداری به شمار می رفت؛ مسجد تالار اجتماعات مسلمین، خانه مستمندان، اقامتگاه مسافران و کاروانیان، پناهگاه مظلومان، مکانی برای درس و بحث طلاب و محل ایراد خطابه، ابلاغ فرامین سلاطین، اعلام جنگ و بسیج و اخذ مالیات بود و نقش مهمی در زندگی روزمره مسلمانان داشت.

مساجد اولیه بناهایی بسیار ساده بودند، در محوطه ای مربع یا مستطیل شکل و رو به قبله، با دیوارهای خشتی ساخته می شدند (مانند مساجد مدینه، کوفه و بصره). با مسدود کردن سه طرف آتشکده ها و چهارطاقیها و ایجاد قبله گاه، از آنها برای برگزاری آیینهای مذهبی استفاده می کردند. گرچه در ایران از مساجد و بناهای اولیه اسلام نمونه های زیادی به جا نمانده ولی طبق متون تاریخی در دو قرن اولیه اسلام، سنت و شیوه معماری و نوع مصالح دوره ساسانی رواج داشته است. تحقیقات باستان شناسی و تاریخی نشان داده که مساجدی مانند مسجد شوش و فهرج از قدیمترین نمونه های مساجد در ایران دوره اسلامی است. ضمن کاوشهای هیأت باستان شناسی فرانسوی در محوطه باستانی

## راهنمای گردشگری عمومی

شوش، بقایای مسجدی کشف شد که طرحی بسیار ساده داشت و شبستانی ستوندار در یک طرف آن ساخته شده بود. این مسجد از خشت بنا شده و فاقد تزئینات بوده است. در سالهای اخیر در فهرج یزد مسجدی شناسایی شد که به اعتقاد معماران و محققان، متعلق به صدر اسلام است. شیوه بنا و ویژگیهای این مسجد به معماری بناهای ساسانی شباهت دارد.

از بناهای دیگری که با الهام از شیوه معماری عصر ساسانی در ایران بنا شده تاریخانه دامغان است که محققان تاریخ احداث آن را حدود سال ۳۰۰ هجری می‌دانند.

این مسجد دارای حیاط بزرگی است به شکل مربع که اطراف آن را رواقهایی با طاق ضربی فرا گرفته است. تاریخانه دامغان به شیوه معماری ساسانی - در شهری که زمانی از مراکز مهم ساسانیان به شمار می‌رفته - به دست هنرمندان دوره اسلامی بنا گردید.

با تأسیس سلسله امویان در دمشق و عباسیان در بغداد در وضع معماری دگرگونی به وجود آمد، بناهایی مانند قبه الصخره، مسجد جامع دمشق و مسجد سامره حاصل این تحولات. در این بناها استادکاران، چه در شیوه معماری و در تزئینات بنا، از معماری قبل از اسلام، بویژه دوره ساسانی، الهام گرفته‌اند.

قرن دوم هجری با تحولات سیاسی در جهان اسلام همراه بود. خراسان در شرق ایران در این تحولات نقش اساسی داشت و از این خطه ایرانیانی برخاستند که با شیوه حکومتی عباسیان مخالف بودند و به حفظ برخی از رسوم ملی ایران علاقه داشتند. این مخالفت به تدریج گسترش یافت و منجر به تشکیل سلسله‌های مستقلی گردید که رفته رفته نفوذ خود را از شرق به دیگر نقاط گسترش دادند. در نقاط مختلف ایران مانند سیستان، فارس، طبرستان و اصفهان سلسله‌های مانند صفاریان، طاهریان، سامانیان، علویان و بالاخره زیاریان و آل بویه تشکیل گردید.

در قرن چهارم حکومت غزنویان با مرکزیت غزنه به وجود آمد و منطقه وسیعی از طبرستان، گرگان، خوارزم، سیستان و خراسان تا گجرات هندوستان در حوزه اقتدار این سلسله قرار گرفت، بعد از محمود غزنوی حکومت آنان رو به ضعف نهاد و دیری نگذشت که بیشتر قلمرو حکومتی آنان به دست سلسله دیگری به نام سلجوقیان افتاد. آثار معماری قابل توجهی از دوره غزنویان به جا نمانده است ولی از نظر گسترش ادبیات، این عصر از دوره‌های مهم تاریخ ایران به شمار می‌آید.

**مسجد جامع فهرج (کهن ترین مسجد ایران) :** تنها مسجد بجای مانده از قرن اول هجری در ایران، مسجد جامع فهرج میباشد. آنگونه که از منابع تاریخی برمی آید، این مسجد پس از فتح یزد بدست سپاهیان اسلام بنا گردیده، اما کتیبه ای که این مدعا را تأیید کرده باشد، در دسترس نیست. نقشه این مسجد و قرار گرفتن محراب آن در محور عرضی و تزئینات بکار رفته در آن، حاکی از آن است که این بنا در صدر اسلام بنا گردیده است.

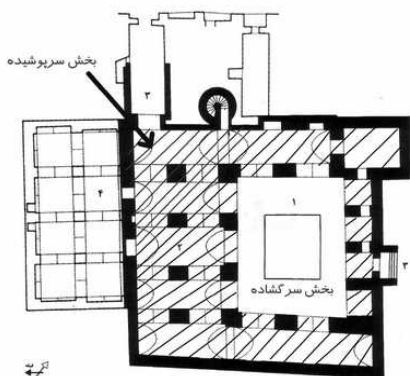


در بناهای تاریخی سده های نخستین اسلامی بهره گیری از سبک معماری ساسانی در سطح وسیعی مشهود است. مسجد جامع فهرج به

## راهنمای گردشگری عمومی

عنوان کهنترین مسجد باقی مانده در ایران زمین، در زمان سعید بن عثمان در سال ۴۵ ه.ق بنا گردید.

این بنا نیز کاملاً به سبک و سیاق معماری عصر ساسانی بنا گردیده و نقشه اصلی آن بسیار ساده می باشد و در واقع تقلیدی از طرح و شکل مسجد النبی است.



خشتهایی به اندازه  $۳۲ \times ۳۲ \times ۵$  - آنگونه که در عصر ساسانی مرسوم بوده - تزیینات گچبری شکنجی و قوسهای ناری و تاچههای ناوی و آهنگ بکار رفته در مسجد جامع فهرج این موضوع را تأیید میکند. این مسجد شبستانی با سه دهانه دارد که دهانه میانی بزرگتر از دهانه چپ و راست است. چفدها، خاگی و تاچهها، آهنگ هستند.

از ویژگیهای جالب این مسجد، طرح درهایی با نقوش ساسانی است که بر دیوارهای مسجد برجای مانده است. احتمالاً معمار میخواست در دورانی که ساخت درهای پر تجمل مرسوم نبوده، اثری از درهای زیبای کهن بر جای بگذارد.

مناره گلین مسجد احتمالاً در دوران بعد (قرن ۴ یا ۵) به آن افزوده شده است و ورودی اصلی مسجد - که شمالی بوده



- به کنار مناره تغییر مکان داده است.

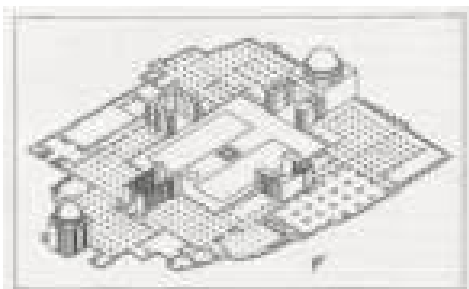
بطور کلی معماری این مسجد، بجز پلان آن، کاملاً ساسانی بوده و همه تزیینات به شیوه پیش از اسلام است.

**تاریخانه دامغان (شیوه خراسانی):** این مسجد یکی دیگر از مساجد اولیه اسلامی (قرن دوم هجری) و با شیوه خراسانی بنا شده است. بخشی از این مسجد چندین بار دوباره سازی شده است. صحن

بزرگ آن تقریباً چهار گوش می باشد و در اطراف آن رواق هایی با طاق ضربی روی پایه هایی مدور قرار دارد.

نقشه کلی مسجد ساده و بی پیرایه و شبیه یک حیاط اندرونی است. ساختار کلی این مسجد و مصالح آن در حین سادگی، شبیه طرح بناهای دوران ساسانی است و نوع آجر چینی آن و ابعاد آجرهای آن قرمز رنگ و ستون ها، بیشتر شبیه طرح بناهای دوران ساسانی نیز می باشد. در رواق های اطراف حیاط، دهانه وسط نسبت به دهانه های دیگر ارتفاع بیشتری دارد. قوس های آن ابتدا بدون تیزه و صاف بوده اند و قوسهای جناقی (تیره دار) را بعدها زده اند.

**مسجد اولیه جامع اصفهان (شیوه خراسانی):**

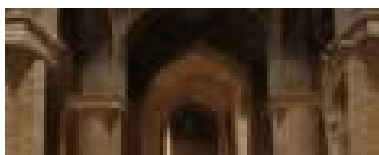


کاوش های اخیر نشان می دهد، طرح اصلی و ابتدایی مسجد جامع اصفهان شبستانی (۱۵۶ هجری قمری) این مسجد بزرگ، تاریخی کهن دارد و در دوره های مختلف تغییرات کلی در آن شده است. تقریباً از تمامی دوره ها، سلسله ها و پادشاهان ایرانی بعد از اسلام، در آن اثر و کتیبه ای دیده می شود و به ویژه در عهد سلجوقی،

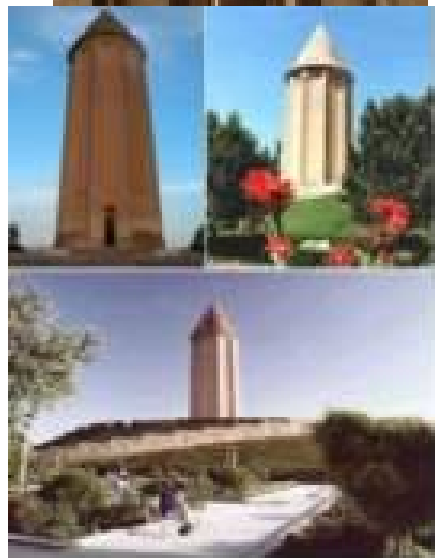
## راهنمای گردشگری عمومی

تیموری و صفوی. نظر به این که مسجد کنونی دارای شیوه ای بیشتر رازی است .

**مسجد جامع اردستان:** گنبد و ایوان آن مربوط به شیوه رازی است و بر روی بنای شبستانی ساخته شده است و در تزیینات آجری آن نهایت دقت و ظرافت به کار رفته است. ستونهای شبستان آن ابتدا به صورت مربع بوده و سپس هشت ضلعی شده است.



**مسجد جامع نائین (شیوه خراسانی):** یکی از بناهای شیوه خراسانی (شبستانی) است. قدیمیترین قسمت مسجد مربوط به شبستان جنوبی است. تغییرات زیادی در دوره های بعد، از جمله در زمان آل بویه در آن دیده شده، لذا مسجد ترکیبی از شیوه خراسانی و رازی را نشان می دهد.



**مسجد جامع نیریز (شیوه خراسانی):** این مسجد در اصل شیوه خراسانی داشته و بعدها ملحقاتی به آن اضافه شده است. طرح اولیه این مسجد شبستانی در جنوب و ایوانی در مقابل شبستان داشته است. گروهی از کارشناسان عقیده دارند که قبل از آن، این مسجد آتشکده بوده است.

### معماری ایران از سلجوقیان تا پایان عصر تیموریان

سلجوقیان تُرکان غز بودند که برای تصرف زمینهای حاصلخیز از

ماوراءالنهر به کشور ایران آمدند و به زودی با فتوحات خود توانستند علاوه بر ایران آسیای صغیر را نیز به تصرف درآورند. بدین ترتیب در آغاز قرن پنجم سلسله ترکان سلجوقی تأسیس شد. بعد از حکومت طغرل نوبت به حکمرانی آلب ارسلان رسید. بعد از مدتی حکومت به دست ملکشاه سلجوقی افتاد و سرانجام در دوره حکومت سلطان سنجر سلجوقی حکومت این سلسله رو به ضعف نهاد و بعد از مدتی به دست سلسله دیگری به نام خوارزمشاهیان منقرض شد. از وقایع مهم سیاسی این دوره، قیام فراگیر اسماعیلیان بود که حدود دویست سال، تقریباً بیشتر قلمرو جهان اسلام و آسیا را فرا گرفت. رئیس این فرقه حسن صباح، ضمن جمع آوری تعداد زیادی از طرفداران خود گذرگاههای صعب العبور را به عنوان پایگاهی برای توسعه قدرت و قیام خود انتخاب کرد. مراکز سیاسی این فرقه بیشتر در کوههای البرز از قزوین تا دامغان گسترده بود. مرکز حکومتی آنان به نام آشیان عقاب یا قلعه الموت معروف است. اسماعیلیان معتقد بودند که اسماعیل پسر جعفر بن محمد (ع) از احفاد حسین بن علی (ع) همان مهدی موعود است. گرچه اسماعیلیان در بیشتر کشورهای اسلامی حتی سوریه و مصر پیروان بسیار داشتند، ولی سرانجام به دست هلاکوخان مغول از بین رفتند.

از نظر توسعه هنرها بویژه معماری، عهد سلجوقیان یکی از دوره‌های درخشان هنری است. همچنین عده‌ای از محققان بر این عقیده‌اند که در این دوره صنایع گوناگون به شیوه گذشته ادامه و گسترش یافت. معماری عهد سلجوقیان از استحکام و زیبایی خاصی برخوردار است. گرچه حدود یک هزار سال از آن دوره می‌گذرد ولی بناهای باقیمانده از آن دوران نشان دهنده مهارت و استادی هنرمندان و استادکاران و آگاهی آنان از شیوه‌های مختلف معماری است. شکوفایی هنرها در این دوره همچنین مدیون آرامش و ثبات سیاسی قلمرو سلجوقیان است که در آن هنرمندان توانستند آثار متعددی به وجود آورند. همچنین وجود وزیری دانشمند چون خواجه نظام‌الملک در دستگاه حکومتی سلجوقیان، باعث رونق صنایع و فنون شد. وی مدارس زیادی در شهرهای بغداد، نیشابور، مرو، ری و جرجان تأسیس کرد و تقریباً از همین زمان بود که مدارس از مساجد جدا می‌شدند. مدرسی که در زمان صدارت خواجه نظام‌الملک به وجود آمد اغلب چهار ایوانی است. دوره سلجوقیان از نظر ادبی نیز اهمیت خاصی دارد؛ شاعران بزرگی چون ناصر خسرو، خیام و خاقانی به این دوره تعلق دارند.

حکومت سلجوقیان جای خود را به حکومت خوارزمشاهیان داد. خوارزمشاهیان در آغاز قرن ششم هجری به ایران آمدند و ممالک خراسان و کرمان و ایالت جبال را تصرف کردند. از حکمرانان این سلسله سلطان محمد خوارزمشاه است که تصمیم به فتح بغداد و انقراض حکومت خلفا گرفت ولی حملات بی‌امان مغول نه تنها مهلت اجرای این نقشه را به او نداد بلکه در مدت کوتاهی به حکومت آنان پایان داد.

با گذشت ۶۰۰ سال از آغاز اسلام تا پایان عصر سلجوقیان، تحولات مهمی در جهان اسلام رخ داد. کشور ایران نیز در این فاصله یعنی تا آغاز قرن هفتم هجری از نظر سیاسی، اقتصادی و مذهبی دستخوش تحولات و دگرگونی‌هایی شد که بی‌شک در گسترش هنرها به ویژه معماری تأثیری بسزا داشت.

در این ادوار، بویژه در عهد سلجوقیان و خوارزمشاهیان، معماری اعتبار خاصی داشت. نقشه بناها چهار ایوانی و تزیینات مهم آنان آجرکاری و گچبری بود. همچنین ایجاد بناهای گوناگون مانند مساجد، مدارس، آرامگاهها و کاروانسراها توسعه پیدا کرد.

ذکر این نکته ضروری است که بسیاری از محققان ویژگیهای معماری دوره خوارزمشاهیان را ادامه عصر سلجوقی دانسته، اختصاصات هنری این دوره را با عصر سلجوقی و گاهی هم با دوره ایلخانی همانند می‌دانند.

بررسی سالهای اخیر نشان داده است که دوره خوارزمشاهی از نظر هنرهای ماند فلزکاری، سفالگری، کاشیکاری، و گچبری و ویژگیهای معماری، سبک جداگانه‌ای داشته که با ویژگیهای عصر سلجوقی و ایلخانی متفاوت بوده است.

در اوایل قرن هفتم هجری (سال ۶۱۷ هجری) به علت اشتباهات سیاسی حکمرانان خوارزمشاهی سپاهیان چنگیزخان مغول به سرزمین ایران هجوم آوردند. مغولان پس از فتح سمرقند و بخارا به خوارزم و خراسان و دیگر بلاد آباد و پرجمعیت روی آورده و شهرهای معروفی چون نیشابور، ری، گرگان، مرو، هرات و بلخ را با خاک یکسان کردند. گرچه یکی از شاهان خوارزمشاهی به نام سلطان جلال‌الدین مدت ده سال با مغول پیکار کرد، ولی از این جنگ و جدالها سودی نبرد و سرانجام به سال ۶۲۸ هجری در کردستان کشته شد و این سلسله منقرض گشت.

در سال ۶۵۳ هجری هجوم دیگری از سوی مغولان، به دست هلاکو یکی از نوه‌های چنگیز آغاز شد، هلاکو نیز مانند اجداد خود به ویرانی شهرها پرداخت و از طرفی به قیام دویست ساله اسماعیلیان در قلعه الموت پایان داد.

بعد از آنکه مغولان شهرهای آباد را ویران کردند، مجبور شدند برای بقا و ایجاد حکومت جدید چاره‌اندیشی کنند و ممالک مفتوحه را سر و سامانی بدهند. آنها به زودی دریافتند که برای ادامه حکومت به عناصر و عوامل داخلی نیازمندند؛ از این رو حکومت آنان که به سلسله ایلخانی معروف است با صدارت دانشمندان ایرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی آغاز شد. وی در توسعه فرهنگ ایران در دوره ایلخانی نقش اساسی داشت. به این ترتیب تجدید فرهنگ ایران اسلامی آغاز شد و هلاکو در ایران ساکن و مؤسس سلسله ایلخانی شد و نسبت به توسعه علوم اظهار علاقه کرد. از جمله اقدامات او تأسیس رصدخانه‌ای در مراغه با کمک خواجه نصیرالدین طوسی بود.

بعد از هلاکو، حکومت به دست آباقا پسر هلاکو و بعد به اولجایتو، ارغون و غازان رسید. در این دوره روابط ایلخانیان با ممالک خارج رو به توسعه نهاد و به تدریج توسعه هنرها به ویژه معماری وارد مرحله جدیدی شد. ایجاد بناهایی چون سلطانیه، مسجد جامع ورامین، فریومد، مسجد ملک و پامنا کرمان و مقابری چون گنبد سرخ، گنبد علویان، برج علاءالدین ورامین نشان‌دهنده توسعه معماری در این دوره است. با آغاز حکومت ابوسعید انحطاط سلسله ایلخانی آغاز شد و حکومت‌های محلی مانند سرداران، جلایریان و مظفریان در نقاط مختلف ایران تأسیس گردید.

معماری دوره ایلخانی با اندک تفاوتی ادامه معماری دوران قبل از خود یعنی سلجوقیان است. استادکاران و معماران دوره ایلخانی نقشه چهار ایوانی را برای ایجاد بناهایی چون مدارس، مساجد، کاروانسراها و ... به کار بردند. نوع و شکل گنبدها به شیوه سلجوقی ادامه یافت. در این دوره ایوانها مرتفع و کم عرض و دیوارهای بنا، باریکتر شد. بیشتر بناهایی که در دوره ایلخانی ساخته شد به دست معماران و هنرمندان محلی بود. گاهی نیز شاهان ایلخانی با صدور احکام و فرامین، خواستار ایجاد بناهای مهم و باشکوه می‌شدند (مانند غزانیه و سلطانیه).<sup>۱</sup>

هنرمندان و معماران در جوامع کوچکتر با امکانات و شیوه‌های محلی در شرایط مختلف اقدام به ساختن ابنیه مذهبی و غیرمذهبی می‌کردند. چون هر منطقه ذوق و سلیقه بخصوصی در معماری داشت، سبکها و اسلوبهای ویژه‌ای به وجود آمد که از آن میان سبک معماری آذربایجان و یزد قابل توجه است. به طور کلی از نظر مصالح ساختمانی و شکل، بین بناهای نقاط دیگر ایران کمتر دیده می‌شود. معماری این دوره شاهد تحولات ویژه‌ای است. تزییناتی چون گچبری، کاشیکاری و آجرکاری، با مهارتی خاص زینت بخش بناها شدند. گچبری این دوره بر دوره‌های متقدم و متأخر برتری کامل داشته است. محراب مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع ارومیه، اشترجان و دیگر بناها نشان‌دهنده اوج رونق و شکوفایی این هنر تزیینی است.

آرامش نسبی دوره ایلخانیان دیری نپایید، در ۷۸۳ هجری، تیمور به ایران حمله کرد و بار دیگر قتل و غارت، شهرهای آباد و پرجمعیت ایران را فراگرفت. تیمور در طول زندگی خود سرزمینهای وسیعی را، از چین تا مصر و از دهلی تا استانبول و مسکو، پایمال اسب سپاهیان خود ساخت.

پس از درگذشت تیمور، شاهرخ در ۸۰۷ هجری به حکومت رسید و پس از وی به ترتیب الغ بیگ، ابوسعید و سلطان حسین میرزا به حکومت رسیدند. در دوره شاهرخ مجدداً آرامش به ایران بازگشت و ابداع آثار هنری، مانند معماری بار دیگر شکوفا شد.

## راهنمای گردشگری عمومی

در پایان عهد تیموری سلسله‌های جداگانه‌ای مانند آق قویونلو و قراقویونلو در ایران به وجود آمدند و هنوز پنجاه سال از ظهور تیمور نگذشته بود که ولایات ایران، به جز خراسان، از دست تیموریان خارج شد. تیمور پس از فتوحات خود شهر سمرقند را به پایتختی انتخاب کرد و برای آبادانی پایتخت خویش، معماران و هنرمندان را به سمرقند دعوت کرد. این هنرمندان به ایجاد بناهای متعدد اقدام کردند و سرانجام در قرن نهم، سمرقند مرکز ابداعات هنرهای اسلامی شد. هنرمند بزرگ قوام‌الدین شیرازی، معمار معروف قرن نهم هجری، در ایجاد بناهای عام‌المنفعه سهم خاصی دارد.

تیموریان نیز مانند ایلخانیان به ایجاد بناهای مذهبی و غیرمذهبی علاقه نشان دادند و از نظر طرح و شیوه معماری از نقشه‌ها و طرحهای متداول آن زمان بهره بردند. از نظر تزیینات بنا این دوره از ادوار مهم اسلامی است. شیوه تزیین با کاشی معرق در عهد تیموری حکایت از آن دارد که هنرمندان این دوره در شیوه تزیینی به حد اعلای مهارت دست یافته بودند، به طوری که در کمتر دوره‌ای این چنین کاشیکاری مشاهده شده است. مساجدی مانند گوهرشاد مشهد، کیود تبریز، مدرسه خرگرد خراسان، مسجد جامع تیمور در سمرقند و همچنین بناهای ساخته شده در بخارا و هرات، نشان‌دهنده برجستگی هنر کاشیکاری و کاربرد آن در بناهای مذهبی است.

**گنبد قابوس** (شیوه رازی): در اوایل قرن چهارم هجری، یکی از بهترین بناهای برج مقبره ای ایران، یعنی گنبد قابوس نزدیکی گرگان ساخته شد. این برج مدفن بانی آن قابوس بن وشمگیر از آل زیار است. این بنا در شهری به همین نام قرار دارد که از هزار سال پیش تا کنون بر روی تپه خاکی، خود نمایی می کند. در عین سادگی یکی از غرور انگیزترین بناهای آرامگاهی است که نه تنها در خاک ایران بلکه در سرتاسر جهان اسلام ساخته شده است.

با روی کار آمدن دیلمیان، آل زیار و آل بویه، مجدداً عظمت معماری اصیل ایرانی در سرتاسر ایران آن روز، جلوه گر شد و سبک و شیوه رازی را در معماری اسلامی پدید آورد.

بنای گنبد قابوس دارای شکوه و عظمت و اندازه‌های متناسب است. تپه ای که پای بست (پی بنا) بر آن نهاده شده، اکنون در حدود ۱۷ متر ارتفاع دارد. خود تپه، تپه ای باستانی است. درون این پای بست سردابی بوده است که آثار طاق آن هنوز باقی است.

بدنه برج را ده پره مضرس شکل، احاطه کرده است. ارتفاع این مضرس ها ۳۷ متر تا زیر گنبد است و با آجر ساده کار شده است. گنبد دو پوسته بوده و گنبد درونی خاکی و از آجر معمولی است و پوسته بیرونی گنبد مخروطی شکل است.



**برجهای خرقان - قزوین:** در کنار روستای حصار در ۳۰ کیلومتری آبگرم، آرامگاه دو تن از بزرگان دوره سلجوقی به نام های "ابو سعید بیجار"، "پسر سعد" و "ابو منصور ایلنای"، پسر تکین قرار دارد که به صورت دو برج شکوهمند آجری با فاصله ۳۰ متر از یکدیگر واقع

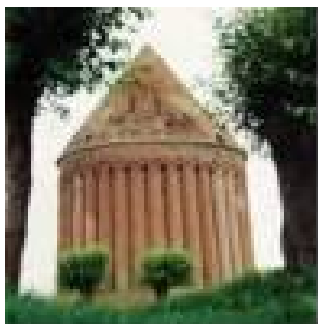
## راهنمای گردشگری عمومی

شده و طبق کتیبه های موجود با فاصله زمانی ۲۶ سال از یکدیگر ساخته شده اند.

معمار برج قدیمتر "محمد... زنجانی" و دومی "ابوالمعالی محمدبن... زنجانی" آمده است.

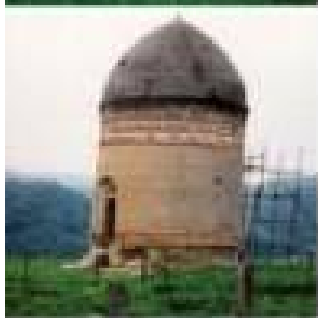
برج شرقی با ارتفاع تقریبی ۱۵ متر و قطر ۱۱ متر، با طرحی هشت ضلعی و ستون های مدور در هر گوشه، بر پایه ای از سنگ بنا شده است. ضخامت دیواره های برج به ۶۰ سانتیمتر می رسد. این برج در سال ۴۶۰ هجری قمری ساخته شده و نخستین بنا با گنبد دوپوش غیر مخروطی اسلامی است.

بنای غربی که در سال ۴۸۶ هجری قمری به پایان رسیده، از نظر طرح و نقشه، همانند برج قدیمتر است؛ با این تفاوت که یک پلکان مارپیچ دارد و ضمن رعایت ابعاد، برج قبلی حدود ۵۵ سانتیمتر مرتفع تر است و کشیده تر به نظر می رسد. این دو برج در زلزله ویرانگر تیر ۱۳۸۱ آوج به شدت آسیب دیدند.



**برج لاجیم و برج رادکان (شیوه رازی):** در نزدیکی گرگان واقع است و از لحاظ زمانی فاصله ای کم و جدا از گنبد قابوس ساخته شده اند.

برج لاجیم نقشه ای دایره شکل دارد، گنبد آن به مرور زمان صدمات زیادی متحمل شده و از شکل اولیه خارج شده است؛ نمای آن گره سازی ندارد و دارای کنگره است.



**شهر سلطانیه:** در محل کنونی دهکده سلطانیه و در میان خانه های روستایی، بنای گنبد سلطان محمد خدابنده خود نمایی می کند. در زمان ایلخانان مغول، در این ناحیه شهری به وجود آمده که با سرعت شگفت آور، در شمار یکی از آبادترین شهرهای جهان قرار گرفته است.

در این منطقه مرتع و چمن زار طبیعی سطح زمین را پوشانده که از زمان های گذشته، چراگاه احشام و مرکز پرورش اسب و محل تشکیل اردوگاه بوده است.



ارغون خان که از نیمه قرن هفتم حکومت داشت، در صدد برآمد در این محل شهر جدیدی بسازد و با این فکر ساختمان حصار شهر را شروع کرد؛ اما عمر وی وفا نکرد و کار بنای شهر ناتمام ماند؛ تا اینکه فرزند کوچکش الجایتو که در اوایل قرن هشتم بعد از برادر خود، غازان خان به پادشاهی رسید، کار پدر را دنبال کرد و به احداث شهر جدید پرداخت.



الجایتو به واسطه یکی از زنانش به دین اسلام گروید و نام محمد را بر خود نهاد و در اعتلای شعاع این دین کوشش فراوان کرد. الجایتو دستور داد تا مهندسان، معماران، بنایان، صنعتگران و سایر اهل فن از



## راهنمای گردشگری عمومی

تمام کشورهای تابعه او روانه آن دیار شده و در آنجا اقامت کرده و به کار بنای شهر پردازند. طرح و نقشه شهر به واسطه وزیر دانشمند او خواجه رشیدالدین فضل الله انجام گرفته بود. او فرمان داد بناهای بسیاری شامل مسجد، کاخ، دارالشفاء، مدرسه و... بسازند. مسجدی که به خرج سلطان بنا گردید، از مرمر و چینی ساخته شده بود.

از میان تمام ساختمان های این شهر جدید و با شکوه عظیم ترین بنا، آرامگاهی است که به دستور سلطان در مرکز شهر برای او ساخته بودند. به این ترتیب سلطانیه بعد از تبریز، بزرگترین، پرجمعیت ترین و با شکوه ترین شهر امپراطوری وسیع ایلخانی گردید.

شهر سلطانیه به همان سرعتی که به وجود آمد و رونق گرفت، پس از سقوط دولت ایلخانی که با مرگ سلطان ابوسعید روی داد، راه زوال پیش گرفت.

شهر با عظمت سلطانیه با همه حوادث طبیعی و دگرگونی های سیاسی تا پایان دولت صفوی هنوز به صورت شهر کوچکی با نعمت فراوان، مطرح بود.



**گنبد سلطانیه** (شیوه آذری): اکنون تنها اثر مهمی که از آن همه بناهای با شکوه عهد الجایتو در شهر سلطانیه به جای مانده، بنای عظیمی است که به گنبد سلطان محمد خدابنده معروف است.

الجایتو پس از طرح سلطانیه فرمان داد تا آرامگاهی به همان عظمت برای او در مرکز شهر بسازند. طرح بنا هشت گوش است و بنایی که اکنون به نام «تربت خانه» معروف است به آن افزوده شد.

ارتفاع بنا از نوک گنبد تا کف زمین در حدود ۵۲ متر و قطر داخلی آن نیز به ۲۵ متر ضخامت، دیوارهای اصلی که پایه های بنا را تشکیل می دهند، به ۷ متر می رسد؛ گنبد آن دو پوسته پیوسته است. دیوارهای اصلی بنا اگرچه قطور بوده و ضخامت آن ها به ۷ متر می رسد، ولی وجود ۸

طاق رفیع وسیع که آنها را از یکدیگر جدا می سازد، باعث شده که بنا خشن جلوه نکند.

در هشت گوش فوقانی بنا، هشت مناره ظریف وجود داشته که گنبد را در بر گرفته و این منظره از دور شکل جالبی



دارد. امروزه از این ۸ مناره فقط بقایایی باقی مانده است. تمام سطح گنبد، پوشیده از کاشی های فیروزه ای رنگ بوده و قسمت تحتانی و قاعده گنبد با خطوط کوفی مربع با کاشی گره سازی شده است.

تا زمان ناصرالدین شاه، تقریباً یک قرن پیش، تمام تزئینات کاشی کاری گنبد، دست نخورده باقی مانده بود؛ لیکن امروز قسمت های زیادی از آن فرو ریخته است.

**مسجد کبود:** مسجد جهانشاه یا مسجد کبود از آثار ابوالمظفر جهانشاه بن

قرایوسف از سلسله ترکمانان قراقویونلو می باشد که در ۸۷۰ هجری به همت و نظارت جان بیگم خاتون، زن جهانشاه بن قرایوسف قره قویونلو، پایان یافته است.

در کتابهای تاریخی، این بنای باشکوه را «عمارت مظفریه» خوانده اند که مورد توجه ابوالمظفر یعقوب بهادرخان قرار گرفت. در این روزگار تبریز در نهایت آبادانی و رونق بود. در نیمه اول قرن یازدهم هجری، کاتب چلبی و اولیا چلبی، جهانگردان ترک عثمانی و در نیمه دوم همین قرن، تاورنیه و شاردن جهانگردان فرانسوی، از این مسجد دیدن کرده بودند. کاتب چلبی در تاریخ جهان نما می نویسد:

درگاه مسجد جهانشاه بلند تر از طاق کسری است. بنایی عالی است که با کاشیهای زیبا آراسته شده و گنبد های بلندی دارد... جامع دل انگیزی است که هر کس داخل شود، دلش اجازه بیرون شدن را نمیدهد. لیکن شیعیان غالباً از رفتن بدان مسجد خودداری میکنند. این بنا با کاشیهای زیبا آراسته شده، گنبدهای بلندی دارد و همه در دیوار آن با کاشیهای رنگارنگ زینت یافته است.

مادام دیولافوا جهانگرد فرانسوی می نویسد :

شهر تبریز ابنیه قدیمی زیادی ندارد، اما آنچه باقی مانده شایان توجه است. بهترین نمونه آن مسجد کبود است که در قرن ۱۵ میلادی در زمان جهانشاه قره قویونلوها ساخته شده است. متأسفانه گنبد این بنای بی نظیر به واسطه زلزله خراب شده و قسمتی از دیوارها را نیز با خود فرو ریخته است. این مسجد حیاط بزرگی داشته که در اطراف آن طاق نماهای جالب توجهی بوده و در مرکز آن حوض بزرگی برای وضو گرفتن وجود داشته است.

انگیزه ایجاد این مسجد را به خاطر علاقه جهانشاه قراقویونلو به مذهب شیعه یاد کرده و می نویسد: «این شخص دوستدار خاندان نبوت و عصمت و طهارت بوده است. در تمام کاشیکاریهای بی نظیرش، عبارت (علی ولی الله) و اسامی مقدس حسنین سلام الله علیها، به اشکال مختلف، زینت بخش دیوارها بوده است. سنگفرش کف این بنا بسیار باشکوه و خوش منظره بوده که هنوز هم آسیب ندیده است. درب ورودی مسجد به دهلیز یا کفشکن باز میشود. مسجد مرکزی بزرگ در جنوب دهلیز واقع شده است. این مسجد به شکل مربع و طول هر ضلع آن شانزده و نیم متر است. گنبد فیروزه گون بزرگ و بسیار معروف مسجد کبود، در بالای این قسمت قرار داشت و این گنبد بود که مسجد را به فیروزه اسلام مشهور ساخته بود.

متأسفانه پس از زلزله وحشتناک تبریز به سال ۱۱۹۲ هجری، تمام سقف مسجد فرو ریخته و خس و خاشاک فراوانی، چون پوشاکی ستبر روی آنها را فرا گرفته و مرمر محراب بی نظیر آن از وسط شکسته و به روی خاک افتاده بود. در صحن و محل عمارات ضمیمه مسجد کبود، دبستان جهانشاه و موزه آذربایجان برپاست که در سال ۱۳۳۷ ساخته شده و اکنون یکی از مراکز دیدنی و تاریخی تبریز می باشد. موزه مشروطیت مهمترین قسمت موزه آذربایجان است.

**معماری مسجد:** نمای روبروی مسجد با سردرب کاشیکاری شده، شکوه و جلال بخصوصی دارد. مصالح بنا آجری است. سنگهای ساختمانی نادری در آن به کار رفته است. از بقایای مسجد معلوم می شود که آجرها با گچ، بند کشی شده است. صحن مربع شکل، حوضی برای وضو، شبستانهای اطراف برای درس و همچنین پناهگاه مستمندان، مسجد را تشکیل می دادند. در قسمت جلوی صحن و رو به قبله، بنای اصلی مسجد به پا شده که محوطه ای محصور، پوشیده

و مربع شکل است. فاصله پایه های سقف ضربی آن، ۱۲ متر است که بر روی چهار پایه یک محوطه مربع شکل قرار دارد. بالای این بنا گنبدی قرار داشت که از آجر ساخته شده بود که ریخته است. تزیینات دل انگیز و زیبای متنوع به داخل مسجد اختصاص دارد. کف مسجد کاشیهای براق داشت. شبستان بزرگ محاط به رواق های به هم پیوسته است و از سه سو با طاقنماهایی به رواقهای اطراف خود ارتباط دارد. این شبستان با سقفی ضربی پوشیده شده است که قطر دهانه آن ۱۷ متر است. تنها خصوصیت جالب این گنبد ساخت آن بر روی چهارپایه مربعی است که این مربع خود به خود به تقارن و تجانس در درون مسجد می انجامد؛ لذا عظمت و زیبایی مسجد را که طی قرون مختلف به نامهای مختلف خوانده شده است، باید به لحاظ معماری خاص آن دانست.

اگر نمازگاه را که شامل محراب نیز است، از بنای اصلی جدا کنیم، مربعی به طول ۳۰ متر به وجود می آید. آنچه در ابتدا به چشم ناظر می خورد، بزرگی و پهنای سردر است که با دیگر قسمتهای بنا هماهنگ نیست. ارتفاع سردر، دو برابر پهنای آن است؛ اما خطای چشم در ارزیابی عمودی و افقی آن را مرتفع تر و بلندتر نشان می دهد. سر در با ویژگیهای خاص خود به سه قسمت تقسیم شده است؛ دو پایه بزرگ که طاق ضربی روی آنها زده شده و در وسط دو پایه محل استقرار درب ورودی است. حاشیه طاق سردر را ستون مارپیچی ممتد تشکیل می دهد. همه هنرها در کار تزیین این سردر به کار گرفته شده است.

این مسجد گلدسته ندارد. احتمالاً محل دو گلدسته مسجد در انتهای دو دیوار جلویی بود، زیرا گذشته از اینکه هیچ گونه محل ریزش، پایه و پله ای برای صعود به گلدسته در محل نزدیک سردر مشاهده نمی شود، تمرکز سردر عظیم با دو گلدسته مرتفع ظرافت و عظمت خاصی به بنا می داد که با هنر سازندگانش مغایرت داشت و حتی کمترین اعتباری نمی توانست در معیارهای معماری داشته باشد.

### معماری ایران از صفویان تا دوران معاصر

یکی از پررونق ترین دوره های هنری ایران اسلامی، دوره صفویه است. سلسله صفویان در سال ۹۰۷ هجری به وسیله شاه اسماعیل صفوی در تبریز تأسیس شد و بعد از او در سال ۹۰۷ هجری به وسیله شاه اسماعیل صفوی در تبریز تأسیس شد و بعد از او در سال ۹۳۰ هجری، شاه طهماسب به سلطنت رسید و به علل سیاسی پایتخت را از تبریز به قزوین منتقل کرد. هنگام حکومت شاه طهماسب، همایون پادشاه مغولی هند به ایران پناهنده شد و مدتی در دربار صفوی اقامت کرد؛ اقامت وی در ایران و حمایت شاه صفوی از او در بازگشت به هند، باعث ایجاد رابطه میان دو کشور باستانی ایران و هند در همه شئون از جمله هنر شد. در قزوین، پایتخت شاه طهماسب، بناهایی چون مسجد، کاخ و کاروانسرا ایجاد شد. تا به سلطنت رسیدن شاه عباس در سال ۹۹۶ هجری به ترتیب شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده هریک مدتی کوتاه، حکومت کردند.

دوره ۴۲ ساله سلطنت شاه عباس، عصر شکوفایی هنر در ایران است. در این دوره از یک سو روابط ایران و اروپا و از سوی دیگر روابط ایران و هند توسعه یافت. شاه عباس پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و این شهر را با بناهای متعددی مانند قصرها، مساجد، بازارها، پلها و کاروانسراها آراست و بدین ترتیب اصفهان مرکز هنرهای اسلامی شد. بعد از شاه عباس، شاه صفی و شاه عباس دوم به سلطنت رسیدند و در زمان شاه عباس دوم هنر معماری و

هنرهای دیگر رونق داشت. در زمان سلطنت طولانی شاه سلیمان توسعه هنرها به شیوه گذشته، ادامه یافت. در سال ۱۱۰۵ هجری شاه سلطان حسین صفوی به سلطنت رسید و در زمان او سلسله صفویه ناتوان و ضعیف شد و سرانجام در سال ۱۱۳۵ با هجوم افغانها سقوط کرد.

قرن دهم و یازدهم هجری را دوران شکوفایی هنر اسلامی در ایران دانسته‌اند. در این دوره با حمایت شاهان صفوی، هنرهای پارچه‌بافی، نقاشی، فلزکاری، سفال‌سازی و معماری به حد اعلای توسعه و تکامل رسید. شاهان صفوی در پایتخت و شاهزادگان و حکمرانان در دیگر شهرها در ایجاد بناهای مذهبی و غیرمذهبی فعالیت چشمگیری داشتند. به عنوان نمونه گنجعلیخان، حکمران کرمان و شیخ علیخان زنگنه حکمران کرمانشاه و الله وردیخان را می‌توان نام برد که بناهای بسیاری در اصفهان و کرمان و شیراز به همت آنها ساخته شد.

در دوره صفویه مکتب، شکوه و زیبایی اصفهان، بسیاری از بازرگانان و جهانگردان را به ایران کشاند و بسیاری از آنان مانند تاورنیه، کمپفر، شاردن، و الثاریوس زیبایی و عظمت اصفهان را در سفرنامه‌های خود وصف کرده‌اند. در سفرنامه شاردن می‌خوانیم که در زمان دیدار او از اصفهان پایتخت صفوی دارای ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه، ۱۰۸۲ کاروانسرا و ۲۷۲ حمام بوده است.

از ابنیه اوایل دوره صفوی آثار بسیاری برجای مانده است، ولی طبق نوشته مورخان، قصرهایی را شاه اسماعیل در خوی و قزوین بنا کرد. از دیگر آثار باقیمانده، مسجد جامع ساوه و مسجد علی است که در زمان شاه اسماعیل ساخته شد. در زمان شاه طهماسب - وقتی که پایتخت از تبریز به قزوین منتقل شد - بناهایی چون قصر، مسجد و کاروانسرا در آنجا احداث گردید. طبق مدارک تاریخی کاروانسرای برای پذیرایی مهمانان خارجی ساخته شده بود که گنجایش ۲۵۰ مسافر را داشت.

فعالیت وسیع معماری دوره صفوی در زمان شاه عباس اول آغاز شد. در این دوره نه تنها در اصفهان، بلکه در شیراز، اردبیل، مشهد، تبریز و دیگر شهرهای ایران بناهای مختلف احداث شد.

در عهد صفوی سبک معماری قدیم ایران تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح بناها جای خود را باز کرد. اغلب بناهای دوره صفوی مانند مساجد، مدارس و کاروانسراها به شکل چهار ایوانی بنا شد. استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای تزیینات، رونق فراوان یافت؛ به طوری که ساختمانهای مذهبی این دوره از گنبد، ایوان، طاقنما، سردر ورودی و حتی منارها، با کاشی آراسته شد. خطاطی و خوشنویسی روی کاشی نیز در آرایش بناهای مذهبی عمومیت یافت و بناهای متعددی با خطوط ثلث، نسخ، نستعلیق و خطوط دیگر تزیین شد.

پس از انقراض صفویان، توسعه هنرهای گوناگون به شیوه دوره متقدم ادامه نیافت و به علل مختلف از جمله مسائل سیاسی، آرامش مناطق مختلف ایران مختل شد. کشمکشهای سیاسی، جنگهای داخلی و خارجی در سه دوره تاریخی بعد (افشاریه، زندیه، قاجاریه) توسعه هنرهای گوناگون را تا حد زیادی متوقف کرد. سبک معماری، که در دوران صفویه به اوج رونق و شکوفایی خود رسیده بود، در این سه دوره همچنان ادامه یافت ولی از نظر زیبایی مانند دوره صفویه نبود. در این دوران به ویژه در دوران قاجاریه، ارتباط ایران با اروپا بیشتر شد و در نتیجه، تأثیر هنر اروپایی در هنرهای اسلامی به خصوص معماری و نقاشی و سفالگری پدیدار شد.

در این دوران نیز از کاشیکاری در تزیینات معماری بهره گرفتند و در پوشش گنبدها، ایوانها و نمای خارجی از کاشیهای هفت رنگ استفاده شد. همچنین در دوره قاجاریه بسیاری از بناهای گذشته که در حال ویرانی بودند، مرمت و تجدید بنا شدند.

معماری دوران افشاریه، زندیه و قاجاریه، شامل بناهای مذهبی و غیرمذهبی از نظر طرح و نقشه به شیوه دوره صفوی بود. علی‌رغم ناآرامیهای سیاسی و ناامنی، در این سه دوره بناهایی به وجود آمد که هریک از نظر زیبایی و اصول معماری حائز اهمیت هستند و استادی و نبوغ معماران ایرانی را در احداث بناهای مختلف به ویژه بناهای مذهبی نشان می‌دهد؛ بناهایی مانند مجموعه وکیل شیراز، مجموعه کاخهای گلستان تهران، مجموعه بناهای سپهسالار.

### اصفهان: مسجد علی

مسجد علی در دوره بنیانگذار سلسله صفوی یعنی شاه اسماعیل (۹۲۹ هجری) در نزدیکی مسجد جامع اصفهان ساخته شده است. این بنا در محل مسجدی متعلق به عهد سلجوقی، که در دوره صفوی تخریب شده بود، بنا گردید. از مسجد دوره سلجوقی فقط مناره آجری قدیمی که حدود چهل متر ارتفاع دارد و با کتیبه‌ای کوفی و کاشی تزیین شده، باقی مانده است. مسجد علی به شکل چهار ایوانی بنا شده و ایوان جنوبی آن از ایوانهای دیگر بزرگتر است و شبستان گنبددار مسجد در پشت ایوان جنوبی قرار دارد. گنبد آن از خارج با کاشیکاری و از داخل با مقرنسهای گچی تزیین شده و کتیبه‌ای به خط ثلث شامل آیاتی از قرآن بر زمینه گچی - با تاریخ ۹۲۹ هجری - نوشته شده است. سر در مسجد با کاشیکاری زیبا و دو ردیف کتیبه خط شمس‌الدین تبریزی تزیین شده است. کتیبه ردیف اول شامل آیاتی از قرآن است که به خط ثلث بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده و کتیبه ردیف دوم شامل نام شاه اسماعیل صفوی و بانی ساختمان، میرزا حسین اصفهانی است. مسجد علی از نظر معماری و تزیینات آن در سر در ورودی و مقرنسهای گچی داخل گنبد و کاشیکاری آن، در ردیف مساجد مهم دوره صفوی محسوب می‌شود.

### اصفهان: مسجد حکیم

مسجد حکیم به سال ۱۰۶۷ هجری در دوران سلطنت شاه عباس دوم صفوی در محله قدیمی شهر اصفهان معروف به باب‌الدشت - که در آن بقایای مسجدی از اوایل اسلام به نام رنگرزان وجود داشت - بنا شده است. بانی مسجد معروف به تقرب‌خان از پزشکان عهد شاه عباس دوم و شاه صفی بوده است که مورد بی‌مهری دربار صفوی واقع شد و به هندوستان گریخت. محمد داود ملقب به تقرب‌خان در کشور هند موقعیت ممتازی یافت و اموال بسیار گرد آورد و بخشی از اموال خود را به اصفهان فرستاد و مسجد مورد بحث که بعدها به نام حکیم معروف شد، به وسیله بستگان او ساخته شد. مسجد با نقشه متداول چهار ایوانی بنا شده و مانند بناهای مذهبی دوره صفوی از تزیینات زیبایی برخوردار است؛ از آن جمله کتیبه تاریخی سردر مسجد است که به خط ثلث بر زمینه لاجوردی به وسیله خطاط معروف محمدرضا امامی نوشته شده است. در ضلع شمالی مسجد، نام سازنده و معمار مسجد محمد علی بن استاد علی بیگ بنای اصفهانی به خط نستعلیق و به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی به چشم می‌خورد.

در مسجد حکیم کتیبه‌های متعددی به خط محمدرضا امامی شامل سوره‌های جمعه اسری، بقره، مائده، دهر، اخلاص، تکویر و ... به شیوهٔ ثلث و نستعلیق و خطوط معقلی یا بنایی در بخشهای مختلف مسجد چون داخل گنبد ایوانها وجود دارد. شبستان مسجد حکیم یا ایوان جنوبی از اهمیت بیشتری برخوردار است. محراب مسجد، علاوه بر آرایش با مقرنس کاری بسیار زیبا، دارای کتیبه‌های متعددی است. کتیبهٔ اطراف مسجد به خط ثلث بر خشتهای کاشی لاجوردی به قلم محمدرضا امامی است که شامل آیهٔ ششم از سوره اسری است. این کتیبه دارای تاریخ ۱۰۷۱ هجری می‌باشد. کتیبهٔ داخل محراب نیز از محمدرضا امامی شامل آیهٔ ۱۴۴ از سوره بقره است که در سال ۱۰۷۱ هجری به اتمام رسیده است.

### اصفهان: مسجد شیخ لطف‌الله

زیباترین و باشکوه‌ترین بنای دورهٔ صفوی، مسجدی است به نام شیخ لطف‌الله که در ضلع شرقی میدان نقش جهان، مقابل عمارت عالی قاپو واقع شده و بنای آن در سال ۱۰۲۸ هجری در دورهٔ شاه عباس بزرگ به پایان رسیده است. این مسجد به نام امام جماعت آن (شیخ لطف‌الله) نامگذاری شده که در زمان سلطنت شاه عباس به علل مذهبی از یکی از قرای لبنان به ایران کوچ کرد و در مشهد و سپس در اصفهان مقیم شد. شیخ لطف‌الله در این مسجد و در مدرسه مجاور آن به اقامهٔ نماز و تدریس علوم دینی می‌پرداخت.

عظمت مسجد شیخ لطف‌الله بیشتر به واسطهٔ کاشیکاری داخل و خارج و کتیبه‌های زیبای آن است که به دست هنرمندان معروفی چون علیرضا عباسی، استاد حسین بنا و باقر بنا انجام شده است. ورودی و گنبد مسجد با کاشیکاری زیبایی تزیین شده است. روی گنبد، با کاشیکاری معرق با طرح اسلیمی پوشانده شده و در گردن گنبد، کتیبه‌ای به خط ثلث با کاشی سفید بر زمینهٔ لاجوردی تاریخ ۱۱۱۲ هجری را نشان می‌دهد. کاشیهایی که پوشش خارجی گنبد را ساخته‌اند، اخیراً تعمیر شده‌اند. پس از در ورودی، راهروی مسجد قرار گرفته که دارای کاشیکاری بسیار زیبا و پنجره‌های سنگی مشبک است و به شبستان و محراب مسجد منتهی می‌شود. تزیینات داخلی مسجد شامل کتیبه‌های کاشی معرق است که تمامی شبستان، قسمت داخلی گنبد و محراب را دربر می‌گیرد.

دو کتیبهٔ فوقانی داخل شبستان مسجد به خط هنرمند معروف علیرضا عباسی است. کتیبه اول به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینهٔ کاشی لاجوردی رنگ است و تاریخ ۱۰۲۵ هجری دارد. کتیبهٔ دوم در زیر پنجره‌های مشبک اطراف گنبد، قرار گرفته و به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینهٔ لاجوردی است که شامل آیاتی از قرآن است. در زیر کتیبهٔ دوم کمربندی داخل گنبد، در هر گوشه در دو شکل لوزی مانند، با کاشی مشکی بر زمینهٔ سفید، سوره‌هایی از قرآن نوشته شده است. کتیبه‌هایی نیز به خط ثلث در چهار گوشهٔ داخل مسجد در قسمتهای جنوبی غربی، جنوب شرقی، شمال غربی و شمال شرقی با کاشی سفید بر زمینهٔ لاجوردی وجود دارد. کتیبه‌های دو ضلع شرقی و غربی داخل گنبد به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینهٔ لاجوردی شامل اشعاری به زبان عربی مشتمل بر اسامی چهارده معصوم و به خط باقر بنا است. کتیبه‌های شمالی و جنوبی به خط ثلث با کاشی

سفید معرق بر زمینه لاجوردی است که نام شیخ لطف‌الله و باقر بنا بر آن نوشته شده است. تزیینات داخل بنا با طرحها و نقوش رنگ آمیزی الوان، جلال و زیبایی خیره کننده‌ای به شبستان مسجد داده است. کاشیکاری سقف با طرح لوزی و ریزه کاریهای خاصی که در آن به کار رفته و مقرنس کاری و معرق کاری محراب آن اعجاب انگیز است و در واقع از شاهکارهای هنری است. روشنایی داخل مسجد به وسیله روزنه‌هایی که در اطراف گنبد به فواصل منظم وجود دارد، تأمین می‌شود؛ نورهایی که به داخل مسجد می‌تابد، زیبایی و جلوه خاصی به تزیینات کلی شبستان می‌بخشد. به طور خلاصه همان‌طور که آرتور اپهام پوپ گفته است مسجد شیخ لطف‌الله توافقی است بین یک دنیای شور هیجان و سکوت و آرامش باشکوهی که نماینده ذوق سرشار زیبایی‌شناسی بوده است و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی‌تواند، داشته باشد.

### اصفهان: مسجد امام

در ضلع جنوبی میدان امام، یکی دیگر از آثار باشکوه معماری دوره صفویه به نام مسجد امام واقع شده است که در سال ۱۰۲۰ هجری ساختمان آن به دستور شاه عباس اول آغاز و به تدریج در زمان جانشینان او تکمیل شد. مسجد امام به شکل چهار ایوانی بنا شده و مانند مسجد شیخ لطف‌الله عظمت آن بیشتر به سبب کاشیکاری و تزیینات زیبای آن است.

گنبد مسجد دارای دو پوشش است؛ حد فاصل بین دو جدار داخلی و خارجی گنبد در حدود پانزده متر و ارتفاع گنبد از سطح زمین به طور تقریب ۵۴ متر است. این گنبد عظیم با تزیینات زیبای کاشیکاری پوشیده شده است و کتیبه‌ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ با تاریخ ۱۰۳۷ هجری دارد.

سردر اصلی مسجد با کتیبه، مقرنس کاری و کاشیکاری تزیین شده است؛ کتیبه سردر باشکوه مسجد به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی و با تاریخ ۱۰۲۵ هجری و به خط هنرمند معروف علیرضا عباسی است. متن کتیبه حاکی از آن است که شاه عباس اول این مسجد را از مال خود بنا کرده و ثواب آن را به روح جد اعظم خود شاه طهماسب اول هدیه کرده است. علاوه بر کتیبه مزبور کتیبه‌های دیگری نیز در زیر کتیبه ذکر شده و در طرفین جلوخان مسجد، نوشته شده است؛ طبق کتیبه‌ای که از هنرمند معروف محمدرضا امامی در ذیل سردر مسجد به خط ثلث مانده، نام استاد علی‌اکبر اصفهانی معمار و مهندس مسجد آمده است.

این مسجد دارای دو مناره با ۴۸ متر ارتفاع است که با خطوط مارپیچ تزیین شده‌اند. آیه‌هایی از قرآن و عبارات لا اله الا الله، محمد رسول الله و الله اکبر با رنگ مشکی بر زمینه فیروزه‌ای، قسمت دیگری از تزیینات بدنه مناره‌های مسجد را تشکیل می‌دهد. دور تا دور ساقه گنبد در فاصله‌های معین پنجره‌های مشبک تعبیه شده که روشنایی شبستان را تأمین می‌کند. طرح کاشیکاری روی گنبد مرکب از نقوش اسلیمی سفید وحنایی بر زمینه فیروزه‌ای رنگ است. تزیینات کاشیکاری ساقه گنبد در فواصل پنجره‌ها، عبارت از هشت لوحه تزیین شده به خط بنایی لاجوردی بر زمینه فیروزه‌ای شامل صلوات بر چهارده معصوم است. از زمان شاه صفی یعنی سال ۱۰۴۶ ه. ق. در زیر مقرنس ورودی، دری وجود دارد که با نقره و طلا پوشش شده و اشعاری به خط نستعلیق بر آن حک شده است.

مسجد مستطیل شکل و چهار ایوانی ساخته شده و در وسط هر یک از اضلاع صحن ایوان و در اطراف ایوانها، غرفه‌های دو اشکوبه بنا شده است. مجلل‌ترین قسمت داخلی مسجد، محوطه زیر گنبد است. تزیینات زیر گنبد با مهارت و زیبایی تمام انجام گرفته و شامل گل و بوته‌های سفید و زرد و طلایی بر زمینه آبی است؛ کتیبه داخل گنبد به خط ثلث بر زمینه کاشی لاجوردی است که به وسیله هنرمند معروف عبدالباقی تبریزی در سال ۱۰۳۶ هجری نوشته شده است. از جمله هنرمندان معروف دیگری که در نمای داخلی مسجد کتیبه‌هایی به یادگار گذاشته‌اند می‌توان از محمد صالح اصفهانی و محمدرضا امامی نام برد. در قسمت فوقانی محراب مسجد، کتیبه‌ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی وجود دارد که آن را محمد صالح اصفهانی در سال ۱۰۳۸ هجری نوشته شده است. در دو طرف محوطه زیر گنبد دو شبستان قرار گرفته که سقف هر یک از آنها با هشت گنبد کوچک پوشیده شده و بر ستونهای سنگی ظریف استوار است. تمام بدنه و سقف این شبستان‌ها نیز مانند محوطه زیر گنبد با کاشیهای خوش‌رنگ زینت یافته است و دارای پنجره‌های مشبک ظریفی است که روشنایی داخل شبستان را تأمین می‌کند. همچنین هر یک از شبستان‌ها دارای دو محراب است که در اطراف آنها کتیبه‌ای به خط ثلث از محمدرضا امامی وجود دارد. در دو گوشه مسجد دو مدرسه به نام سلیمانی و ناصری قرار دارد که هر دو در زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده و به علت تعمیراتی که در زمان ناصرالدین شاه قاجار در مدرسه دوم صورت گرفته، این مدرسه به ناصری معروف شده است.

### اصفهان: کاخ چهلستون

در دوره شاه عباس اول آغاز شد و در زمان سلطنت شاه عباس دوم به پایان رسید. کاخ چهلستون رو به مشرق ساخته شده و در جلوی آن ایوانی سرپوشیده قرار گرفته که سقف آن بر روی هجده ستون یکنواخت از چوب چنار در سه ردیف شش تایی به بلندی دوازده متر استوار است. ستونها دارای پایه‌های سنگی و بدنه آنها به صورت چند ضلعی است. پوشش ایوان نیز از چوب است و سقف آن با ظرافت خاصی با قابهای چوبی به اشکال هندسی تزیین و روی آن نقاشی شده است. بعد از آن، ایوان دیگری قرار دارد که کف آن از ایوان قبلی بلندتر است و دو ستون چوبی مانند ستونهای ایوان اول و در قسمت مقدم آن واقع شده و قسمتی از سقف ایوان روی آن تکیه دارد. در دو طرف ایوان دوم دو تالار ساخته شده که در اطراف آنها درها و پنجره‌ها بسیار زیبایی قرار دارد. مهمترین قسمت کاخ، تالار بزرگ آن است که محل جلوس شاهان صفوی به شمار می‌رود. در گذشته قسمت پایین تالار با کاشیهای منقوش پوشیده شده بود ولی اکنون کاشیهای جدید به جای آنها نصب شده است. در بالا بر دیوارهای دور تالار ۲۴ مجلس نقاشی دیواری شامل صحنه‌هایی از عیش و سرور و بالاتر از آنها نقاشیهای بزرگ رنگ روغن کشیده‌اند. موضوعهای این نقاشی‌ها به ترتیب عبارت است از:

الف) نقاشی‌های ضلع غربی تالار مقابل در ورودی از راست به چپ:

۱. مجلس بزم شاه عباس و پذیرایی او از ولی محمدخان پادشاه ازبک؛
۲. جنگ شاه اسماعیل با عثمانیها در محل چالدران (از نقاشی‌های بعد از صفویه)؛
۳. مجلس پذیرایی شاه طهماسب اول از همایون پادشاه هندوستان.



ب) نقاشی‌های ضلع شرقی از راست به چپ:

۱. جنگ شاه عباس با ازبکها؛
  ۲. جنگ نادر با هندیها در کرنال (از نقاشی‌های بعد از صفویه)؛
  ۳. مجلس پذیرایی شاه عباس دوم از محمدخان پادشاه ازبک.
- علاوه بر این، نقاشی‌هایی از سفرا و اروپاییان مشهوری که در آن زمان در ایران بودند وجود دارد. همچنین اتاقهای اطراف تالار بزرگ نیز با نقاشیهای زیبا از دوره شاه عباس و پادشاهان بعدی تزیین شده است. طبق کتیبه ایوان چهلستون، قسمت اعظم کاخ در سال ۱۰۵۷ هجری (۱۶۴۷ میلادی)، هنگام سلطنت شاه عباس دوم ساخته شده است.

### اصفهان: کاخ هشت بهشت

کاخ هشت بهشت بنای زیبای دیگری از دوره صفویه است که در زمان پادشاهی شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۸۰ هجری (۱۶۶۹ میلادی) احداث شده است. این کاخ به شکل هشت گوش نامساوی و به طول سی متر و عرض ۲۶/۳۵ متر و در دو طبقه ساخته شده است. اطراف کاخ را سکویی کم ارتفاع فراگرفته و طبقه اول بنا دو متر از کف زمین بلندتر است. راه ورودی کاخ از طریق پله‌هایی است که در طرف غرب و شرق ساخته شده است. اطراف کاخ ایوانهایی دارد که سقف آنها روی دو ستون چوبی قرار گرفته است. از ایوانها وارد تالار هشت ضلعی کاخ می‌شوند. در چهار ضلع بزرگ تالار، اتاقهای متعددی به طور قرینه واقع شده‌اند. سقف تالار هشتی وسط، گنبدی شکل است و در بالای گنبد قبه‌ای قرار گرفته که دارای هشت دریچه مشبک است. طاقنماهای بیرونی کاخ با کاشیهای الوان همراه با نقش پرندگان و حیوانات تزیین شده و کلیه قسمت‌های داخل قصر دارای نقاشیهای زیبا و مقرنس کاری است.

شاردن، سیاح فرانسوی که در زمان شاه سلیمان صفوی این کاخ را دیده است، می‌نویسد: «کاخ هشت بهشت در باغ بلبل قرار دارد. تمام سقفهای آن از موزائیک بسیار عالی است؛ دیوارها و جرزها دو طبقه و دالانها و غلام گردشگاهی در اطراف آنهاست. در این دالانها صدها مکان وجود دارد که دلکش‌ترین و فرح‌انگیزترین نقاط دنیا محسوب می‌گردد و هر یک به وسیله منفذی که نور از آن می‌تابد، روشن می‌شود. هیچ‌یک از این نقاط از حیث شکل و ساختمان و تزیینات به دیگری شبیه نیست. در هر جایی چیزهای تازه و گوناگون وجود دارد؛ در بعضی نجاریها و در برخی دیگر حوض‌ها و فواره‌هایی هست که از لوله‌هایی از داخل دیوارها آب می‌گیرند».

در دوره قاجاریه در این کاخ تغییرات زیادی داده‌اند؛ به طوری که فلاندن که در زمان محمدشاه قاجار و مادام دیولافوا که در عصر ناصرالدین شاه به ایران آمده‌اند، نتوانسته‌اند باور کنند که کاخ هشت بهشت از آثار دوره صفوی است و آن را به شاهان قاجار نسبت داده‌اند.

### اصفهان: کاخ عالی قاپو

همزمان با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، شاهان صفوی در زیبایی آن کوشیدند و با احداث مدارس، مساجد، پلها، کاروانسراها و کاخهای زیبا، اصفهان را به صورت یکی از زیباترین پایتختهای آن دوره درآوردند. از جمله بناهایی که توصیف زیبایی آن در کتابهای سیاحان و جهانگردان خارجی آمده، کاخهای اصفهان است. اغلب جهانگردان در

وصف کاخهای صفوی نوشته‌هایی بر جای گذارده‌اند؛ مثلاً شاردن فرانسوی درباره کاخ عالی قاپو می‌نویسد: «این کاخ بزرگترین کاخی است که در پایتختی وجود دارد». همچنین سیاحان نقاشیهایی از برخی کاخهای صفوی کشیده‌اند که امروز وجود خارجی ندارند؛ مانند قصر آینه در کنار زاینده‌رود ساخته شده بود و امروزه اثری از آن بر جای نمانده است.

کاخ عالی قاپو در زمان شاه عباس اول، احتمالاً همزمان با ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله بنا شده است. طبق مدارک تاریخی در محل فعلی کاخ عالی قاپو، شالوده بنایی از دوره جانشینان تیمور ریخته شد ولی در دوره صفوی تجدید بنا گردید. شاه عباس کاخ عالی قاپو را محلی برای انجام کارهای دولتی برگزید و دستور داد تا به تکمیل و توسعه آن پردازند. کاخ عالی قاپو بنایی شش طبقه است که هر طبقه آن تزیینات مخصوص به خود دارد. هنرمند معروف دوره شاه عباس، رضا عباسی و شاگردان او آثار زیبایی در این کاخ از خود به یادگار گذاشته‌اند. تزیینات بنا به شکل نقاشیهای گل و بوته، شاخ و برگ و اشکال طیور و حیوانات است که در قسمتهای مختلف قصر مانند اتاقها، سقفها، راهروها و پلکانها به چشم می‌خورد. در دو گوشه طبقه اول، دو راهرو با پلکان مارپیچی تعبیه شده که تا طبقه آخر ادامه می‌یابد؛ زیباترین قسمتهای عمارت عالی قاپو طبقه ششم آن است که سالن آن از تمام اتاقهای بنا بزرگتر است و در همین اتاق مجالس سرور و عشرت در حضور شاه ترتیب می‌یافته است. تزیینات گچبری این قسمت که تمام سقف و بدنه آن را پوشانده بسیار جالب توجه است، گچبریها به اشکال مختلف ظروف مانند جام، صراحی و تنگ طراحی شده‌اند.

در زمان سلطنت شاه عباس دوم، تالاری با هجده ستون چوبی به طبقه سوم کاخ عالی قاپو اضافه شد. ستونهای الحاقی با آئینه پوشیده گردیده و سقف آن با صفحات بزرگ نقاشی تزیین شده است. در وسط تالار حوضی با فواره از مرمر و مس ساخته شد. دیوارهای تالار دارای دو پوشش تزیینی است که اولی در زمان شاه عباس دوم و دومی در زمان شاه سلطان حسین به آن الحاق شده است.

بسیاری از علاقه مندان به آیین سخنرانی از جمله کسانی هستند که در کنفرانس ها شرکت کرده و به سخنرانی سخنوران گوش داده اند یا آنکه ممکن است اولین سخنرانی آنها باشد حال به سخنرانی های ایراد شده ای که تا به حال شنیده اید فکر کنید. کدامیک در ذهن شما باقی مانده است و چرا؟

**ارتباط** در تعریف عبارت است از یک فرایند دو طرفه که ارایه سخنرانی یکی از دو بخش این فرایند است. هدف شما از سخنرانی آن است که اطلاعاتی را به مخاطب خود ارایه نمایید. لذا باید بدانید که مخاطب شما چگونه یاد می گیرد. مخاطبین در صورتی بهترین بهره وری را از سخنرانی شما خواهند داشت که :

انگیزه یادگرفتن داشته باشید.

اهداف یادگیری آنها مشخص و واضح باشد.

نیاز به یادگیری را در خود احساس کنند.

در فرایند یادگرفتن، شرکت فعال داشته باشند.

روشهای متعدد یادگیری را استفاده کنید.

یادگیری برایشان لذتبخش باشد.

حضور در جلسه سخنرانی و ایراد آن لزوماً به معنای آن نیست که اطلاعاتی را به مخاطب خود رسانیده اید. بلکه باید راهی بیابید که مطالب سخنرانی شما توسط مخاطب تفهیم شود.

#### آماده شدن برای سخنرانی :

**\* مخاطب خود را بشناسید:** تصمیم بگیرد چه مطالبی را به مخاطب خود می خواهید منتقل کنید. چند نفر در جلسه حضور خواهند داشت. هر چه تعداد مخاطبین کمتر باشد تعامل شما با آنها بیشتر خواهد بود. آیا زبان شما و مخاطب مشترک است و او زبان شما را می فهمد؟ سوای زبان مادری مخاطب باید از نظر تکنولوژی و علمی نیز زبان شما را بشناسد و برایش قابل فهم باشد. علاوه بر این سعی کنید مطالب را در حدی که برای مخاطب شما قابل درک باشد به او عرضه کنید و بیش از ظرفیت دریافت او، اطلاعات به او سرازیر نکنید.

**\* اضطراب و تشویش را به خود راه ندهید :** وجود بی قراری در دهنده یا گیرنده در یک ارتباط دو طرفه به ارتباط صدمه می زند و مانع از یک ارتباط موثر می شود. اغلب سخنران ها با توجه به تجربه اظهار می دارند که همیشه قبل از شروع صحبت در جلسه سخنرانی اضطراب دارند و این چیزی نیست که ضرورتاً به مرور زمان بهبود یابد. این یک پدیده طبیعی است که اتفاقاً می تواند مفید هم باشد. عدم وجود اضطراب حالت یکنواختی در کلام ایجاد می کند. از سوی دیگر اضطراب داشتن بیش از حد نیز معضلی است که نه تنها برای سخنرانی بلکه برای شنونده نیز دردسر آفرین

است. گاهی اوقات تمرین نفسهای عمیق می تواند در این مورد کمک کند. اغلب سخنرانان تجربه کرده اند که با شروع کردن سخنرانی اضطراب تا حد قابل کنترلی کاهش می یابد.

**\* متن سخنرانی خود را تمرین کنید :** بله، کلید مهم برای کاهش اضطراب آن است که بدانید برای انجام سخنرانی آماده هستید. نه تنها راجع به آنچه می خواهید بگویید مطمئن باشید که باید بدانید آنچه می خواهید بیان کنید چه مدت زمانی طول خواهد کشید. بنابراین بهتر است متن سخنرانی تان را تمرین کنید، ترجیحا در مقابل همکاران یا دوستانی که آنها را قبول دارید و با آنها راحتید و کسانی که بازخوردهای سازنده ای به شما دهند این تمرین را انجام دهید. زمان بندی مناسب اهمیت دارد. یک عمل کاملا غیر حرفه ای آن است که از زمان خود تخطی کنید و یا زمان سایر سخنرانان را بگیرید. البته یک نفر صاحب کرسی مسئول اداره زمان سخنرانان است و اجازه نخواهند داد که اتفاقی بیفتد.

**\* کارتهای فشرده آماده کنید :** اگر تمام آنچه را که با خود برای سخنرانی آورده اید از روی کاغذ بخوانید ارتباط موثر و مستقیمی با شنونده برقرار نمی کنید. در این شرایط شاید بهتر باشد شما از متن سخنرانی خود یک فتوکپی بگیرید و به شنونده هایتان بدهید که بنشینند و آن را مطالعه کنند. همچنین خواندن یک متن از روی کاغذ فرصت برقراری ارتباط و ارتباط چشمی با شنونده را از شما می گیرد. ارتباط چشمی به شما کمک می کند که بتوانید قضاوت صحیح تری داشته باشید که آنچه می گوئید برای شنونده دریافت خوبی دارد یا نه. یک راه حل آن است که از کارتهای فشرده استفاده کنید. این کارتها فقط شامل نکات کلیدی صحبت شما هستند و به حافظه شما کمک می کنند و نیز از اضطراب شما که مبادا حرفهایتان را فراموش کنید کمک می کند.

**\* امکانات موجود را ارزیابی کنید :** زودتر از موعد در سالن کنفرانس حضور یابید تا فرصت کافی داشته باشید اندازه اتاق و نحوه چیدمان تجهیزات و صندلی ها out lay را بررسی کنید. همچنین وضعیت نور و ابزاری را که می خواهید استفاده کنید. اگر می خواهید از سیستم پاور- پوینت برای سخنرانی استفاده کنید سیستم کامپیوتر یا فلاپی مورد نظر را کنترل کنید. همیشه برگه های شفاف (ترانسپرنسی) برای استفاده توسط آورهد داشته باشید تا در مواردی که سیستم کامپیوتر به هر دلیل درست عمل نکرد شما باز نمایید. وضعیت نوردهی سیستم اسلاید-آورهد را از انتهای سالن بررسی کنید. از عملکرد صحیح سیستم اطمینان حاصل کنید و با نحوه کار با آن آشنا شوید. اگر شما در شروع کار در استفاده از ابزاری که در اختیار دارید رفتار مسلطی نداشته باشید شنونده شما تحریک پذیر خواهد شد.

### محتوای سخنرانی :

بگویید از چه می خواهید صحبت کنید. سخنرانی کنید و سپس آنچه را گفته اید جمع بندی کنید. تمام سخنرانی ها یک شروع، یک وسط و یک انتها دارند. در ابتدا طرح واره ای از آنچه می خواهید صحبت کنید را بیان کنید. طبیعتا شاه کلیدهایی بدست می آورید که باید مد نظر قرار دهید. در قدم دوم محتوای اصلی کلامتان را بیان کنید.

➤ چرا کار مورد تحقیق انجام شده است؟

➤ چگونه انجام شده است؟

➤ به چه یافته هایی دست یافته اید؟

➤ نتیجه این تحقیق چیست؟

نهایتا باید آنچه را گفته اید، بطور ساده و شفاف جمع بندی کنید. نگران تکرار مطالب نباشید. تکرار کردن به تفهیم و یادگیری کمک می کند.

### انتقال مطالب :

\* **قرار گرفتن در پشت تریبون :** ارائه یک سخنرانی چیزی خارج از رفتن پشت تریبون نیست. اولین موضوع مهم آنست که بی قرار و ملول نباشید. من من نکنید یا روی صفحه پرژکتور صحبت نکنید. شما نمی خواهید حواس تمامی شنوندهایتان از آنچه صحبت می کنید پرت شود. این امر تا حدود زیادی به رفتار شما بستگی دارد. به خاطر داشته باشید که ارتباط غیر کلامی به اندازه عبارت و واژه هایی که به کار می برید اهمیت دارد. توجه شنونده تان را از ابتدای صحبت جلب کنید. شما می توانید کنجکاوی او را تحریک کنید. یک مقدمه کوتاه بگویید لبخند بزنید و اعتماد به نفس داشته باشید. آهسته و واضح سخن بگویید و تَن صدایتان را تغییر دهید. در حین صحبت به تمامی شنونده هایتان نگاه کنید و با آنها ارتباط چشمی برقرار کنید.

\* **در مورد روش انتقال مطالب تصمیم بگیرید :** یک سخنران متوسط نیاز به تفکری دقیق دارد. از میان ابزارهای کمکی که شامل اسلاید، اُورهد، پاورپوینت هستند کدام یک برای شما بهترین است؟ شما باید تصمیم بگیرید از کدام روش را می خواهید استفاده کنید.

\* **کمکهای بصری خود را روشن و شفاف سازید :** همانگونه که پزشکان با استفاده از دیاگرامها یا نوشتارهایی برای بیمار خود آنچه را می خواهند بگویند تشریح می کنند. در سخنرانی هم کمک کننده های بصری می توانند واژه هایی را که به کار برده اید توصیف کنند. اگر شنونده نیاز دارد چیزی از روی اسلاید شما بنویسد چند ثانیه صبر کنید سکوت کنید تا این عمل را انجام دهد. شما با موضوع مورد صحبت خود خیلی آشنا هستید ولی لزومی ندارد که شنونده شما هم همین آشنایی را داشته باشد. مثلا وقتی راجع به محورهای ایکس و وای روی دیاگرام صحبت می کنید آن را توضیح دهید تا شنونده تفهیم شود.

\* **روشهای متنوعی برای انتقال موضوع در نظر بگیرید :** دامنه توجه مخاطبین محدود است، خصوصا اگر چند سخنرانی را پشت سر هم گوش داده باشند. اگر سخنرانی شما از ۱۰ تا ۲۰ دقیقه طول می کشد بسیار مهم است که به تغییر روش انتقال مطالب فکر کنید. مثلا به جای صحبت راجع به یک موضوع می توانید از نمایش فیلم در همان مورد بهره ببرید.

\* **از سوال کردن مخاطبین نترسید :** آنچه غیر قابل پیش بینی و غالبا اضطراب انگیز است، آن است که شما در معرض سوالهای سخت قرار بگیرید. بخاطر داشته باشید که همیشه سوالاتی هستند که قصد جلب توجه دارند یا سعی دادن امتیاز به شما دارند یا سوالاتی هستند که به نیت کسب اطلاعات و دانش بیشتر از شما بیان می شوند. یادتان باشد انجام یک تحقیق خوب راجع به موضوع بسیاری از سوالات را جواب می دهد. اگر شنونده سوالی بپرسد که شما فکر

آن را نکرده اید طرح جدیدی را برای تحقیق بعدی در ذهن شما پدید می آورد. اگر برای سوال مخاطب پاسخ مناسبی ندارید، از پاسخ به آن پرهیزید. در این شرایط به شنونده خود بگویید که جواب را نمی دانید و راجع به آن تحقیق خواهید کرد.

**\* ارتباط غیر کلامی را فراموش نکنید :** این که شما ارزیابی کنید که شنونده کلام شما را درک کرده است، اگر نگوئیم غیرممکن، ولی بسیار مشکل است. سولاتی که در پایان سخنرانی از شما می شود می تواند این بینش را به شما بدهد که میزان درک شنونده چقدر است. ولی اگر هیچ سوالی در پایان از شما پرسیده نشود چه حکمی دارد؟ از رفتارهای غیرکلامی شنونده در حین سخنرانی شما می توانید چه دریافتی داشته باشید؟ مخاطب شما شیفته سخنان شما شده یا دچار بهت و سردرگمی شده است؟ چه تعداد از آنها چرت می زنند؟ چه تعداد تحمل خود را از دست داده اند یا حتی اتاق را ترک کرده اند؟ اگر با هریک از این رفتارها برخورد کردید، صحبت خود را به نتیجه ای برسانید یا چیزی بگویید که شنونده هوشیارتر شود. از جمله این که از مخاطب سولاتی پرسید یا با بیان نکته ای توجه اش را جلب کنید.

### بحث و نتیجه گیری :

رضایت واقعی از ارائه یک سخنرانی زمانی به دست می آید که مطالب از روی اعتماد به نفس به شنونده منتقل شود. آبراهام لینکلن جمله ای به یاد ماندنی را عنوان کرده است : اگر من شش ساعت فرصت برای قطع کردن یک درخت داشته باشم چهار ساعت اول را صرف تیز کردن اره ام می کنم. پیام این عبارت واضح است: سخنرانی شما قوی و خوب برگزار خواهد شد اگر برای آماده شدن همت کنید. اغلب سخنرانان قبل از شروع سخنرانی ضربان قلب خود را حس می کنند و کمی مضطرب می شوند، ولی زمانی که شروع به سخنرانی می کنند، این احساس تبدیل به حسی لذتبخش می شود.

### انواع ارتباطات انسانی

ارتباطات انسانی به طور کلی بر دو نوع است: ۱- ارتباطات کلامی ۲- ارتباطات غیر کلامی

### ارتباطات کلامی:

#### مهارت‌های چهارگانه ارتباطات کلامی:

به مجموعه روابطی که از طریق گفتگو حاصل می شود ارتباط کلامی گویند. برای اینکه در شغل خود موفق شویم باید از کلمات با دقت استفاده کنیم. هر کلمه ای که احساسات و عواطف و عملکرد متفاوتی را در افراد برمی انگیزد. اگر کلمات در جا و مکان مناسب خود به کار برده شوند به سرعت برق بر جسم و روح افراد تاثیر می گذارد. در برخورد با مشتری از بکارگیری کلمات منفی همچون ؛ نمی توانم، غیرممکن است، امکان ندارد، هرگز و ... پرهیز شود شما باید از نیروی کلمات و تاثیری که در دیگران دارند آگاهی داشته باشید.

## راهنمای گردشگری عمومی

فراموش نکنید که فرمان دادن یکی از برخوردهای محکوم به شکست است. برای اینکه سخنان شما نافذ و موثر واقع شود باید نظریات خود را با کلمات مناسب و در چارچوب مشخص مطرح کنید. پس چارچوب پیام خود را با دقت مشخص کنید و سپس با صراحت و بدون پیشداوری حقایق را با لحن و کلامی غیر مغرضانه شرح دهید. بیان الفاظی موزون و دلپذیر موجب می شود که شخص مقابل با متانت گوش بدهد. حقایق را جمع بندی کند و به فکر حل مساله باشد. عبارت کینه جویانه اغلب خشم افراد را برمی انگیزد و آنها را به جبهه گیری دعوت می کند. به طور کلی کلماتی را انتخاب کنید که در الگوی زیر گنجد: صریح، کوتاه، دقیق، مودبانه، پرمحتوا، مهارتهای چهارگانه شامل "شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن" است.

### گفتن:

سخن گفتن فن یا هنری است که آدمی بوسیله آن بر دیگران اثر می گذارد. در اولین لحظه برقراری ارتباط با سلام و احوالپرسی قدرت بیان خود را نشان می دهید اینکه چقدر با صلابت سلام کنید یا از روی ترس یا ناراحتی و با چیز دیگری، وضعیت روحی شما را نشان می دهد.

- خوب گوش کردن ما را برای بهتر گفتن آماده می کند.
- مطالعه کردن به ما فرصت می دهد تا حرفی برای گفتن داشته باشیم.
- درباره آنچه اطلاعات نداریم اظهارنظر و صحبت نکنیم.
- از بکار بردن کلماتی که معنای آن را نمی دانیم خودداری کنیم.
- به جز آغاز ارتباط سعی کنید اگر از شما پرسش نشد در باره خودتان سخن نگویید.
- هنگام گفتگو به دیگران نیز فرصت گفتن بدهید.
- درباره آنچه علاقه مند هستید و اطلاعات دارید صحبت کنید.
- سعی کنید از نظرات بزرگان هنگام سخن گفتن نقل قول کنید.
- در سخن گفتن از دیگران تقلید نکنید.

### شنیدن:

شنیدن بهره مندی از دانایی تمامی افرادی است که با آنان زندگی می کنیم.

- بپذیریم که دیگران حق حرف زدن دارند.
- از قطع کردن حرف دیگران خودداری کنیم.
- همواره سعی کنید فقط به حرف یک گوینده گوش فرادهید.
- شنونده فعالی باشید؛ یعنی آنچه را که گوینده درست می گوید تایید نمایید.
- اگر ابهامی درباره سخنان گوینده دارید، سوال کنید.
- گوش دادن یعنی اینکه برای دیگران و حرف آنان احترام قائل هستید.

### خواندن:

- هر کس هر مطلب یا هر موضوعی را وقتی برای دومین بار می خواند بهتر و عمیق تر درک می کند. بنابراین تکرار در مطالعه ابزاری مهم در یادگیری است.
- برای مطالعه فعال، نوشتن نکات مهم ضروری است. خواندن بدون یادداشت علت مهم فراموشی است.
- خواندن با کشیدن، حاشیه نویسی و خلاصه نویسی دوام می یابد.
- پیش از مطالعه از صرف غذاهای چرب و سنگین خودداری کنید.
- حداکثر زمانی که افراد می توانند فکر خود را برای مطالعه روی موضوعی متمرکز کنند، ۳۰ دقیقه است. پس از مطالعه ۱۰ دقیقه استراحت کنید.
- پژوهشگران ثابت کرده اند اگر ۳۰ درصد وقت خود را به خواندن و ۷۰ درصد به یادآوری اختصاص دهید بسیار مفیدتر است.

### نوشتن:

- خوب نوشتن کار دشواری است و نوشتن سخت ترین مهارت ارتباطی است. چگونه بهتر بنویسیم:
- مدت کوتاهی قبل از نوشتن، درباره موضوع فکر کنید.
- نوشته کوتاه حداقل باید از سه بخش مقدمه، متن و نتیجه تشکیل شود.
- نوشته بلند دارای پنج بخش است: تیترا - مقدمه - متن - نتیجه - منابع
- غلط املایی یا انشایی در نوشته تاثیر شگرف بر خواننده دارد.
- برای خوب نوشتن به طور گسترده مطالعه کنید.
- نوشته ها از گفته ها تاثیر جدی تری بر دیگران می گذارند.
- همیشه متن نوشته پس از اتمام و قبل از ارسال به گیرنده یک بار خوانده شود.

### آداب ارتباط کلامی:

- سلام و احوالپرسی با دوستان و آشنایان و تمامی افرادی که نمی شناسیم باید به گونه ای باشد که قضاوت آنها نسبت به ما مثبت باشد.
- سلام کردن وظیفه اخلاقی کوچکترهاست و بزرگترها نیز وظیفه دارند با گرمی جواب بدهند.
- کسانی که به سلام دیگران با بی اعتنایی و سردی جواب می دهند موجب ناراحتی سلام کننده شده و خودخواه و بی ادب جلوه می کنند.
- توقع سلام از بزرگترها نشانه بی ادبی است و در پیشی گرفتن در سلام، شخص را متواضع و مودب نشان می دهد.



## راهنمای گردشگری عمومی

- به کار بردن اسم کوچک اشخاص در برخوردها برای رابطه خیلی نزدیک و صمیمانه با آنهاست، در غیر این صورت زننده و تحقیر آمیز است.
- احوالپرسی نباید جنبه کنجکاوی در زندگی خصوصی افراد را داشته باشد.

### نحوه معرفی و آشنایی :

- همیشه کوچکترها را به بزرگترها معرفی کنید.
- هنگام معرفی، مجردها را به متاهل ها معرفی می کنند.
- افرادی که سطح علمی یا شغلی پایین تر دارند به افراد مافوق معرفی می شود.
- آقایان را به خانم ها معرفی کنید، مگر اینکه آقا از درجه علمی بالایی برخوردار باشد.
- تا آنجا که ممکن است به کسی نگویید قیافه شما به نظرم آشناست، ولی اسم شما را به خاطر ندارم.
- در شرایط علمی مساوی جوانترها را به پیرها معرفی کنید.
- در مهمانیهای دوستانه باید تازه وارد توسط میزبان معرفی شود.
- هنگامی که فردی به فرد دیگری که نشسته معرفی می شود، کسی که نشسته باید برخیزد.

### تماس تلفنی:

- برای اینکه صدایتان کاملا شنیده شود مستقیما درگوشی حرف بزنید نه اینکه صورت خود را به طرف دیگر نگه دارید.
- موقع صرف غذا مکالمه تلفنی خلاف نزاکت است.
- اگر سرگرم کاری هستید به جای اینکه با بی توجهی خود و او را ناراحت کنید بهتر است از او خواهش کنید که چند دقیقه بعد تلفن کند یا اینکه خودتان به او تلفن خواهید کرد.
- چنانچه با کسی صحبت می کنید که می دانید خیلی گرفتار است سعی کنید هرچه ممکن است مکالمه را مختصر نمایید.

### ارتباط غیر کلامی :

- طرز قرار گرفتن، راه رفتن، ایستادن، حرکات، چهره، لحن صدا، طرز لباس پوشیدن و ... جملگی نشانه های ارتباط غیر کلامی هستند. معمولا کلام ۷ درصد، طنین ۳۸ درصد و حرکات ۵۵ درصد اطلاعات را منتقل می کنند، در نتیجه قبل از شروع سخنرانی لبخند بزنید تا بتوانید ارتباطی موثر با افراد برقرار نمایید.

### لباس و پوشش ظاهری :

- لباس، شخصیت ما را شکل نمی دهد، اما لباس و وضع ظاهر اغلب پایه ای برای قضاوت اولیه در مورد افراد است. بنابراین بهتر است ظاهری مرتب داشته باشیم. در هنگام انجام وظیفه پوشیدن لباسی که نشانه گر شغل شما باشد، از یک طرف و تمیزی از طرف دیگر موجب موفقیت در کار می شود.
- پوشاک تقریباً نشانه ایست که به بیننده می گوید شما چه کسی هستید. مهم پوشیدن لباس شیک و لوکس نیست، بلکه نظافت و نظم اهمیت دارد. باید لباس اتو شده و بدون لک و از نظر رنگ همخوانی داشته باشد. لباس رسمی آقایان عموماً کت و شلوار تیره رنگ، پیراهن روشن، جوراب خاکستری و کفش مشکی است و لباس خانمها در ایران چادر یا مانتو با مقنعه می باشد. در صورت استفاده از مانتو با مقنعه رعایت رنگ تیره الزامی است. از پوشیدن کفش پاشنه بلند پرهیزید.
- لباس پوشیدن باید با سن و موقعیت و محیطی که در آن قرار دارید، متناسب باشد. زیاد تابع مد بودن صحیح نیست. از مدهای جدید با عجله استقبال نکنید.
- پوشیدن جوراب و یا پاهای برهنه در حضور مهمانان نشستن، خلاف نزاکت است.

### چهره و چشم:

- چهره به مراتب از رموزها و راسانه های کلامی راستگوتر است و در میان رسانه های غیر کلامی تماس چشمی می تواند کمترین دروغ را بگوید. برخی مطالعات و تحقیقات که بر روی ارتباطات غیر کلامی انجام شده فقط روی حرکات چشمها و چهره متمرکز شده اند و چشمها از میان کلیه وجوه ظاهری ما، آشکار سازترند. چشم ها حتی بدون اینکه خود بخواهیم، ارتباط برقرار می کنند. مثلاً وقتی که مردمک چشم های ما گشاد می شوند، صمیمی تر، جذابتر و گرمتر بنظر می رسیم.
- بر اساس نظریه ای به نام نظریه مردمک سنجی وقتی که چشم ها روی چیزی مطلوب و لذت بخش متمرکز شده اند، مردمکها گشاد و وقتی روی چیزی ناراحت کننده متمرکز باشند، تنگتر می شوند. مردمکهای تنگ شده و کوچک شده، نشان دهنده خستگی و بی حوصلگی است.
- بهتر است هنگام سخنرانی ارتباط چشمی را رعایت کنیم. یک سخنران نباید از نگاه دیگران بترسد. زمانیکه شنوندگان به چشم شما نگاه می کنند، شما حتماً به چشم یک یک آنها نگاه کنید. اصطلاحاً سر را مانند پنکه حرکت دهید تا بتوانید نگاه خود را بین سایرین تقسیم نمایید. اما این نگاه نباید به صورت خیره شدن به چهره باشد. نگاه کردن مستقیم بیش از ۱۰ ثانیه می تواند موجب عصبانیت یک فرد شود. نگاه کردن به چشم طرف عموماً بیانگر این است که ما در گفتارمان صادق هستیم.

### اشارات و حرکات دستها:

بسیاری از افراد در هنگام سخن گفتن از دستهایشان استفاده می کنند. گاهی حرکات دست می تواند جایگزین کلام باشد و به عنوان یک ارتباط غیر کلامی پیامهای گوناگونی را به مخاطبان خود القا کرده و با آن ارتباط موثرتری از این طریق برقرار نماید. مانند تمامی مدرسانی که مفاهیم و اطلاعات خود را با خلوص برای دانش آموزان خود تشریح می کنند و یا پزشکانی که با حرکات دست و سر گفته های بیماران را تایید نموده و آنها را مجذوب خود می نمایند. البته حرکات دست نباید خیلی زیاد باشد. بطوریکه مخاطب بجای اینکه به سخنان شما گوش دهد، متوجه حرکات دست شما گردد.

### دست دادن:

- دست دادن نوعی ادای احترام، ابلاغ دوستی و تایید صمیمیت است و نه رفع تکلیف.
- بعضی ها عادت دارند و قتی به چند نفر می رسند در حالی که دست را به سوی نفر اول دراز می کنند، صورتشان را به طرف نفر دوم می چرخانند و همین عمل نسبت به سایرین تکرار می شود. درحالیکه این عمل بسیار ناپسند است. سعی کنید به هنگام دست دادن با کسی، به صورت او و چه بسا به چشمانش نگاه کنید تا تایید دوستی و صمیمیت دوچندان شود.
- طرز دست دادن مانند طرز راه رفتن، نشان دهنده اخلاق و روحیه اشخاص است. ممکن است خیلی سرد و بی اعتنا یا خیلی گرم و یا خیلی با خشونت باشد.
- نگه داشتن دست افراد برای مدت نسبتاً طولانی بر خلاف نزاکت است.
- دست دادن با یک دست انجام می گیرد و بردن دست چپ به جلو و گرفتن دست راست طرف، تاکید بر احترام نیست.
- اگر کسی دست خود را به سوی شما دراز کرد، هرچند به نظر شما از نظر شخصیت پایین باشد، از دست دادن امتناع نکنید.
- نباید هنگام دست دادن با کسی از او فاصله داشته باشید. کسانی که از دور دست می دهند خودخواه و بی ادب جلوه می کنند.
- نباید با دستکش به کسی دست بدهیم.
- دست دادن باید محکم، صمیمانه و کوتاه باشد.
- هنگام دست دادن با بزرگترها، این شما نیستید که اول دستتان را جلو می برید، بلکه اوست که دستش را پیش می آورد.
- ابتدا خانمها باید دست بدهند نه آقایان. تازمانیکه خانمی دستش را جلو نیاورد، هیچ آقای نیاید با یک خانم دست بدهد.
- هنگام دست دادن دست دیگر را روی سینه قراردادن حالت تملق دارد و عادت مزوم است.

### لحن کلام:

همانطور که هر فرهنگ نسبت به فرهنگ دیگر متفاوت است، از نظر ارتباطی نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً مردم آذربایجان عموماً بلندتر و درشت‌تر از مردمان فارس و اصفهان سخن می‌گویند. عموماً شهرستانی‌ها نسبت به روستاییان و عشایر آرام‌تر و با بلندی کمتری سخن می‌گویند.

روانشناسان و متخصصان ارتباطات معتقدند افرادی که دارای ویژگی شخصیتی تهاجمی هستند با بلندای صدای بیشتری نسبت به کسی که در نقطه مقابل است و شخصیتی خجالتی دارد سخن می‌گوید. فردی که بسیار بلند سخن می‌گوید اغلب موجب رنجش دیگران می‌شود.

کیفیت صدا نیز باید مطلوب و خوش‌طین باشد. لذا ناخوشی‌های مربوط به بینی، گرفتگی صدا، خشونت صدا و دشواری‌های تنفسی موجب اختلال در ارتباط می‌شود.

فاصله‌های ارتباطی:

یکی از موارد مهم غیر از فعالیت‌های فیزیکی فاصله ارتباطی یا فاصله افراد هنگام ارتباط رودررو با یکدیگر است که عدم رعایت آن می‌تواند تاثیر بسیاری در ارتباط و نتیجه آن را داشته باشد.

- فاصله یا حریم خصوصی: این فاصله که تا حدود ۴۵ سانتی‌متر را شامل می‌شود و روابط صمیمانه افراد انجام می‌گیرد.

- فاصله یا حریم شخصی: از ۴۵ تا ۱۲۰ سانتی‌متر را شامل می‌شود و عموماً مصاحبه‌ها و گفتگوهای دونفره در این فاصله انجام می‌گیرد.

- فاصله یا حریم اجتماعی: از ۱۲۰ تا ۳۶۰ سانتی‌متر را شامل می‌شود و اغلب مذاکرات تجاری سیاسی و مراودات اجتماعی اینگونه هستند.

- فاصله یا حریم عمومی: از ۳۶۰ تا ۶۰۰ سانتی‌متر فاصله عمومی نامیده می‌شود. این فاصله در سالن‌های سخنرانی، کنفرانس‌ها، کلاس درس بین سخنرانان و شنوندگان اتفاق می‌افتد. □

### توانایی نهم

#### الگوهای رفتاری بین‌المللی



راهنمای موزه که دختر جوانی است با دیدن زن فرانسوی به طرف او و همراهان ایرانی‌اش می‌آید. بعد درباره تمام زوایای موزه از زمان ساخت آن و دلیل شکل جالب معماریش تا سرگذشت پادشاهی که در قبر داخل موزه آرمیده، مجسمه‌ها و لباس‌های رزم داخل موزه و هر چیز دیگری که فکر

می‌کند جالب است برای زن فرانسوی توضیح می‌دهد. یکی از همراهان زن فرانسوی هم مطالب را برای او ترجمه می‌کند. در حینی که راهنما توضیح می‌دهد، هر بازدید کننده دیگری که از او سؤالی می‌پرسد یا راهنمایی می‌خواهد جوابش را نمی‌دهد یا جواب سربالا می‌دهد. راهنما زن فرانسوی را حتی تا بیرون از محوطه موزه و کنار مغازه‌هایی که صنایع دستی می‌فروشند هم می‌برد.

در آخر با وجود این که دو زن دیگر هم همراه زن فرانسوی هستند تنها با او دست می‌دهد و خیلی گرم از او خداحافظی می‌کند و بدون خداحافظی از بقیه به محل کارش برمی‌گردد! توضیحات او قریب به نیم ساعت طول می‌کشد و واقعاً زن فرانسوی را تحت تأثیر کارها و شخصیت مغرور پادشاهی قرار می‌دهد که تلاش زیادی کرده بود تا ایران را متحد کند و به عنوان کشوری قدرتمند در صحنه جهانی مطرح کند. اما رفتار او به عنوان یک ایرانی به هیچ وجه نمی‌توانست زن فرانسوی را تحت تأثیر قرار دهد. زن فرانسوی به خوبی متوجه می‌شد که راهنما او را با وجود این که تنها یک کارمند ساده در کشورش است، به انبوهی از هموطنانش که در بین آنها افراد فرهیخته

زیادی وجود دارند ترجیح می‌دهد یا حتی اگر می‌خواسته تصویر مثبتی از ایران نشان دهد رفتارش به حدی همراه با افراط بوده که تبدیل به رفتاری زننده شده است .

این تنها نمونه‌ای از رفتارهای غیرمتمتعرفی است که ما در مواجهه با خارجی‌ها به ویژه غربی‌ها در پیش می‌گیریم. در واقع به نظر می‌رسد که رفتار ما در مواجهه با این افراد دچار نوعی افراط و تفریط است. افراط و تفریط از یک طرف از جانب کسانی که نظیر راهنمای موزه رفتار می‌کنند و برعکس از جانب کسانی که می‌خواهند به خارجی‌ها نشان دهند که افراد مغروری هستند و خارجی‌ها را هیچ حساب می‌کنند و یا رفتار خصمانه‌ای با آنها دارند. این هر دو نوع رفتار هم از گذشته همراه با شیفتگی ما نسبت به جهش‌های اقتصادی غرب از یک سو و از سوی دیگر صدمات جبران ناپذیری که استعمارگران به کشور ما و غرور ملی‌مان وارد کرده‌اند و نهایت آن اجرای قانون کاپیتولاسیون در دوره پهلوی است ناشی می‌شود.

ولی از هرچه که ناشی شود لازم است که در رفتارها، تعدیلی به وجود آید و همه فکر و برداشت‌هایمان را برای خودمان نگه داریم. چراکه این امر به دیدگاه خارجی‌ها به ویژه جهانگردان نسبت به فرهنگ ما خدشه وارد می‌کند. در واقع خارجی‌هایی که به دلیل مأموریت و یا به دلایل دیگر در ایران ماندگار می‌شوند یا طولانی مدت در ایران به سر می‌برند و به تدریج با فرهنگ عمومی مردم ایران آشنا می‌شوند پس از مدتی حتی ترک ایران را سخت می‌بینند. ولی برای جهانگردی که تنها مدت کوتاهی در ایران به سر می‌برد گاهی هضم بعضی از رفتارها سخت می‌شود. به ویژه که روزه روز بر اهمیت توریسم در اقتصاد کشورها افزوده می‌شود و در کشور ما هم به تدریج رویکردی نسبت به گسترش توریسم ایجاد شده است. طبیعی است که گسترش توریسم هم به فرهنگ خاصی نیاز دارد. مهم‌ترین بخش این فرهنگ این است که به جهانگردان لبخند بزینم، به آنها احترام بگذاریم و بکوشیم به آنها خدمات بهتری در ازای دریافت مبلغی که از هموطنان خودمان نیز دریافت می‌کنیم ارائه کنیم.

فرانسه هر سال بیشترین میزان جهانگرد را در جهان جذب می‌کند در عین حال فرانسوی‌ها پیشگام قوانینی هستند که به مذاق فرهنگ‌های دیگر جور در نمی‌آید. نمونه آن برخورد با دانش آموزان محجبه بود که فرانسه در ایجاد جریان آن نقش زیادی داشت. ولی جهانگردان محجبه‌ای که وارد این کشور می‌شوند متوجه فکر و برداشت برخی از فرانسوی‌ها نسبت به خود نمی‌شوند. چراکه فرانسوی‌ها در هر صورت به همه لبخند می‌زنند، احترام می‌گذارند و تشکر از هیچ کس را فراموش نمی‌کنند. این نمونه نشان می‌دهد که با همین رفتارهای محترمانه و لبخند از خارجی‌هایی که با عرف جامعه ما آشنا نیستند می‌توان خواست که به مؤلفه‌های فرهنگی ما احترام بگذارند یا رفتارهای بخصوصی را انجام ندهند. به عنوان مثال پلیس یا مأمور یک موزه در فرانسه هم ممکن است به شما تذکر دهد ولی این تذکر همیشه با لبخند همراه است.

طوری با جهانگردان رفتار کنیم که مطمئن شویم آنها باز می‌گردند

یکی از فکرهای اشتباه ما در قبال خارجی‌ها به ویژه جهانگردان این است که گمان می‌کنیم آنها افراد مناسبی برای تیغ زدن هستند. در حالی که ما لازم است اصول مشتری مداری را در قبال جهانگردان نیز رعایت کنیم. لبخند زدن و احترام گذاشتن به مشتری و ارائه خدمات مناسب به او اصول اصلی مشتری مداری هستند که نه تنها در قبال خارجی‌ها بلکه در قبال خریداران کالا و خدمات داخلی نیز باید رعایت شوند و بقای صنایع در شرایط رقابت جهانی به آنها بستگی دارد.

در واقع در کشورهای موفق در زمینه صنعت توریسم این مشتری مداری به خوبی رعایت می‌شود. ترکیه نمونه این کشورها است. در این کشور رستوران‌ها، هتل‌ها و بخش‌های خدماتی دیگر با هم رقابت می‌کنند تا با قیمت مناسب تر خدمات بهتری نسبت به رقیبانشان به جهانگردان ارائه دهند و حداکثر رفاه را برای او فراهم آورند. هدف آنها این است که توریست دفعه بعد هم به هتل یا رستوران آنها مراجعه کند. یا در کشور فرانسه توریست‌ها برای خرید کالا از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند و در هنگام خروج از کشور با ارایه رسید خریدها، پول مالیاتی که از شهروندان عادی کسر می‌شود به آنها پرداخت می‌شود. در حالی که یک فکر اشتباه در بخش‌های خدماتی ما این است که جهانگرد همین یک بار به آنها مراجعه می‌کند و بنابراین باید با او گران تر حساب کنند.

یک خارجی که برای مأموریت در ایران به سر می‌برد، از این بابت شاکی است. او می‌گوید: «هر بار که به تنهایی به رستورانی می‌روم قیمت غذا را برای من گران تر حساب می‌کنند. بنابراین همیشه با یک ایرانی به رستوران می‌روم. در مورد کرایه تاکسی هم همین طور است. راننده‌ها فکر می‌کنند که هر کرایه‌ای که بخواهند حق دارند از من بگیرند. بنابراین سعی می‌کنم میزان کرایه هر مسیر را بفهمم و حتماً پول خرد همراه داشته باشم.» برخی از هتل‌ها هم به شیوه‌ای که فکر می‌کنند زرننگی است به خارجی‌ها می‌گویند خدماتشان را به یورو یا دلار هم ارائه می‌کنند و در این میان مقدار زیادی از ما به التفاوت را برای خود برمی‌دارند.

این تفکر حتی در بخش‌های خدماتی دولتی نظیر موزه‌ها نیز وجود دارد. گاهی قیمت بلیت یک موزه برای یک خارجی به چند برابر قیمت عادی هم می‌رسد. تمام این پول‌ها در نهایت برای صنعت توریسم ما ثروتی را به همراه نمی‌آورد، ولی چون قیمت تمام شده سفر را برای جهانگرد بالا می‌برد، هر چه قدر هم که او از طبیعت و آثار دیدنی کشورمان لذت برده باشد برای بار دوم کمتر تمایل دارد به کشورمان سفر کند.

در هنگام مواجهه با خارجی‌ها عادی باشیم

تمام این نمونه‌ها نشان می‌دهد که نه تنها مردم ما بلکه حتی افرادی که در بخش‌های خدماتی کار می‌کنند در زمینه رفتار با خارجی‌ها اطلاعات زیادی ندارند. رانندگان آموزش ندیده نمی‌دانند با جهانگردان چگونه رفتار کنند. به ندرت آشپزهای مجربی وجود دارند که طریقه پخت غذاهای ملت‌های دیگر را بدانند. گارسن‌ها شیوه رفتار با مشتری را فقط به تجربه آموخته‌اند. رسانه‌ها هم به مردم آموزش نمی‌دهند چگونه با جهانگردان رفتار کنند و... نمونه‌های دیگری هم در رفتار ما با خارجی‌ها به چشم می‌خورد که همگی نیازمند تصحیح هستند. به عنوان نمونه بسیاری از هموطنان ما با دیدن یک فرد خارجی سفره دلشان را برای او باز می‌کنند و از همه زوایایی که فکر می‌کنند کشورشان مشکل دارد برای آنها صحبت می‌کنند. این کار ارزش و مرتبه کشوری قدرتمند که از اولین تمدن‌های جهان با میراثی کهن است را در نزد آنها پائین می‌آورد. هر چند که بی شک از نظر توسعه اقتصادی ما در حد کشورهای پیشرفته نیستیم ولی موضوعات ارزشمند زیادی وجود دارد که می‌توانیم به آنها ببالیم. ضمن این که به طور کلی مردم بسیاری از کشورها اصلاً دلیلی نمی‌بینند که درباره مشکلات کشورشان به دیگران پاسخ دهند. به عنوان مثال ژاپنی‌ها هنگامی که درباره نحوه اداره کشورشان، یا حتی انتخابات آینده و این که به که رأی می‌دهند از آنها پرسش می‌شود تنها لبخند می‌زنند.

برخی نیز فکر می‌کنند که هیچ یک از خارجی‌ها زبان فارسی بلد نیستند. در نتیجه در کنار آنها به صحبت درباره شان می‌پردازند یا درباره آنها شوخی می‌کنند. چهره کسانی که درباره یک خارجی شوخی می‌کنند و سپس می‌فهمند که او به خوبی فارسی صحبت می‌کند دیدنی است. به اینها می‌توان نگاه کنجکاوانه عده‌ای را افزود که گاهی آزاردهنده می‌شود. نکته دیگر این است که بیاموزیم توریست‌ها تنها محدود به افراد موبور و چشم آبی کشورهای اروپایی و امریکا نیستند. بلکه جهانگردانی از کشورهای همسایه یا کشورهای آفریقایی وارد کشور ما می‌شوند که ثابت شده برخی از آنها بیش از جهانگردان اروپایی پول خرج می‌کنند ولی همیشه رفتارها با آنها مؤدبانه و توأم با میهمان‌نوازی نیست.

در واقع لازم است که رویه مشخصی را در رفتار خود با خارجی‌ها از جمله جهانگردان در پیش بگیریم و این رفتار را بدون تبعیض و بدون فکر خوش آمدن یا بد آمدن از این یا آن به کار ببندیم. طبیعتاً این رویه نیاز به دادن آموزش هم به افراد عادی و هم به کارکنان بخش‌هایی دارد که با جهانگردان یا خارجی‌ها در تماس هستند و یا به نوعی ممکن است با آنها برخورد کنند. حتی این آموزش‌ها را می‌توان در کتاب‌های درسی نیز گنجاند. این جا است که می‌توانیم بگوییم به توریسم به چشم یک فرصت نگاه کرده‌ایم.



## راهنمای گردشگری عمومی



از نگاه دیگر یکی از اصلی ترین عوامل رشد و توسعه صنعت گردشگری در همه کشورها ، فرهنگ چگونه رفتار کردن با گردشگر خارجی می باشد . این نکته که هر گردشگر در کنار بازدید از جاذبه های گردشگری ، با فرهنگ و رفتار مردم جامعه میزبان نیز آشنا می شود ، اهمیت بسیار دارد . فراموش نکنیم که گردشگران می توانند بهترین سفیران تبلیغاتی باشند ؛ در حالی که مثبت و یا منفی بودن این تبلیغات ، به رفتار جامعه میزبان بستگی دارد . عدم آموزش کافی در چگونگی رفتار با یک گردشگر ، نه تنها سبب نارضایتی گردشگر و از بین بردن فرصت های بعدی برای حضور وی در کشور میزبان می شود ، بلکه شکل گیری تصویری منفی و ناخوشایند در ذهن وی به دنبال خواهد داشت . ارگان ها و سازمان های گردشگری و مردم عادی ، دو گروه از عناصری هستند که گردشگر در مقصد با آن ها سر و کار دارد . استفاده از راهنمای تور تعلیم نیافته ، می تواند لطمه های جبران ناپذیری بر مقصد گردشگری وارد کند ، چرا که راهنمای گردشگری به عنوان پل ارتباطی میان فرهنگ ها است . در عرصه تور گردانی ، با آموزش تخصصی راهنمایان و نظارت دقیق بر تور ها می توان مشکلات مربوط را حل کرد . از طرفی دیگر، مردم کشور ما میهمان نواز شناخته شده اند اما با وجود این، کاستی هایی وجود دارد که برطرف کردن آن ها ابتدا نیازمند شناسایی است . دریافت مبلغی چند برابر کرایه ی معمول تاکسی ، با این تصور که گردشگر از میزان مبلغ آن بی خبر است ، آثار نامطلوبی به دنبال دارد . هر گردشگر قبل از سفر به مقصد ، در خصوص تمام هزینه ها اطلاعاتی جمع آوری می کند و در صورتی که مورد سوء استفاده های مالی قرار گیرد و یا بر اساس آن چه پرداخت می کند ، خدمات شایسته ای دریافت نکند ، تبلیغات منفی فراوانی را پس از سفر ، برای مقصد گردشگری پدید می آورد . شایسته است هر یک از ما ، به عنوان نماینده فرهنگ ایرانی ، با برخورد صحیح با گردشگران خارجی ، از ترویج تبلیغات منفی علیه کشورمان جلوگیری کنیم و راه را برای توسعه ی گردشگری داخلی هموار سازیم .

والبته این را هم در نظر بگیریم که آیا مردم شهر میزبان قبل از اینکه با سیاست های گسترش صنعت گردشگری مورد هجوم گردشگران قرار گیرند با فرهنگ نوین این صنعت آشنا شده اند؟! آیا برنامه ریزی ها فقط در جهت زیرساخت های شهری بوده و مردم که اصلی ترین بازیگر این صنعت هستند به امان خدا رها شده اند تا با مرور زمان بازی در این صنعت را صحیح یا غلط بیاموزند!؟

## راهنمای گردشگری عمومی

رفتار تک تک اعضای جامعه میزبان برای حفظ گردشگر و ایجاد وفاداری در وی نقش اساسی دارد. ایفای نقش جامعه میزبان از مبدا آغاز می گردد، از همان لحظه که گردشگر مقصد خود را انتخاب می کند و این نقش سال های سال ادامه خواهد داشت. توشه ی فرهنگی که گردشگر از مقصد با خود به خانه می برد مقوله ای جدا از صنایع دستی و عکس است. وقتی من گردشگر با اشاره به مبلغ درج شده بر روی بطری آب معدنی در مقابل گران فروشی مورد کم لطفی و شاید گاهی مورد بی حرمتی از سوی فروشنده قرار می گیرم و لفظ آنچه که زیاد خریدار جاری می شود اعتماد درونی خود را به تمام هر آنچه در آن جامعه برای من تدارک دیده شده است از دست می دهم. و وقتی که پیرزنی مبلغی باور نکردنی در قبال چند دقیقه شارژ باتری دوربین از من می طلبد آیا من باز هم خواهم توانست برآستی به این میهمان نوازی ایمان بیاورم!؟

ایجاد فرهنگ مشتری مداری و دیگر دوستی در جامعه میزبان وظیفه رسانه های مورد اقبال می باشد و با اطمینان می توان گفت این بخش از مسایل اجتماعی کمترین سهم از مسایل مطرح شده در رسانه هاست. همچنین ایجاد اطمینان از تداوم جریان بازار گردشگری در جامعه از سوی سازمانهای ذیربط و ایجاد فرهنگ حفظ گردشگر می تواند هم میزبان هم میهمان را در برابر آسیب ها ایمن کند. اگر فروشنده ی خدمات یا کالا ایمان داشته باشد که با رفتار صحیح و حسن انجام وظیفه نه تنها از یک گروه گردشگری بهره فرهنگی و مالی خواهد برد بلکه بازاری متداوم در پیش رو خواهد داشت، تلاش خواهد کرد با ایجاد ارتباط دوستی از میهمان خود به عنوان سفیر تبلیغاتی زمینه را برای میهمانان بیشتر آماده سازد و از سفره گسترده ی گردشگری آهسته و پیوسته بهر مند گردد. رشد هماهنگ اجزا در هر صنعتی پایه هایی مستحکم برای تداوم رشد و رسیدن به اوج آن را فراهم خواهد کرد. دولت و سازمانها با در نظر گرفتن این اصل کلی بایستی پیش از گشودن درهای گردشگری زمینه رشد فرهنگی و محلی را در کنار زیرساخت های رفاهی و صنعتی فراهم سازند و بدین وسیله هر دو سوی بازار را بیمه کرده از سود پیوسته این صنعت در جهت نیل به اهداف خود بهر مند گردد.

### در پایان علت ضعف گردشگری ایران

سالها است که همه می دانند ایران کمتر از یک دهم ترکیه، یک پنجم عربستان و یک پنجم امارات متحده عربی جهانگرد خارجی جذب می کند و از این نظر در رتبه نامناسبی در جهان قرار دارد.

این در حالی است که در واقع توریسم به عنوان یکی از اساسی ترین و مهمترین فعالیت های اقتصادی جهان به طور میانگین ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۰ درصد اشتغال به کار در سطح جهان را به خود اختصاص داده و برای بعضی از کشورها مهم ترین فعالیت اقتصادی سودآور است.

در این بین در واقع سهم ایران در ورود جهانگرد طی سال های اخیر نسبت به سال های قبل تغییری نکرده و با توجه به پتانسیل های گسترده و گوناگون کشور مان در بخش های اکو توریسم، توریسم درمانی و وجود صدها اثر باستانی و.. بیش از هر امری حکایت از عقب ماندگی این بخش از صنعت در کشور ماست.

## راهنمای گردشگری عمومی

در این بین پرسشی که فراروی ما است رفتار ما با گردشگر و چگونگی برخورد با آنها است. یعنی در زمانی که هجمه رسانه ای جهانی بر ضد ایران در سه دهه گذشته تصویری عقب مانده و افراط گرا از ایران به نمایش گذاشته اند ما باید چگونه رفتاری با گردشگران خارجی داشته باشیم؟

پاسخ آن است که نحوه ی رفتار با گردشگر خارجی به عنوان یکی از موثرترین مولفه های توسعه ی صنعت سبز گردشگری، در ایران دارای کاستی هایی است که تنها با آموزش تخصصی و نظارت دقیق تر برطرف خواهد شد و گردشگر با رضایت کامل کشور را ترک خواهد کرد.

در این بین هر گردشگر در طول سفر خود با افراد مسوول و مردمان عادی، مسوولان فرودگاه، راهنمای تور، راننده وسایل نقلیه، فروشندگان و... در کشور میزبان، رو به رو می شود و رفتار تمامی این افراد نقش تعیین کننده یی در میزان رضایت گردشگر دارد.

در این بین هر یک از افرادی که گردشگر در مسیر سفر خود با آنها روبرو می شود، به عنوان نماینده «فرهنگ ایرانی» هستند لذا موضوع چگونگی رفتار با یک گردشگر نه تنها در جلب رضایت گردشگر و ایجاد فرصت های بعدی برای حضور وی در کشور مهم است بلکه سبب شکل گیری تصویری منفی ویا مثبت در ذهن گردشگر در مورد کشور خواهد شد.

در این حال نحوه رفتار با گردشگر همچون سایر حوزه های صنعت گردشگری در ایران دارای کاستی ها و نواقصی است. چنانچه گاه گردشگران خارجی به منظور کنترل مدارک و انگشت نگاری در فرودگاه ها یا حتی مرزهای زمینی، مدتی طولانی متوقف می شوند و همین امر نوعی ضد تبلیغ است.

در مقابل نیز برخوردهای نامناسب در باره ی نوع پوشش گردشگران و رعایت نکردن حجاب کامل از سوی گردشگر گاه موجب نارضایتی گردشگر است لذا بهبود رفتار با گردشگر بسیار راحت تر از تقویت زیرساخت هایی نظیر هتل، غذاخوری و پرواز است.

یعنی اگر «رفتار مردم با گردشگر» و «رفتار ارگان ها و سازمان های مربوط با گردشگر» و برخورد تحکمی با گردشگر به محض ورود باید مورد توجه قرار گیرد. چرا که با توجه به وضعیت سایر مناطق اکنون بسیاری از افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی ورود گردشگران به کشور و قرار گرفتن ایران در فهرست ۲۰ کشور مقصد گردشگری جهانی هم سخن می گویند

### توانایی دهم

#### قوانین و مقررات گردشگری

راهنمای تور های گردشگری باید به میزانی از یکسری قوانین و مقررات در زمینه های مخلف ورود و خروج گردشگر اطلاع داشته باشد از جمله مواردی که در قوانین و مقررات گردشگری ذکر می شود چگونگی تاسیس و راه اندازی یک دفتر خدمات مسافرتی است از سایر موارد مقرراتی می توان به قوانین و مقررات گذرنامه و رواید - اداره اتباع بیگانه - گمرک و قوانین و مقررات فرودگاه اشاره کرد

#### تأسیس شرکت خدمات مسافرتی و جهانگردی

« ۱- مجوز بند " الف " : توسط سازمان هواپیمایی کشور صادر میگردد. »

وظایف دفتر : تنظیم برنامه های مسافرتی هوایی - فروش بلیط هواپیما  
شرایط برای اخذ مجوز بند " الف " :

- ۱- داشتن مدارک دوره های فروش بلیط ( مقدماتی(۳هفته)، متوسطه (۲هفته)، عالی یا پیشرفته (۲هفته)هماک پلاس)
- ۲- داشتن حداقل ۲۵ سال سن
- ۳- داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی
- ۴- عدم اعتیاد به مواد مخدر
- ۵- نداشتن اشتغال دیگر که مانع فعالیت شود .
- ۶- حداقل ۳ سال سابقه کار مرتبط

« ۲- مجوز بند " ب " : توسط سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری بخش نظارت بر تأسیسات صادر می شود . »

## راهنمای گردشگری عمومی

وظیفه : تنظیم برنامه های مسافرتی برای تورهای زمینی است .

( A ) ضوابط کلی : ( فرم تقاضا نامه - فرم سوء پیشینه - فرم عدم اعتیاد - اماکن - اداره اطلاعات )

۱- ارائه محل مناسب برای دفتر کار

۲- معرفی مدیر فنی

۳- ارائه نام و نشان

۴- سپردن تضمین

( B ) شرایط لازم :

۱- عدم اعتیاد

۲- ارائه گواهی عدم سوء پیشینه کیفری

۳- داشتن کارت پایان خدمت

۴- داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی

۵- نداشتن اشتغال دیگر

۶- داشتن ۲۵ سال سن

۷- داشتن ۳ سال سابقه کار

### ارائه محل

الف ( مساحت دفتر  $40 m^2$  الی  $70 m^2$  )

ب ( کاربرد تجاری یا اداری محل دفتر

پ ) ارائه مدرک معتبر رسمی ، مبنی بر تصرف مالکانه یا استیجاری محل دفتر

### مدیر فنی

مدیر فنی باید کلیه شرایط بند " ب " را داشته باشد و همچنین از موارد زیر برخوردار باشد :

۱- آشنایی کامل به کی از زبان های خارجی ، ترجیحاً انگلیسی

۲- دارا بودن مدرک مدیریت فنی یا فارغ التحصیل از مراکز آموزش عالی و مدارس حرفه ای خدمات مسافرتی و

گردشگری

۳- مدیر عامل در صورت دارا بودن شرایط مدیر فنی ، می تواند مدیر فنی نیز باشد .

۴- مدیر فنی نمی تواند مدیر فنی بیش از یک دفتر باشد .

### نام و نشان

## راهنمای گردشگری عمومی

متقاضی باید نامی خاص که فارسی باشد و کلمات ایران، تور، گشت در آن بکار نرفته باشد و همچنین مشابهت اسمی با آژانس دیگری نداشته باشد را انتخاب کند.

### سپردن تضمین

به مبلغ 50/000/000 ریال توسط سازمان به یک بانک معرفی می شود - سپرده تضمین هر دو سال باید تمدید شود - هرگاه دفتر، پس از اخذ مجوز، بیش از شش ماه بدون عذر موجه شروع به کار ننماید یا سه ماه بدون داشتن عذر قابل قبول، تعطیل باشد یا به مدت یکسال، هیچ گونه فعالیتی نداشته باشد، به تشخیص مرجع صادر کننده، مجوز فعالیتش لغو می شود.

### نظارت بر دفاتر

الف) تذکر کتبی

ب) اخطار کتبی با تعیین مهلت مناسب جهت رفع اشکال

پ) تعلیق موقت از یک ماه تا سه ماه

### فعالیت‌های دفاتر خدمات گردشگری

- ۱- ارائه مشاوره به مشتریان بالقوه در زمینه گردشگاه‌ها و مقاصد گردشگری
- ۲- انجام ذخیره مکان‌ها بر حسب نیاز مشتریان
- ۳- محاسبه دقیق هزینه‌های بلیط هواپیما و دیگر انواع حمل و نقل
- ۴- برقراری ارتباط بین عناصر صنعت گردشگری ( هتل - حمل و نقل - رستوران )
- ۵- در دسترس قرار دادن بروشورهای معرفی بسته‌های سفر
- ۶- انتقال دیدگاه‌ها و شکایات مشتریان به عناصر اصلی صنعت

« ۳- مجوز بند " پ " : توسط سازمان حج و زیارت صادر می گردد . »

شرایط : سه سال سابقه به عنوان مدیر کاروان زیارتی

« نکته : صدور کلیه مجوزها برای یک نفر بلامانع است . »

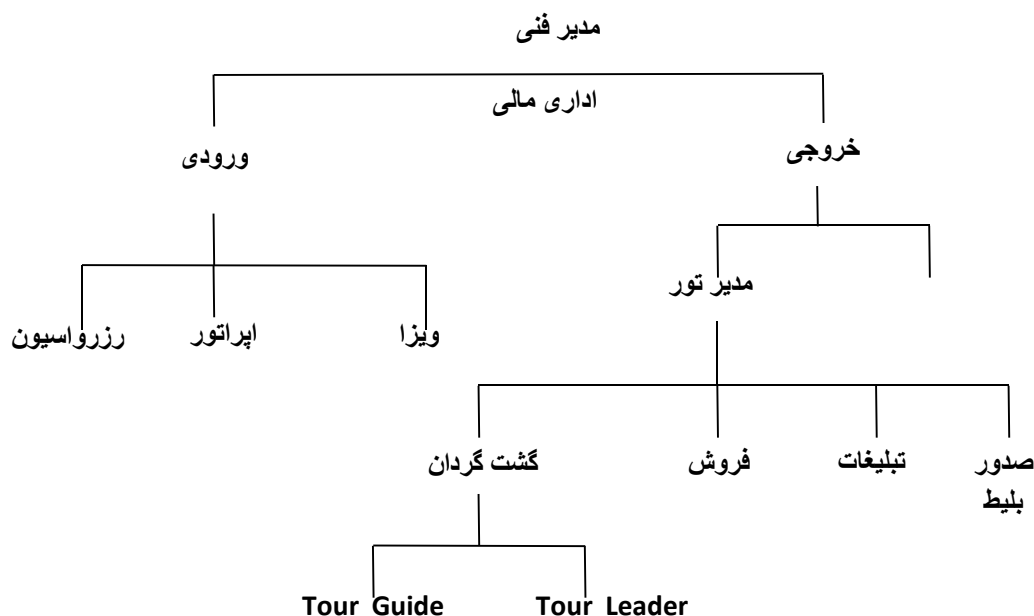
بعضی از کشورها مبدأ بوده و صادر کننده توریست می باشند . بعضی از کشورها نیز نقش مقصد را داشته و وارد کننده تور می باشند . در بین مبدأ و مقصد ، فاصله ای وجود دارد که باید کسی در این میان باشد تا این دو را با هم مرتبط نماید و آن Travel Agency می باشد .

آژانس‌ها از نظر تخصص متفاوت می باشند و به چند دسته تقسیم می شوند :

۱- آژانس‌های صادر کننده مسافر ( مبدأ ) Out Going Tourist

## راهنمای گردشگری عمومی

- ۲- آژانس های وارد کننده مسافر ( مقصد ) In Coming Tourist  
 ۳- آژانس های وارد کننده و صادر کننده توریست ( Wholsalers - آژانس های بزرگ )  
 ۴- آژانس های کوچک و محدود Retailers



### انواع گذرنامه ( پاسپورت )

- ۱- گذرنامه اتباع بیگانه : این پاسپورت ، پاسپورتهای است که هر کشور برای اتباع خارجه خود که اقامت دارند ، صادر می کند .
- ۲- گذرنامه عادی : گذرنامه ای که افراد عادی دارند ، افرادی که تبعیت آن کشور را دارند و محرومیت از حقوق قانونی ندارند ، می توانند آن گذرنامه را دریافت کنند . ( ممنوع الخروج )
- ۳- گذرنامه سیاسی : که مخصوص مأمورین سیاسی کشورها و افرادی است که در مأموریت های دیپلماتیک یا هیئت های عالی رتبه حضور دارند .
- ۴- گذرنامه مخصوص صلیب سرخ : که توسط صلیب سرخ بین المللی برای اعضاء جهت کمک به افراد هنگام وقوع حوادث غیر مترقبه صادر می شود .
- ۵- گذرنامه خدمت : که مخصوص افراد ، هیئت ها و گروه هایی است که به منظور انجام مأموریت های دولتی از کشور خارج می شوند .
- ۶- گذرنامه دریایی : مخصوص دریانوردان است که به آن Sea Man Book گفته می شود .

۷- گذرنامه کادر پرواز: مخصوص کادر پرواز می باشد که در هنگام ورود به هر نقطه ای دارای اعتبار است.

### انواع ویزا یا روادید

#### ۱- ویزای ترانزیت فرودگاهی Airport Transit Visa

این ویزا برای مسافرانی صادر می شود که بر اساس قانون یک کشور، در هنگام توقف پرواز به منظور ترانزیت فرودگاهی به شرط عدم خروج از فرودگاه در اختیار آنان قرار می گیرد. بطور کلی، در مسیرهایی که ترانزیت فرودگاهی نیاز به ویزا دارد، شرکت های هواپیمایی که بخش اول مسافرت را بر عهده داشته، ویزای مذکور را درخواست می کند.

#### ۲- ویزای ترانزیت Transit Visa

مسئولیت آن با تأیید هواپیمایی بر عهده مسافر است و اعتبار آن حداقل ۲۴ ساعت و حداکثر ۷۲ ساعت است. شروع اعتبار آن از زمان مسافرت است و مسافری تواند از فرودگاه خارج شود.

#### ۳- ویزای مسافرتی Short Period Visa

تجاری، توریستی، درمانی که دوره مسافرت آن سه ماه می باشد و اعتبار آن زمانی است که در آن کشور معلوم می کند و مدت اقامت مجاز، تنها دوره ای است که ویزا اعتبار دارد.

#### ۴- ویزای مدت دار

به منظور مسافرت بیش از سه ماه از جمله ویزای دانشجویی، ویزای اقوام درجه یک و مسافرانی که دوره درمان آنها بیش از سه ماه طول بکشد، صادر می شود. هرگاه فردی قصد اقامت بیشتر از سه ماه را داشته باشد، باید درخواست این ویزا را نماید. صدور یا عدم صدور این ویزا، برای مدت مزبور به عهده نهاد صادر کننده است. داشتن یا نداشتن همراه باید در ویزا قید شود؛ در غیر اینصورت همراه گذرنامه، اجازه مسافرت و ورود به آن کشور را ندارد.

#### ۵- انواع ویزای اشتغال

بطور کلی، برای فرد مجوز اشتغال نیست و فرد باید برای اشتغال، موافقت دیگری را کسب کند، که به این نوع ویزا، ویزای بدون مجوز کار می گویند؛ اما اگر فرد مجوز کار برای دوره اعتبار ویزا داشته باشد، علاوه بر ویزا برگ مجوز کار نیز برای فرد مزبور صادر می شود که به آن ویزای با مجوز کار می گویند.

#### ۶- ویزای شنگن



در سال ۱۹۸۵ پیمانی به امضاء پنج کشور عضو اتحادیه اروپا رسید. این قرارداد در شهر کوچک شنکن واقع در لوگزامبورگ به امضاء رسید. پنج کشور عبارتند از: آلمان، بلژیک، فرانسه، لوگزامبورگ، هلند. کشورهای عضو شنکن عبارتند از: فنلاند، سوئد، نروژ، ایسلند، دانمارک، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، اتریش، یونان.

### ۷- گرین کارت

گرین کارت یک روادید اقامت دائم در ایالت متحده آمریکا است. گرین کارت به شما حق قانونی کار و زندگی دائمی در ایالت متحده آمریکا را می دهد. دارندگان گرین کارت از خدمات بهداشتی، تحصیلی و بسیاری دیگر از مزایا برخوردار می گردند. اگر شما دارای گرین کارت باشید، می توانید پس از مدتی درخواست تابعیت بنمایید.

### توانایی یازدهم

#### بررسی مذاهب گوناگون

آشنایی با مذاهب باعث می شود راهنما درک و فهم بالاتری نسبت به گردشگر داشته باشد تا بتوان رضایت کامل وی را برآورده سازد. لذا در این نوشتار برخی از مذاهب زنده دنیای شرق و غرب را بصورت اجمالی مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.

#### دین بودایی

بوداگرایی دین و فلسفه ای مبتنی بر آموزه های «سیدارتا گوماتا» که در حدود ۵۶۶ تا ۴۸۶ ق. م می زیسته است بنا شد. بنا بر داستانهای بودایی سیدارتا (به معنی کمال جو) در منطقه ای در نپال کنونی دنیا آمد. پس از زایش توجه پیشگویان به او جلب شد. بدینگونه که سیدارتا در آینده یا پادشاهی جهانگیر خواهد شد، یا روحانی بیدار دل. پدرش یعنی «سودو دانا شاه»، برای اینکه پسرش در راه او قرار گیرد وی را در ناز و نعمت پروراند و در کاخهایی محفوظ قرار داد تا سیدارتا با رنجها و کاستیهای زندگی آشنایی نیابد. با این حال وی از کاخ گریخت و در طی این گریز با چهار منظره از زندگی آشنا شد: پیری، بیماری، مرگ و شخصی پارسا که در پی رهایی از رنجها بوده. دیدن این چهار منظره بر وی تأثیری ژرف نهاد و برآن شده که زندگی شاهزادگی را نهاده و به جستجوی حقیقت بپردازد. پس از گذراندن مدتی با مرتاضان، در جنگلها، آن راه را، راه راستین حقیقت یابی ندانست راهی میانه در پیش گرفت.

مطابق اعتقادات بودائیان، سیدارتا پس از شش سال آزمودن و پویش، در مکانی به نام یودگایا، زیر درختی بنام درخت بیداری (بودی) به درون پویی (مراقبه و مکاشفه) نشست و پس از چیرگی بر ترفندهای مارا (دیو دیوان) به دریافت رموز و بیداری کامل رسید و بودا گشت. واژه بودا یعنی بیدار شده، یا به عبارتی به روشنی رسیده می باشد.

بودا می گفت: علت رنج کشیدن هوس است، هوس و تمایل به زندگی و بدست آوردن چیزهای بسیار. احساسات قدرتمندی چون عشق دنیوی، نیز باعث رنج کشیدن می شود. بدنبال این طرز تفکر چهار اصل را بنیان گذارد. ۱- اول

آنکه رنج جزء جدایی ناپذیر تمامی مراحل طبیعی زندگی است (تولد، بیماری، پیری، مرگ). ۲- هوس باعث رنج است. ۳- برای غلبه بر درد و رنج می بایست از تمامی هوسها و خودخواهی ها دور شد. ۴- چهارمین اصل به بیان چگونگی دست یافتن به سه اصل قبلی پرداخته است.

روشی که بودا به تعلیم عقاید خود می پرداخت به راه هشتمگانه شهرت دارد که طبق آن می بایست هشت عمل صحیح را پیش گرفت: پندار نیک، هدف درست، گفتار نیک، رفتار نیک، شغل درست، تلاش صحیح، تفکر صحیح و مراقبه (meditation) هدف مذهب بودا رسیدن به «نیروانا» یا همان عالم صلح و آرامش و آسودگی از رنج است. از جمله عقاید بودائیان زندگی مکرر یا تناسخ است و معتقدند که انسان پس از مرگ، دوباره متولد می شود. بدین ترتیب هر زندگی بعدی عذاب یا پاداش زندگی قبلی خواهد بود.

### آشنایی با آیین هندوئیسم

آیین هندو در قدیم دین برهمنی خوانده می شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می کرد. هندوئیسم شکل تکامل یافته آئیمیس است و به همین دلیل بنیانگذار آن شناخته شده نیست. این آیین گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است.

### ۱- مردم هند پیش از ورود آریاییها

پیش از مهاجرت آریاییها به ایران و هند، مردم این سرزمینها قومی کوتاه قامت و سیاه چرده بودند که فرهنگ و دین و مراسم مخصوص خود را داشتند و تمدن آنان در سطح تمدن بین النهرین بود. این قوم در ایران تقریباً به طور کامل از میان رفتند، ولی در هندوستان به طرف جنوب آن کشور رانده شدند و اکنون به نام قوم دراویدی (Dravidians) شناخته می شوند و گروه بزرگی از اینها به نام نجسها (Untouchables) معروفند که درباره ایشان سخن خواهیم گفت. حفاریهای باستانشناسان در منطقه ای به نام موهنجودارو (Mohenjo- Daro) در کرانه رود سند (پاکستان)، آثار عظیمی از تمدن آنان را نشان داده است. از این کشفیات بر می آید که برخی از خدایان آیین هندو قبل از ورود آریاییان در هندوستان وجود داشته اند.

### ۲- اصول دین هندو

اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به کتابهای باستانی و سنتهای دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو از اصول آن دین است. لفظ ام (Om) به معنای آمین برای هندوان بسیار تقدس دارد و از سوی اسم اعظم الهی به شمار می رود و از این نظر به اسم اعظم یهود شباهت دارد.

### ۳-خدایان ودایی

هندوان به عده بی شماری از خدایان آسمانی و زمینی با اسماء و صفات عجیب و غریب معتقدند و به آنها کرنش می کنند و برای هر یک بتخانه های با شکوهی می سازند. این خدایان با هم خویشاوندی سببی و نسبی دارند و ویژگیهای جسمی و روحی هر یک به تفصیل و با ذکر جزئیات در کتب مقدس و فرهنگ دینی هندوان آمده است. اعتقاد به جلوه گری خدایان به شکل انسان و حیوان در ادوار مختلف، نیز بسیار جلب نظر می کند دسته بندی خدایان در ارتباط با طبقات اجتماعی نیز معهود است. برخی از معروف ترین خدایان هندو عبارتند از:

اگنی (Agni) یعنی آتش؛

وارونا (Varuna) یعنی آسمان؛

ایشوار (Isvara) یعنی قادر متعال؛

رودرا (Rudra) یعنی وحشتناک؛

راما (Rama) یعنی دلپذیر؛

کریشنا (Krishna) یعنی آبی پر رنگ؛

یاما (Yama) یعنی ارباب ران معادل جم در آیین زردشت ( که خدای حاکم بر ارواح مردگان است. اشوین (Asvin) یعنی اسب سوار عنوان دو تن از فرشتگان آیین هندو است. هندوان معتقدند که این پزشکان آسمانی برای انسان تندرستی، نیکبختی و دارایی به ارمغان می آورند.

پرستندگان بت مؤنث زشت و بد ترکیب کالی (Kali) به معنای سیاه معتقدند هدایای ویژه این بت را باید از طریق راهزنی به دست آورد و تقدیم بتخانه کرد. البته باید توجه داشت که معمولا بتان را بسیار زیبا می سازند تا آنجا که بت در شعر فارسی کنایه از محبوب زیبا است.

### ۴- کتابهای مقدس

ادعیه و آیینهای هندوان در مجموعه ای به نام وداها (Vedas) به معنای دانش، به زبان سانسکریت گرد آمده است و به آن شروتی (Sruti) یعنی وحی و الهام و علوم مقدس موروثی لقب می دهند. پژوهشگران تاریخ تصنیف وداها را بین ۱۴۰۰ تا ۱۰۰۰ ق. م. می دانند، و بر این اساس سالهای ۱۵۰۰-۸۰۰ ق. م. را دوره ودایی می خوانند. چهار ودا وجود دارد، به این شرح:

۱-ریگ ودا (veda-Rig) یعنی ودای ستایش؛

۲-یجور ودا (veda-Yajur) یعنی ودای قربانی؛

۳-سام ودا (veda-Sama) یعنی ودای سرودها؛

۴-اتهر ودا (veda-Atharva) یعنی ودای اتهروان (نام نویسنده این ودا).

### ۵- فرهنگ و تربیت ودایی

## راهنمای گردشگری عمومی

حدود قرن ۶ ق. م. در اوج اقتدار روحانیان هندو، که برهنمن (Brahmana) نامیده می شوند، نظام طبقاتی شدیدی پذیرفته شد که مدت ۲۵۰۰ سال سایه سهمگین خود را بر کشور پهناور هندوستان افکنده بود و هنوز هم بقایای آن وجود دارد. پژوهشگران طبقات اجتماعی را کاست (Caste) می خوانند که واژه ای پرتغالی و به معنای نژاد است. در این نظام چهار کاست اصلی وجود داشت:

۱- برهمن (Brahmanas)، طبقه روحانیون؛

۲- کشاتریاها (Kshatrias)، طبقه شاهان، شاهزادگان و جنگاوران؛

۳- ویشیایاها (Vaisyas)، طبقه بازرگان و دهقانان؛

۳- شودراها (Sudras)، طبقه کارگران.

معاشرت افراد یک طبقه دیگر شرعا و عرفا ممنوع بود، به خصوص طبقه اخیر که هر گونه تماس، حتی نگاه کردن افراد طبقات بالا به این گروه، گناه کبیره شمرده می شد.

فروتر از این چهار طبقه، گروهی از بومیان غیرآریایی هندوستان بودند که نجسها (Untouchables) نامیده می شدند. افراد این طبقه به هیچ وجه حق نداشتند در محله های آن طبقات چهارگانه تردد کنند و هر گاه از باب ضرورت برای حمل زباله و کناسی به اماکن آنان می رفتند، موظف بودند با صدای بلند حضور خود را اعلام کنند که مبادا نگاه افراد طبقات بالا به این گروه بیفتد. در این صورت، بیننده باید با غسل خود را طاهر کند داد و ستد نیز از راه دور، با گذاشتن پول در مکانی و تقاضای متاع با فریاد و اختفای کامل انجام می گرفت...

گوش دادن به تلاوت کتابهای مقدس نیز بر آنان حرام بود و اگر فردی از ایشان در این مورد استراق سمع می کرد، برای مجازات، سرب مذاب در گوش او می ریختند.

عجیب تر اینکه افراد طبقه نجسها به این وضع خو گرفته، آن را حق می پنداشتند و باور داشتند که این تیره بختی زاییده بدکرداری آنان در زندگانی پیشین است که از طریق تناسخ آن را دریافت کرده اند. هر گونه اقدامی برای کم کردن فاصله طبقات چهارگانه (و حدود ۲۰۰۰ طبقه فرعی که به تدریج در ضمن آن چهار طبقه پدید آمده) و دفاع از نجسها، خلاف شرع و غیرمقبول بود. البته این سنت اجتماعی در سال ۱۹۵۵ رسماً لغو شد و تنها جلوه هایی از آن باقی است.

رود خروشان و پر برکت گنگ (Ganga) به معنای تندرو که در بخش بزرگی از هندوستان جریان دارد، از تقدس بالایی برخوردار است و غسل کردن در آن، به خصوص در شهر بنارس (Benares)، عبادتی مهم شمرده می شود. نیلوفر (Padma) نیز بسیار مقدس است.

قربانی و بویژه قربانی اسب (medha - Asva) که قبلاً به عنوان یک عمل عبادی میان آنان معمول بود، بعداً به منظور برآورده شدن حاجات انجام می گرفت.

اهیمسا (hinsa - A) به معنای پرهیز از آزار جانداران اصل مهمی است که در زمانهای بعد، تحت تعالیم مهاویرا مورد توجه قرار گرفت و تاکنون به شدت رعایت می شود. این آموزه خوردن گوشت حیوانات را عملی غیر اخلاقی می داند و این مسأله اثر عجیبی بر شیوه زندگی هندوان باقی گذاشته است.

هندوان جسد مردگان خود را می سوزاند و خاکستر آن را بر روی گنگ بر باد می دهند. قبلا سنت مذهبی این بود، که هنگام سوزاندن جسد مرد متوفی، همسر وی نیز به نشانه وفاداری میان توده های هیزم می خوابید و همراه شوهر می سوخت و برای تشویق زنان به این امر به وی لقب ستی (Sati) به معنای بانوی وفادار و بافضیلت عطا می شد. (این واژه سانسکریت در فارسی و عربی برای تجلیل از بانوان بسیار برجسته به کار می رود). اگر احیانا زنی تاب و تحمل این فداکاری را در خود نمی یافت پس از مرگ شوهر موی سر خود را می تراشید و جلای وطن می کرد. زنده سوزاندن زوجه را انگلیسیها پس از استعمار هندوستان در سال ۱۸۲۹ م. ممنوع کردند و از این منع کمتر تخلف شده است. صائب تبریزی در اشاره به این سنت می گوید:

چون زن هندو کسی در عاشقی مردانه نیست

سوختن بر شمع خفته کار هر پروانه نیست.

### ۶- خدایان سه گانه

آریاییان هندوستان مانند سایر مشرکان به خدای حقیقی جهان نیز معتقد بودند و او را برهما (Brahman) به معنای قائم بالذات و ازلی و ابدی می نامیدند. آنان در آغاز بت و بتخانه نداشتند و مراسم عبادی خویش را در فضای باز می دادند و به خدایانی مذکر که معمولا نماد اجرام آسمانی بودند، عقیده داشتند. در دورانهای بعد بتهایی بی شمار و بتخانه هایی باشکوه و گوناگون ساختند و خدایانی مانند الهه مادر، الهه زمین، مار کبرا و غیره را به مجموعه خدایان خود می افزودند.

خدایان تثلیث هندو (Trimurti Hindu) عبارتند از:

۱- برهما (Brahman)، خدای ایجاد کننده (که قبلا اشاره شد)؛

۲- شیوا (Siva) خدای فانی کننده که مجسمه چهار دست و در حال رقص او فراوان است. رقص شیوا نقش او را در ایجاد و انهدام نشان می دهد؛

۳- ویشنو (Vishnu) خدای حفظ کننده. جلوه های دهگانه این خدا برای مردم در طول تاریخ عبارت است از: ماهی، لاک پشت، گراز، موجود نیمه آدم و نیمه شیر، کوتوله، راماما (Rama) ی تبر به دست، راماما، کریشنا (Krishna)، بودا (Buddha) و کلکی (Kalki)

آیین هندو فرقه های بی شماری دارد که با یکدیگر در صلح و صفا به سر می برند. پیروان هر یک از این فرقه ها بر جنبه خاصی از دین تأکید می کنند و معمولا به یکی از خدایان روی می آورند. طرفداران هر یک از شیوا و ویشنو جمعیت بزرگی را تشکیل می دهند.

شیواپرستان عورت شیوا را نیز می پرستند و آن را لینگا (Linga) می نامند. مجسمه های لینگا و معابد آن نیز فراوان است.

از جمله ۱۲ بتخانه بزرگ و باشکوه که به افتخار لینگا و برای پرستش آن بنا کرده بودند، معبد سومنات (Somanatba) است. ثروت هنگفت و خیال انگیز آن بتخانه که چهارده گنبد طلا داشت، سلطان محمود غزنوی

را تحریک کرد تا به سال ۴۱۶ هجری قمری به سوی آن لشکر کشد و خزائن انباشته از زر و سیم و گوهرهای گرانبهای آن را که طی قرن‌ها گرد آمده بود، تاراج کند. هندوان حمله‌های سابق وی به بتخانه‌های دیگر را به علت خشم گرفتن بت معبد سومنات به آن معبد توجیه می‌کردند. سلطان محمود با سپاهی انبوه به عنوان بت شکنی به سومنات حمله کرد و پس از کشتن گروهی بی‌شمار از هندوان، گرزگران خود را بر فرق مجسمه لینگا کوبید. وی برای نشان دادن فتح نمایان خود قطعه‌ای از آن را به مکه معظمه و بغداد و بلاد اسلامی دیگر فرستاد<sup>(۳)</sup>.

افرادی از شیواپرستان، به نام لینگاوات (vat - Linga) یعنی حاملان لینگا، که مسلکشان در قرن دوازدهم میلادی پایه‌گذاری شده است، پیوسته مجسمه‌ای از لینگا را که داخل کیف کوچکی است به گردن آویخته دارند. چیزهایی شگفت‌آوری مانند قربانی انسان و نوشیدن شراب در کاسه سر مردگان به برخی از فرقه‌های شیوایی نسبت داده می‌شود. فرقه‌های شکتی (Sakti) به معنای نیرو، معتقدند قوه الهی در جنس لطیف قرار دارد. از اینجاست که در معابد شکتی زنانی جوان می‌رقصند. برخی از این فرقه‌ها رقصهای وحشیانه، آوازهای گوش‌خراش و حرکات جنون‌آمیز را برای تکامل روحی لازم می‌دانند.

### ۷- نظریه تناسخ و تصور کارما

بر اساس قانون کارما (Karman) به معنای کردار، آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره‌های بازگشت مجدد خود در این جهان می‌بیند. کسانی که کار نیک انجام داده‌اند، در مرحله بعد زندگی مرفه و خوشی دارند و آنان که کار بد می‌کنند، در بازگشت با بینوایی و بدبختی دست به‌گریبان خواهند بود و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند. به عقیده برخی تناسخیان، بازگشت انسانها ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد که تصادفاً به ترتیب الفبا از جمادات تا انسانها را شامل می‌شود:

۱- رسخ، یعنی حلول شخص متوفی در جمادات؛

۲- فسخ، یعنی حلول شخص متوفی در نباتات؛

۳- مسخ، یعنی حلول شخص متوفی در حیوانات؛

۴- نسخ، یعنی حلول شخص متوفی در انسانها (تناسخ).

سمسارا (Samsara) به معنای تناسخ در بسیاری از ادیان و مذاهب جهان (حتی نزد برخی فرقه‌های انحرافی جهان اسلام) با عناوین گوناگون وجود داشته و دارد،<sup>(۴)</sup> اما این عقیده در آیین هندو از اهمیت بیشتری برخوردار است. هندوان معتقدند آدمی همواره در گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر رنج گرفتار است. تنها راه رهایی انسان از گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر درد و بلا پیوستن به نیروانا (Nirvana) است. این کلمه در لغت به خاموشی و آرامش و در اصطلاح به ((فنا فی الله)) دلالت می‌کند. نیروانا مورد توجه بوداییان واقع شده است.

آیین هندو با خود محوری میانه‌ای ندارد و یک هندو می‌تواند علاوه بر آیین خود به هر یک از ادیان جهان بگردد. با این وصف، شدیدترین تعصبات را می‌توان میان هندوان یافت. کافی است به یاد بیاوریم که مهاتما گاندی به سبب اعتقاد به برابری هندوان و مسلمانان، مورد دشمنی گروهی از هندوان قرار گرفت و یکی از ایشان او را با گلوله

کشت . ملی گرایی هندویی در دوره های اخیر بسیار شدت یافته است و یکی از تازه ترین و خشن ترین مظاهر آن تخریب مسجد بامری و کشته شدن تعداد بی شماری از مسلمانان و هندوان در این حادثه بود. مستمسک آنان در ارتکاب این عمل این بود که مکان مسجد بامری زادگاه بت رامای بوده است . آنان با این سخن ادعا می کنند که ویشنو (یکی از خدایان تثلیث هندو) در آنجا به شکل بت رامای جلوه کرده و به همین دلیل ، هندوان در آن مکان بتخانه ای ساخته بوده اند که به مسجد تبدیل شده است . آنان به همین بهانه بتهای خود را بر ویرانه های مسجد نصب کردند و آنها را پرستیدند. هندوان تصمیم دارند ساختمان بتخانه را در فرصت مناسب آغاز کنند.

### ۸- فلسفه یوگی یا روش جوکیان

به عقیده هندوان ، دستیابی به حقیقت یا اتحاد با خدای توانا از طریق یوگا (Yoga) یعنی یوغ نهادن حاصل می شود. یوگا به ریاضتهای سخت و طاقت فرسا دلالت می کند و معمولاً با نشستن آرام و پیوسته به شکل چهار زانو و همراه با تأمل انجام می گیرد، اما شیوه هایی دیگر نیز معمول است ، مانند ایستادن ، وارونه ایستادن ، خم شدن و آویختن دستها و زیستن بر روی تختی که در سراسر آن میخهای تیزی سر بر آورده است . این عملیات چه بسا برای دهها سال ادامه یابد و با مشقتهایی دیگر مانند در پیش رو نهادن آب و تشنه به سر بردن همراه باشد<sup>(5)</sup>. با آنکه هدف از ریاضت وصول به حقیقت است ، گاهی کشف و کراماتی را پدید می آورد. یوگی (Yogin) معمولاً آن امور را مانع کمال خود می داند و بسیار می شود که به آن خارق عادت ابداً توجهی نکند و از اظهار آن روی بگرداند.

حبس دم به گونه ای است که بر اثر تمرینهای سخت تنفس کاهش می یابد و یوگی در طول سال به چند نفس بسنده می کند . همچنین ضربان نبض و سایر کارهای بدن را می توان با یوگا در اختیار گرفت . در همه این حالات بدن شیوه های نوینی را بر می گزیند و زنده می ماند. چه بسا یک یوگی را به مدت شش ماه دفن کنند و پس از این مدت قبر او را بشکافند و او را بیرون آورند و وی با یک بار تنفس زندگی را از سر گیرد. تواناییهای دیگری نیز برای برخی از آنان میسر می گردد، مانند رهایی از جاذبه زمین ، متوقف کردن قطار، به جوش آوردن آب با یک نگاه و غیره ...

دانشمندان مغرب زمین به تکرار، آزمایشهای علمی گوناگونی روی یوگیان انجام داده و واقعی بودن این حالات را به اثبات رسانده اند. از جمله یک هیأت علمی فرانسوی به رهبری دکتر بروس (Brosse) در ۱۹۳۶ تحقیقات و آزمایشهایی در باب یوگیان انجام داد و دستاوردهای خود را منتشر کرد.

پینوشتها:

۱-المیزان ، ج ۱۰، صص ۳۰۱ - ۳۰۲.

۲-کلکی موعود آخر الزمان است که برای اصلاح جهان ، شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید، ظاهر خواهد شد.

۳-معبد سومنات بارها ویران شده و شالوده بنای کنونی آن در سال ۱۹۵۱ نهاده شده است.

۴-شاعری از روی طنز، چارپایی را مخاطب قرار داده و این رباعی را گفته است:

## راهنمای گردشگری عمومی

- ای رفته و باز آمده (بل هم) گشته نامت زمیان مردمان گم گشته  
ناخن همه جمع آمده و سم گشته ریش زعقب در آمده دم گشته
- ۵- آداب و شرایط یوگا در کتاب پاتانجالی آمده است و دانشمند بزرگ مسلمانان ابوریحان بیرونی آن را به عربی ترجمه کرده است
- ۶- لازم است تاءکید شود که در امثال این امور، شایعات بی اساس و داستانهای بی پایه به مراتب بیشتر از واقع است
- ۷- مجله *Medicale Presse*، ش ۸۳، ۱۴ اکتبر ۱۹۳۶.

### آشنایی با آیین سیک

انشعابات تازه تری نیز در آیین هندو وجود دارد که آیین سیک (Sikh) یعنی شاگرد، معروفترین آنها است. برخورد اسلام و هندوئیسم در هندوستان در دورانهای گوناگون مذاهب التقاطی چندی را پدید آورده است. یکی از عرفای بزرگ مسلمان به نام کبیر (۱۴۴۰-۱۵۱۸) توحید اسلامی را با برخی عقاید هندویی در آمیخت و مریدان بی شماری گردآورد. یکی از شاگردان وی نانک (Nanak) بود که پایه گذار آیین سیک و نخستین گورو (Guru) یعنی معلم است. پس از وی نه گوروی دیگر، یکی پس از دیگری، آمده اند. این فرقه اندک اندک قوت گرفت و به گروهی سیاسی مذهبی تبدیل شد<sup>(۱)</sup>.

سیکها به تجارت گرایش دارند و افرادی از آنان به سراسر جهان مهاجرت کرده و به بازرگانی مشغولند. همچنین افرادی از ایشان به زاهدان و تهران آمده اند و در این دو شهر معبد (گورودواره) دارند.

### ۱- سرگذشت نانک

بنیانگذار آیین سیک به نام گورو نانک به سال ۱۴۶۹ در خانواده ای از طبقه کشاتریاها در یکی از روستاهای لاهور به دنیا آمد. او از عرفای مسلمان و هندو استفاده کرد. سپس به کشورهای اسلامی و زیارت مکه معظمه رفت و سرانجام آیین سیک را که آمیزه ای از هندوئیسم و اسلام است، تأسیس کرد و در سال ۱۵۳۹ درگذشت. پس از گورو نانک ۹ گوروی دیگر یکی پس از دیگری برخاستند و اینک فهرست اسامی ۱۰ گوروی سیکان و تاریخ تولد و وفات ایشان:

۱- گورو نانک (۱۴۶۹-۱۵۳۹)؛

۲- گورو انگد (۱۵۰۴-۱۵۵۲)؛

۳- گورو امر داس (۱۴۷۹-۱۵۷۴)؛

۴- گورو رام داس (۱۵۳۴-۱۵۸۱)؛

۵- گورو ارجن (۱۵۶۳-۱۶۰۶)؛

۶- گورو هر گویند (۱۵۹۵-۱۶۴۴)؛

۷- گورو هررای (۱۶۳۰-۱۶۶۱)؛



۸- گورو هری کریشن (۱۶۵۶-۱۶۶۸)؛

۹- گورو تیغ بهادر (۱۶۲۱-۱۶۷۵)؛

۱۰- گورو گویند سینگ (۱۶۶۶-۱۷۰۸)

### ۲- تعالیم

نانک خدای یکتای جهان را حق نامید. وی می گفت خدا به هر نامی که خوانده شود فقط او قادر متعال و حق است. سعادت و وصول به نیروانا همان استغراق در ذکر حق است. وی مایا یا صورت وهمی جهان را که در دین هندو آمده است، پذیرفت و گردونه تناسخ و قانون عمل و عکس العمل را تا حدودی قبول کرد. نانک خوردن گوشت را برای پیروانش مباح دانست، ریاضت و بت پرستی را ممنوع کرد، نظام طبقاتی و تعدد زوجات را هم حرام شمرد.

### ۳- آثار مذهبی

پنجمین رهبر سیکان که گورو ارجن خوانده می شود، معبدی از طلا در شهر امریتسار هندوستان بنا کرد و کتابی به نام گرانث صاحب (Granth Sahib) نوشت که مهمترین کتاب مقدس آیین سیک است.

### ۴- تاریخچه سیاسی سیکها

سیکها در زمان دهمین رهبر خود به نام گورو گویند سینگ بیعتهایی را برای امور سیاسی مرسوم کردند و افرادی جنگجو شدند و از آن هنگام نام خالصه یعنی بی آرایش، بر خود نهادند. آنان برای خود پنج شعار قرار دادند که هر یک در زبان پنجابی با حرف «ک» شروع می شود:

۱- کس: باقی گذاشتن موی سر و صورت؛

۳- کونکا: همراه داشتن شانه؛

۳- کاکچک: پوشیدن زیر شلواری کوتاه؛

۴- کارا: داشتن دستبند (النگوی) آهنین؛

۵- کاندا: حمل شمشیر یا خنجر فولادین

سیکها با یکدیگر بسیار متحدند و برای تشکیل کشور مستقل به شدت مبارزه می کنند. ترور خانم گاندی نمونه ای از فعالیتهای سیاسی این قوم است. آنان تبلیغات مذهبی نیز دارند و کتبی هم در این باب به زیانهای دیگر و از جمله فارسی منتشر کرده اند.

### پینوشتها:

قریب سال ۱۰۰۰ ه. ق. اکبر پادشاه مسلمان هندوستان تحت تاءثیر این آیین و به کمک یکی از دانشمندان عصر خود آیین اکبری را بنیاد نهاد که صلح کل بین ادیان را تبلیغ می کرد.

## راهنمای گردشگری عمومی

ذهب سیک، محصول اختلافات مذهبی سده ۱۵ میلادی است و مدعی است که چکیده نخستین آموزه‌های گورو نانک (پیامبر سیک‌ها زاده ۱۴۶۹م. است). او کوشید یک دین تلفیقی از اسلام و هندوگرایی به وجود آورد. نانک بر اصول مشترک این دو مذهب تأکید کرد و از موارد جدایی و اختلاف به‌ویژه در آیین‌ها و نیایش‌ها دوری نمود.

تعالیم

سیک ایالت پنجاب است، پرستشگاه‌های سیک‌ها از معماری به سبک معماری اسلامی ساخته شده‌است. زرین مقدس‌ترین پرستشگاه سیک‌هاست که در «آمریتسار» واقع است.

طلا پنجمین رهبر سیک‌ها که گورو ارجن خوانده معبدی از طلا در شهر امریتسار هندوستان بنا کرد و

کتابی به نام گرانث صاحب (Granth Sahib) را جمع‌آوری کرد که مهم‌ترین کتاب مقدس آئین سیک است.



مرکز

دیدگاه

نیایشگاه

معبد

می‌شود،

### آشنایی با آیین شینتو

شینتو (Shinto) یعنی طریقه خدایان ، آیین باستانی ژاپن است .

این آیین الهه خورشید به نام اماتراسو (Amaterasu) را نگهبان سرزمین اجدادی می داند و خاندان سلطنتی را از نسل این خدا و تجسم وی می شمارد.

### ۱- سابقه اجتماعی

آیین مهایانای بودایی در حدود سال ۵۵۲ م . به ژاپن وارد شد و پس از برخورد با شینتو، سرانجام بسیاری از عناصر بودایی را به مذهب شینتو منتقل کرد. پرستش خدایان ملی و امپراتور، کرنش و قربانی برای مردگان و وطن پرستی از آداب این آیین است . نوعی فتوت به نام بوشیدو (Bushido) یعنی طریقه دلاوران که تا اندازه ای از آیین زن الهام می گرفت ، جوانمردی و مقاومت برای شرف را الزام می کرد. بر این اساس سربازان هنگام شکست ، طی مراسمی با یک خنجر مخصوص که در سراسر عمر آن را همراه داشتند، شکم خود را پاره می کردند و شهید راه وطن شدند. آیین شینتو نیز بارها نوسازی شده است و پرستش امپراتور از سال ۱۹۴۶ توسط خود وی منسوخ گردیده است . اکنون در ژاپن این آیین در کنار آیین بودا به حیات خود ادامه می دهد.

### ۲- کتابهای شینتو

در آیین شینتو کتابهایی یافت می شود که آداب و سنن گذشتگان را در بر دارد. این کتابها در زمانهای مختلف تهیه شده و یکی از آنها که در سال ۸۰۶ م . نوشته شده ، داستانهای کهن را در دفاع از طبقه روحانیون نقل می کند. کتاب دیگری از قرن دهم است که فهرستی از عبادات و مناسک و رسوم شینتو، بویژه آداب پرستش امپراتور را شرح می دهد.

### ۳- ریوبو

سرانجام، آیین بودا در ژاپن در قرن هشتم میلادی کاملاً رواج یافت و مقامات کشور آن را پذیرفتند. در آن زمان لازم شد که میان آیین بومی و قدیم شینتو از یک سو و آیین بیگانه و نورسیده بودایی از سوی دیگر تلفیقی صورت گیرد. در آن هنگام برخی از روحانیون بودایی اعلام کردند در مکاشفات خود دانسته اند که خدایان باستانی ژاپن در حقیقت هر کدام بودی ستو بوده اند و آنجا ظهور کرده اند. همچنین گفتند اماتراسو یعنی خدای خورشید همان ظهور کامل بودا در کشور ژاپن بوده است. این مکتب را ریوبو، یعنی شینتوی ترکیبی نامیدند و به تبلیغ آن پرداختند. بدین شیوه آیین شینتو نوسازی شد و احیا گردید.

### ۴- دین رسمی

حدود نه قرن بعد، در قرن هفدهم برخی از رهبران دینی گفتند خوب است آیین شینتوی قدیم احیا گردد و سرانجام در سال ۱۸۶۸ تحول تازه ای در حیات اجتماعی مردم ژاپن پیش آمد و با تردد مسافرانی از آمریکا به ژاپن، در این کشور به روی جهانگردان باز شد. چندی بعد امپراتور ژاپن شینتو را دین رسمی اعلام کرد و دستور داد نشانه های آیین بودا را از آن آیین بزایند. این کار در آغاز با فشار انجام گرفت؛ زیرا مردم هنوز هم به آیین بودا علاقه مند بودند. سرانجام در قانون اساسی سال ۱۸۸۹ حق آزادی مطلق دین برای تمام مردم ژاپن به رسمیت شناخته شد، ولی دولت جانب آیین شینتو را می گرفت.

آیین دولتی شینتو تا سال ۱۹۴۵ که آمریکا ژاپن را بمباران اتمی کرد و این کشور به اشغال آمریکا در آمد، ادامه داشت و تعالیم آن به گونه ای بود که جوانان را در مقابل نفوذ تمدن غربی مقاوم می ساخت. از سال ۱۹۴۵ به بعد، انجام دادن مراسم این آیین اختیاری شده است.

منبع: آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۵۹ نویسنده: حسین توفیقی

## آشنایی با مذاهب ایران باستان

### الف) دین زردشت

هنگامی که چند قرن بر ورود آریاییان به ایران گذشت این قوم اندک اندک به شهر نشینی روی آوردند و این مسأله در جهان بینی ایشان تاءثیر گذاشت

در آن روزگار انسان اصلاح گری بر خاست و آریاییان را که خواستار ترک خرافات قدیم بودند، به آیین تازه ای دعوت کرد و آیین مغان را برانداخت. این پیامبر مصلح که خود را فرستاده خدای خوبی و روشنایی معرفی می کرد، زردشت نام داشت. وی مدعی بود آیین خود را از آهورمزدا دریافت کرده تا جهان را از تیرگیها پاک کند و آن را به سوی نیکی و روشنایی رهنمون شود. زردشتیان به نامهایی چون گبر و مجوسی و پارسی خوانده می شوند. کلمه (گبر) در زبان سریانی به معنای کافر از جانب دیگران به آنان اطلاق گردیده و واژه «المجوس» در دستور زبان عربی، اسم جنس جمعی و مفرد آن مجوسی است (المجوس) در قرآن کریم (حج: ۱۷) در کنار پیروان ادیان دیگر یافت می شود. اکثر علمای اسلام زردشتیان را اهل کتاب دانسته اند. احادیثی نیز در این باب موجود است. آیین

زردشت حدود یک قرن قبل از میلاد تحول یافت و آن صورت تحول یافته را آیین مزدیسنی می نامند. مزدیسنا در لغت به معنای ستایش مزداست.

### ۱- سرگذشت زردشت

دانشمندان در مورد وجود تاریخی پیامبر ایران باستان شک دارند، اما بیشتر آنان وجود وی را نفی نمی کنند. زردشت ، زرتشت ، زرادشت ، زراتشت ، زردهشت و کلماتی از این قبیل از واژه ((زرتوشتر (Zarathushtra))) در گاتها (بخشی از کتاب آسمانی زردشت) می آید که طبق نظریه صحیحتر معادل زرد اشتر یعنی دارنده شتر زرد است نام پدرش پوروشسب یعنی دارنده اسب پیر، نام مادرش دغدو یعنی دوشنده گاو ماده و نام خاندان وی سپیتمه یعنی سپید نژاد بود.

طبری مورخ مشهور اسلام و پیروان او زردشت را از فلسطین می دانند و می گویند وی از آنجا به ایران آمده است، اما قول صحیح و معروف آن است که وی ایرانی و اهل آذربایجان بوده است و محل برانگیختگی او را کوهی نزدیک دریایچه ارومیه می دانند<sup>(1)</sup>.

درباره زمان زردشت نیز اختلاف است و زمان وی حتی به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد نیز برده شده است. اما بر اساس نظریه مشهور، وی در سال ۶۶۰ قبل از میلاد به دنیا آمد و در ۶۳۰ قبل از میلاد (در سن ۳۰ سالگی) به پیامبری مبعوث شد. وی در سال ۵۸۳ ق. م. در سن ۷۷ سالگی در آتشکده ای در بلخ (افغانستان) توسط لشکر قومی مهاجم به شهادت رسید.

گر چه بعثت زردشت در شاهنامه فردوسی آمده است، اما متأسفانه آن حادثه در قسمت افسانه ای آن کتاب مذکور است، به طوری که درباره گشتاسب (پادشاهی که زردشت او را دعوت می کند و به آیین خود در می آورد) اختلاف است. برخی او را با ویشتاسب پدر داریوش هخامنشی برابر دانسته اند. از سوی دیگر از نظر تاریخی مسلم است که ویشتاسب نه یک پادشاه، بلکه استانداری بوده است.

### ۲- تعالیم زردشت

در آیین زردشت سه اصل عملی گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک وجود دارد که مانند آن را در ادیان مختلف می یابیم. از جمله در اسلام آمده است: الایمان قول باللسان و اقرار بالجنان و عمل بالارکان. احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و فروخته نگه داشتن آن و انجام مراسمی خاص در اطراف آن در معابدی به نام آتشکده مشخصترین ویژگی این آیین است. همچنین آبادانی، کشاورزی دامداری و شهرنشینی مورد ستایش قرار گرفته است. احترام به حیوانات، مخصوصاً سگ و گاو، همچنین خوشرفتاری با مردم نیز جایگاهی ویژه دارد. برخی از آداب و رسوم سرزمین ما از قبیل مراسم چهارشنبه سوری و سوگند خوردن به روشنایی چراغ و چیزهای دیگر با تعالیم زردشتی ارتباط دارد. همچنین برخی زندیقان قرون نخست اسلام گرایشهای زردشتی داشتند.

### ۳- اوستا

کتاب آسمانی زردشتیان اوستا نام دارد که به معنای اساس و بنیان و متن است. این کتاب به خط و زبان اوستایی نوشته شده است که به ایران باستان تعلق دارد و با زبان پهلوی و سانسکریت هم‌ریشه است. به عقیده بسیاری از محققان، خط اوستایی در دوره ساسانیان (۲۲۶ - ۶۴۱ م.) پدید آمد و اوستا که قبلاً در سینه‌ها بود، به آن خط کتابت شد و به قولی این کار پس از ظهور اسلام صورت گرفته است.

زردشتیان و پژوهشگران بر این مسأله اتفاق دارند که اوستا در اصل بسیار بزرگتر بوده است که به عقیده برخی روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو نوشته بود. اوستای کنونی دارای ۸۳۰۰۰ کلمه است و احتمالاً اصل آن دارای ۳۴۵۷۰۰ کلمه (یعنی چهار برابر) بوده است. اوستای اصلی به ۲۱ نسک (کتاب یا بخش) تقسیم می‌شد و اوستای کنونی نیز ۲۱ نسک است.

### اوستا ۵ بخش دارد:

- ۱- یسنا (یعنی جشن و پرستش)؛ قسمتی از این بخش گاتها نامیده می‌شود (به معنای سرود). این بخش که مشتمل بر ادعیه و معارف دینی و معروفترین قسمت اوستاست، به خود زردشت نسبت داده می‌شود، در حالی که سایر قسمتهای اوستا را به پیشوایان دین زردشت نسبت می‌دهند؛
- ۲- ویسپرد (یعنی همه سروران) مشتمل بر نیایش؛
- ۳- وندیداد (یعنی قانون ضد دیو) درباره حلال و حرام و نجس و پاک؛
- ۴- یشتها (یعنی نیایش سرود و تسبیح)؛
- ۵- خرده اوستا (یعنی اوستای کوچک) درباره اعیاد و مراسم مذهبی و تعیین سرودهای آنها زردشتیان، علاوه بر اوستا، تفسیری به نام زنداوستا و کتب مقدس دیگری به زبان پهلوی دارند.

### ۴- داستان خلقت و دو گانه پرستی

کسی نمی‌داند گرایش زردشتیان به خدایان دو گانه (خدای نیکی و خدای بدی یا خدای روشنایی و خدای تاریکی) در چه عصری آغاز شده است. در قسمت گاتها (از یسنای اوستا) که به خود زردشت نسبت داده می‌شود، اهریمن در برابر خرد مقدس صف آرایی می‌کند و نه در برابر آهورمزدا که خدای واحد و فوق پروردگاران روشنایی و تاریکی است. همچنین گروهی از زردشتیان به نام زروانیان در عصر ساسانی پدید آمدند که معتقد به خدای یکتا به نام زروان بودند و او را از خدای روشنایی و تاریکی برتر می‌شمردند. این فرقه پیروان بسیاری در ایران آن روز داشته است<sup>(۲)</sup>.

### ۵- خدایان

با مطالعه در آیین زردشت معلوم می‌شود که وی در میان ایرانیان به اصلاح دینی قیام کرده و خرافات مذهب باستانی آریاییان را مورد حمله قرار می‌داده است. از جمله آنکه وی از آهور مزدا تبلیغ می‌کرده و خدایان قوم خود را که دئو (یعنی دیو) خوانده می‌شده‌اند، باطل می‌دانسته و آنها را خدای دروغ دوستان می‌نامیده است.

## راهنمای گردشگری عمومی

در آیین زردشت ، آهور مزدا ۶ دستیار دارد که به منزله فرشتگان ادیان ابراهیمی هستند. آن دستیاران را امشاسپندان یعنی جاویدان مقدس می نامند. آنها رهبری دارند به نام سپنتامنیو یعنی خرد مقدس و نامهای خودشان از این قرار است:

۱- وهومن (Vohuman) ؛

۲- اشه و هیشته (vahishta-Asha) ؛

۳- خشته و ائیریه (vairya-Xshathra) ؛

۴- سپنته ارمئیتی (armaiti-Spenta) ؛

۵- هئورتات (Haurvartat) ؛

۶- امرتات (Ameretat).

پس از آنها یزتها قرار دارند که ۳۰ عدد از آنها معروفند. اینها تشکیلات خرد مقدس هستند. در مقابل ، اهریمن هم تشکیلاتی دارد<sup>(3)</sup>.

طبق آیین زردشت دوره کهن کنونی جهان ۱۲۰۰۰ سال است . خدای نیکی مدت ۳۰۰۰ سال بر جهان حکمرانی می کرد و در این مدت خدای بدی در تاریکی به سر می برد. پس از این مدت خدای بدی از تاریکی بیرون آمد و با خدای نیکی روبرو شد. خدای نیکی به وی ۹۰۰۰ سال مهلت داد که با او مقابله کند. وی اطمینان داشت که سرانجام خود او به پیروزی خواهد رسید. در این زمان هر دو به آفریدن نیک و بد آغاز کردند و بدین گونه با یکدیگر به مبارزه برخاستند. پس از ۳۰۰۰ سال زردشت آفریده شد و از این زمان به بعد توازن قوا به نفع خدای نیکی گرایید و به سیر صعودی خود ادامه داد.

### ۶- آخر الزمان

در هزاره گرایی زردشتی (Millennialism Zoroastrian) انتظار ظهور سه منجی از نسل زردشت مطرح است . این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد.

۱- هوشیدر، ۱۰۰۰ سال پیش از زردشت ؛

۲- هوشیدرماه ، ۲۰۰۰ سال پس از زردشت ؛

۳- سوشیانس (یا سوشیانت) ، ۳۰۰۰ سال پس از زردشت که با ظهور او جهان پایان می یابد.

### ۷- بقای روح

زردشتیان به جاودانگی روح عقیده دارند. آنان می گویند روان پس از ترک جسم تا روز رستاخیز در عالم برزخ می ماند. همچنین آنان به صراط، میزان اعمال، بهشت و دوزخ معتقدند. بهشت آیین زردشت چیزی مانند بهشت اسلام است، ولی به خاطر مقدس بودن آتش، دوزخ زردشتی جایی بسیار سرد و کثیف است که انواع جانوران در آن، گناهکاران را آزار می دهند.

### ۸-وضع کنونی

بیش از هزار سال است که زردشتیان ایران به بمبئی هندوستان کوچیده اند و اکنون حدود صد و پنجاه هزار نفر از آنان در آن سامان زندگی خوبی دارند و پارسی نامیده می شوند حدود پنجاه هزار نفر از ایشان نیز در یزد، کرمان و تهران سکونت دارند.

افراد برجسته ای در گذشته از این اقلیت کوچک برخاسته اند، مانند ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده زردشتیان در مجلس شورای ملی در عصر شهید مدرس (ره) وی که که صندوقدار مجلس بود به درستکاری و بی آلاشی شهرت داشت. شهید مدرس (ره) یک بار در مجلس گفته بود: «در این مجلس فقط یک مسلمان وجود دارد و آن هم ارباب کیخسرو است»

### پینوشتها:

- ۱- آب دریاچه مذکور در کتابهای مذهبی زردشتیان مقدس شمرده شده است
- ۲- اصولاً اعتقاد به دو مبداء در جهان باستان رایج بوده و گونه ای از آن را مکتب غنوصی می خوانده اند. این لفظ از یونانی می آید و در عصر ما ناستیک (Gnostic) تلفظ می شود.
- ۳- داستان تشکیلات خدای خیر و خدای شر به حدیث جنود عقل و جهل در کتاب الکافی، نوشته مرحوم کلینی شباهت دارد.
- ۴- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

### ب) دین مانوی

مانی از غلبه تاریکی بر نور می ترسید

مانی که بود

مانی در سال ۲۱۶ میلادی در اولین روز حکومت اردوان پنجم آخرین شهریار اشکانی در شرق عراق، در روستای مردینو در ناحیه کوت العماره به دنیا آمد. بر اساس منابع مختلف پدر مانی فاتک (پاتیک) بود، او مردی زمین دار و ثروتمند از همدان بود و مادرش زنی مسیحی به نام ماریا که از شاهزادگان اشکانی بود. مانی از خانواده ای ثروتمند بود و پدر و مادرش می توانستند خرج او کنند. پدر مانی دانا و هوشیار و مادرش زنی علاقه مند و از خانواده ای اصیل بود. آنها تابستان ها را در همدان می گذراندند و زمستان ها به بابل می رفتند. مانی خود در یک جا گفته است: «پیامبران قبل از من از بابل برخاسته اند و من هم از آنجا برخاسته ام.»

## راهنمای گردشگری عمومی

می‌گویند وقتی به دنیا آمد، چهره‌ای خندان و خوب داشت که با نوزادان دیگر متفاوت بود. مانی بی‌اندازه هوشیار بود و علاقه‌مند به فراگیری علوم مختلف. همه زبان‌های آن روزگار را فرا گرفت. او زبان‌های یونانی، چینی، هندی، عبری و ... را فرا گرفت. او به سایر خدایان و دین‌ها التفات نشان می‌داد. از دل مردم صحبت می‌کرد و آن قدر فلسفه‌اش جذاب بود که هنگام سخنرانی اطرافش جمعیت زیادی جمع می‌شد.

اطلاعات دینی او در مورد آیین بودا، یهود و زردشت به مراتب از موبدان ساسانی بیشتر بود. مانی همه را در بحث و جدل شکست می‌داد. او در زمینه‌های پزشکی، فلسفه نوافلاطونی، جادوگری که منفور ساسانیان بود، متافیزیک، هیات و نجوم، اطلاعاتی داشت.

همان طور که مشهور است، نقاش زبردستی نیز بود و برای این که عامه مردم منظورش را بفهمند نقاشی می‌کرد. موسیقی می‌دانست به شعر علاقه‌مند بود و صدای خوبی هم داشت. روانشناسی می‌دانست و با هر کسی مناسب خود او برخورد می‌کرد.

مانی آنچه که اسباب ترسیم زیبایی و ذوق و شادی بود را به کار می‌برد. او به مال و مقام علاقه نداشت و می‌گفت: «من باید بیاموزم و به دیگران هم آموزش دهم.»

### وجه تسمیه مانی

بعضی می‌گویند «مانی» در واقع یکی از القاب آن فرد است. قاعدتا اهمیت شخصیت مانی باعث شده که این نام را به او بدهند. عرب‌ها به مانی زندیق می‌گویند. آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها «مانی نقاش» و شعرای ایرانی «مانی صورتگر» می‌نامندش. ریشه واژه مانی، «من» است به معنی جاویدان. هم چنین مانی به معنی اندیشه هست. مانی به معنی اندیشمند است.

### مکتب مانویت

مانی از اعداد و ارقامی که نزد ایرانیان بود و از ساختار کلیسا در جامعه مسیح و از تناسخ بودا و از آفرینش زرتشت در جامعه ساسانی استفاده کرد و توانست آیینی جدید بیاورد. وجود ادیان مختلف در زمان شاپور یکم اختلافات و ناراحتی‌هایی را در قلمرو او به وجود آورد. در نتیجه شاپور ناگزیر شد برای جلب رضایت پیروان ادیان مختلف، سیاست آزادی ادیان را در پیش گیرد. در این میان مانی از این سیاست سود برد و دین تازه‌ای را که آمیزه‌ای از ادیان مسیحی، زرتشتی و بودایی بود، به شاپور عرضه داشت و شاپور یکم دین مانی را راه حلی مناسب برای وحدت قلمرو خود دانست و اجازه تبلیغ آن را داد و خود به آن دین گروید.

### چگونگی آشکار شدن مذهب مانی

شاپور یکم در بن بست قرار گرفته بود و این بن بست را موبدان و اشراف برای پادشاه ایجاد کرده بودند. آنها حاضر به حمایت از شاه نبودند. مانی وقتی این شرایط را دید فرصت مناسبی یافت تا گفته‌ها و مذهب خود را آشکار کند. مانی با هرمز، برادر شاپور، دوست شد و از طریق او با شاپور ارتباط گرفت.



رابطه مانی و شاپور اول به این شکل بود که مانی در روز تاج گذاری شاپور به واسطه هرمز در کاخ شوستر حاضر شد. هدیه مانی به شاپور کتاب شاپورگان بود که در مدح و وصف شاهان از جمله خود شاپور و در مدح نیرومندان بود. شاپور هم میدان را به مانی داد و او را گره گشا خواند و حتی به دین مانویت روی آورد. شاپور دنبال کسی می گشت که بتواند مشکلات را حل کند و مانی را برای این کار مناسب دید.

### آداب و آیین زندگی و عبادت در جامعه مانوی

مانویان در روز ۴ بار نماز می خواندند و برای هر نماز ۱۲ بار سجده می کردند، با آب وضو می گرفتند و با خاک و خاشاک تیمم می کردند. قبله آنها نور بود. در روز به خورشید نماز می بردند و شب رو به ماه. یک بار در روز غذا می خوردند و غذایی که اندوخته می کردند را باید به نیازمندان می دادند تا به گدایی نروند. یک دست لباس بیشتر اندوخته نداشتند. رنگ لباس های آنها سفید یا صورتی بود. مانویان از غیبت کردن بدشان می آمد. مانی می گفت نماز وقتی ارزش دارد که چارچوب نماز پذیرفته باشد و درست انجام شود. مانویان در روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته روزه می گرفتند.

### مفاهیم آفرینش و نور و ظلمت در تعالیم مانی

مانی از این که تاریکی بر نور پیروز شود، می ترسید. شب که فرا می رسید غم و اندوه مانی هم فرا می رسید و تا صبح عبادت می کرد تا تاریکی غلبه نکند. مانی می گفت بدی خطرناک و نیکی مظلوم است. روان مثل اسیری که در چنگال تن گرفتار می شود، مظلوم است. او می گفت: «هر چه به ظالم التفات کنید، روح را از بین می برید» مسیح گفته است «اب، ابن، روح القدس»؛ ایرانیان گفته اند «هورامزدا، کیومرث، خرداد» و مانی می گفت «پورعظمت، انسان نخستین، مادر زندگان». در واقع، مانی تقلیدی از آنها را در بیان دیگر مطرح کرد. مانی می گفت حضرت مسیح آمدن من را بشارت داده است، گویا مسیح در جایی گفته است بعد از من پیامبری می آید که کارش عیبی ندارد و در واقع مانی خود را پیامبر نوید داده شده، معرفی کرد و گفت این شخص من هستم. (این پیامبر در واقع حضرت محمد (ص) بوده است که حضرت مسیح نوید آن را داده است)

### آثار مانی

اولین کتاب او «شاپورگان» است که گویا به قلم خودش است. کتاب «ارژنگ» او شهرت بیشتری داشت زیرا مخصوص مردم عادی نوشته شده بود و به همین خاطر تصاویر زیادی داشت. کتاب «گنج زندگی» هم از آثار او است.

**سرانجام مانی:** مانی به تبلیغ مکتب خود یعنی مانویت می پرداخت و با روحیه مشکل گشایی که داشت توانست در مدت کوتاهی افراد زیادی را به سوی خود جلب کند. اقدامات او سبب شد که موبدان ساسانی به او رشک بورزند. اقدامات مانی موجب نارضایتی و مخالفت موبدان قدرتمند شد و بر اثر فشار آنان، پادشاه ساسانی (شاپور یکم) از حمایت مانی دست برداشت و مانویان سرکوب شدند. بعد از این که شاپور یکم از حمایت مانی دست برداشت مانی

فرار کرد که گویا به هند و یا چین رفته بود. او در اواخر حکومت بهرام اول بازگشت و در زمان بهرام اول فرمان قتل مانی را موبدان از پادشاه گرفتند. مانی در سال ۲۷۶ میلادی در زمان بهرام دوم به دستور کرتیر (موبد موبدان) کشته شد.

او را زنده زنده پوست کردند و پوستش را پر از کاه کردند، بر دیوار جندی شاپور قرار دادند تا برای همگان درس عبرت شود. با وجود این، تبلیغات طرفداران مانی، عده بسیاری را به ویژه در بیرون از قلمرو ساسانیان متوجه مانویت ساخت. از جمله مناطقی که آیین مانی در آن رواج یافت، آسیای مرکزی بود

### ج) مزدک

مزدک پسر بامداد از مردم استخر فارس، در گذشته در ۵۲۴ یا ۵۲۸ پس از میلاد بود.

وی در نیمه قرن پنجم میلادی نهضت اجتماعی مهمی ایجاد کرد که از آن به عنوان کمونیسم ایرانی یاد کرده‌اند. شهرت مزدک مقارن شاهنشاهی قباد ساسانی به اوج رسید. اوضاع مملکت در این زمان سخت آشفته بود و هبتالیان از جانب مشرق و شمال پی در پی به ایران هجوم می‌آوردند. کشمکش‌های شدید و خونین مذهبی بین موبدان زرتشتی و یهودیان، فرقه‌های مختلف مسیحی با یکدیگر و دولت ایران با مسیحیان که آنان را عوامل امپراتوری روم می‌دانست، در جریان بود. خشکسالی‌های پی‌پی نیز مردم گرسنه و محروم را به عصیان وامی‌داشت.

مزدک در زمان حکومت قباد دعوی پیامبری کرد.

مزدک از روحانیون مانوی بود و بر پایه آموزه‌های مانی در باب آفرینش و جهان دیگر معتقداتی ویژه داشت. وی به دو اصل نور و ظلمت و رهایی نهایی نور معتقد بود و می‌گفت انسان باید از علایق دنیوی بپرهیزد تا هرچه بیشتر به رهایی نور از بند ظلمت ماده یاری داده باشد. اما وی به خلاف مانی ازدواج را منع نمی‌کرد و داشتن یک همسر را کافی می‌دانست. مزدکیان همچنین گیاهخوار بودند و باور داشتند که با کردار نیک و بدون انجام امور ظاهری دینی می‌توانند رستگار شود.

چنین بر می‌آید که مزدک ازدواج زنان با مردانی بیرون از طبقات روحانی و اشرافی را جایز دانسته و داشتن بیش از یک زن را ناروا می‌شمرده چرا که بنا بر گواهی‌های متعدد تاریخی در مورد شمار بسیار زیاد زنان در شبستان‌ها و حرم سراهای ساسانی سخن مکرر آمده است [۱] ۲

از نظر اجتماعی مزدک از استاد خود، زرتشت خورگان، پیروی می‌کرد که سال‌ها در بیزنس به سر برده بود و با کتب فلسفی یونان از جمله جمهور افلاطون آشنایی داشت. مزدک با توجه به جنبه علمی این معتقدات می‌گفت خداوند مواهب حیات را برای استفاده همگان آفریده است. اما حرص و زیاده خواهی و انباشتن مال به خشونت و بدرفتاری و نابرابری می‌انجامد. این گونه باورها با نظام اجتماعی عصر ساسانی به هیچ روی سازگار نبود. زیرا در آن جامعه، طبقات از یکدیگر جدا بودند و کسی نمی‌توانست، ولو به لیاقت و استعداد، از حد اجتماعی خود تجاوز کند. مزدک که سخنوری ورزیده بود و نفوذ کلام بسیار داشت به هواخواهی مردم مستمند از درباریان می‌خواست که دست به تعدیل ثروت زنند.

بدین ترتیب، نهضت مزدک به انقلابی اجتماعی تبدیل گردید و، با آن که مزدک پیروان خود را از ستیز و کینه جویی منع کرده بود، کار به خشونت و افراط کشید. اما آنچه که از آن به عنوان اشتراک در زن و خواسته نام برده شده است نه دزدیده شدن زنان حرمسرا بوده و نه دزدی مال و اموال نجبا چرا که مزدک خود روحانی معتقدی بوده است. آنچه که در این قیام رخ داد واکنش روستاییان به فشار و ظلمی بود که بر آنها می‌رفت. علاوه بر آن آیین عیاشی دسته جمعی به سبب آنکه از آیینهای باستانی روستاییان بوده در میان آنان مرسوم بود. در این میان بعضی نجبا نیز به صف مزدکیان پیوستند. قباد، شاهنشاه ساسانی، نیز خود با اصلاحات اجتماعی موافق بود و از مزدک حمایت می‌کرد. اما بعدها بر اثر وقایعی تغییر رای داد. در پایان شاهنشاهی قباد، پسرش خسرو اول، که بعدها انوشیروان لقب گرفت، مجلس مناظره‌ای ترتیب داد که در آن روحانیان زرتشتی و مسیحی حریف مزدکیان بودند. مزدکیان مغلوب و قتل عام شدند. گفته‌اند که در یک روز دوازده هزار مزدکی کشته شد. کتاب‌های ایشان را سوزاندند و اموالشان را مصادره کردند.

### پیام مزدک

ثعالبی از قول مزدک می‌نویسد: «خداوند وسیله معیشت را در زمین نهاد تا مردم آنها را به تساوی میان خود تقسیم کنند چنانکه هیچ یک از آنان نتواند بیش از سهم خود بگیرد، اما مردم به یکدیگر ستم ورزیدند و در پی آن بر آمدند تا بر دیگری برتری یابند؛ زورمندان ناتوانان را بشکستند روزی و دارایی را برای خود گرفتند. بسیار ضروری است که از توانگران بگیرند و به تهیدستان دهند چنانکه همه در دارایی برابر گردند. هر آنکه در خواسته، زن و کالا فزونی حق او بر آنها بیش از دیگران نیست.»

فردوسی بزرگ چنین می‌گوید:

همی گفت هر کو توانگر بود/تهیدست با او برابر بود

نباید که باشد کسی بر فزود/توانگر بود تار و درویش پود

جهان راست باید که باشد به چیز/فزونی فزونی توانگر حرامست نیز

زن و خانه و چیز بخشیدنست/تهیدست کس با توانگر یکیست

من این را کنم راست تا دین پاک/شود ویژه پیدا بلند از مگاک

محمد بن عبدالکریم شهرستانی هم می‌نویسد: مزدک مردم را از مخالفت، دشمنی و کشتار باز می‌داشت. چون بیشتر درگیری‌ها به سبب مال و ثروت و زن روی می‌دهد.

بدین ترتیب او خواستار مساوات و برابری مردم و مالکیت و توزیع عادلانه زن و خواسته بوده است. با بررسی و غور در ساختار نظام ساسانی و قوانین حقوقی مربوط به زنان ساسانی می‌توان به درستی فهمید که مزدک برای کاستن امتیازات طبقات بالا، تعدیل و تغییر قوانین به سود تهیدستان تلاش می‌کرده است. از جمله توزیع ثروت از طریق تقسیم اراضی بزرگ، جلوگیری از احتکار، تعدیل سهم مالکان از بازده زمین، ادغام آتش مقدس و کاستن تعداد آتشکده‌ها و ساده کردن سازمان دستگاهی موبدان زرتشتی و به دنبالش کوتاه کردن دست روحانیون در امور اجرایی کشوری.

اما افکار مزدک پس از او قرن‌ها همچنان پنهانی دوام داشت و انتشار می‌یافت. نیم قرن پس از او، پسر خاقان بزرگ ترکان غربی، به همراهی فقرا و محرومان اطراف، بخارا را متصرف شد و زمین داران و بازرگانان بزرگ را مجبور به فرار کرد اما خود نیز سرانجام سرکوب شد. در قرن هشتم میلادی نیز در خوارزم براساس عقاید مزدک عصیانی صورت گرفت که دیری نپائید و از هم پاشید.

تعالیم مزدک برای همیشه در اذهان توده‌های ایرانی ماندگار شد و هر از گاهی از جایی به‌شکلی سر برآورد. در تاریخ ایران چندین متفکر بزرگ تظاهر به مسلمانی می‌کردند، ولی تراوش فکرشان همان است که مزدک گفته بود. در میان اینها خیّام و سهروردی (شیخ اشراق) و عین القضات همدانی از همه بارزترند. آن‌دسته از شعرای ایرانی که ترویج فکر آزادی انسان و شادزیستی و دوری از اندوه و آزار انسان و موجودات زنده کرده‌اند تعالیم مزدک را بازتاب داده‌اند. جمعیت «اخوان الصفا» که در سده چهارم هجری در بصره توسط هفت تن از ایرانیان دوزبانه پایه‌گذاری شد و اصول و فروع عقایدشان را در ۵۱ جزوه به‌نام «رسائل إخوان الصفاء» منتشر کردند (و به‌زودی جریانی به‌نام «باطنیان» از درون تعالیشان بیرون آمد)، از جهات بسیار زیادی بازتاب‌دهنده تعالیم مزدک بودند. حتی در بیرون از ایران نیز آثار تعالیم مزدک را در میان برخی از متفکران ظاهراً مسلمان می‌بینیم. مثلاً، ابوالعلاء معری در سروده‌هایش یک مزدکی تمام عیار است

### آشنایی با مذاهب ملل غربی

#### الف) یهودیت

##### ۱- عبرانیان

یهودیان مانند اعراب و آشوریان، از نژاد سامی هستند. زبان، ادبیات، فرهنگ، آداب، رسوم و اعتقادات این اقوام چنان به یکدیگر نزدیک است که دانشمندان معتقد شده‌اند اصل آنها به یک جا می‌رسد. مثلاً اگر به بررسی ادبیات عرب مشغول باشیم، با مطالعه و تحقیق در زبانهای عبری، سریانی و حبشی در کار خود موفقیت بیشتری کسب خواهیم کرد. از سابقه تاریخی قوم عبرانی اطلاع دقیقی در دست نیست. برخی دانشمندان معتقدند که نام ((عبرانی)) را که کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم (ع) به سرزمین کنعان به او داده‌اند و وی را عبرانی خوانده‌اند که بعدها جزو القاب او شد و لقب مذکور در خاندان وی باقی ماند؛ زیرا عبرانی از ماده ((ع ب ر)) به معنا گذر کردن از نهر می‌آید، به اعتبار این که حضرت ابراهیم (ع) از رود فرات عبور کرد و وارد کنعان شد. برخی نیز معتقدند که عبرانی منسوب به عابر نیای حضرت ابراهیم (ع) است. همچنین کسانی با توجه به نام آزر پدر (یا عموی) آن حضرت، گفته‌اند اصل خاندان وی آریایی است. اما دانشمندان این نظریه را تأیید نمی‌کنند؛ زیرا از معنای لغوی واژه آزر در قرآن کریم و متون اسلامی اطلاع درستی نداریم. نام پدر ابراهیم (ع) در تورات تارح است.

##### ۲- حضرت ابراهیم (ع)

## راهنمای گردشگری عمومی

عظمت حضرت ابراهیم خلیل (ع) به حدی است که وی همواره موجب نزاع یهودی و مسیحیت و اسلام بوده است و هر یک، آن حضرت را از خود می‌داند. از این رو، خدای متعال فرموده است: ((ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین)) (آل عمران: ۶۷). وی حتی میان مشرکان مکانی بلند داشت و آثار وی در مکه مکرمه مورد زیارت و تقدیس آنان قرار می‌گرفت. نسب حضرت ابراهیم (ع) تا حضرت آدم (ع) در تورات آمده است. نسب نامه های تورات به کتب اسلامی نیز راه یافته و بدون دقت در اصل و منشاء آن پذیرفته شده است. به عقیده اهل کتاب (در نتیجه جمع بندی حوادث کتاب مقدس) حضرت ابراهیم (ع) حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، یعنی حدود ۴۰۰۰ سال پیش در شهر اور به دنیا آمد و به گفته تورات در آغاز ابرام (یعنی پدر بلند مرتبه) نامیده می‌شد. خدای متعال نام وی را در سن نود و نه سالگی به ابراهیم (یعنی پدر اقوام) تبدیل کرد. شهر اور نزدیک یک قرن پیش در عراق در ساحل فرات از زیر خاک بیرون آمد و آثار باستانی بسیاری در آنجا یافت شد. به گفته تورات پدر حضرت ابراهیم (ع) که تارح نامیده می‌شد، پسر خود ابراهیم (ع) و همسر وی ساره و نوه خویش حضرت لوط (ع) را برداشت و به سرزمین کنعان در غرب فلسطین عزیمت کرد. آنان در بین راه از ادامه سفر منصرف شدند و در شهر حران سکنی گزیدند. این شهر در جنوب ترکیه فعلی و در مرز سوریه قرار دارد. پدر حضرت ابراهیم (ع) در تورات تارح خوانده می‌شود، ولی قرآن مجید وی را آزر بت پرستی معرفی کرده است (انعام: ۷۴). پدر حضرت ابراهیم (ع) در سلسله اجداد حضرت رسول اکرم (ص) قرار می‌گیرد. علمای شیعه معتقدند همه پدران آن حضرت تا حضرت آدم (ع) یکتا پرست بوده‌اند، و به همین دلیل گفته‌اند آزر عموی آن حضرت بوده و استعمال ((اب)) به جای ((عم)) در زبان عربی صحیح است، از آن جمله در قرآن کریم (بقره: ۱۳۳): چنین چیزی دیده می‌شود. تورات می‌گوید حضرت ابراهیم (ع) در ۷۵ سالگی به امر خدا از شهر حران عازم کنعان شد. وی همسر خود ساره و برادر زاده اش حضرت لوط (ع) و چند نفر از مردم حران را برداشت و همگی به کنعان رفتند و در آنجا روی کوهی در شرق بیت ایل خیمه زدند. حضرت ابراهیم (ع) پس از چندی در حبرون (الخلیل) ساکن شد و تا آخر عمر در آنجا بود و اکنون مقبره خانوادگی وی در آن مکان است. حضرت لوط (ع) به شهر سدوم و شهرهای مجاور آن رفت. مردم آن شهرها به سبب نافرمانی و بی‌اعتنایی به پیام وی به امر خداوند نابود شدند. این حادثه در قرآن مجید نیز آمده است. دو موضوع بسیار مهم در تاریخ حضرت ابراهیم (ع) وجود دارد که در تورات کنونی اشاره‌ای به آنها نشده است: یکی جریان بت شکنی و به آتش افکندن وی و دیگری داستان بنای کعبه. قرآن مجید (در سوره های انبیا و صافات) داستان بت شکنی و به آتش افکندن او را آورده است. همچنین قرآن کریم از بنای کعبه به دست آن حضرت و به کمک حضرت اسماعیل (ع) سخن می‌گوید (بقره: ۱۲۷). از آنجا که این فرزند در پیری به او عطا شد (ابراهیم: ۳۹)، بنای کعبه در اواخر عمر شریف وی صورت گرفته باشد. تورات داستان ذبح فرزند را می‌آورد و می‌گوید حضرت ابراهیم (ع) ماء موریت یافت حضرت اسحاق (ع) را قربانی کند، ولی این مسأله را با وی در میان نگذاشت و به او گفت: ((می‌خواهم گوسفندی قربانی کنم و آن گوسفند را خداوند برایم خواهد فرستاد...)) اما در قرآن مجید آمده است: ((فلما بلغ معه السعی قال یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا یری قال یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرين)) (صافات: ۱۰۲). همان طور که می‌دانیم فرزند از مرگ نجات یافت و خداوند قوچی را فدیة او قرار داد

### ۳- اسماعیل (ع) و اسحاق (ع)

درباره حضرت ابراهیم (ع) در تورات می خوانیم: (۱) بعد از این وقایع، کلام خداوند در رؤ یا به ابرام رسیده، گفت: ((ای ابرام مترس من سپر تو هستم و اجر بسیار عظیم تو.)) (۲) ابرام گفت: ((ای خداوند یهوه مرا چه خواهی داد و من بی اولاد می روم و مختار خانه ام این العاذر دمشقی است (3) ((و ابرام گفت: ((اینک مرا نسلی ندادی و خانه زاده ام وارث من است (4) ((در ساعت کلام خداوند به وی رسیده، گفت: ((این وارث تو نخواهم بود بلکه کسی که از صلب تو درآید وارث تو خواهد بود.)) (۵) و او را بیرون آورده، گفت: ((اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هر گاه آنها را توانی شمرد.)) پس به وی گفت: ((ذریه تو چنین خواهد بود.))... (۱۸) (در آن روز خداوند به ابرام عهد بست و گفت: ((این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیده ام.)) (پیدایش ۱۵: ۱۸) - سپس تورات عهد یاد شده را به حضرت اسحاق (ع)، نیای بنی اسرائیل اختصاص می دهد و در همان سفر پیدایش می گوید: (۱۸) و ابراهیم به خدا گفت:)) : کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند.)) (۱۹) خدا گفت: ((به تحقیق زوجه ات ساره برای تو پسری خواهد زایید و او را اسحاق نام بنه و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت تا با ذریه او بعد از عهد ابدی باشد (۲۰) و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رییس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم (۲۱) لیکن عهد خود را با اسحاق استوار خواهم ساخت که ساره او را بدین وقت در سال آینده برای تو خواهد زایید.)) (پیدایش ۱۷: ۱۸-۲۱). به گفته تورات، خداوند بارها به حضرت ابراهیم (ع) وعده نسل فراوان داده بود. کنیز آن حضرت به نام هاجر پسری را به دنیا آورد که اسماعیل (یعنی خدا می شنود) نامیده شد. پس از چهارده سال ساره فرزندی به دنیا آورد که او را اسحاق (یعنی می خندد) نامیدند. کتاب تورات در این قسمت به کوتاهی سخن می گوید و فقط اشاره ای می کند که حضرت اسماعیل (ع) در فاران ساکن شد و مادرش برای او زنی از مصر گرفت. سایر مسائل مربوط به وی در تورات به فراموشی سپرده شده است و حتی یک جمله درباره بنای کعبه در این کتاب دیده نمی شود. پیدا شدن آب برای اسماعیل (ع) نیز که طبق احادیث اسلامی در مکه بوده و اکنون هم به نام زمزم باقی است، به گفته تورات در مکانی به نام بئر شبع بوده است! از نظر تورات، حضرت اسحاق (ع) جانشین حضرت ابراهیم خلیل (ع) گردید و دو فرزند توأم برای او به دنیا آمد. آنکه نخست دیده به جهان گشود، عیسو نامیده شد. این کلمه در لغت به معنای پرمو است. به گفته تورات این کودک در هنگام تولد موهای بسیاری بر تن داشت. توأم دیگر یعقوب (یعنی تعقیب می کند) خوانده شد؛ زیرا هنگام تولد، کودک قبلی را تعقیب کرد و پس از او به دنیا آمد.

### ۳- اسرائیل

حضرت یعقوب (ع) دوازده پسر داشت و به اسرائیل ملقب بود. اهل کتاب این اسم مرکب را چنین معنا می کنند: کسی که بر خدا مظفر شد، ولی اصل معنای آن در عبری چنین است: کسی که بر قهرمان پیروز شد. به گفته تورات، کشتی گرفتن حضرت یعقوب (ع) با خدا که به پیروزی او بر خدا انجامید، علت ملقب شدن وی به اسرائیل است (پیدایش ۳۲: ۲۴-۳۲). اهل کتاب از زمانهای قدیم گفته اند که مقصود از خدا در این داستان، یکی از فرشتگان

خداست (رک : هوشع) پس از چندی حادثه مفقود شدن حضرت یوسف (ع) پیش آمد و سرانجام این موضوع موجب شده که بنی اسرائیل در مصر اقامت کنند. مطالب سفر پیدایش تورات به اینجا خاتمه می یابد. در آغاز سفر خروج تورات می خوانیم که دوازده پسر حضرت یعقوب (ع) در مصر زندگانی خوبی داشتند و نسل ایشان در آن سرزمین منتشر شد. مدت توقف آنان در مصر چهارصد و سی سال بود (خروج ۱۲: ۴۰). دوازده قبیله بنی اسرائیل که در اصطلاح بسیط نامیده می شوند، در علوم و فنون پیشرفت کردند و همین امر موجب حسادت مصریان شد. علاوه بر این، مصریان می ترسیدند بنی اسرائیل با نیروی خود زمام امور را به دست گیرند؛ از این رو، به استضعاف آنان اقدام کردند و کارهایی دشوار و جانکاه به عهده ایشان گذاشتند. همچنین مقرر شد که قابله های مصری نوزادان پسر بنی اسرائیل را برای کشتن معرفی کنند و فقط داشتن دختر برای آنان مجاز باشد.

### ۵- دین مردم صحرائشین

عبرانیان در آغاز قومی صحرائشین بودند و نخستین اقامت آنان در شهرها در زمان حضرت یوسف (ع) بود. (۱) صحرائشینی در اعتقادات و مراسم دینی آن تاثیر فراوانی داشت. هنگامی که حضرت موسی (ع) آنان را از دست فرعون نجات داد، مجبور شدند مدت چهل سال در صحرای سینا بمانند، ولی پس از آن پیوسته در شهرها به سر می بردند و تمدنی را پایه گذاری کردند که میراث گرانبهای قوم یهود شد. مسیحیت نیز زاینده همین تمدن است.

### ۶- تحول افکار در اقوام بنی اسرائیل

تحت افکار ملتها امری عادی و طبیعی است و عبرانیان در خلال کوچ و جابه جایی تحت تاثیر اندیشه های ملل گوناگون قرار می گرفتند. در سوره اعراف، آیه ۱۳۸ آمده است که بنی اسرائیل هنگام خروج از دریا و نجات از دست فرعون، به گروهی بت پرست برخوردند. آنان از حضرت موسی (ع) تقاضا کردند برای ایشان نیز بتی قرار دهد و این خواسته به شدت رد شد. همچنین هنگامی که در مصر مستقر بودند، باورهای مصریان در آنان تاثیر گذاشته بود، به گونه ای که پس از ترک آن سرزمین، به تقلید مصریان که گاو را مقدس می دانستند، آنان نیز گوساله ای ساختند و به عبادت آن مشغول شدند.

### ۷- حضرت موسی (ع)

در باب دوم سفر خروج تورات می خوانیم که یک تن از بنی اسرائیل (۲) با یکی از دختران قبیله خود ازدواج کرد و دارای پسری شد. مادر نوزاد به منظور نجات وی از چنگال ماموران فرعون او را مدت سه ماه پنهان کرد. از آنجا که مخفی نگه داشتن کودک برای همیشه ممکن نبود، مادرش صندوقی تهیه کرد و منافذ آن را با قیر اندود و کودک را در آن نهاد و در میان نیزارهای رود نیل رها کرد. خواهر وی در آن حوالی ایستاد تا ببیند چه بر سر او خواهد آمد. اندکی پس از آن، دختر فرعون که برای شستشو به سوی نیل آمده بود، صندوق را مشاهده کرد و یک تن از کنیزان خود را به دنبال صندوق فرستاد. هنگامی که صندوق را برای وی آوردند، آن را گشود و دید کودکی در آن گریه می کند. دل او بر آن کودک سوخت و گفت معلوم می شود این کودک از بنی اسرائیل است. در آن حال

خواهر کودک جلو آمد و پیشنهاد کرد زنی را برای شیر دادن وی بیاورد. دختر فرعون پذیرفت و خواهر کودک مادر خود را نزد آنان آورد. دختر فرعون به او گفت این کودک را با خود ببر و شیر بده، من نیز مزد تو را خواهم داد. پس از چند سال وقتی کودک بزرگ شد مادرش او را نزد دختر فرعون برد. دختر فرعون او را به پسری پذیرفت و نام موسی (موشه در عبری یعنی: از آب کشیده شده) را بر او نهاد. این داستان با آنچه خداوند متعال در سوره قصص فرموده است، بسیار نزدیک است. بر اساس برخی محاسبات تاریخی، این حادثه در حدود ۱۲۵۰ ق. م. رخ داده است. به هر حال حضرت موسی (ع) امور قوم خود را سامان داد و آنان را برای مبارزه با کافران آماده کرد و احکام خدا را به آنان تعلیم داد. وی قوم بنی اسرائیل را برکت داد و در صد و بیست سالگی در مکانی به نام موآب، حوالی دریای میت، درگذشت و بنی اسرائیل برای او سی روز عزاداری کردند. این جریان در آخر سفر تثنیه یافت می شود و تورات بدان پایان می یابد: (۵) پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند مرد (۶) و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور در دره دفن کرد (۳) و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است (۷) و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت و نه چشمش تار و نه قوتش کم شده بود (۸) و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت (۹) و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چون که موسی دستهای خود را بر او نهاده بود و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند و بر حسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود عمل کردند (۱۰) و نبیی مثل موسی تا به حال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد (۱۱) در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنها را در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید (۱۲) و در تمامی دست قوی و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود (تثنیه ۳۴: ۵ - ۱۲)

### ۸- تاسیس یهودیت

در باب سوم سفر خروج می خوانیم که حضرت موسی (ع) در بیابان حوریب در دامنه کوه، صدای خدای متعال را از میان آتشی از بوته خار شنید که با او سخن می گوید. در قرآن مجید نخستین سخن خداوند از درختی در بیابان طوی چنین آمده است: فلما اءتاهها نودی یا موسی . انی اءنا ربک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی . و اءنا اخترتک فاستمع لما یوحی . اننی اءنا الله لا اله الا اءنا فاعبدنی و اءقم الصلوۃ لذکری . ان الساعۃ آتیه اءکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی . فلا یصدنک عنها من لا یومن بها و اتبع هواه فتردی (طه: ۱۱ - ۱۶). تورات می گوید خداوند به حضرت موسی (ع) وعده داد بنی اسرائیل را از دست مصریان نجات دهد و سرزمین کنعان و حدود آن را که اماکن پر برکتی بودند، به ایشان عطا کند. از این رو، حضرت موسی (ع) رسالت یافت نزد فرعون برود و از او بخواهد که بنی اسرائیل را رها کند. وی با معجزاتی عازم مصر شد و مقرر گردید حضرت هارون (ع) به وی کمک کند. به گفته تورات، خدای متعال به حضرت موسی (ع) قدرت داد تا به اعجاز، عصای خود و برادرش را به اژدها تبدیل کند و نیز از دست خود نور سفیدی ساطع نماید. فرعون جمعی از جادوگران را گرد آورد تا با حضرت موسی (ع) مسابقه بدهند. اژدهای مزبور تمامی آلات و ادوات آنان را بلعید و آنان دانستند که کار آن حضرت جادو نیست. به فرموده قرآن مجید آنان بدون ترسی از فرعون به حضرت موسی (ع) ایمان آوردند. پس از این معجزات چند عذاب بر



مصریان فرود آمد و هر بار فرعون قول می داد بنی اسرائیل را مرخص کند، اما به قول خود عمل نمی کرد. تورات ده نوع عذاب را برشمارد: ۱. تبدیل شدن آبهای مصریان به خون؛ ۲. زیاد شدن قورباغه میان آنها؛ ۳. زیاد شدن پشه؛ ۴. زیاد شدن مگس؛ ۵. مرگ حیوانات مصریان بر اثر وبا؛ ۶. مبتلا شدن مصریان و چارپایان آنان به دمل؛ ۷. فرود آمدن تگرگ بر آنان و تلف شدن مقدار زیادی از حیوانات و مزارع؛ ۸. زیاد شدن ملخ؛ ۹. تاریک شدن مساکن مصریان تا سه روز؛ ۱۰. هلاک شدن نخست زادگان انسان و حیوان همه مصریان حتی نخست زاده خود فرعون. قرآن مجید نشانه های حضرت موسی (ع) را نه عدد می داند (اسراء: ۱۰۱) و ظاهراً مقصود تنها نشانه هایی است که برای فرعون آورده بوده و گرنه به نص صریح قرآن کریم و تورات معجزات آن حضرت بیش از این عدد بوده است. برخی از این عذابها در قرآن مجید به گونه ای مذکور است (اعراف: ۱۳۰ و ۱۳۳). به گفته تورات، فرعون سرانجام تسلیم شد و حضرت موسی (ع) و هارون (ع) را شبانه طلبید و به آنان گفت با بنی اسرائیل به هر جا که می خواهید بروید. پس آنان به سوی دریای سرخ در شرق مصر کوچ کردند و آنجا اردو زدند. قوم موسی از دور آمدن فرعونیان را مشاهده کردند. در آن هنگام حضرت موسی (ع) دست خود را به طرف دریا دراز کرد و دریا شکافته شد و خشک گردید و بنی اسرائیل به آسانی از آن عبور کردند. (۴) آنگاه لشکریان فرعون وارد شدند و حضرت موسی (ع) به امر خداوند با اشاره دست، آنان را غرق کرد. تورات درباره غرق شدن شخص فرعون چیزی نگفته است. از قرآن مجید و احادیث اسلامی بر می آید که بنی اسرائیل به امر خدا از مصر خارج شدند، نه به اذن فرعون (شعراء: ۵۲). همچنین به صریح قرآن کریم، حضرت موسی (ع) به فرمان الهی عصای خود را به دریا زد، نه اینکه دستش را به سوی دریا دراز کند. بنی اسرائیل در حوالی شبه جزیره سینا توقف کردند و در آنجا برای آنان از آسمان چیزی مانند شبنم و نیز مرغ بلدرچین که به عربی سلوی نامیده می شود، فرود می آمد و آنان آنها را می خوردند. این جریان تا چهل سال یعنی در تمام مدت سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان ادامه داشت. تورات می گوید آن غذای شبنم گونه من نامیده شد؛ زیرا بنی اسرائیل با دیدن آن به زبان عبری پرسیدند: ((مان هوء)) یعنی آن چیست؟

### ۸-الواح و ده فرمان

هنگامی که سه ماه از خروج بنی اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی (ع) ماءموریت یافت برای گفتگو با خداوند به بالای طور سینا (یعنی کوه سینا) برود. وی در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمانهای خداوند بر آنها نقش بسته بود. قرآن کریم از ((ابواح)) به صیغه جمع نام می برد، (اعراف: ۱۴۵). از جمله آن فرمانها ده حکم بسیار مهم است که به ده فرمان معروف شده است: ۱. برای خود خدایی جز من نگیرد؛ ۲. به بت سجده نکنید؛ ۳. نام خدا را به باطل نبرید؛ ۴. شنبه را گرامی بدارید؛ ۵. پدر و مادر را احترام کنید؛ ۶. کسی را به قتل نرسانید؛ ۷. زنا نکنید؛ ۸. دزدی نکنید؛ ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید. پس از آن، تفصیلاتی درباره این احکام در باب ۲۱ به بعد سفر خروج آمده است

### ۹-گوساله پرستی

تورات می گوید وقتی بنی اسرائیل مشاهده کردند حضرت موسی (ع) در مراجعت از طور سینا تاخیر کرد، نزد حضرت هارون (ع) رفتند و از او درخواست کردند تا برای آنان خدایانی بسازد و آن حضرت موضوع را به حضرت موسی (ع) اطلاع داد و خواست آنان را هلاک کند، اما بر اثر شفاعت وی از آن صرف نظر کرد. حضرت موسی (ع) آن دو لوح را برداشت و به سوی بنی اسرائیل آمد. هنگامی که وی کار زشت آنان را مشاهده کرد، لوحها را بر زمین زد و به مؤاخذه برادرش پرداخت و گوساله را سوزاند و خرد کرد و آن را در آب ریخت و به بنی اسرائیل نوشاند و سپس امر کرد شمشیرهای خود را بردارند و به مدت نصف روز یکدیگر را بکشند. قرآن مجید داستان مذکور را تقریباً به همین وضع در موارد مختلف نقل کرده است، جز اینکه ساحت مقدس حضرت هارون (ع) را از چنین کار ناروایی پاک دانسته است (طه: ۹۰). سازنده گوساله در قرآن کریم فردی به نام سامری است. اهل کتاب به کلمه ((سامری)) در قرآن کریم اعتراض کرده و گفته اند چنین کسی وجود نداشته است؛ زیرا سامری به شهر سامره در فلسطین منسوب است و آن شهر را پادشاهی به نام عمری که سالها پس از حضرت موسی (ع) می زیسته، ساخته است (کتاب اول پادشاهان ۱۶:۲۴). مرحوم علامه بلاغی پاسخ داده است که در بنی اسرائیل فردی به نام شمرون بن یساکار بن یعقوب وجود داشته که خاندان وی شمرونی نامیده می شود (پیدایش ۴۶:۱۳ و ۲۶:۲۴). شمرونی در تلفظ عربی سامری شده است. (۵) تورات می گوید خداوند به حضرت موسی (ع) دستور داد وی دو لوح سنگی مانند لوحهای خرد شده بترشد تا خداوند وصایای مذکور را بر آنها بنویسد. قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره کرده است (اعراف: ۱۵۴).

### ۱۰- تورات با تاریخ یهود

تورات واژه ای عبری و به معنای قانون است؛ زیرا در کتاب تورات احکام و قوانین زیادی وجود دارد. نام دیگر تورات شریعت است. متخصصین کتاب مقدس تورات چهار منبع اساسی برای تورات قائلند: ۱. منبع الوهیمی E؛ ۲. منبع یهوهی J؛ ۳. منبع کاهنی P؛ ۴. منبع سفر تثنیه (D که منبعی ویژه است). یکی از قدیمی ترین و معروفترین نقدهای تورات و کتاب مقدس را دانشمند و فیلسوف هلندی باروخ (بندیکت) اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷) در کتابی به نام رساله ای در الهیات و سیاست (به زبان لاتینی) انجام داده است. اسپینوزا در کتاب خود با ذکر دلیلهایی اثبات می کند که برای بررسی اعتبار کتاب مقدس باید به شواهد تاریخی و انتقادی آن پرداخت و متأسف است که پیشینیان این شناخت را متروک داشته اند و یا اگر چیزی در باب آن نگاشته اند از دسترس ما به دور مانده است. وی می افزاید اکنون ما در شرایطی زیست می کنیم که مسائلی تعصب آمیز به نام دین معروف شده است و مردم برای عقل در اعتقادات خود سهمی قائل نیستند. از این رو من با نومییدی نسبی پای در این راه می نهم و در نخستین گام به بررسی نویسندگان کتاب مقدس (و قبل از همه به مؤلف اسفار پنجگانه تورات) می پردازم: تقریباً همه (اهل کتاب) معتقدند که موسی تورات را تألیف کرده است، به گونه ای که فرقه فریسیان از یهود در تاءکید بر این عقیده، مخالف آن را مرتد دانسته اند. به همین دلیل ابن عزرا که دانشمندی نسبتاً آزاد اندیش بود، برای اظهار نظر خویش در این باب جرات نکرد و تنها با اشاراتی مبهم، اشتباه بودن این اعتقاد عمومی را متذکر شد. اما من بدون ترس و

واهمه پرده ابهام را از روی سخنان ابن عزرا برخواهم داشت و حقیقت را برای همه آفتابی خواهم کرد. (۶) ۱۱- عهد عتیق

عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید به کتاب یهودیان داده اند. مسیحیان به هر دو عهد عقیده دارند. عهد عتیق به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است. این دو زبان مانند عربی از زبانهای سامی هستند. کتاب تورات در آغاز عهد عتیق قرار دارد. همچنین نسخه ای از عهد عتیق به زبان یونانی وجود دارد که از روی نسخه عبری ترجمه شده و آن را ترجمه سبئینیه (یا ترجمه هفتاد) می نامند. گفته می شود این ترجمه حدود سال ۲۵۸ ق. م. به امر بطلمیوس فیلاذلفوس پادشاه مصر، توسط ۷۲ تن انجام گرفته است. این نسخه تفاوتهایی با اصل عبری دارد و از همه مهمتر آنکه بخشها اپوکریفا ۸ یعنی پوشیده، نام دارد و از قدیم الایام مورد شک بوده است، اما مسیحیان معمولاً آن را می پذیرفته اند. حدود پنج قرن پیش، در جریان نهضت اصلاح دین، اعتبار این قسمتها مورد سوءظن جدی مسیحیان پروتستان واقع شد. پس از مدتی، به سال ۱۸۲۶ جمعیت بریتانیایی و جمعیت آمریکایی طبع و نشر کتاب مقدس به طور رسمی آنها را از کتاب مقدس کردند. کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس با این عمل مخالفند و قسمتهای مذکور را بخشی از عهد عتیق می شمارند. اینک سخنی پیرامون ارجاع به کتاب مقدس: همه ما با شیوه ارجاع به قرآن کریم آشنا هستیم و می دانیم به جای ذکر صفحه از نام سوره و شماره آیه استفاده می شود. پرهیز از ذکر صفحه در صدها کتاب باستانی و مشهور معمول است، مانند آثار افلاطون، ارسطو، هومر، هرودت، شکسپیر و غیره. برای ارجاع به این آثار تمهیدهایی اندیشیده اند و ابواب و فصول و شماره هایی ساخته اند تا ارجاع به چابهای خاصی محدود نشود و برای همه کارساز باشد. هنگام ارجاع به کتاب مقدس، نخست نام کتاب، آنگاه شماره باب و سرانجام شماره فقرات ذکر می شوند؛ مثلاً ((پیدایش ۱:۲۷)) یعنی سفر پیدایش، باب ۱، بند ۲۷. عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد که از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شوند: ۱. تورات و بخش تاریخی عهد عتیق؛ ۲. حکمت، مناجات و شعر؛ ۳. پیشگوییهای انبیا.

### ۱۱- عقاید و احکام مذهبی

علام دینی، پزشک و فیلسوف یهودی، موسی بن میمون (۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م.) به آیین یهود لباسی نو پوشاند و سیزده اصل برای آن ترتیب داد، به این شرح: ۱. وجود خدا؛ ۲. یگانگی او؛ ۳. مجرد بودن او؛ ۴. نداشتن زمان؛ ۵. حکمت او در امور؛ ۶. عدالت؛ ۷. قابل تقرب بودن از راه عبادت. اینها مربوط به خدا بود، اما سایر امور: ۸. اعتقاد به نبوت؛ ۹. برتر بودن حضرت موسی (ع)؛ ۱۰. اعتقاد به آسمانی بودن تورات؛ ۱۱. عدم جواز نسخ احکام؛ ۱۲. آمدن مسیحیای موعود؛ ۱۳. قیامت و جاودانگی نفس آدمی

### ۱۲- خدا در یهودیت

یهودیت (مانند اسلام و مسیحیت) از آغاز بر توحید استوار شده است و همه انبیای یهود، از حضرت موسی (ع) تا انبیای پرشمار بعدی، با شرک مبارزه کرده اند. بدیهی است که پیروان ادیان توحیدی نیز در مواردی از دین خود غافل می شوند و به گونه هایی از شرک روی می آورند. این مسأله هیچ گاه نظر پژوهشگران را نسبت به اصل این

ادیان تغییر نداده است. آنان با قطع نظر از لغزشهای پیروان یک دین، از تحقیقات خود دانسته اند که ادیان دو گونه اند: الف) ادیانی که مردم را از شرک بر حذر می دارند، مانند ادیان ابراهیمی؛ ب) ادیانی که شرک را به مردم تعلیم می دهند، مانند ادیان شرقی. نام خاص خدا در دین یهود یهوه یعنی باشنده (موجود) است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است. بر اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی آن را نمی داند و گاهی در کتابهای علمی مغرب زمین، از باب احتیاط آن را بدون حرکت (YHWH) ثبت می کنند. اما گروهی از محققان بر آنند که تلفظ حقیقی آن یهوه است. هنگامی که معبد سلیمان بر پا بود، بالاترین مقام مذهبی یهود حق داشت سالی یک بار در روز عاشورای تقویم یهودی (دهم ماه تشری، در اوایل پاییز)، در قدس الاقداس آن معبد، نام یهوه را بر زبان آورد و دعا کند. هنگام تلاوت تورات نام مزبور به ادونای به معنای آقای من تبدیل می شود و حرکات همین کلمه را روی آن می گذارند؛ از این رو، گاهی آن را یهوه ضبط کرده اند. (۷)

### ۱۳- ظهور انبیا

یهودیان به نبوت معتقدند و در مورد آن بحثهای کلامی گسترده ای دارند. همچنین برای نبوت معنای ویژه ای قائلند که پیشگویی است و پیامبران بزرگی همچون اشعیا، ارمیا، حزقیال و هوشع به عنوان نبی یعنی پیشگو شهرت دارند. پیامبران بسیاری در کتاب عهد عتیق مطرح شده اند. (۸) اشعیا، ارمیا، عاموس با بیانات شیوای خود به بنی اسرائیل هشدار می دادند و آنان را از عاقبت کارهای زشت و ناروایشان بر حذر می داشتند و متذکر می شدند که اسارت ذلت باری در پیش دارند. اما آنان به این گفتارها کمترین توجهی نمی کردند و از سوی دیگر به قتل و حبس و آزار پیامبران خود کمر می بستند (قرآن مجید از این امور بسیار سخن گفته است). هفده کتاب پایان عهد عتیق که کتابهای نبوت نام دارد، مشتمل بر این پیشگوییهاست. از ۲۶ پیامبر مذکور در قرآن کریم ۲۰ تن به اهل کتاب مربوط می شوند: آدم، نوح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، هارون، داوود، سلیمان، الیاس، الیسع، عزیز (عزرا)، ایوب، یونس، زکریا، یحیی و عیسی. از آن انبیا ۶ تن به اهل کتاب ربطی ندارند: ادریس (مگر به نام اخنوخ در سفر پیدایش ۵:۲۴)، شعیب (مگر به نام رعوثیل در سفر خروج ۲:۱۸ یا به نام یترون در سفر خروج ۳:۱)، ذوالکفل، هود، صالح و محمد.

### ۱۴- حکومت بنی اسرائیل

پس از حضرت موسی (ع)، حضرت یوشع بن نون (ع) به امر خدا به رهبری قوم برخاست. وی از رود اردن که از شمال به جنوب فلسطین کشیده شده است، گذشت و بلاد کنعان و حدود آن را فتح کرد. به ادعای عهد عتیق سکنه بومی آن مناطق قتل عام شدند و آن سرزمین به بنی اسرائیل اختصاص یافت. جریان این جنگها در ششمین کتاب عهد عتیق، به نام صحیفه یوشع موجود است. پس از حضرت یوشع (ع) مردان بزرگی در بنی اسرائیل به رهبری مردم اشتغال داشتند که داوران بنی اسرائیل نامیده می شوند. آنان عموماً سمت پیامبری یا پادشاهی نداشتند. تاریخ این رهبران در سفر داوران آمده است. آخرین داور بنی اسرائیل حضرت سموئیل (ع) دو پسر داشت که شایستگی رهبری قوم را نداشتند. از این رو، مردم از آن حضرت درخواست کردند که پادشاهی برای آنان برگزیند. در واقع بنی

اسرائیل در آن زمان پادشاهی نداشتند. سموئیل پس از اصرار زیاد مردم، از طرف خدا جوانی را به پادشاهی آنان نصب کرد. نخستین پادشاه بنی اسرائیل حدود ۱۰۳۰ سال قبل از میلاد انتخاب شد. نام این پادشاه در عهد عتیق (کتاب اول سموئیل، باب ۹ به بعد) شائول و در قرآن کریم طالوت است (بقره: ۲۴۷). پس از انتخاب نخستین پادشاه، جنگ مهمی میان بنی اسرائیل و فلسطینیان آن زمان رخ داد و پیروزی نصیب بنی اسرائیل گردید. مهمترین قهرمان این قوم جلیات بود که در قرآن کریم جالوت نامیده شده است. وی به دست حضرت داوود (ع) کشته شد و لشکر وی گریخت. حضرت داوود (ع) جانشین حضرت طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ سال قبل از میلاد) و حضرت سلیمان (ع) به جای پدرش حضرت داوود (ع) نشست و مهمترین و با شکوهترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. وی معبد بسیار بزرگی در شهر اورشلیم (یعنی شهر سلامت) ساخت که به نام هیکل سلیمان معروف شد. (هیکل در زبان عبری به معنای ساختمان بلند است). این معبد بعداً یک بار حدود ۵۸۷ ق. م. به دست بختنصر و بار دیگر در سال ۷۰ م. به دست شاهزاده رومی، تیتوس (Titus) خراب شد. اهل کتاب بر مبنای محتویات دروغین عهد عتیق (کتاب اول پادشاهان، باب ۱۱) معتقدند که حضرت سلیمان (ع) بر اثر وسوسه همسران بت پرست خویش، در آخر عمر بت پرست و خطاکار شد! قرآن کریم با تمجید فراوان از آن حضرت، ساحت قدس وی را پاک کرده است. پس از رحلت حضرت سلیمان (ع)، فرزندش رحبعام زمام امور مملکت بنی اسرائیل را در کف گرفت و چون وی به ستمکاری پرداخت گروهی از مردم از فرمان او بیرون رفتند و تنها دو سبط یهودا و بنیامین در سرزمین یهودا (به نام یکی از فرزندان حضرت یعقوب) که بخش نسبتاً کوچکتیری بود، برای او باقی ماند. این قسمت که شامل شهر اورشلیم (قدس) نیز می شد، اهمیت بسیاری داشت و نام «یهودی» از اینجا می آید. ده سبط دیگر حکومت مستقلی به نام اسرائیل به رهبری فردی به نام یربعام بن ناباط در شمال فلسطین تشکیل دادند. یربعام یکی از استانداران حضرت سلیمان (ع) بود. تجزیه کشور مبداء ضعف و بدبختی آنان بود. پادشاهان یهودا و اسرائیل نیز عموماً گنهگار بودند و مردم را به گناه و بت پرستی دعوت می کردند.

### ۱۵- اسارت بابل

به هر حال پیشگوییهای انبیای بنی اسرائیل تحقق یافت (۹) و پس از چندی آشوریها که در شمال بابل در عراق و سوریه کنونی حکمرانی داشتند و پایتخت آنان شهر نینوا بود به اسرائیل تاختند و عده کثیری را به اسیری بردند. چند سال بعد، پادشاه بابل بختنصر که در عهد عتیق نبوکدنصر (یعنی بت «نبو» تاج را نگهداری می کند) نامیده می شود، به اورشلیم حمله کرد و مردم یهودا را کشت و عده ای را به اسارت به بابل برد که تا مدتی طولانی در آنجا بودند. اسیر شدن مردم اسرائیل و یهودا موجب پراکندگی آنان در خاورمیانه و سرزمینهای دیگر شد. این اسارت اهمیت ویژه ای داشت؛ زیرا گروهی از مردم اسرائیل نیز که در حمله پیشین توسط آشوریها از اسارت معاف شده بودند، در این یورش همراه با ساکنان یهودا به بابل کوچ داده شدند. این موضوع جلای بابل نامیده می شود. یهودیان در زمان اسارت، برخی آداب و اخلاق مشرکان را پذیرفتند و کمتر کسی در بین آنان از جلای وطن و اسیری و دشواری پرستش خدا رنج می برد. باید توجه داشت که انحصار طلبی و خود بزرگ بینی خوی و خصلت جدانشدنی قوم کوچک یهود است و سایر اقوام جهان در واکنش به این صفات، با یهودیان از در دشمنی و ستیز در آمده و به تحقیر

آنان پرداخته اند. شاید نخستین ویرانی شهر قدس و گرفتار شدن بنی اسرائیل به دست بابلیان در حدود شش قرن قبل از میلاد نیز به همین علت بوده است. ارمیای نبی از جانب خدای متعال پیام آورده بود که بنی اسرائیل نباید در برابر آن دشمن مقاومت کنند. ایشان این پیام را به چیزی نگرفتند و آن پیامبر را زندانی کردند. پس از سقوط شهر قدس، ارمیا آزاد شد (ارمیا ۱۴: ۳۹).

### ۱۶- تجدید معبد

هنگامی که کورش (یعنی خورشید) بنیانگذار سلسله هخامنشی بابل را فتح کرد، یهودیان آزاد شدند و اجازه بازگشت به سرزمین خود را یافتند. اما بسیاری از آنان حاضر نبودند بابل را ترک کنند و در بابل و اطراف آن پراکنده شدند. اعلامیه کورش در مورد آزادی یهود حدود سال ۵۳۸ ق. م. صادر شد. کورش با این کار در میان یهود محبوبیت زیادی به دست آورد. گروهی از یهودیان نیز به فلسطین بازگشتند و به بازسازی شهر قدس آغاز کردند. در آن دوران همسایگان آن سرزمین احساس خطر کردند و مانع بر پایی یک حکومت مقتدر یهودی بر خاک فلسطین شدند. پس از آن حکومت‌های ناتوانی در مناطق مختلف فلسطین بر پا شد و پس از چند قرن آشفتگی، شهر قدس برای بار دوم به دست رومیان ویران شد و این ویرانی یهودیان را در جهان پراکنده ساخت. از آن پس، یهودیان در کشورهای بیگانه زندگی سختی را می‌گذراندند و انواع خواری و سرکوفتگی را در جسم و جان خود می‌چشیدند.

### ۱۷- پیدایش کنیسه

پس از بازگشت یهود از بابل، جامعه دینی نظام تازه ای یافت و معابدی ساخته شد که بعداً کنیسه (synagogue) نامیده شد. این معابد مانند سایر معابد معماری خاصی داشتند و در آنها قربانگاه و اماکن ویژه دیگری وجود داشت. هم اکنون نیز معبد یهودیان کنیسه نامیده می‌شود. قبله یهود معبد سلیمان (مسجد اقصی) است. فقط سامریان قبله را کوه جرزیم در نزدیکی شهر نابلس می‌دانند. آنان روزی سه بار نماز می‌خوانند: نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب. در صورتی که دست کم ده مرد در کنیسه وجود داشته باشد نماز برگزار می‌شود و در این حال یک نفر که معمولا پیرتر از سایرین است و عبری را خوب می‌داند، جلو می‌ایستد و قسمتهایی از تورات یا دعاهایی به عبری می‌خواند و در مواردی رکوع می‌کنند. معروفترین عبارتی که خوانده می‌شود، شمع (یعنی بشنو) نام دارد که از تورات گرفته شده است: (۴) ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است (۵) پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما (تثنیه ۴: ۶-۵)

### ۱۸- تأثیر عقاید مزدیسنی و فرهنگ پارسی

یهودیان نیز مانند سایر اقوام تحت تأثیر محیط قرار داشتند و پس از تماس با برخی تمدنهای باستانی، خواسته یا ناخواسته، بسیاری از مفاهیم و اعمال آنها را وام گرفتند، ولی باید توجه داشت که آنان پیوسته و در تمام موارد، مسائل یاد شده را به رنگ اخلاقیات توحیدی خاص خویش در می‌آوردند. مثلاً داستان طوفان نوح، خواه از بابلیها اقتباس شده باشد یا نه، آن گونه که در سفر پیدایش آمده است، از خدای واحد، مهربان و درستکار سخن می‌گوید.

این داستان به داستان پر-نپیشتم (napishtim-Per) که روی الواح میخی حک شده است و علاوه بر شرک صریح ، خدایانی خودخواه ، ستیزه جو، احساساتی و حسود را مطرح می کند، چندان شباهتی ندارد. این تمایز در سایر داستانها و قوانین و باورهای که گفته می شود یهود از اقوام دیگر اقتباس کرده اند، نیز مشهود است. در تورات تقریباً ذکری از قیامت نیست (مگر یکی دو اشاره مبهم ، مثلاً تثنیه ۸:۱۶). از نظرات تورات (لاویان باب ۲۶ و تثنیه باب ۲۸) (دینداری و بی دینی در جلب نعمتهای این جهان و سلب آنها تاثر مستقیم و قطعی دارند. از سوی دیگر، کتاب تلمود از قیامت بسیار سخن گفته است. یکی از باورهای اصیل یهودیت که به تصور پژوهشگران ، از بیگانگان گرفته شده ، اعتقاد به رستاخیز مردگان است . این اعتقاد با آرمان مسیحایی گره خورده و چیزی مانند اعتقاد به رجعت را پدید آورده است . ایرانیان باستان می گفتند در زمان آینده ، پس از آنکه آهورمزدا بر هموارد خود انگرو مثنیو پیروز شود و او را نابود کند، مردگان برخوانند خاست ، ولی شکل عالی و معنوی این آموزه دستاورد اصیل الهامات یهود است و با اعتقاد خشک و بی روح مغان ایران زمین شباهتی ندارد. به گفته پژوهشگران ، اعتقاد به جاودانگی روح از قدیم میان بنی اسرائیل وجود داشته و در چندین مورد از کتاب مقدس بدان اشاره شده است ، ولی آن باور پس از بازگشت از بابل ، با عقیده به جاودانگی قوم و قیام مسیحا پیوند خورد و اعتقاد به رستاخیز مردگان را پدید آورد. این نظریه با قرآن مجید تعارض دارد؛ زیرا از داستان برانگیخته شدن حضرت موسی (ع) در اوایل سوره طه بروشنی می فهمیم که اعتقاد به رستاخیز در نخستین پیام او وجود داشته است. (۱۰)

### ۱۹- اعیاد یهود

یهود عیدهایی دارند از این قرار: ۱. روز شنبه : در این روز افراد خانواده دسته جمعی غذا می خورند و طی آن ، بزرگ خانواده جام شرابی بر دست می گیرد و با خواندن دعا، آن را تبرک می کند و افراد خانواده از آن شراب می خورند . تعطیل شنبه یکی از ده فرمان است (خروج ۸: ۲۰-۱۱). (۱۱) ۲. عید اول ماه : به عبری به آن روش خودش می گویند که به معنای آغاز ماه است . ۳. سال هفتم یا سال انفکاک : طبق تورات هر هفت سال یک بار باید وامها را بخشید و کارهایی انسانی از قبیل آزاد کردن بردگان اسرائیلی و مانند آن انجام داد (تثنیه . ۱۵) نام عبری این سال شمیطا به معنای رها کردن است . ۴. سال یوبیل : این عید هر پنجاه سال یک بار می آید که اعمال انسانی و اخلاقی بسیاری در آن انجام می شود (لاویان باب ۲۵). ۵. عید فصح : در لغت به معنای چشم پوشی کردن است که به مناسبت چشم پوشی خداوند از قتل نخست زادگان بنی اسرائیل در حین نزول این بلا به فرعونیان چنین نامی به آن داده شده است . این عید هفت روز طول می کشد و آغاز آن چهاردهم ماه نisan در فصل بهار است و مراسم آن در تورات (خروج باب ۱۲) آمده است . این عید مهمترین عید است و مسیحیان نیز به خاطر تقارن آن با خاک سپاری حضرت عیسی (ع) آن را گرامی می دارند. از دو سه قرن پیش تاکنون گاهی یهودیان متهم شده اند که یک کودک یا بزرگسال مسیحی را کشته و از خون آنان در مراسم عید فصح استفاده کرده اند. کتابهایی نیز در این باب نوشته شده است . ۶. عید هفته ها: این عید پنجاه روز پس از عید فصح به مناسبت گذشتن هفت هفته و آماده شدن محصول برگزار می شود. نام عبری آن شاوووعوت یعنی هفته هاست . ۷. عید اول سال : این عید که به عبری روش هشانا (راءس السنه) نامیده می شود در اوایل مهر (اعتدال خریفی) قرار دارد. در آن روز به نشانه آمادگی برای ده روز ایام توبه بوق می

## راهنمای گردشگری عمومی

نواختند. روز دهم اهمیت خاصی داشت و به آن یوم ها کیپور می گفتند. ۸. یوم کیپور: یعنی روز کفاره؛ این عید مهم در دهمین روز ماه تشری واقع است و آن را ((عاسور)) یعنی عاشورا می نامند. یهودیان از غروب روز قبل تا شبانگاه این روز، به منظور کفاره گناهان، روزه می گیرند و از خوردن، آشامیدن، استحمام و کار پرهیز می کنند و در کنیسه ها به عبادت و استغفار مشغول می شوند. در آن روز، یهودیان بنیادگرا لباس ویژه ای بر تن می کنند و از پوشیدن کفش چرمی خودداری می کنند. ۹. عید سایانها: در روز بیست و دوم ماه تشری به نشانه زندگی کردن بنی اسرائیل در خیمه های تیه در عصر حضرت موسی (ع) مدت یک هفته در خیمه زندگی می کنند نام این عید به زبان عبری سکوت یعنی سایانهاست. ۱۰. عید گشایش: در عبری حنوکا نامیده می شود؛ یادبود پیروزی یهود بر استعمارگران یونانی در سال ۱۶۸ ق. م. است. در این روز معبد سلیمان به دست یهود از پلیدیها و خرابیهای دشمن تطهیر شد. این عید یک هفته پس از عید سایانهاست. ۱۱. عید قرعه ها: در عبری پوریم نام دارد. این روز به مناسبت رفع خطر قتل عام یهودیان به توطئه هامان وزیر خشایارشا عید قرار داده شده است. شرح مفصل این ماجرا در کتاب استر در عهد عتیق آمده است. وجه تسمیه این روز آن است که هامان برای تعیین روز اعلام تصمیم خود به پادشاه قرعه کشیده بود. مزبور در ماه اسفند قرار دارد.

### ب) مسیحیت

#### ۱- عصر ظهور عیسی (ع)

حضرت عیسی مسیح (ع) در نقطه ای از جهان متولد شد که به تازگی زیر سلطه رومیان درآمده بود و فلسطین یکی از آخرین سرزمینهایی بود که به دست رومیان تسخیر شد. در آن عصر، یهودیان به شکل نامطلوبی زیر یوغ بیگانگان قرار داشتند و فشار دولت روم غیر قابل تحمل بود. نهضتهای بی فرجامی در گوشه و کنار فلسطین برخاست، ولی بی رحمانه شکست خورد، ولی بعدا شاگردان و پیروان او با عزمی استوار به نشر آیین وی پرداختند. این آیین بازماندگان نهضتهای پیشین را به خود جلب کرد.

#### ۲- پیشگویی ظهور عیسی (ع)

در جهان چند مجموعه دینی یافت می شود؛ مثلا ادیان ابراهیمی یک مجموعه و ادیان هند و چین مجموعه دیگری یا تشکیل می دهند. هر دینی که متاخر است، ادعا می کند که ظهور آن در ادیان قبلی مجموعه خودش پیشگویی شده است. از این رو، مسیحیان از گذشته های دور در تلاش بوده اند پیشگویی ظهور حضرت عیسی (ع) را در عهد عتیق یعنی کتاب یهودیان پیدا کنند. از آنجا که در هیچ جای کتاب عهد عتیق نام عیسی بن مریم (ع) نیامده است، مسیحیان برای نیل به این مقصود دست به تاءویلاتی زده اند تا پیشگوییهای دیگری را که در آن کتاب یافت می شود، به آن حضرت ربط دهند. این شیوه در انجیل متی فراوان است و به همین دلیل، گفته می شود که انجیل متی برای ارشاد یهودیان نوشته شده است

مسیحیان مقدار زیادی از این پیشگوییها را به مصلوب شدن حضرت عیسی (ع) مربوط می کنند که از دیدگاه قرآن کریم اشتباهی بیش نیست (نساء: ۱۵۷)



### ۳- سرگذشت عیسی (ع)

پیروان ادیان الهی به برکت اعتقادات دینی نسبت به وجود تاریخی فرستادگان خداوند از اطمینان و آرامش قلبی برخوردارند، ولی یکی از دغدغه های دانشمندان غیر متدین به وجود تاریخی انبیاء (ع) مربوط می شود، مورخ بزرگ مغرب زمین، ویل دورانت تاریخچه ۲۰۰ سال تشکیک پیرامون وجود تاریخی حضرت عیسی (ع) را چنین گزارش می دهد:

آیا عیسی وجود داشته است؟ آیا تاریخ زندگی بنیانگذار مسیحیت حاصل غم و اندوه مردم و تخیل و امید آنان و در واقع افسانه ای مانند افسانه های خدایان مشرکان نبوده است؟ از مدتی پیش، یعنی در قرن هجدهم، به طور خصوصی درباره احتمال اسطوره بودن عیسی بحث می کردند. دانشمندی به نام ولنی در کتاب ویرانه های امپراطوری به سال ۱۷۹۰ همین شک را ابراز می داشت. هنگامی که ناپلئون در سال ۱۸۰۸ با یک نویسنده نامدار آلمانی به نام ویلند ملاقات کرد، درباره سیاست یا جنگ چیزی از او نپرسید، بلکه سؤال کرد آیا وی به تاریخی بودن عیسی معتقد است یا نه؟<sup>(۱)</sup>

به نقل متی و لوقا، عیسی در بیت لحم زاده شد. این شهر در هشت کیلومتری اورشلیم واقع شده است و حدود هزار سال قبل از میلاد، داوود پادشاه در آن به دنیا آمده و بزرگ شده بود. سال ولادت حضرت عیسی (ع) او تقریباً آغاز تاریخ میلادی است، ولی تعیین سال ولادت او به طور دقیق و قطعی، دشوار می نماید و شاید چهار تا هشت سال قبل از مبداء تاریخ میلادی بوده است. مادرش، مریم نامزد نجاری از شهر ناصره به نام یوسف بود. داستان تولد عیسی در آغاز هر یک از انجیل های متی و لوقا آمده است. مرقس و یوحنا که این داستان را نیاورده اند، از بیت لحم حرفی نمی زنند و فقط به ناصره اشاره می کنند (مرقس ۹:۱ و یوحنا ۴:۴۵-۱:۴۶، رک: یوحنا ۷:۴۲). در انجیل متی می خوانیم:

(۱۸) اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند (۱۹) و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود، نخواست او را عبرت نماید؛ پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند (۲۰) اما چون او در این چیزها تفکر می کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت: ((ای یوسف پسر داوود از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است (۲۱) و او پسری خواهد زائید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند.)) (۲۲) و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد (۲۳) که اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما (۲۴) پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنان که فرشته خداوند بدو امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت (۲۵) و تا پسر نخستین خود را نزیاید، او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد (متی ۱:۱۸-۲۵).

پس از تولد، نام یسوع بر او نهاد و معنای آن نجات خداست. یونانیان و رومیان آن را به یسوس ۸ تبدیل کردند و در زبان عربی عیسی شد.

از احوال حضرت عیسی در دوره بلوغ و آغاز جوانیش در اناجیل و روایات رسمی چیزی مذکور نیست. اینکه در حدود سی سالگی برای دریافت تعمید نزد حضرت یحیی (ع) رفت، نشان می دهد که احتمالاً وی پیش از آن با فرقه اسنی و زاهدان آشنا بوده است.

در اناجیل ، ذکری از برادران و خواهران عیسی به میان آمده است . به عقیده مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس ، مریم تا آخر عمر، باکره بود و در نتیجه ، محال است عیسی برادرانی به معنای دقیق کلمه داشته باشد. ایشان کلام انجیل را تاءویل می کنند. ولی مسیحیان پروتستان به تفسیر لفظی این عبارات گرایش دارند و می گویند: درست است که عیسی از مریم باکره به دنیا آمد، ولی مریم و یوسف نجار پس از تولد وی ، زندگی زناشویی طبیعی داشته اند و از این طریق ، فرزندان برای ایشان به دنیا آمده اند. عبارتی از انجیل متی که قبلا گذشت ، این نظر را تاءیید می کند. قرآن مجید به برخی از معجزات عیسی در کودکی ، از قبیل زنده کردن پرنده هایی که از گل ساخته بود و سخن گفتن در گهواره ، اشاره می کند. این موارد در برخی انجیلهای اپوکریفایی آمده است.

### ۴- یحیای تعمیر دهنده

اندکی پیش از برانگیخته شدن حضرت عیسی مسیح (ع) ، حضرت یحیی بن زکریا (ع) ، پیامبر جوان و پرآوازه بنی اسرائیل در سرزمین یهودیه قیام کرد و به موعظه مردم پرداخت . این پیامبر به مردم می گفت : ((توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است)) (متی ۳:۲ ، ۱:۴ ، لوقا ۳:۳).

از دیدگاه بنی اسرائیل ، ملکوت آسمان گونه ای حکومت الهی بود که آرمان مقدس آنان به شمار می رفت . به همین دلیل (به گفته اناجیل در موارد مختلف (یحیای تعمیر دهنده در دعوت خود موفقیت چشمگیری به دست آورد و تاءثیر عمیقی بر مردم گذاشت به طوری که همه طبقات اجتماعی ، گروه گروه ، نزد او می آمدند و توبه می کردند و وی آنان را غسل تعمیر می داد.

اندک اندک حضرت یحیی با هیروودیس تیتراخ ، پادشاه فاسد و ستمگر ایالت جلیل به مخالفت برخاست و پس از چندی به فرمان وی سر او را در زندان بریدند (متی ، مرقس ۶:۱۴-۲۹ ، لوقا ۹:۷-۹). هنگامی که حضرت عیسی خبر دستگیری حضرت یحیی را شنید، شهر خود، ناصره را ترک کرد و به شهر کفرناحوم در کنار دریاچه جلیل آمد.

(۲۳) و عیسی در تمام جلیل می گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده ، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می داد (۲۴) و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند و ایشان را شفا بخشید (۲۵) و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اردن در عقب او روانه شدند (متی ۴:۲۳-۲۵ ، مرقس ۱:۱۴-۱۵ ، لوقا ۴:۱۴-۱۵)

حضرت عیسی (ع) نیز مانند حضرت یحیی (ع) تا زمانی که به عنوان یک پیامبر در مورد نزدیک شدن ملکوت آسمان پیشگویی می کرد، مشکلی با مردم نداشت و پذیرش پیام او چشمگیر بود. بسیاری از کسانی که به آن حضرت ایمان می آوردند، یقین داشتند که وی به زودی پادشاه یک آرمانشهر خدایی خواهد شد . رهبران یهود هنگامی با حضرت عیسی به مخالفت برخاستند که مشاهده کردند وی آرزوی آنان برای قیام یک مسیح فاتح را بر نمی آورد و از سوی دیگر او بر ضد ناهنجاریهای اخلاقی و رفتارهای ناپسند آنان به ستیز برخاسته است . عیسی

## راهنمای گردشگری عمومی

مسیح (ع) به تکرار، حضرت یحیی (ع) را ستوده و در گفتگو با مخالفان خود با استناد به سیرت پسندیده آن پیامبر از نام نیک وی بهره برده است (متی 27:23-21، مرقس 11:27-33، لوقا 1:20-8)

### ۵- قیام عیسی (ع)

حضرت عیسی (ع) دنباله کار حضرت یحیی (ع) را گرفت و به مژده فرارسیدن ملکوت خداوند آغاز کرد. وی ارشاد و رهبری مؤمنان و شاگردان را بر عهده گرفت و در کنیسه های نواحی مجاور به ایراد موعظه پرداخت. لوقا می گوید: به جلیل برگشت و در کنیسه ها به موعظه پرداخت روح خداوند بر من است زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوییدگان را آزاد سازم (لوقا 4:18)

هنگامی که عیسی به سی سالگی رسید، به بشارت دادن آغاز کرد. تعلیم اساسی وی دو بخش داشت:

- ۱- توبه کنید؛ یعنی از گناه دست بردارید و به سوی خدا برگردید؛
- ۲- ولایت و سرپرستی خدا (ملکوت آسمان) را بر زندگی خود پذیرا شوید.

### عیسی، علاوه بر وعظ و تعلیم، امور زیر را انجام می داد:

- ۱- اجرای معجزات و شفای بیماران به قدرت خدا؛
- ۲- جنگ با شیاطین و دیوان و راندن آنها؛
- ۳- بخشودن گناهان به نام خدا؛
- ۴- تسلی دادن بیماران، ماتمیان و بینوایان؛
- ۵- همنشینی با گناهکاران؛
- ۶- انتقاد شدید از بزرگان یهود و علمای شریعت؛
- ۷- پیشگویی یک گرفتاری جهانی که در آن پیروزی از آن خدا خواهد بود؛
- ۸- بنیانگذاری گروهی از شاگردان که مانند او سلوک کنند و پیام او را به دیگران ابلاغ نمایند. این گروه از دوازده شاگرد و سایر رسولان تشکیل شد.

### ۶- عیسای انقلابی

با مطالعه اناجیل به آسانی می توان دریافت که حضرت عیسی (ع) یک فرد انقلابی بوده و برای پیروز کردن ستمدیدگان بر ستمکاران تلاش می کرده است. البته نباید فراموش کرد که مسیحیان تقریباً از همان آغاز، پیوسته می گفتند که هدف وی مسائلی ملکوتی بوده و کشته شدن او برای کفاره شدن گناهان بشر اتفاق افتاده است. این دیدگاه با اناجیل هماهنگی زیادی ندارد، ولی با نوشته های پولس موافق است. اینک نمونه هایی از کارهای انقلابی و سیاسی وی:

### ۶-۱- نفوذ در تشکیلات دشمن

حضرت عیسی مسیح (ع) با آنکه بارها از پیروان خود خواسته بود خود را با او نزد مردم آشکار کنند، باز هم در مسیر اهداف والای رسالت به یک تن از شاگردان خویش اجازه داد تا به طور ناشناس در شورای یهود (سنهدرین) شرکت کند. گرچه کسی نمی داند نقش این شاگرد که انکار ظاهری حضرت مسیح (ع) را ایجاب می کرده است چه بوده، اما طبیعی به نظر می رسد که او توطئه های شورا و خیانت یهودای اسخریوطی را به آن حضرت گزارش داده باشد.

سرانجام هنگامی که عیسی مسیح (ع) در ظاهر دستگیر و مصلوب شد، در آن شرایط هراس انگیز که همه شاگردان از ترس گریخته بودند، او نزد حاکم رفت و به ظاهر جسد عیسی مسیح (ع) را از وی تحویل گرفت و آن را با تحلیل زیاد به خاک سپرد.

انجیل نویسان او را این گونه معرفی کرده اند:

شخص دولتمند از اهل رامه، یوسف نام که او نیز از شاگردان عیسی بود (متی ۲۷:۵۷-۶۰)

یوسف نامی از اهل رامه که مردی شریف از اعضای شورا و نیز منتظر ملکوت خدا بود (مرقس ۱۵:۴۳)

یوسف نامی از اهل شورا که مردی نیکو و صالح بود که در رأی و عمل ایشان مشارکت نداشت و از اهل رامه، بلدی از بلاد یهود بود و انتظار ملکوت خدا را می کشید (لوقا ۲۳:۵۰-۵۳)

یوسف که از اهل رامه و شاگرد عیسی بود، لیکن مخفی به سبب ترس یهود (یوحنا ۱۹:۳۸)

### ۶-۲- تعمید در خون

حضرت مسیح (ع) در گفتاری شوق آمیز واژه مقدس تعمید را برای بیان آرزوی شهادت در راه خدا - که تعمید در خون است - به کار می برد (مانند وضوی خون در ادبیات اسلامی). همچنین در مرقس ۱۰:۳۸-۳۹، تعمید به معنای شهادت آمده است. در اناجیل، علاوه بر تعمید با آب، تعمید با آتش و روح القدس نیز به چشم می خورد (متی ۲:۱۱، مرقس ۱:۸، لوقا ۳:۱۶). تعبیر صبغۀ الله در قرآن کریم (بقره ۱۳۸) نیز به نظر گروهی از مفسران به معنای تعمید الهی است.

(۴۹) من آمده ام تا آتشی در زمین افروزم، پس چه می خواهم اگر الان در گرفته است (۵۰) اما مرا تعمیدی است که بیابم و چه بسیار در تنگی هستم تا وقتی که آن به سر آید (۵۱) آیا گمان می برید که من آمده ام تا سلامتی بر زمین بخشم، نی بلکه به شما می گویم تفریق را (۵۲) زیرا بعد از این پنج نفر که در یک خانه باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد (۵۳) پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر از مادر و خارسو از عروس و عروس از خارسو مفارقت خواهند نمود (لوقا ۱۲:۴۹-۵۳)

### ۶-۳- صلیب شهادت

مسیحیان به نشانه مصلوب شدن عیسی مسیح (ع) در راه گناهان بشر نشان صلیبی به گردن می آویزند. حضرت عیسی بارها به تاءکید گفته است که پیرو واقعی او کسی است که صلیب خود را بردارد و به دنبال او برود. از این سخن می توان به روشنی دریافت که سابقه آویختن نشان صلیب به دوران زندگی آن حضرت باز می گردد و نباید آن را نشانه

مصلوب شدن او دانست. این سنت باید به ((انکار خویشتن)) و اعلام آمادگی برای شهادت در راه خدا تفسیر شود. همان گونه که مردم ایران در تظاهرات انقلاب اسلامی به نشانه آمادگی برای شهادت در راه خدا کفن می پوشیدند. همچنین دعبل بن علی خزاعی شاعر اهل بیت (ع)، در اشاره به جانبازیهای خود، گفته است: ((من پنجاه سال است که چوبه دارم را بر دوش دارم، اما تاکنون کسی را نیافته ام که مرا بر آن بیاویزد))<sup>(2)</sup>

(۲۵) و هنگامی که جمعی کثیر همراه او می رفتند روی گردانیده بدیشان گفت:)) اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران، حتی جان خود را نیز دشمن ندارد، شاگرد من نمی تواند بود (۲۷) و هر که صلیب خود را بر ندارد و از عقب من نیاید نمی تواند شاگرد من گردد.)) (لوقا)

(۳۴) پس مردم را با شاگردان خود خوانده گفت: ((هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته مرا متابعت نماید (۳۵) زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به جهت من و انجیل بر باد دهد، آن را برهاند.)) (مرقس ۸:۳۴-۳۵، متی ۱۰:۳۷-۳۹ و ۱۶:۲۴-۲۶، لوقا ۹:۲۳-۲۵)

### ۴-۶- شمشیر به جای سلامت

مردم آسایش طلب تصور نادرستی از مسیحای موعود داشتند. حضرت عیسی مسیح (ع) (به منظور تصحیح اندیشه های آنان، هدف رسالت خویش را به روشنی اعلام کرد: (۳۴) گمان مبرید که آمده ام تا سلامتی بر زمین بگذارم؛ نیامده ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را (۳۵) زیرا که آمده ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم (۳۶) و دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود (متی ۱۰:۳۴-۳۶)

### ۵-۶- دعوت به دفاع مسلحانه

هنگامی که تعقیب و دستگیری حضرت مسیح (ع) قطعی و نزدیک شد و دانست که با وی همچون یک مجرم رفتار خواهند کرد، برای دفاع مسلحانه آخرین تلاش خود را کرد، اما پاسخ مساعدی نشیند:

(۳۶) پس به ایشان گفت: ((...کسی که شمشیر ندارد جامه خود را فروخته، آن را بخرد (۳۷) زیرا به شما می گویم که این نوشته (یعنی پیشگویی) در من باید به انجام رسد یعنی با گناهکاران محسوب شد زیرا هر چه در خصوص من است انقضاً دارد (یعنی واقع می شود.)) (۳۸) گفتند: ((ای خداوند اینک دو شمشیر.)) به ایشان گفت: ((کافی است.)) (لوقا ۲۲:۳۶-۳۸)

از آنجا که یاران عیسی به سبب تصور نادرست خود از مسیحای موعود برای او خطری احساس نمی کردند، فرمان مؤ کد وی را برای خریدن شمشیر جدی نگرفتند. اما هنگامی که ((جمعی کثیر با شمشیرها و چوبها)) به او هجوم آوردند، آنان هم به اهمیت حمل سلاح پی می بردند. ولی به علت فقدان آمادگی قبلی، استفاده از شمشیر در آن

## راهنمای گردشگری عمومی

وضعیت بحرانی بی نتیجه بود و موجب قصاص می گردید. از این رو، حضرت مسیح (ع) در آن شرایط آنان را از این کار منع کرد(3):

(۵) ناگاه یکی از همراهان عیسی (یعنی شمعون پطرس) دست آورده، شمشیر خود را از غلاف کشیده، بر غلام رئیس کهنه زد و گوشش را از تن جدا کرد (۵۲) (آنگاه عیسی وی را گفت: ((شمشیر خود را غلاف کن زیرا هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک شود.)) (متی ۵۱:۲۶-۵۲، مرقس ۱۴:۴۷، لوقا ۵۰:۲۲-۵۱، یوحنا

### ۶-۶- تحقیر پادشاه

حضرت عیسی مسیح (ع) هیروود پادشاه منطقه جلیل را روباه نامید و از ستمگری و سنگدلی او که قاتل حضرت یحیی (ع) بود، هیچ باک و پروایی نداشت

(۳۱) در همان روز چند نفر از فریسیان آمده، به وی گفتند: ((دور شو و از اینجا برو زیرا که هیروودیس می خواهد تو را به قتل رساند.)) (۳۲) ایشان را گفت: ((بروید و به آن روباه گویند اینک امروز و فردا دیوها را (از دیوانگان) بیرون می کنم و مریضان را صحت می بخشم و در روز سیم (در انجام وظیفه) کامل خواهم شد (۳۳) لیکن می باید امروز و فردا و پس فردا (برای انجام رسالت) راه می روم زیرا که محال است نبیی بیرون از اورشلم کشته شود.)) (لوقا ۳۱:۱۳-۳۳)

برخورد حضرت مسیح (ع) با پادشاه ایالت جلیل چنین بود. ولی پس از وی پولس اطاعت از فرمانروایان را توصیه کرد:

(۱) هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است (۲) حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند، بر خود آورد (۳) زیرا از حکام عمل نیکو را خوفی نیست، بلکه عمل بد را. پس اگر می خواهی که از آن قدرت ترسان نشوی، نیکویی کن که از او تحسین خواهی یافت (۴) زیرا خادم خداست برای تو به نیکویی، لیکن هرگاه بدی کنی بترس؛ چون که شمشیر را عبث بر نمی دارد؛ زیرا او خادم خداست و با غضب، انتقام از بدکاران می کشد (۵) لهذا لازم است که مطیع او شوی نه به سبب غضب فقط به سبب ضمیر خود نیز (۶) زیرا که به این سبب باج نیز می دهی؛ چون که خدام خدا و مواظب در همین امر هستند (۷) پس حق هر کس را به او ادا کنی: باج را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت و عزت را به مستحق عزت (رساله پولس رسول به رومیان ۱:۱۳-۷)

### ۶-۷- خدا و قیصر

گفته می شود که در اناجیل آمده است: کار قیصر را به قیصر واگذارید و کار خدا را به خدا. باید دانست که (اولاً) عبارت مذکور در اناجیل به این شکل است: مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا، (ثانیاً) این سخن به چیزی دلالت نمی کند، زیرا حضرت مسیح (ع) هنگام گفتن آن در شرایط تقیه بوده است:

(۲۰) و مراقب او بوده ، جاسوسان فرستادند که خود را صالح می نمودند تا سخنی از او گرفته ، او را به حکم و قدرت والی بسپارند (۲۱) پس از او سؤال نموده گفتند :ای استاد می دانیم که تو را به راستی سخن می رانی و تعلیم می دهی و از کسی روداری نمی کنی ، بلکه طریق خدا را به صدق می آموزی (۲۲) آیا بر ما جایز هست که جزیه به قیصر بدهیم یا نه ؟ (۲۳) او چون مکر ایشان را درک کرد بدیشان گفت: مرا برای چه امتحان می کنید؟ (۲۴۹) دیناری به من نشان دهید (آنان دیناری را نزد او آوردند و او پرسید) صورت و رقمش از کیست ؟ ایشان در جواب گفتند :از قیصر است . (۲۵) او به ایشان گفت: پس مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا . (۲۶) پس چون نتوانستند او را به سخنی در نظر مردم ملزم سازند، از جواب او در عجب شده ، ساکت ماندند (لوقا ۲۰:۲۰-۲۶، متی ۲۲:۱۵-۲۲، مرقس ۱۲:۱۳-۱۷).

### ۶-۸-ستیز با دین به دنیا فروشان

حضرت عیسی مسیح (ع) رهبران دینی خودپسند، ریاکار و دنیاپرست را به شدت سرزنش می کرد. همین امر آنان را برانگیخت تا برای نابودی آن حضرت توطئه و اقدام کنند. برخی از سخنان او در این باب چنین است:

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می بندید زیرا خود داخل آن نمی شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می شوید (۱۴) وای بر شمای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه های بیوه زنان را می بلعید و از روی ریا نماز را طویل می کنید؛ از آن رو عذاب شدیدتر خواهید یافت (۱۵) وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا که بر و بحر را می گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود پسر جهنم می سازید... (۲۹) وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می کنید و مدفهای صادقان را زینت می دهید (۳۰) و می گوئید اگر در ایام پدران خود می بودیم ، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی شدیم (۳۱) پس بر خود شهادت می دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید، پس شما پیمانۀ پدران خود را لبریز کنید (۳۳) ای ماران و افعی زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد)... متی ۲۳:۱-۳۶، لوقا ۱۱:۳۹-۵۴

### ۶-۹-نمایش قدرت

حضرت عیسی مسیح (ع) گفت

زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد (۲۸) هر آینه به شما می گویم که بعضی در اینجا حاضرند که تا پسر انسان را نبینند که در ملکوت خود می آید ذائقه موت را نخواهند چشید). متی ۲۷:۱۶-۲۸، مرقس ۹:۱، لوقا ۹:۲۶-۲۷

سرانجام آن حضرت در واپسین روزهای زندگی خود در میان استقبال پرشور منتظران ملکوت آسمانی در حالی که بر کره الاغی سوار بود وارد شهر قدس شد. از جمله شعارهایی که در آن جمع به گوش می رسید، این بود :مبارک باد پادشاه اسرائیل که به اسم خداوند می آید.

(۳۹) آنگاه بعضی از فریسیان از میان بدو گفتند :ای استاد شاگردان خود را نهیب نما (۴۰) او در جواب ایشان گفت : به شما می گویم اگر اینها ساکت شوند هر آینه سنگها به صدا آیند). لوقا ۱۹:۳۹-۴۰

وی با شکوه و جلال فراوان به معبد پا نهاد و آن مکان مقدس را از کسانی که به خرید و فروش مشغول بودند، پاکسازی کرد. شاید برخی مردم انتظار داشتند مسیحی موعود بر اسب سوار شود و تخت پادشاهان ستمکار را واژگون سازد، اما تنها کاری که حضرت عیسی مسیح (ع) در آن شرایط انجام داد این بود که بر کره الاغی عاریتی سوار شد و پس از ورود به معبد، تختهای صرافان و کرسیهای کبوتر فروشان را واژگون ساخت (متی ۲۱، مرقس ۱۱، لوقا ۱۹ و یوحنا

در واقع حضرت مسیح (ع) با کار خود جامعه بنی اسرائیل را آزمایش کرد و پس از مشاهده مخالفت آشکار فریسیان با اقدامات اصلاحی او در معبد، دانست که شرایط برای انقلاب فراهم نیست. از این رو، پس از عتاب فراوان، شهر قدس را مخاطب قرار داد و گفت

ای اورشلیم، اورشلیم، قاتل انبیا و سنگسار کننده مرسلان خود، چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود جمع می کند و نخواستید (۳۸) اینک خانه شما برای شما ویران گذارده می شود (۳۹) زیرا به شما می گویم از این پس مرا نخواهید دید تا بگوئید مبارک است او که به نام خداوند می آید. (متی ۲۳:۳۷-۳۹، لوقا ۱۳:۳۴-۳۵)

### ۶-۱۰- تکمیل تورات

حضرت عیسی مسیح (ع) در موعظه بر روی کوه، رسالت خود را چنین شرح داد:

(۱۷) گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، نیامده ام تا باطل بنمایم، بلکه تا تمام کنم (۱۸) زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای با نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا همه واقع شود (۱۹) پس هر که یکی از این احکام کوچکترین (یعنی جزئی ترین حکم تورات) را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده خواهد شد؛ اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خواهد شد... (۳۸) شنیده اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی (۳۹) لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت مکنید، بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز به سوی او بگردان (متی ۵:۱۷-۴۸).

برخی از افراد عبارت فوق را به معنای تسلیم در برابر ستمکاران و پذیرش ستم آنان دانسته اند، اما می توان گفت که این سخن یک توصیه اخلاقی مبالغه آمیز است و تنها به عفو و بخشایش در امور شخصی دلالت می کند. دستورهای اکید و فراوانی مانند آن، مبنی بر صبر و عفو بدکاران و سلام دادن به افراد بی فرهنگ و بزرگواری ورزیدن برابر ناهنجاریهای ایشان در قرآن مجید و احادیث اسلامی یافت می شود و سیره اولیای الهی بر آن گواهی می دهد (4).

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) یکی از صفات پسندیده انسان تقوایپیشه را این می داند که از کسی که به او ستم روا داشته، گذشت می کند: یعفو عن ظلمه و يعطی من حرمه و یصل من قطعہ (5). همچنین آن حضرت در نامه به امام حسن مجتبی (ع) به اموری از این قبیل سفارش می کند و می افزاید: نباید این دستور العمل را در غیر مورد آن، یا نسبت به کسی که شایسته آن نیست، اجرا کرد (6). در روایتی نیز می خوانیم که امام جعفر صادق (ع) همین عبارت مربوط به طپانچه زدن را به حضرت مسیح (ع) است (7). در موردی دیگر از انجیل می خوانیم:



(۲۱) آنگاه پطرس نزد او آمده ، گفت خداوند چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می باید او را آمرزید آیا تا هفت مرتبه ؟ (۲۲) عیسی بدو گفت : تو را نمی گویم تا هفت مرتبه ، بلکه تا هفتاد هفت (۷\*۷۰) مرتبه ( متی ۱۸:۲۱-۲۲، لوقا ۳:۱۷-۴)

به گفته یوحنا، هنگامی که حضرت عیسی مسیح (ع) را دستگیر کردند، یکی از دشمنان به او طیانچه زد. آن حضرت فوراً اعتراض کرد و گفت : برای چه می زنی ؟ یوحنا ۱۸:۲۲-۲۳)

همچنین ، با آنکه حضرت مسیح (ع) عدم مقاومت در برابر شریک را توصیه کرده ، شاگردان و پیروان وی این سفارش را مربوط به امور شخصی می دانستند و در برابر زورگویان کاملاً مقاومت می کردند (شرح این مقاومتها در کتاب اعمال رسولان آمده است). آنان برای اینکه بتوانند در برابر پادشاهان و دشمنان دین ایستادگی کنند به درگاه الهی چنین دعا کردند:

(۲۴) خداوند، تو آن خدا هستی که آسمان و زمین و دریا و آنچه را در آنهاست آفریدی ... (۲۷) زیرا که فی الواقع بر بنده قدوس تو عیسی که او را مسح کردی ، هیروودیس و پنطیوس پیلاتس با امتهای اسرائیل با هم جمع شدند (۲۸) تا آنچه را که دست و راعی تو از قبل مقدر فرموده بود، بجا آورند (۲۹) الآن ای خداوند به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گویند. اعمال رسولان ۴:۲۴-۲۹.

هنگامی که بزرگان یهود دیدند تعالیم عیسی منافع آنان را مورد تهدید قرار می دهد، برای کشتن او توطئه کردند. یکی از شاگردان او به نام یهودای اسخریوطی به وی خیانت کرد. آنگاه عیسی که به اتهام توطئه براندازی حکومت استعماری روم ، تحت تعقیب قرار گرفته بود، به مقامات رومی سپرده شد. به نوشته اناجیل ، وی در آخرین شب زندگی ، عشای ربانی را با شاگردان خود صرف نظر کرد. پس از شام آخر، مقامات رومی او را دستگیر کردند و به محکمه بردند و در آنجا به اعدام محکوم شد.

طبق تعلیم اناجیل ، عیسی مصلوب شد، روی صلیب مرد و او را دفن کردند. پس از سه روز، خدا او را از مرگ برخیزاند. وی چندین بار برای شاگردان خود ظاهر شد، سپس به آسمان رفت . در روز عید گلریزان (پنجاهه ، پنطیکاست ) روح القدس در رسولان حلول کرد و پس از ایشان جماعتی را پدید آورد که در طی قرون و اعصار، رسالت عیسی (ع) را به دوش داشتند و چون او عمل می کردند.

### ۷- رسولان

حضرت عیسی مسیح (ع) در آغاز قیام خویش ، یارانی را برگزید تا به نشر دعوت وی کمک کنند. این موضوع در پایان سوره صف آمده است و در اناجیل می خوانیم:

(۱۸) و چون عیسی به کناره دریای جلیل می خرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می اندازد؛ زیرا صیاد بودند (۱۹) بدیشان گفت : از عقب من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم (۲۰) (در ساعت دامها را گذارده ، از عقب او روانه شدند (متی ۴:۱۸-۲۰؛ مرقس ۱:۱۶-۱۸)

## راهنمای گردشگری عمومی

این یاران را معمولا شاگردان عیسی می نامند. او دوازده تن از آنان را برگزید و آنان را رسول نامید (لوقا ۱۳:۶).  
قرآن مجید رسولان حضرت عیسی (ع) را حواری می نامد که در زبان حبشی به همین معنی است. او می خواست  
هنگامی که پیروزمندانه بر کرسی جلال می نشیند، آنان نیز بر دوازده کرسی بنشینند و بر دوازده سبط بنی اسرائیل  
داوری کنند (متی ۱۹:۲۸)

نام دوازده رسول حضرت عیسی (ع) در اناجیل (متی ۱۰:۲-۴؛ مرقس ۳:۱۶-۱۹؛ لوقا ۶:۱۴-۱۶؛ اعمال رسولان ۱:۱۳)  
از این قرار است

۱-شمعون (پطرس)؛

۲-اندریاس (برادر پطرس)؛

۳-یعقوب (پسر زجبدی)؛

۴-یوحنا (برادر یعقوب)؛

۵-فیلیپس ؛

۶-برتولما؛

۷-توما؛

۸-متی ؛

۹-یعقوب (پسر حلفی)؛

۱۰-تدی (به گفته لوقا: یهودا برادر یعقوب)؛

۱۱-شمعون غیور؛

۱۲-یهودای اسخریوطی

به گفته اناجیل ، همان طور که عیسی پیشگویی کرده بود، همه رسولان در مورد او لغزش خوردند و هنگام دستگیری  
وی ، او را رها کردند و گریختند. یهودای اسخریوطی نیز قبلا با مراجعه به بزرگان یهود، برای کمک به دستگیری  
عیسی اعلام آمادگی کرده بود و به همین منظور، وی را به آنان نشان داد و در مقابل آن پولی گرفت . پس از رفتن  
حضرت عیسی ، یازده رسول دیگر با انتخاب فردی به نام مقیاس به جای یهودای اسخریوطی ، عدد دوازده را کامل  
کردند (اعمال رسولان ۱:۱۵ - ۲۶)

بزرگترین رسول شمعون است که حضرت عیسی (ع) وی را پطرس یعنی صخره نامید و او را سنگ زیر بنای کلیسا  
یعنی جامعه مسیحیت قرار داد:

(۱۸) و من نیز تو را می گویم که تویی پطرس و بر این صخره ، کلیسای خود را بنا می کنم و ابواب جهنم بر آن  
استیلا نخواهد یافت (۱۸) و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می سپارم و آنچه در زمین ببندی ، در آسمان بسته  
گردد و آنچه در زمین گشایی ، در آسمان گشاده شود) ((متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹؛ ۲۱: ۱۵ - ۱۹)

یوحنا در خردسالی رسول شده (یوحنا ۱۳:۲۳ - ۲۵ و ۲۱: ۲۰) و به عقیده مسیحیان ، انجیل خود را در سن پیری ، در  
پایان قرن اول نوشته است . متای رسول نیز یکی از اناجیل را نوشته است . همچنین برخی از رساله های عهد جدید به

## راهنمای گردشگری عمومی

پطرس یوحنا و رسولان دیگر منسوب شده است. چندین انجیل و رساله اپوکریفایی را به رسولان نسبت داده اند و بعضی از جوامع مسیحی سابقه کلیسای خود را به برخی از رسولان می رسانند.

با آنکه حضرت عیسی (ع) پطرس را به جانشینی خود برگزیده بود، رسول دیگری به نام پولس عملاً موقعیت بهتری پیدا کرد و معمار مسیحیت کنونی شد. نام این شخص در آغاز، شاؤ ول بود که از نامهای عبری است و تلفظ یونانی آن ستولس می شود. او پس از قبول مسیحیت، نام خود را به پولس تغییر داد که ترجمه یونانی واژه شاؤ ول و به معنای کوچک است

وی با آنکه یک یهود متعصب بود، تابعیت رومی داشت و پس از رفتن حضرت عیسی (ع)، به آزار مسیحیان مشغول بود تا اینکه مدعی شد هنگامی که برای دستگیری برخی مسیحیان از شهر قدس به دمشق می رفته است، نور عیسی را در راه دیده و به دستور او مسیحی شده است (اعمال رسولان ۹: ۱ - ۳۱)

پولس با شور و نشاط فراوان به تبلیغ مسیحیت آغاز کرد و در این راه بسیار رنج کشید. او که مدعی رسالت از جانب حضرت مسیح بود، به مناطق مختلف سفر کرد و مسیحیت را به اطراف دریای مدیترانه گسترش داد. رساله هایی نیز به تازه مسیحیان آن مناطق نوشت و به آنان رهنمود داد. برخی از این رساله ها در کتاب عهد جدید گرد آمده است اندیشه های تازه پولس میان رسولان تنش می آفرید و درگیریهای وی با پطرس و سایر رسولان، در کتاب اعمال رسولان و رساله های خود او منعکس شده است. وی می نویسد: اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبرو مخالفت نمودم؛ زیرا که مستوجب ملامت بود. رساله به غلاطیان ۲: ۱۱)

پولس هنگام برشمردن فضائل خویش و خطرهایی که در راه تبلیغ مسیحیت بر خود هموار کرده است، به برادران کذب اشاره می کند و مقصود او رسولانی است که با اندیشه های او مخالفت می کرده اند:

(۲۲) آیا عبرانی هستند، من نیز هستم. اسرائیلی هستند، من نیز هستم. از ذریت ابراهیم هستند، من نیز می باشم (۲۳) آیا خدام مسیح هستند، چون دیوانه حرف می زنم من بیشتر هستم. در محنتها افزونتر، در تازیانه ها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر (۲۴) از یهودیان پنج مرتبه، از چهل یک کم، تازیانه خوردم (۲۵) سه مرتبه مرا چوب زدند، یک دفعه سنگسار شدم، سه کت شکسته کشتی شدم، شبانه روزی در دریا به سر بردم (۲۶) در سفرها بارها، در خطرهای نهرها، در خطرهای دزدان، در خطرهای از قوم خود، در خطرهای از امتهای، در خطرهای در شهر، در خطرهای در بیابان، در خطرهای در دریا، در خطرهای در میان برادران کذب (۲۷) در محنت و مشقت، در بیخوابیها بارها، در گرسنگی و تشنگی، در روزها بارها، در سرما و عریانی (۲۸) بدون آنچه علاوه بر اینهاست، آن باری که هر روزه بر من است یعنی اندیشه برای همه کلیساها (۲۹) کیست ضعیف که من ضعیف نمی شوم؟ که لغزش می خورد که من نمی سوزم (۳۰) اگر فخر می باید کرد، آنچه به ضعف من تعلق دارد، فخر می کنم (۳۱) خدا و پدر عیسی مسیح خداوند که تا به ابد متبارک است، می داند که دروغ نمی گوید (۳۲) در دمشق، والی حارث پادشاه، شهر دمشقیان را برای گرفتن من محافظت می نمود (۳۳) و مرا از دریچه ای در زنبیلی از باره قلعه پایین کردند و از دستهای وی رستم (رساله دوم به قرنتیان ۱۱: ۲۲ - ۳۳)

گفته می شود که پولس در حدود سالهای ۶۴ - ۶۷ در رم درگذشته است. از نظر مسیحیان جمعی از رسولان مانند پطرس و پولس شهید شده اند. آرامگاه پطرس در تپه واتیکان شهر رم بسیار اهمیت دارد و از دیر باز مرکز مسیحیت

کاتولیک بوده است. کلیسای سنت پیتر و کاخها و باغهای اطراف آن از زیباترین آثار هنری جهان است در کتابهای تاریخی مستقل هیچ چیز درباره رسولان یافت نمی شود.

### ۸- پایه گذاری کلیسا

هر یک از چهار انجیل زندگینامه و مقداری از سخنان حضرت عیسی (علیه السلام) (را می آوردند، ولی عمده اهتام آنها به پیام رسانی آن حضرت مربوط می شود. همچنین داستان مصلوب شدن وی در پایان هر چهار انجیل آمده است. به طوری که از اناجیل به دست می آید، آن حضرت زاهدی پرشور بود که برای اصلاح جامعه پوسیده و فرسوده فلسطین در عصر خود برنامه گسترده ای داشت و برای اجرای آن نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد، ولی موفقیت وی در آن زمان بسیار ناچیز بود. اما به خاطر پایه گذاری کلیسا یعنی جامعه مسیحی که از چند شاگرد تشکیل شده بود، پس از رفتن وی و با گذشت سالیان دراز، اندک اندک دینی که به وی منسوب بود، پا گرفت. از نظر تاریخ نگاران نقش پولس که پس از وی مسیحی شد، در ترویج مسیحیت بسیار مهم است. ولی مسیحیان نقش روح القدس را در این کار مهم می دانند.

جامعه مسیحیت که توصیف آن در کتاب عهد جدید آمده است، کلیسای رسولان نامیده می شود و مقصود از آن، جامعه رسولان و نسل اول مسیحیت است. این جامعه از نظر زمانی به تقریب، فاصله سالهای ۳۰ تا ۱۰۰، یعنی از عید گلریزان تا تدوین آخرین بخش کتاب مقدس را در بر می گیرد. جامعه مسیحی نخستین این گونه بود:

(۴۲) تازه مسیحیان (در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند (۴۳) همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت (۴۴) همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند (۴۵) و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند (۴۶) هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک به خوشی و ساده دلی می خوردند (۴۷) و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گشتند (اعمال رسولان ۲:۴۲-۴۷) این عزت با گذشت زمان، نخست از جانب یهود و سپس از جانب امپراطوری روم به دشمنی مبدل شد. در اورشلیم جامعه ای از مسیحیان یهودی الاصل به رهبری یعقوب رسول پایه گذاری شد و تعداد افراد آن در همان شهر و سپس در سایر مناطق فلسطین گسترش یافت. فرستادگانی نیز مانند پولس و برنابا بشارت را به اقوام غیریهودی رساندند. به دنبال این قضیه، نخستین مورد از مشکلاتی که پیش روی کلیسا قرار داشت، پدید آمد و این سؤال مطرح شد که آیا بت پرستان تازه مسیحی، پیش از آنکه به مسیحیت پذیرفته شوند، باید به دین و شریعت یهودی گردن نهند یا خیر؟ عقیده پولس که مورد قبول پطرس و یعقوب نیز واقع شد، این بود که خدا عیسی را از مردگان برخیزاند و با این عمل راه برای دوره جدیدی از نجات گشوده شد و بر این اساس مسیحیان از این پس به پیروی از شرع یهود ملزم نیستند.

آنگاه مسیحی شدن بت پرستان به برکت تبلیغ و تبشیر رسولان در همه مناطق امپراطوری روم افزایش یافت و افرادی که از غیریهودیت به مسیحیت راه یافته بودند، در کلیسای مسیحی اکثریت یافتند. جوامع کوچک مؤمنان نیز در شهرهای امپراطوری از سوریه تا مصر و پس از آن در آناتولی و یونان و سرانجام در ایتالیا به وجود آمدند. بر اساس منقولات سنتی، پطرس نخست در اورشلیم، سپس در انطاکیه و سرانجام در رم به رهبری جامعه رسولان برگزیده شد و اعدام وی در عهد نرون در شهر رم رخ داد.

### ۹- کتاب مقدس

کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد: عهد جدید و عهد عتیق. علت این نامگذاری آن است که مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است: یکی پیمان کهن، به وسیله پیامبران پیش از عیسی مسیح. در این پیمان مرتبه ای از نجات از طریق وعده وعید، قانون و شریعت به دست می آید. دیگری پیمان نو، توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح. در پیمان نو نجات از طریق محبت حاصل می شود. به این معنا که طبق اعتقاد آنان، خدای پسر به شکل انسان مجسم می شود، گناهان بشر را بر خود می گیرد و با تحمل رنج صلیب، کفاره گناهان می شود. تا آنجا که تاریخ نشان می دهد، این عقیده، با وجود دوری آن از عقل و منطق، زیربنای مسیحیت بوده است. در انجیل یوحنا چنین می خوانیم:

(۱۶) زیرا خداوند جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد (۱۷) زیرا خدا پسر خود را در جهان فرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد (یوحنا ۳: ۱۶-۱۷)

آن قسمت از کتاب مقدس که درباره پیمان کهن سخن می گوید عهد عتیق، و آن قسمت که درباره پیمان نو سخن می گوید عهد جدید نامیده می شود.

در حقیقت عهد عتیق کتاب آسمانی یهودیان است که مسیحیان برای آن احترام قائل شده، آن را در آغاز خود قرار داده اند.

عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است. چهار انجیل در آغاز عهد جدید وجود دارد. کلمه انجیل در زبان یونانی به معنای مژده است: مژده به فرا رسیدن ملکوت آسمان یا پیمان تازه

تمام عهد جدید مورد قبول همه مسیحیان است و اپوکریفا بین آنها وجود ندارد. البته کتابهای اپوکریفایی عهد جدید از اپوکریفای عهد عتیق بیشتر بوده است؛ اما در همان دو سه قرن نخست، مسیحیان اندک اندک بر کتابهای موجود عهد جدید اتفاق کرده اند.

ترجمه های بسیار زیادی از کتاب مقدس به زبانهای گوناگون انجام گرفته است و سازمانهای متعددی مخصوص انتشار آنها در سراسر جهان وجود دارد. از جمله آنها انجمن کتب مقدسه است که در سال ۱۸۰۶ در لندن تاسیس شد و شعبه هایی در بیشتر کشورها دارد (۸).

مجموع کتابهای عهد عتیق و عهد جدید ۶۶ کتاب است: عهد عتیق ۳۹ کتاب است که فهرست آنها در بخش یهودیت گذشت و عهد جدید ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می شوند:

۱- اناجیل ؛

۲- اعمال رسولان ؛

۳- نامه های رسولان ؛

۴- مکاشفه .

### ۹-۱ اناجیل

گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی (ع) به نوشتن سیره آن حضرت اقدام کردند و نوشته هایی به وجود آوردند که بعداً انجیل خوانده شد. اندک اندک چهار انجیل از این انجیلها رسمیت یافت و اناجیل دیگر متروک شد<sup>(۹)</sup>.

نویسندگان انجیل اول و انجیل چهارم از حواریون و نویسندگان دو انجیل دیگر از حواریون معرفی می شوند. میان سه انجیل اول هماهنگی وجود دارد و به این دلیل آنها را اناجیل هم‌نوا می نامند.

این بخش مشتمل بر ۴ انجیل است

۱- انجیل متی (سیره و مواعظ مسیح با اشاره به پیشگوییهای عهد عتیق)؛

۲- انجیل مرقس (قدیمترین و کوتاهترین کتاب سیره و مواعظ مسیح)؛

۳- انجیل لوقا (سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات)؛

۴- انجیل یوحنا (متأخرترین کتاب سیره و مواعظ مسیح با تاءکید بر مافوق بشر بودن او)

### پینوشتها:

۱- تاریخ تمدن ، ج ۳، فصل ۲۶. برای تحقیق بیشتر در این مسأله رک :. رابرتسون ، آرچیبالد، عیسی : اسطوره یا

تاریخ ، ترجمه حسین توفیقی ، قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ، ۱۳۷۸.

۲- عبدالله بن المعتز، طبقات الشعراء، ص ۱۲۵.

۳- همان طوری که پیامبر عالی قدر اسلام نیز در دوران سختی کشیدن مسلمانان در مکه مکرمه به علت فراهم نبودن شرایط دفاع ، ایشان را از هر اقدام مسلحانه ای باز می داشت

۴- برای نمونه رجوع شود به : نحل : ۱۲۶-۱۲۸، مؤ منون : ۹۶، فرقان : ۶۳ و ۷۲ و فصلت : ۳۴-۳۶.

۵- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۴.

۶- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

۷- بحارالانوار ج ۱۴، ص ۲۸۷، این عبارات انجیل در ضمن مواعظ حضرت مسیح (ع) (در آخر کتاب تحف العقول تألیف حسن بن شعبه بدون هیچ استنکاری نقل شده است

۸- شعبه آن در تهران (خیابان سی تیر، جنب کلیسای انجیلی) پس از سالها فعالیت ، به تصمیم نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ تعطیل شد. از دیدگاه فقه اسلامی ، تبلیغ اعتقادات مسیحی (مانند فدا و تثلیث) که در اسلام باطل شمرده شده ، در جامعه اسلامی ممنوع است . بدیهی است که اسلام در مقابل این ممنوعیت ، داشتن آن اعتقادات را

## راهنمای گردشگری عمومی

برای مسیحیان کاملاً آزاد می‌داند و گفتگوی اندیشمندان اسلام و مسیحیت را توصیه می‌کند. نسخه‌های فراوانی از کتاب مقدس برای استفاده پژوهشگران در کتابخانه‌های عمده سراسر کشور وجود دارد.

۹- انجیل برنابا که مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و بشارت‌های فراوانی به ظهور حضرت رسول خاتم (ص) در آن یافت می‌شود، مورد قبول مسیحیان نیست و آن را جعلی می‌دانند. نام انجیل برنابا در فهرستی که پاپ جلاسیوس اول قبل از بعثت حضرت رسول (ص) منتشر کرده است، وجود دارد، ولی مسیحیان می‌گویند آن انجیل مفقود شده است و ربطی به انجیل برنابای کنونی ندارد. همچنین نوشته‌ای به نام رساله برنابا نزد مسیحیان وجود دارد که تا اندازه‌ای مورد احترام آنان است، ولی باید دانست که رساله یاد شده غیر از انجیل برناباست.

۱۰- میشل، توماس کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷، ص ۲۶.

۱۱- بر عکس اعتقاد مسلمانان در مورد بیانگری پیامبر اسلام (ص) نسبت به قرآن مجید.

۱۲- کلام مسیحی، صص ۴۳ - ۴۴.

۱۳- عهد عتیق نزد پروتستانها ۳۹ کتاب است؛ زیرا آنان ۷ کتاب اپوکریفایی را نمی‌پذیرند.

۱۴- کلام مسیحی، صص ۴۹-۵۱.

۱۵- مانند نیرنگ آنان در مورد ایمان صبحگاهی به اسلام و بازگشت شامگاهی به یهودیت، به منظور بر گرداندن ایمان مسلمانان (آل عمران: ۷۲)

۱۶- رک: بقره: ۱۰۴.

مباحث ادیان ممکن است نواقصی داشته باشد زیرا این نوشتار تنها جهت آشنایی مقدماتی دانشجویان میباشد.

### توانایی دوازدهم

#### سازماندهی، برنامه ریزی و اجرای تورهای گردشگری

برای اینکه مسافران از لحاظ بلیط و ماشین و جا و مکان دغدغه خاطر نداشته باشند و مشکلاتی از این قبیل دامن گیر آنها نشود، دفاتری را تشکیل دادند که این دفاتر و مؤسسات، خدماتی را در مورد مسافرت ارائه دادند.

- ۱- مجوز بند الف: مخصوص گشت های هوایی
- ۲- مجوز بند ب: مخصوص گشت های زمینی
- ۳- مجوز بند پ: مخصوص گشت های زیارتی

#### وظایف بند «ب»

- ۱- برنامه ریزی گشت ها
- ۲- بازاریابی و فروش
- ۳- عقد قرارداد کارگزاری
- ۴- اجرای گشت

**نکته:** دفاتری که دارای بند «ب» هستند، می توانند اقدام به اخذ ویزا کنند.

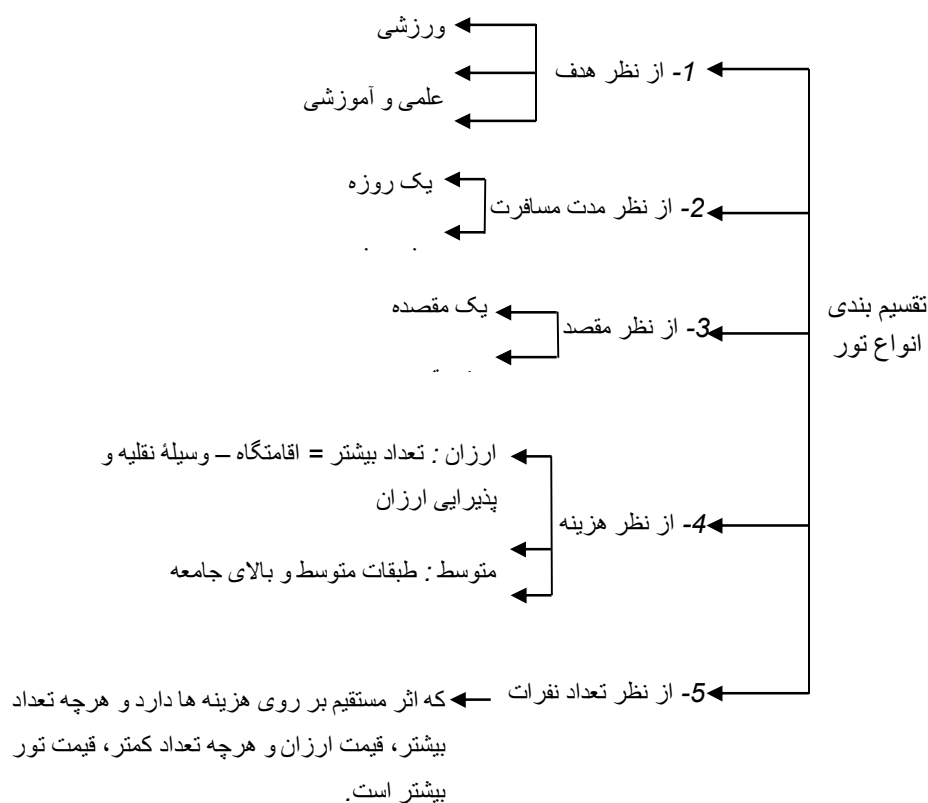
در بحث برنامه ریزی، ما با سه شکل برنامه ریزی مواجه هستیم:

- ۱- تورهای ورودی
- ۲- تورهای خروجی
- ۳- گشت های ایرانگردی



### تعریف تور

مسافرت گروهی از مکانی به مکان دیگر که این مسافرت نسبتاً طولانی بوده و شامل بازدید از تعدادی مکان های دیدنی در یک سفر باشد. مقصود از تور ، تورهای برنامه ریزی شده است.



اطلاعاتی که برای برنامه ریزی گشت ها مورد نیاز است :

#### ۱- شناخت جاذبه ها

- \* تقسیم بندی بر اساس موضوع = جاذبه تاریخی و فرهنگی - مذهبی - طبیعی و ...
- \* تقسیم بندی بر اساس زمان وقوع = جاذبه مکانی (گلاب گیری) - جاذبه زمانی ( پدیده کسوف )

#### ۲- بازدید از جاذبه ها

- ۱- اهمیت جاذبه ها : شناسایی جاذبه های اولیه از ثانویه
- ۲- منحصر به فرد بودن جاذبه ها: در برنامه ریزی قید شود که در هیچ جای جهان وجود ندارد .
- ۳- دسترسی به جاذبه ها : در برنامه قید شود که جاذبه در چه مکان جغرافیایی قرار گرفته است.
- ۴- زمان بازدید از جاذبه ها : در طی روز یا در شب- در شب باید بازدید از جاذبه داشته باشیم.

## راهنمای گردشگری عمومی

بدون شک اقدام به هر امری که نتیجه مطلوب از آن مورد نظر باشد، احتیاج به طرح ریزی و تنظیم صحیح و دقیق برنامه دارد. ممکن است در پاره ای از موارد بدون نقشه و یا برنامه مبادرت به انجام امری نمود و در عمل نیز مواجه با مشکلی نشد ولی در اغلب اینگونه موارد با پیدایش تغییری یا حدوث واقعه ای پیش بینی نشده، رشته امور از هم گسیخته می گردد و به علت عدم وجود تمرکز و اعمال کنترل لازم نتیجه مطلوب حاصل نمی شود.

اگر به این نکته توجه شود که امروزه بیش از ۸۰ درصد تحرکات جهانگردی از طریق آژانس های مسافرتی و جهانگردی انجام می گیرد. اهمیت تنظیم برنامه های بازدید جهانگردی آشکار می شود. از جمله دلایلی که باعث می شود افراد به صورت دسته جمعی مبادرت به سفر نمایند عبارتند از:

۱- سرزمین های جدید برای افراد بازارهای جهانگردی ناشناخته است و این امر موجب می گردد که جهانگردان ترجیح دهند به این سرزمین ها به صورت دسته جمعی مسافرت نمایند.

۲- مسافرت دسته جمعی ارزان تر از مسافرت انفرادی است. این امر به علت تماس های دائمی آژانس های مسافرتی با اماکن و محل های جهانگردی مقصد از قبیل هتل، رستوران و وسایل ارتباطی است که از این طریق می توان از تخفیف های ویژه استفاده نمود.

۳- مسافرت دسته جمعی امکان تنظیم و اجرای برنامه های خاص جهانگردی را می دهد (جشن های خصوصی و مهمانی ها) و مهم ترین عامل در سفرهای دسته جمعی نزدیکی افراد به کدیگر طی مدت معینی و امکانات دوستی و مصاحبت و برقراری روابط اجتماعی و دوستانه است.

۴- تسهیلاتی که در اختیار گروه ها قرار می گیرد بسیار ارزان تر و ساده تر از سفرهای انفرادی است به عنوان مثال هزینه راهنمای جهانگردی و یا نشریاتی که برای استفاده از یک مسیر جهانگردی بر مخارج اجرای برنامه های جهانگردی تعلق می گیرد، در مسافرت های دسته جمعی بر تعداد افراد شرکت کننده در گروه سرشکن می گردد. برنامه های بازدید جهانگردی را به هر شکل می توان تنظیم نمود ولی مهم تر آن است که این برنامه ها چگونه تنظیم گردند که حد اعلائی مطلوبیت از آنان حاصل آید. به عبارت دیگر برنامه های بازدید جهانگردی متضمن چند نکته می باشد:

۱- برنامه باید شامل کلیه عرضه های اصلی جهانگردی باشد.

۲- برنامه باید متناسب با احتیاجات مسافران تنظیم گردد.

۳- برنامه ها باید سهل و آسان و قابل اجرا بوده و قابلیت انعطاف آن رعایت شود.

۴- برنامه های بازدید جهانگردی باید در عین کامل بودن، هزینه را در حداقل ممکن نگه دارد.

۵- برنامه های بازدید باید رضایت کامل جهانگردان را پس از اجرا تأمین نماید و این امر از نظر تبلیغات جهانگردی بسیار اهمیت دارد.

### شرایط تنظیم کننده برنامه های جهانگردی

تنظیم برنامه های بازدید جهانگردان مستلزم اجتماع اطلاعات و تخصص خاص جهانگردی در تنظیم کننده است که بدون وجود آنها برنامه های بازدید جهانگردی مطلوب نخواهد بود. شرایط و خصوصیات تنظیم کننده برنامه های بازدید جهانگردی را می توان چنین خلاصه کرد:

۱- آشنایی کامل به عرضه های جهانگردی کشور: در این آشنایی تشخیص عرضه های اصلی و ثانوی جهانگردی اهمیت دارد. زیرا همان طوری که قبلاً ذکر شد هر برنامه بازدید جهانگردی باید شامل عرضه های اصلی جهانگردی باشد و استفاده از عرضه های ثانوی جهانگردی بستگی به مدت برنامه و احتیاجات تنظیم برنامه ها دارد.

۲- آشنایی کامل به انواع جهانگردی

۳- آشنایی کامل به طبقات جهانگردان

جهانگردان را از نظر قدرت مالی می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف- جهانگردان متمول: طبقه ای از جهانگردان هستند که از هتل های لوکس استفاده نموده و از وسایل مسافرتی سریع و مرفه استفاده می نمایند. (هوایما، کشتی، اتومبیل های شخصی)

ب- جهانگردان متوسط: طبقه ای از جهانگردان می باشند که از هتل های درجه اول و دوم استفاده می نمایند و اغلب استفاده از وسایل مسافرتی درجه اول در تمام طول برنامه بازدید برای آنان مقدور نیست.

ج- جهانگردان عادی: جهانگردانی هستند که در حداقل هزینه و رفاه مسافرت می نمایند و اغلب از وسایل مسافرتی و اقامتی عادی و ارزان استفاده می کنند. (هتل های درجه ۳ و وسایل ارتباطی ارزان)

د- جهانگردان فقیر: این طبقه را دانشجویان و افرادی که قصد مسافرت های طولانی را دارند تشکیل می دهند و توجه خاص به نوع محل اقامت و وسیله مسافرت ندارد. این طبقه از جهانگردان از مناسبت های تنظیم برنامه بازدید خارج هستند.

برنامه نویس باید در زمینه های مختلف اطلاعات جهانگردی خبره باشد و این اطلاعات را که در رشته های بسیاری تنظیم شده است در دسترس داشته و از جزئیات آن برای تنظیم برنامه های بازدید و قیمت گذاری برنامه ها و همچنین زمان بندی برنامه ها استفاده نماید.

### مسائل مربوط به تنظیم برنامه های جهانگردی

از جمله عواملی که در تنظیم برنامه های بازدید جهانگردی باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱- اقامت ۲- تحرک

۳- اماکن مورد بازدید ۴- ترکیب برنامه های مختلف با یکدیگر

۱- مسئله اقامت جهانگردان:

## راهنمای گردشگری عمومی

موضوع اقامت مهم ترین و اصلی ترین عامل در برنامه های بازدید جهانگردی است. زیرا به طور کلی رفاه و آسایش جهانگردان در محل اقامت آنان خلاصه می شود. انتخاب محل اقامت جهانگردان باید با توجه به نکات مختلف انجام گیرد. درجه تناسب محل اقامت با احتیاجات برنامه های بازدید و انواع جهانگردان درجه مطلوبیت برنامه های مزبور را افزایش خواهد داد. انتخاب محل اقامت شامل نکات زیر می باشد:

الف- محل اقامت باید متناسب با بودجه جهانگردان ( طبقات جهانگردان ) انتخاب شود.

ب- محل اقامت باید متناسب با انواع جهانگردی انتخاب شود. جهانگردی ورزشی در حوزه های مجاور، جهانگردی شهری و تجاری در مرکز شهر.

ج- باید حتی المقدور سعی شود کلیه افراد یک گروه جهانگردی با برنامه واحد در یک محل اقامت نمایند. ایجاد شکاف و تقسیم در میان گروه واحد جهانگردی بر خلاف هدف برنامه می باشد.

### ۲- مسئله تحرک جهانگردان:

زمان برنامه ←  
بودجه مسافران ←

این مسئله در انتخاب وسیله سفر و تناسب آن با برنامه های مختلف بازدید و همچنین بودجه جهانگردان خلاصه می گردد. موضوع وسیله مسافرت از نظر راحتی و آسایش مسافران نیز حائز اهمیت است و زمانبندی برنامه های بازدید با توجه به وسیله سفر انجام می پذیرد.

وسایل نقلیه سفر قابل استفاده در برنامه های بازدید عبارتند از:

الف- هواپیما: وسیله ای است سریع با درجه آسایش بالا ولی هزینه مسافرت با این وسیله گران است و از این وسیله اغلب طبقات اول و دوم جهانگردان استفاده می نمایند و رفاهی که در این وسیله موجود می باشد موجب امتیاز آن نسبت به سایر وسایل مسافرتی می گردد. استفاده از هواپیما در برنامه هایی که مدت آنها کوتاه می باشد بسیار ضروری است. در فاصله های بسیار دور و به طور کلی بین مبدأ و مقصد و بالعکس (کشور محل اقامت و محل مورد بازدید) اغلب هواپیما مورد استفاده قرار می گیرد. این امر امروزه چنان گسترش یافته است که تسهیلات هوایی موجود را برای مسافران هواپیماها به وجود آورده است. آخرین تحول در مسافرت های هوایی استفاده از هواپیماهای چارتر می باشد که در جهت تقلیل هزینه مسافرت، که هزینه بالا تنها نکته منفی این وسیله نسبت به سایر وسایل مسافرتی است در حال توسعه می باشد. استفاده از هواپیما احتیاج به وسایل ارتباطی مکمل (اتوبیل یا اتوبوس برای فواصل فرودگاه ها و هتل ها و یا اماکن مورد بازدید) دارد.

ب- کشتی: وسیله ای است راحت و مطمئن به علت وجود فضای کافی در کشتی ها امکانات پذیرایی و آسایش بیشتری نسبت به هواپیما وجود دارد. امروزه کشتی های مسافری به رستوران، استخر شنا، وسایل ورزشی، اتاق های مناسب و دیگر تسهیلات ممکنه مجهز می باشند. استفاده از این وسیله برای کسانی که وقت کافی دارند مناسب است. کشتی نیز مانند هواپیما احتیاج به وسیله ارتباطی مکمل دارد.

## راهنمای گردشگری عمومی

ج- راه آهن: قطار وسیله ای است بسیار مطمئن، سریع و ارزان. اطمینان و ارزانی این وسیله مسافرت و نیز تسهیلاتی که در این سرویس برای مسافران موجود می باشد موجب گردیده که راه آهن از نظر امتیازات و ارجحیت بین هواپیما و کشتی قرار گیرد. امروزه در اغلب کشورهای اروپایی مسافران استفاده از راه آهن را ترجیح می دهند. سیستم راه آهن به علت دقتی که در وقت در رسیدن به مقصد در آن وجود دارد و نیز منظم بودن برنامه های آن، از نظر زمانبندی برنامه های بازدید جهانگردی بسیار مناسب می باشد و از این نظر از هواپیما و کشتی بهتر است. استفاده از قطار نیز به وسایل ارتباطی مکمل احتیاج دارد.

د- اتوبوس: ارزانی، امتیاز مثبت این وسیله بر سایر وسایل ارتباطی است. این وسیله اغلب مورد استفاده طبقات دوم و سوم جهانگردان است و امروزه با تهیه اتوبوس های مجهز، ایجاد راه های ارتباطی مناسب و نیز ارائه خدمات و تسهیلات خاص مسافرتی کوشیده اند آسایش و رفاه بیشتری را نیز در این سرویس ایجاد نمایند. اطمینان و امنیت این وسیله از سایر وسایل کمتر است (حوادث، خرابی ها و ... ) ولی ارزانی غیر قابل رقابت این سیستم موجب ارجحیت آن نسبت به سایر وسایل ارتباطی می گردد.

استفاده در مسیرهای طولانی از این وسیله بسیار خسته کننده می باشد. به خصوص که امکانات خواب و استراحت موجود نیست. امتیاز جالب دیگر این وسیله در آن است که از طریق مسافرت با اتوبوس تماس نزدیک با مردم یک حوزه و یا نقاط مختلف آن امکان پذیر می گردد و نیز اتوبوس احتیاج به وسیله ارتباطی مکمل ندارد.

ه- اتومبیل: دارای امتیازات اتوبوس می باشد. علاوه بر این که اتومبیل محیط نزدیک تری را ایجاد می نماید و قدرت تحرک آن بیشتر است ولی امتیاز ارزانی اتوبوس را ندارد. اتومبیل اغلب مورد استفاده طبقات اول و دوم جهانگردان است ولی باید به این نکته توجه داشت که استفاده از این وسیله فقط برای گروه های محدود و کم مقدور است. در اتومبیل نیز مسئله وسیله ارتباطی مکمل منتفی است.

به طور کلی انتخاب وسیله سفر در اجرای برنامه های بازدید جهانگردی باید شامل نکات زیر باشد:

- ۱- وسیله سفر متناسب با بودجه جهانگردان انتخاب گردد.
- ۲- وسیله سفر متناسب با وقت برنامه تعیین گردد.
- ۳- وسیله سفر باید متنوع باشد.
- ۴- وسیله سفر باید با توجه به آسایش و رفاه و نیز احتیاجات برنامه های بازدید انتخاب گردد.

### ۳- انتخاب محل ها و اماکن مورد بازدید

در هر حوزه جهانگردی عرضه های متنوعی موجود می باشد که در زمینه های مختلف و با توجه به انواع جهانگردی مورد توجه است. ولی غالباً هر حوزه جهانگردی دارای عرضه های اصلی جهانگردی می باشد که به علت اهمیت و قدرت جاذبه جهانگردی آنان در برنامه بازدید انواع جهانگردی منظور می شود. عرضه های جهانگردی را می توان در دسته های زیر خلاصه کرد:

## راهنمای گردشگری عمومی

**الف- اماکن تاریخی:** این اماکن شامل بناهای باستانی، تپه های باستان شناسی، موزه ها و مناطق تاریخی می باشد.  
**ب- عرضه های ملی:** این عرضه ها شامل جشن های ملی، لباس های محلی، صنایع دستی و تولیدات ملی هر کشور است.

**ج- تأسیسات پذیرایی:** این تأسیسات شامل مهمانخانه ها، رستوران ها، کافه ها و غیره می باشد.  
**د- مکان های تفریحی:** این تأسیسات شامل نقاط ورزشی و تفریحی حوزه مناطق ساحلی و تابستانی، اتفاقات ورزشی، نقاط طبیعی کشور و متناسب با احتیاجات جهانگردی ورزشی (فوتبال، کوهنوردی، شکار، اسب سواری و انواع ورزش ها) می باشد.

**ه- تأسیسات علمی و فرهنگی:** شامل سازمان های مختلف آموزشی، صنعتی و مذهبی و تأسیسات بهداشتی درمانی می باشد.

انتخاب محل ها و اماکن مورد بازدید و اعمال آنها در برنامه های بازدید جهانگردی باید با توجه به انواع جهانگردی به عمل آید.

**الف- انتخاب محل ها و اماکن باید با توجه به عرضه های اصلی جهانگردی به عمل آید.**

**ب- انتخاب باید متناسب با مدت برنامه و محدودیت آن تعیین گردد.**

**ج- انتخاب باید با توجه به بودجه معین شده به عمل آید؛ زیرا گسترش و یا کاهش آن موجب افزایش و تقلیل هزینه لازم جهت اجرا خواهد شد.**

**د- انتخاب باید به نحوی عمل گردد که آسایش و رفاه لازم در برنامه بازدید و نیز قابلیت انعطاف در برنامه ها وجود داشته باشد.**

### ۴- ترکیب برنامه های بازدید جهانگردی و خصوصیات این برنامه

ترکیب برنامه های بازدید جهانگردی آخرین مرحله در تنظیم برنامه های بازدید می باشد. به عبارت دیگر هنگامی که نوع و طبقه جهانگردان مشخص شد، محل اقامت آنان تعیین گردید، انتخاب وسیله سفر به عمل آمد و محل ها و اماکن مورد بازدید تعیین گردید، زمانبندی برنامه بازدید جهانگردی آغاز می شود. مرحله ترکیب برنامه های بازدید جهانگردی را می توان زمانبندی این برنامه ها به شمار آورد.

در ترکیب برنامه های بازدید جهانگردی نکاتی باید رعایت گردد:

۱- نقاط مختلف حوزه جهانگردی که مورد بازدید قرار می گیرند باید با در نظر گرفتن مدت زمان لازم برای طی مسافتات و هزینه تعیین شده بین تعداد روزها (مدت برنامه) تقسیم گردد. برای استفاده از عرضه های اصلی تعداد بیشتری از روزها و برای عرضه های ثانوی تعداد کمتری منظور خواهد گردید.

۲- در برنامه وقت بازدیدها و تعداد اماکنی که در هر وقت مورد بازدید قرار می گیرند باید مشخص گردد. معمولاً روز به دو قسمت صبح و بعدازظهر تقسیم می شود و در هر قسمت بنا به اختیار تنظیم کننده، زمانبندی شده و یا بدون درج ساعت بازدید اماکن مورد بازدید ذکر می گردد. در مورد ذکر نام محل ها و اماکن مورد بازدید مناسب تر است

## راهنمای گردشگری عمومی

که برای هر محل در یک جمله و یا چند کلمه کوتاه مشخصات اصلی آن ذکر شود. به عنوان مثال تخت جمشید (بنای هخامنشی).

وقت در برنامه های بازدید جهانگردی، چهار رقمی است که دو رقم اول معرف ساعت و دو رقم دوم معرف دقیقه است.

۳- برنامه های سفر به نقاط مختلف، باید حاوی ساعت حرکت، فاصله بین مبدأ و مقصد و ساعت تقریبی لازم برای طی آن باشد. توقف بین راه برای استراحت و یا بازدید از اماکن تاریخی درج گردد.

۴- صرف صبحانه و ناهار در روزهای مختلف برنامه و محل آن باید کاملاً مشخص باشند. در مورد شام چون اغلب در برنامه های بازدید جهانگردی عصر و شب شامل برنامه خاصی نمی شود (به لحاظ رعایت آسایش و رفاه بازدید کنندگان) احتیاج به ذکر ندارد.

۵- در برنامه ها به خصوص در قسمت هایی که برنامه مسافرت طولانی و یا فشرده منظور گردیده است، باید حتماً مدت کافی برای استراحت و انجام امور خصوصی به جهانگردان داده شود. گاهی تنظیم کننده برنامه های جهانگردی تصور می نمایند که گنجاندن هرچه بیشتر محل های مورد بازدید مطلوبیت برنامه را بالا می برد، در حالی که نتیجه درست برعکس این مطلب را نشان می دهد. مثلاً صبح برای میدان نقش جهان اصفهان.

چنانچه برنامه بیش از یک هفته به طول بیانجامد، لازم است آخر هفته را کاملاً آزاد تعیین نمود، و برای کسانی که تمایل به بازدید دارند و مایل به استراحت نیستند، از عرضه های ثانوی استفاده نمود.

۶- چنانچه برای بازدید از اماکنی که در برنامه منظور گردیده است، پرداخت وجه (ورودی) و یا اجازه مخصوص و یا دعوت از طرف سازمانی لازم بوده، پس از انجام مذاکرات و جلب موافقت باید در مقابل هر یک طی یک جمله کوتاه این امر شرح داده شود. (ذکر این مطالب از آن جهت اهمیت دارد که اولاً جهانگردان از هزینه ها و تشریفات بازدید مطلع می شوند و از طرف دیگر در بسیاری از دعوت ها دیده شده است که جهانگردان هدایا و یادگاری هایی را به مسئولان محل مورد بازدید می دهند. لذا لازم است قبلاً از این دعوت ها آگاه باشند.)

۷- برنامه ها باید حتماً حاوی فعالیت های جهانگردی شبانه نیز باشند و این امر ایجاد تنوع خاص در برنامه های مزبور خواهد نمود. (در یک برنامه ۱۰ روزه ۲ الی ۳ شب کافی خواهد بود.)

۸- در ترکیب برنامه های بازدید جهانگردی باید بسیار متنوع عمل شود. به عنوان مثال صبح بازدید از یک مسجد، یک موزه و بازدید از یک بازار در برنامه منظور شود، و الا دیدن چندین اثر تاریخی مشابه با عرضه واحد جهانگردی موجب خستگی و ملال خواهد بود.

تناسب اوقات روز با عرضه های مختلف جهانگردی مهم است. مثال بازدید از بازار هنگام صبح جالب تر از ظهر است که اغلب مغازه داران به صرف غذا می روند و یا مشتریان آن کم می شوند و به همان ترتیب بازدید از مناظر طبیعی و فضای آزاد به هنگام عصر بهتر از صبح می باشد.

۹- آغاز برنامه های بازدید در هر روز باید تقریباً حدود ساعت ۹ صبح شروع و پایان آن نباید دیرتر از ساعت ۶ بعدازظهر در تابستان و ۵ بعدازظهر در زمستان باشد.

### هزینه یابی و قیمت گذاری گشت ها

در یک تور نباید قیمت را آنقدر بالا ببریم که مشتریان را از خود برانیم و یا آنقدر پایین باشد که موجب ضرر ما بشود. پس باید کاری کرد که هم مشتری را حفظ کنیم و هم بتوانیم سود معقولی را به دست بیاوریم. برای اینکه بتوانیم قیمت گذاری کنیم باید یکسری نکات را مورد توجه قرار دهیم:

- ۱- وسیله نقلیه
- ۲- واحد اقامتی
- ۳- هزینه پرسنل و تحقیقات
- ۴- هزینه بازاریابی
- ۵- هزینه غذا و نوشیدنی
- ۶- هزینه ورودیه ها
- ۷- انعام ها
- ۸- هدایای اعضای تور
- ۹- هزینه های متفرقه و هزینه هایی که پیش بینی نشده اند
- ۱۰- سود

### هزینه وسیله نقلیه:

- یکی از مسائل مهم وسیله نقلیه است که باید قیمت گذاری و نحوه اجاره گرفتن آنرا بدانیم:
- ممکن است اتوبوس را بر اساس مدت زمان و یا بر اساس فاصله اجاره بدهند.
- برای مسافت های طولانی در بست گرفتن یک اتوبوس برای دوره ای از زمان بهتر است.
- وجود میکروفون در اتوبوس
- هزینه پرداخت عوارض در بزرگراه ها
- میزان استفاده از صندوق های بغل اتوبوس
- وجود سیستم صوتی و تصویری در اتوبوس
- هزینه بیمه که آیا اتوبوس بیمه است یا خیر
- در اجاره اتوبوس باید غذا و هزینه اقامت راننده مشخص شود که آیا به عهده راننده است یا دفتر.

### هزینه هتل و اقامت:

- در هتل باید بیشتر به دنبال این باشیم که اتاق های دو نفره را به دست بیاوریم. اتاق های دو نفره راحت تر است.
- بهتر است همه مسافران را در یک طبقه هتل جا دهیم تا دسترسی به آنها راحت تر باشد.
- انعام برای چمدان برها در صورت لزوم فراموش نشود.



- به نوع و نرخ اتاق ها در قراردادمان توجه کنیم.

### هزینه پرسنل و تحقیقات:

هر تور هزینه پرسنلی جداگانه ای دارد. مثل هزینه راهنما، رهبر تور، مدیر تور و ... . هزینه نمودن برای تحقیقات موجب می شود ما سود بیشتری به دست بیاوریم. زیرا به وسیله تحقیق از بسیاری ضررهای احتمالی جلوگیری می نماییم.

### هزینه بازاریابی و تبلیغات:

سعی کنیم چند تور را با هم بازاریابی کنیم، تا هزینه بازاریابی سرشکن شود. بازاریابی برای یک تور معمولاً از طریق:

- چاپ عکس و پوستر
- و آگهی دادن به روزنامه می باشد.

### هزینه غذا و نوشیدنی:

اگر تور همراه با وعده های غذایی است، همه وعده ها را از رستوران هتل استفاده نکنیم. زیرا رستوران هتل ها به علت داشتن تشریفات، قیمت ها را بالا می برند. سعی شود چند وعده غذا در رستوران های بیرون سرو شود. ما باید با توجه به اعضای تور غذاهای آماده را هم در برنامه قید نماییم و آنرا در بین راه مثلاً در یک جنگل، فضای سبز یا کنار رودخانه به اعضای تور بدهیم.

### هزینه ورودیه ها و بازدیدها:

ما باید بر اساس اعضای تور و تعداد ورودیه هایی که وجود دارد هزینه هایمان را مشخص کنیم و برای بسیاری از ورودیه ها به خاطر گروهی بودن تخفیفات ویژه ای می دهند. برای هر ده نفر در بعضی از ورودیه ها یک نفر رایگان وارد می شود.

### هزینه انعام:

که یک بخش از هزینه ها محسوب می شود. انعام به راننده، به نگهبان های ابنیه ها، انعام به چمدان برها و انعامی که به کارگران رستوران ها داده می شود برای اینکه بهتر از اعضای تور پذیرایی کنند. و انعام دیگری که موجب تبلیغ می شود، دادن هدیه به افرادی است که سالگرد تولد یا ازدواج آنهاست.

**هزینه ثابت:** وسیله نقلیه، راهنما، پرسنل، بازاریابی و تبلیغات، انعام.

**هزینه متغیر:** واحد اقامتی، غذا و نوشیدنی، ورودیه ها، هدایا، هزینه متفرقه.

## راهنمای گردشگری عمومی

هزینه متغیر + هزینه ثابت = قیمت پایه

درصد سود پیش بینی شده  $\times$  قیمت پایه = رقم سود      رقم سود + قیمت پایه = قیمت تور

هزینه کل وسیله نقلیه
تعداد روزها $\times$ _____ = هزینه حمل و نقل برای هر مسافر
نقطه شکست

هزینه اتاق + مالیات و عوارض
تعداد شب ها $\times$ _____ = هزینه اقامت برای هر مسافر
تعداد مسافران هر اتاق

دستمزد + اقامت + غذا
تعداد روزها $\times$ _____ = هزینه راهنما در ازای هر مسافر
نقطه شکست

### مراحل اجرای گشت

موفقیت هر برنامه به مرحله اجرایی آن بستگی دارد. مرحله تنظیم و اجرای برنامه ها لازم و ملزوم یکدیگر می باشند. عملیات اجرایی و نقص در هر مرحله موجب مشکلات و شکست در مرحله دیگر می گردد، ولی امتیاز مرحله اجرایی برنامه آن است که با شایستگی مجری امکان اصلاح و تغییر برنامه ها چه به علت غلط بودن تنظیم و چه حدوث وقایع پیش بینی نشده در مرحله اجرایی ممکن است.

از جمله عملیاتی که در قسمت اجرا انجام می گیرد عبارتند از:

- ۱- درخواست ویزا برای اعضای تور (از طریق وزارت امور خارجه)
- ۲- رزرو هتل ها به موقع انجام گیرد، به خصوص در فصل های شلوغ.

## راهنمای گردشگری عمومی

- ۳- رزرو سرویس های حمل و نقل گروه به موقع انجام شود و کیفیت وسایل حمل و نقل و امکاناتی که باید در اتوبوس وجود داشته باشد به دقت کنترل شود.
- ۴- وضعیت شخصی و رفتاری راننده اتوبوس حتماً مورد نظر قرار گیرد.
- ۵- راهنما را حتماً مسلط، مطلع، زبان‌دان، فهیم و با تجربه انتخاب کنیم.
- ۶- کلیه اوراق قانونی ورود اتوبوس به شهرها را قبلاً آماده کنیم.
- ۷- کلیه پروازهای داخلی گروه را در صورت نیاز از قبل آماده و تأیید مجدد کنید و در صورت کنسل شدن پرواز بلیط جدید تهیه کنید.
- ۸- اگر در ابتدای اجرای تور هستید، حتماً فردی را از قبل برای بازدید هتل های خود بفرستید.
- ۹- حتماً فردی را برای استقبال گروه به فرودگاه بفرستید، این عمل باعث دلگرمی و خشنودی مسافران شما خواهد شد.
- ۱۰- لیست مسافران را چک کنید و مدارک آنها را (vocher) بررسی نمایید.
- ۱۱- برای حمل و نقل چمدان های مسافران حتماً فردی را همراه داشته باشید.
- ۱۲- چمدان های ورودی را به دقت چک کنید تا کسری نداشته باشد. برچسب آژانس وارد کننده تور و یا روبان یک رنگ روی چمدان ها وصل نمایید تا از مفقود شدن آنها جلوگیری کنید.
- ۱۳- در هنگام ورود به شهر در داخل اتوبوس توضیحات کافی و خیلی مختصر را به مسافران بدهید، به نحوی که کسل کننده نباشد و ایجاد خستگی نکند. در ضمن مهربانی و لبخند را در تمام شرایط فراموش نکنید.
- ۱۴- در ورود به هتل محل اقامت سعی کنید که اتاق ها قبلاً آماده شده باشد و کلیدها سریعاً در اختیار مسافران قرار گیرد. مسافران No show را مشخص کنید. اگر غیبت آنها موجه بود هتل می تواند پولی دریافت نکند و اگر موجه نبود می تواند جریمه بگیرد.
- ۱۵- حتماً سر میز صبحانه که برای غربی ها بسیار مهم است فردی را به عنوان نماینده داشته باشید.
- ۱۶- خریدن کادویی ارزان قیمت ولی خاطره انگیز برای هر نفر به هنگام خروج از ایران می تواند یادگار بسیار خوبی باشد.
- ۱۷- قبل خروج آخرین وعده غذایی را در بهترین رستوران به عنوان Good by party برگزار نمایید.
- ۱۸- مسافران حتماً سه ساعت قبل از پرواز در فرودگاه حاضر باشند.
- ۱۹- اسکورت کامل و صمیمانه را به عمل آورید و دقت نمایید که معضلات فرودگاه گریبانگیر شما نشود و خوشی سفر را به ناخوشی تبدیل نکند. در بدرقه مسافران مراقب باشید، زیرا این مرحله از مراحل است که دقت در اجرای آن به ادامه روند تور شما کمک می کند.

### وظایف اصلی راهنمای تور

مسئول مستقیم رفع مشکلاتی که ناخواسته پیش روی مسافران قرار می گیرد نیز راهنما است. چندان مهم نیست که آیا این مشکلات به دلیل ناهماهنگی میان عناصر خدمت رسان به برنامه سفر روی داده است و یا مشکلی شخصی

## راهنمای گردشگری عمومی

است که حتی به واسطه سهل انگاری برای گردشگر رخ داده است. می خواهد تغییر در توزیع اتاق های هتل باشد یا پیچ خوردگی پای یک گردشگر به هنگام قدم زدن در محوطه ای تاریخی و یا سرقت و یا مزاحمت خیابانی باشد یا برخورد قانونی مأموران محلی با گردشگری که اصول یا قوانین متعارف را زیر پا گذارده است. گاه به نظر می رسد تعیین حد و مرزی برای وظایف راهنما در قبال مشتری نوعی کج اندیشی است.

علاوه بر آنچه ذکر گردید یک راهنما به طور متعارف وظایف رسمی زیر را بر عهده دارد:

- ۱- استقبال از گردشگران ورودی و خوش آمدگویی به ایشان و بدرقه مسافران خروجی که مقصد را ترک می کنند.
- ۲- او موظف است جوی دوستانه و صمیمی میان گروه مسافران ایجاد کند تا برنامه سفر به تجربه ای خوشایند، دلپذیر و به یاد ماندنی برای ایشان مبدل گردد.
- ۳- برنامه ریزی فعالیت های روزانه گروه نظیر ساعت شروع برنامه، هماهنگی در تدارک وعده های غذایی و بازدیدها بر عهده راهنماست. او به طور مستمر ساعات حرکت به سوی هر جاذبه یا موقعیت و مقدار زمان اختصاص یافته به هر فعالیت را به مسافران یاد آور می شود.
- ۴- هماهنگی با وسایل حمل و نقل از جمله وظایف راهنمای تور به حساب می آید. به عنوان مثال راننده باید در چه ساعتی و در چه محلی منتظر گروه باشد و از چه مسیری به سوی چه جاذبه ای حرکت نماید و سرعت سیر او بر حسب اینکه راهنما قصد توضیح مطلبی درباره مسیر دارد یا خیر چه اندازه باشد، از نکاتی است که از سوی راهنما با راننده اتوبوس یا قلیق یا دیگر وسایل نقلیه مورد استفاده در مقصد هماهنگ می شود.
- ۵- تنظیم برنامه مالی سفر و انجام پرداخت بابت همه هزینه هایی که بر حسب برنامه بر عهده تور است نیز از وظایف راهنماست. اگر چه به طور معمول دفاتر تدارک کننده برنامه تور حدودی از اختیارات برای خرج کردن راهنما قائل هستند لذا راهنما اجازه دارد حسب شرایط خارج از برنامه تور مسافران را به نوشیدنی یا پذیرایی ساده به حساب تور گردان دعوت نماید. اما به هر حال او باید حساب دخل و خرج سفر را به دقت داشته باشد.
- ۶- راهنما باید کارهای دفتری و بوروکراسی اداری مرسوم که در طول سفر برای تحقیق سایر وظایف خویش به آنها نیازمند است را انجام دهد. مثلاً اگر بازدید از منطقه یا محل خاص نیازمند اخذ مجوز از مقامات محلی است، اجرای آن وظیفه اوست.
- ۷- توزیع اطلاعات مکتوب در خصوص جاذبه ها، مسیرها، خدمات اولیه مورد نیاز گردشگران (مثل نقشه موقعیت هتل در شهر) نیز از جمله وظایف بدیهی راهنما است.
- ۸- دقت در نحوه خدمت رسانی از سوی واحدهای عرضه کننده خدمات به مسافران و کیفیت و کمیت خدمات ارائه شده نیز از وظایف راهنماست. مثلاً نظارت بر کیفیت غذای رستوران در صورت نقص تذکر به مدیر آن و در صورت عدم تأثیر موضوع را به صورت کتبی به دفتر برگزار کننده تور منعکس نماید.
- ۹- راهنما در هر جزء برنامه باید بسیار دقیق باشد. یکی از بزرگترین خطاهایی که ک راهنمای تور ممکن است مرتکب شود، به جای گذاردن مسافری در یک توقف بین راه یا در یک مقصد و محل مورد بازدید است.

## راهنمای گردشگری عمومی

- ۱۰- از بروشورهای منتشر شده در زمینه های مختلف جهت راهنمایی هرچه بهتر اعضای تور خود استفاده به عمل آورده و در صورتی که چنین بروشورهایی به اندازه کافی در اختیار باشد، بین اعضای تور توزیع نموده تا اطلاعات توریست ها بیشتر شود.
- ۱۱- راهنمای تور می بایست همیشه پیش از اعضای تور در سر میز صبحانه حاضر شود. این امر از اهمیت زیادی برخوردار است و به اعضای تور آرامش و اعتماد می بخشد.
- ۱۲- به جاست که راهنما آدرس کامل هتل و محل اقامت گروه را به هر یک از اعضای تور داده و از طریق نقشه راهنما نیز مکان آنرا برای تمامی اعضای تور مشخص نماید.
- ۱۳- از دیگر وظایفی که بر عهده راهنما است هدایت اعضای تور جهت خرید در محلات مختلف شهر است که اجناس مناسب و مورد نیاز را برای فروش ارائه می نمایند.
- ۱۴- داشتن اطلاعات مربوط به امور مهاجرتی، امور گمرکی، ویزا، گذرنامه و نحوه تأمین ارز، چه در کشور خود و چه در کشور مقصد از دیگر وظایف یک راهنما است.

### منابع و مآخذ:

- نلسون فرای، ریچارد: تاریخ باستانشناسی ایران، انتشارات سهند، ۱۳۸۰
- طلایی، حسن: باستانشناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
- آموزگار، ژاله: تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
- زارعی، محمد ابراهیم: آشنایی با معماری جهان، نشر فن آوران، ۱۳۸۴
- نیلفروشان، محمد رضا: معماری ایرانی، چاپ رشاد، ۱۳۸۶
- پیرنیا، محمد کریم: سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معماری، ۱۳۸۳
- پیرنیا، محمد کریم: معماری ایرانی، نشر سروش دانش، ۱۳۸۷
- پیرنیا، حسن، اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ ایران، نشر نامک، ۱۳۸۴
- گدار، آندره، ترجمه: مقدم، ابوالحسن، آثار ایران، پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ جلد ۱ و ۲
- گریشمن، رمان، ترجمه: معین، محمد، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، نشر دنیای کتاب، ۱۳۸۴